

مصاحبه‌ها و مناظرات

مصاحبه‌ها و مناظرات دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی



۱۷



شورای راهبردی الگوی
اسلامی ایرانی پیشرفت

اردیبهشت ۱۳۹۲ لغایت بهمن ۱۳۹۵

مباحث دوران تحلیل ذهنی

ویرایش اول؛ تیر ۱۳۹۶



شناسنامه

عنوان دوره

مصاحبه‌ها و مناظرات دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی

ارائه دهنده

حجت‌الاسلام والمسلمین کشوری

تاریخ انتشار مطالب

اردیبهشت ۱۳۹۲ لغایت بهمن ۱۳۹۵

مشخصات اثر

۱۹۰ صفحه (قطع رحلی)

تاریخ انتشار

مرداد ۱۳۹۶

تاریخ ویرایش اول

مرداد ۱۳۹۶



فهرست اجمالی



مصاحبه اول	۳
معرفی اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی در گفتگو با هفته نامه ۹ دی - شماره ۷۰	
مصاحبه دوم	۱۵
معرفی اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی در گفتگو با پایگاه تریبون مستضعفین	
مصاحبه سوم	۳۲
معرفی نقشه راه در نشست خبرگزاری فارس تبیین ۲۷ مأموریت برای انتقال نظام به مرحله به کارگیری الگوی پیشرفت اسلامی در اداره کشور	
مصاحبه چهارم	۳۸
گفتگو با کیهان فرهنگی (خرداد ۹۳): مانع اصلی تدوین الگوی پیشرفت اسلامی چیست؟	
مصاحبه پنجم	۴۵
قسمت اول گفتگو با مرصاد نیوز: ایجاد تغییر در ساختارهای توسعه گرا روح نظریه دولت اسلامی است	
مصاحبه ششم	۴۸
قسمت دوم گفتگو با مرصاد نیوز: نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی مسیر دولت سازی و جامعه سازی اسلامی را تشریح می کند	
مصاحبه هفتم	۵۰
گفتگو با ویژه نامه نوروزی روزنامه جوان: غفلت از گفتمان الگوی پیشرفت و نقد برنامه ریزی توسعه توهم کارآمدی را در جریان توسعه گرا تقویت می کند / برنامه های توسعه باید بر پایه نظام سازی اسلامی طراحی شوند.	
مصاحبه هشتم	۵۹
گفتگوی حجت الاسلام کشوری با اندیشکده برهان: تبیین بزرگترین فرصت پیشروی الگوی پیشرفت اسلامی / کلی گویی درباره الگوی پیشرفت اسلامی، ریشه یکسان انگاری توسعه غربی با پیشرفت اسلامی است	
مصاحبه نهم	۶۷
گفتگوی حجت الاسلام علی کشوری با روزنامه شهرآرا: مدیریت شهر اسلامی محله محور است / تعریف محله به محل تأمین نیازهای خانوار	
مصاحبه دهم	۷۳
گفتگوی حجت الاسلام علی کشوری با پایگاه ۵۹۸: تبیین سطوح چهارگانه پیوست الگوی پیشرفت برای برنامه ششم / تغییر محتوای آموزشی در آموزش و پرورش به محوریت تقویت نهاد خانواده پیشنهادی برای مقاوم سازی فرهنگ	

فهرست اجمالی



مصاحبه یازدهم	۸۳
حجت الاسلام علی کشوری در گفتگو با خبرگزاری دانشجو: کشور به بیماری توسعه گرایی مبتلاست / توسعه؛ پدیده‌ای خلاف نظام ارزشی ما	
مصاحبه دوازدهم	۸۷
تبیین پیوست پیشنهادی الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم در گفتگو با هفته‌نامه نه دی / راه تشخیص عدم توازن‌های فرهنگی استفاده از نظریات بخشی الگوی پیشرفت اسلامی است.	
مصاحبه سیزدهم	۹۳
گفتگوی حجت الاسلام علی کشوری با تسنیم / تبیین ابعادی از "تراژدی تضاد" برنامه ششم با الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت	
مصاحبه چهاردهم	۹۷
حجت الاسلام کشوری در گفتگو با مهر: جریان توسعه گرا در گام اول در تحلیل واقعیت‌ها دچار مشکل است نه تحلیل آرمان‌ها / ریشه سکولاریسم مدیریت شهری توسعه گرا است	
مصاحبه پانزدهم	۱۰۷
متن کامل سخنان حجت الاسلام علی کشوری در نشست خبری تبیین پیشنهادات الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم / تحقق پیشنهادات هفت گانه الگو برای برنامه ششم؛ نقطه آغاز تغییر در نظام برنامه‌ریزی فعلی است	
مصاحبه شانزدهم	۱۱۹
گفتگوی حجت الاسلام کشوری با خبرگزاری تسنیم؛ ابعاد امنیتی تجاری‌سازی تراریخته‌ها در نمایشگاه مطبوعات بررسی شد / چرا رئیس تحقیقات و فناوری سازمان مدیریت از مناظره هراس دارد؟!	
مصاحبه هفدهم	۱۲۷
متن کامل گفتگوی حجت الاسلام و المسلمین کشوری با خبرنگار آستان (رسانه اینترنتی حرم مطهر امام خمینی) در تاریخ ۲۲ آذرماه ۱۳۹۵	
مصاحبه هجدهم	۱۲۸
گفتگو با ۵۹۸: در نظام برنامه‌ریزی به سیاست‌های رهبری در خصوص بهبود معیشت اقشار ضعیف توجهی نمی‌شود / ما تصمیم گرفتیم برای برنامه هفتم برنامه‌ای مبتنی بر الگوی پیشرفت اسلامی بنویسیم	
مصاحبه نوزدهم	۱۳۰
مصاحبه حجت الاسلام کشوری با شماره ۱۷۰ خردنامه (بهمن ۱۳۹۵) / جریان توسعه گرا در موضع دفاع است: نه ما! / پایه نرم افزار دولت اسلامی، فهم دقیق مفهوم هدایت است	

فهرست اجمالی



مصاحبه بیستم	۱۴۶
متن کامل گفتگوی حجت الاسلام و المسلمین کشوری با خبرنگار آستان (رسانه اینترنتی حرم مطهر امام خمینی) در تاریخ ۲۲ آذرماه ۱۳۹۵	
مصاحبه بیست و یکم	۱۴۷
گفتگو با ۵۹۸: در نظام برنامه ریزی به سیاستهای رهبری در خصوص بهبود معیشت اقشار ضعیف توجهی نمی شود/ ما تصمیم گرفتیم برای برنامه هفتم برنامه ای مبتنی بر الگوی پیشرفت اسلامی بنویسیم	
مصاحبه بیست و دوم	۱۴۹
مصاحبه حجت الاسلام کشوری باشماره ۱۷۰ خردنامه (بهمن ۱۳۹۵) / جریان توسعه گرا در موضع دفاع است: نه ما! / پایه نرم افزار دولت اسلامی، فهم دقیق مفهوم هدایت است	
مناظره اول	۱۵۹
مناظره حجت الاسلام کشوری- دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی- و مهندس چیت چیان-مسئول نظارت فرآیندی اندیشکدههای مرکز الگوی پیشرفت اسلامی- در برنامه دو نیم ساعت شبکه خبر	
مناظره دوم	۱۷۰
مناظره حجت الاسلام علی کشوری دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی با دکتر امیر باقری رئیس امور اقتصاد کلان سازمان مدیریت و برنامه	
مناظره سوم	۱۷۹
مناظره حجت الاسلام علی کشوری و دکتر معصومی راد در برنامه تیتراژ شبکه خبر	
مناظره چهارم	۱۸۷
مناظره حجت الاسلام علی کشوری دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی با دکتر تاجگردون نماینده مجلس شورای اسلامی	
مناظره پنجم	۱۹۶
مناظره حجت الاسلام کشوری دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی و دکتر تابش نماینده مردم اردکان در شبکه خبر برنامه تیتراژ شبکه	

بخش اول



مصاحبه‌های دبیر شورای راهبردی
الگوی پیشرفت اسلامی



۱. معرفی اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی در گفتگو با هفته نامه ۹ دی - شماره ۲۰۵

جمعه ۱ دی ۱۳۹۱

بسم الله الرحمن الرحيم

مدیر شورای راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت:

الگوی پیشرفت کمتر از جنگ اهمیت ندارد

خبرگزاری رسا: مدیر شورای راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، با بیان اینکه الگوی پیشرفت کمتر از جنگ اهمیت ندارد، تأکید کرد: ما شاید یک زاویه دید بهتری را برای نقد باز کنیم و آن توجه کردن نسبت به مسئله الگوی پیشرفت اسلامی است که در درون آن نقد توسعه غربی هم وجود دارد.

به گزارش سرویس پیشخوان خبرگزاری رسا به نقل از هفته‌نامه ۹ دی، حجت‌الاسلام کشوری، مدیر شورای راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تصریح کرد: ما اگر بخواهیم بر اساس برنامه‌هایی که برای پیشرفت اسلامی می‌نویسیم و برای توسعه کشور مرسوم هست، برنامه بنویسیم؛ می‌توانیم در دو برنامه باقیمانده چشم‌انداز، بر اساس الگوی خودمان سیاست‌های کلان پیشنهاد بدهیم.

خبرنگار: اگر قرار است وارد بحث الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بشویم، باید این کار را از نقد مدل‌های توسعه غربی شروع کنیم؛ اگرچه تا به حال در محافل مختلف پیرامون نقد الگوهای غربی توسعه و آنچه که در دوران اصلاحات و سازندگی انجام شد و به نوعی به بازتولید سبک زندگی غربی منجر شد، زیاد صحبت شده است؛ اما من هرچه فکر می‌کنم می‌بینم که بالاخره پایه و اساس بنای جدید، نقد بنای قبلی است؛ از این جهت یک توضیح مختصری در مورد مدل‌های قبلی توسعه و خصوصیات آن‌ها بفرمایید.

حجت‌الاسلام کشوری: بسم الله الرحمن الرحيم. فرمایشی که حضرتعالی می‌فرمایید در واقع یک تبیینی است از مسئله پیشرفت اسلامی؛ یعنی در واقع شما می‌خواهید به این برسید که چرا ادبیات انقلاب و مسئولین ارشد انقلاب به این نتیجه رسیده‌اند که ما به تولید ملی و پیشرفت اسلامی نیاز داریم.

برای تبیین این مسئله، رویکردهای مختلفی در کشور وجود دارد. همانطور که شما فرمودید آسیب‌شناسی الگوهای غربی با روش‌های مختلفی انجام شده است. خب! ما اگر نخواهیم به آنها اشاره‌ای داشته باشیم - چون بالاخره بحث مفصلی است و خوانندگانی داریم که به احتمال زیاد درگیر موضوع هستند و با این مسئله آشنا هستند - شاید یک زاویه دید بهتری را برای نقد باز کنیم. این زاویه دید، توجه کردن نسبت به مسئله الگوی پیشرفت اسلامی است که در درون آن نقد توسعه غربی هم وجود دارد. زاویه دید ما این است که ما به جهت جمهوری اسلامی توجه کرده و با توجه به جهت جمهوری اسلامی نگاهمان را به مسئله الگوی پیشرفت اسلامی تبیین کردیم؛ یعنی ما یک تبیین و یک درک از جهت نظام مبارک جمهوری اسلامی داریم که آن درک و جهت به ما می‌گوید نباید از الگوهای غربی استفاده کنیم. این یک بحث است.

یک بحث دیگر این است که ما یک بازخوانی تاریخی داریم از دارالفنون به این بعد؛ کشور ما از دوپست سال پیش یک تجربه‌ای داشته است و ما از طریق این تجربه هم می‌توانیم به این جمع‌بندی برسیم که الگوهای توسعه غربی چه اثری داشته‌اند. ما بحث‌مان فعلاً نقد الگوهای غربی نیست ولی به هر حال این دو مسئله از هم جدا نیستند و باهم ارتباط مفهومی دارند. ما در کشورمان یک تجربه دوپست ساله‌ای داریم که کارنامه روشنی است از جهت عملکرد تهرانی روشنفکری غربی در کشور. من احساس می‌کنم که بازخوانی این کارنامه باعث می‌شود که یک سری نقاط ضعفی مشخص و روشن بشود و آن نقاط ضعف ما را واداشته به اینکه بحث "الگوی پیشرفت اسلامی" در ادبیات انقلاب مطرح بشود.

خبرنگار: مضافاً بر اینکه به نظر من ما می‌توانیم یک چیزی را اینجا طرح کنیم که اصلاً الگوی توسعه غربی به مبنای همین غربی خود هم یک چیز واحدی نیست و یک مفهوم متکثری است، بین خودشان در جهات مادی خودشان به اقتضای زمانی و از



یک منطقه به منطقه دیگری، الگوهای مختلف توسعه غربی وجود داشته است. در حقیقت ما با یک الگوی واحد در تقابل نیستیم و از همین رو الگوهای کی‌برداری شده غربی هم که در داخل کشور اجرا شد، آن هم یک الگوی واحد غربی نبود؛ متکثر بود. می‌شود یک رگه‌های اصول ثابتی در آن پیدا کرد ولی به نظر من در کل الگوی ثابتی هم نبود. از این جهت پس اصلا الگو نبود. آن قدر تغییر جهت‌ها در این حوزه زیاد است که حتی در خود غرب و به تبع آن امواج گفتمانی که عوض می‌شد سیاست جدیدی تجویز می‌شد. زمانی جوّ چپ فکری غالب بود حتی الگوهای اقتصادی هم چپ شد و مثلا "اتایزم" و دولت‌محوری از لحاظ اداره حکومت اصلا یک مدل بود. در دهه ۵۰ و ۶۰ اصلا هر حکومتی که بیشتر می‌توانست امورات را دولتی کند مثبت بود. بعدها، در اروپای غربی مثلا دولت رفاه به وجود آمد و سپس با نئولیبرالیسم کالا الگوی توسعه غربی عوض شد. از این جهت هم ما می‌توانیم متوقع باشیم که برای تحت تأثیر قرار نگرفتن از امواج - که عموما هم منشا آن ربطی به ما نداشته - باید الگوی اسلامی خودمان را داشته باشیم.

حجت‌الاسلام کشوری: همانطور که شما می‌فرمایید اگر بنایمان این باشد که به لحاظ تئوریک و نظری الگوهای توسعه غربی را بررسی کنیم باید حتما یک بررسی کتابخانه‌ای درستی انجام بشود. اما در بحث نقد توسعه غربی، دو رویکرد هست؛ یک رویکرد می‌رود سمت بحث‌های کتابخانه‌ای و نظری که آن فضای خاص خودش را می‌خواهد که دو سه ترم دانشگاهی می‌خواهد که آن بحث‌ها را طبقه‌بندی کرد و مورد نقد قرار داد. حتی به لحاظ تاریخی هم حتی الان که ما نشستیم داریم حرف می‌زنیم، اختلاف قرائت‌هایی در نحوه ایجاد توسعه وجود دارد، به لحاظ بازه تاریخی هم این‌ها تحول پیدا کردند. پس یک سمت بحث می‌رود به سمت بحث‌های نظری که ما این را ورود پیدا نکردیم؛ یعنی الان بنایمان این نیست که در تبیین مسئله الگوی پیشرفت اسلامی این کار را انجام دهیم، بلکه می‌خواهیم بگوییم این تنها راه نیست. راه دیگری برای نقد هست که شما تحولات ۲۰۰ سال اخیر را بازخوانی کنید بالاخره دولت‌هایی سرکار آمدند؛ ما از قبل انقلاب برنامه‌ریزی مدرن در کشور ما شروع شده، قبل از انقلاب بوده الان هم چند برنامه توسعه در کشور ما اجرا شده؛ اینها را بازخوانی کردن و بعد با آرمان‌ها و با آن شرایط تاریخی ما سنجیدن یک راه است. بحث مهم دیگر، سوای این مسائل این است که قبل از اینکه ما وارد نقد توسعه غربی بشویم ابتدا بازخوانی کنیم ما چه می‌خواستیم؛ به هر حال فکر می‌کنم که خروجی بحث مشترک می‌شود.

خبرنگار: پس مبنای دید شما در موضوع نقشه راه الگوی اسلامی پیشرفت نقد توسعه غربی نبوده و با صبغه ایجابی به موضوع نگاه کردید؟

حجت‌الاسلام کشوری: به هر حال ما در این "نقشه راه الگوی اسلامی پیشرفت" از اینجا شروع کردیم. یعنی ابتدا جهت جمهوری اسلامی را تبیین کردیم. بعد وقتی آن مطلب اثباتی را که ما به دنبالش بودیم و برای آن انقلاب کردیم تبیین شد آن وقت زمینه قضاوت آماده می‌شود که آیا با توسعه غربی ما به اهداف خود خواهیم رسید یا توسعه غربی برنامه‌ریزی ضدشاخص‌های ماست.

از آغاز بحث، در مسئله تبیین الگوی پیشرفت اسلامی، جدول گفتمان پیشرفت اسلامی طراحی شده است. اولین مفهومی که در این جدول مطرح شده مسئله تبیین جهت جمهوری اسلامی است. خب! حالا جهت جمهوری اسلامی چیست؟ ما در این جدول به صورت خلاصه در سه سطر جهت را معنا کردیم؛ به نظر ما جهت عبارت است از تبیین مبنای حرکت، مراحل حرکت و موضوع انتقال از هر مرحله به مرحله دیگر. یعنی اگر بتوان با استفاده از این سه مفهوم، یک تبیین آکادمیک صحیح ارائه داد ما توانستیم جهت جمهوری اسلامی را تبیین کنیم که حالا من خیلی خلاصه گزارشی را خدمت شما ارائه می‌دهم.

اگر بخواهیم جهت حرکت جمهوری اسلامی ایران و انقلاب اسلامی را برای نخبگان و برای عامه مردم و مسئولین تبیین بکنیم ما ابتدا باید مبنای حرکتش را تبیین بکنیم؛ مبنای حرکت عبارت است از "ایده محوری" که حرکت و انگیزه از او و به خاطر تحقق او بوجود آمده است. هیچ شرایط زمانی و مکانی مبنای حرکت را تغییر نمی‌دهد. ممکن است شرایط زمانی و مکانی مسیر رسیدن به آن را کند بکند ولی تغییر پیدا نمی‌کند. به هر حال مبنا عبارت است از آن ایده محوری که قابل تغییر نیست و نمی‌شود دست از آن برداشت. اگر مبنای یک حرکت تغییر کند معنایش این است که آن حرکت از بین رفته و به یک



حرکت دیگر تبدیل شده است. پس بنابراین اگر ما به دنبال تبیین جهت حرکت نظام جمهوری اسلامی هستیم نیازمندیم مبنای حرکت و حیطه محوری حرکتی که شکل گرفته را تبیین کنیم.

در نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی، استنباط از ادبیات انقلاب این است که مبنای حرکت جمهوری اسلامی تحقق شاخصه‌های هویت اسلامی بوده است؛ یعنی از اولی که انقلاب شروع شده، انگیزه انقلابیون این بوده که اقامه اسلام بکنند و شاخصه‌های هویت اسلامی را محقق کنند.

خبرنگار: به نظر در بحث مبنا ابهامی نیست و نبوده. بلکه برای احراز هویت اسلامی همیشه شاخص‌ها محل اختلاف و ابهام بوده است. مثلاً ما متدی نداشتیم که در آن شاخص‌ها را احراز کنیم؛ مثلاً می‌دانیم با ضریب جینی نمی‌توان عدالت اقتصادی را اندازه گرفت. ما در شاخصه‌های احراز هویت مشکل داشتیم؛ یعنی بعضی از شاخص‌ها را آمادیم معادل چیزی گرفتیم که استحقاق آن را نداشته. مثلاً همان مثال ضریب جینی که خیلی نمی‌تواند شاخص عدالت باشد یا اصلاً بحث‌های پیشرفت فرهنگی، کجای آمارهای ما دیده می‌شود؟ تعالی فرهنگی را چگونه می‌شود سنجید؟

حجت‌الاسلام کشوری: بله همینطور است که حالا در بحث نقشه راه اتفاقاً ما یکی از خلاءهای تحقق مبنایمان را نبود شاخص‌های اسلامی می‌دانیم. به هر حال در برنامه‌ریزی نیاز به شاخص‌هایی داریم که راجع به آن هم توضیح می‌دهم ولی اگر عنایت بفرمایید الان ما می‌خواهیم جهت جمهوری اسلامی را اجمالاً توضیح بدهیم. در مقام تبیین جهت لازم نیست به تفصیل، شاخص‌های هویت اسلامی را اسم ببریم، همین که به اجمال بدانیم مبنای حرکت ما به دنبال تحقق شاخص‌های هویت اسلامی است؛ کفایت می‌کند.

برای اینکه این مبنا تبیین بیشتری پیدا کند، لازم است ما دقت کنیم که دو مبنای دیگر در حرکت‌های اجتماعی ایران موثر بوده است. یعنی به صورت جامعه‌شناسی اگر مطالعه بفرمایید می‌بینید حرکت‌ها از دو مبنای دیگر هم متأثر بودند، در این سال‌های گذشته از انقلاب ایران؛ یک مبنا، متعلق است به جریان روشنفکری که آن‌ها هم به میزانی که در جامعه ایران حضور پیدا می‌کردند بنایشان بر این بوده که فرآیند مدرنیزاسیون را در ایران ایجاد کنند؛ یعنی ایران را به سمت ارزش‌های مدرن سوق بدهند. اگر کسی بخواهد مبنا و ایده محوری جریان روشنفکری را تبیین کند به این می‌رسد که این‌ها به دنبال آوردن مدرنیته و بومی کردن مدرنیته در ایران بودند. خب! این مبنا در واقع در عرض مبنای انقلاب اسلامی عمل می‌کند؛ یعنی سعی می‌کند پتانسیل‌های اجتماعی را بر مبنای فرمانبری از محوری دیگر هماهنگ کند. یک مبنای دیگری هم در جامعه ایران منشأ آثار هست، آن هم مبنای جریان اسلام سنتی است که حیطه فعالیت خودش را به استنباط شاخص‌های هویتی اسلامی و ابلاغ این شاخصه‌ها محدود کرده است. جریان اسلام سنتی شاخص‌های هویت اسلامی را قبول دارد که بر مبنای حرکت‌های اجتماعی باشند؛ ولی برنامه‌ریزی برای این که برود به سوی تحقق، در دستور کارش هیچ وقت نبوده است.

خبرنگار: آیا این نوعی سکولاریسم نیست؛ اینکه قائل به قابلیت و حقانیت باشد؛ اما به دنبال تحقق و فعلیت نرود، نوعی حکومت‌گریزی و اجتماع‌گریزی نیست؟

حجت‌الاسلام کشوری: همانطور که عرض کردم در طول تاریخ جریان اسلام سنتی، در استنباط و تبلیغ فعالیت خودش را محدود کرده است؛ حالا اینطور به تعبیر سکولاریزم در عرف بین المللی آن نه؛ ولی الان که ما داریم مبنای انقلاب را مطرح می‌کنیم می‌گوییم مبنای انقلاب قائل به این است که شاخص‌های هویت اسلامی حتماً باید به سمت تحقق‌اش حرکت کند، یعنی برنامه‌ریزی باید باشد. ولی حالا از لحاظ تاریخی برگردید به ۲۰۰-۳۰۰ سال پیش، ظرفیت اجتماعی بیش از این مهیا نبوده است. یعنی در حد اینکه استنباط صورت بگیرد و ابلاغ اجتماعی این شاخص‌ها انجام شود، بیشتر از این اصلاً ظرفیت اجتماعی وجود نداشته است. اینکه مبنایی که متناسب با ظرفیت دوران گذشته است در شرایط فعلی که ظرفیت بالاتری از لحاظ اجتماعی هست بکار گرفته بشود ما این را مناسب نمی‌دانیم و این‌ها در دوره خود ظرفیت بیش از آن را نداشته‌اند و به قول معروف رسالت‌شان را انجام دادند.

خبرنگار: ممکن است مشخص بشود که مرجع ضمیر این بحث‌ها کیست؟ چون وقتی شما می‌فرمایید دو جریان در کنار حرکت انقلاب اسلامی است که یکی جریان روشنفکری و دیگری اسلام سنتی یکی واضح است و دیگری مبهم؛ چرا که فی‌المثل در بحث جریان روشنفکری من از لحاظ تاریخی از "تقی زاده" به ذهنم می‌آید و الان نیز به مروجان تغییر شکل داده‌اش؛ یعنی امثال



"بشیریه" و "حجاریان" و "سروش" به ذهنم می‌آید ولی وقتی می‌فرمایید "اسلام سنتی" شاید مخاطب خیلی نداند مرجع ضمیر کجاست؟

حجت‌الاسلام کشوری: من می‌توانم جریان هویت انقلاب اسلامی را از دویست سال پیش که موج‌های به اصطلاح مدرنیته به جامعه ایمانی و اسلامی ایران حمله کردند رصد کنم. جریاناتی بودند که در مقابل این موج‌های مدرنیته قد علم کردند که حالا نمونه‌های تاریخی‌اش معروف است؛ از میرزای کبیر هست یا مرحوم شیخ فضل‌الله هست؛ مرحوم مدرس هست و سایر علمای بزرگ که حالا چنده هزار نفرند که ما در حال جمع‌آوری اسامی این‌ها در یک دائرة المعارفی هستیم، فعلا تخمین اولیه حدود ۷ جلد کتاب قطور است یک جلد از آن هم به نام "چل چراغ‌های طاغوت‌شکن" منتشر شده است. به هر حال می‌خواهیم بگوییم آن جریانی که در ۲۰۰ سال گذشته به این نتیجه رسید که باید مقابل موج‌های به اصطلاح مدرن برنامه‌ریزی بکند و بعد در انتهای این جریان ۲۰۰ ساله تشکیل حکومت داد؛ این را ما اسمش را "جریان انقلاب اسلامی" گذاشتیم. جریان انقلاب اسلامی در واقع از دل خود حوزه‌های علمیه برخاسته ولی کماکان یک رگه‌هایی از همان اول تا الان در حوزه‌های علمیه وجود دارد که هیچ وقت به ضرورت برنامه‌ریزی برای تحقق شاخص‌های هویت اسلامی نرسیده و این رگه‌ها هست. حالا شناسایی شخصیت‌هایشان هم خیلی کار سختی نیست. به هر حال می‌خواهم بگویم حوزه‌های علمیه در جریان غالب به این سمت گرایش پیدا کرده که ضرورت دارد برنامه‌ریزی تحقق شاخص‌های هویت اسلامی صورت بگیرد.

خبرنگار: یعنی شما جریان غالب در حوزه را جریان انقلاب اسلامی به معنای معتقدین به برنامه‌ریزی در برابر امواج مدرنیته می‌دانید؟ شما ریشه‌های این جریان را ۲۰۰ ساله می‌دانید اما آیا این غالب‌شدن آنها در حوزه در اثر انقلاب بود یا نه؟

حجت‌الاسلام کشوری: بله ما ریشه‌های انقلاب را از ۲۰۰ سال پیش می‌دانیم به مفهومی که در مقابله با تمدن مدرنیته جمعی از فقها به این جمع‌بندی رسیدند.

خبرنگار: پس علی‌القاعده حرکت اول این جریان را همان تحریم تنباکو و فتوای مرحوم میرزای شیرازی در برابر قرارداد رژی می‌دانید؟

حجت‌الاسلام کشوری: آن نقطه عطفی در این جریان است ولی قبل از آن هم حرکت‌های میرزا مسیح و جمعیت‌های دیگری هم قابل رصد هست و اگر با این دوستان ما که مشغول تألیف همین دائرة المعارف هستیم یک مصاحبه‌ای صورت بگیرد آن‌ها نقطه آغاز را غیر از حرکت میرزای شیرازی دیدند. یعنی مراجع که اتفاقا در مقابله با امواج مدرنیته و غرب‌گرایی خیلی هم فعال هستند ولی به هر حال نقطه علنی درگیری با حرکت میرزای شیرازی هست و نقطه شروع قطعا قبل از آن بوده است. خب! پس اگر مطالعه بفرمایید سه ایده محوری به لحاظ جامعه‌شناسی در شرایط فعلی ایران موثر است، همان جریانی که خودش را از حد ابلاغ به حد برنامه‌ریزی جایز نمی‌داند یعنی اسلام سنتی، جریانی که برای برنامه‌ریزی ورود پیدا می‌کند ولی برنامه‌ریزی‌اش به محوریت ارزش‌های مدرن است، یعنی جریان روشنفکری و این وسط جریان اسلام ناب است که همانطور که عرض کردم به دنبال تحقق شاخص‌های هویت اسلامی است.

خب! باید مقایسه‌ای دائم صورت بگیرد و بررسی‌ای صورت بگیرد که مزیت جریان انقلاب اسلامی این است که در واقع فقهایی تئوری‌پرداز آن هستند که زمان و مکان را بیشتر از هم دوره‌ای‌های خودشان شناختند. ۲۰۰ سال هم هست که اینجوری بوده است؛ شما حادثه مشروطه را واکاوی کنید؛ بزرگان حوزه علمیه نجف و عراق با حوزه تهران اختلاف داشته‌اند؛ مرحوم صاحب عروه ایشان حاضر نمی‌شود قانون اساسی را تأیید کند ولی مرحوم آخوند خراسانی امضا می‌کند. امروز هم مرحوم سیدمحمدکاظم یزدی صاحب عروه از بزرگان حوزه هست که کتاب عروه الوثقی ایشان مینا است و هم کفایه مرحوم آخوند. خب! این اختلاف در نوع برخورد و مواجهه با مدرنیته به چه بر می‌گردد؟ اصل اختلاف از آن اول بوده است. به مرور که جلو آمدیم تحولات تاریخی جامعه شیعه را به این نتیجه رسانده که آن دسته از فقهایی که برنامه‌ریزی در مقابل تمدن مدرن و مبنای حرکتشان تحقق شاخص‌های هویت اسلامی است کارآمدتر هستند برای حفظ اسلام. به هر حال یک دعوای ۲۰۰ ساله‌ای است که به نظر امروز در حوزه‌های علمیه غلبه با جمعیتی است که مبنای انقلاب را پذیرفته‌اند. اگرچه جریان‌هایی هم در گوشه و کنار هم در حد ابلاغ خودشان را محدود دانستند، هیچ وقت در عرصه برنامه‌ریزی هم ورود پیدا نکردند. پس مبنای حرکت جمهوری اسلامی به طور خلاصه عبارت است از تحقق شاخص‌های هویت اسلامی.



خبرنگار: سیر خوبی برای اجماع کردن بر سر مبنای جمهوری اسلامی ارائه کردید. برای احراز هویت اسلامی، بعد از مبنای، از مراحل نام بردید؛ منظور از مراحل همان ۵ مرحله‌ای است که حضرت آقا تبیین فرمودند؟ یعنی همان مراحل؛ ۱. انقلاب اسلامی ۲. نظام اسلامی ۳. دولت اسلامی ۴. جامعه اسلامی و ۵. تمدن اسلامی؟

حجت‌الاسلام کشوری: بله! مبنای جمهوری اسلامی برای تحقق ایده خودش یعنی برای تحقق حرف اصلی خودش پنج مرحله تاریخی هم تعریف کرده؛ یعنی حرکتی که ما برای تحقق این مبنا می‌توانیم ترسیم کنیم در پنج مرحله است. مرحله اول گرفتن اختیارات است از کسانی که معتقد به این مبنا نیستند که ما این را تعبیر می‌کنیم به انقلاب سیاسی سال ۵۷، یعنی در انقلاب سیاسی سال ۵۷ در واقع سلب اختیار شد از کسانی که معتقد به مبنای انقلاب نیستند؛ و کار به دست کسانی داده شد که معتقد به تحقق شاخص‌های هویت اسلامی هستند.

در مرحله دوم این حرکت و خواست عمومی‌ای را که برای تحقق مبنای نظام جمهوری اسلامی در جامعه ایران وجود داشت، تعریف اجمالی شد که شما از آن تعبیر می‌کنید به مرحله نظام اسلامی یعنی در واقع وقتی نظام جمهوری اسلامی مستقر شد و نام نظام شما تلقی شد به جمهوری اسلامی این معنایش این است که هویت‌تان را اجمالی تعریف کردید، نگذاشتید که دیگران هویتی را برای شما تعریف بکنند که واقعیت نداشت. اهمیت این مسئله الان که حادثه بیداری اسلامی قابل رویت است مشخص می‌شود؛ در انقلاب ما بلافاصله، پتانسیل‌های بسیج‌کننده مردم برای حرکت ریشه‌هایش با هویت اسلام تعریف شد. امام علیه السلام تأکید داشتند که جمهوری اسلامی نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد. در حقیقت هویت انقلاب اسلامی با اسامی چون جمهوری دموکراتیک، صادره نشد. امروز یکی از مسائل و معضله‌های بیداری اسلامی و انقلاب‌های منطقه، این است که عده‌ای می‌خواهند حرکت را یک طور دیگری تعریف کنند و به دنبال این هستند که قانون اساسی‌هایی که از این انقلاب‌ها بوجود می‌آید یک تعاریف دیگری بر آن حاکم باشد. پس بنابراین مرحله دیگری که پشت سر گذاشتیم این بود که هویت اجمالی حرکت خودمان یعنی حرکتی که مبتنی بر آن مبنا بود را تعریف کردیم که از آن به مرحله نظام اسلامی نام برده می‌شود.

مرحله سوم عبارت است از توانمندسازی ساختارها برای برنامه‌ریزی بر اساس مبنای ما در این مرحله هستیم که از این مرحله هم تعبیر می‌کنیم به مرحله دولت اسلامی.

خبرنگار: مشکل ما در مرحله دولت اسلامی چیست؟ چرا نتوانستیم به سرعت مراحل قبلی از آن عبور کنیم؟ آیا مشکل فقط ریزش‌ها و مشکلات فردی زمامداران دولتی است یا مشکل ساختاری هم داریم؟

حجت‌الاسلام کشوری: در گام سوم حرکت انقلاب اسلامی برای تحقق مبنای خودش ما با یک معضلی روبرو هستیم که ساختارهایمان نمی‌توانند، نه که نمی‌خواهند، من تعبیرم دقیق است، ساختارهایمان نمی‌توانند؛ یعنی توان برنامه‌ریزی برای تحقق شاخص‌های هویت اسلامی را ندارند. من یک مثالی بزنم که مطلب شفاف بشود در اینجا؛ در زمان دولت نهم ما یک جلسات و مذاکراتی با مرکز آمار ایران داشتیم، در آنجا یک گفتگویی صورت گرفت بین ما و یکی از کارشناسان، آن آقای کارشناس می‌گفت که شعار این دولت عدالت است ولی من نمی‌توانم محاسبه کنم که آیا عدالت افزایش پیدا کرده یا کم شده، محاسبه‌اش را بلد نیستم توان علمی‌اش را ندارم. می‌گفت عدالت شعار خوبی است من توان ندارم و همکارانم هم نمی‌توانند عدالت را محاسبه کنند. در واقع می‌گفت شما نحوه محاسبه عدالت را به ما نشان ندادید. مسئله توانمندی ساختارها، مسئله مهمی است. در برنامه‌ریزی اصل شاخص‌های هویت اسلامی پذیرفته شده است؛ یعنی کارشناسانی که در وزارتخانه‌ها هستند این قطعی است از نظر ما که این‌ها از عدالت بدشان نمی‌آید، ولی چون ما عدالت را تعریف نکردیم روش محاسبه‌اش را نداریم مشکل داریم. فرض بفرمایید به فرمایش شما این‌ها می‌آیند مثلاً از معادله ضریب جینی برای محاسبه عدالت استفاده می‌کنند، با اینکه ضریب جینی یک معادله است برای توزیع درآمد و توزیع درآمد فقط نسبت دارد با عدالت؛ یعنی عدالت یک مفهوم حتماً حاکم و وسیع‌تری است از این مسئله. خب! ما تعریف نکردیم عدالت را لذا وقتی حتی به آن‌ها فشار می‌آوریم که می‌خواهیم عدالت را محقق کنیم می‌آیند ضریب جینی را مبنای محاسبه قرار می‌دهند و فاصله بین دهک‌ها را معیار قرار می‌دهند. با این کار، شما پذیرفتید جامعه ۱۰ دهک اقتصادی بشود وقتی این را پذیرفتید در واقع فاصله طبقاتی را پذیرفته‌اید؛ خب یعنی اصل



جوامعی که فاصله طبقاتی دارند را پذیرفتیم حالا می‌آییم می‌گوییم فاصله طبقاتی خیلی شدید نشود. می‌آیند این را با ضریب جینی محاسبه می‌کنند یعنی در واقع از یک معادله‌ای که ضد عدالت است استفاده می‌کنند برای محاسبه عدالت. این به خاطر این است که شما توان برنامه‌ریزی برای شاخص‌های هویت اسلامی را در ساختار نظام ایجاد نکردید و مادامی که این توان را ایجاد نکنید شما به گام چهارم انقلاب که همان جامعه اسلامی است منتقل نمی‌شوید، یعنی در واقع مرحله بعد از مرحله دولت اسلامی، جامعه اسلامی است؛ آن مرحله موقعی است که ساختارهای شما توانمند شدند در برنامه‌ریزی برای مبنای جمهوری اسلامی. لذا به نسبتی که توانایی ایجاد شده شاخص‌های هویت اسلامی محقق شده، به همان مقدار جامعه‌تان اسلامی شده و انتقال مرحله ایجاد کردید.

گام بعدی این است که مبنای حرکت جمهوری اسلامی حالا محقق شده، درخشندگی این تحقق و این برنامه‌ریزی چشم دیگر ملت‌ها را جذب کند و شما وارد مرحله تمدن اسلامی و مرحله امت اسلامی می‌شوید. پس بنابراین هر پنج مرحله نسبتی دارند با مبنای جمهوری اسلامی و شما از گرفتن اختیارات شروع می‌کنید به معرفی مبنای حرکت جمهوری اسلامی به بقیه ملت‌ها و مستضعفین عالم و حرکت قبل از ظهور، مراحل را ختم می‌کنید. تصویری که الان داریم این است.

خبرنگار: پس ما به خاطر توانمند نشدن ساختارها در مرحله سوم یعنی دولت اسلامی توقف کرده‌ایم؟ الگوی اسلامی پیشرفت برای همین توانمندسازی ساختارها باید تبیین شود؟

حجت‌الاسلام کشوری: بله، در این سیر ما هنوز در مرحله توانمندسازی ساختارها هستیم به فرمایش امام خامنه‌ای علیه السلام ما در این مرحله حدوداً ۲۰ سال است هستیم. منتها دولت اسلامی را ما باید سعی کنیم تصویر درستی از آن ارائه کنیم؛ دولت اسلامی یعنی چه؟ ما در نقشه راهمان سعی کردیم این کار را انجام دهیم، به نظرمان مرحله دولت اسلامی، مرحله توانمندسازی ساختارها برای تحقق مبنای جمهوری اسلامی است که حالا همه فضای نقشه راه ما در واقع چگونگی این توانمندسازی را تصویر می‌کند. یعنی نقشه راه الگوی اسلامی پیشرفت، چگونگی توانمندسازی ساختارها را برای برنامه‌ریزی بر اساس مبنای جمهوری اسلامی تصویر می‌کند.

خب! پس جهت جمهوری اسلامی همانطور که عرض کردیم در سه سطح باید تبیین شود، یک سطح بحث مبنای بود که عرض کردیم تحقق شاخص‌های خوبی از الگوی پیشرفت اسلامی است، سطح دوم سطح مراحل تحقق این مبنای است که عرض کردیم. همه این موارد برگرفته از نظر آیت‌الله خامنه‌ای در ۵ مرحله است و تصویر روشنی هم ایشان از این مراحل مشخص کردند که حالا ما سعی کردیم مسئله ایشان را تبیین کنیم.

خبرنگار: البته تفسیر و تحلیل خیلی خوبی بود از ۵ مرحله. آنچه شما گفتید تفسیر نظام‌مندی بود از مراحل پنج‌گانه که حضرت آقا فرموده‌اند ...

حجت‌الاسلام کشوری: علتش این است که مبنای حرکت جمهوری اسلامی در تفسیر مراحل دخیل است؛ یعنی اگر شما توجه به مبنای کنید این مراحل درست معلوم می‌شوند. به هر حال موضوع اصلی کار ما در گام سوم، مراحل است. ما الان داریم به این سمت حرکت می‌کنیم که موضوعات انتقال از هر مرحله به مرحله بعد را شناسایی کنیم. من این را عرض می‌کنم از هر مرحله به مرحله بعدی یک "موضوع انتقال" داریم؛ بخاطر اینکه ما آن روزی شاخص‌های هویت اسلامی را محقق می‌کنیم که برسیم به مرحله پنجم یعنی مرحله آخر. یعنی شما می‌گویید مبنای جمهوری اسلامی در ۵ مرحله قابل تحقق است؛ یعنی روز اول شما نمی‌توانید همه شاخص‌های هویت اسلامی را محقق کنید. یعنی روز اول جامعه اسلامی ظرفیت تحقق همه هویت اسلامی را ندارد. حالا که شما پذیرفتید در ۵ مرحله تاریخی هویت اسلامی به درک شما (فقه) عرض می‌کنم یعنی به درک تفقه ظاهری ما، این مبنای تحقق پیدا بکند پس معنایش این است که در هر مرحله‌ای یک سطر و یک قسمت از آن مبنای را می‌توانید محقق کنید.

خبرنگار: موضوع انتقال به درک سیر مراحل کمک می‌کند؟ یا به عبارتی دیگر، موضوع انتقال در هر یک از مراحل، اولویت‌های سیر مراحل را مشخص می‌کند؟

حجت‌الاسلام کشوری: مسئله این است که اگر در موضوع انتقال اشتباه کنیم و در آن بخشی که ظرفیت داریم متمرکز نشویم در آن صورت در برنامه‌ریزی اجتماعی ضرر می‌کنیم. باید ببینید امروز چرا شاخص‌های هویت اسلامی به تمامی محقق نشده



است. از یک طرف در موضوعی چون ظرفیتش را نداریم قطعا حتی اگر رویش دست بگذارید محقق نمی‌شود ولی مهم تر از این فرصت‌تان را می‌سوزانید برای تحقق همان بخشی که هنوز ظرفیتش هست. معنای اینکه می‌گوییم شاخص‌های هویت اسلامی که مبنای ما است در ۵ مرحله محقق می‌شود؛ این است که پذیرفتیم به صورت منطقی و عقلانی که ظرفیت تحقق همه مبنا در یک مرحله وجود ندارد پس طبیعتا بحث موضوع انتقال و اولویت مطرح می‌شود. باید یک مرحله‌ای را کامل کنیم بعد گام بعدی را برداریم و بعد در ۵ مرحله آن هدف نهایی را محقق کنیم.

خبرنگار: پس موضوع انتقال مراحل، با توجه به ظرفیت‌ها و اقتضات هر مرحله تعیین می‌شود؟ تلقی شما از موضوع انتقال همین است؟

حجت‌الاسلام کشوری: موضوع انتقال در واقع معنایش این است که فی‌المثل شما در مرحله انقلاب اسلامی هستید تا مرحله نظام اسلامی چقدر از مبنا را می‌توانید محقق کنید، همان قدر را شناسایی کنید موضوع اصلی‌تان را محقق کردن همان بخش قرار دهید؛ چرا؟ چون همان بخش را می‌توانید محقق کنید. ظرفیت انسانی شما در همان حد توجیه است و برای همان قدر قدرت دارد. یک فرازی در صحبت‌های آیت‌الله خامنه‌ای وجود دارد که این بحث را تبیین می‌کند؛ حضرت آقا می‌فرمایند مردم ایران مؤمن هستند ولی مؤمن به اسلامی که می‌شناسند. یعنی روحانیت ما و مجموعه جامعه شیعه ما هنوز موفق نشدیم هم در مرحله استنباط هم در مرحله معرفی، اسلام را همانطور که هست بشناسیم. ولی همان قدری را که شناختیم مردم به آن مؤمن هستند و پایبند هستند. حالا شما در واقع دارید یک حرفی شبیه فرمایش امام خامنه‌ای را در مرحله موضوع انتقال می‌زنید، می‌گویید که زمانی که شما در مرحله انقلاب اسلامی هستید فقط می‌توانید الان حکومت اسلامی را مستقر کنید ولی نمی‌توانید مثلا ربا را بردارید، نمی‌توانید ساختارهای دیگر اسلامی را همان روز محقق کنید. ولی بالاخره تشکیل حکومت اسلامی بخشی از هویت اسلامی است. ما ظرفیت تشکیل حکومت را داریم، پس بنابراین بعد از مرحله انقلاب اسلامی مرحله نظام اسلامی اولویت اصلی ما است و موضوع انتقال چگونگی برنامه‌ریزی برای تشکیل حکومت باید باشد.

در این مسیر، یک کسی بیاید به همین بهانه‌ای که ما مبنایمان هویت اسلامی است ما را فرا بخواند به یک مرحله‌ای که ظرفیت‌اش را نداریم و مثلا کارهایی انجام دهد که مربوط به مرحله ۲۰ سال بعد است، ثمری نخواهد داشت. مثلا فرض بفرمایید در فاصله سال ۴۹ تا ۵۷ یک جمعیت‌هایی بودند که می‌گفتند الان الگوهای پیشرفت اسلامی باید تولید شود، دقت کنید در آن زمان هنوز ما حکومت تشکیل نداده بودیم، ولی آن‌ها این موضوع را مطرح می‌کردند، خوب طبیعتا این موضوع در درک و ظرفیت مردم نبود و اگر هم درکش می‌کردند نمی‌شد بدون تشکیل حکومت انجام شود و ابزار اجرایش نبود، نیروی انسانی‌اش را نداشتیم، اصلا فکرش تبیین نشده بود.

پس بنابراین مسئله موضوع انتقال که ما عرض کردیم مسئله مهمی است. موضوع انتقال یعنی محاسبه آن مقدار از مبنا که الان ظرفیت تحقق‌اش وجود دارد. اگر شما این محاسبه را اشتباه انجام دهید و بیایید اضافه بر ظرفیت تقاضای تحقق مبنا را بکنید؛ معنایش این است که هم فرصت آن مقدار قابل تحقق را از بین بردید، هم جامعه را دچار یک حالت شعاعزدگی کردید؛ چون این تحقق قطعا پیدا نخواهد کرد با شعار شما، نتیجه این اشتباه آن است که جامعه را به این نتیجه می‌رسانید که ما حرکت کردیم ولی نشد یعنی جامعه را دچار حالت ناامیدی می‌کنید؛ به مردم گفتید بیاید در صحنه فلان چیز را محقق کنیم، چون ظرفیت و زمینه‌اش نیست محقق نمی‌شود و مردم نسبت به اصل مبنا دچار تزلزل می‌شوند. لذا ما در نقشه راه گفتیم که تشخیص موضوع انتقال، علت انتقال می‌شود و متاسفانه جمعی از نیروهای انقلاب در تشخیص موضوع انتقال دچار مشکل‌اند. به همان میزان که دچار مشکل‌اند انتقال ما به مرحله بعد هم دچار مشکل می‌شود، یعنی در واقع چون پتانسیل اجتماعی‌اش را نداریم همه باید فعالیت بکنند تا آن ابزار قابل تحقق که ظرفیت تحقق‌اش هست تحقق پیدا کند. نیروها رفتند یک جای دیگری ایستادند، روی یک مسئله دیگری ایستادند.

خبرنگار: برای ملموس شدن بحث باید مثال بزنید که کجاها این موضوع انتقال درک نشد؛ این را با یک مثال توضیح بدهید؟

حجت‌الاسلام کشوری: بله ببینید در فاصله سال ۴۲ تا ۵۷ مرحله انقلاب اسلامی هست دیگر، در این فاصله انقلاب پیروز شده؛ غیرمعتقدین به مبنا رفتند، حالا مرحله بعد از شما چیست؟ مرحله نظام اسلامی است. در آن مرحله حکومت شما به یک حکومت دموکراتیک تعریف نشد، نشد جمهوری دموکراتیک - این هم یک اعتقادی است - شد جمهوری اسلامی. این محصول

تمرکز امام تقی و نیروهای انقلاب برای تبیین آن جمله "اسلام خودش حکومت دارد" یا "تئوری ولایت فقیه" است. یعنی چون در فاصله بین مرحله انقلاب اسلامی و نظام اسلامی امام خمینی تقی موضوع اصلی تکلیفشان را این قرار داده بودند که پدیده حکومت اسلامی و چگونگی‌اش را تبیین کند و ظرفیت‌ها را برای آن بسیج کند، این باعث شد که ما انتقال پیدا بکنیم به مرحله بعد. اصلاً ظرفیت تحقق بیش از آن وجود نداشت. اختیارات فقیه و مسئله حکومت اسلامی بخشی از هویت اسلامی است یعنی بخشی از مبنا است ولی همان بخش در آن سال‌ها قابلیت تحقق داشت یعنی امام راحل عظیم‌الشان، بعد از مرحله انقلاب اسلامی را که انجام دادند ما به سلامت منتقل شدیم به مرحله نظام اسلامی. یک علتش این است که امام تمرکز داشتند به تبیین پدیده حکومت اسلامی و تئوری ولایت فقیه. البته امام مسئله ولایت فقیه را برای اقتشار مختلف، علی‌الخصوص برای روحانیت از سال‌های دهه چهل تبیین کردند. لذا وقتی بحث جمهوری اسلامی مطرح شد تئوری مبنایی آن جا افتاده بود. بعد از انقلاب، تلاش‌هایی که روشنفکران و دیگران کردند منجر نشد که مسیر انقلاب منحرف بشود، حتی شما اگر فعالیت‌های گروه‌های روشنفکری را در خبرگان قانون اساسی مطالعه کنید آن‌ها حتی نتوانستند در قانون اساسی بندهایی را به نفع خودشان کاملاً محقق کنند؛ البته فشارهایی که آوردند باعث شد در قانون اساسی ما اختیارات فقیه همه آن منعکس نشود؛ اما به صورت کلی اصل ولایت فقیه گنجانده شد.

خبرنگار: البته امام (ره) فرمودند بخشی از اختیارات ولی فقیه در قانون اساسی گنجانده شده. حالا یک سؤالی پیش می‌آید که ما آیا در ادامه سیر این مراحل نیازی نداریم برگردیم و آن اختیاراتی که حضرت امام می‌گفتند را اضافه کنیم؟

حجت‌الاسلام کشوری: در آن مسئله بازنگری قانون اساسی که حضرت آقا چندی پیش فرمودند امکان تغییرش هست بله در آن مرحله ممکن است ما برگردیم این مسائل را جبران کنیم؛ یعنی پس از قانون اساسی مصوب ۵۸ و تغییرات ۶۸ ممکن است چنین ضرورتی در جامعه ایجاد بشود. مهم این است که ما بر روی موضوع انتقال متمرکز شویم. پس موضوع انتقال از مرحله انقلاب اسلامی به مرحله نظام اسلامی، مسئله ولایت فقیه بود که باید روی آن متمرکز می‌شدیم تا انتقال پیدا می‌کرد.

با تمرکز بر این موضوع نظام مستقر شد، یعنی ایجاد شد. بالاخره در قانون اساسی مسائلی پذیرفته شد ولی اینکه نظام اسلامی بتواند کارآمد بشود یعنی سرپای خودش بایستد، استقلال پیدا کند، وابستگی‌های شدیدی که از دوره پهلوی به جا مانده بود آن‌ها را جبران کند و شما یک نظام مستقر داشته باشید که بتواند زندگی مردمش را اداره کند این مرحله باید انجام می‌شد. یعنی استقرار باید به انجام می‌رسید که بعد شما فرصت پیدا کنید وارد مرحله دولت اسلامی شوید. این استقرار هم با در رأس امور قرارگرفتن جنگ محقق شد؛ یعنی اگر پدیده جنگ نبود ما ظرفیت اداره یک حکومت توسط نیروهای حزب الهی را بدست نمی‌آوردیم؛ یعنی پایه‌گذاری استقرار کشور به وسیله جنگ اتفاق افتاد. یعنی به نظرم موضوع انتقال از مرحله نظام اسلامی به دولت اسلامی با کلیدجمله "جنگ درراس امور است" اتفاق افتاد. بعدها تبیینی که امام فرمودند راجع به مسئله جنگ فرمودند جنگ برای ما یک نعمت بود و خواص آن را دیدیم. به نظر من از آن موقع بود که انقلاب صادر شد و از آن موقع بود که استقرار کشور پایه گذاری شد. پس بنابراین ما در گام دوم هم نظام اسلامی را به پذیرش رسانده‌ایم، ولی معنایش این نیست که الان می‌توانیم کشور را اداره کنیم؛ ۸ سال جنگ باعث شد که ما یک ظرفیتی را بدست بیاوریم، این کاری بود که باید انجام می‌دادیم و با تقدیر خدای متعال و مدیریت صحیح امام تقی ما به این ظرفیت دست پیدا کردیم.

بعد از جنگ، به واقع ما مستقر شدیم؛ همه دنیا ظرفیت ما را به رسمیت شناخت و بعد از جنگ یک هویت عمومی و احساس عمومی ایجاد شد که نظام اسلامی کارآمد است؛ یعنی در ۲۰۰ سال گذشته هر جنگی اتفاق می‌افتاد یک بخشی از کشور جدا می‌شد ولی در دفاع مقدس یک وجب از خاکمان را هم از دست ندادیم. علاوه بر این، ظرفیت تکنولوژی کشور استقرارش آنجا پایه‌ریزی شد. لذا با رحلت امام راحل عظیم‌الشان و آغاز امامت اجتماعی امام خامنه‌ای ع ما وارد دولت اسلامی شدیم؛ یعنی توانستیم به تدریج طبق فرمایشات مقام معظم رهبری به ساختارهای کشور توجه کنیم. اگر دقت کنید حضرت آقا در آن دوران، به عدالت، حفظ حکمت، عزت و مصلحت و مسائلی از این دست صحبت می‌کنند، ولی موضوع گفتمان‌سازی ایشان این نیست که حالا می‌خواهیم مردم را دعوت کنیم بیایند نظام تشکیل بدهند. بحث این بود که مردم را داریم بسیج می‌کنیم داریم راجع به تغییر ساختارها صحبت می‌کنیم یعنی رفتن به سمت همین توانمندسازی ساختاری برای تحقق مبنا، چون ما الان در این مرحله هستیم. از یک منظر، همینطور که قوام نظام اسلامی و علت انتقال نظام اسلامی به مرحله دولت اسلامی پدیده دفاع مقدس



بود حالا قوام دولت اسلامی یعنی انتقال آن به مرحله جامعه اسلامی این هم باز یک موضوع انتقال دارد که مسئله پیشرفت اسلامی است. یعنی شما در واقع چطور می‌گویید که نظام اسلامی آن موقعی استقرار واقعی پیدا کرد که ما از کوره دفاع مقدس عبور کردیم و آن را در رأس امور خودمان قرار دادیم. دفاع مقدس زمینه استقرار نظام را در عالم ایجاد کرد، هم در درون و هم در بیرون. الان هم ما در مرحله انتقال به جامعه اسلامی از مرحله دولت اسلامی هستیم. از این منظر، باید موضوع انتقال را شناسایی بکنیم که به نظر ما موضوع انتقال از مرحله دولت اسلامی به مرحله جامعه اسلامی، "تولید الگوی پیشرفت اسلامی" است. لذا تولید الگوی پیشرفت اسلامی که موضوع انتقال از مرحله دولت اسلامی به مرحله جامعه اسلامی است عدل جنگ و عدل بحث ولایت فقیه اهمیت دارد. ما الان در مرحله دولت اسلامی هستیم و موضوع انتقال این مرحله که مرحله آینده را تبیین می‌کند، پیشرفت اسلامی است. اگر بتوانیم الگو ارائه دهیم در واقع توانسته‌ایم جهت حرکت جمهوری اسلامی را تبیین کنیم. آسیبی که ما داریم در شرایط فعلی این است که جهت جمهوری اسلامی خوب تبیین نمی‌شود. در حقیقت در بحث فهم مراحل دچار مشکل هستیم. اگر ما واقعا بخواهیم از مرحله دولت اسلامی انتقال پیدا کنیم باید تبیین الگوی اسلامی پیشرفت را در رأس برنامه‌هایمان قرار دهیم.

خبرنگار: بحث نقشه راه برای تولید الگوی اسلامی پیشرفت، از آن جهت اهمیت دارد که موضوع انتقال امروز است؟

حجت‌الاسلام کشوری: اگر در یک کلمه از ما بپرسند که نقشه راه الگوی پیشرفت شما مسئله‌اش چیست، مسئله ما توانمندسازی ساختارهاست یعنی چگونگی توانمندسازی ساختارها را تبیین کردیم و در واقع وقتی شما از توانمندسازی ساختارها بحث می‌آورید دارید از الگوی اداره کشور به نحو جدیدی صحبت می‌کنید پس دارید از الگوی پیشرفت اسلامی صحبت می‌کنید. از این جا به بعد همه بحث متمرکز است در تبیین چگونگی توانمندسازی ساختارها. ما در گام اول جدول توانمندسازی ساختارهای جمهوری اسلامی برای تحقق مبنا یعنی همین تولید الگو را در سه مرحله تبیین کردیم یعنی به نظرمان خود این مرحله سوم تکاملی انقلاب که شما اسمش را دولت اسلامی می‌گذارید خودش سه مرحله است؛ یک مرحله توانمندسازی در ۲۳-۲۲ سال گذشته اتفاق افتاده یعنی امامت اجتماعی آیت‌الله خامنه‌ای از ابتدا تاکنون برای مرحله دولت اسلامی بوده است. از طرف دیگر از هفت هشت سال پیش به این طرف، مرحله سوم دولت اسلامی بوده است. یعنی از زمانی که دهه را آقا به نام دهه پیشرفت و عدالت نامگذاری کردند و فرمودند که من متعمدا کلمه توسعه را بکار نمی‌برم و با دقت کلمه پیشرفت را انتخاب کردم. از نظر ما همان فرمایش معروف حضرت آقا و این که پیشرفت باید تبیین شود، مرحله دوم است در همین مسیر یک برنامه‌ای هم به نام تکامل، در داخل نقشه راه، نامگذاری کردیم. مرحله اول دولت اسلامی را عنوانش را گذاشته‌ایم قانون اساسی مصوب ۵۷ با تغییرات ۶۸، یعنی بالاخره در قانون اساسی فعلی ما یک نحوه اسلامیت تئوریزه شده، مبنا قرار گرفته؛ خوب این یک مرحله ای است که ما طی کردیم برای احراز دولت اسلامی.

خبرنگار: آیا شما در نقشه راه خود، توانمندسازی ساختاری قوانین را هم لحاظ کرده‌اید؟ یعنی همان بحثی که حضرت آقا فرمودند

باید در محاسن و معایب ساختارهای فعلی بحث شود تا در آینده شاید لازم باشد، تغییری ایجاد شود؟

حجت‌الاسلام کشوری: در آینده بحث تغییر قانون اساسی بحث احتمالی است. محورهای نقشه راهی که ما پیشنهاد دادیم این بود که قانون اساسی آینده باید متأثر از الگوی پیشرفت اسلامی باشد و قانون اساسی ای باشد که مبین روابط ساختاری آینده ما باشد که ما اسم آن را تعبیر کردیم به قانون اساسی الگوی پیشرفت اسلامی. یک قانون اساسی هم برای تکامل دولت اسلامی پیشنهاد دادیم که ازش تعبیر کردیم به قانون اساسی انقلاب فرهنگی. یعنی موقعی که تحول در حوزه و تحول در دانشگاه استارت خورد بعد باید روابط ساختاری متناسب با آن تحول را تئوریزه کنید و از آن یک اصول حقوقی بیرون آورید.

خبرنگار: الان ما در چه مرحله‌ای از این نقشه راه قرار داریم؟

حجت‌الاسلام کشوری: ما در این مرحله هستیم که کشور به این جمع‌بندی رسیده که با بکارگیری توسعه غربی و مفاهیم توسعه غربی نمی‌شود به پیشرفت اسلامی و احراز هویت اسلامی رسید. بحث توسعه هم رشته بین بخشی است. یعنی جامعه شناسی، مدیریت، اقتصاد مولفه‌های اصلی است. در همه این موارد تحقق شاخص‌های اسلامی با مولفه‌های توسعه غربی ممکن نیست. اخیرا گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۱۲ را که مطالعه می‌کردیم دیدیم هزار تا شاخص دارد در ۶ بخش. این هزار شاخص دارد برنامه‌ریزی می‌کند بر مبنای توسعه غربی. مثلا فرض بفرمایید شاخص‌های خانواده در این هزار شاخص دیده



نشده و شاخص‌های مربوط به عدالت؛ حالا اگر بخواهیم تعارض‌هایش را با پیشرفت اسلامی بگوییم خیلی زیاد است. به نظر من اگر با یک دقت کارشناسی نگاه کنیم ما اصلاً نیاز به یک پکیج شاخص جدید داریم حتی نمی‌توانیم از شاخص‌های آنها گزینش هم کنیم. اما یک وقت اضطرار هست آن یک فضای دیگری دارد، فرض بفرمایید مثلاً در شاخص‌های فرهنگ که مثلاً شاخص فراوانی موبایل را یا استفاده خانگی از اینترنت را مورد اشاره قرار می‌دهد با مبنای ما خیلی فاصله دارد. اگر این شاخص‌ها را بعنوان شاخص‌های بخش فرهنگ معرفی کنیم، واقعاً به جایی نمی‌رسیم ما اینجا نمی‌توانیم بگوییم به هر میزان استفاده از اینترنت محقق می‌شود ما توسعه‌یافته‌تریم. به هر حال بحث شاخص‌ها اساسی است؛ چرا که در یک کلمه WDI الان مبنای برنامه‌ریزی است در کشور یعنی کارشناسان ما در وزارت ارتباطات و سایر وزارتخانه‌هایمان سعی می‌کنند برای تحقق آن شاخص‌ها برنامه‌ریزی کنند و آن روابط محاسباتی و جداول اطلاعاتی‌اش هم موجود است. یعنی برای تحقق توسعه غربی شاخص‌ها توانمند هستند برای رسیدن به آن سمت. خوب ما اگر بخواهیم برویم برای توانمندسازی ساختارها در دولت اسلامی حرکت کنیم، یکی از نیازهایمان این است که باید یک گزارش‌های سالیانه‌ای داشته باشیم که شاخص‌های هویت اسلامی چیست که جایش امروزه در برنامه‌ریزی خالی است.

خبرنگار: آیا شما موفق شده‌اید پکیج شاخص‌های پیشرفت اسلامی را تبیین کنید؟

حجت‌الاسلام کشوری: شاید تا سال آینده موفق بشویم اولین نسخه‌اش را منتشر کنیم و روش محاسبتی‌اش هم کنارش باشد؛ یعنی فقط شاخص کفایت نمی‌کند برای برنامه‌ریزی، بلکه شما باید بیابید بگویید مثلاً شاخص هویت اسلامی خانواده است ولی خودش یک پکیج و بسته شاخص است و روش محاسبه‌اش را هم باید درونش ارائه داد. پس حتماً شما یکی از نیازهایی که برای توانمندسازی ساختارها دارید همین انتشار شاخص‌های هویت اسلامی است. مادامی که این شاخص‌های هویت اسلامی و روش محاسبه‌اش را منتشر نکنید شما مجبور می‌شوید آن روش‌هایی را از اقتصاد غرب و ادبیات توسعه‌گرنش کنید که کم‌ضرتر باشند نسبت به شاخص‌های شما، یعنی شما یک درک اجمالی دارید در واقع مثلاً فرض کنید در مسئله عدالت، عدالت را یک درک اجمالی از آن داریم حالا قبلاً از سیستم یارانه غیر مستقیم استفاده می‌کردیم می‌گفتیم این به عدالت نزدیک‌تر است، حال می‌گوییم یارانه مستقیم بهتر است. اصلاً پایه بحث یارانه‌های غیر مستقیم غربی بوده و مبنای علمی‌اش که الان هست را ما تولیدش نکردیم؛ الان که یارانه مستقیم می‌دهیم هم غربی است. ولی به هر حال جمع‌بندی مسئولین و کارشناسان کشور این بود که این روش به عدالت نزدیک‌تر است. البته به هر حال الان حرکت کشور به سمت شاخص‌های هویت اسلامی قفل نیست ولی خیلی کند است، شما مجبورید از یک سری روابطی که در مفاهیمی غربی تعریف شده کم‌ضرتر آن را گزینش کنید. اینجا منشأ اختلاف می‌شود؛ یک عده‌ای موافق‌اند، یک عده‌ای مخالف‌اند. راه اصلی این است که بروید سراغ همان منتشرکردن شاخص‌های هویت اسلامی و روش محاسبه‌اش را ارائه دهید. در همین زمینه ما سعی کردیم برای گام توانمندسازی ساختارها، تبیین تفصیلی درباره مفهوم پیشرفت بجای مفهوم توسعه را ارائه بدهیم. لذا اگر درباره نقشه راه توسعه تولید الگوی پیشرفت اسلامی مطالعه دقیقی صورت بگیرد ۲۷ مأموریت پیشنهاد شده که عمل به آن‌ها یک قدم ساختارها را توانمندتر می‌کند.

خبرنگار: نسبت این نقشه راه با چشم‌انداز بیست‌ساله چیست؟

حجت‌الاسلام کشوری: ببینید چشم‌اندازی که شما می‌فرمایید چشم‌اندازی هست که افق حرکت است، ما اگر بخواهیم بر اساس برنامه‌هایی که برای پیشرفت اسلامی می‌نویسیم و برای توسعه کشور مرسوم هست، برنامه بنویسیم؛ می‌توانیم در دو برنامه باقیمانده چشم‌انداز بر اساس الگوی خودمان سیاست‌های کلان پیشنهاد بدهیم. در حقیقت می‌توانیم تخصیص‌ها را در ۵ سال آینده عوض کنیم. بالاخره سند چشم‌انداز دو عبارت در آن است؛ یکی عبارت "با هویت اسلامی الهام‌بخش در جهان اسلام است"، این بخش هیچ وقت مورد برنامه‌ریزی قرار نگرفت یعنی در اسنادی که بعضی از نهادها تولید کردند همان بخش اولش که عبارت "ایران کشور توسعه‌یافته است" مورد توجه واقع شده است. این سند پیشنهادی مجمع تشخیص بوده و ما با مطالعاتی که در اسناد مجمع تشخیص داریم حتی همایش مهمی در مجمع تشخیص برگزار شد تحت عنوان "سیاست خارجی توسعه‌گرا" خوب حتی در آن همایش هم آمدند پیشنهاد دادند که ما به محوریت ایجاد توسعه روابط خارجی‌مان را تعریف



می‌کنیم. خوب آن قسمت سند چشم‌انداز کاملاً مخالف این بود. معلوم است که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رحمته‌الله علیه سند پیشنهادی مجمع تشخیص را اصلاح کردند و "ایران کشوری است با هویت اسلامی و الهام‌بخش در جهان اسلام" را اضافه نمودند.

خبرنگار: عبارت "هویت اسلامی و الهام‌بخش در جهان اسلام" با تعریف سیاست توسعه‌گرا هم‌خوان نیست ...

حجت‌الاسلام کشوری: بله در واقع معنای "توسعه" را تغییر می‌دهد. خوب حالا ما می‌آییم برای تحقق چنین سندی به این معنا که ما عرض کردیم می‌توانیم دو برنامه بعدی را در جهت برنامه‌های کلان پیشنهاد بدهیم. ولی به هر حال مسئله اصلی آن نیست که ما حضور پیدا کنیم در فضای برنامه‌ریزی کشور یا نکنیم، بلکه بعد اجتماعی موضوع مهم است یعنی کسانی که برنامه‌های توسعه را الان در کشور می‌نویسند باید پاسخ بدهند که نسبتش به مرحله فعلی تکامل انقلاب که توانمندسازی ساختارهاست چیست؟ یعنی چقدر در این دوره‌ها ساختارهای ما توانمند شده‌اند. ببینید مثلاً فرض بفرمایید در دولت آقای احمدی‌نژاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور منحل شد، خوب این یعنی یک برخوردی در نحوه برنامه‌ریزی کشور صورت گرفت ولی باید بررسی شود چه چیزی جایگزین شد؛ مثلاً می‌شد با یک مطالعه علمی راجع به سفرهای استانی ما بتوانیم یک نحوه برنامه‌ریزی غیر متمرکز را تولید کنیم و به آن شأنت بدهیم ولی نشد و این اتفاق نیفتاد. یک حرکت‌هایی صورت گرفت به سمت اینکه دولت از ساختارهای ما از وضعیت برنامه‌ریزی مدرن خارج شود ولی چون جایگزین نیامد و طراحی نشد حرکت متوقف بوده و حتی خطر معکوس بودنش وجود دارد که ما دوباره برگردیم به همان ساختارهای قبلی. یا مثلاً یک حرکت‌هایی در راستای تحول در آموزش و پرورش صورت گرفت، باید ارزیابی کنیم که تحول فعلی تربیت را بر اساس شاخص‌های الگوی پیشرفت اسلامی تقویت می‌کند یا تقویت نمی‌کند. حتی ما به نظرمان کارنامه‌خوانی‌هایی که از کاندیداهای بعدی ریاست جمهوری نیروهای انقلاب انجام می‌دهند باید در این راستا باشد، یعنی نامزدها جواب این مسئله را بدهند که چه برنامه‌ای برای توانمندشدن ساختارهای جمهوری اسلامی دارند؟ در واقع بخشی از سرفصل‌های برنامه‌های کاندیداهای ریاست جمهوری باید به این اختصاص پیدا کند که تغییرات ساختاری متناسب با مبنای جمهوری اسلامی را ایجاد کند. این‌ها همه قابل مطالبه است. یعنی مثلاً وقتی می‌خواهند بگویند یک کاندیدا اصلح است کفایت به این نکنند که آن کاندیدا قبول داشته باشد حکم حکومتی ولی فقیه را، این اصلاً معیار خوبی نیست یعنی یک چیزی پایین‌تر از حداقل اصلحیت است؛ حتماً باید حکم حکومتی را قبول داشته باشند ولی باید افراد درک خودشان را از چگونگی ایجاد دولت اسلامی ارائه بدهند.

خبرنگار: خیلی نکته جالبی است، یعنی اگر سطح توقع خودمان از مسئولین ارشد را اینجا قرار دهیم، ما خیلی از مشکلات بعدی را نداریم چه در مسائل سیاسی چه در مسائل مدیریتی. به هر حال قبول دارم اگر ما این مبنا را قبول بکنیم خیلی از مسائل حل می‌شود...

حجت‌الاسلام کشوری: بله حالا یکی از خانه‌های نقشه راه ما بحث انتخابات است، یعنی به نظر ما نیروهای انقلاب باید وارد بشوند بر اساس میزان توان تیم‌هایی که می‌خواهند بیایند در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کنند و توان آن‌ها را در دولت اسلامی و در توانمندسازی ساختارهای بر آن مبنا ارزیابی کنند. خب من احساس می‌کنم که به صورت اجمالی ما نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی را توضیح دادیم و تبیین شد چرا ما نمی‌توانیم از ادبیات توسعه استفاده کنیم.

خبرنگار: جناب آقای کشوری یک اجمالی هم از فعالیت‌های خود در شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی بفرمایید:

حجت‌الاسلام کشوری: ما یک شورای مردمی داریم موسوم به شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی که این شورای راهبردی الگوی پیشرفت الان مشغول سه کار هست؛ یکی تبیین همین مسئله الگوی پیشرفت اسلامی که حالا اینجا خلاصه‌اش را گزارش دادم که در واقع صحبت از الگوی پیشرفت اسلامی بدون صحبت از جهت جمهوری اسلامی صحبت ناقصی است. متأسفانه با عرض تأسف این را بگویم برخی همایش‌هایی که برگزار می‌شود اگر شما بیانات عزیزان شرکت‌کننده در آن همایش‌ها را ملاحظه بفرمایید کاملاً مشهود است اصلاً مسئله مراحل جمهوری اسلامی را مسلط نیستند و در مورد توسعه صحبت می‌کنند، و حتی مسیر را از اول انقلاب اشتباه ترسیم می‌کنند. حتی واقعا اگر ما به دنبال توسعه باشیم این سی سال را اشتباهی آمادیم، یعنی ۳۰ سال حرکت انقلاب قطعاً در راستای ایجاد توسعه نبوده ولی در راستای پیشرفت اسلامی بوده؛ حالا می‌بینید همایش برگزار می‌شود سخنران همایش یا مقاله‌ای که نوشته شده مع الاسف چگونگی ایجاد توسعه در ایران را بحث کرده، در همایشی که مربوط به الگوی پیشرفت اسلامی بوده یعنی اصلاً جهت جمهوری اسلامی برایش جا نیفتاده است. خب



حالا ما یک کاری داریم در شورای راهبردی همین مسئله را تبیین می‌کنیم یعنی ما در نشست و کارگاه‌ها و همایش‌ها و گفتگوهایی که جاهای مختلف داریم سعی داریم که مسئله الگوی پیشرفت مسئله‌اش تبیین شود که فرمود اگر سؤال خوب بپرسد نصف جواب را رفته‌اید.

یک کار دومی داریم به محوریت‌های مأموریت‌های ۲۷ گانه جدول با نهادهای نظام در حال ارتباط هستیم؛ یعنی ما پیشنهادی داریم برای توانمندسازی ساختار فعلی مجلس، یعنی پیشنهادی داریم که اگر عمل بشود روش تقنین در مجلس متناسب‌تر می‌شود با مبنای جمهوری اسلامی. الان در روش تقنین فعلی قطعاً قانونی که مخالف مبنای جمهوری اسلامی باشد تصویب نمی‌شود ولی سؤال هست آیا قوانینی که تصویب می‌شود در راستای تحقق شاخص‌های هویت اسلامی هم هست یا نه؟ این محل اشکال است؛ حالا ما یک پیشنهاداتی دادیم که ساختار مجلس ارتقا پیدا کند؛ یعنی بجای اینکه کف اسلامیت را مبنای تقنین قرار دهد با تغییرات ساختاری که پیشنهاد دادیم اگر مبنای عمل قرار بگیرد مجلس می‌تواند تقنین را در سطح بالاتری از اسلامیت مبنای برنامه‌ریزی خود قرار دهد؛ پس یک کار دومی هم داریم توانمندسازی بخشی به محوریت مأموریت‌های ۲۷ گانه جدول.

یک کار سومی هم داریم که بر اساس نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی داریم در برنامه ششم اداره کشور که انشالله امیدواریم برنامه ششم دیگر خیلی کمتر متأثر باشد از ادبیات توسعه و بیشتر متأثر باشد از پیشرفت اسلامی باشد، ما داریم سیاست‌های کلانی پیشنهاد می‌کنیم؛ این سه کار را ما مشغول هستیم؛ یعنی نوشتن یک بسته سیاستی که قاعدتاً باید پیشنهادش بدهیم به دفتر رهبر انقلاب برای تبیین مسئله یعنی برای برنامه بعدی، کار دوم ارتباط بخشی با نهادها، کار فعلی مان که حالا بیشتر الان مشغول هستیم بحث همین معرفی نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی است. یک نکته ای که شاید بحث را تکمیل کند و خیلی مهم است شاید پرداختن نشریاتی مثل شما و توجه کردن به خروجی همایش‌هایی است که الان دارد در کشور برگزار می‌شود؛ حالا بدون اینکه من اسم ببرم تقریباً پنج جریان به صورت بریده یا دائمی مشغول مسئله الگوی پیشرفت اسلامی هستند. اگر بشود که بعداً اگر کسی گفتگو را خواند یا خود شما بعنوان برنامه‌ریزان این نشریه، توجه کنند که مسئله الگوی پیشرفت در این همایش‌ها تبیین می‌شود فارغ از اینکه چگونه تحقق پیدا کند. من به نظرم این توجه اگر اتفاق بیفتد ممکن است ما از یک دوباره‌کاری خیلی مایوس‌کننده و کسل‌کننده جلوگیری کنیم در کشور، یعنی آقایی آمد در صدا و سیما گزارش داد که ما الگوی پیشرفت اسلامی را تولید کردیم، جالب بود که ایشان گفت ما تولید کردیم!! سایر مراکز می‌گویند که ما در حال تولید هستیم، این آقا گفت ما تولید کردیم، بعد که بحث شد موشکافی کردیم دیدیم منظورشان یک الگویی مثل مالزی و ترکیه و از این دست است!! مع‌الاسف یک بخشی از بچه‌های حزب‌اللهی هم همین طور هستند؛ یعنی آن‌ها هم خیلی حساسیتی روی مسئله توسعه ندارند و معایبش را نمی‌دانند، لذا من به عنوان حرف آخر عرض می‌کنم که یک دور، بچه‌های حزب الله در مجموعه گفتار آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام در مسئله پیشرفت اسلامی مطالعه بکنند که کمک می‌کند به درک این مسئله.



۲. معرفی اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی در گفتگو با پایگاه تریبون مستضعفین

جمعه ۱ دی ۱۳۹۱

بسم الله الرحمن الرحيم

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام علی کشوری درباره نقشه راه پیشرفت کشور

اگر بسیجی‌وار کار کنیم، ۶۰ سال تا رسیدن به جامعه اسلامی زمان می‌خواهیم

اگر شما راجع به الگوی پیشرفت اسلامی صحبت می‌کنید، یک طرفش مفهوم توسعه‌یافتگی در دنیا راجع بهش بحث شده است. باید بگویید پیشرفت با توسعه چه فرقی دارد. حتماً باید در مقام تطبیق مسئله جمهوری اسلامی را متولد کنیم. یعنی راه رایج دنیا و راه کشور تبیین شود و بعد پیشرفت اسلامی که شما مدعیش هستید بحث شود. نقاط اشتراک و اختلاف بحث شود تا مسئله روشن شود.

اشاره: میزبان حجت‌الاسلام علی کشوری در دفتر تریبون مستضعفین بودیم تا درباره الگوی پیشرفت اسلامی حرف بزنیم. بخش ابتدایی جلسه به موضوع شیوه‌ی تولید نقشه راهبردی و نیز جلسات تبیین آن گذشت و در بخش دوم مفاد حرکت انقلاب اسلامی و نیز «نقشه راه»ی که تولید شده بود، به بحث گذاشته شد.

۱۵ سال برای تهیه نقشه راه کار کردیم

حجت‌الاسلام کشوری: ما یک شورای مردمی در قم راه‌اندازی کردیم به نام «شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی». فعلاً اولویت کاری ما مسئله نقشه راه دستیابی به الگوی پیشرفت اسلامی است.

برای این‌که مسئله را در کشور مطرح کنیم، سه دستور کار پیش رو داریم. یکی، معرفی نقشه راه خودمان است که مستحضرید حدود ۱۵ سال کار برده است. چهار سالش مربوط به چگونگی تغییر در ساختارهای فعلی نظام جمهوری اسلامی به سمت آرمان‌هایمان بوده است. حدود ده سال هم مطالعاتی مربوط به اصل انقلاب اسلامی بوده است. شاید آن ده سال بیشتر مبنای مد نظر بوده است، در چهار سال اخیر بیشتر به کاربرد نزدیک شدیم.

سه کار که ما به آن مشغول هستیم

به هر حال، معرفی نقشه راه در قالب ساختاری که خدمت‌تان عرض می‌کنم، کار اصلی ما و در واقع کار تبعی ماست. کار دیگری هم داریم درباره محورهای نقشه راه، که با نهادهای نظام ارتباط دارد. چون به هر حال نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی که دوستان ما تهیه کردند، ۲۷ محور دارد که این ۲۷ محور یا نهادی در نظام متکفلش است (که ما با آن نهاد ارتباط می‌گیریم و مباحث مربوط به نقشه را با آن‌ها در میان می‌گذاریم) یا نهادی متکفل‌شان نیست که باید به تدریج ضرورت تأسیس چنین نهادهایی را در جامعه مطرح کنیم. پس ارتباط محورهای نقشه با نهادهای نظام شد کار دوم.

کار سومی که در دستور کار داریم، خدای متعال توفیق عنایت کردند و در برنامه‌ی آتی اداره‌ی کشور سیاست‌های کلانی را بنا داریم مبتنی بر نقشه راه تنظیم کرده و به دفتر مقام معظم رهبری پیشنهاد کنیم که مبتنی بر این نقشه راه ما، باید چه تغییراتی در برنامه آتی اداره کشور ایجاد شود. برنامه‌ای که به غلط موسوم است به توسعه. برنامه‌ای که باید ثروت ایجاد شود. در واقع باید ان‌شاءالله آن برنامه را برنامه‌ی پیشرفت کشور نام‌گذاری کنیم. این هم کار سوم.

پس ما در شورای راهبردی به سه کار مشغول هستیم.

۱- برگزاری نشست‌های معرفی

۲- تشکیل کارگروه‌های همکاری با محوریت موضوعات نقشه راه

۳- نوشتن سیاست‌های کلان برای برنامه آتی پیشرفت کشور

این نشست‌های معرفی، سه مدل است. یکی نشست‌های خانگی داریم، که مخصوص مستضعفین است. یعنی یک نفر میزبان می‌شود و اطعامی هم می‌کند. مانند مهمانی و معمولاً به این صورت است که میزبان با مجموعه رفقای نخبه خودش رایزنی می‌کند. ما یک نشست خانگی درباره نقشه راه برگزار می‌کنیم. به نظرم تجربه خوبی است و ما هم از این نشست‌ها خیلی راضی هستیم. یک سبک نشست هم در رسانه‌ها داریم، که شاید نشستی که در خدمت شما هستیم دومی یا سومی باشد. با تیمی که سیاست‌های خبری سایت‌ها و خبرگزاری‌ها را تعیین می‌کنند، مباحثه می‌کنیم که محورها در دستور کار تولید خبر قرار گیرد. این نشست در واقع چنین نشستی است. یک نشست‌هایی هم با حوزویان و دانشگاهیان داریم. هر سه این نشست‌ها بحث معرفی نقشه راه مطرح است.

در گزارش بخش تشکیل کارگروه‌ها هم باید بگویم در حال تشکیل یک کارگروه با ۷-۸ نفر از نمایندگان مجلس هستیم تا بحث اصلاح نحوه قانون‌گذاری را پیش ببریم. امیدواریم در روزهای آتی اولین کارگروه مشترکمان با مجلس تشکیل شود. بحث‌های دیگری هم درباره پیش‌گیری از جرم و بقیه موارد مطرح است که گزارش آن‌ها را برای وقت دیگری می‌گذاریم. این گزارش مختصری راجع به بحث شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی و محور فعالیت‌هایش بود، که بر اساس نقشه راه گاه معرفی‌اش می‌کنیم و گاهی با مدیران بر اساس تصمیم‌سازی می‌کنیم.

می‌خواهیم تعادل کل برنامه توسعه را به هم بزنینم

ما می‌خواهیم تعادل کل برنامه توسعه را به هم بزنینم. چون برنامه‌های توسعه الان به محوریت اقتصاد نوشته می‌شود و به نظر می‌رسد با محوریت فرهنگ می‌شود برنامه‌های پیشرفت کشور را عوض کرد. اگر اولین نسخه‌اش بیرون بیاید تجربه‌ای خواهد شد. این گزارش مفصلی از این فعالیت‌ها بود که خدمت‌تان عرض کردم.

از یک آسیب‌شناسی شروع می‌کنم که امروز در کارهای فکری انقلاب به آن مبتلا هستیم. آن آسیب به صورت خلاصه این است که از یک طرف در ادبیات انقلاب یک سری سفارشات علمی مطرح شده است. فرض کنید رهبری معظم سفارش کرده‌اند که اقتصاد مقاومتی تبیین شود. یا سفارش فرموده‌اند نسبت بین عدالت و پیشرفت تبیین شود. دهه چهارم را هم ایشان به دهه پیشرفت و عدالت نامگذاری کرده‌اند؛ یا چگونگی اصلاح الگوی مصرف. خود بحث چپستی الگوی پیشرفت اسلامی؛ یا مثلاً تأثیرگذاری برنامه‌ریزی کشور بر موضوع مهم خانواده. این دست موضوعات جدیدی که در ادبیات انقلاب مطرح و به نخبگان سفارش شده است اگر شما در دیپارتمان‌های علم دنیا دنبالش بگردید جوابی برایش نیست. چرا؟ چون موضوعی نو و تأسیسی است.

یک طرف قضیه این است که یک سری موضوعات نو و تأسیسی در ادبیات انقلاب به نخبگان سفارش شده است. می‌خواهیم آسیبی را تبیین کنیم تا به نقشه راه برسیم. طرف دیگر این است که حوزویان و دانشگاهیان که دو نهاد تخصصی جامعه اسلامی ما هستند ورود پیدا کنند به نشست، کارگاه، مقاله، کتاب و پاسخ این سؤالات را پیدا کنند. این از اول انقلاب بوده است. مثلاً فرض کنید امام راحل عظیم‌الشان وقتی بحث زمان و مکان در اجتهاد را مطرح کردند، این بحث، بحث جدیدی بود که ایشان در حوزه فقه مطرح کردند که همایش‌هایش در قم برگزار شد. یا بحث‌های دیگر که در حوزه‌ی اجرایی کشور یا در حوزه‌ی مباحث دانشگاهی مانند بحث انقلاب فرهنگی مطرح شد و بعد هم آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام موضوعات را بسط دادند، گسترده کردند و تبیین کردند. یعنی شرح و بسط دادند. این‌ها وقتی مطرح می‌شود یک سری نشست‌ها و همایش‌ها برگزار می‌شود.

شما وقتی به خروجی نشست‌ها و همایش‌ها را بررسی می‌کنید که نسبت به این سؤالاتی که در ادبیات انقلاب مطرح شده چه پاسخی داده شده؟ با کمال تعجب می‌بینید که صورت مسئله انقلاب منحل شده در یک صورت مسئله‌ای که قبلاً بوده است. و



بعد همان پاسخ‌هایی که قبلاً به آن سؤالات داده می‌شده، در این همایش‌ها به این سؤالات داده می‌شود. حداقل یک تعداد زیادی از این مقالات و سخنرانی‌ها این حالت را دارند.

سؤال را قلب می‌کنند؛ جواب را تقلیل می‌دهند

مثلاً فرض کنید نشست برگزار شده در جمهوری اسلامی، تحت عنوان نشست الگوی پیشرفت اسلامی. شما می‌بینید یکی از شخصیت‌های شناخته‌شده که معتقد به توسعه و اقتصاد سرمایه‌ای هست، مقاله‌ای دارد و در این نشست شرکت کرده است. مسئله اینکه پیشرفت چیست و الگوش چیست را منحل کرده در اینکه توسعه چیست و الگوش چیست؟ و بعد همان پاسخ‌هایی که در دیپارتمان‌ها به روش ایجاد توسعه در کشورهایی که توسعه نیافته‌اند، در مقاله‌اش داده شده است. سؤال را قلب می‌کنند. سؤال برای کسی که در نشست شرکت کرده، سؤال جدیدی نبوده است. همان سؤال قبلی بوده است و نهایتاً الفاظ تغییر کرده است. فرض کنید در همان مثال زمان و مکان در اجتهاد، یک آقای فقیهی در جلسه شرکت کرده و سخنران هم بوده. شما وقتی سخنرانی‌اش را بررسی می‌کنید، می‌بینید که زمان و مکان در اجتهاد را به زمان و مکان در اجرای حکم یا همان تراجم که قبلاً فقها جوابش را دادند، مربوط کرده است. بالاخره در یک شرایط زمانی و مکانی خاص، ممکن است نشود دو حکم فقهی را با هم اجرا کرد. مثال معروفش این است که شما می‌خواهید نماز بخوانید و یک نفر هم در حال غرق شدن است. اجرای همزمان این دو حکم، نجات جان یک انسان واجب است و «اقم الصلوه» هم که واجب است. شما هم می‌خواهید آخر وقت بخوانید. این‌ها در این شرایط مکانی و در این شرایط زمانی اجرای‌شان تراجم ایجاد کرده است. اگر مسئله تراجم است، فقها زیاد درباره‌اش بحث کرده‌اند. او سؤال را منحل کرده است در مفهوم تراجم و بعد شرایط مکان و زمان و آن جواب را داده است.

اگر کسی بررسی کارشناسی کند در همایش‌های سی‌ساله که برگزار شده است، این مثال‌هایی که عرض کردم را می‌بیند. اخیراً هم در بحث اقتصاد مقاومتی که مطرح شده است، می‌بینیم که همین اتفاق در حال تکرار شدن است. یعنی نخبه‌ای که به عنوان سخنران دعوت شده است، یا به عنوان سخنران افتتاحیه یا از او مقاله‌ای آورده شده است و یا مصاحبه‌ای از او منتشر شده است، سعی می‌کند همان سؤال قبل را یک طوری به سؤال جدید تحمیل کند. یعنی سؤال جدید، چیز نویی نیست، همان است و اتفاقاً حاصلش این می‌شود و می‌گویند ما قبلاً این را می‌گفتیم و رهبران انقلاب تازه این را متوجه شده‌اند! این تفاوت سؤال انقلاب از همایش‌ها، نشست‌ها، مصاحبه‌ها فهم نشده است و فرق آن با سؤالات رایجی که در دیپارتمان‌ها و در نزد نخبگان و در کتاب‌ها هست، فهم نشده است. این آفتی است که همایش‌ها برای پاسخ‌گویی به سؤالات انقلاب دچارش شده‌اند.

اگر بخواهیم در یک جمله بگوییم: «عدم تبیین دقیق و روشن مسائل تأسیسی انقلاب، نزد برگزارکنندگان و نزد شرکت‌کنندگان این‌گونه همایش‌ها.» این آفتی است که ما به آن مبتلاً هستیم. اگر چاره‌اش نکنیم چه می‌شود؟ شما گفتید که یک حرف نو در دنیا دارید، وقتی می‌خواهید نخبگان را وادار کنید که این سؤال نو را پردازش کنند و جوابش را تولید کنند، اگر سؤال خوب تبیین نشود، سؤال منحل می‌شود در سؤال قبلی و این حرف اصلی شما که من ایده‌ی نویی در اداره جامعه دارم که اداره جامعه بر مبنای دین است، آن ایده‌ی نو نادیده گرفته می‌شود، چون جوابی برایش تولید نمی‌شود. چون هرچه نشست گذاشتیم تا جواب آن سؤالات را تولید کنیم، همه‌ی آن نشست‌ها در واقع برای پاسخ به سؤالات رایجی بوده که در دنیا مطرح می‌شده است. اگر ما این را ملاحظه نکنیم، در بیست سی سال آینده به این نتیجه می‌رسیم که باید همین راه‌های موجود دنیا را رفت. نهایتاً بوم ایران را در نظر گرفت مانند بقیه کشورها که شرایط بومی خود را در نظر می‌گیرند. شما ملاحظه بوم را بکنید، ولی راه

پیش روی بشریت همین توسعه‌یافتگی است. این معنایش این است که هفتاد هشتاد سال این راهی که آمدیم، این راه شعار بوده و اشتباه بوده است. یعنی در نهایت علاج‌نکردن این آفت و عدم دقت در تبیین صحیح مسئله جمهوری اسلامی!

باید در مقام تطبیق مسئله جمهوری اسلامی را متولد کنیم

این تبیین باید یک تبیین تطبیقی باشد. مثلاً اگر شما راجع به الگوی پیشرفت اسلامی صحبت می‌کنید، یک طرف آن مفهوم توسعه‌یافتگی در دنیا راجع به آن بحث شده است. باید بگویید پیشرفت با توسعه چه فرقی دارد. حتماً باید در مقام تطبیق مسئله جمهوری اسلامی را متولد کنیم. یعنی راه رایج دنیا و راه کشور تبیین شود و بعد پیشرفت اسلامی که شما مدعیش هستید بحث شود. نقاط اشتراک و اختلاف بحث شود تا مسئله روشن شود.

خبرنگار: منظورتان این است که این الگوی پیشرفت که می‌گویید، بومی‌شده‌ی توسعه‌ی موجود نیست؟

حجت‌الاسلام کشوری: نه نیست. بحث بر سر همین است که عده‌ای می‌خواهند بگویند الگوی پیشرفت اسلامی همان بومی‌شده‌ی توسعه است. ما همین سؤال را ببریم در اقتصاد مقاومتی. همین سؤال را ببریم در اصلاح الگوی مصرف. مثلاً ممکن است کارشناسی بگوید اصلاح الگوی مصرف همین رعایت استانداردهاست. وقتی استانداردهای هر بخش را که به صورت علمی تهیه شده است رعایت کنیم، می‌شود اصلاح الگوی مصرف. شما خوب روی محل نزاع دست گذاشتید. محل بحث همین است. که آیا مسائل مطرح در ادبیات انقلاب به صورت مبنایی اختلافی با مسائل هم‌ارز خود در ادبیات رایج دارند؟ یا نه اختلاف در تغییر شرایط بومی و رونمای مطلب است؟ این مسئله مورد دقت ما بوده است.

خبرنگار: یعنی ما باید از اول دوباره چرخ را اختراع کنیم؟

حجت‌الاسلام کشوری: ببینید ما در مفاهیم بحث می‌کنیم نه در محصولات.

خبرنگار: منظورم این است که ما باید بنشینیم الگویی بنویسیم، بالاخره ما و کشورهای دیگر راهی را رفته‌ایم. حالا ما می‌گوییم که ما در کشوری هستیم که انقلابی در آن شده است، ملتش مسلمانند، غرب‌ستیزند. پس الگویی که می‌خواهیم تهیه کنیم باید این گزاره‌ها را در آن اعمال کنیم و از این وضعی که هستیم یک پله جلوتر برویم. من فکر می‌کردم یک شباهت‌های زیادی احتمالاً با الگوهای توسعه دارد یا نسخه‌ای که برای اقتصاد می‌خواهیم بنویسیم همان نسخه‌ای که راجع به آن بحث شده است شباهت‌هایی با آن الگو دارد. اما مسلماً آن نیست و بر اساس شرایط خودمان و شرایط مردمان است.

حجت‌الاسلام کشوری: مانند فرق توسعه‌یافتگی ژاپن با فرق توسعه یافتگی فرانسه.

خبرنگار: بله، کشورها بر اساس شرایط مردم‌شان توسعه می‌یابند. ما می‌گوییم الگوی ما هم این اتفاق درش بیفتد. حالا ما اسمش را می‌گذاریم پیشرفت و این چیزی که شما می‌گویید احتمالاً ما خیلی از مفاهیمی را که توسعه تعریف کرده، قبول نداریم. شاخص‌ها عوض می‌شود در واقع مدل کلاً عوض می‌شود.

حجت‌الاسلام کشوری: ببینید فرض بحث ما کلاً پاسخ دادن به این است. اگر شما می‌خواهید بگویید پیشرفت اسلامی تغییرات رونمایی در مفهوم توسعه است، تابع شرایط تاریخی ما و یا شرایط جغرافیایی و نیروی انسانی و... و هر شرایطی که مخصوص خود ما هست. اگر ما قرار است این را بگوییم باید محکم بگوییم. یعنی استدلال‌ها و ادله‌اش را بیاوریم، اثباتش کنیم. همینجا باید بایستیم و بحث را منقح کنیم. اگر هم قرار است خلافتش را بگوییم باز باید محکم بایستیم و با ادله و اثبات مسئله را حل کنیم. این‌جا اگر به اجمال حرف بزنیم این یک آفت است.

عرض ما این است و به نظر ما در همایش‌ها و نشست‌ها و کارگاه‌هایی که برگزار شد، به اجمال برگزار شد و این یک آفت است. لذا شما اگر گزارش یکی از این همایش‌های معروف یا بقیه‌ی همایش‌هایی که برگزار شده است، را بررسی کنید می‌بینید که چون اجمالی است، سه دسته جواب است. یک عده‌ای رفتند به همان سمتی که ما عرض کردیم و توسعه را واقعاً غیر از



پیشرفت می‌دانند و این دو مفهوم را یکسان نمی‌پندارند. وارد بحث شدند و یک مفهوم دیگری را گفتند. یک عده‌ای هم نقاط اشتراک را زیاد دانستند. یک عده هم خودش دانستند. ما هر سه جریان را در کشور داریم. یعنی هم جریانی داریم که قائل به مدرنیزاسیون است، هم جریاناتی داریم که قائل به تلفیق است و هم جریاناتی داریم که قائل به تأسیس است. هر سه را در کشور داریم. ما می‌گوییم این مشکل علاج نخواهد شد. پاسخ درستی به سؤالات انقلاب داده نخواهد شد، مگر اینکه سؤال شفاف باشد. هر همایش باید تکلیف خودش را مشخص کند. مثلاً بگویید من دارم همایش می‌گذارم و منظورم از الگوی پیشرفت اسلامی تلفیقی است. یا این که نه، ماهیت شرایط بومی است. یا نه ماهیت تأسیسی دارد. این که به اجمال این‌ها را برگزار کنیم، این آفت همایش‌هاست.

ما وقتی با نخبگان عزیز جلسه داریم از اینجا شروع می‌کنیم. اگر محل وفاق بود که این یک آفت است می‌توانیم وارد بحث نقشه راه شویم، که ما با توضیح دادن یک سری مفاهیم می‌توانیم به سمت یک طرف داستان استدلال برویم. که در اجمال گذاشتن سؤالات آفت است و حالا ما باید مفاهیم را وارد بحث شویم و یک طرفش را محکم کنیم و خیال همه را راحت کنیم که ما هر چه نشست در کشور با نخبگان برگزار کنیم، قائل به تأسیس هستیم. یکسان‌پنداشتن پیشرفت اسلامی با توسعه غربی را چیز خطرناکی می‌دانیم. ولی آن مسئله فارغ از طرح مسئله‌ای که ما کردیم و شاید برای اولین بار هم هست، (حالا هم البته مجموعه‌هایی بودند که اشاراتی کردند) این که این مسئله را مطرح کنند، عام است و همه به آن مبتلا هستند. مثلاً اگر فردا راجع به این قضیه، همایش‌هایی برگزار شد، شما می‌توانید در قالب مصاحبه این سؤال را بگنجانید. یعنی بروید به سمت واکاوی که این برگزارکنندگان چه مد نظرشان بوده است؟ مسئله چیست؟

خبرنگار: من یک سؤال مبنایی بپرسم؛ وقتی که شما می‌گویید ما کاملاً قائل به تأسیس هستیم، نقش فطرت در این میان چیست؟ این که بگوییم که پاسخ‌ها و یا الگوهایی که تاکنون به این سؤالات داده شده، این پاسخ‌ها را کاملاً می‌خواهیم کنار بگذاریم و الگوهای جدیدی را تأسیس کنیم، با قائل بودن به فطرت، چطور با هم قابل جمع است؟ اگر انسان‌ها برای پاسخ به این سؤالات به سراغ فطرتشان نرفتند، همه‌ی سؤالات پاسخ‌ها را غلط می‌پنداریم. خوب اینجا نقش فطرت چگونه است؟

حجت‌الاسلام کشوری: پاسخ بسیار روشن است. انسان هم فطرت دارد و هم هوای نفس دارد و در متون دینی جمع‌بندی این است که ممکن است هوای نفس فطرت را مغلوب کند. در معارف دینی این جزء مسلمات است که فطرت قلب می‌شود و از بین می‌رود. این که با مسائل تخصیص تکنولوژی و مفاهیم غربی چطور باید در ایران برخورد شود بحث جدایی دارد. ولی اگر کسی بخواهد اعتراف کند که فطرت در دنیای بشر جاری است، مثلاً بگوید چیزی انسانی است، جوابش به لحاظ معارفی روشن است. فطرت این جور نیست که تغییر نکند، شما اگر او را در فضای کفر یا هواپرستی قرار دهید، اینجا دیگر فطرت قلب می‌شود و دیگر نمی‌شود با استناد به فطرت درستی یک گزاره را اثبات کرد.

خبرنگار: به صورت کلی چه طور؟ یعنی اگر ما بگوییم همه‌ی انسان‌ها پاسخ همه‌ی سؤالاتی برایشان در طول تاریخ طرح شده است همه غلط است و هیچ پاسخ صحیحی وجود ندارد، ما باید از ابتدا تأسیس کنیم؟ چگونه امکان‌پذیر است؟

حجت‌الاسلام کشوری: نه. معنی تأسیس را معلوم خواهیم کرد. راجع به این بحث هم جواب ما در اینجا روشن است. به میزانی که فرهنگ انبیا -ولو فرهنگ مسیحیت تحریف‌یافته- به همان میزانی که صحیح است و به همان نسبتی که بر فرهنگ بشریت تأثیر گذاشته، به همان میزان صحیح است. اگر ما تشخیص دادیم که آنجا ردپایی از فرهنگ انبیا هست، آن‌جا را می‌توانیم امضا کنیم و منحلش می‌کنیم در یک حرف برتری که این بحث دیگری است.

این سؤالات مبنایی و مفهومی در بحث ما راه‌گشا نیست. اتفاقاً سؤال من برعکس است. من می‌گویم شما یا جریان مخالفی که می‌گویید تأسیسی نیست، از کجا معلوم که ما برنامه توسعه کشور را مبنا قرار دادیم، ده سال ده برنامه را رفتیم و فردا نشویم مثل فاصله‌ی طبقاتی که در آمریکا شده است؟ آن‌ها باید تضمین دهند. بالاخره توسعه‌ی کشورهای G8 را به عنوان عینیت

خودش الان پیش روی بشریت گذاشته است. این‌ها بالاخره کشورهای توسعه‌یافته‌ای هستند. این‌ها در شاخص خانواده‌شان دچار مشکل هستند. در شاخص عدالت دچار مشکلند. این‌ها در مسائل معنوی دچار مشکلند. ما عرضمان این است که اگر این برنامه‌های توسعه را پیاده کردیم، چه ضمانتی وجود دارد با این پیشرفت‌هایی که به لحاظ فرهنگ و عقیده‌ی ما، آن‌ها قطعاً دچار مشکل هستند. شما از کجا ضمانت می‌دهید ما برنامه‌ی توسعه را پیاده کنیم و این شاخص‌ها در کشور ما منفی نشود؟ اتفاقاً آن‌ها باید جواب این سؤال را بدهند که توسعه‌یافتگی قدر مطلق‌های شاخص‌های پذیرفته ما را قطعاً له خواهد کرد و از بین نخواهد برد. آن‌ها باید تضمین بدهند. دست ما دست برتر است.

وقتی شاخص را عوض می‌کنیم، مدل هم قطعاً عوض می‌شود

می‌خواهم بگویم وقتی شاخص را عوض می‌کنیم، مدل هم قطعاً عوض می‌شود. تجربه بشریت هم اینجا معنی ندارد. حتی اگر این مدل را در ششصد سال قبل اجرا کنید با این خیلی فرق می‌کند. ششصد سال دیگر هم اگر بخواهید با این مدل پیشرفت ممکن است با این خیلی متفاوت باشد. چون منظره‌هایی که در دوره‌های تاریخی یا تمدنی موثر است را می‌توانید دست‌کاری کنید. این‌ها به خاطر تغییرات تمدنی است که ما داریم. مثلاً اگر می‌خواستند در دوره صفویه همچین چیزی را بیاورند ممکن بود چیز خوبی هم باشد. لزوماً هرچه تا الآن در تاریخ اتفاق افتاده، اتفاق بدی نیست. ولی خوب ما نمی‌توانیم آن مدل را با مدلی که الان می‌خواهیم اجرا کنیم، مقایسه‌اش کنیم.

اداره جامعه توسط دین یا توسط دین‌داران؟

دست‌اندرکاران این همایش‌های سی ساله، باید بگویند به چه سؤالی پاسخ دادند؟ آیا همان سؤالات رایج بود که من دو تا از مثال‌هایش را عرض کردم. مثلاً زمان و مکان همان تزامم بود؟ الگوی پیشرفت اسلامی همان توسعه بود؟ شما همایش گذاشتید و همان‌ها را جواب دادید. اگر جواب دادید پس بیاید تکلیف شعار اصلی‌مان که گفتیم اداره جامعه بر مبنای دین است، را هم روشن کنیم. بگویید اداره‌ی جامعه بر مبنای دین، همان اداره‌ی جامعه توسط دینداران است، نه توسط دین. این را حل کنید. بالاخره یکی باید اصلاح شود. یا اداره جامعه براساس دین که دیدگاه محوری است باید اصلاح شود و بشود اداره جامعه توسط دینداران. آن وقت حرف درست است، ممکن است دیندار یکی از راه‌حل‌های مرسوم را بپذیرد. و الزاماً بین راه‌حلی که دین‌دار ارائه می‌دهد و دین، ممکن است ارتباط منطقی نباشد و اصلاً ممکن است، ارتباطی نباشد. من نمازم را می‌خوانم، دین‌دار محسوب می‌شوم، ولی از راه‌حل‌های موجود عقلای عالم یکی را می‌پذیرم و جلو می‌روم. پس یا باید این ایده محوری‌تان را اصلاح کنید و یا اگر دیدید که این ایده‌ی محوری درست است با این بیان که جامعه اسلامی باید دینی اداره شود و البته حتماً برای اینکه بخواهد دینی اداره شود باید دین‌داران در رأس کار باشند. این را ما در درون این تئوری داریم. آن وقت باید جواب بدهد که در این سی سال، همایش، مقاله، کارگاه، دوره‌ی دکترا و .. هرچه که کار کردید، چه پاسخی به این سؤال داده شده و این سؤال اصلاً چه بوده است؟ این را ما باید حل کنیم.

طبق بررسی‌های ما، عمدتاً سؤال جمهوری اسلامی منحل می‌شود در سؤالات رایج که مثال‌هایش را عرض کردیم. خوب ما باید روی آسیب‌شناسی بحث کنیم. خوب اگر کسی سؤال کرد و گفت به قول آخوندها سلیمان! تو درست می‌گویی. این تا به حال آفتی بوده، حالا چطور باید علاجش کرد؟ ما در نقشه راه‌مان جواب روشنی به این آفت یا به این مشکلی که هر برگزارکننده‌ای که در جمهوری اسلامی می‌خواهد همایش برگزار کند با آن رو بروت، دادیم. جواب این است، که باید جهت حرکت جمهوری اسلامی قبل از هر حرکتی تبیین شود. یعنی از جمله الزامات همه‌ی همایش‌ها، تبیین جهت حرکت نظام جمهوری اسلامی است. اگر این جهت را تبیین کردیم، بعد می‌توانیم سؤالاتی که در کثرات و ساختارهای جامعه هست را تبیین کنیم. ولی اگر جهت



تبيين نشد، اين آفت ادامه پيدا خواهد كرد و ما به اين سمت مي‌رويم كه سؤالات همان سؤالات قبلي خواهند بود. پس جواب ما تبیین جهت جمهوری اسلامی است.

جهت حرکت یعنی: مبنا، مراحل و موضوع انتقال

حالا جهت چیست؟ ما جهت را اجمالاً در سه کلمه معنا کردیم. یعنی اگر این سه کلمه مورد بحث قرار گیرد و واضح شود، بعد ما می‌توانیم وارد بحث شویم. جهت از منظر این جدول پیشرفتی که ما تنظیم کردیم یعنی، تبیین مبنای حرکت، مراحل حرکت و موضوع انتقال حرکت، که هر سه تا را توضیح می‌دهم. یعنی این کلمه اجمالی که معمولاً همه صحبت می‌کنند و در اخبار هم هست که می‌گویند باید جهت حرکت تعیین شود، ما در نقشه راه در سه کلمه تبیین کردیم و از اجمال بیرون آوردیم. یعنی وقتی ما کلمه جهت را استخدام می‌کنیم، این کلمه اسم است برای سه مفهوم یا سه اصطلاح: مبنای حرکت، مراحل حرکت و موضوع انتقال حرکت. ما باید به این سمت برویم که مبنای حرکت جمهوری اسلامی چیست؟

مبنای حرکت جمهوری اسلامی چیست؟

وقتی می‌خواهیم جهت حرکت را توضیح دهیم، یک سوم جواب این است که بگوییم مبنای حرکت جمهوری اسلامی چیست؟ مبنا یعنی چه؟ مبنا یعنی آن ایده‌ای که در همه زمان‌ها و مکان‌ها و در همه شرایط، همه کارها با آن ارزیابی می‌شود. مبنا یعنی آن مفهومی که برای بخش‌ها قابل ترجمه است. حالا مبنای حرکت جمهوری اسلامی چیست؟ مبنای حرکت جمهوری اسلامی، تحقق شاخص‌های هویت اسلامی است. این در هر شرایط زمانی که ما قرار گرفتیم تغییر نمی‌کند. این ایده محوری تغییر نمی‌کند. در هر بخش یا مکان و یا کثرت و ساختاری که قرار گرفتیم، باید نسبت‌مان را با این تمام کنیم. بعد مبنای‌مان را با آن کثرت یا ساختار ترجمه کنیم. پس یک آفت گفتیم، گفتیم سؤال جمهوری اسلامی در همایش‌ها تبیین نمی‌شود، برای مقابله با این گفتیم باید جهت جمهوری اسلامی را تبیین کرد.

مبنا را در سه کلمه توضیح می‌دهیم. یکی کلمه تحقق که اصل هست و با کلمه تحقق با اسلام سنتی مرزبندی می‌کنیم. اسلام سنتی خودش را در استنباط و ابلاغ خلاصه می‌دارد. یعنی فعالیت علمی‌اش می‌رود به سمت استنباط و فعالیت عینی‌اش در حد ابلاغ است. هیچ‌وقت برنامه‌ریزی برای تحقق را مبنای کار خودش قرار نمی‌دهد. شما می‌بینید که اسلام ناب که مبنای حرکت جمهوری اسلامی است، اول از تحقق شروع می‌شود و اصلاً دنبال محقق کردن احکام و اسلام است. شاخص‌های هویت اسلامی را مرزبندی می‌کنیم با جریان روشنفکر که آن‌ها از اساس به دنبال هویت اسلامی نیستند. به دنبال هویت نو و مدرن هستند. ولی در یک چیزی اشتراک دارند؛ آن‌ها هم به دنبال تحقق هستند. یعنی این‌طور نیست که یک روشنفکر که می‌خواهد در جمهوری اسلامی فعالیت کند مثل هر جای دنیا باشد. بخواهد یک چیزی را تبیین کند و بگوید مردم خودشان عمل کنند! نه، به دنبال تغییر در ساختارهای اجتماعی است. پس ما مبنای حرکت جمهوری اسلامی را با دو مبنای معارض و رقیب خودش تبیین کردیم. اسلام سنتی که استنباط-ابلاغ مبنای کارش هست، معارف اسلامی را استنباط و ابلاغ می‌کند. و برنامه‌ریزی برای تحقق مبنا کارش نیست. جریان روشنفکری به دنبال هویت مدرن هست، ولی می‌خواهد محققش کند. شما در جمهوری اسلامی، تحقق شاخص‌های هویت اسلامی مبنای حرکتتان است. یعنی باید شاخص‌های هویت اسلامی را استنباط کنیم و بعد برنامه‌ریزی کنیم برای تحقق‌شان. این‌جا بحث‌های زیادی مطرح است. عده‌ای می‌گویند که آیا باید برنامه‌های تحقق هم مبتنی بر اسلام باشد؟ یا باید بر عقلانیت صرف تکیه داشته باشد و شاخص را محقق کنید کفایت می‌کند و بالاخره نخله‌هایی به وجود آمده است.

وقتی ما ملاک را امکان اجرا می‌گذاریم، آیا این امکان وجود ندارد که بعد از مدتی احکام اسلام قلب شود؟ مثالش را هم بزنم. در بحث‌های فمینیستی گفت و گویی بود که یکی از فمینیست‌های دو آتسه داشت صحبت می‌کرد و گفت ما مجبور شدیم برای

اینکه حرف‌مان را به جامعه ایران غالب کنیم سراغ این می‌رویم که مصلحت‌های امروز جامعه حکم می‌کند که مثلاً این حکم این‌گونه باشد. شاید چیزی شبیه به همان بحث زمان و مکان که شاید اگر تبیین درستی ازش نشود، اجازه می‌دهد که احکام به نسبت زمان‌ها و مکان‌ها و جامعه و نیازها عوض شود. یعنی آنجا که امکان تحقق ندارد، قلب شود. برای این شما چه راه کار و طرحی داشتید؟ حرف این است مصلحت‌های اجتماعی چقدر در اصل حکم تأثیر دارند؟ مثلاً شاید نشود در این شرایط حکم سنگسار را اجرا کرد. شما حکم سنگسار را بر می‌دارید؟ و یا اینکه می‌گویید به خاطر تراحم، از این مسئله دست می‌کشیم. اما حکم همان است، فقط قابل اجرا نیست!

بحث تدرج در اجرای احکام که بحث سنگسار یکی از این مصادیق می‌شود، یکی از مسائل مطرح در مباحث فقهی است که به تحقق فکر می‌کند. یعنی اتفاقاً محل بحث جدی است. که اگر مبنای حرکتان تحقق شاخص‌های هویت اسلامی بود و تحقق احکام بود. حالا اینکه تدرج در احکام اصل هست یا نه، یک بحثی است. مثلاً تنزیل قرآن، یا مثلاً بحث شراب، تنزیل تدریجی بوده است. یعنی به تدریج حکم حرمت آمده است. ابتدا آمده، «و لا تقربوا الصلوه و انتم سکری»، یعنی موقع نماز شراب نخورید. این در مراحل گفته شده که حالا شراب حرام است حتی خوردن یک قطره‌اش. من می‌خواهم به شفاف‌شدن سؤال شما کمک کنم. حالا این جمعیت‌ها این سؤال را مطرح می‌کنند، که اگر مبنای حرکت جمهوری اسلامی تحقق شاخص‌های هویت اسلامی است، آیا مثلاً همان تدرج در تنزیل را می‌توانیم به تحقق هم تعمیم بدهیم؟ بگوییم که یک حکمی است که نمی‌شود محققش کرد. مادامی که نمی‌شود محققش کرد به معنای تعطیلی احکام نیست. معنایش این است که بعضی از احکام، زمینه‌ساز اجرای بعضی از احکام دیگر هستند. مثلاً اگر شما حکم جهاد را اجرا نکنید، حکم نفی سبیل را که جزء احکام مسلم اسلام است را اجرا نکنید، بعداً نماز هم به خطر می‌افتد. یعنی اگر این را خوب پردازش کنید، ممکن است درجه‌ای در فقه رو به روی شما باز شود که بعداً شما تقدم اجرای احکام را بر حکمی دیگر دارید. حالا این تقدم را نمی‌خواهیم انواعش را بحث کنیم. تدرج در اجرای احکام در عینیت مسلم است. یعنی گاهی اگر بخواهید حکمی را اجرا کنید، گاهی اثر معکوس می‌دهد. اصلاً نمی‌شود اجرائش کرد. مردم مخالفت می‌کنند و ممکن است به برخی از احکام پذیرفته شده ما هم سرایت کند. ولی اینکه «در استنباط این چه وضعیتی پیدا می‌کند؟» سؤال خوبی است. که مثلاً آن سؤالی که ما در حوزه تحول در فقه و تحول در حوزه داریم، یکی از مواردش همین است. ما از فقهای عظام شیعه سؤال می‌کنیم که اگر شما پذیرفتید که اجرای احکام، تحقق از شاخص‌های هویت اسلامی، وظیفه فقها هست، تدرج را چه وضعیتی دارد؟ اجرا کنیم یا نه؟ بپذیریم یا نه؟ اگر هم قرار شد بپذیریم باید یک تبیین دقیق آکادمیک دانشگاهی از مسئله بشود. حالا اگر سؤال این است که ما گفتیم، جزء مسائل است و نمی‌توانیم یک شبه اجرائش کنیم. و اینکه اجرائش نمی‌کنیم، معنایش این نیست که می‌خواهیم حکم را قلب کنیم. بگوییم این حکم در شرایط زمانی و مکانی امروز دیگر نسخ شده است. به قول آن آقای که در مقاله‌اش گفت باید یک سری احکام جدید نسخ شود. ما مرادمان این نیست. می‌گوییم باید برای اجرائش زمینه‌سازی کنیم. همین یک کلمه نیست که بگوییم تحقق شاخص‌های هویت اسلامی. به نظر ما پردازش صحیح یک کلمه منجر می‌شود که در تفقه تحول ایجاد شود. یعنی حتماً یک سری قواعد فقهی و اصولی جدیدی نیاز است اگر شما بخواهید مسئله تحقق شاخص‌های هویت اسلامی را مبنای حرکت جامعه اسلامی قرار دهید. بگوییم جامعه اسلامی با همه اهدافش یک هدف مرکزی دارد، می‌خواهد شاخص‌های هویت اسلامی را محقق کند. حالا الزامات تحقق در استنباط تأثیر دارد یا ندارد، به قول و نظر صحیح تأثیر دارد و به نظر ما این جور است. ولی ما نمی‌خواهیم وارد این این‌قلت‌های آقایان شویم. این محل بحث جدی است. یعنی به نظرم دعوای جدی در حوزه پیدا می‌کند و مخالفینی پیدا می‌کند. گرچه موافقین استخوان‌داری هم این بحث پیدا خواهد کرد.



مبنای حرکت جمهوری اسلامی در برابر دو مبنای رقیب

بنابراین مبنای حرکت جمهوری اسلامی معلوم شد، تحقق شاخص‌های هویت اسلامی. دو مبنای رقیب هم معلوم شد. یک مبنا می‌گوید من تا ابلاغ بیشتر نمی‌آیم و همین وظیفه را دارم که استنباط کنم و ابلاغ کنم. این مبنا را وقتی بررسی می‌کنیم می‌بینیم در ابلاغ متوقف شده است. مبنای دیگر می‌گوید شاخص‌های هویت مدرن اصل هست. آن وقت آن مبنا می‌گوید اصلاح قرائت دینی. یعنی روشنفکران اگر بخواهند مدرنیته را اصل قرار دهند، قطعاً احکام اسلامی با شاخص‌های هویت مدرن در تعارض است. اگر برایشان تحقق شاخص‌های توسعه‌یافتگی اصل است، حتماً حرف اصلاح قرائت دینی، حرف درستی است. پس این مبنای حرکت است که ما مشاهده می‌کنیم. نه فقط در همایش‌ها و کارگاه‌ها، در طول حیات جمهوری اسلامی مدیرانی بودند که نزدیک به این مبانی رفتار می‌کردند. در بعضی دوره‌ها واقعا مبنای‌شان ایجاد توسعه بوده است. حالا بنا به شرایطشان یا بخشی و یا همه‌جانبه. اصلاً مبنای حرکت در جمهوری اسلامی را در سایه توسعه می‌دانستند.

پس با گذشت از نحله‌های مختلف ما مبنایمان را تبیین کردیم؛ تحقق شاخص‌های هویت اسلامی. حالا گام دوم؛ این مبنا در چند مرحله محقق می‌شود؟ چون شما می‌خواهید یک حرفی را محقق کنید، باید صحبت از مراحل تحقق هم به میان بیاید. چون تحقق امری تدریجی است. تحقق امری را در بشر کن‌فیکون نمی‌کند. حتماً باید مقدمات و کارهای فکری لازم را انجام داد. حالا سؤال اصلی ما این است که شاخص‌های هویت اسلامی در چند مرحله محقق می‌شود؟

آیت‌الله خامنه‌ای علیه‌السلام که به عنوان یک فقیه پرچم‌دار در این مسئله فکر کردند، ایشان می‌فرمایند مبنای جمهوری اسلامی، یعنی اداره جامعه بر مبنای دین در پنج مرحله محقق می‌شود و این پنج مرحله را تبیین هم کردند. ایشان می‌فرمایند گام اول، گرفتن اختیارات است. یعنی اگر می‌خواهید شاخص‌های هویت اسلامی را محقق کنید، باید اختیارات را به دست معتقدین به این برنامه بدهید. خوب ما این مرحله را گذراندیم. انقلاب سیاسی اسلامی در سال ۵۷ یعنی سلب اختیار از غیرمعتقدین به مبنای جمهوری اسلامی و دادن به معتقدین که این گذشت.

مرحله دوم تعریف هویت اجتماعی شماسست که به شما قدرت می‌دهد تا بتوانید در ساختارها و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی حضور پیدا کنید. یعنی باید اصول حرکت‌تان برای تحقق مبنا را تعریف کنید. باز به نظر آیت‌الله خامنه‌ای علیه‌السلام ما این مرحله را گذراندیم. ما اصول اساسی‌مان را، خصوصاً در مقدمه قانون اساسی و در تعیین نوع نظام تثبیت کردیم. یعنی گفتیم شاخص‌های هویت اسلامی بدون حضور مردم محقق نمی‌شود. چون وقتی می‌خواهیم محققش کنیم یعنی می‌خواهیم مردم محققش کنند. پس جمهوری را در نوع نظام آوردیم و این جمهوری یا حضور و مشارکت مردم یک قید «برای» دارد و آن «برای اسلام» است. پس چه در مقدمه قانون اساسی و چه در تعیین نوع نظام، ما اصول نظام‌مان را تعریف کردیم. الان مصری‌ها و بعضی کشورها که انقلاب کردند، هنوز در این مرحله هستند و هنوز از حرکت‌شان و از اصول حرکت‌شان تعریف ارائه ندادند. ولی ما از این مرحله عبور کردیم که آیت‌الله خامنه‌ای علیه‌السلام از این مرحله با نام مرحله نظام اسلامی یاد می‌کنند. جمهوری برای اسلام، جمهوری برای اسلام، مشارکت برای اسلام. اینجا در بخشی از اصول قانون اساسی این تبیین می‌شود که یعنی چه؟ حتی آن قدر مسئله برایمان روشن و تبیین شده است که مثلاً آنجا که گفتیم تظاهرات و تجمع آزاد است، گفتیم به شرط ادب و عفت و اسلام. این مسلم و پذیرفته شده بوده است. یعنی شما از زمان صفوی که آمدید این طرف، در این سیصد-چهارصد سال مردم به پذیرش رسیدند که هویت اسلامی باید برایشان اصل باشد. یعنی اسلام را پذیرفتند. خوب این مرحله را هم ما عبور کردیم. پس مرحله نظام اسلامی یعنی مرحله اصول اصلی حرکت و بعد تحقق آن مبنا.



دولت اسلامی یعنی توانمندسازی ساختارها برای برنامه‌ریزی شاخص‌های هویت اسلامی

مرحله سوم از نظر آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام، دستیابی به دولت اسلامی است. دولت اسلامی را اگر اجازه دهید با یک مثال توضیح دهم. ما دولت اسلامی را تعریف کردیم به توانمندسازی ساختارها برای برنامه‌ریزی شاخص‌های هویت اسلامی. به عنوان مثال؛ ما در سال ۸۴ رفت و آمدی داشتیم در بعضی از این ساختارهای نظام از جمله مرکز آمار ایران. در یکی از جلسات یکی از کارشناسان یک سؤالی از بنده پرسید که خیلی برایم توقف ایجاد کرد و خیلی مفید است تبیین این سؤال. ایشان گفتند وظیفه دولت اداره است و ما هم سازمان همین دولت هستیم. و گفت من که کارشناس همین دولت هستم نمی‌دانم (نگفت نمی‌خواهم، گفت نمی‌دانم) چگونه ارتقای عدالت را محاسبه کنم؟ گفت اگر به من بگویید ارزش افزوده را محاسبه کن، من به شما می‌گویم حتی این ماه چقدر ارتقا پیدا کرده است؛ ولی شما به من نگفتید عدالت چگونه محاسبه می‌شود؟ ببینید می‌خواهد این کار را بکند، ولی توانش را ندارد. پس توانمندسازی ساختارهای دولت اسلامی یعنی همین چیزی که عرض کردم. یعنی شما بتوانید تئوری‌هایی تولید کنید، سازوکارهایی پیشنهاد بدهید، که آن شاخص‌های هویت اسلامی‌تان علاوه بر تعریف شدن قابل محاسبه هم باشد. قابل برنامه‌ریزی هم باشد. خوب این مرحله سوم است که ما در این مرحله هستیم، که در واقع نقشه راه ما روش توانمندسازی ساختارها را برای تحقق مبنایان به شما می‌گوید.

اگر ما بتوانیم این مرحله را با موفقیت به سرانجام برسانیم، به این معناست که ساختارهای ما قدرت برنامه‌ریزی بر این مبنا را برای شاخص‌های هویت اسلامی داریم. این یعنی مبنای ما دارد محقق می‌شود و به هر میزانی که محقق شد جامعه شما اسلامی شده است و از این مرحله که می‌گویید شما دیگر از این دغدغه عبور کردید. آیت‌الله خامنه‌ای یک فرمایشی دارند که می‌فرمایند متأسفانه ذهن نخبگان ما پیشرفت اسلامی و توسعه غربی را یکی حساب می‌کند، که باید برای این یک فکری کرد. یعنی شما از دغدغه عبور کردید، ساختارهایتان نه تنها فهمیدند فرق پیشرفت و توسعه چیست، توان برنامه‌ریزی را هم پیدا کردند. حالا شما یک جامعه اسلامی شدید. یعنی احکام اسلامی اجرا شده، معارف اسلامی تحقق پیدا کرده، به نسبتی که شما فهم پیدا کردید و برنامه‌ریزی کردید. لذا الگوی شما تالو پیدا می‌کند و در دنیا تکثیر می‌شود. اسم آن مرحله را می‌گذاریم، مرحله امت اسلامی و مرحله تمدن اسلامی.

خواستیم بگوییم سؤالات جمهوری اسلامی چگونه شفاف می‌شود، گفتیم بدون تبیین جهت جمهوری اسلامی امکان ندارد. جهت جمهوری اسلامی را هم در سه کلمه خواستیم توضیح دهیم، مبنای حرکت جمهوری اسلامی، مراحل حرکت جمهوری اسلامی و سومی موضوع انتقال است که اگر حوصله می‌کنید این را هم توضیح دهم. این مبنا، مراحل و موضوع را که توضیح دهیم، جهت را توضیح دادیم و بعد باید بتوانیم با این جهت هر سؤالی را تبیین کنیم.

الان وضعیت ما در نظام اسلامی چگونه است؟

الان ما در مرحله دولت اسلامی هستیم. یعنی ساختارهایمان معالاسف توان کافی برای برنامه‌ریزی برای شاخص‌های هویت اسلامی ندارند.

این یک زمان‌بندی تاریخی دارد؟

بله. ما یک تخمینی دادیم. برای دولت اسلامی شصت سال تخمین زدیم که بیست سال از آن را طی کرده‌ایم.

برای مرحله نظام اسلامی چطور؟

آن را ما عبور کردیم.

چه زمانی؟ حدوداً چه زمانی را باید مبنا بگیریم؟

از آغاز امامت اجتماعی امام خامنه‌ای آغاز مرحله دولت اسلامی است.



یعنی سال ۶۸؟

یعنی اتمام مدیریت امام، نظام اسلامی تثبیت شد. همین که می‌بینیم سازمان ملل ما را محق دانست و صدام را مقصر دانست یعنی شما تثبیت شدید.

۶۰ سال برای دولت اسلامی وقت هست؟

بله. اما خوش‌بینانه، یعنی با کار بسیجی.

ابتدای این را کجا می‌گیرید؟ ابتدای انقلاب اسلامی را؟

مرحله انقلاب اسلامی، یک انقلاب اسلامی در سال ۵۷ است که معلوم است؛ از ۴۲ تا ۵۷ ولی یک مقدمات دارد به نظر ما از میرزای شیرازی شروع می‌شود که با روس‌ها درگیر می‌شود و شاید دویست سال مبارزه فقها بود، که نقطه درخشانش اینجاست. ولی آن بحث میرزای شیرازی که من گفتم برای این که قبلش بود. وگرنه شما کار مشروطه را همین جا باید ببینید، کار آیت‌الله کاشانی و آیت‌الله مدرس. این‌ها نقاط بارزش است. یک کتابی اخوی من نوشتند که هفت جلد است و یک جلدش بیرون آمده به نام «چلچراغ‌های تابوت‌شکن» که تکمیل‌کننده همین نقشه راه است. طرحی است، طرح شناسنامه‌های تاریخی دویست سال فقهای پرچمدار که با مدرنیته و استعمار درافتادند. این طرح‌ها را ما منطقه‌ای برمی‌داریم. مثلاً در بروجرد ما علمای مبارز را شناسایی کردیم. البته قبل از انقلاب. مثلاً میرزا محمود که با ناصرالدین شاه مبارزه می‌کرد؛ دویست سال مبارزه و هویت بود که ما به اینجا رسیدیم. حالا بحثی است که اگر ایشان کتابش چاپ شود. البته کتاب ایشان مربوط به فقهای کل جهان اسلام است. یعنی ۲۰۰ سال بعد مثل میرزا رضا و سید جمال و ... را نیاوردیم ما. فقهای صاحب فتوا که این‌ها می‌گویند امام نادر بود، این‌جور نبوده است. واقعاً ۲۰۰ سال مبارزه بوده امام جمع‌بندی کامل ارائه دادند از مبارزه.

گاهی وقت‌ها به اسم تحقق اسلام، مانع تحقق اسلام می‌شوند

پس این مرحله دولت اسلامی هم گذشت، حالا یک بحث داریم به اسم موضوعات انتقال. موضوعات انتقال به بیان ساده یعنی اینکه اولویت‌های هر مرحله را شما شناسایی کنید، که اگر اولویت‌ها را رعایت نکنید از یک مرحله به مرحله بعد انتقال پیدا نمی‌کند. لذا ما اسمش را گذاشتیم موضوعات انتقال یا موضوع انتقال. لذا موضوع انتقال همیشه و در هر مرحله به مرحله بعد یکی است. یعنی شما یک اولویت اصلی دارید که اگر آن را رعایت کردید انتقال پیدا می‌کنید به مرحله بعد، اگر رعایتش نکنید انتقال‌تان دچار توقف و عقب‌گرد می‌شوید در مرحله بعد. پس بنابراین موضوع انتقال گرچه رکن سوم جهت است، ولی مهمترین بخش جهت است برای این که ما بتوانیم فرآیند انتقال‌مان را مدیریت کنیم. من مثالی می‌زنم که واضح می‌شود، یعنی اگر کسی موضوع انتقال را نفهمد، توجه نکند، نمی‌تواند در فرآیند انتقال نقش ایفا کند، ولو اینکه مبنا و مراحل را متوجه بشود. اولویت‌های این مرحله را متوجه نشود، گاهی وقت‌ها به اسم تحقق اسلام مانع تحقق اسلام می‌شود، چون وقتی شما سخن از اولویت به میان می‌آورید، معنایش این است شما مرحله چهارم ایران اسلامی است یعنی تدریجی که بحث می‌کردیم دیگر. شما می‌گویید آقا شخصیت هویت اسلامی صدسال تحققش طول می‌کشد، آنوقت یک حکمی اگر شما همین موضوع انتقال را نفهمید، ما توجه نکنیم، که بعضی آدم متوجه می‌شود که در تحلیل کلان متوجه این مسئله نیستند، در واقع ظرفیت اجتماعی را بسیج می‌کند برای امری که الان تحقق آن مشکل است. این مسئله مهمی است موضوع انتقال.

مسئله انتقال به جامعه اسلامی اختصاص دارد به فرمایشات آیت‌الله خامنه‌ای

با بیان تمثیلی توضیح می‌دهم مسئله انتقال را. آقا ما مرحله اول حرکت‌مان انقلاب سیاسی سال ۵۷ بود دیگر، مرحله بعدش هم مرحله نظام اسلامی بوده، خب موضوع انتقال از این مرحله به این مرحله چیست؟ یعنی بالاخره ما الان نظام اسلامی را مستقر داریم، نظام جمهوری اسلامی مستقر است، بلکه عمق استراتژیک هم پیدا کرده. با این جریان بیداری اسلامی و اجلاس



عدم تعهد، تا خود مستضعفین عالم عمق استراتژیک دارید، ولی هیچکس در جمهوری اسلامی قائل به این نیست که ما توانستیم شاخصه‌های هویت اسلامی را به‌تمامه محقق کنیم. کسی چنین ادعایی ندارد. ما سؤال‌مان این است که این استقرار نظام، که استقرار نظام به معنای تحقق تام مبنا نیست، چه اولویت‌هایی رعایت شده تا این مستقر شده است؟ می‌خواهیم بگوییم همان موقع یک عده از آقایان بودند که می‌گفتند فلان حکم اجرا بشود، ولی امام نرفتند به سمت اجرای فلان حکم خاص، یک اولویت‌های خاصی را مبنا قرار دادند تا نظام مستقر شود، چون امام درکشان این بوده که اجرای آن حکم و بقیه احکام بدون استقرار نظام امکان ندارد. حالا ما می‌گوییم که این اولویت‌ها چه بوده؟ که می‌خواهیم بازخوانی بکنیم. من دیدم اوضاع امروز ما یک عده‌ای می‌آیند استناد می‌دهند به صحیفه امام، ما با توضیح این بحث اثبات می‌کنیم شرایط امروز، اگر می‌خواهید تبیین مبنا کنید می‌توانید استناد بدهید به صحیفه امام، چون مبنا در تمام مراحل حاکم است، اگر حتی می‌خواهید مراحل را توضیح بدهید، باز امام حتماً مرحله‌بندی داشته‌اند، یک مرحله‌بندی سه تایی در حرفه‌های امام به نقل، من در فیش‌ش هم در صحیفه نور پیدا نکردم، اما اگر، حالا با این بحث موضوع انتقال راجع به موضوع انتقال فعلی بخواهیم استناد بکنیم، اصلاً امام درگیرش نبوده که بخواهد پردازش کند و بحث کند. و اینجا فقط اختصاص دارد به فرمایشات آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام، ببینید حتی در طبقه‌بندی ادبیات انقلاب هم به ما کمک می‌کند موضوع انتقال. حالا من خیلی خلاصه در چند دقیقه توضیح بدهم که مسئله حل بشود.

امام این را تبیین کرد: اسلام خودش حکومت دارد

سال ۱۳۵۷ انقلاب که واقع شد چند ماه بعدش خروجی انقلاب نشد جمهوری دموکراتیک اسلامی یا جمهوری ایران یا هر خواسته دیگری که دیگران می‌گفتند. علتش یک مسئله بود. اولویتی که امام همیشه رعایت می‌کرد، تبیین حکم اسلام حکومت دارد، امام از ۴۲ تا ۵۷ با اولویت این را تبیین کرده، اولویت اصلیش این بوده است. لذا شما وقتی می‌بینید که نخست‌وزیر وقت به امام پیشنهاد می‌دهد که امام در انتخابات شرکت کنند، امام راحل در پاریس می‌فرماید اسلام خودش حکومت دارد. یا در سال ۴۸ درس خارج ولایت فقیه راه می‌اندازند در عراق. موضوع انتقال یعنی همان اولویت اصلی که باعث انتقال ما می‌شد از مرحله انقلاب اسلامی به مرحله تأسیس جمهوری اسلامی، تبیین تئوری اسلام خودش حکومت دارد یا تئوری ولایت فقیه بود. اگر امام غیر از این مسئله بر روی چیز دیگری می‌ایستادند، یعنی مسئله اصلی‌شان می‌شد یک مسئله دیگر، این انتقال واقع نمی‌شد. در مرحله‌ای که مردم می‌خواستند بیایند رای بدهند و قانون اساسی بنویسید، حتماً شما مشروح مذاکرات قانون اساسی را دیده‌اید، از جمله بحث‌های جدی که حتی بعضی از آقایان روحانی داخل مجلس آن را فهم نکرده بودند، همین مسئله ولایت فقیه بود. لذا به نفعش هم وارد میدان نمی‌شوند.

چهل روز تلاش برای تبیین ولایت فقیه

من خاطره‌ای اینجا نقل می‌کنم که خوب است برای تبیین موضوع. مرحوم آیت‌الله سید منیرالدین حسینی‌الهاشمی از شیراز کاندیدا بود در خبرگان قانون اساسی. ایشان می‌گویند که بحث در گرفت در مجلس خبرگان روی موضوع اصل ولایت فقیه. ایشان می‌گویند که من ارزیابی‌ام این بود که اصلاً بحث جا نیافتاده است. لذا خیلی فضا به نفع روشنفکرها بود. آیت‌الله بهشتی تجدید وضو کردند و داشتند بر می‌گشتند. بعد من رفتم خدمت ایشان به ایشان گفتم که ما برای چه این انقلاب و این حرکت را انجام داده‌ایم؟ بعد ایشان می‌گویند برای اسلام بوده. با ایشان صحبت کردیم که ایشان در دستور کار ۴۰ روز بررسی اصل مربوط به ولایت فقیه عقب انداختند. بعد ایشان می‌گویند که من در این ۴۰ روز، از نماز صبح تا شب از آقایان یکی یکی وقت می‌گرفتم و مسئله را تبیین می‌کردم، که اگر مسئله ولایت فقیه را برنگردانیم به ولایت امر و به ولایت معصومین، برگردانیم به رأی مردم چه اتفاقاتی می‌افتد. یعنی یک چنین فعالیت‌هایی در مجلس خبرگان شهید بهشتی و مرحوم آقای سید



منیر و دیگران انجام دادند، که توانستند این را به پذیرش برسانند. حتی از امام که شروع کردند تا آن موقع برای بعضی‌ها جا نیافتاده بود.

اینکه برای مردم، نخبگان و دانشگاهیان جا می‌افتد، مثل شهید آیت یا مرحوم آقای بهشتی، این اولویت بوده است. موضوع انتقال بوده است؛ تبیین اسلام خودش حکومت دارد. اگر ما این را رعایت نمی‌کردیم اصلاً وارد مرحله نظام اسلامی نمی‌شدیم، انقلاب می‌شد و وارد مرحله جمهوری دموکراتیک می‌شدیم. یک مسیر دیگر تبدیل می‌شد، مثل مشروطه. هر چند در مشروطه باز نظارت فقها را اسماً حفظ کردند، در قانون بود ولی اجرا نمی‌کردند. مرحوم مدرس برای همین قانون مشروطه بود که از نجف به ایران آمدند.

موضوع انتقال از مرحله انقلاب اسلامی به مرحله نظام تبیین تئوری ولایت فقیه بود. یک مرحله نظام اسلامی داریم به مرحله دولت اسلامی، این جا موضوع انتقال چیست؟ بالاخره ما در مرحله دولت اسلامی هستیم، نظام اسلامی مستقر شده، امام روی چه ایستاد تا این انقلاب منتقل شد؟ وقتی رفتند گفتند با دلی آرام امور را به دست آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام می‌سپارم و می‌روم. این اتفاقی که افتاد و تثبیت شد.

اهمیت دفاع مقدس در انتقال به مرحله دولت اسلامی

امام باز یک موضوعی را رعایت کردند که اگر در ادبیات‌شان بگردید یک عبارت «جنگ در رأس امور است» و مجموعه تبیین‌هایی که درباره پدیده دفاع مقدس دارند که امام می‌گویند این جنگ بود که اسلام را صادر کرد، جنگ بود که به ما توانمندی داد. ما روی این تشریحی که امام کردند حساس هستیم، یعنی مسئله جنگ باعث شد که ما خودباوری و ظرفیت اداره کردن خودمان را بدست بیاوریم که اگر جنگ اتفاق نمی‌افتاد این روحیه به وجود نمی‌آمد. شما اصلاً نمی‌توانستید وارد مرحله دولت اسلامی بشوید. اصلاً اگر مساله جنگ نبود، ولو اینکه اگر شما در قانون اساسی می‌بردید، توان برنامه‌ریزی اولیه برای دولت اسلامی را نداشتید. لذا جنگ استقلال برای کشور درست کرد. آن شرایط سخت جنگ، تحریم‌هایی که به وجود آورد، جمعیت‌هایی که بعداً مدیر شدند؛ شدند رئیس جمهور، پست‌های مملکتی را گرفتند، همه حاصل همین جنگ بود. لذا مسئله جنگ در رأس امور است، موضوع انتقال است. امام هم در فرمایشات‌شان بود، حتی وقتی آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام می‌خواستند میرحسین موسوی را عوض کنند، امام تت گفتند جنگ لطمه می‌خورد. اجازه ندادند این اتفاق بیفتد. یعنی می‌خواهم بگویم موضوع انتقال حرکت، هیچ وقت نباید فراموش بشود.

ساختارهای ما برای تحقق شاخص‌های توسعه توان‌مندند و نه شاخص‌های هویت اسلامی!

حالا دیگر در دولت اسلامی هستیم و می‌دانیم آینده‌مان هم جامعه اسلامی است. موضوع انتقال از مرحله دولت اسلامی به مرحله جامعه اسلامی چیست؟ این هم یک تک موضوع است، اگر در اولویت کار قرار بگیرد و به همه موضوعات ترجمه بشود. اگر شما ترجمه نکنید یعنی موضوع اصلی را رعایت نکنید، انتقال‌تان واقع نمی‌شود. امام راحل مدیریت‌شان در واقع جا انداختن دو تا اولویت بود و بعد تحویل آیت‌الله خامنه‌ای دادند. آیت‌الله خامنه‌ای هم الان درگیر یک موضوع انتقال هستند، که آن موضوع انتقال بنا بر تعریفی که ما ارائه دادیم موضوعی است که علت توانمندسازی ساختارهای شما می‌شود. یعنی قدرت برنامه‌ریزی بر این مبنا را ایجاد می‌کند. یعنی شما گفتید دولت اسلامی دولتی است که باید توانمند باشد برای تحقق مبنا. آینده‌تان هم جامعه اسلامی. پس موضوع انتقال علت توانمندسازی ساختاری که موضوع انتقال از این مرحله به آن مرحله تولید الگوی پیشرفت اسلامی. یعنی جنگ اهمیت دارد، تئوری ولایت فقیه هم اهمیت دارد و اگر ما این مسئله را تولید نکنیم، ساختارهای مان توانمند نمی‌شوند. به مرحله جامعه اسلامی انتقال هم پیدا نمی‌کنید. الان ساختارهای ما متاثر از شاخص‌های

توسعه جهانی WDI هستند. توانمند هستند برای تحقق شاخص‌های WDI ما این الگو را تولید نکنیم ساختارهایمان توانمند نمی‌شوند برای اجرای شاخص‌های هویت اسلامی. یعنی همان بحثی که کارشناس مرکز آمار می‌گفت. در مرحله دولت اسلامی، موضوع انتقال‌مان تولید الگوی پیشرفت اسلامی است. الگو را تولید کنیم ساختارهایمان می‌توانند برنامه‌ریزی کنند. بدون الگو ساختارها نمی‌توانند، نه اینکه نمی‌خواهند. بدنه کارشناسی نمی‌فهمد چگونه عدالت را محاسبه کند، در نهایت می‌گوید عدالت همان ضریب جینی است. ضریب جینی یعنی همان روش محاسبه توزیع درآمد نه روش محاسبه عدالت که این متفاوت است. ما می‌گوییم این بحثی که شما توضیح دادید، روش برنامه‌ریزی برای تحقق خانواده نشد، برای ارزش افزوده شد. یعنی کاملاً می‌توانیم بفهمیم توان‌مندی‌های ساختارهایمان برای تحقق شاخص‌های هویت اسلامی می‌شود یا نه. دولت اسلامی یعنی توان‌مندی. با توان‌مندی الگوی پیشرفت اسلامی محقق می‌شود. اگر محقق کردید و تولید کردید، دولت شما توانمند می‌شود و انتقال واقع می‌گردد. اگر تولید نکردید انتقال دچار مشکل است. همه امور باید ارتباطشان با این مسأله دیده بشود.

خانواده زیرساخت تولید الگوی پیشرفت اسلامی است

ما یک ایده داریم به اسم بانک سؤالات که عمده طراحی‌اش برای پایان‌نامه‌ها است، ولی به‌درد رسانه‌ها هم می‌خورد، که نخبگان را با این سؤالات به چالش بکشد. مسأله اصلی‌مان توان‌مندی ساختارها است. همه امور را باید با این بسنجیم، خانواده نسبتش با توان‌مندی ساختارها چیست؟ ما مکرر گفتیم خانواده زیرساخت تولید الگوی پیشرفت اسلامی است. بعداً این را شرح می‌دهیم. این نقش هم در واقع گام دوم توان‌مندی ساختارها است. ما بنظرمان در ۲۰ سال گذشته، رهبر معظم انقلاب با مدیریت‌شان در یک مرحله ساختارها را توانمند کردند، که نتیجه‌اش سفرهای استانی و رفتن سمت عدالت است؛ همین شاخص‌هایی که در دو دولت قبلی نبود. یعنی سعی کردند بروند به سمت عدالت، یعنی ساختارها یک تغییرات در آن ایجاد شده، ولو اینکه شما بگویید سازمان مدیریت و برنامه منحل شد. سازمانی که متکفل برنامه‌ریزی برای توسعه بود منحل شد. ما این را چیز بدی نمی‌دانیم، یعنی فی‌الجمله ساختارها یک توان‌مندی اجمالی در شاخص‌های مدیریت اسلامی پیدا کرد.

این جدول ما، پیشنهاد گام دوم است. جدولی هم برای گام سوم هست. لذا اگر شما جدول ما را ذیل دولت اسلامی ملاحظه کنید، ما دولت اسلامی را در سه مرحله تعریف کردیم:

۱. یک مرحله از دولت اسلامی، مرحله پیدایش است که در واقع با قانون اساسی مصوب ۵۸ و تغییرات سال ۶۸ انجام شد.
 ۲. یک مرحله دیگر ما پیشنهاد تغییراتش را در جدول تبیین کردیم، یعنی چه تغییراتی در ساختارهای فعلی ایجاد بشود تا شما بتوانید شاخص‌های مدیریت اسلامی را توضیح بدهید. اسمش را گذاشته‌ایم: قانون اساسی الگوی پیشرفت اسلامی.
 ۳. یک مرحله هم داریم قانون اساسی بعد از این نقشه راه که ما از آن تعبیر کردیم به قانون اساسی انقلاب فرهنگی.
- پس سه تا قانون اساسی شد، در واقع قانون اساسی تبیین روابط ساختارها است. یک قانون اساسی مصوب ۵۸ با تغییرات ۶۸ داریم که این توانش همین قدر است. یعنی روابط ساختاری که تعریف کردیم همین قدر اسلام را محقق می‌کند. ما پیشنهاد دادیم یک تغییرات ساختاری ایجاد شود که این‌ها توان‌مندتر بشوند. اسمش را گذاشته‌ایم قانون اساسی الگوی پیشرفت اسلامی. این مرحله هم که به فضل الهی عبور کنیم، یک قانون اساسی داریم، یعنی دولت اسلامی تک قانون، که قانون اساسی اسم انقلاب فرهنگی توضیحش بوده است.



باید فرهنگ را در اصلاح قانون اساسی درست کنیم

باید فرهنگ را در اصلاح قانون اساسی درست کنیم، یعنی حتماً باید روابط ساختاری تغییر کند. چطور شما از زمان شاه آمدید به زمان انقلاب، روابط ساختاری را تغییر دادید که توانستید اسلام را محقق کنید. در سال ۶۸ به این نتیجه می‌رسید که این قانون اساسی برای اجرای اسلام مشکلاتی دارد. تغییرش دادیم. پس یک مرحله دولت اسلامی توان‌مهندسی ساختارها در سطح قانون اساسی فعلی است. حالا ساختارها باید یک تغییراتی بکنند که توان‌مندتر بشوند. برای چی؟ برای تحقق مبنای جمهوری اسلامی. ما اسم این مرحله از توان‌مهندسی را گذاشتیم قانون اساسی الگوی پیشرفت اسلامی. یک مرحله تکاملی هم پیشنهاد دادیم، قانون اساسی انقلاب فرهنگی.

نقشه راه به شما می‌گوید برای شما تغییرات ساختاری که لازم دارید تا برای تحقق مبنای تان توان‌مندتر بشوید. من تأکید دارم، برای اولین بار به فضل الهی تغییرات ساختاری بخش‌های مختلف نظام تبیین شده است. نه به صورت جزئی؛ یعنی سعی شده همه تغییرات لازم در همه ساختارها دیده شود. چون قانون اساسی فعلی همین قدر ظرفیت دارد. مثلاً مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که الان در دفتر آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام تاسیس شده - با تغییراتی که بعداً می‌کند - جای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور را می‌گیرد. بعد این را شما باید بیاورید در قانون اساسی. یعنی شما باید یک مرکز درست کنید، این مرکز باید خودش توان داشته باشد، بتواند تحلیل کند، تحقیق کند، شاخص‌های هویت اسلامی را منتشر کند، محاسبه کند، بعداً این را جایگزین آن سازمان مدیریت می‌کنید. یعنی به لحاظ ساختاری باید به نظر ما بیاید زیر نظر دفتر رهبری. برنامه‌ریزی برای اداره کشور نباید بیاید در بخش اجرا، باید بیاید به دست کسی که متکفل جهت است.

خبرنگار: قانون اساسی می‌تواند بگوید مجمع باید متکفل این کار شود

حجت‌الاسلام کشوری: مثلاً، احتمال دیگری است، ولی بالاخره مجمع با این مرکز تحقیقاتی که دارد توسعه مالزی را تنویر می‌کند. اصل قضیه باید تبیین می‌شد.

خبرنگار: شاید قانون اساسی فعلی از لحاظ ساختاری مشکل نداشته باشد.

حجت‌الاسلام کشوری: آن وقت مشکلش این است که مجمع نقش مشورتی دارد، نقش برنامه‌ریزی ندارد در قانون اساسی. یعنی ما می‌گوییم تغییرات کند. بالاخره ما به نظرم می‌آید اختیارات برنامه‌ریزی کشور، حداقل در سطح جهت‌گیری یک نهاد قانونی درست بشود.

خبرنگار: اگر جهت‌گیری باشد که می‌تواند به عنوان سیاست کلی ابلاغ شود

حجت‌الاسلام کشوری: الان سیاست کلی ابلاغ می‌شود، ولی تبیین برنامه نمی‌شود. من یک وقت در یک جلسه گفتم حداقل در سطح قوانین عادی باید تغییر ایجاد شود.

الان وقت بحث این حرف‌ها نیست. یعنی اول باید ببینیم ببینیم چه جور باید الگو را تولید کنیم. یعنی اگر شما الگو را درست کنید، مسأله‌ی ساختاری تان هم تبیین می‌شود. شما در مرحله دوم دولت اسلامی هستید، در مرحله دوم دولت اسلامی، ما آمدیم یک تبیینی ارائه دادیم از چگونگی توان‌مهندسی ساختارهای شما برای تحقق مبنای تان. یک تبیین هم برای آینده داریم.

باید سطح اسلامیت را ارتقا بدهیم

ما می‌توانیم از این که هست ساختارهای مان را توان‌مندتر کنیم. یک گزارشی دادم به حاج آقای تهرانی. حاج آقای تهرانی گفتند این کف اسلامیت است. به بیان ساده‌تر، ما باید یک مقدار سطح اسلامیت را ارتقا بدهیم. از مرحله فعلی بیاریم بالاتر. ما این را در ۲۷ گونه تبیین کردیم که این گزارش اجمالی از این نقشه راه.

اولین ضرورت ساختارها این است که هویت خانواده را در برنامه‌ریزی حفظ می‌کند. شما اگر بخواهید خانواده تشکیل بدهید، زن و مرد که خانواده را تشکیل می‌دهند در نظام آموزش و پرورش رشد و نمو پیدا کردند و پیدا می‌کنند. تحول بنیادین باید بدهید، آموزش پرورش بتواند همسر تربیت کند. یعنی حتماً باید این در آن لحاظ شود و جزء لاینفک تحول بنیادین است. در حال حاضر چون جهت جمهوری اسلامی تبیین نشده است، هرچند طرحی هم به اسم طرح تحول بنیادین آموزش پرورش ارائه دادید، ولی در این طرح تحول معلوم نشده که بالاخره محتوای آموزشی چقدر در اختیار تربیت همسران آینده است؟ شما از توانمندسازی ساختارها صحبت می‌کنید، این توانمندسازی ساختارها، یک قسمت توانمندسازی ساختار آموزش و پرورش است. برای تربیت آدم‌هایی که بتواند خانواده را متکفل شود.

صیغه ازدواج دائم می‌خوانیم، ولی تحقق متعه داریم

بحث دیگر ساختارها اصلاح الگوی مصرف است. الان شما با یک معضلی روبه‌رو هستید، پدر و مادر به دلیل اینکه می‌خواهند در نرُم مصرف امروز زندگی کنند (اگر زندگی نکنند که از پسند اجتماعی خارج می‌شوند) مجبور هستند هر دو کار کنند تا هزینه‌های این الگوی مصرف را تامین کنند. لذا ما الان پدر و مادر نداریم، ما نان‌آور داریم، به اصطلاح فنی‌تر ما صیغه ازدواج دائم می‌خوانیم، ولی تحقق متعه داریم. چون پدر و مادر مشغول تامین الگوی مصرف فعلی هستند، روی توانمندسازی صحبت می‌کنید دیگر، برای تحقق شاخص‌های هویت اسلامی. پس حتماً اصلاح الگوی مصرف، معنای رعایت استانداردهای دیگر نمی‌دهد. معنای اصلاح الگوی مصرف این است که رفاه مادی باید در یک حدی متوقف شود. اگر این کار را نکنید خانواده از بین می‌رود. یعنی مبنای رفاه، ضدخانواده است. معنای لفظی نه، یعنی مدگرایی افسار گسیخته.

مبنای رفاه باید کنترل شود

ما تعبیری که می‌کنیم اینجوری است، می‌گوییم رفاه یعنی مبلمان مان شیک‌تر باشد، ولی آسایش که باید در خانه باشد، نیست. خب آسایش چه می‌شود؟ آسایش همان احکام خانواده است. مبنای رفاه باید کنترل شود. جامعه اسلامی باید به دنبال یک سطحی از رفاه باشد. یک سطحی از رفاه که تامین شد، باقی برنامه‌ریزی‌ها باید بیاید برای توانمندسازی پدر، پدر بودن را در نان‌آور بودن خلاصه نداند.

به عدالت و رفاه نمی‌توان عدد اختصاص داد

از نکات جالب جدول ما این است که ما یک خانه‌های داریم به اسم شاخص‌های هویت اسلامی. ما در این گزارش‌ها روش محاسبه را منتشر می‌کنیم. شما تا زمانی که نتوانید روش محاسبه‌تان را منتشر کنید، برای چه به ساختارها می‌گویید بیایند محققش کنند؟ به جای WDI به دنبال منتشر کردن این شاخص‌ها هستیم با محاسباتش. منتها حالا این چیزی که ما گرفتیم شاید در حد ۳۰ تا شاخص است که روش محاسبه‌اش هم ضمیمه می‌کنیم. بعدها باید گسترش پیدا کند. این نطفه‌های اولیه آن گزارش‌های مبنایی شما می‌شوند. بعداً در سطح جهان هم قابل استفاده می‌شود.

زیرساخت الگوی پیشرفت اسلامی ارائه روش برنامه‌ریزی برای احیای نهاد خانواده است

مسئله را می‌خواستم بگویم که توانمندسازی ساختارها ما دو تا را اشاره کردیم، یکی حتماً باید ساختارها بروند به سمت اصلاح الگوی مصرف، یکی هم باید ساختارها بروند به سمت تحول در آموزش و پرورش که خروجی این‌ها بشوند احیای نهاد خانواده. یعنی حداقل بحث اصلاح آموزش و پرورش واضح است. شما دختران را آموزش نمی‌دهید که مادر یا همسر باشند. مفاد درسی ارتباطی با این بحث‌ها ندارد. پسران را هم همین‌طور. پس حتماً باید این ساختار آموزش و پرورش تغییر کند به این سمت. حالا خانواده پردازش زیادی دارد، بعداً حتماً اشکال می‌کنند، می‌گویند یک آموزش و پرورش کشور دارد تأمین نیرو می‌کند برای صنعت کشور، شما اگر به آن دست بزنید این روی زمین می‌ماند. سوالات جدی‌ای است که حالا در این‌باره ما بحث‌های



جدی‌ای داریم که بحث خانواده، یک کارگاه یک‌روزه می‌خواهد که آن ایده ما تبیین بشود که چطور می‌شود رفت به سمت اصلاح. اجمال قضیه این است که ما جامعه اسلامی بدون خانواده‌ی توان‌مند برایمان معنا ندارد، الگوی پیشرفت اسلامی بدون در نظر گرفتن برنامه برای خانواده هم معنا ندارد. زیرساخت الگوی پیشرفت اسلامی ارائه‌ی روش برنامه‌ریزی برای احیای نهاد خانواده است.



۳. معرفی نقشه راه در نشست خبرگزاری فارسی تبیین ۲۷ مأموریت برای انتقال نظام به مرحله به کارگیری الگوی پیشرفت اسلامی در اداره کشور

چهارشنبه ۶ دی ۱۳۹۱

بسم الله الرحمن الرحيم

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، در نشست معرفی اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی-که در محل این خبرگزاری برگزار گردید حجت الاسلام علی کشوری-دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی- و مهندس بهرام بیرانوند-نماینده مردم شریف بروجرد و اشترینان- و -عضو شورای راهبردی الگوی پیشرفت- توضیحاتی را در مورد اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی ارائه نمودند. اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی در واقع پاسخی ميسوط به سفارش علمی امام خامنه‌ای علیه السلام در موضوع تولید الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت محسوب می‌شود؛ که خبرگزاری فارس در راستای انجام رسالت خود و برای زمینه‌سازی برای نقد این اثر علمی، به بررسی این نقشه راه پرداخته است. متن تنظیم شده این نشست علمی به قرار زیر است.

خبرنگار: در ابتدا به صورت مختصر فعالیت‌های شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی را تشریح کنید.

حجت‌الاسلام علی کشوری: بسم الله الرحمن الرحيم فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی برای پاسخ به سؤال "چگونه الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت را تولید کنیم" در سه سطح زیر سامان یافته است.

۱. سطح اول فعالیت‌های این شورا، شامل برگزاری نشست‌های معرفی اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی است؛ بر اساس مفاهیم این نقشه راه، در ابتدای نشست‌ها، مسئله الگوی پیشرفت اسلامی تبیین و سپس برای چگونگی تولید الگوی پیشرفت اسلامی پیشنهادی روشن ارائه می‌گردد. همچنین در این نشست‌ها مخاطبین با مأموریت‌های ۲۷ گانه این نقشه راه آشنا می‌شوند. با پیگیری این مأموریت‌ها، علاوه بر حل مشکلاتی مهم در جامعه اسلامی، مسیر تولید الگوی پیشرفت اسلامی مورد بررسی نخبگان و مسئولین قرار می‌گیرد. البته برخی از مأموریت‌های ۲۷ گانه نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی از سوی هیچ نهادی پیگیری نمی‌شوند، ولی برخی دیگر از این مأموریت‌ها ساختار متکفل دارد. به عنوان مثال یکی از مأموریت‌های این نقشه راه، مسأله مهم پیشگیری از جرم است؛ که خوشبختانه در قوه قضائیه مرکزی برای به ثمر رساندن این مسأله ایجاد شده است.

۲. سطح دوم فعالیت‌های این شورا، تلاش برای ارتباط‌گیری با نهادهای نظام جمهوری اسلامی-مبتنی بر مأموریت‌های ۲۷ گانه اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی- است. به عنوان مثال در مورد مأموریت مهم "پیشگیری از جرم" شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی بر اساس "تئوری پیشگیری بنیادین اسلامی" در تلاش برای ارتباط‌گیری مؤثر با قوه قضائیه است. این شورا مبتنی بر این تئوری، در سه سطح کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت برنامه‌هایی را قابل پیگیری می‌دانند.

۳. سطح سوم فعالیت‌های شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی، شامل پژوهش‌هایی برای پیشنهاد سیاست‌های کلان و احکام برنامه متناسب با این سیاست‌ها، در فرآیند تدوین و تصویب برنامه ششم کشور است.

این مأموریت‌های ۲۷ گانه سه ویژگی دارند: اولین ویژگی این مأموریت‌ها این است که با پردازش آن‌ها آسیب‌های توسعه غربی تبیین می‌شود. این مسئله آنگاه اهمیت می‌یابد که ما توجه داشته باشیم؛ نخبگان کشور نگاه خوبی به توسعه غربی دارند. خیلی از نخبگان با دیدگاه مثبت به توسعه نگاه می‌کنند و عیبی در توسعه غربی نمی‌بینند. به عبارت دیگر این ۲۷ مأموریت عیب‌های توسعه غربی را آشکار می‌کند. دومین ویژگی پردازش این مأموریت‌ها حل برخی از مسائل فعلی نظام مبارک جمهوری اسلامی است. اگر ما به این مأموریت‌های زمین‌مانده بپردازیم ۲۷ مشکل از نظام به صورت نسبی حل می‌شود. به طور



مثال مسئله پیشگیری از جرم اگر حل شود بخشی از مشکلات قوه قضائیه حل می‌شود. کثرت پرونده‌های ورودی به قوه قضائیه نگران‌کننده است. سومین ویژگی پرداختن به این مأموریت‌ها این است که با استفاده از راه‌حل‌های پیشنهادی این نقشه راه به نوعی قوانین و تخصیص‌های فعلی کشور به سوی الگوی پیشرفت اسلامی هدایت می‌شوند. به عبارت دیگر با استفاده از تئوری‌های این نقشه راه - که مبتنی بر الگوی پیشرفت اسلامی دوران گذار است - به نوعی - با حل یکسری چالش‌های نظام - الگوی پیشرفت اسلامی را معرفی می‌نماییم.

خبرنگار: در ابتدا به صورت مختصر درباره نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی توضیح دهید.

مهندس بهرام بیرانوند: بسم الله الرحمن الرحيم در ابتدا باید بگویم؛ که در حکومت پهلوی و سلاطین قبلی، به هر دلیلی اجازه ورود به مباحث حکومتی وجود نداشت و اگر کسی به مسایل حکومتی ورود می‌کرد حاکمان تند برخورد می‌کردند. در سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی، هر کس به حاکمیت نزدیک شد متهم می‌شد؛ که توده‌ای است و لو اینکه دخالت‌کننده مجتهد بود، این اتهام و اتهاماتی دیگر به او زده می‌شد. در سال‌های حکومت طاغوت، روشنفکران نیز در فضای خاص خود بودند. ولی به فضل خدا، با متنی که خدا - با برانگیختن حضرت امام ره - بر سر ملت ما گذاشتند، فرصت پرداختن به مسائل حکومتی بازتر از قبل شده است. در گذشته هر فردی به حاکمیت ورود کرد تاوان سختی داد. تاوان سختی ورود شیخ فضل‌الله نوری در عرصه سیاست، جان شیرینش بود! اما حضرت امام ره فضای سیاسی کشور را باز کرد. پیروزی انقلاب اسلامی فضایی جدید برای ملت و نخبگان ملت فراهم کرد و ما توانستیم حکومت دینی را شکل عینی بدهیم.

بعد از تشکیل حکومت و در شرایط جنگ و در سال‌های اولیه انقلاب - به قول مقام معظم رهبری - ما در مسئله برنامه‌ریزی، حرکت زیگزاگی داشته‌ایم. در بحث اقتصاد مدتی، چپ و راست رفتیم و بسیاری از فرصت‌ها را در این فضاهای چپ و راست از بین بردیم. البته نباید فراموش کنیم که در شرایط اولیه انقلاب، تنها نقشه موجود برای اداره کشور، نقشه‌ای بود که سایر جوامع بر اساس آن اداره می‌شدند؛ لذا ما نیز رونوشت برداشتیم و آن را اجرا کردیم منتها در پسوند، قید اسلامی به آن چسباندیم. نه آن شدیم، نه این. شبیه زاغی شدیم که می‌خواست به ظرافت کبک راه برود! حضرت آقا این نقطه ضعف را شناسایی کردند و به تبیین این موضوع پرداختند و تربیت نسلی را آغاز کردند؛ که این نسل، این مشکل را حل کند. تعدادی از دوستان ما دیده‌بانی حضرت آقا را متوجه شدند و مباحث حضرت آقا را جمع‌بندی کردند. لازم به ذکر است که حضرت آقا از خودشان چیزی نمی‌گویند. یک پشتوانه جدی برای حضرت آقا وجود دارد. کلام و رفتار ایشان پشتوانه فقهی و کلامی دارد.

بر این اساس، در نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی، یک تصویری از کلام حضرت آقا ترسیم شده است؛ که این تصویر به ما کمک کند، انقلاب اسلامی را از این مرحله و این آسیب عبور دهیم. ما ۲۷ نقطه را مشخص کردیم که شامل تغییر در ساختار و رفتار است. برگرفته از ادبیات حضرت آقا است. نسخه‌ای است که طراحی و ادعای بزرگی دارد. فعلا تنها نسخه‌ای است که چنین ادعای بزرگی دارد. البته مدعی هم نیستیم که کامل است. مدعی هستیم اولین کاری است که انجام شده است. از بحث تبیین نقاط ضعف حریف (توسعه) شروع می‌شود و تا ارائه راهکار در جزئی‌ترین مراحل ادامه می‌یابد. اگر این الگو به خوبی پیاده شود برای همه ما و سنوات طولانی کار است. این موضوع وقتی اهمیتش روشن می‌شود که ما بدانیم، یکی از مشکلات ما در بحث نظام این است که گروه‌های فکری ما عملاً برنامه‌ای برای آینده ندارند. الگو می‌آید و به همه ما برنامه می‌دهد.

به طور مثال در بحث پیشگیری از جرم که وظیفه قوه قضائیه است. در حال حاضر - نداشتن برنامه منسجم برای این موضوع - برای ما هزینه‌ساز است. علاوه بر سایر هزینه‌ها، هزینه ریالی هم برای ما ایجاد می‌کند. اگر به عقب برگردیم و این مطلب را آسیب‌شناسی کنیم؛ پی به این نکته خواهیم برد که مشکلات ما جدی‌تر است. مشکلاتی مانند جرم، مانند زخمی عفونی است که از یک نقطه بدن بیرون می‌زند. وقتی سابقه و عوامل جرم را بررسی می‌کنیم مشاهده می‌کنیم که: آسیب زیاد است.

متأسفانه در برخی از حیطه‌ها اینگونه است اگر در آسیب‌شناسی رفتار مجرم به یک مرحله عقب‌تر برگردیم؛ می‌بینیم با دانش‌آموزی مواجه هستیم که از نهاد خانواده وارد چرخه آموزش شده است. ما برای کاهش جرم، بی‌نهایت کار انجام نشده در بخش آموزش و در سبک زندگی داریم. ریشه جرم در سبک آموزش، محتوای آموزش و شیوه ارتباط دانش‌آموز و معلم است. در آموزش و پرورش کار انجام نشده‌ی زیادی درباره این موضوع وجود دارد. همچنین در مسائلی مانند بحث خانواده و آموزش آن، باید کارشناسان کار کنند. حضرت آقا در سفر اخیر خراسان مسائلی را به صورت جزئی مطرح کردند. شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی مانند طب سوزنی ۲۷ نقطه این بدن را سوزن زده و مدعی است که راه حل ارائه کرده است. این راه حل‌ها باید طرح شود، تا روشنفکران و علما ببینند و به موضوع کمک کنند. زمانی که موضوع مستقل خلق شد، افراد دیگر در پیراستن آن می‌توانند کمک کنند. معمولاً ذهن‌های خلاق را در خلق یک اثر، افرادی که بعدها در پیراستن مشارکت می‌کنند اذیت خواهند کرد؛ منتها ما از این اذیت استقبال خواهیم کرد.

خبرنگار: آینده‌ای که از آن نام خواهید برد ایران ۱۴۰۴ است یا افق طولانی‌مدت‌تر خواهد بود؟

پیرانوند: ما ملت بزرگی هستیم. برای جواب سؤال شما باید یک قدم دیگر به عقب برگردیم: در عالم دو جبهه بیشتر نداریم. یکی جبهه حق است که تعریف خاص خود را دارد و طول و عرض آن کاملاً مشخص است. جبهه‌ی باطلی هم داریم که طول و عرض آن و اشکال آن کاملاً مشخص است. جبهه حق را باید ترسیم کنیم و با تظاهر نمی‌شود در این جبهه مشکلات را حل کرد. در جبهه حق یک برنامه وجود دارد و آن اینکه ما باید از روز ازل تا لحظه‌ای که قیامت برپا می‌شود در این جبهه برای توحید بجنگیم. ما برای انجام این رسالت بزرگ به دنیا آمده‌ایم. این رسالت، رسالت اسلامی - ایرانی ما است. این رسالت همان زمینه‌سازی ظهور است؛ که پشتوانه آن شهیدان ما هستند. البته قرار هم نیست، این کار را با اجبار انجام بدهیم، مردمی که دارای فطرت پاک هستند این الگو را مشتاقانه می‌پذیرند. اگر دقت بفرمایید، در برخی موارد، کشور بدون پرداخت هزینه ریالی، الگوی انقلاب اسلامی را جلو برده. پیرامون خودمان را در نظر بگیرید، ملت‌های تحت تأثیر انقلاب اسلامی، از زیر بار حاکمان جور خارج شده‌اند. در این زمینه به الگو تبدیل شده‌ایم. دوست و دشمن به آن اعتراف می‌کنند. در بحث دفاع از منافع مردم، آنجا که دفاع سخت‌افزاری است به الگو تبدیل شده‌ایم. در بحث علمی، در حال حرکت و به پیش‌رفتن هستیم.

البته فراموش نکنیم که دشمن با پی‌بردن به نقاط قوت کشور، نقاط ضعف ما را نیز پیگیری کرده است و با تحریم‌ها در پی آن است که فشار علیه کشور به وجود بیاورد تا ما به هدفمان دست پیدا نکنیم. معتقدم با توجه به ظرفیت معارف دینی و ترجمانی که از معارف دینی از زبان رهبری نظام ایجاد شده است قادریم در آینده‌ای میان‌مدت و یا بلندمدت، به آن رسالت بزرگ دست پیدا کنیم و در همه زمینه‌ها الگوی اسلامی را ارائه کنیم.

خبرنگار: کشور در حال حاضر به سوی دانش بین‌المتنی و فلسفه مضاف در حال حرکت است. چه ضرورتی است که به دنبال چنین دانشی برویم. آیا مسائلی که طرح کردید همپوشانی دارند یا دانش بین‌المتنی است؟ این ۲۷ نقطه هدف، در عین حال که مستقل هستند، آیا همپوشانی هم دارند؟ این همپوشانی، انتخابی آگاهانه بوده است یا بعد از انتخاب پی به این نکته برده‌اید که این ۲۷ مسئله با هم اشتراکاتی دارند؟

حجت‌الاسلام کشوری: تقریباً ۵ سال از تولید ادبیات الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت به صورت گفتمانی گذشته است. البته مبتنی بر برخی اسناد آیت‌الله خامنه‌ای علیه‌السلام در اوایل دولت آقای هاشمی رفسنجانی سفارش تولید الگوی پیشرفت اسلامی را به سازمان مدیریت داده‌اند. به نظر می‌رسد مقام معظم رهبری از آغاز رهبری به دنبال مسئله الگو بوده‌اند و برای تحقق آن به ظرفیت‌سازی پرداخته‌اند. ایشان برای ایجاد ظرفیت فعالیت‌های مختلفی انجام داده‌اند ولی روی دو موضوع سرمایه‌گذاری ویژه انجام شده است. نخست اینکه بر شاخصه عدالت در جامعه بسیار تأکید فرموده‌اند؛ که این خود به معنای نقد توسعه است. به



عبارت دیگر انقلاب دیدگاهی که می‌گوید: عدالت بعد از توسعه را نپذیرفته است. امروز نیاز به نوآوری در اداره کشور به محوریت دستیابی به عدالت (پیشرفت و عدالت) زمینه بسیج علمی در موضوع الگوی پیشرفت اسلامی را فراهم آورده است. نکته برجسته مدیریت ایشان در این ظرفیت‌سازی این است؛ که ایشان به شیوه نظری محض در این موضوع ورود نکرده‌اند. با بیان مثالی به تبیین بیشتر شیوه مدیریت ایشان می‌پردازم:

نقل است که؛ وقتی ادیسون می‌خواست لامپ را بسازد با تنی چند از افراد برجسته صحبت کرد؛ که من قصد دارم چنین چیزی را بسازم. آن افراد گفتند: ایده‌ات را توضیح بده تا افراد نظر دهند. ادیسون درباره سه فرق لامپ و چراغ‌های گردسوز شروع به صحبت کرد. اولین فرق لامپ و چراغ گردسوز را توضیح داد و گفت: لامپ در فضای خلاء روشن می‌شود. چون چراغ گردسوزهای قدیمی بدون اکسیژن مشتعل نمی‌شدند، این تکنیک درک نشد. فرق دوم و سوم را هم که توضیح داد بر ابهام مسئله افزود. او گفت: انرژی لامپ نادیدنی است. و سیستم انتقال سوختش توپر! برخی حاضران تا این بحث‌ها را به صورت نظری شنیدند، گفتند که ادیسون دیوانه شده است. توضیحات نظری ادیسون در تبیین ایده‌ی او کمکی نکرد! در مسئله اداره کشور هم چون بسیاری از کارشناسان ما عادت کرده‌اند، که با چراغ گردسوز توسعه کار کنند و با مفاهیم قدیمی اقتصادِ آدم اسمیتی خو گرفته‌اند؛ برایشان سخت است که مفهوم الگوی پیشرفت اسلامی را فهم کنند. با توجه به چنین فضایی چگونه می‌توان یک موضوع جدید و تأسیسی مانند الگوی پیشرفت را توضیح داد؟

این مثال را زدم که کار بزرگ آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام را نشان بدهم. در چنین فضایی -که فضای غلبه مفاهیم مدرن است- آقا ورود کرده‌اند تا الگوی توسعه غربی را کنار بگذارند. ایشان به صورت مسأله‌محور ظرفیت‌سازی را شروع کرده‌اند و به محوریت آن مسأله سعی در تفهیم مسئله الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت داشته‌اند. ایشان مکرر فرموده‌اند؛ عدالت، محور است و تبعیض طبقاتی پذیرفته نیست. ایشان فرموده‌اند: خانواده در جامعه اسلامی محور است. تأکید بر محوریت خانواده در حالی است که بنیان توسعه غربی، فردمحوری و لذت‌جویی است و این مسئله را جا انداخته‌اند. با روش ظرفیت‌سازی ایشان -به جای شروع از مفاهیم روش‌شناسی و فلسفی در نقد توسعه غربی با تأکید بر عناصری غیر قابل انکار از هویت اسلامی- به تدریج در لایه‌ای از دانشمندان، زمینه فهم مسئله الگوی پیشرفت اسلامی فراهم آمده است. نخبگانی که سرعت درک بیشتری دارند وارد عرصه شده‌اند و به نقد سازندگان چراغ گردسوز می‌پردازند. می‌خواهم بگویم گسترش مفاهیم مدرن در جامعه نتوانسته، مانع تصویرسازی آقا در مورد آینده شود. مقام معظم رهبری توانسته است جامعه آرمانی را تصویرسازی کند و لوازم آنرا سفارش دهند. تولید الگوی پیشرفت اسلامی، مهمترین سفارش علمی ایشان برای رسیدن به مرحله جامعه اسلامی محسوب می‌شود.

با این مقدمه به سؤال شما پاسخ می‌دهم: برخی بعد از طرح الگوی اسلامی پیشرفت گفتند: ما چنین الگویی را با رویکرد نظری تثویز می‌کنیم و برای خود ۵۰ سال وقت تعریف کردند ولی عده‌ای دیگر با اینکه رویکرد نخست را تأیید می‌کنند، می‌گویند که این رویکرد به زودی اجرایی نخواهد شد. به عبارت دیگر با انتخاب این رویکرد، یک سؤال مهم باقی می‌ماند و آن اینکه: تکلیف تخصیص‌های فعلی کشور در برنامه ششم و دیگر برنامه‌ها چه خواهد شد؟ به عنوان مثال آیا در برنامه ششم تخصیص‌ها به سمت کوچک‌تر شدن خانواده است؟ آیا در برنامه ششم بدون در نظر گرفتن آسیب‌های فضای مجازی آن را به سراسر کشور گسترش دهیم؟

من از جریان‌هایی که فقط فعالیت نظری دارند می‌پرسم که تکلیف مدیریت فعلی جامعه چه می‌شود؟ مدیریت فعلی به سمت چه توسعه‌ای می‌رود؟ اگر دوستان ما بگویند که ما ۵۰ سال دیگر به نظام خروجی می‌دهیم، قطعاً این حرف غلطی است. مبتنی بر این سؤال، به نظر ما آمده است که باید "روش مدیریت تحولات اجتماعی به سمت پیشرفت اسلامی" مبنای تولید الگوی



پیشرفت اسلامی قرار گیرد. یعنی ما مدیریت تحولات فعلی را فراموش نکنیم. ابتدا فکری برای این تحولات بکنیم؛ که چگونه به سمت پیشرفت اسلامی حرکت کنیم و سپس بر مبنای مدیریت تحولات اجتماعی به سمت تئوریزه‌شدن تفصیلی برویم. بنای کارمان مدیریت تحولات اجتماعی به سمت پیشرفت اسلامی است. بر اساس همین مبنا گفته‌ایم که ما ۲۷ مأموریت داریم و می‌خواهیم همین الان جامعه خودمان را - به همان میزان که توان ماست - به سمت پیشرفت اسلامی سوق پیدا کنیم. به این معنا همه مأموریت‌های ما هم‌پوشانی دارد. هر کدام به مثابه تونلی به سمت تبیین و تولید الگوی پیشرفت اسلامی هستند.

همانطور که گفتیم یکی از مأموریت‌های اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی حل کردن نسبی مسأله جرم است. در ریشه‌یابی مسئله جرم، به مسئله آموزش و خانواده می‌رسیم. سؤال این است که چه چیزی خانواده را تضعیف کرده است که خانواده نمی‌تواند استعداد جلوگیری از جرم را در فرد ایجاد کند؟ یک پاسخ می‌گوید که الگوی آموزش، الگوی مصرف و الگوی تولید از جمله عوامل تضعیف نهاد خانواده و بالطبع زمینه‌ساز ایجاد جرم در جامعه هستند.

اگر مسئله «پیشگیری از جرم» را پردازش کنیم؛ خواهیم دید که نحوه اداره جامعه بر اساس توسعه غربی در ایجاد جرم مؤثر است. توسعه غربی به دلیل ایجاد اخلاق لذت‌جویی و فردگرایی به تضعیف نهاد خانواده منجر می‌شود و تضعیف نهاد خانواده قربانگاه تربیت اسلامی است. چرایی ایجاد جرم جواب اصیلش تضعیف نهاد خانواده است. حال به بحث برمی‌گردم، چه تغییراتی در برنامه‌ریزی فعلی کشور ایجاد کنیم تا نتیجه آن کاهش جرم و تقویت نهاد خانواده باشد. چون پیشگیری از جرم در اصالت خود خانواده‌محور است. با بازشکافی مسئله به عنوان مثال ۱۰۰ مسأله پیدا می‌شود که پاسخ به آن‌ها به تبیین تفصیلی الگوی اداره جامعه می‌انجامد. می‌خواهم بگویم در این نقشه راه ما سؤالان معلوم است. ۲۷ مسئله را بر اساس کارشناسی ادبیات انقلاب توضیح می‌دهیم و از همه پتانسیل‌های علمی و اجرایی در یافتن پاسخ آن استفاده می‌کنیم. معمولاً یافتن پاسخ برای موضوعات حکومتی تکرشته‌ای، به دست نمی‌آید. در موضوعات حکومتی باید کار گروه‌هایی از متخصصان رشته‌های متفاوت حضور پیدا کنند و این مختص به محورهای نقشه راه تولید الگوی پیشرفت نیست.

به این شکل در محورهای ۲۷ گانه ورود پیدا می‌کنیم و به سمت تبیین الگوی پیشرفت حرکت می‌کنیم. ما داریم سیاست‌های کلان برنامه ششم را می‌نویسیم. اگر فرصت داشته باشیم تغییرات مدل آموزشی، رسانه، مدل تقنین قوانین و ... را به محوریت پیشگیری از جرم توضیح می‌دهم.

لازم به ذکر است که، یکی از مأموریت‌های ۲۷ گانه بحث از روش‌شناسی و مبانی فلسفی متناسب با الگوی پیشرفت اسلامی است. این مأموریت و ۲۶ مأموریت دیگر، بر مبنای مدیریت تحولات است. ما نمی‌توانیم بنشینیم و کار فکری محض کنیم، ولی چند هزار کارشناس سازمان مدیریت و معاونت‌های طرح و برنامه تخصیص‌های کشور را به سمت توسعه غربی هدایت کنند! در مورد مبنای "مدیریت تحولات اجتماعی به سمت پیشرفت اسلامی" و تبیین بیشتر آن باید در فرصت دیگری توضیح بدهم.

خبرنگار: تا حالا فرصتی پیش آمده که جلسه مشترک با متولیان رسمی الگوی اسلامی - ایرانی داشته باشید؟

حجت‌الاسلام کشوری: بعد از حدود ۱۵ سال فعالیت علمی و پژوهشی در مورد انقلاب اسلامی، حدود یکسال است که ما مشغول معرفی تدریجی این نقشه راه هستیم. نشست‌هایی برای معرفی نقشه راه داشته‌ایم. سازمان و شکل فعالیت خود را بسیجی تعریف کرده‌ایم. سه گونه نشست داریم. نخست نشست‌های خانگی است؛ دوستانی که موضوع را فهمیده‌اند با دوستان نخبه خود رایزنی می‌کنند، مهمانی ترتیب می‌دهند و موضوع نقشه راه در نشست خانگی بررسی می‌شود. نوع دوم نشست‌ها در رسانه‌ها برگزار می‌شود. این نشست‌های خبرگزاری فارس، در واقع پنجمین نشست رسانه‌ای معرفی نقشه راه است، سطح سوم نشست‌ها در حوزه و دانشگاه است. به هر حال ما مشغول طرح مسئله هستیم. البته ما منتظر هستیم تا مراکزی که به مسئله



الگوی پیشرفت اسلامی می‌پردازند؛ نقشه راه خود را برای تولید الگو ارائه کنند. ما از همه جریان‌ها این سؤال را داریم که چه برنامه برای مدیریت تحولات فعلی کشور به سمت پیشرفت اسلامی دارند؟

خبرنگار: نقشه راهی که تهیه شده ضامن اجرایی دارد؟

بیرانوند: حضرت آقا نیاز کشور به مسئله نقشه راه را اعلام و تبیین فرموده‌اند. ایشان فرموده‌اند این مسئله به حیات دولت و حیات نظام وابستگی مستقیم دارد. ما لزوماً باید جامعه خودمان را به سمت پیشرفت اسلامی اداره کنیم. با توجه به اینکه نسخه غربی‌ها در خود غرب نیز جواب نداده است. زمینه برای تغییر در نحوه اداره کشور بیش از گذشته مهیا است. ما اگر می‌خواهیم به اهداف غایی خود برسیم نمی‌توانیم از الگوهای غربی استفاده کنیم؛ که این نیاز ضامن اجرایی نقشه راه است.



۴. گفتگوی حجت‌الاسلام کشوری و مهندس بهرام بیرانوند نماینده مردم شریف بروجرد در دوره نهم مجلس اسلامی در شبکه خبر

برنامه دو نیم ساعت

۱۳۹۳/۰۳/۰۱

بسم الله الرحمن الرحيم

مجری: بینندگان عزیز، همراهان شبکه‌ی خبر، سلام. وقت شما به خیر. در خدمت شما هستیم با یکی دیگر از گفتگوهای دو نیم‌ساعت.

ساماندهی امور نمی‌تواند بدون تدوین یک الگوی همه‌جانبه و دورنگر تحقق یابد. الگویی که هم مشکلات جامعه را در حوزه‌های مختلف اقتصادی و فرهنگی، بهبود بخشد و هم زمینه رشد شاخص‌های اقتصادی، عدالت و رفاه اجتماعی را فراهم کند. همچنین باید توجه داشته باشیم که این الگو، زمانی می‌تواند کارآمد و ثمربخش باشد که با توجه به زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی کشور تدوین شده باشد.

الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، به عنوان یک نقشه راه، در برگیرنده چنین ویژگی‌هایی است و کاربست آن در برنامه‌ریزی‌های کلان اقتصادی و فرهنگی، می‌تواند زمینه پیشرفتی همه‌جانبه و همسو با حیات طیبه اسلامی را مهیا کند. دو نیم‌ساعت امشب هم به بررسی ویژگی‌های الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت اختصاص داده شده است تا قدری به الزامات و راهکارهای اجرایی این رویکرد بنیادین بپردازیم. با همراه باشید.

در حضور میهمانان ارجمند برنامه هستیم. جناب آقای مهندس بهرام بیرانوند، نماینده محترم مجلس شورای اسلامی و عضو محترم کمیسیون کشاورزی و منابع طبیعی. سلام علیکم خدمت شما ...

مهندس بهرام بیرانوند: سلام علیکم خدمت شما، شب شما هم به خیر. در خدمت شما هستیم.

مجری: دیگر مهمان محترم امشب ما، جناب حجت‌الاسلام و المسلمین علی کشوری، پژوهشگر.

حجت‌الاسلام کشوری: علیکم السلام و رحمه الله و برکاته

مجری: جناب آقای مهندس بیرانوند، در ابتدای برنامه می‌خواهم مقداری در مورد سنخیت و هم‌خوانی برنامه‌ریزی‌های کلان اقتصادی و فرهنگی با روح الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، برای بینندگان ما توضیحاتی را ارائه نمایید.

مهندس بهرام بیرانوند: بهتر بود سؤال اول را از آقای کشوری می‌پرسیدید تا ایشان بحث را باز کنند و ما هم در خدمتتان باشیم. **مجری:** ما سؤالات اولمان تبیینی است، پس اگر امکانش هست یک تبیین کوتاه در این مورد بفرمایید تا در ادامه در خدمت شما باشیم.

مهندس بهرام بیرانوند: بسم الله الرحمن الرحيم. من اول یک بحث را می‌خواهم مطرح کنم و آن تفاوت توسعه غربی و پیشرفت اسلامی است. به نظر من بهتر است ابتدا این موضوع را مطرح کنیم تا زمینه بحث مشخص‌تر شود.

با توجه به تعریفی که دنیای غرب، هم‌اکنون به عنوان تمدن غالب -علی‌الظاهر- از انسان و نیازهایش دارد، برای تأمین این نیازها، برنامه‌ریزی‌هایی انجام داده‌اند. الحق و الانصاف هم ظرف صدهای گذشته، در این بُعد خوب کار کرده‌اند؛ اما آنها بعضی از ابعاد نیازهای انسان را از ابتدا ندیده و برایش راه حلی هم ارائه نکرده‌اند.

آن چیزی که ما تحت عنوان الگوی پیشرفت اسلامی به دنبالش هستیم، در بر گیرنده‌ی همه نیازهای انسان است. می‌توان به این صورت گفت که جامعه پیشرفته‌ی ما، آن ابعادی که جامعه غرب به آنها نمی‌پردازد را مورد توجه قرار داده و پردازش نموده است. ابعادی که ما در سنوات گذشته شاهد بروز بحران‌هایی در این زمینه‌ها بوده‌ایم. مثلاً بحث خانواده و عدالت را می‌توان نام برد. این درست است که در غرب هم‌اکنون زمینه تولید ثروت وجود دارد، رونق تولید هست، در ساخت و سازهای شهری،



پیشرفت خوبی داشته‌اند؛ اما بحث توزیع ثروت و امکان ورود مردم در تمام عرصه‌ها، متناسب با شأن و توانمندی‌شان، متأسفانه وجود ندارد. آن چیزی که در پیشرفت اسلامی مدنظر است، انکار، رد یا کم کردن فاصله‌ی طبقاتی است. اینکه مردم بتوانند متناسب با شأنشان، به موقعیت‌های مختلف دست پیدا کنند، اینجا در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت دیده می‌شود. بحث خانواده را عرض کردیم، بحث فاصله‌ی طبقاتی هم عرض شد و مفهوم عدالت! در جامعه غربی به این علت که تعریفشان از مبنا با تعریف ما متفاوت است، به مفهوم عدالت اصلاً نگاه نمی‌کنند و نیازی برای پرداختن به مفهوم عدالت نمی‌بینند. در حالی که ما اگر به این مفهوم بزرگ نپردازیم، هرچه که تلاش کنیم، از اهداف اولیه‌ی مان دور می‌شویم. همان طوری که در دنیای غرب مشاهده می‌کنیم، آنها ظرف یکی دو سال گذشته، با بحرانی مواجه بودند که این بحران به سرعت در رسانه‌ها مطرح شد و آن بحران ۹۹ درصد علیه ۱ درصد بود. بحث قیام و خیزشی بود که البته با توجه به توانی که دنیای غرب دارد، به سرعت سرکوب شد. نکته این است که هم‌اکنون مردمشان، این خلاء بزرگ را احساس کرده‌اند؛ اما تمدن غرب و آن شریعتی که در آنجا حاکم است، این توانایی را ندارد که عدالت و مفهوم آن را به مردمش ارزانی نماید.

مجری: حاج آقا در مورد خود الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت توضیح دهید و اینکه پیشرفت در چه ساحت‌هایی امکان‌پذیر است. **حجت الاسلام کشوری:** بسم الله الرحمن الرحیم. همان طوری که حضرت عالی فرمودید، آیت‌الله امام خامنه‌ای علیه السلام در اولین نشست راهبردی جمهوری اسلامی، سخنرانیشان اختصاص داشت به مسئله الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. یکی از محورهای آن سخنرانی، بحث از عرصه‌های پیشرفت بود. ایشان بحث پیشرفت در علم را مطرح فرمودند. پیشرفت در عرصه زندگی و در

۱. آنچه که باز من اینجا اضافه می‌کنم، این است که عرصه‌های این پیشرفت را به طور کلی بایستی مشخص کنیم. **چهار عرصه اساسی** وجود دارد، که عرصه زندگی - که شامل عدالت و امنیت و حکومت و رفاه و این چیزها می‌شود - یکی از این چهار عرصه است. در درجه اول، پیشرفت در عرصه فکر است. ما بایستی جامعه را به سمت یک جامعه متفکر حرکت دهیم؛ این هم درس قرآنی است. شما ببینید در قرآن چقدر «لقوم یتفکرون»، «لقوم یعقلون»، «أفلا یعقلون»، «أفلا یتدبرون» داریم. ما باید جوشیدن فکر و اندیشه‌ورزی را در جامعه خودمان به یک حقیقت نمایان و واضح تبدیل کنیم. البته این از مجموعه نخبگان شروع خواهد شد، بعد سرریز خواهد شد به آحاد مردم. البته این راهبردهائی دارد، الزاماتی دارد، ابزار کار، آموزش و پرورش و رسانه‌هاست؛ که باید در برنامه‌ریزی‌ها اینها همه لحاظ شود و بیاید.

عرصه دوم - که اهمیتش کمتر از عرصه اول است - عرصه علم است. در علم باید ما پیشرفت کنیم. البته علم هم خود، محصول فکر است. در همین زمان کنونی، در حرکت به سمت پیشرفت فکری، هیچ نبایستی توانی و کوتاهی و کاهلی به وجود بیاید. خوشبختانه چند سالی است که این حرکت در کشور شروع شده؛ نوآوری علمی و حرکت علمی و به سمت استقلال علمی حرکت کردن. علم هم اینجوری است دیگر؛ بلافاصله در قالب فناوری‌ها و اینها خودش را نشان می‌دهد. در موارد زیادی، محصول حرکت علمی هم مثل این مسئله مورد بحث ما از چیزهای بلندمدت نیست؛ نزدیک‌تر و ثمره آن دم‌دست‌تر است. کار علمی را بایستی عمیق و بنیانی انجام داد. این هم یک عرصه پیشرفت است.

عرصه سوم، عرصه زندگی است، که قبلاً عرض کردیم. همه‌ی چیزهایی که در زندگی یک جامعه به عنوان مسائل اساسی و خطوط اساسی مطرح است، در همین عنوان «عرصه زندگی» می‌گنجد؛ مثل امنیت، مثل رفاه، مثل استقلال، مثل عزت ملی، مثل آزادی، مثل تعاون، مثل حکومت. اینها همه زمینه‌های پیشرفت است، که باید به اینها پرداخته شود.

عرصه چهارم - که از همه اینها مهمتر است و روح همه‌ی اینهاست - پیشرفت در عرصه معنویت است. ما بایستی این الگو را جووری تنظیم کنیم که نتیجه آن این باشد که جامعه ایرانی ما به سمت معنویت بیشتر پیش برود. البته این در جای خود برای ما روشن است، شاید برای خیلی از حضار محترم هم روشن است؛ اما باید برای همه روشن شود که معنویت نه با علم، نه با سیاست، نه با آزادی، نه با عرصه‌های دیگر، هیچ منافاتی ندارد؛ بلکه معنویت روح همه اینهاست. می‌توان با معنویت قله‌های علم را صاحب شد و فتح کرد؛ یعنی معنویت هم وجود داشته باشد، علم هم وجود داشته باشد. دنیا در آن صورت، دنیای انسانی خواهد شد؛ دنیائی خواهد شد که شایسته زندگی انسان است. دنیای امروز، دنیای جنگلی است. دنیائی که در آن علم همراه باشد با معنویت، تمدن همراه باشد با معنویت، ثروت همراه باشد با معنویت، این دنیا دنیای انسانی خواهد بود. البته نمونه کامل این دنیا در دوران ظهور حضرت بقیه‌الله (ارواحنا فداه) اتفاق خواهد افتاد و از آنجا - من این را اینجا عرض بکنم - دنیا شروع خواهد شد. ما امروز در زمینه‌های مقدماتی عالم انسانی داریم حرکت می‌کنیم. ما مثل کسانی هستیم که در پیچ و خم‌های کوه‌ها و تپه‌ها و راه‌های دشوار داریم حرکت می‌کنیم تا به بزرگراه برسیم. وقتی به

عرصه فکر را مطرح فرمودند. در آن جلسه ایشان فرمودند که اگر ما در عرصه فکر پیشرفت نکنیم، آن سه عرصه دیگر هم ممکن است با مشکل روبه رو شود.

مجری: فکر، علم، معنویت و زندگی، درست است؟

حجت‌الاسلام کشوری: بله، اگر ما بخواهیم در سه عرصه علم، معنویت و زندگی پیشرفت داشته باشیم، باید یک سری نوآوری‌ها در عرصه فکر و طراحی‌های اجتماعی داشته باشیم. حال شما می‌فرمایید که الگوی پیشرفت اسلامی چیست؟ ما در «اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی»، یک بحثی را مطرح کرده‌ایم تحت عنوان «هدایت نظامات ذهنی». با این مقدمات به نظر من این بحث عبارت است از یک تحول در عرصه فکر؛ هم «هدایت نظامات ذهنی» - که هم اکنون توضیح مختصری راجع به آن ارائه می‌کنم - و هم لوازم آن - «الگوی ساخت نظامات اسلامی» - که ما در نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی، به آن پرداخته‌ایم. در واقع جمع‌بندی بحث به این شکل است که ما ابتدا باید در عرصه فکر، تحول ایجاد کنیم؛ زیرا اگر این تحول در عرصه فکر ایجاد نشد ... من مثالی عرض می‌کنم، فرض کنید اگر ما به منطق کلی‌نگر «صوری»^۲ بخواهیم اتکاء کنیم، قطعاً به نظر من، طراحی‌های اجتماعی رخ نخواهد داد. همچنین اگر بخواهیم به نگاه «سیستمی»^۳ که در دانشگاه رایج است، اتکاء کنیم، به این معنا که تفکرمان، تفکر سیستمی باشد و یا تفکرمان تفکر انتزاعی کلی باشد؛ به نظر بنده طراحی نوینی اتفاق نخواهد افتاد.

خروجی نگاه سیستمی، همین ادبیات توسعه است که برادر عزیز و فاضلمان، جناب آقای بیرانوند فرمودند، خروجی‌اش کشورهای توسعه‌یافته است. طراحی‌های اجتماعی، بر مبنای توسعه، در این کشورها متبلور شده است. خروجی این نگاه، کشورهای G8^۴ است که در آنها نه خانواده‌ای وجود دارد و نه عدالتی. خانواده به نحوی که ما می‌پسندیم و اسلام قبول دارد، در آن کشورها دچار فروپاشی شده و فاصله طبقاتی شدیدی هم به وجود آمده است. پس خروجی منطق و تفکر سیستمی، همین تمدن موجود در غرب است که پیش روی ماست و می‌توانیم ابعاد مثبت و منفی آن را بررسی کنیم.

بزرگراه رسیدیم، تازه هنگام حرکت به سمت اهداف والاست. بشریت در طول این چند هزار سال عمر خود، دارد از این کوره‌راه‌ها حرکت می‌کند تا به بزرگراه برسد. وقتی به بزرگراه رسید - که آن، دوران ظهور حضرت بقیة‌الله است - آنجا حرکت اصلی انسان آغاز خواهد شد؛ حرکت سریع انسان آغاز خواهد شد؛ حرکت موفق و بی‌زحمت انسان آغاز خواهد شد. زحمت فقط عبارت است از همین که انسان در این راه حرکت کند و برود؛ دیگر حیرتی در آنجا وجود نخواهد داشت.

به هر حال این چهار عرصه پیشرفت است که ما باید با توجه به این الگوئی که ان شاءالله شماها دنبال می‌کنید - که سازوکار دنبال کردن این هم تا حدودی به نحو اجمال برایمان روشن است و خواهیم گفت - در این عرصه‌ها پیش برویم.

بیانات آیت‌الله امام‌خامنه‌ای علیه‌السلام در اولین نشست اندیشه‌های راهبردی ۱۳۸۹/۰۹/۱۰

۲. **منطق صوری** (Formal logic) شاخه‌ای از منطق است که طرز صحیح صورت‌بندی اندیشه را به نحو کلی بیان می‌کند به گونه‌ای که با به کار بردن آن صورت‌ها، ذهن از خطای صوری مصون می‌شود.

فرامرز قراملکی، احد؛ منطق (۱) چاپ دوازدهم. تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۶

۳. **سامانه** یا **سیستم** (به انگلیسی: System) مجموعه یا گروهی از اشیاء مرتبط یا غیر مرتبط است که هدف یا اهدافی خاص را دنبال می‌کنند، به گونه‌ای که واحدی پیچیده را تشکیل دهند. سیستم مجموعه‌ای از اجزایی است که با هم کار می‌کنند و هدف معینی را دنبال می‌کنند. سیستم تنها به نوع فیزیکی آن محدود نمی‌شود. مفهوم سیستم در مورد پدیده‌های مجرد پویا نظیر اقتصاد نیز به کار گرفته می‌شود.

۴. **جی‌هشت** یا **جی‌۸** یا **گروه هشت** از هشت کشور صنعتی جهان تشکیل شده‌است که ۶۵٪ اقتصاد جهان را در دست دارند. سران کشورهای این گروه هر ساله یک گردهمایی مشترک با هم دارند. کشورهای فرانسه، آلمان، بریتانیا، ایتالیا، ژاپن، ایالات متحده آمریکا، روسیه و کانادا این هشت کشور را تشکیل می‌دهند.



تفکر انتزاعی و کلی‌نگر هم به سمت توصیف‌های بریده‌ی از عینیت و غیرکاربردی حرکت می‌کند. اینکه حضرت آقا می‌فرمایند: ما نیازمند تحول در عرصه فکر هستیم؛ به این خاطر است که ما در عرصه فکر، مبتلا به این دو منطق -منطق انتزاعی کلی- نگر و منطق سیستمی- هستیم.

ما در اولین نقشه راه، در مقابل این نگاه موجود، ایده‌ای را مطرح کرده‌ایم تحت عنوان «**هدایت نظامات ذهنی**» که به معنای تصرف در نظام نگرش‌های مؤثر بر تصمیم‌گیری افراد است. من اگر بخواهم این مسئله را به صورت ساده برای نخبگان شرح دهم، به این صورت است که اگر ما می‌خواهیم جامعه را **اداره** کنیم، این امر قطعاً بدون **مشارکت عمومی** محقق نخواهد شد. اصلاً مفهوم اداره جامعه، مفهومی در هم تنیده با مشارکت عمومی است. در روایات اسلامی این مسئله تحت عنوان «**نصرت امام**»^۵ بیان شده است. به این معنا که بالاخره افراد باید [در اداره جامعه] یاری و مشارکت نمایند. حال اگر ما این مشارکت را می‌خواهیم، افراد جامعه باید با مدیران جامعه، **هم‌افق** شوند. در بخش‌های اقتصاد، سیاست و ... باید به یک افق مشترک و قابل درک برای عموم جامعه برسیم. حال ما در قالب مبنای «**هدایت نظامات ذهنی**»، چگونگی ایجاد این افق مشترک در جامعه را بحث کرده‌ایم. به نظر من این روشی که ما در اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی به کارگیری کرده‌ایم؛ یک مصداق قابل بررسی برای **تحول در فکر** است. به این ترتیب، هدایت نظامات ذهنی به یک الگو تبدیل شده است که ان‌شالله من آن الگو را در یک فرصت شرح خواهم داد. بنابراین جمع‌بندی بحث به این صورت است که اگر می‌خواهیم الگوی اداره‌ی جامعه‌مان را بر اساس اسلام طراحی کنیم؛ ابتدا باید یک تحول را در عرصه فکر پیشنهاد کنیم. پیشنهاد ما در نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی این است که باید مفهوم «**هدایت نظامات ذهنی**»، پایه‌ی طراحی‌های اجتماعی قرار گیرد.

مجری: یعنی همان مبنا قرار گرفتن بحث تحول در فکر.

حجت‌الاسلام کشوری: بله، پیشنهاد ما در عرصه‌ی تحول در فکر همین است. به عبارت دیگر ما در این پیشنهاد، به صورت ریشه‌ای، چگونگی هدایت نگرش‌های اجتماعی در راستای «**جهت‌گیری انقلاب اسلامی**» را مطرح کرده‌ایم. این خیلی مسئله مهمی است. مستحضر هستید که در دنیای غرب، مثلاً در حوزه امنیت، در شهری مثل لندن [کل انگلستان صحیح است]، طبق آمارهای قدیمی، شش میلیون دوربین برای کنترل عمومی نصب شده است.^۶ چرا؟ چون نمی‌توانند بر روی موضوع امنیت و خواسته‌های مردمشان، همگرایی ایجاد کنند، بنابراین مجبورند از بیرون این کنترل را انجام دهند. شما این مسئله را با دوران دفاع مقدس ما مقایسه کنید. هشت سال، نه یک سال و دو سال، یعنی دو برابر یکی از جنگ‌های جهانی. همه دنیا هم

۵. در امالی شیخ مفید است که از حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود: «**مَنْ أَحْبَبَنَا بِقَلْبِهِ وَ نَصَرَنَا بِبَدَنِهِ وَ لِسَانِهِ، فَهُوَ مَعَنَا فِي الْغُرَفَةِ الَّتِي نَحْنُ فِيهَا، وَ مَنْ أَحْبَبَنَا بِقَلْبِهِ وَ نَصَرَنَا بِبَدَنِهِ، فَهُوَ دُونَ ذَلِكَ بَدْرَجَه، وَ مَنْ أَحْبَبَنَا بِقَلْبِهِ وَ كَفَّ بِيَدِهِ، فَهُوَ فِي الْجَنَّةِ**»

امالی مفید، ص ۳۳ حدیث ۸ و بحار الانوار ج ۲۷ ص ۱۰۱ حدیث ۶۴

۶. مقامات انگلیسی می‌گویند برای کنترل اوضاع بیش از چهار میلیون دوربین امنیتی در سرتاسر این کشور نصب کرده‌اند، یعنی برای هر ۱۴ نفر یک دوربین! **کیهان** به نقل از شبکه تلویزیونی **یورونیوز** نوشت، وزارت کشور انگلیس با وضع قانونی، اقدام به نصب انبوه دوربین‌های «**سی‌سی‌تی‌وی**» در سرتاسر این کشور کرده است. شمار این دوربین‌ها **چهار میلیون و دویست هزار دستگاه** عنوان شده که به اعتقاد دیلی میل «آماری شوکه‌کننده» است، چراکه با توجه به کل جمعیت این کشور، به هر **۱۴ شهروند** یک دوربین می‌رسد! این گزارش می‌افزاید، انگلیس با این حجم از دوربین‌های امنیتی نصب شده به تنهایی **یک پنجم** دوربین‌های مداربسته در جهان را به خود اختصاص داده و با توجه به جمعیت آن می‌توان این کشور را «**متراکم‌ترین جامعه کنترل‌شده**» جهان نامید. این گزارش می‌افزاید: وجود این تعداد دوربین امنیتی مداربسته در انگلیس حکایت از آن دارد که هر شهروند انگلیسی روزانه ۳۰۰ مرتبه مورد رصد چنین دوربین‌هایی قرار می‌گیرد.

سایت خبری تابناک ۲۳ مرداد ۱۳۹۲ - ۰۹:۲۱

آمارهای جدید، خبر از نصب حدود شش میلیون دوربین در سرتاسر انگلستان دارد که موجب اعتراض عمومی، به خاطر نقض حریم خصوصی شده است.

روبروی ما بودند. ما امکانات ظاهری مادی هم نداشتیم. اما در جنگ ماندیم. سر آن هم این بود که جنگ به صورت مردمی اداره می‌شد. به نظر شما مردم چرا حاضرند برای یک چنین موضوعی به این میزان هزینه پرداخت کنند؟ آیا چیزی به جز این است که مردم نسبت به این موضوع توجیه شده‌اند؟ همان‌طور که مشاهده می‌کنید، کارکرد «هدایت نظامات ذهنی» این است. اگر نسبت به یک موضوع، توجیه عمومی ایجاد شود، اگر نگرش‌های عمومی نسبت به یک موضوع و تحولی که قرار است در آن موضوع ایجاد شود، هماهنگ شود، مردم تا آخر با شما همکاری خواهند کرد.

مجری: یعنی باید گفتمان‌سازی صورت بگیرد.

حجت‌الاسلام کشوری: بله، باید در مورد مسئله تحول در فکر، گفتمان‌سازی شود. توجه کنید من یک قدم جلوتر را نشان دادم، به این معنا که یک بحث اثباتی را مطرح کردم. از اینجا به همه پژوهش‌گران و نخبگانی که صدای بنده را می‌شنوند، پیشنهاد می‌کنم که بر روی مفهوم «هدایت نظامات ذهنی» که ما در اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی پیشنهاد داده‌ایم، فکر کنند. اثر اول این مسئله این است که می‌توانیم در همه زمینه‌ها با مردم، تفاهم کنیم. دیگر لازم نیست از مکانیزم‌های برون‌گرا، جبری و ضد فطرت برای اداره جامعه استفاده کنیم.

مجری: ان‌شالله بیشتر به این بحث می‌پردازیم. جناب آقای مهندس بفرمایید.

مهندس بیرانوند: ببینید بر اساس تکلیفی که ماده یک برنامه پنجم توسعه دارد، می‌بایست ظرف حداکثر سه سال، دولت به کمک بقیه‌ی قوا، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را - که دارای تعریف خاصی است - تدوین نماید. در ادامه باید این الگو زیربنای تدوین برنامه ششم قرار گیرد.

مجری: اتفاقاً سؤال من هم همین بود. هم‌اکنون با توجه به اینکه برنامه پنجم توسعه رو به اتمام است، ما چه موقعیتی در مورد الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت داریم و چه مؤلفه‌هایی از این الگو باید در برنامه ششم لحاظ شود؟

مهندس بیرانوند: بله، همین را خدمتان عرض می‌کردم. ما ضمن تشکر از معاونت راهبردی ریاست محترم جمهور که این تکلیف را اجرایی کردند و در یک جلسه مشترک، از پیش‌نویس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت رونمایی کردند. در این جلسه تعدادی از متخصصین هم حضور داشتند و نقطه نظرات خود را مطرح کردند. ضمناً قرار هم بر این شد که این نقطه نظرات دیده شده و پیش‌نویس را با آنها تکمیل نمایند و بعد از تکمیل، آن را به مجلس ارائه کنند. این لایحه باید آماده شود و ما هم ممنون زحماتی که کشیده شده هستیم، این لایحه بعد از تصویب، زیربنای برنامه ششم توسعه قرار خواهد گرفت. سؤال من از حاج آقا این است که ما الان وسط میدان هستیم. لایحه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت باید تصویب بشود و فکر می‌کنم از همین هفته‌های آینده هم آقای نوبخت گفتند که قرار است وارد تدوین برنامه ششم شویم که این الگوی پیشرفت، مقدمه آن است. قطعاً روح این الگو باید بر برنامه ششم حاکم شود. اگر این اتفاق نیفتد، بلایی در برنامه ششم بر سر ما می‌آید که در برنامه پنجم و چهارم بر سر ما آمد. ما الان باید از بعضی اتفاقات توبه کنیم. بحث ازدواج و اشتغال جوانان ما. اینها همه به طریقی به نحوه رفتار ما در برنامه پنجم و چهارم باز می‌گردد. آن بحثی که عرض کردم تعرضی دارم به حاج آقا این است که آیا بحث تحول در عرصه فکر را مقدمه این بحث قرار دهیم؟ یا اینکه در حین اجرا این اتفاق خواهد افتاد؟

مجری: حاج آقا بفرمایید.

حجت‌الاسلام کشوری: برای اینکه به این فرمایش برادر عزیزم جناب آقای بیرانوند برسم، اجازه بدهید مفهوم «هدایت نظامات ذهنی» را قدری شرح دهم. بعد به نظرم می‌شود پیشنهادهای را در حد پیوست به برنامه ششم بر اساس این پیشنهاد، الصاق کرد. همان‌طور که می‌دانید، هم‌اکنون سال هشتمی است که مسئله الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، مطرح شده است. چند ماه



دیگر سالگرد سخنرانی آیت‌الله امام خامنه‌ای علیه السلام است که در دانشگاه سمنان برگزار شد.^۷ برای اولین بار ایشان در دانشگاه سمنان این مسئله را مطرح کردند که ما برای پیشرفت کشورمان نیازمند یک الگوی خاص، غیر از الگوهای رایج دنیا هستیم. پیشرفت عملاً از ابتدای انقلاب آغاز شده بود اما آن پیشرفتی که مد نظر انقلاب است، همواره توسط ادبیات توسعه، تخطئه شده است.

مجری: اتفاقاً تأکید حضرت آقا هم همین است که مفهوم پیشرفت، با مفهوم توسعه اشتباه گرفته نشود.

حجت‌الاسلام کشوری: بله، حضرت آقا به صورت رسمی از سال ۸۵ این مسئله را به صورت گفتمانی مطرح کردند و بعد از آن هم در سال‌های بعدی، تأکید بسیاری بر این مسئله داشتند که نخبگان و مدیران جامعه باید بنشینند و بر روی این مسئله تأمل کنند که الگوی پیشرفت اسلامی چیست؟ ابعادش چیست؟ مبنای فکری آن چیست؟ روش‌شناسی‌اش چیست؟ و ابعاد مختلف آن ...

مجری: نکته‌ای که جناب آقای مهندس بیرانوند فرمودند این بود که آیا باید کار را متوقف کنیم تا اول این زمینه محیا شود؟ یا اینکه خیر باید در حین اجرا به این مسئله بپردازیم؟

حجت‌الاسلام کشوری: راجع به مسئله‌ی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، به دو نکته باید توجه کنیم. یکی اینکه باید به صورت پخته حرکت کرد. حرکت‌های از روی عجله، بدون محتوای تولیدشده یا خدانکرده! محتوای متأثر از توسعه غربی که فقط نام آن تغییر داده شده است؛ مسیر الگوی پیشرفت اسلامی را منحرف خواهد کرد.

مجری: البته با گذشت هشت سال از این موضوع، دیگر نمی‌توان به این عملکردها، اقدامات عجولانه گفت.

حجت‌الاسلام کشوری: خب بنده هم می‌خواهم همین مسئله را عرض کنم. در طول این دوران که ما مشغول این مسئله بودیم و کار را پیگیری کردیم، به یک پیشنهاد اثباتی مشخص را

۷. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام رهبر معظم انقلاب اسلامی در دومین روز از سفر به استان سمنان در جمع پرشور هزاران نفر از دانشجویان و دانشگاهیان استان، تحول را سنتی الهی برشمردند و با تبیین مرزهای تحول منجر به پیشرفت افزودند: **مدیریت تحولات** کشور باید در دست نخبگان دانشگاهی و حوزوی باشد و در این روند، علاوه بر معیارهای جهانی **پیشرفت**، معیارهای نور و ملاک‌های ویژه نظام اسلامی مورد توجه اکید قرار گیرد.



۵. گفتگو با کیهان فرهنگی (خرداد ۹۳): مانع اصلی تدوین الگوی پیشرفت اسلامی چیست؟

یکشنبه ۱ تیر ۱۳۹۳

بسم الله الرحمن الرحيم

حجت الاسلام علی کشوری دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در گفتگو با شماره ۳۳۰ (خرداد ۱۳۹۳) کیهان فرهنگی به تحلیل مانع اصلی تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و انعکاس این مشکل در لایحه پیشنهادی دولت برای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت پرداخته است. متن کامل این گفتگو در ادامه آمده است:

کیهان فرهنگی: در مصاحبه پیشین شما با کیهان فرهنگی؛ در مورد خطری با عنوان انحلال الگوی پیشرفت اسلامی در الگوی توسعه غربی صحبت کردید. می‌خواهیم از همین نقطه عزیمت، بحث را آغاز کنیم؛ آیا این خطر هنوز وجود دارد یا نه؟ اگر وجود دارد در چه مفاهیمی رشد کرده و نمود بیرونی‌اش چه بوده است؟

حجت‌الاسلام کشوری: بسم الله الرحمن الرحيم آن خطر، به صورت کامل در سال ۱۳۹۳ بروز کرده و در ماه‌های آینده بروز بیشتری هم خواهد داشت. همه بحث ما در گفت‌وگوی قبلی، تبیین خطری بود که بر سر راه هدف اصلی انقلاب اسلامی وجود دارد. هدف اصلی انقلاب چیست؟ هدف اصلی انقلاب تحقق آرمان‌های اسلامی - مانند عدالت و احیای نهاد خانواده - است و چون ما با الگوی توسعه غربی به این اهداف نمی‌رسیم، پس تولید الگویی که ما را به این هدف برساند، خودش می‌شود هدف اصلی انقلاب. در این مرحله از انقلاب دستیابی به این الگو، هدف اصلی است. به عبارت دیگر انقلاب در هر مرحله از حیات خود با یک دغدغه اصلی روبرو است: در "مرحله ی انقلاب اسلامی" دغدغه اصلی، حذف رژیم قبل و تفویض اختیارات به مؤمنان بوده است. همچنین در "مرحله نظام اسلامی" هدف اصلی تشکیل هندسه کلی نظام و تثبیت نظام در مقابل تهاجمات خارجی بوده است و در "مرحله دولت اسلامی" هدف اصلی تبیین تفصیلی نظریه اداره جامعه بر مبنای اسلام و تحقق تام دولت اسلامی است. البته انقلاب در مرحله جامعه اسلامی و مرحله تمدن اسلامی هم اولویت‌هایی خواهد داشت.

ما در گزارش قبلی سعی نمودیم که خطر اصلی در مقابل هدف اصلی مرحله سوم انقلاب را تبیین کنیم. خطر این مرحله چیست؟ خطر این است که چون موضوع الگوی پیشرفت اسلامی یک موضوع تأسیسی و جدید محسوب می‌شود، ممکن است با موضوع مشابه خودش - یعنی توسعه غربی - یکسان انگاشته شود. به عبارت دیگر چون ادبیات توسعه در جامعه رواج دارد، باید مواظب باشیم که در فرآیند تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت از الگوهای توسعه تأثیر نپذیریم. خروجی کارمان در فرآیند تولید الگوی پیشرفت باید الگویی دینی برای اداره جامعه بشود؛ نه الگویی که نام دینی بر آن بگذاریم ولی ماهیتاً با الگوهای سکولار توسعه تفاوت چندانی نداشته باشد. این خطر از روز اول با یک بررسی و ملاحظه دقیق قابل تشخیص بود؛ ولی در سال ۱۳۹۳ نشانه‌هایی واضح دال بر این موضوع قابل رؤیت است. در یک جمله، به نظر بنده سال ۱۳۹۳، سال پرچم‌های دروغین در حوزه الگوی پیشرفت اسلامی است.

کیهان فرهنگی: این جمله باب بحث را خیلی باز می‌کند. با توجه به اینکه نهادها و جریان‌های مختلفی مدعی پرچم‌داری این قضیه هستند مایلیم به جریان شناسی سازمان‌ها، نهادها، ارگان‌ها و جریانات فکری - سیاسی کسانی که الگوی پیشرفت را پیگیری می‌کنند بپردازید.

حجت‌الاسلام کشوری: من عرض قبلی‌ام را شرح بیشتری دهم تا از دلش پاسخ به سؤال حضرت عالی استخراج شود. ببینید! همانطور که گفتم الگوی پیشرفت اسلامی نیاز اصلی انقلاب در این مرحله است. توضیح بیشتر اینکه انقلاب اسلامی به وجود آمده است تا اهدافی مانند عدالت، حفظ عزت مردم، احیای نهاد خانواده و بقیه شاخص‌های هویت اسلامی را محقق کند و در طول ۳۶ سال گذشته نهادهای نظام از الگوهای موجود برای تحقق این ارزش‌ها استفاده کرده‌اند. من سؤال می‌کنم که



شاخص‌هایی مانند عدالت، سلطه‌ستیزی، استقلال کشور، احیای نهاد خانواده و بقیه شاخص‌ها با پیاده‌شدن الگوهای غربی تقویت شده یا تضعیف؟ البته فرآیند کلی انقلاب در جهت تثبیت این شاخصه‌ها بوده است ولی الان می‌خواهیم اثر برنامه‌های توسعه در تحقق این شاخصه‌ها را بررسی کنیم.

در دوره‌ای کارشناسان توسعه گفتند که اول باید اجازه داد کیک توسعه بزرگتر شود تا در اثر توزیع این کیک بزرگتر، قطعات بزرگتری نصیب ملت شود! عملاً می‌گفتند عدالت بعد از توسعه! بعدها این مطلب را علنی‌تر بیان کردند و گفتند معنا ندارد عدالت مقدم بر توسعه و یا همزمان با آن مطرح شود. گفتند این حرف‌ها گداپرووری است، سیاست کمینه امدادی است. تعبیرهای تحقیرآمیز فراوانی درباره این موضوع مطرح کردند. این اظهارات در دوره‌ای شدیدتر و در دوره‌ای دیگر با شدت کمتری ابراز شده است. به هر حال با اینکه ما عمدتاً از الگوهای توسعه غربی در برنامه‌ریزی استفاده کرده‌ایم، ولی وضعیت شاخص عدالت در جمهوری اسلامی راضی‌کننده نیست. اگرچه پیشرفت‌هایی داشته‌ایم ولی به استانداردی که اسلام تعریف کرده نرسیده‌ایم و این راضی‌کننده نیست. وضعیت بقیه شاخص‌ها هم همین‌طور است! می‌خواهم بگویم ما تجربه‌ی حدود سه دهه استفاده از الگوهای موجود را داریم. سؤال من این است - و خطر را اینجا می‌بینم - وقتی این الگوها در مورد شاخص عدالت جواب نداده‌اند چرا کارشناسان توسعه، بازهم به توسعه دعوت می‌کنند؟ ممکن است بگویند به دلایلی این الگوها در ایران به صورت کامل پیاده نشده است؛ که در این صورت می‌پرسم؛ چرا در کشورهای توسعه‌یافته عدالت وجود ندارد؟! همچنین می‌پرسم چرا در کشورهای توسعه‌یافته خانواده دچار فروپاشی شده است؟! به نظر من ادبیات توسعه به این سؤالات پاسخ نمی‌دهد. با اینکه در مطلوبیت عدالت و خانواده و اثر این دو موضوع در ارتقای کیفیت زندگی کسی تردید ندارد؛ ولی می‌بینیم به این شاخص‌ها در توسعه توجه نمی‌شود. امروز تجربه جهانی توسعه و تجربه برنامه‌ریزی توسعه برای این دو شاخص پیش روی همه ما قرار دارد.

خطر زمانی واضح‌تر می‌شود که در دهه چهارم انقلاب اسلامی و بعد از بررسی این تجربیات، می‌شنویم که آقای مسئولی در تلویزیون می‌گوید: کشور ایران باید توسعه پیدا کند! و توسعه همان چیزی است که شما نام آن را پیشرفت اسلامی - ایرانی می‌گذارید! آقایان موضوع را در حد یک دعوی لفظی تنزل می‌دهند! این آقا الان در جامعه اسلامی مسئول است و بعد از این همه ناکارآمدی الگوهای توسعه - در فضای بین‌المللی و در فضای داخلی نسبت به تحقق شاخصه‌هایی که ما مطلوب می‌دانیم - می‌گوید دعوی توسعه و پیشرفت یک دعوی لفظی است! این کلام یعنی شما پسندیده‌اید که کلمه «پیشرفت» را به کار ببرید و ما پسندیده‌ایم کلمه «توسعه» را به کار ببریم، اما هدف یکی است! مسئله یکسان‌انگاری توسعه غربی و پیشرفت اسلامی - که از خطر آن صحبت کردیم - یعنی این. این یکی از آن نشانه‌های واضح است که در سال ۱۳۹۳ نمایان شده است. **کیهان فرهنگی: شما معتقدید که جریان‌هایی به نام الگوی پیشرفت، همان مباحث توسعه را پیگیری می‌کنند. توضیح بیشتری دهید. می‌خواهیم اینها را جریان‌شناسی کنیم. و ریشه آن پرچم‌های دروغین را بررسی کنیم و بدانیم چه برنده‌های علمی‌ای دارند؟** **حجت‌الاسلام کشوری:** ببینید! در شکل‌گیری و تشدید «یکسان‌انگاری توسعه غربی و پیشرفت اسلامی» دو جریان دارند نقش ایفا می‌کنند؛ یک جریان از روی غفلت و عدم توجه - علی‌رغم همه هشدارهایی که داده شده است - و جریان دیگر به خاطر اینکه اصلاً معتقد به پیشرفت اسلامی نیست و کار را می‌خواهد براساس الگوی توسعه غربی جلو ببرد ولی حالا که یک خطِ گفتمانی برای الگوی پیشرفت اسلامی راه افتاده است؛ مجبور است حرفش را زیر چتر الگوی پیشرفت اسلامی جلو ببرد. پس یک طرف داستان تلخ یکسان‌انگاری، جریانی است که حتی پیشرفت اسلامی را درک نکرده و طرف دیگر هم جریان طرفدار الگوی پیشرفت اسلامی است که راجع به موضوع الگو کلی‌گویی می‌کند و برای مقابله با آفت بزرگ یکسان‌انگاری برنامه‌ای ارائه نمی‌کند؛ ما هر دو را باید بررسی کنیم. من از جریانی که الگوی پیشرفت اسلامی را نمی‌فهمد شروع می‌کنم.



در جلسه و گفتگوهای تبیین لایحه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت؛ از یک طرف گفته شد که انقلاب معتقد به توسعه غربی با تعاریف موجود نیست ولی از طرف دیگر گفته شد که دولت معتقد به نگاه نهادگرایی در حوزه اقتصاد است. به نظر شما جمع بین این دو چیست؟ ممکن است گفته شود در شرایط موجود ما مجبوریم کشور را اداره کنیم و انتخاب مدل اداره از میان الگوهای موجود (من دارم نظر آقایان را شرح می‌دهم) یک مسئله انکارناپذیر است و نمی‌شود کشور را تعطیل کرد. تا این جای حرف، به یک شرط منطقی است. اگر شما ناکارآمدی این مدل‌ها را قبول دارید؛ باید دو پیوست را به برنامه‌ریزی‌هایتان اضافه کنید؛ اولین پیوست باید پیوست تحقیقاتی باشد. از این آقایان می‌پرسم - در طول این سال‌ها - چرا برنامه‌های شما پیوست تحقیقاتی نداشته است؟ اثر پیوست تحقیقاتی کجا خود را نشان می‌دهد؟ در پیوست تحقیقاتی محورهای تحول در برنامه توسعه به سمت پیشرفت اسلامی باید مطالعه شود. نبود این پیوست نشان می‌دهد که حتی ضرورت الگوی پیشرفت اسلامی هم درک نشده است.

دومین پیوست باید تقویت موضوعاتی مانند عدالت و خانواده را در دستور قرار دهد. برای برنامه‌های کشور باید پیوست خانواده تهیه شود، مثال می‌زنم: با اینکه ما در زمینه افزایش جمعیت^۸ دچار مشکل هستیم؛ ولی آقایان پیوست تقویت نهاد خانواده را تهیه نکرده‌اند؟ چرا در مقابل مرخصی زایمان مقاومت می‌کنند؟ چرا شغل انگاشتن کار در خانه، بیمه کردن بانوان خانه‌دار، بازنگری در ساعات کار بانوان و بازنگری قوانین کار مربوط به بانوان محترم و ده‌ها مورد دیگر به برنامه‌های مبتنی بر نگاه نهادگرایی پیوست نمی‌شود؟ این کارها را که می‌شود انجام داد.

همچنین پیوستی برای عدالت لازم است. دارم کف انتظار نیروهای انقلاب در زمینه اداره کشور را تشریح می‌کنم. می‌گویم اگر شما در معاونت برنامه‌ریزی ریاست جمهور یا در معاونت‌های طرح و برنامه وزارتخانه‌ها به این قائلید که الگوهای توسعه، الگوهایی برتر نیستند؛ در ۲۵ سال گذشته باید پیوست‌های تحقیقاتی و پیوست‌های فرهنگی را اضافه می‌کردید. ماده دوم برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی^۹ - همین برنامه‌ای که الان دارد اجرا می‌شود - می‌گوید که دولت باید پیوست طرح‌های مهم کلان کشور و بنگاه‌های مهم را تهیه و تنظیم کند. چرا این پیوست‌ها تنظیم نمی‌شود؟ با اینکه حکم قانونی برنامه است؛ کسی در مجلس راجع به آن تذکر نمی‌دهد؟ از این شواهد و دلایل می‌شود فهمید که ما دچار آفت یکسان‌انگاری توسعه غربی و پیشرفت اسلامی هستیم.

اجازه دهید بندهایی از لایحه دولت برای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت^{۱۰} را بررسی کنیم - این لایحه در سایت امور تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در دسترس است - ماده ۱۹ آن می‌گوید که شاخص‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را دولت

۸. یک مسئله هم مسئله جمعیت است که حالا سیاست‌های جمعیت ابلاغ شد؛ خوشبختانه مسئولین هم تجاوب کردند به این سیاست‌های جمعیت. شنیدم در مجلس هم طرحی در مورد افزایش باروری و پیشگیری از کاهش جمعیت وجود دارد؛ این بسیار مهم است.

بیانات امام خامنه‌ای علیه السلام در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۳/۰۳/۰۴

۹. قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴ - ۱۳۹۰) ماده ۲؛ دولت موظف است بر اساس نقشه مهندسی فرهنگی کشور و نظامنامه پیوست فرهنگی که تا پایان سال اول برنامه به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌رسد نسبت به تهیه پیوست فرهنگی برای طرح‌های مهم و جدید اقدام نماید.

تبصره - معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور که در این قانون به اختصار «معاونت» نامیده می‌شود، در ابتدای هر سال عناوین طرح‌های مهم موضوع این ماده را تهیه و به دستگاه‌های ذی‌ربط جهت اجراء ابلاغ می‌نماید.

۱۰. قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴ - ۱۳۹۰) ماده ۱؛ دولت موظف است با همکاری سایر قوا «الگوی توسعه اسلامی ایرانی» که مستلزم رشد و بالندگی انسان‌ها بر مدار حق و عدالت و دستیابی به جامعه‌ای متکی بر ارزش‌های اسلامی و انقلابی و تحقق شاخص‌های عدالت اجتماعی و اقتصادی باشد را تا پایان سال سوم برنامه تدوین و جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه دهد. این الگو پس از تصویب در مجلس شورای اسلامی مبنای تهیه برنامه ششم و برنامه‌های بعدی قرار می‌گیرد.



تنظیم، ارزیابی و اجرا می‌کند. بحث اصلی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بحث شاخص‌هاست ولی دولت محترم می‌گوید این شاخص‌ها را درونی تنظیم می‌کنم! راجع به ماهیت این شاخص‌ها در لایحه مذکور بحث نشده است. در این لایحه که ۲۱ بند دارد شما شاهد بیان غیر دقیق برخی کلیات انقلاب هستید که در قانون اساسی جمهوری اسلامی، و گفتمان انقلاب هم آمده است. در این لایحه - به عنوان مثال - از مفهوم نظام‌سازی اسلامی، که از نظر اندیشه انقلاب اسلامی پایه تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است تبیینی ارائه نشده است.

ما بلافاصله بعد از آن که لایحه الگو منتشر شد با دوستانمان تشکیل جلسه دادیم و بررسی دقیقی انجام دادیم، تا بفهمیم که این لایحه چه می‌گوید؟ این لایحه چهار کلید واژه اصلی دارد: "ارزش‌های الگو"، "مبانی الگو"، "جهت‌گیری الگو" و "اهداف الگو". در بعضی از بندها مشاهده می‌شود عناوینی که ذیل ارزش‌هاست با اندکی اختلاف ذیل مبانی تکرار شده است. همان عبارتی که در مبانی آمده است با اندکی اختلاف در بخش دیگر. یعنی اصلاً تفکیک این کلیات هم معلوم نیست! البته در جایی که قرار است این لایحه به سمت برنامه، اجرا و ارزیابی برود، کار را به خود دولت واگذار کرده است. این را بگذارید در کنار اظهارات آن مسئول محترم که می‌فرمایند دولت معتقد به نگاه نهادگرایی است. آیا این غیر از یکسان‌نگاری است؟ به هر حال ما سال ۱۳۹۳ را با اولین پرچم قالبی الگوی پیشرفت شروع کردیم و به نظر می‌رسد این روند تا آخر سال ۱۳۹۳ ادامه پیدا کند. با حرف‌های غربی‌ها و با بحث‌های کلی و شعار که نمی‌شود کشور را اداره کرد! من تعجب می‌کنم از معاونت راهبردی ریاست جمهور که چرا در رابطه با الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت شعار می‌دهد! این نقطه ضعف بارزی است که البته در کنار آن نقطه قوت کوچکی هم هست. برای این نقطه قوت کوچک هم باید تشکر کنیم؛ به نظر من قسمت مثبت قضیه و قسمت پر لیوان این است که دولت محترم یازدهم در حد گفتمانی ضعف‌های توسعه را قبول کرده است؛ اگرچه برای رفع آن کاری درخور ارائه نداده است. این لایحه ماهیتی کلی دارد که نمی‌توان آن را تبدیل به برنامه و اجرا کرد.

فراموش نکنید که جمع زیادی از کارشناسان تصمیم‌ساز کشور - که در بدنه وزارتخانه‌ها و معاونت برنامه‌ریزی حضور دارند - انسان‌هایی وفادار به انقلاب و متدین هستند. ولی ادبیات تصمیم‌سازیشان همین ادبیات توسعه است و تفاوتی میان توسعه غربی و پیشرفت اسلامی نمی‌بینند. در دانشگاه‌ها هم همین بحث‌ها تدریس می‌شود.

حال اگر این مسئله یکسان‌نگاری توسعه غربی و پیشرفت اسلامی را به عنوان آفت و خطر قبول کنیم، برای عبور از آن چه راه حلی وجود دارد؟^{۱۱} در گفت‌وگوی قبلی هم عرض کردم؛ اینجا باز تکرار می‌کنم: چون ما الگوی پیشرفت را نمی‌توانیم در یک جمع تدوین کنیم و آن را به سند تبدیل و سپس ابلاغ کنیم - اصلاً با ابلاغ اتفاقی نمی‌افتد - باید برای الگوی پیشرفت عزم ملی ایجاد کنیم. شاید تلقی روزهای اول بعضی از جریان‌ها این بود که الگوی پیشرفت چیزی مثل سند چشم‌انداز است. حال آنکه الگوی پیشرفت ماهیتاً با سند چشم‌انداز متفاوت است. به نظر من چون مشکل اصلی کشور ما نظام تدبیر و تصمیم‌سازی کشور است؛ مسئله الگوی پیشرفت اسلامی برای مقابله با این خطر طرح شده است؛ نظام تصمیم‌سازی کشور متأثر از توسعه غربی است؛ حال آنکه باید در راستای جهت‌گیری انقلاب اسلامی برای مدیران ما تصمیم‌سازی کند. الگوی پیشرفت اسلامی یعنی: تغییر در نظام تصمیم‌سازی کشور بر اساس جهت‌گیری انقلاب و سنخ اندیشه و گفت‌وگو است.

تبصره: دبیرخانه تهیه این الگو در قوه مجریه مستقر خواهد بود و رؤسای قوای سه‌گانه کشور موظفند با اتخاذ سازوکارهای لازم در هر قوه به فرآیند تهیه آن کمک کنند.

۱۱. ما حالا باید برای شکستن این طلسم فکر کنیم؛ کدام طلسم؟ این طلسم که کسی تصور کند که پیشرفت کشور باید لزوماً با الگوهای غربی انجام بگیرد. این وضعیت کاملاً خطرناکی برای کشور است. الگوهای غربی با شرائط خودشان، با مبانی ذهنی خودشان، با اصول خودشان شکل پیدا کرده؛ بعلاوه ناموفق بوده. بنده به طور قاطع این را می‌گویم: الگوی پیشرفت غربی، یک الگوی ناموفق است.



بنابراین برای غلبه بر آفت نرم یکسان‌انگاری؛ باید اولاً از نگاه سندنویسی عبور کنیم و نگاه گفتمان‌سازی را الگوی برنامه‌ریزی برای تحقق الگوی پیشرفت اسلامی قرار دهیم. در گام اول گفتمان‌سازی هم باید -منظورم لایه اول از حیث اهمیت است، زیرا ممکن است در کنار بقیه برنامه‌ها اجرا شود و ممکن است مقدم شود- یک سطح مهم از برنامه به «ارائه راه حل» برای شکستن طلسم یکسان‌انگاری توسعه غربی و پیشرفت اسلامی اختصاص داشته باشد. متأسفانه چون جریان‌های الگوی پیشرفت هنوز نتوانسته‌اند راه حلی برای مسئله یکسان‌انگاری ارائه دهند؛ وقتی گفتمان‌سازی هم می‌کنیم دوباره همان کارشناسان توسعه مباحث توسعه را به اسم پیشرفت اسلامی مطرح می‌کنند ...

کیهان فرهنگی: اگر مایل باشید مثلاً روی شاخص‌های پیشرفت اسلامی عینی‌تر صحبت کنیم. من می‌خواهم وارد کار خودتان شوم. یک مقدار در این جریان حرکت کنیم. بر اساس نقشه راه شما اصلی‌ترین تدبیرها برای مقابله با این مسئله کدام است و اولویت‌ها چگونه است؟

حجت‌الاسلام کشوری: اجازه دهید قبل از اینکه بحث "شاخص‌های هویت اسلامی" را گزارش بدهم کلیدی از "اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی" را بگویم. ما در این نقشه راه -که اگر امکانش بود به ضمیمه این گزارش منتشر شود، تا فضای دقیقی از ابعاد الگوی پیشرفت اسلامی را ارائه دهد- دو کار عمده انجام داده‌ایم:

اولین کار ما این است که به صورت تفصیلی انقلاب اسلامی را ذیل اصطلاح "جهت حرکت انقلاب اسلامی" تعریف کرده‌ایم. در نقشه راه پیشنهادی ما انقلاب با استفاده از مبنای "هدایت نظامات ذهنی" و با روش تنظیم "الگوی نظام‌سازی اسلامی" به‌طور تفصیلی معنا می‌شود. خلاصه بحث ما در این بخش این است که در ارزیابی انقلاب اسلامی باید مفهوم نظام‌سازی اسلامی را مبنا قرار داد. هر کسی مفهوم نظام‌سازی اسلامی را درک نکند نمی‌تواند کمک تام و کاملی به انقلاب داشته باشد. نظام‌سازی اسلامی با سیستم‌سازی و تفکر سیستمی متفاوت است.

این نظام‌سازی ۵ گام دارد. ما دو گامش را طی کرده‌ایم و الان در مرحله دولت اسلامی هستیم. مرحله دولت اسلامی یعنی نظام‌سازی تفصیلی در همه بخش‌ها. ما در همه بخش‌ها نظام‌سازی اسلامی نداشته‌ایم! به عنوان مثال در "مرحله نظام اسلامی" در حوزه امنیت و دفاع با استفاده از نظام‌سازی اسلامی بسیج به وجود آمد و با آن جنگ مدیریت شد و بعد این الگو را به لبنان و سوریه هم دادیم، ولی هنوز بر اساس نظام‌سازی اسلامی در بخش اقتصاد کار را جلو نبرده‌ایم. در مرحله دولت اسلامی باید در همه بخش‌ها نظام‌سازی اسلامی شود. پس ۵۰ درصد بحث ما در نقشه راه تعریف انقلاب است، پاسخ تفصیلی به اینکه انقلاب می‌خواهد چه کار کند. اولین فعالیت ما است.

بخش دیگر کار این است که روی ۸۱ لازمه نظام‌سازی تفصیلی (مرحله دولت اسلامی) تولید مفهوم کرده‌ایم. ما وابستگی نظام‌سازی تفصیلی را به این ۸۱ مسئله اثبات و پاسخ و راه حل برای آن‌ها را ارائه کرده‌ایم. یکی از این موضوعات ۸۱ گانه بانک سؤالات الگوی پیشرفت اسلامی است. ما اگر بخواهیم نظام‌سازی اسلامی کنیم یک مانع همین طلسم یکسان‌انگاری است و این با پردازش اجتماعی سطح اول نظام سؤالاتمان شکسته می‌شود. باید سؤالات منطقی و مشخص داشت. با پردازش این سؤالات نخبه ما متوجه می‌شود که باید برای چه چیزی پایان‌نامه بنویسد و استاد ما با سؤالات جدیدی در دوران تحقیق و تدریس روبرو می‌شود.

یکی دیگر از موضوعات ۸۱ گانه نقشه راه، تبیین اثباتی شاخص‌های هویت اسلامی است. ما یک گزارش اولیه برای این شاخص‌ها آماده کردیم. در این گزارش به نحو محاسبه‌پذیر و تفصیلی - دقت کنید عرض نکردم به نحو کمی، چون مفهوم محاسبه یک مفهوم اعم است که می‌تواند شامل کمی شدن هم باشد- شاخص‌های جامعه اسلامی را تبیین کرده‌ایم. البته ما بنا داریم سالیانه این گزارش را تکمیل کنیم ولی الان شامل ۳۰ شاخص است که تبیین آن گامی مهم برای مقابله با آفت



یکسان‌انگاری توسعه غربی و پیشرفت اسلامی می‌باشد. وقتی شما با شاخص‌های هویت اسلامی آشنا می‌شوید قدرت محاسبه و تشخیص پیدا می‌کنید و در می‌باید مسیر اداره کشور به سمت پیشرفت است یا به سمت توسعه. بسته شاخص‌های هویت اسلامی خودش شامل سه بسته بحث است. بسته اول، "بسته شاخص‌های رفیق" است. بسته دوم، "بسته شاخص‌های رشد" است - مراد از رشد مفهوم قرآنی آن است؛ نه مفهوم روان‌شناسی و اقتصادی این لفظ - بسته سوم، "بسته شاخص‌های توازن" است. خود گزارش این بسته‌ها یک جلسه طول می‌کشد که ان‌شاءالله در فرصتی به تفصیل عرض خواهیم کرد.

کیهان فرهنگی: با توجه به محدودیت فرصت برای شرح فعالیت‌های شما در مورد بحث اول که مربوط به جریان‌های مدعی تولید الگوی اسلامی پیشرفت بود اگر جمع‌بندی خاصی دارید بفرمایید.

حجت‌الاسلام کشوری: تتمه مختصری راجع به همان موضوع اول عرض کنم؛ چون امسال به نظر ما یکسان‌انگاری توسعه غربی و پیشرفت اسلامی تشدید می‌شود دو کار را می‌شود برای مقابله با این آفت خطرناک انجام داد: اول اینکه تلاش کنیم تمیز میان توسعه غربی و پیشرفت اسلامی در ذهن مدیران و نخبگان گسترش یابد. تلاش برای الصاق پیوسته‌های خانواده، عدالت و پیشگیری از جرم به برنامه ششم کشور می‌تواند زمینه‌ساز این مسئله باشد. به نظرم اگر این کار نشود برنامه ششم به روال برنامه‌های قبل و متناسب با ادبیات توسعه شکل می‌گیرد! و این در حالی است که کشور را نمی‌توان با ترجمه و کپی‌برداری اداره کرد.

دومین پیشنهاد راه‌اندازی بانک سؤالات جمهوری اسلامی است. همانطور که عرض کردم: با پردازش سؤالات این بانک، هدایت نظامات ذهنی در راستای پیشرفت اسلامی گسترش می‌یابد. به نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی پیشنهاد می‌دهم تا طرح مدون بانک سؤالات را در کمیسیون فرهنگی بررسی نمایند. اگر این نظام سؤالات را داشته باشیم می‌توانیم جهت گفتمان جامعه را به سمت تحقق شاخص‌های هویت اسلامی - با همین ظرفیت‌های علمی و با استفاده از همین دانشگاه‌های موجود - هدایت کنیم. از منظر اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی پردازش ۸۱ مسئله زمینه تفاهم و تحقق الگوی پیشرفت اسلامی را فراهم می‌آورد؛ که یکی از مهمترین این موضوعات مسئله "بانک سؤالات الگوی پیشرفت اسلامی" است. البته نظریه‌های "بهبود مستمر فضای حاکم بر نهادهای متکفل تربیت" و "پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم" و "بنگاه‌های وقف‌محور" هم می‌توانند مبنای مقابله با یکسان‌انگاری توسعه غربی و پیشرفت اسلامی و مبنای طراحی پیوست برای برنامه ششم^{۱۲} باشند.

۱۲. در مورد برنامه‌ی ششم که در واقع باید آماده بود برای اینکه این برنامه‌ی ششم تهیه بشود، فراهم بشود و بیاید. برنامه ششم یعنی سیاست‌های پنج سال کشور تدوین خواهد شد؛ شما نقشه راه عملی برای پنج سال کشور را در این برنامه ششم انشاءالله تدوین خواهید کرد. سه نقطه‌ی اصلی - البته برنامه باید جامع باشد - وجود دارد: یکی اقتصاد است که تکیه روی اقتصاد مقاومتی در آن برنامه باید تجلی پیدا کند. یکی مسئله‌ی فرهنگ است؛ هر جا می‌گوییم فرهنگ، مقصود ما از فرهنگ، یعنی فرهنگ انقلابی، فرهنگ اسلامی، یعنی ایجاد حرکت فرهنگی بر مبنای اسلام و بر مبنای ارزش‌های اسلامی و حرکت دادن جامعه به معنای حرکت فرهنگی به سمت اهداف اسلامی، تقویت فرهنگ اسلامی و باور اسلامی و آداب اسلامی و اخلاق اسلامی و سنت‌های اسلامی؛ فرهنگ این است. این جور نیست که به هر شکلی ابزارهای فرهنگی در کشور به وجود آمد، ما خوشحال بشویم که بله، فرهنگ پیشرفت کرده؛ نه، پیشرفت فرهنگ و تکیه‌ی روی فرهنگ به معنای فرهنگ انقلابی است، فرهنگ اسلامی است، فرهنگ دینی است، تقویت ارزش‌های انقلابی و اسلامی است؛ این مراد ما است و این آن چیزی است که مورد انتظار از من و شما - به عنوان سربازان این انقلاب - است که باید سینه‌مان را سپر کنیم و برای انقلاب کار کنیم. و سوم علم؛ حرکت علمی در کشور خوب آغاز شده است؛ بحمدالله در این سال‌ها، در این ده دوازده سال حرکت خوبی در کشور به وجود آمده؛ این حرکت مطلقاً نباید کند بشود، بلکه باید سرعت و شتاب بگیرد. خیلی از افتخارات ملی و بخش مهمی از عزت ملی و بخش قابل توجهی از ثروت ملی به برکت علم به دست می‌آید؛ مسئله علم و تحقیق و پیشرفت در بخش‌های گوناگون علمی و کشف سرزمین‌های ناشناخته‌ی دانش، برای کشور خیلی مهم است؛ این هم انشاءالله باید در برنامه مورد توجه قرار بگیرد.

حرف آخرم هم این است که خدا نکند آخر سال ۱۳۹۳ وقتی می‌خواهیم کارنامه گفتمان‌سازی برای الگوی پیشرفت اسلامی را ارزیابی کنیم؛ ببینیم محصولاتی تولید شده که اسم الگوی پیشرفت اسلامی را یدک می‌کشند ولی ماهیت توسعه غربی را طرح می‌کنند!

والسلام علی من اتبع الهدی



۶. قسمت اول گفتگو با مرصاد نیوز: ایجاد تغییر در ساختارهای توسعه‌گرا روح نظریه دولت اسلامی است

یکشنبه ۳ اسفند ۱۳۹۳

بسم الله الرحمن الرحيم

در حاشیه برگزاری نشست‌های گفتمانی الگوی پیشرفت اسلامی در شهر کرمانشاه حجت‌الاسلام علی کشوری در گفتگو با شبکه اطلاع‌رسانی مرصاد نیوز به تبیین ابعادی از مسئله مهم الگوی پیشرفت اسلامی بر اساس مفاهیم اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی پرداختند. قسمت اول این گفتگو را به نقل از شبکه اطلاع‌رسانی مرصاد نیوز در ادامه بخوانید:

مراحل الگوی پیشرفت اسلامی از دیدگاه رهبر انقلاب و جایگاه کنونی انقلاب در این الگو

مسئله اول جایگاه الگوی پیشرفت اسلامی است. اگر کسی بخواهد به صورت ساده جایگاه بحث الگوی پیشرفت اسلامی را متوجه شود باید به مراحل پنجگانه‌ای که رهبر معظم انقلاب برای حرکت انقلاب ترسیم کرده‌اند برگردد. موضوعی که ایشان در سال ۱۳۷۹ مراحل تحقق آرمان‌های انقلاب را در ۵ گام تبیین فرمودند.

ایشان فرمودند ما برای رسیدن به آرمان‌های انقلاب باید ۵ گام اساسی را برنامه‌ریزی کنیم. اینها عبارتند از ۱. مرحله انقلاب اسلامی ۲. مرحله نظام اسلامی ۳. مرحله دولت اسلامی ۴. مرحله جامعه اسلامی و ۵. مرحله تمدن نوین اسلامی.

چون اینجا قصد شرح مفصلی در خصوص هر یک از این مراحل را نداریم و برای این کار نیاز به جلسات مشروح دیگری است، بنابراین فقط توضیح می‌دهم که در حال حاضر از منظر طی این مراحل تاکنون ما دو مرحله از این گام‌های پنجگانه را پشت سر گذاشته‌ایم، یعنی مرحله انقلاب اسلامی و نظام اسلامی را به همت مردم و رهبری فقهای عظیم‌الشأن شیعه طی کردیم و در حال حاضر در سومین مرحله از این الگو قرار داریم که همان مرحله دولت اسلامی باشد. آینده نزدیکی که پیش‌رو داریم مرحله جامعه اسلامی است و براساس مبانی انقلاب ما در حال عبور از مرحله سوم به مرحله چهارم هستیم و این همان نقطه تاریخی است که اگر ما آن را خوب تحلیل نکنیم اصل موضوع الگوی اسلامی پیشرفت هم برای ما واضح نمی‌شود.

مرحله دولت اسلامی یعنی چه و ضرورت تغییر ساختارهای اداره کشور چیست؟ / تفاوت نگاه اسلامی به فرهنگ و اقتصاد با نگاه توسعه‌گرایی غربی

گفتمان انقلاب اسلامی معتقد است که ساختارهای فعلی جامعه چون بخشی از آن‌ها وام گرفته از ساختارهای مبتنی بر تفکر مدرن وارداتی هستند، این ساختارها از دلشان تحقق آرمان‌های انقلاب بیرون نخواهد آمد. به عنوان مثال ما با این مدل بانک‌داری و با این مدل اداره امور اقتصادی هیچگاه به مسئله عدالت دست نخواهیم یافت، عدالت جزو آرمان‌های انقلاب است اما ساختارهای اقتصادی کشور که با مدل‌های غربی در حال اداره شدن است، ما را به این آرمان‌ها نخواهد رساند.

با این تفاسیر ما دو راه پیش‌رو داریم. یا از آرمان عدالت دست برداریم، یا به سمت اصلاح ساختارهای مدرن و توسعه‌گرا پیش برویم. در این دوراهی "نظریه دولت اسلامی" می‌گوید برای تحقق آرمان‌های انقلاب، برای تحقق شاخص‌های هویت اسلامی ما باید تحولی در ساختارهای اداره‌کننده نظام ایجاد کنیم. مثلاً مادامی که مرکز آمار ایران عمده تمرکز خود را هنگام آمارگیری روی شاخص‌های اقتصادی گذاشته و شاخص‌های فرهنگی را ارزیابی نمی‌کند ما نمی‌توانیم برنامه‌ریزی دقیقی روی مسائل فرهنگی داشته باشیم. اهل فن می‌دانند که ۸ شاخص مهم اقتصادی توسط مرکز آمار ایران ارزیابی می‌شود، تعبیری شبیه شاخص‌های حیاتی برای آن دارند. به عنوان مثال شاخص‌هایی مثل تورم، بیکاری، رشد اقتصادی و ... را ارزیابی می‌کنند. یعنی پایه ارزیابی توجه به شاخص‌های اقتصادی است.

البته چون از نگاه ساختارهای توسعه‌گرا شاخص‌های فرهنگی به نوعی پشتیبان شاخص‌های اقتصادی هستند، شاخص‌های فرهنگی نیز متناسب و وابسته به شاخص‌های اقتصادی ارزیابی می‌شود، مثلاً اگر شما مکتب نهادگرایی در حوزه اقتصاد را



قبول داشته باشید که این مکتب در کشور ما طرفداران زیادی هم دارد، معتقد خواهید بود به اینکه اگر بخواهیم اقتصاد را تکمیل کنیم باید فرهنگ را هم [به نفع اقتصاد] اصلاح کنیم. لذا یک معتقد به جبهه فرهنگی انقلاب نباید تصور کند که هنگامی که معتقدین به نهادگرایی از اصلاح امور فرهنگی صحبت می‌کنند نگاه آن‌ها به فرهنگ یک نگاه محوری است، نه، برای آن‌ها فرهنگ یکی از متغیرهای موثر در اقتصاد است. یعنی حتی اگر در مدل‌های آماری ما به شاخص‌های فرهنگی توجه می‌شود به دلیل تأثیر فرهنگ بر اقتصاد است. یعنی هر جا شاخص‌های فرهنگی در حال بررسی است در واقع در حال آنالیز شاخص‌های اقتصادی هستند و فرهنگ به عنوان یک مکمل برای اقتصاد تحلیل می‌شود.

بر این اساس اگر ما به دنبال دسترسی به یک جامعه مطلوب اسلامی هستیم، یعنی جامعه‌ای که شاخص‌های هویت اسلامی مثل عدالت در آن تحقق پیدا کرده است، باید برای رسیدن به این آینده روشن بدانیم که با ساختارهای فعلی کشور که عمدتاً وارداتی و توسعه‌گراست - که برای آن مدل آمارگیری کشور را مثال زدیم - به آن شاخص‌ها دست پیدا نخواهیم کرد.

از منظر اندیشه رهبر معظم انقلاب دولت‌سازی اسلامی مقدم است بر جامعه‌سازی اسلامی؛ چرا که دولت هر کشور برنامه‌ریزی می‌کند برای آن کشور. پیدا است که اگر هدف برنامه‌ریزی تحقق شاخص‌های هویت اسلامی نبود آن شاخص‌ها هم محقق نخواهد شد. یعنی بخش‌هایی از ساختارهای اداره‌کننده کشور ما که بر مبنای تفکر مدرن بنا شده به دنبال تحقق شاخص‌های توسعه هستند و طبیعی است که برای آن هم برنامه‌ریزی می‌کنند. این حرف اول بحث ما که ما اکنون در مرحله تحقق دولت اسلامی هستیم و آینده ما هم تحقق جامعه اسلامی است.

مثال دوم: ضرورت تغییر ساختارهای اداره کشور با توجه به تعریف الگوی پیشرفت اسلامی / آموزش مبتنی بر سبک زندگی و تفاوت آن با آموزش مبتنی بر خدمات و تولید

مرحله دولت اسلامی معنایش این است که ما نیاز داریم به تغییر ساختارهای اداره کشور. برای تبیین بهتر این موضوع مثال دیگری می‌زنم. به عنوان مثال یکی از ساختارهایی که بر مبنای تفکر مدرن و توسعه‌گرا بنا شده و متأسفانه بعد از ۳۶ سال انقلاب همچنان موفق به تغییر آن نشده‌ایم، ساختار آموزشی ماست. ساختار آموزشی یک کشور یعنی همه چیز یک کشور، یعنی اگر شما نتوانید در یک سیستم آموزشی اعتقادات و آرمان‌های یک کشور را به نسل بعد منتقل کنید یعنی همه چیز خود را از دست داده‌اید، ساختار آموزشی ما همتش بر مبنای آموزش‌های "ساینس" است؛ یعنی اگر کمیت و کیفیت این ساختارها را بررسی کنید هدف آن‌ها تربیت کادر آموزشی متخصص برای بخش خدمات و تولید جامعه است. یعنی دروس و ساختار این سیستم دانش آموز ما را به عنوان یک تکنسین برای بخش خدمات و تولید تربیت می‌کند.

از طرف دیگر ما می‌دانیم که مهم‌ترین آموزش‌ها - مخصوصاً در سنین اوج یادگیری - آموزش‌های مربوط به سبک زندگی اسلامی و تربیت اسلامی است و عملاً چون ساختار آموزشی ما برای تربیت تکنسین در بخش تولید و خدمات بنا شده این بخش مورد غفلت قرار گرفته است. عوارض این هم ناهنجاری‌های اجتماعی است. وقتی شما سبک زندگی درست را آشنا نیستید و یا فقط سبک زندگی اسلامی به گوشتان خورده است، از این نسل انتظار عمل و تعهد به سبک زندگی دشوار است. به نظر من مثلاً اگر قرار است به صورت ریشه‌ای ناهنجاری‌هایی مثل طلاق و بی‌حجابی را در جامعه حل کنیم باید تحول بنیادین در آموزش و پرورش را در دستور کار قرار دهیم. شما می‌بینید که تحول در آموزش و پرورش - به هر دلیلی - خیلی مورد حساسیت نیروهای انقلاب نیست. شما اجازه می‌دهید آموزش و پرورش به هر دلیلی نسل نو ما را هر طور که خواست بار بیاورد و آنگاه می‌خواهید مقابل ناهنجاری‌های ناشی از تربیت مدرن آن را بگیرید. خیلی غفلت بزرگی در حال اتفاق افتادن است.

لذا وقتی ما می‌گوییم در مرحله دولت‌سازی اسلامی هستیم باید تحول بنیادین در ساختار آموزشی را به وجود بیاوریم.



مثال سوم: چرا خروجی قانون‌گذاری در کشور قوانینی است که قابلیت اجرا ندارند؟

یک مثال آخر برای شکل‌گرفتن کامل این بحث ضروریست. حتما همه ما قبول داریم که کشور باید بر مبنای قانون اداره شود، اما کسی کنکاش و دقت نمی‌کند که این نحوه قانون‌گذاری که باید دولت اسلامی از دل آن بیرون بیاید در چه شرایطی قرار دارد. ما فقط می‌گوییم که جامعه باید بر مبنای قانون اداره شود، اما این موضوع که قانون خوب چیست و قانون بد چیست توسط نیروهای جریان انقلاب دنبال نمی‌شود. نتایجی هم به بار آورده است. مثلاً یکی از دلایلی که بسیاری از قانون‌ها اجرا نمی‌شود این است که خود آن قانون قابلیت اجرا ندارد. به عنوان مثال اگر برنامه‌های ۵ ساله کشور را در آستانه تدوین ششمین برنامه بررسی کنید، خواهید دید بسیاری از قوانینی که در برنامه اول تنظیم شده اجرایی نشده و به همان شکل به برنامه دوم منتقل شده است. همین قوانین در برنامه دوم هم اجرا نشده و به ترتیب به برنامه‌های سوم، چهارم و پنجم منتقل شده‌اند.

در طول این سال‌ها هم، دولت‌های مختلف با گرایش‌های گوناگون بر سر کار آمده‌اند اما یک سؤال بزرگ مطرح است که چرا در طول این سال‌ها قوانین و برنامه‌ها از دولتی به دولت دیگر پاس داده می‌شود. مهمترین دلیل این موضوع آن است که ما در کشورمان سیستم قانون‌گذاری دقیقی نداریم و قانون خوب در کشور ما تدوین نمی‌شود. اگر به دنبال رسیدن به یک جامعه مطلوب هستیم باید نحوه قانون‌گذاری برای داشتن قوانین خوب را اصلاح کنیم. چه کسی موظف به تکامل این سیستم قانون‌گذاری برای تصویب قوانین خوب با داشتن قابلیت اجرایی است؟

یکی دیگر از دلایل اجرایی‌نشدن قوانین در کشور، تعدد مراجع تصویب مقررات برای زندگی مردم است. طبق برخی از گزارش‌ها ۱۸۰ مرکز قانون‌گذاری در کشور داریم که به نوعی برای زندگی مردم مقررات تصویب می‌کنند. وقتی شما از ۱۸۰ جا مقررات برای زندگی مردم تصویب می‌کنید و خود مجلس شورای اسلامی هم ۱۰۸ سال سابقه قانون‌گذاری دارد و همه قوانین هم تا الان معتبر هستند. این سؤال مطرح است که آیا اصلاً این حجم از مقررات را می‌شود به اطلاع مردم رساند تا به مرحله اجرا برسد؟ بسیاری از اتهامات در قوه قضائیه مربوط به پرونده‌هایی است که مجرم اصلاً از قانون اطلاع نداشته است. شما فکر نمی‌کنید این حجم از قوانین آموزش‌پذیر نیستند؟ زیاد شدن قانون فی نفسه مانع از اجرایی شدن آن است. ما باید به سمتی برویم که قوانین کم حجم داشته باشیم.

بنابراین وقتی می‌گوییم نیاز به دولت‌سازی اسلامی داریم؛ یعنی باید ساختارها را تغییر دهیم که به عنوان مثال به سه مورد تغییر در ساختارها؛ یعنی ضرورت تغییر در مدل آمارگیری، مدل آموزش و مدل قانون‌گذاری کشور اشاره شد.



۷. قسمت دوم گفتگو با مرصاد نیوز: نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی مسیر دولت‌سازی و جامعه‌سازی اسلامی را تشریح می‌کند

یکشنبه ۱۷ اسفند ۱۳۹۳

بسم الله الرحمن الرحيم

در حاشیه برگزاری نشست‌های گفتمانی الگوی پیشرفت اسلامی در شهر کرمانشاه حجت الاسلام علی کشوری در گفتگو با شبکه اطلاع‌رسانی مرصاد نیوز به تبیین ابعادی از مسئله مهم الگوی پیشرفت اسلامی بر اساس مفاهیم اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی پرداختند. قسمت دوم این گفتگو را به نقل از شبکه اطلاع‌رسانی مرصاد در ادامه بخوانید:

... همانطور که گفته شد ما در مرحله دولت اسلامی هستیم و برای انتقال به مرحله جامعه اسلامی باید مشکلاتی که برخی از آن‌ها را در قسمت اول بحث با مثال‌هایی اشاره کردم حل کنیم.

تفاوت تشکیل نظام اسلامی با دولت‌سازی اسلامی

حجت‌الاسلام کشوری در بیان تفاوت‌های مرحله نظام اسلامی با دولت اسلامی اظهار داشت: در مرحله نظام اسلامی هندسه کلی رسیدن به جامعه اسلامی تعریف می‌شود، یعنی شما یک چارچوب کلی را به وجود آورید که حرکت را شروع کنید اما در مرحله دولت اسلامی به دنبال تکمیل کار هستید.

به عنوان مثال در مرحله نظام اسلامی برای الگوی تأمین امنیت به تنهایی از ساختارهای مدرن استفاده نشد، ارتش حفظ شد، بعداً تغییرات بنیادی در آن ایجاد شد و در کنار آن فرهنگ بسیج و مدل رزم اختصاصی و فرهنگ بسیج را تعریف کردند. یا به عنوان مثال در همه دنیا که اخیراً رئیس‌جمهور هم به آن اشاره کرد، اگر بخواهند ساختار یک حکومت را بچینند با مدل مونتسکیو پیش می‌روند و از مدل تفکیک قوا پیروی می‌کنند. کاری که در جمهوری اسلامی هم پذیرفته شد اما بالای سر قوا نهاد ولایت فقیه تعریف شد. یعنی به سمت یک نظام‌سازی جدید پیش رفتیم. شروع کار با بخشی از این حوزه‌ها بوده است اما نهادهای دیگر مانند نهادهای آموزشی و مدل قانون‌گذاری و یا در مدل آمارگیری، ما که در بخش اول بحث به آن اشاره شد تغییری نکردند.

بنابراین در مرحله دولت اسلامی ما به دنبال این هستیم که نظامات اجتماعی را به صورت کامل منطبق با الگوی اسلامی طراحی کنیم. یعنی بخش‌هایی را که آغاز نکردیم آغاز کنیم و بخش‌هایی را که به صورت اجمالی نظام‌سازی شده تکمیل کنیم. یعنی مرحله دولت اسلامی عبارت است از مرحله نظام‌سازی تفصیلی با نگاه اسلام.

به هر حال بازخوانی این مراحل که مقام معظم رهبری برای تکامل انقلاب اسلامی تعریف کرده اند اولین بحث است. ما اگر این را بازخوانی کنیم برای یافتن این است که در چه مرحله‌ای هستیم.

جایگاه الگوی پیشرفت اسلامی در مراحل مختلف

وی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره چگونگی امکان بازتعریف و تکامل ساختارهای نظام اسلامی بر مبنای نگاه اسلام و تشکیل دولت اسلامی گفت: برای تشکیل دولت اسلامی نیاز به شناخت مسیر داریم و اینجاست که جایگاه الگوی اسلامی پیشرفت مشخص می‌شود. الگوی پیشرفت اسلامی مجموعه‌ای از تحلیل‌ها و تئوری‌هاست که نظامات اجتماعی اسلام را تبیین می‌کند و روش تحقق آن را نیز بحث می‌کند. در واقع ما چون به دنبال تحقق دولت‌سازی اسلامی هستیم نیاز داریم به یک ادبیات و یک گفتمانی که راه دولت‌سازی اسلامی را تبیین کند و مسیر تحقق آن را شرح بدهد.

این مسئله الگوی پیشرفت اسلامی در این مرحله در مقابل و در نقد ادبیات توسعه‌گرا مطرح می‌شود. توسعه به معنای (development) مورد نظر من است. شما اگر ادبیات توسعه را مسلط باشید و تفکرات این نگاه را بازخوانی کنید، قدرت نظام‌سازی مدرن در ذهن شما ایجاد می‌شود که با مثال‌های متعدد در بخش اول بحث چرایی عدم کارآمدی این نظام برای



رسیدن به آرمان‌های انقلاب اسلامی را توضیح دادیم. بسیاری از نخبگان ما دچار تضاد بنیادین هستند چرا که از یک سو می‌گویند ما می‌خواهیم شاخص‌های هویت اسلامی و آرمان‌های انقلاب را محقق کنیم و از سوی دیگر در برنامه‌ریزی اجتماعی و نظام‌سازی متأثر از ادبیات توسعه وارد کار می‌شوند.

در واقع اگر بخواهیم به سمت دولت‌سازی اسلامی پیش برویم باید ادبیات مختص به آن را داشته باشیم. الگوی پیشرفت اسلامی از این ادبیات ناظر بر تشکیل دولت اسلامی تبعیت می‌کند. در واقع الگوی پیشرفت اسلامی روش جامعه‌سازی اسلامی و روش تحقق شاخصه‌های هویت اسلامی را بحث می‌کند.

بنابر این ما اگر می‌خواهیم از مرحله دولت اسلامی به مرحله جامعه اسلامی برسیم ناگزیریم مسئله الگوی پیشرفت اسلامی را به عنوان یک ابر مسئله بپذیریم. همانطوری که عرض کردم قبل از این نیز باید گفت‌مان آن را بپذیریم. یعنی باید یک پویا گسترده‌ای راه بیافتد تا مسئله الگوی پیشرفت اسلامی فهم شود و از ثمرات آن می‌شود اینکه از مرحله دولت اسلامی به مرحله جامعه‌سازی اسلامی حرکت کنیم.

ما تا راجع به الگوی پیشرفت اسلامی بحث نکنیم نمی‌توانیم بر اساس آن عمل کنیم، گفتگو راجع به دولت اسلامی و الگوی پیشرفت اسلامی تفاوت‌های این موضوع را با الگوی توسعه غربی تبیین می‌کند. تا ذهن نخبه ما تفاوت پیشرفت اسلامی و توسعه غربی را فهم نکند برنامه‌ریزی‌ها برای تداوم وضعیت فعلی خواهد بود. یعنی عملاً برخی از مسئولین ما در شعار می‌گویند که می‌خواهیم اهداف انقلاب را محقق کنیم ولی در عمل به سمت شاخص‌های توسعه و شاخصه‌های بانک جهانی سوق پیدا می‌کند.

اولین نقشه راه الگوی اسلامی پیشرفت

اما بحث دیگر اینکه ما در طول یک فعالیت پژوهشی ۱۵ ساله یک نقشه راهی تبیین کردیم که در فضای مجازی تحت عنوان اولین نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی در دسترس هست. در واقع این نقشه راه یک تصویر روشن از دولت‌سازی اسلامی ارائه کرده است. یعنی در اولین نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی صد بسته بحث وجود دارد که آشنایی با بسته‌های بحثی و تسط بر آن‌ها در واقع یک تصویر روشن در اذهان از توسعه بر مبنای الگوی پیشرفت اسلامی را ترسیم خواهد کرد و هدف واضح خواهد شد.

هدف حضور ما در استان‌ها و البته در کرمانشاه؛ معرفی این صد بسته بحث - برای فهم بهتر الگوی پیشرفت اسلامی - به جوانان و مردم است. که ثمره آن خروج اذهان از یک نگاه کلی به الگوی پیشرفت اسلامی است و معایب و نواقص الگوی پیشرفت غربی مشخص و نمایان می‌شود.

وی در پایان از برگزاری سالانه سه تا چهار نشست در کرمانشاه پیرامون تبیین نقشه راه الگوی اسلامی پیشرفت خبر داد و گفت: این نشست‌ها حول تبیین مفاهیم این نقشه راه برگزار می‌شود و اگر بتوانیم یک گفتگویی را میان نخبگان ایجاد کنیم حرکت به سمت جامعه‌سازی اسلامی و برون‌رفت از وضعیت فعلی تسریع خواهد شد.



۸. گفتگو با ویژه نامه نوروزی روزنامه جوان: غفلت از گفتمان الگوی پیشرفت و نقد برنامه‌ریزی توسعه توهم کارآمدی را در جریان توسعه گرا تقویت می‌کند / برنامه‌های توسعه باید بر پایه نظام‌سازی اسلامی طراحی شوند.

جمعه ۲۲ اسفند ۱۳۹۳

بسم الله الرحمن الرحيم

بررسی تفصیلی چگونگی نقد برنامه‌ریزی توسعه در گفتگو با حجت الاسلام کشوری - ویژه نامه روزنامه جوان - ۲۰ اسفند ۱۳۹۳ مستحضر هستید که تدوین برنامه‌های توسعه، در قالب برنامه‌های زمامد در کشور انجام می‌شود. ارزیابی محتوایی و کاربردی شما از برنامه‌هایی که تاکنون تدوین شده‌اند چیست؟ به نظر شما، این برنامه‌ها چه نتایجی برای کشور داشته‌اند؟

به نظر بنده، قبل از ارزیابی برنامه‌های توسعه کشور بهتر است به چگونگی روش ارزیابی آن‌ها بپردازیم؛ یعنی ابتدا مشخص کنیم که هدف از ارزیابی برنامه‌های توسعه کشور چه چیزی است. بعد براساس پایه‌ای که تعریف می‌شود مطلب را ادامه دهیم. منظور از ارزیابی برنامه‌های توسعه، در جبهه پیشرفت اسلامی و جبهه نیروهای انقلاب اسلامی، این است که بدانیم آیا این نوع برنامه‌ریزی برای کشور، اهداف تعریف‌شده‌ی انقلاب را محقق می‌سازد یا خیر؟ به نظر بنده، این هدف اصلی است که باید در نقدها و ارزیابی‌ها مورد توجه قرار گیرد.

جریان توسعه‌گرا در کشور، مدل برنامه‌ریزی‌های توسعه را مورد نقد درونی قرار داده است. به نظر این جریان، دوره تقسیم‌بندی برنامه‌ریزی‌ها به کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت در کشور گذشته است و باید از دیدگاهی دیگر برنامه‌ریزی‌ها صورت بگیرند. با توجه به نقدهای این جریان به برنامه‌ریزی‌های توسعه، باید با دقت و بسیار شفاف صحبت کنیم تا تفاوت نقدهای ما از نقدهای این جریان مشخص باشد.

فکر می‌کنم اولین تفاوتی که باید روی آن تأکید کرد، هدف از نقد برنامه‌های توسعه است. این هدف در واقع سنجش میزان کمک برنامه‌های توسعه به انقلاب برای دستیابی به آرمان‌های متعالی خود می‌باشد. بیانات مهم مقام معظم رهبری، در سال ۱۳۹۰، در شهر کرمانشاه^{۱۳}، در خصوص مفهوم مهمی به نام ثبات نظام بوده است. خلاصه فرمایشات ایشان در سخنرانی این بود که آرمان‌های ثابتی وجود دارند. دلیل ثبات این آرمان‌ها نیز متناسب بودن آن‌ها با فطرت بشر است. ایشان در این سخنرانی به وجود سازوکارهای اجتماعی نیز اشاره فرمودند که این سازوکارها و ساختارهای اجتماعی - برنامه‌ریزی‌های برآمده از این ساختارها - در همه کشورها از جمله در ایران در جریان هستند.

پرسیده شد اگر سازوکارها و ساختارهای اداره جامعه نتوانند آرمان‌های تعریف‌شده‌ی انقلاب را محقق کنند چه باید کرد؟ شرح و توضیح آنچه مقام معظم رهبری فرمودند این بود که اگر سازوکارهای اجتماعی توان تحقق آرمان‌های انقلاب را نداشته باشند، برای مثال اگر نتوانند عدالت را محقق کنند، سازوکارها، ساختارها و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی باید تغییر کنند. بنابراین، هر جا تعارضی بین آرمان‌ها و سازوکارهای اجرای آرمان‌ها به وجود آمد، طبیعتاً باید به فکر تغییر دادن و بهینه‌کردن سازوکارها باشیم. با پیمودن چنین مسیری، ضمن تحرک و پویایی، ثبات نظام نیز حفظ می‌شود. به نظر بنده، فلسفه و دلیل اصلی بازخوانی برنامه توسعه در اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی، ثبات نظام است. در واقع هدف این است که بدانیم سازوکارها و برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده، از اول انقلاب تاکنون، چقدر در ثبات نظام و دستیابی به آرمان‌های انقلاب مؤثر بوده‌اند.

نکته دیگر این است که باید در بازخوانی کارآمدی برنامه‌های توسعه، متنوع عمل شود؛ یعنی بررسی و ارزیابی برنامه‌های توسعه کشور باید به شکل‌های مختلف در دستور کار قرار بگیرد. فرض بفرمایید برای مثال می‌توان میزان احکام ناظر به بخش اقتصاد را در این پنج برنامه توسعه از نظر کمی مورد بررسی قرار داد.

۱۳. بیانات امام خامنه‌ای در دیدار دانشجویان کرمانشاه ۱۳۹۰/۰۷/۲۴



بهتر است برنامه‌ها از نظر اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بررسی شوند؛ مثلاً تأثیر این برنامه‌ها در یک دوره خاص بر زندگی مردم مورد بررسی قرار بگیرد. بررسی شود چه چیزی باعث ایجاد حادثه اسلام‌شهر در دوران سازندگی شد؟ یا علت حوادثی که در قزوین، مشهد یا بعضی شهرهای دیگر اتفاق افتاد چه چیزی بود؟

روش دیگر، بررسی مبانی نظری حاکم بر برنامه‌های توسعه است. به عنوان مثال، در برنامه چهارم کشور، جریان نیروهای انقلاب، مبانی برنامه چهارم را مورد انتقادی جدی قرار دادند. قابل دفاع بودن نظام مفاهیم یک برنامه بسیار مهم است؛ زیرا گویای میزان هماهنگی آن با فضای مفهومی انقلاب اسلامی است.

برنامه‌های توسعه در کشور را حتی می‌توان از حیث اجراشدن و نشدن آن‌ها نیز مورد بررسی قرار داد. همان‌طور که می‌دانید یک سری احکام از برنامه اول توسعه به برنامه دوم و همین‌طور به برنامه سوم و چهارم انتقال پیدا کرده است. حتی در برنامه پنجم نیز ردیابی از آن‌ها به چشم می‌خورد.

یکی از مدل‌های نقد می‌تواند بازخوانی تاریخ توسعه در دنیا باشد. حتی می‌توان پا را فراتر از برنامه پنج‌ساله بعد از انقلاب گذاشت و به بررسی تاریخ برنامه‌نویسی در ایران از اول پیدایش تا امروز پرداخت.

به‌هرحال، به نظر بنده، بهتر است ملاک نقد برنامه‌ها از حالت کلی خارج شود؛ زیرا درحال حاضر عده‌ای از نبود تنوع نقد در کشور استفاده می‌کنند و ناکارآمدی برنامه توسعه را به پای انقلاب می‌نویسند. بنده در مقام احصای روش‌های نقد نیستیم، اما لازم می‌دانم اشاره کنم که در نقد برنامه‌های توسعه، دو روش وجود دارد. روش اول، نقد کلی و اجمالی غیرمتنوع است. روش دوم، تنوع در بررسی است. در اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی، شش نوع نقد برای برنامه‌های توسعه تعریف شده است. باید اشاره کنم که البته بیش از این تعداد نیز امکان‌پذیر است. بنده اصراری ندارم که حتماً این مدل‌های نقد مورد پذیرش قطعی واقع بشوند، فقط عرض بنده این است که نقد کلی نشود.

هرچقدر نقد برنامه توسعه مسئله‌محورتر مطرح شود، قدرت "هدایت نظامات ذهنی" مباحث نقدی بیشتر می‌شود. فلسفه الگوی پیشرفت اسلامی نیز "هدایت نظامات ذهنی" و تغییر نگرش‌هاست. نتیجه‌ای که می‌توان گرفت این است که جبهه بزرگ طرفداران انقلاب اسلامی باید پرونده‌ای دائمی را برای نقد برنامه‌های توسعه باز کنند؛ یعنی باید دائماً به این موضوع بپردازند. همان‌طور که می‌دانید ثبات نظام جمهوری اسلامی موضوع بسیار مهمی است که نمی‌توان آن را با دیگر مسائل برابر دانست. اساساً همه فعالیت‌های الگوی پیشرفت اسلامی در راستای ایجاد ثبات بیشتر انقلاب اسلامی است. بنابراین، اگر هدف، حصول اطمینان از حرکت کردن در مسیر ثبات جمهوری اسلامی است، وجود پرونده‌ای دائمی و متنوع نیاز است. این نکته را عرض کردم که تلقی بسته‌شدن بحث ایجاد نشود؛ زیرا به فضل پرودگار وقتی اندکی در دوران "پرورش الگوی پیشرفت اسلامی" ارتقا حاصل شود، پرونده‌ی مسائل توسعه دائماً بازخوانی خواهد شد.

حال می‌خواهیم به نقد برنامه‌های توسعه بپردازیم. در اولین نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی برای ارزیابی منصفانه از برنامه‌های کشور و عملکرد دولت‌هایی که این برنامه‌ها را نوشته‌اند، در گام اول -به صورت تفصیلی‌تر از وضعیت فعلی- خواسته‌ها و آرمان‌های مردم ایران تعریف شده است. دلیل آن نیز این است که در فضای ارزیابی، انقلاب معیار و محک قرار بگیرد.

طبیعی است که اگر معیار و محک نقد برنامه‌های توسعه حالت اجمالی داشته باشد، نقد تفصیلی آن شکل نمی‌گیرد. بنابراین برای نقد منصفانه برنامه‌های توسعه، اقدام "اولین نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی" این بوده است که انقلاب اسلامی به صورت تفصیلی ذیل اصطلاح "جهت حرکت انقلاب اسلامی" معنا شود. در نتیجه واضح بودن اصطلاح "جهت حرکت انقلاب اسلامی"، در فضای نقد دستمان بازتر خواهد بود. بنده بحث‌های اصطلاح "جهت حرکت انقلاب اسلامی" را به‌طور خلاصه عرض می‌کنم. بعد از آن به فضای نقد می‌پردازم.

در قالب اصطلاح "جهت حرکت انقلاب اسلامی" به سه سؤال پاسخ داده شده است. در واقع پاسخ‌دادن به این سه سؤال باعث می‌شود درک بهتری از انقلاب اسلامی در ذهن‌ها ایجاد شود.

سؤال اول این است که جامعه ایران بعد از انقلاب بر اساس چه مبنای فکری اداره خواهد شد؟

در شرح چرایی مطرح شدن این سؤال باید عرض کنم، مشخص است که ایران بعد از انقلاب به دنبال تحقق شاخص‌های هویت اسلامی است. بخشی از این شاخصه‌ها همان‌طور که همه می‌دانند عدالت، احیای نهاد خانواده، حفظ استقلال کشور و نفی سبیل است. بنابراین، آرمان ما، تحقق شاخصه‌های انقلاب اسلامی است. اما انقلاب اسلامی با چه فکری می‌تواند به این آرمان دست پیدا کند؟ آیا با هر برنامه‌ریزی و تفکری می‌توان به این آرمان دست پیدا کرد؟ آیا انقلاب اسلامی برای تحقق آرمان‌های خود فکر خاصی دارد؟

برای درک سؤال اول، بعد از موشکافی آن در پاسخ به این سؤال، سه احتمال بررسی شده است که بنده از شرح آن‌ها خودداری و به اشاره‌ای بسنده می‌کنم.

جواب اول، جواب روشن فکری است. جریان روشن فکری، اداره جامعه‌ی ایران بعد از انقلاب را در اصلاح قرائت دینی^{۱۴} می‌داند. در واقع پایه فکری جریان روشن فکری برای اداره جامعه، "اصلاح قرائت دینی" است. این جریان، برای اسلام با قرائت کنونی، قابلیت اجرایی قائل نیست. مبنای این تغییر قرائت را نیز بر این می‌داند که هرگاه بین مفاهیم اسلامی و مفاهیم مدرن تعارضی ایجاد شد، درک اسلامی به نفع درک مدرن اصلاح شود. مشهورترین موقعیت اجرایی این بحث در حدود و تعزیرات است. دلیل آنها نیز منافات اجرای حدود و تعزیرات با فرهنگ حقوق بشر امروز می‌باشد!

بنده از این بحث با پرسیدن سؤالی از جریان روشن فکری می‌گذرم. جریان روشن فکری معتقد به اصلاح قرائت دینی است و بسیاری از افراد آن نیز ادعای دین‌داری می‌کنند. با توجه به اینکه همه می‌دانیم، درون روایات دست‌بردن، کم و زیاد کردن در دین، انقباض و انبساط در دین و شریعت، مصداق بدعت شمرده شده است و شخصی که این کار را می‌کند به شدت حقیر و خوار شمرده می‌شود؛ این جریان، اگر واقعاً در دین‌داری خود صداقت دارند، پاسخ دهند، با مجموعه‌ی روایات در باب بدعت چه کنیم؟

برای مثال، در نهج البلاغه، در روایتی امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «إِنَّمَا بَدَأُ وَوُقُوعَ الْفِتَنِ أَهْوَاءُ تُتَّبَعُ وَ أَحْكَامُ تُبْتَدَعُ...»^{۱۵} احکامی که بدعت گذاشته می‌شود در کنار اهوائی که تبعیت می‌شود، دو عامل ایجاد فتنه در جامعه هستند. بنابراین امیرالمؤمنین علیه السلام ریشه‌ی ایجاد فتنه را بدعت می‌دانند.

در روایت دیگری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است، «مَنْ أَهَانَ صَاحِبَ بَدْعَةٍ أَمَّنَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ»^{۱۶} به این معنی که (هرکس به بدعت‌گذاری اهانت کند، خدا روز وحشت بزرگ او را ایمن دارد). بنابراین پاسخ جریان روشنفکری به این سؤال، بسیاری از مسائل پیش‌آمده را برطرف می‌کند.

جریان دیگر، جریان فهم سنتی از اسلام است. جریان فهم سنتی از اسلام برای "تحقق شاخصه‌های هویت اسلامی" از ما می‌خواهد تبلیغ اسلامی را با افزایش کمیت و کیفیت آن در دستور کار قرار دهیم. واضح است که خواسته این جریان کاملاً مخالف خواسته جریان روشن فکری است؛ زیرا این جریان برای فهم فعلی از اسلام، قابلیت اجرایی شدن قائل شده است، اما راه اجرای آن را "تبلیغ هویت اسلامی" می‌داند.

۱۴. معتقدم که دین برای آن که بماند نباید آن را محصور در یک برداشت خاصی کرد. طبع بشر چنین است که اگر دین یا هر نهاد دیگری را وافی به مقصود نیافت یا آن را کنار گذارد و یا برداشت تازه از آن خواهد داشت و این امری است که در تاریخ رخ داده و باز هم رخ خواهد داد.

محمد خاتمی، صبح امروز، ۲۸/۹/۲۱

۱۵. خطبه ۵۰ نهج البلاغه

۱۶. نهج الفصاحه



ضمن احترامی که برای جریان فهم سنتی از اسلام، به دلیل اعتقاد آن‌ها به کارآمدی اسلام در عصر حاضر، قائل هستیم، سؤالی نیز از این جریان می‌پرسم. اگر فقط به تبلیغ هویت اسلامی اکتفا شود، چگونه با مردمی که زندگی، وقت، ذهن و دوران تربیت آن‌ها - به وسیله ساختارهای مدرن - اشغال شده است و به تعبیر قرآن «و يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ...»^{۱۷} غل و زنجیر به پیشان است یا در واقع گرفتاری و مشغله دارند، می‌توان ارتباط تبلیغی برقرار کرد؟

شاید جریان فهم سنتی از اسلام برای تبلیغ اسلام آماده باشد، اما در دوره شکل‌گیری شخصیت که مهم‌ترین دوران حیات انسان است، افراد گرفتار مدرسه‌رفتن هستند. بنابراین، سن تربیت اشغال شده است. فرد مجبور است دروسی را بخواند که شاید در آینده، با استفاده از آن‌ها، بتوانند نقشی در جامعه اجتماعی ایفا کنند. بنابراین، فرصتی ندارد که به امورات مهم دینی و مطالعاتی درباره افق زندگی خود بپردازند. بعد از فارغ‌التحصیلی نیز دچار پدیده زشت مصرف‌گرایی می‌شوند. توجه داشته باشید که مصرف‌گرایی ذائقه را تغییر می‌دهد. با تغییر ذائقه، تأمل و تفکر انسان به سمت دنیا متمایل می‌شود و فقط به روش‌های کسب درآمد و مسائلی از این قبیل می‌اندیشد. این از عوارض مصرف‌گرایی است. عرض بنده این است که تبلیغ کردن روش بدی نیست، اما صرفاً به تبلیغ اکتفا کردن، کار صحیحی نیست.

جریان دیگری نیز در کشور وجود دارد که با نام جریان اسلام ناب شناخته می‌شود. نقطه اشتراک بسیار مهمی بین جریان اسلام ناب و جریان فهم سنتی از اسلام وجود دارد. هر دو جریان معتقد هستند که برطرف شدن مشکلات مردم در گرو تحقق شاخصه‌ی هویت اسلامی است. با این حال، جریان اسلام ناب، در روش تحقق اسلام، با جریان فهم سنتی از اسلام اختلاف نظر دارد.

دلیل اختلاف نظر نیز بر سر سؤالی است که برای جریان اسلام ناب مطرح شد. در دوران مدرن، برنامه‌ریزی جامعه و نظامات اجتماعی، سن تربیت و بقیه سنین دوران زندگی افراد را اشغال کرده است. به همین دلیل باید فعالیت‌هایی در زمینه‌ی آزادسازی ظرفیت‌های افراد در دستور کار قرار بگیرد تا این‌گونه، ابتدا، کشش و علاقه فرد نسبت به مسائل دینی ارتقا پیدا کند، بعد از آن، تبلیغ در این ظرفیت آماده شده ضرب شود. بنابراین، جریان اسلام ناب معتقد است به دلیل اینکه نظامات اجتماعی کاملاً اسلامی نشده‌اند و تقریباً نظامات مدرن غالب هستند، بخشی از جامعه‌ی ایران درحال حاضر زیر نظر برنامه‌ریزی مدرن اداره می‌شود که در واقع این نظامات مدرن به مثابه غل و زنجیری به پای مسلمانان هستند.

جریان اسلام ناب خواستار تغییر سازوکارهای اجتماعی به‌گونه‌ای است که وقت برای تبلیغ هویت اسلامی بیشتر شود. با تغییر سازوکارها می‌توان سرفصل‌های جدیدی مثل معاد، آخرت و خانواده را به متون درسی آموزشی اضافه کرد و تحولی بنیادین را در نظام آموزش و پرورش ایجاد نمود. با اضافه شدن هر کدام از این سرفصل‌ها افق زندگی افراد تغییر خواهد کرد.

بنابراین شرایط باید به‌گونه‌ای باشد که وقت فرد با برنامه‌ریزی‌های نظامات مدرن اشغال نشود. به مجموعه کارهای تبلیغی و غیرتبلیغی که شرایط را آماده می‌کند تا در درون فرد حالت انصات و استماع نسبت به تبلیغ ارتقا پیدا کند، نظام‌سازی اسلامی گفته می‌شود. مفهوم نظام‌سازی اسلامی به صورت تفصیلی در نظریه پردازش موضوعات جهت‌ساز شرح داده شده است.

با این توضیحات مشخص شد که اساساً جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب با انتخاب یکی از این سه احتمال اداره خواهد شد. به نظر بنده، دلیل اصلی مطرح کردن صریح و تفصیلی دیدگاه‌های جریان‌های دیگر این است که با مقایسه‌ی پیشنهادهای جریان‌های مختلف با یکدیگر، برتری تفکر انقلاب نسبت به سایر تفکرها کاملاً آشکار می‌شود. پیشنهاد نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی برای اداره‌ی جامعه، بسط تفکر نظام‌سازی اسلامی است که اجمالاً درباره‌ی آن توضیح داده شد.

با توضیحاتی که عرض شد، فضا برای نقد نظری برنامه‌های توسعه آماده است. توجه بفرمایید که اگر به این باور رسیدیم که باید به دنبال نظام‌سازی اسلامی باشیم، باید مشخص کنیم که مجموعه مواد برنامه‌های توسعه، چقدر در راستای نظام‌سازی انقلاب اسلامی هستند؟

۱۷. بخشی از آیه شریفه ۱۵۷ از سوره مبارکه اعراف

اجازه دهید واضح‌تر بیان کنم. به اسم کوچک‌سازی و چابک‌سازی دولت، در دوران اصلاحات، نهاد جهاد سازندگی قربانی شد. وظیفه این نهاد رسیدگی ویژه به امور مستضعفین و فقرا بود. می‌دانید که یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های هویت اسلامی، رسیدگی ویژه به امور مستضعفین و تلاش برای فقرزدایی از جامعه است. در واقع جهاد سازندگی بخشی از نظام‌سازی حضرت امام تقدس بوده است که با هدف بررسی ویژه به امور مستضعفین ایجاد شده بود.

در مراحل پنجگانه‌ای که برای تحقق آرمان‌های انقلاب تعریف شده است -مراحل انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و امت اسلامی- مرحله دولت اسلامی، مرحله‌ای است که می‌خواهیم در خانه‌های خالی نظام اجتماعی و سیاسی مورد تعریف حضرت امام تقدس، نظام‌سازی اسلامی انجام دهیم. ذکر این نکته لازم است که حضرت امام تقدس حدود ده مورد نظام‌سازی اسلامی انجام داده‌اند که ما در مرحله دولت اسلامی، نظام‌سازی اسلامی را بسط می‌دهیم. متأسفانه برنامه‌های توسعه‌ای ما نه تنها نظام‌سازی اسلامی را بسط نداده‌اند، بلکه به نظر بنده حتی با اجرایی شدن برخی از احکام خطرناکی که در آن‌ها وجود دارد ممکن است نظام‌سازی اسلامی حضرت امام تقدس نیز به چالش کشیده شود.

مطلع هستید که تفاوت بین مرحله دوم و سوم انقلاب یعنی مرحله نظام اسلامی و مرحله دولت اسلامی در اجمال و تفصیل آن‌هاست. از آنجا که مبنای تفکر اداره جامعه، نظام‌سازی اسلامی دانسته می‌شود، در مرحله نظام اسلامی، در چند بخش، نظام‌سازی انجام شده است و در مرحله دولت اسلامی، خانه‌های خالی، نظام‌سازی اسلامی می‌شوند، مثل خانه اقتصاد، آموزش و پرورش و دستگاه آمارگیری کشور. به نظر بنده، دستگاه آمارگیری جزء خانه‌هایی است که باید در آن نظام‌سازی اسلامی صورت بگیرد. در واقع مدل آمارگیری کشور باید فرهنگ‌محور شود و فضای دیگری باید در آن اصل قرار گیرد که در جلسات مجزا به تشریح آن خواهیم پرداخت.

برنامه‌های توسعه‌ی کشور باید نظام‌سازی اسلامی را به صورت تفصیلی تئوریزه کنند که اساساً شاهد چنین چیزی در برنامه‌های توسعه نیستیم. نویسندگان توسعه‌گرا و تدوین‌کنندگان برنامه‌های توسعه اصلاً درکی از نظام‌سازی اسلامی ندارند و صرفاً تعمیم‌دهنده‌ی نظامات مدرن در کشور هستند. در حوزه نظری، مهم‌ترین نقد همین است که عرض کردم. برنامه‌های توسعه‌ی کشور اصلاً با مبنای نظام‌سازی اسلامی انقلاب هم‌سویی ندارند. بنده برای نمونه نیز جهادسازندگی را مثال زدم، البته نمونه‌های دیگری نیز وجود دارد.

فرمودید هدف از نقد برنامه‌های توسعه، بررسی نسبتی است که با آرمان‌های انقلاب دارند. با بررسی وجوه فرهنگی و اجتماعی برنامه چهارم توسعه و مبانی نظری آن بفرمایید که این برنامه و مبانی نظری آن چه نسبتی با آرمان‌های انقلاب داشته است؟ مبانی نظری و مستندات در نظر گرفته شده برای برنامه چهارم توسعه چه نسبتی با آرمان‌های انقلاب و اندیشه‌های امام خمینی تقدس برقرار کرده است؟

در ادامه‌ی بحث قبلی، می‌توان گفت که در برنامه چهارم، نظام‌سازی اسلامی تعمیم پیدا نکرده است. برنامه چهارم دو بخش دارد؛ بخش قوانین و بخش مبانی نظری. بحث مبانی نظری برنامه چهارم سروصدای زیادی ایجاد کرد. ناگفته نماند که بین مبانی نظری برنامه چهارم و قانون برنامه چهارم نیز شکافی تئوریک وجود دارد. به هر حال، در مبانی نظری برنامه چهارم، سه استراتژی برای برنامه نظام پیشنهاد شده بود. در هر سه، یک اصل مشترک وجود داشت و آن این بود که ایران برای توسعه و پیشرفت باید تقسیم کار جهانی را بپذیرد. از این تقسیم کار نیز سه نوع تحلیل شده بود.

آنچه در این بحث حائز اهمیت است این است که فضای بخش مبانی نظری، نظامی را حاکم بر دنیا می‌داند که معتقد به توسعه و مدرنیته است و در مجموع نظامات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن نیز نظامی را در دنیا ایجاد کرده است.

پذیرفتن تقسیم کار جهانی یعنی دست‌شستن از آرمان‌ها و مبانی فکری کشور که همان نظام‌سازی اسلامی است. برای مثال ساختار نظامات حاکم بر دنیا براساس نظامات اقتصادی شکل گرفته است. در ضمن عملکرد فرهنگ‌ها، رسانه‌ها، مدیران و حکمرانان نیز در راستای پشتیبانی از بخش اقتصاد است. ساختارهای بین‌المللی عموماً لجستیک بخش اقتصاد و تولید جامعه‌ی



خود هستند. بنابراین نظامات مدرن نظمی را در دنیا ایجاد کرده‌اند که اقتصادمحور است. فرض کنید در ساختار سیاسی حق و توجیه وجود دارد. در ساختار اقتصادی سامانه سوئیفت وجود دارد که اگر تدبیر نکنید و ارز واسط خود را روی دلار تثبیت کنید، این سامانه خدماتی به شما ارائه نمی‌دهد. این باعث می‌شود که در تبادلات مالی به بن‌بست برسید. تحریم‌های فعلی کشور نیز نتیجه‌ی چنین چیزی است. این نظم حاکم، در بخش فرهنگ نیز امپراتوری رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی را در دست دارد. اینترنت و مجموعه‌ی متغیرها در فضای مجازی - که ترجمه‌ی واژه سایبر است - برای ایجاد انحراف و به دست گرفتن کنترل ذهن بشر است. اساساً طراحی فضای سایبری برای کنترل بخش فرهنگ و کنترل فضای ذهن بشر بوده است. وقتی روزانه یکی از خبرگزاری‌های آمریکایی حجم بسیاری خبر تولید می‌کند و به طرق مختلف جلوی چشم مخاطبان خود قرار می‌دهد، در واقع با این کار قدرت تفکر را از مخاطب خود می‌گیرد. این معادله‌ای منطقی است که هر چه حجم داده‌ها به ذهن بیشتر باشد، قدرت پردازش و تأمل روی آن داده‌ها کمتر می‌شود. آنچه گفته شد مظهر سلطه نظامات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. بنابراین پذیرفتن تقسیم کار جهانی در واقع پذیرفتن نداشتن استقلال در نظامات ذکر شده است.

خلاصه اینکه چون ماهیت نظامات موجود دنیا ایجاد سلطه است، پیشنهاد پذیرفتن تقسیم کار جهانی در برنامه چهارم به معنای تعمیم نظام سلطه در ایران بوده است، البته به فضل الهی این برنامه اجرایی نشد. بنابراین می‌توان گفت که تدوین‌کنندگان برنامه چهارم علاوه بر اینکه نظام‌سازی اسلامی را درک نکرده بودند، ماهیت نظامات مدرن را نیز که ایجاد نظام سلطه بوده درک نکرده بودند. در نتیجه، این مهم‌ترین ایرادی است که به مبانی نظری برنامه چهارم و خود برنامه چهارم وارد بوده است. باید اشاره کنم که این ایراد به هر سه استراتژی برنامه چهارم وارد است.

چرا این مبانی نظری مورد توجه قرار گرفت؟ به عبارت دیگر، دلیل تدوین این برنامه که تا این حد از آرمان‌های انقلاب اسلامی فاصله داشته است، چه بود؟

به نظر بنده مقصر نیروهای انقلاب هستند. وقتی راجع به انقلاب اسلامی، مبنای انقلاب اسلامی، مفهوم نظام‌سازی اسلامی و بحث الگوی پیشرفت اسلامی کار گفتمانی گسترده‌ای انجام نمی‌شود، امکان تعمیم این موضوع ایجاد می‌شود. مقام معظم رهبری قبلاً فرموده بودند که آن قدر به قوت مبانی انقلاب اسلامی اعتقاد دارند که حتی حاضر هستند جلسات نقد مبانی مسلم انقلاب را نیز بپذیرند. به نظر ایشان می‌توان در جلساتی که مبانی مسلم انقلاب به درستی نقد علمی می‌شوند، ورود پیدا کرد. شاید در آن زمان، این صحبت‌ها نوعی شعار تلقی می‌شد، اما امروز، در دوران نرمش قهرمانانه، شاهد هستیم که ایشان با صداقت این صحبت‌ها را بیان فرموده بودند. یکی از مسلم‌ترین مبانی انقلاب، مبارزه با استکبار است. درحالی‌که ایشان در دولت یازدهم به "ایده‌ی سیاست خارجی توسعه‌گرا" اجازه‌ی عملیاتی شدن داده‌اند. از روز اول نیز با اطمینان فرمودند که به این مذاکرات بدبین هستند و این مذاکرات به نتیجه نمی‌رسد. در واقع ایشان در مرحله عمل اجازه دادند سیاست خارجی جمهوری اسلامی نقد شود. توجه داشته باشید که این بهترین نوع نقد است؛ یعنی ایشان پذیرفتند که در صورت محقق شدن آن ایده، تفکر حضرت امام تسلی و انقلاب باید اصلاح شود. بعد از هجده ماه مذاکره، اثبات شد که بدبینی ایشان به‌جا بوده است و آمریکا قابل اعتماد نیست.

اخلاق مقام معظم رهبری این‌گونه است. ایشان حتی برای مسلمات انقلاب نیز اجازه مقایسه می‌دهند. این مقایسه می‌تواند مقایسه‌ای عملی مثل همین تدبیر حکمیانه و نرمش قهرمانانه باشد. این روش باعث شده است که امروز در سطح دنیا نیز این تفکر ایجاد شود که آمریکا قابل اعتماد نیست. این همان روحیه‌ای است که جبهه‌ی نیروهای انقلاب به آن نیاز دارد. بنابراین، وقتی در نقشه راه نظام، روی مفاهیم اثباتی و تحلیلی انقلاب، بین فکر انقلاب و فکری که ادعای کارآمدی می‌کند، مقایسه‌ای جدی انجام نمی‌شود، باید این انتظار را داشت که این توهم برای جریان توسعه‌گرا ایجاد شود که کارآمد است. باید دوستان انقلابی را برای این توهم ایجادشده مقصر دانست که چرا بین تفکرات انقلابی و تفکرات توسعه‌گرا نظام مقایسه ایجاد نمی‌کنند؟ با کلی‌گویی درباره انقلاب، شکل‌گیری برنامه‌هایی مثل برنامه‌های توسعه غیرقابل اجتناب است.



تصور نکنید که امثال برنامه چهارم تکرار نمی‌شود. به نظر بنده، برنامه ششم با دیدگاه نهادگرایی به اندازه برنامه چهارم یا حتی بیشتر از آن، از تفکرات انقلاب فاصله دارد. در واقع با اجرای برنامه ششم به آرمان عدالت، احیای نهاد خانواده و استقلال کشور نزدیک‌تر خواهیم شد. با اینکه دوستان انقلابی یک بار شاهد غلط نوشته شدن برنامه‌ها بوده‌اند، اما هنوز عزم جزم نکرده‌اند تا همان‌گونه که توافق‌نامه ژنو را نقد می‌کنند، دیدگاه نهادگرایی حاکم بر تدوین برنامه ششم را نیز نقد کنند.

مطلبی که می‌فرمایید یعنی کم‌کاری صورت گرفته از طرف نیروهای انقلاب درست است. اما می‌خواهیم بدانیم به نظرتان اهداف ایجابی جریان توسعه‌گرا از نوشتن این برنامه‌ها چه بوده است؟ به دنبال چه بوده‌اند که مبانی آن‌ها با مبانی انقلاب فاصله گرفته است؟

جریان توسعه‌گرا، از اول انقلاب تاکنون، آرمان خود را کشورهای توسعه‌یافته تعریف کرده است. کشورهای گروه هشت را کشورهای کارآمدی می‌داند. طبیعی است که وقتی در ذهن جریان توسعه‌گرا تعریف خاصی از کارآمدی وجود دارد، سعی می‌کنند کشور را نیز به همان سمت سوق بدهد. به هر حال، این نیز یکی از آفات بی‌برنامه‌بودن نیروهای انقلاب برای مقابله با ترجمه‌گرایی در کشور است. وقتی در کشور همان مفاهیم توسعه تدریس می‌شود، نوع خاصی از کارآمدی به معنای مصرفی کردن جامعه و بقیه شاخصه‌ها در ذهن‌ها شکل می‌گیرد. با صراحت عرض می‌کنم، مشکل امروز کشور بیش از آنکه سیاسی باشد، فکری است. بنده چندان موافق نیستم که برای تحلیل برنامه‌ای در فضای کشور به دنبال خوانش انگیزه‌های سیاسی آن بگردیم؛ زیرا واقعاً مشکل فکری وجود دارد. بسیاری از کارشناسان توسعه‌گرای کشور هنوز مفهوم نظام‌سازی اسلامی را درک نکرده‌اند. دلیل آن نیز این است که راجع به نظام‌سازی اسلامی کار تفصیلی انجام نشده است.

پیشنهاد بنده این است که از حوادث سیاسی، خوانشی فکری و تحلیلی داشته باشیم تا اینکه از برنامه‌های توسعه‌ای و کارهایی که فکری بوده‌اند خوانشی سیاسی داشته باشیم. به نظر می‌رسد با این روش دستیابی به آرمان‌های انقلاب راحت‌تر شود.

نظرات و انتقادات شما درباره مصادیق اجرایی و کارکردی‌تر مبانی نظری برنامه چهارم و خود برنامه چهارم مخصوصاً در حوزه فرهنگی و اجتماعی چیست؟

غیر از بحث مبانی نظری، سنگ بنایی تحت‌عنوان "بهبود مستمر فضای کسب‌وکار" در برنامه چهارم گذاشته شد که البته موضوع جدیدی نبود، اما در برنامه چهارم بسیار جدی مطرح شد. همین موضوع در برنامه پنجم به صد و هشت حکم اقتصادی تبدیل شد. در حال حاضر نیز با مطرح شدن بحث اقتصاد مقاومتی باز نظریه بهبود مستمر فضای کسب‌وکار، نظریه غالب است. نظریه بهبود مستمر فضای کسب‌وکار دو دسته عامل را بر بنگاه‌های تولیدی مؤثر می‌داند. دسته اول، عواملی هستند که در اختیار صاحب بنگاه است. دسته دوم، عواملی هستند که بر تولید تأثیرگذار هستند، اما در اختیار صاحب بنگاه نیستند. بنابراین برای اینکه بنگاه‌های تولیدی و بخش‌های اقتصادی در کشور راه‌اندازی شوند باید عوامل بیرونی مؤثر بر بنگاه‌های تولیدی را بهبود بخشید. برای مثال گفته می‌شود ایجاد یک بنگاه تولیدی با توجه به قوانین کشور زمان‌بر است. گاهی اوقات شش ماه زمان لازم است تا یک بنگاه تولیدی راه‌اندازی شود یا حتی مجوز بگیرد. بنابراین خواستار اصلاح قوانین هستند؛ زیرا حتی اگر سرمایه‌گذار نیز بخواهد بنگاهی ایجاد کند قانون کشور را نمی‌تواند تغییر دهد. بنابراین حکومت وظیفه دارد عوامل بیرونی مؤثر بر کسب‌وکار را بهبود ببخشد.

تعارض از اینجا مشخص می‌شود که فضای کسب‌وکاری که به آن اشاره می‌شود در واقع شامل همه مسائل جامعه می‌شود. برای مثال قوانین جامعه، حمایت قضایی، تحول در نظام آموزشی برای کارآفرین بار آوردن کودکان و سیاست خارجی برای جذب سرمایه‌گذار و بازار مصرف بیشتر، همه بخشی از فضای کسب‌وکار محسوب می‌شوند.

معنای این نظریه این است که باید همه‌چیز در خدمت بخش اقتصاد قرار گیرد. برای بهبود تولید باید فضای حاکم بر کسب‌وکار بهبود یابد و بهبود فضای کسب‌وکار همه مسائل جامعه را در بر می‌گیرد. مشخص است که اقتصاد هدف قرار گرفته است و



همه بخش‌های جامعه در خدمت بخش اقتصاد هستند. این خلاف قانون اساسی است؛ زیرا اقتصاد در قانون اساسی وسیله است نه هدف.

شاید مسائل اقتصادی برطرف‌شدنی نباشند، اما وقتی درباره اقتصاد مقاومتی بحث نمی‌شود، در نتیجه، در نهادهای نظام، نظریه بهبود فضای کسب‌وکار با عنوان نظریه اقتصاد مقاومتی پیشنهاد می‌شود. بررسی نظریه سیاست خارجی توسعه‌گرا که امروز مبنای دیپلماسی کشور است بیان‌کننده این مطلب است که محیط بین‌الملل آثار فراوانی بر توسعه یک کشور دارد. بنابراین کشور بدون کنترل محیط بین‌الملل توسعه پیدا نمی‌کند.

بخش اقتصاد جامعه، باعث به چالش کشیده شدن شعار تفکر استکبارستیزی و تفکر مرگ بر آمریکا می‌شود. درست است که نمی‌توانیم به بهانه بهبود فضای کسب‌وکار همه بخش‌های جامعه را در خدمت بخش اقتصاد قرار دهیم، اما چگونه باید مشکلات اقتصادی را برطرف کنیم؟

در اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی مطرح شده است که در طول یک یا دو برنامه‌ی میان‌مدت، بخش عمده‌ای از سبد نیازهای خانوارها را می‌توان با سرمایه‌ی بخش وقف تأمین کرد. این موضوع در "نظریه بنگاه‌های وقف‌محور" شرح داده شده است.

بنابراین یکی از اتفاقات برنامه چهارم، همین بحث استفاده و تعمیم نظریه بهبود مستمر فضای حاکم بر کسب‌وکار است. در برنامه پنجم، ذیل نظریه بهبود مستمر فضای حاکم بر کسب‌وکار، صد و هشت ماده‌ی اقتصاد آمده است. این در حالی است که کل برنامه پنجم، دویست و سی و پنج ماده است. در واقع این نظریه نیمی از تخصیص‌های برنامه پنجم را به خود اختصاص داده است.

پس از نظر شما یکی از ایرادات وارد بر برنامه چهارم این است که اقتصاد به عنوان مبنا و فرهنگ و مسائل زیربنایی‌تر دیگر ذیل اقتصاد قرار گرفته است.

بله، همین‌طور است؛ یعنی عملاً با اینکه قانون اساسی اقتصاد را وسیله معرفی کرده است، با مطرح شده این نظریه حالتی ایجاد شده است که شاهد آن هستید.

سیاست‌گذاری و آینده‌ترسیمی حضرت امام ره برای کشور چه بوده است؟ و با آینده‌ای که برنامه چهارم توسعه و مبانی نظری آن به تصویر کشیده‌اند چه تفاوتی دارد؟

همان‌طور که در ابتدا عرض کردم حضرت امام ره خواستار تحقق شاخص‌های هویت اسلامی بودند. بنابراین هدف ایشان از هدف جریان توسعه‌گرا متفاوت بوده است. فکر اصلی حضرت امام ره برای تحقق شاخصه‌های هویت اسلامی، دیدگاه نظام‌سازی اسلامی بوده است. بنابراین راه ایشان نیز از راه جریان فهم سنتی از اسلام متفاوت بوده است.

به نظر بنده، راه اصلاح برنامه‌ریزی کشور، براساس گفتمان حضرت امام ره و انقلاب، تبیین تفصیلی مفهوم نظام‌سازی اسلامی و ترجمه‌ی این مفهوم برای بخش‌های مختلف است. برای مثال، درحال حاضر، نظام‌سازی در بخش اقتصاد با تفکر بهبود مستمر فضای حاکم بر کسب‌وکار صورت می‌گیرد. بنگاه‌های وقف‌محور نیز ترجمه‌ای از مفهوم نظام‌سازی اسلامی حضرت امام ره برای بخش اقتصاد است.

در اولین نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی، هشتاد و یک لازمه‌ی این نظام‌سازی اسلامی شرح داده شده است. این امر نشان‌دهنده‌ی این است که حداقل یک قدم در راه تفصیلی شدن مفهوم نظام‌سازی اسلامی برداشته شده است.

چه نسبتی بین مبانی نظری نوشته‌شده برای برنامه چهارم با ضروریاتی که فرمودید برقرار می‌شود؟

مبانی نظری در برنامه چهارم خواستار توسعه مدرنیته در ایران بوده است. درحالی‌که مطالبه اولین نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی، فرایند اسلامی‌شدن برنامه‌ها در ایران است. این دو مسیر کاملاً متفاوت هستند. علت این اختلاف‌فکری به‌وجودآمده

نیز غفلت دوستان انقلابی بوده است. بنده بسیار نگران هستم؛ زیرا با اینکه حدود نُه سال از سفارش به بحث الگوی پیشرفت اسلامی مقام معظم رهبری می‌گذرد، هنوز دوستان انقلابی از اقدام در این زمینه غفلت می‌کنند. به نظر بنده، وقتی گفتمان الگوی پیشرفت اسلامی جدی گرفته نشود، بحث نظام‌سازی اسلامی در اجمال است. بنده دوباره تأکید می‌کنم که غفلت ما از الگوی پیشرفت اسلامی باعث می‌شود تا مبانی نظری برنامه چهارم و امثال آن شکل بگیرد. اکنون نیز باید روی برنامه ششم تمرکز شود. همان‌طور که می‌دانید دولت محترم به صراحت اعلام کرده است که می‌خواهد برنامه ششم را با دیدگاه نهادگرایی ببندد. دیدگاه نهادگرایی، یکی از مکاتب مشهور و شناخته‌شده‌ی توسعه است. بنابراین، بررسی این موضوع باید سریعاً در دستور کار قرار بگیرد. به نظر بنده، هرچه زودتر باید جلوی تدوین برنامه ششم با دیدگاه نهادگرایی گرفته شود.



۹. گفتگوی حجت‌الاسلام کشوری با اندیشکده برهان: تبیین بزرگترین فرصت پیشروی الگوی پیشرفت اسلامی / کلی‌گویی درباره

الگوی پیشرفت اسلامی، ریشه یکسان‌انکاری توسعه غربی با پیشرفت اسلامی است

دوشنبه، ۸ تیر ۱۳۹۴

بسم الله الرحمن الرحيم

برای شروع گفت‌وگو بفرمایید تعریف شما از الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت چیست؟

بسم الله الرحمن الرحيم برای فهمیدن موضوع الگوی پیشرفت اسلامی باید انقلاب اسلامی را درک کرد. به نظر من، فهم "اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی" و فهم الگوی پیشرفت، بر پایه‌ی فهم انقلاب اسلامی امکان دارد. اگر برای سؤال "انقلاب اسلامی به دنبال چیست؟" پاسخ واضحی بیایم، یا به عبارت دیگر پاسخ واضح انقلاب در این مورد را بازخوانی کنیم، زمینه تبیین الگوی پیشرفت اسلامی در ذهن‌ها آماده می‌شود.

از ابتدای ایجاد انقلاب اسلامی، رهبران انقلاب هدف انقلاب را "تحقق شاخص‌های هویت اسلامی" معرفی کرده‌اند. برخی مصادیق شاخص‌های هویت اسلامی کاملاً واضح است و نیازی به توضیح ندارد. انقلاب اسلامی اعلام کرد به دنبال تحقق عدالت است. یکی از شاخص‌های مهم هویت اسلامی موضوع عدالت است. هیچ‌گاه نمی‌توان ادعای اسلامی بودن کرد، اما نسبت به شاخص عدالت بی‌توجه بود. اسلام بدون عدالت، اسلامی انحرافی و التقاطی است.

از شاخص‌های دیگر هویت اسلامی، احیای نهاد خانواده است. اگر مفاهیم و هویت اسلامی را تصور کنید، متوجه برجسته‌بودن جایگاه نهاد خانواده در آن خواهید شد. همان‌طور که نمی‌توان اسلام را بدون عدالت تصور کرد، اسلام بدون نهاد خانواده نیز امکان‌پذیر نیست. بنابراین، انقلاب اسلامی از ابتدا به دنبال "تحقق شاخص‌های هویت اسلامی" بوده است. البته به نظر من، صحبت اجمالی درباره شاخص‌های هویت اسلامی باید به صحبت‌های تفصیلی در این باره تبدیل شود؛ یعنی باید راجع به شاخص‌های اسلامی واضح‌تر صحبت شود. با اینکه هنوز بحث تفصیلی شاخص‌های هویت اسلامی در دستور کار قرار نگرفته است؛ برای همه قابل فهم است که انقلاب به دنبال چیست. انقلاب اسلامی به دنبال تحقق شاخص‌های هویت اسلامی است. با این مقدمه کوتاه می‌توان به تبیین الگوی پیشرفت اسلامی نیز پرداخت. الگوی پیشرفت اسلامی درباره‌ی روش تحقق شاخص‌های هویت اسلامی بحث می‌کند. وقتی سخن از چگونگی محقق کردن شاخص‌های هویت اسلامی می‌شود؛ بحث از چستی این شاخص‌ها عبور کرده است و وارد مرحله‌ی برنامه‌ریزی می‌شود. وقتی برنامه‌ریزی برای تحقق شاخص‌های هویت اسلامی، موضوع باشد؛ الگوی پیشرفت اسلامی جایگاه خود را پیدا می‌کند.

با این توضیح مختصر، دلیل مخالفت انقلاب با توسعه‌ی غربی و دلیل اصلی ناکارآمد دانستن توسعه‌ی غربی نیز واضح می‌شود. مجموعه قواعدی که در برنامه‌ریزی مدرن براساس ادبیات توسعه در حال انجام است، زمینه تحقق شاخص‌های هویت اسلامی را فراهم نمی‌آورد. توسعه به دنبال "تحقق شاخص‌های wdi" (شاخص‌های جهانی توسعه) است. بنابراین از آنجا که شاخص‌های هویت اسلامی برای انقلاب موضوعیت دارد؛ با روش‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی که به دنبال تحقق این شاخص‌ها نیست مخالفت می‌کنیم و آن‌ها را ناکارآمد می‌دانیم.

به عبارت دیگر اگر "تحقق شاخص‌های هویت اسلامی" را قله‌ی مطلوب انقلاب بدانیم و "تحقق شاخص‌های wdi" (شاخص‌های جهانی توسعه) را نیز قله‌ی تعریف‌شده‌ی دنیای مدرن؛ با نپذیرفتن قله‌ی مدرن، ناگزیر به نپذیرفتن برنامه‌ریزی مدرن هم هستیم.

همان‌طور که وعده دادم، با بازخوانی تعریف انقلاب اسلامی علاوه بر وضوح اجمالی مفهوم الگوی پیشرفت اسلامی؛ علت مخالفت انقلاب اسلامی با توسعه‌ی غربی هم مشخص شد.

فکر می‌کنم همان‌طور که فرمودید پرداختن تفصیلی به شاخص‌های هویت اسلامی، جزء اولین چالش‌هایی باشد که الگوی اسلامی با آن مواجه است. انجام این کار برعهده‌ی چه نهادها یا مجموعه‌ی اجتماعی است؟ و روند آن، تا امروز، به چه مرحله‌ای رسیده است؟

مجموعه‌ای که بنده از اعضای آن هستم (شورای راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت) برای تحقق شاخص‌های هویت اسلامی؛ تحقق ۸۱ موضوع را لازم شمرده است. یکی از این موضوعات تبیین تفصیلی شاخص‌های هویت اسلامی است. باید بتوانیم هم تفصیلی هم محاسبه‌پذیر از شاخص‌های هویت اسلامی بحث کنیم. دقت بفرمایید بنده از تعبیر محاسبه استفاده کردم نه تعبیر کمی‌شدن. محاسبه اعم از کمی‌شدن است، اما درکل، بحث این است که اگر قرار باشد شاخص‌های هویت اسلامی محقق شود، علاوه بر اینکه بحث از این شاخص‌ها باید تفصیلی‌تر از وضعیت فعلی باشد، باید بحث‌ها نظری صرف هم نباشد؛ بلکه باید محاسبه‌پذیر بحث کنیم. در بررسی‌های انجام‌شده ما در قم درمورد این موضوع، ما از سه بسته شاخص صحبت کرده‌ایم. در قالب "بسته‌ی شاخص‌های رشد"، "بسته‌ی شاخص‌های رفق" و "بسته شاخص‌های توازن" سعی کرده‌ایم شاخص‌های هویت اسلامی را -به نحو تفصیلی- تبیین کنیم.

براساس این شاخصه‌ها دقیق‌تر از وضعیت فعلی می‌توان پیشرفت کشور را ارزیابی کرد. همان‌طور که عرض شد در اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی، به تحقق نظامی از موضوعات نیاز داریم؛ که تبیین تفصیلی شاخص‌های ارزیابی جامعه با نگاه اسلامی؛ یکی از این موضوعات است.

اگر بخواهم گزارشی اجمالی از اقدامات انجام‌شده در نقشه راه «شورای راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» به مثابه مجموعه‌ای که در راستای تحقق الگوی اسلامی ایرانی فعالیت می‌کند ارائه دهم، باید بگویم که در این نقشه راه سه کار انجام شده است. در اولین اقدام، آینده‌ای که انقلاب اسلامی به دنبال تحقق آن است به صورت تفصیلی معنا شده است. به هر حال، هر حرکت اجتماعی که مردم را به مشارکت دعوت می‌کند، در گام اول باید افق و جهت حرکت خود را به صورت تفصیلی بیان کند. به نظر من، کار مهم این نقشه راه این بوده است که تفصیلی‌تر از دیگران انقلاب اسلامی را تبیین کرده است.

اینکه انقلاب در گذشته در چه وضعیتی بوده است؟ امروز چه وضعیتی دارد؟ و در آینده چه وضعیتی خواهد داشت؟ در این نقشه راه شرح داده شده است. در واقع با این کار یک قدم در راستای تفصیلی‌تر کردن درک از انقلاب برداشته‌ایم. لازم است تأکید کنم؛ که چارچوب بحث‌های ما در تعریف انقلاب اسلامی، گفتمان انقلاب بوده است؛ البته جمع‌بندی دیدگاه افراد دیگری که راجع به انقلاب اسلامی سخن گفته‌اند؛ در اختیار ما قرار دارد. ولی جمع‌بندی نظرات رهبران اصلی انقلاب درباره انقلاب به صورت تئوری و آموزشی در آمده است تا قابل تدریس و ارائه باشد.

در دومین اقدام نقاط نامتناسب وضعیت فعلی که باید برای دستیابی به آینده‌ی تعریف‌شده تغییر یابند شناسایی شده‌اند. همان‌طور که عرض شد، گفتگو حول ۸۱ موضوع مطرح شده در "اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی"، ما را به تدریج به آینده‌ی تعریف شده منتقل می‌نماید. به اصطلاح این موضوعات، برای انقلاب، جهت‌ساز هستند و پردازش آن‌ها ضامن حفظ جهت‌گیری اسلامی انقلاب است. تحقق جهت‌گیری و آینده انقلاب اسلامی، در گرو توجه به این موضوعات جهت‌ساز است و بدون تغییر در این موضوعات نمی‌توانیم جهت‌گیری را محقق کنیم.

اگر بخواهم بعضی از این موضوعات را برای مثال بیان کنم باید به تغییر در نحوه‌ی قانون‌گذاری فعلی کشور اشاره کنم. تردیدی وجود ندارد که قانون، ریل دستگاه اجرایی کشور است، اما موضوع این است که مدل قانون‌گذاری فعلی متناسب با جهت‌گیری انقلاب نیست. نحوه‌ی قانون‌گذاری فعلی کشور متأثر از توسعه‌ی غربی است که بحث درباره‌ی آن را به فرصتی دیگر موکول می‌کنم.

یکی دیگر از موضوعات قابل تغییر، افزایش قدرت قوه قضاییه در پیشگیری از جرم است. اگر قوه‌ی قضاییه نتواند مکانیزم‌های پیشگیری از جرم را در درون خود تقویت کند، افزایش جرم منجر به اصطکاک اجتماعی می‌شود. اصطکاک اجتماعی نیز



مشارکت در راستای آرمان انقلاب اسلامی را با چالش روبه‌رو می‌کند. علی‌رغم عزم قوه قضائیه‌ی کشور برای پیشگیری از جرم، متأسفانه هنوز این امر محقق نشده است. همه نیروهای انقلاب باید در به نتیجه رساندن این موضوع کمک کنند. موضوع دیگر، مقابله با آفت ترجمه‌گرایی در کشور است. اگر پایان‌نامه‌هایی که در دانشگاه‌ها نوشته می‌شوند، کتاب‌هایی که در دانشگاه‌ها تدریس می‌شوند و به بحث گذاشته می‌شوند به نظریات وارداتی اکتفا کنند، قطعاً کشور را با چالش مواجه می‌کنند. خواندن نظرات دیگران و نقدکردن آن‌ها در فرهنگ غنی خودی یا به عبارتی دیگر کار علمی کردن، به معنای واقعی کلمه، مطلوب است، اما باید توجه داشت در این تئوری‌های ترجمه‌ای و وارداتی، موقعیت و شرایط کشور ایران در نظر گرفته نشده است. در واقع این کتاب‌ها حاوی معادلاتی براساس شرایط کشور صاحب اثر می‌باشد و به کارگیری این معادلات با بوم ایران در تعارض است. برای مقابله با آفت ترجمه‌گرایی باید پیشنهادات عملی ارائه نمائیم.

بنابراین، در دومین اقدام؛ نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی ۸۱ موضوعی که در ارتباط مستقیم با آن آینده‌ی تعریف‌شده هستند را شناسایی نموده است. به زبان ساده، نظامی از موضوعاتی که نخبگان انقلاب اسلامی باید پاسخگوی آن‌ها باشند در نقشه راه تجمیع شده است. ناگفته نماند که ملاک انتخاب این موضوعات، تحقق جهت‌گیری انقلاب اسلامی بوده است. اگر ملاک ما توسعه‌یافتگی بود، موضوعات دیگری جهت‌ساز می‌شدند. چون ما ملاک را حل مشکلات مردم، تحقق عدالت و احیای نهاد خانواده، یا به عبارتی انقلاب گرفته‌ایم؛ موضوعاتی که در این نقشه راه به آن‌ها پرداخته شده است، برای ما جهت‌ساز خواهند بود.

سومین اقدام انجام‌شده در نقشه راه این است که برای تحقق هرکدام از این موضوعات جهت‌ساز، روند تحقیقی تعریف شده است. روند تحقق موضوعات جهت‌ساز، در قالب نظریه‌ای بخشی تبیین شده است. در نقشه راه مثلاً برای مسئله‌ی پیشگیری از جرم، "نظریه‌ی پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم" و برای مسئله‌ی تقنین، "مدل تقنین اسلام" پیشنهاد شده است. روح مدل تقنین ما این است که نسبت قانون با امر هدایت سنجیده شده است. همچنین در این نقشه راه برای مقابله با آفت ترجمه‌گرایی، "نظریه‌ی بانک سؤالات جهت‌ساز" مطرح شده است. طرح و پردازش سؤالات جهت‌ساز در مقایسه با شیوه نقد نظری تئوری‌های ترجمه‌ای؛ سریع‌تر ذهنیت‌ها و نگرش‌ها را نسبت به آسیب‌های ترجمه‌گرایی توجیه می‌کند. با شرح تفصیلی این سه سطح کاملاً واضح می‌شود؛ که دیدگاه الگوی پیشرفت اسلامی به نتیجه رسیده و بحث از کلیت خارج و به یکسری نظریات بخشی کاربردی رسیده است.

همچنین در نقشه راه پیشنهادی ما در قالب بحث از مفهوم "هدایت نظامات ذهنی" و "الگوی نظام‌سازی اسلامی" بحث‌های مفصلی - در حوزه‌ی مبانی نظری و مدل تنظیم الگوی پیشرفت اسلامی - مطرح شده است. در واقع، لایه چهارم مباحث نقشه راه، فضای نظری بحث است؛ مثلاً در حوزه نظری برای نوع نگاه به انسان، هستی، نهادهای اجتماعی، مسئله‌ی مالکیت و ده‌ها مسئله دیگر تعریف‌های جدید و نویی بر اساس "نگاه هدایت‌بنیان" ارائه شده است. اقدامات اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی، در مجموع، در چهار سطح صورت گرفته است؛ که این چهار سطح در تبیین تفصیلی الگوی پیشرفت اسلامی مکمل یکدیگر هستند.

مطابق با آنچه فرمودید، یک مجموعه فکری حوزوی و مرتبط با دانشگاه یعنی مجموعه شما به مثابه یک نمونه، با توجه به مسائل انقلاب اقدام به تدوین الگویی برای پیشرفت کرده است. سؤالی که مطرح می‌شود این است، آیا دولتمردان و برنامه‌ریزان کشور به این الزام رسیده‌اند که باید براساس الگوهایی مجموعه‌هایی که دغدغه انقلاب اسلامی را دارند اقدام به برنامه‌ریزی کشور را تهیه کنند؟

باطن این سؤال شما، بحث از افق‌نمایی برای تحقق الگوی پیشرفت اسلامی است. مراحل تحقق الگوی پیشرفت اسلامی، سه مرحله هستند. مرحله اول، "مرحله پژوهش الگوی پیشرفت اسلامی" است. مرحله دوم، "مرحله‌ی پرورش الگوی پیشرفت اسلامی" و مرحله سوم، "مرحله پردازش الگوی پیشرفت اسلامی" است. در "مرحله پردازش الگوی پیشرفت اسلامی" - که

مرحله آخر است - براساس دیدگاه الگوی پیشرفت اسلامی، در کشور تصمیم‌سازی صورت می‌گیرد. به نظر ما چالش اصلی نظام جمهوری اسلامی، علیل بودن نظام تصمیم‌سازی و نظام تدبیر کشور است. نظام تصمیم‌سازی یا نظام تدبیر کشور، به شدت متأثر از توسعه‌ی غربی است و این یک چالش جدی است. همانطور که گفتیم؛ هدف توسعه‌ی غربی تحقق شاخص‌های هویت اسلامی نیست. ان‌شاءالله وقتی در آینده الگوی پیشرفت اسلامی به ظرفیت پردازش رسید، نظام تصمیم‌سازی کشور براساس مفاهیم الگوی پیشرفت اسلامی تصحیح می‌شود و در راستای جهت‌گیری انقلاب قرار می‌گیرد. این آینده الگوی پیشرفت است. به نظر شما با وجود متفکرانی که در جهت رفع مشکلات کشور بر تجویز الگوی توسعه غربی پافشاری می‌کنند، این فرایند تصحیح شدن الگوی توسعه با چالش مواجه نمی‌شود؟

برای مقابله با جریان توسعه‌گرا باید مسئله‌محور بود. ما از آنجاکه در الگوی پیشرفت اسلامی مسئله‌محور حرکت کرده‌ایم، اصلاً ابایی نداریم که جریان توسعه‌گرا، اگر می‌تواند، پاسخی علمی به این مسائل مطرح‌شده بدهد. در واقع، پیش‌فرض الگوی پیشرفت اسلامی را تحقق مسائل مهم جامعه می‌دانیم. مسائلی که برای ملت ایران قابل فهم است و جایگاه تثبیت‌شده‌ای دارد. باید مطرح شود؛ هر که ولو توسعه‌گراها اگر می‌توانند، جواب دهند. عرض بنده این است که با دقت در موضوعات جهت‌ساز جامعه ایران؛ متوجه خواهید شد که بسیاری از این موضوعات در واقع موضوعات جهت‌ساز بشر در عصر مدرن هستند و پاسخی هم به آن‌ها داده نشده است. حال اگر واقعاً دستگاه توسعه‌گرا در مقام تصمیم‌سازی - با حفظ مسئله - به آن‌ها پاسخ دهد از دیدگاه جریان انقلاب اسلامی هیچ مشکلی وجود ندارد. جبهه پیشرفت اسلامی به دنبال، راه‌حل برای مسائلی که به آن مبتلا هستیم، می‌باشد.

برای مثال فرض کنید، آمار طلاق در ایران آرام‌آرام رو به افزایش است. به نظر می‌رسد اگر فکری اساسی برای فروپاشی نهاد خانواده نکنیم و تدبیری جدی نیاندیشیم، تا چند سال آینده، حدود ۵۰ درصد از خانواده‌های ایرانی دچار عارضه طلاق می‌شوند. این موضوع، مسئله‌ای است که عقلای قوم در جهت‌ساز بودن آن شکی ندارند. بنابراین، در حفظ نهاد خانواده، اجماع نسبی وجود دارد. حال اگر دیدگاه توسعه‌گرا می‌تواند راه‌حلی برای این مسئله ارائه دهد، پذیرای آن هستیم.

چالشی که می‌فرمایید این‌گونه قابل حل است. اگر در فضای تصمیم‌سازی کشور ناظر به موضوعات جهت‌ساز بحث شود؛ از اساس اختلاف‌ها حل خواهد شد، اما اگر قرار است جریان توسعه‌گرا مسائل جعلی را مطرح کند، طبیعی است که شرایط برای آن‌ها سخت خواهد شد. مردم ما از جریان‌های برنامه‌ریز حل مسائلی مانند عدالت و احیای نهاد خانواده را می‌خواهند. بنابراین اگر بخواهید بدانید در آینده الگوی پیشرفت اسلامی چه اتفاقی می‌افتد باید عرض کنم که حول مسائل قطعی انقلاب اسلامی دعوا و مواجهه‌ای تحلیلی شکل خواهد گرفت. هر جریانی که بتواند به مسئله انقلاب اسلامی - با حفظ مسئله بودن آن - پاسخ دهد بعداً می‌تواند تکلیف تصمیم‌سازی نظام را در آینده مشخص سازد. دعوای نرم اصلی در آینده، دعوا در فضای تصمیم‌سازی کشور است، البته امروز نیز در فضای تصمیم‌سازی و محاسبات دعوا وجود دارد، اما به نظر بنده، این دعوا در آینده تشدید خواهد شد.

به هر حال، جریان انقلاب معتقد است که فضای تصمیم‌سازی کشور محاسبات خود را بر اساس پایه‌ای غلط انجام می‌دهد. به تعبیر آیت‌الله امام‌خامنه‌ای علیه‌السلام، به نوعی دچار اغوای محاسباتی شده‌ایم. به دلیل اینکه فضای تصمیم‌سازی کشور با دیدگاه الگوی پیشرفت مدیریت نمی‌شود، محاسبات غلط شکل می‌گیرد. محور این محاسبات غلط نیز بی‌توجهی به شاخص‌های هویت اسلامی و در رأس آن شاخص عدالت است.

در مرحله پژوهش الگوی پیشرفت اسلامی، هدف اصلی این است که درک واضحی از الگوی پیشرفت اسلامی، از مبانی تا نتیجه و کارآمدی الگو، ارائه شود. ما مطالعات منجر به تهیه این نقشه راه را از اواسط دهه ۷۰ شمسی آغاز و تا پایان سال ۹۰ ادامه داده‌ایم؛ یعنی حدوداً ۱۵ سال دوران پژوهش برای ما به طول انجامیده است. در این دوره بسیاری از نظریات و گرایش‌های مختلف راجع به انقلاب اسلامی بررسی شد و درنهایت، "نظریه‌ی پردازش موضوعات جهت‌ساز" مطرح شد.



بنابراین، دوران پژوهش نیز دوران ارائه جمع‌بندی راجع به الگوی پیشرفت اسلامی است. برای نقشه راه ما و برای مجموعه ما، این دوران سپری شده است.

اکثر دوستداران انقلاب اسلامی که افرادی نخبه و فعال هستند، خود را در مرحله پژوهش الگوی پیشرفت اسلامی تعریف می‌کنند. درست است که هیچ‌گاه در روند پژوهش توقف ایجاد نمی‌شود و می‌توان آن را ادامه داد، اما به نظر بنده، دیگر دوران پژوهش به معنای ابهام‌زدایی از الگوی پیشرفت اسلامی، برای "اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی" راه سپری شده است.

بلافاصله بعد از "مرحله پژوهش الگوی پیشرفت اسلامی" نمی‌توان وارد مرحله پردازش الگوی پیشرفت اسلامی شد. حتماً باید دورانی تحت‌عنوان "مرحله پرورش الگوی پیشرفت اسلامی" طی شود. در دوران پرورش، الگوی پیشرفت اسلامی به دنبال گزارش دادن مباحث خود و جا انداختن این مباحث در جامعه نخبگان انقلابی و گفتمان‌سازی برای الگوی اسلامی می‌باشد. در واقع، ما اکنون در "مرحله پرورش الگوی پیشرفت اسلامی" هستیم و وظیفه خود می‌دانیم در صورتی که نخبگان جامعه فرصت کافی داشته باشند، جمع‌بندی‌های قابل دفاع خود از الگوی پیشرفت را به سمع و نظر این عزیزان برسانیم.

در این مرحله نیز ممکن است سه اتفاق برای جمع‌بندی‌های صورت‌گرفته بیافتد. یک، پذیرفته شود. دو، با مشخص شدن نقص‌های آن، تکمیل شود. سه، ممکن است از اساس با چالش روبه‌رو شود و به نقد مبنایی گذاشته شود. در هر صورت، برای هر سه وضعیت آماده هستیم. احساس می‌کنیم با مباحثی که در نقشه راه مطرح کرده‌ایم، می‌توانیم سرعت روند تحقق الگوی پیشرفت اسلامی در کشور را بیشتر کنیم.

امروز، برداشت بخشی از جریان‌های فکری دانشگاهی از انقلاب اسلامی، تبیین انقلاب در راستای مدرنیته است. این جریان الگویی برای بهبودی ارائه می‌دهند که در تضاد با الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی است؛ حال در این میان یکی از چالش‌های پیش رو این است که برنامه‌ریزان کشور، پرورش‌یافته‌ی همان جریان فکری هستند. بنابراین، بیشتر مبتنی بر الگوی توسعه غربی برنامه‌ریزی می‌کنند. پیشنهاد حضرت‌عالی برای مقابله با این جریان چیست؟

در مرحله دولت اسلامی که گام سوم برای تمدن‌سازی اسلامی است، مشکل اصلی، محاسبات مبتنی بر توسعه است. این نوع محاسبات در جامعه ایران وجود دارد و تعداد بسیاری از مدیران را نیز قانع کرده است. به نظر بنده، این شرایط محصول قدرت اقتناع جریان توسعه‌گرا نیست؛ بلکه کلی‌گویی‌های جریان انقلاب راجع به انقلاب این مشکل را به وجود آورده است. اگر بتوانیم گفتگویی درونی در میان نیروهای انقلاب راه بیان‌دازیم که این نیروها تفصیلی‌تر از انقلاب دفاع کنند یا بتوانند فکر متقن انقلاب را به بخش‌های بیشتری ترجمه کنند. به نظر من، در این صورت این مواجهه به نفع ما خواهد شد. در واقع اگر الگوی پیشرفت اسلامی را تفصیل‌یافته فکر انقلاب بدانیم، این مشکل را الگوی پیشرفت اسلامی حل خواهد نمود.

به عنوان مثال -در حال حاضر- نیروهای انقلاب به نحوه قانون‌گذاری کشور حساسیت زیادی نشان نمی‌دهند. شاید حساسیت‌های موردی وجود داشته باشد، اما به کلیت قانون‌گذاری حساسیتی ندارند. این امر موجب می‌شود تصمیم‌سازی برای قانون‌گذاری کشور در اختیار جریان توسعه‌گرا قرار بگیرد. این‌گونه است که آن‌ها آمل خود را به قانون تبدیل می‌کنند. جایگاه قانون بسیار واضح است، اما با این حال نیروهای انقلاب از نحوه قانون‌گذاری کشور غافل هستند.

همچنین نیروهای انقلاب را متمرکز بر حل مسئله‌ی پیشگیری از جرم نمی‌بینید. به‌میزان غفلت نیروهای انقلاب از ورود به این عرصه، جریان‌های توسعه‌گرا وارد این عرصه می‌شوند و برای پیشگیری از آن الگو می‌دهند. با بررسی "نظریه پیشگیری توسعه‌ای" متوجه می‌شوید که به‌راحتی و در فقدان نظریه‌ی کارآمد دینی برای حل مسئله‌ی جرم، جریان توسعه‌گرا در تلاش است تا دیدگاه اصلاح قوانین جزائی اسلام را در کشور عملیاتی کند. همانطور که عرض کردم راه‌حل مواجهه با این چالش؛ این است که انقلاب را به بخش‌های مختلف ترجمه کنیم. در واقع این معنای الگوی پیشرفت اسلامی است.

آیت‌الله امام‌خامنه‌ای رحمته‌الله‌علیه می‌فرمایند الگو یعنی نقشه جامع. اگر برای بخش‌های مختلف برنامه و نقشه‌ای نداشته باشید، دچار سردرگمی می‌شوید. این مشکل اصلی کشور است. این چالش نیز قابل مدیریت است. بسیار ساده عرض کنم، درکل، صحنه را برای طرف مقابل خالی کرده‌ایم.

جریان‌های توسعه‌گرا تجربه‌ی زیسته‌ی عینیت‌یافته‌ای را به‌عنوان الگوی توسعه در اختیار دارند که تمدن غرب همیشه به آن تجربیات استناد می‌شود. حال آنکه، الگوی پیشرفت اسلامی مطرح‌شده، تجربه زیسته‌ای ندارد تا با استناد به آن مردم را با خود همراه کند. لطفاً بفرمایید در این باره چه باید کرد؟

اگر این تجربه‌ای که تحت‌عنوان مدرنیته ایجاد شده است موفق بوده، امروزه، در غرب، جریان‌های پسامدرن و نئوکومونیستی و... تا این حد مطرح نمی‌شدند. با تبلیغات فراوان و عوام‌فریبی شاید بتوان غرب را الگوی موفقی نشان داد، اما چالش‌های پیش‌روی غرب، متفکران غربی را در حوزه‌های اقتصاد، سیاست، فرهنگ و دیگر حوزه‌ها به فکر ارائه جمع‌بندی‌های جدید انداخته است.

باید مجیز‌گویی‌هایی که راجع به غرب می‌شود را با گزارش‌های آماری افشا کنیم؛ زیرا دوستان توسعه‌گرا گزارش ناقصی از غرب ارائه می‌دهند و در تجربه‌های خود به‌صورت بسیار جدی گزینش انجام می‌دهند.

به‌عنوان مثال یکی از وزاری خارجه‌ی اروپا درباره‌ی فروپاشی اتحادیه اروپا کتاب نوشته است؛ ولی کتاب ایشان هیچ‌وقت در جمهوری اسلامی ترجمه نمی‌شود! جالب است که نیروهای خودی نیز اقدام به ترجمه این قبیل کتاب‌ها نمی‌کنند.

غربی‌ها تماماً دیدگاه‌های داخلی مخالف غرب را رواج نمی‌دهند؛ آن‌ها به تدریج به دنبال جایگزین می‌گردند. به‌هرحال، جریان توسعه‌گرای ایران، از پشت عینک خوش‌بینی خود، شروع به تحلیل غرب می‌کند.

در فضای علمی اگر بخواهیم همه چیز را به داشتن پیشینه گره بزیم؛ باب مباحث نو و تأسیسی سد می‌شود. با این استدلال آقایان، نوآوری، نواندیشی و تحول معنایی نخواهند داشت. شاید اگر تجربه گسترده‌ای در اختیار داشتیم، تفاهم راحت‌تر ایجاد می‌شد، اما با نداشتن این تجربه نیز نمی‌توان ضرورت نوآوری و گفتگو را نادیده گرفت. البته به نظر بنده، مهم‌تر از این دو موضوع، بازخوانی موفقیت‌های فعلی انقلاب اسلامی است که می‌تواند در این چالش باعث برتری ما شود.

باید اشاره شود که درحال حاضر در بخش‌هایی که حتی به‌صورت اجمالی و ناقص به "نظام‌سازی اسلامی" پرداخته‌ایم، تجربه‌ی قابل تفاهم منطقه‌ای و جهانی به‌دست آورده‌ایم. در این مورد مدل دفاعی، امنیتی ایران را مثال می‌زنم که علاوه بر اینکه در ۸ سال دفاع مقدس پاسخ‌گوی مسائل امنیتی کشور بوده است، امروز نیز، در لبنان، سوریه، فلسطین و اخیراً در عراق مورد استفاده قرار گرفته است.

جالب است، در موضوعاتی که از تفکر غربی پیروی نکرده‌ایم، کشور پیشرفت‌های عجیبی داشته است. وقتی با مدیریت جهادی پیش رفته‌ایم، پیشرفت کشور قابل توجه بوده است. سؤال اساسی ما از جریان توسعه‌گرا این است که چرا - علی‌رغم بحث‌هایی که درباره مشکلات جدی ایران می‌کنید - مجموعه ۵+۱ حدود ده سال است که مذاکره با ایران را می‌پذیرد؟ شاید قدرت نظامی ایران در این موضوع دخیل باشد، اما بیش از آن، قدرت تفاهم بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی نظام جمهوری اسلامی ایران مؤثر بوده است. مایل هستم جریان توسعه‌گرا به سؤالی که مطرح می‌کنم پاسخ دهند. اگر تفکر انقلاب اسلامی تا این حد ناکارآمد است، چرا مستکبرین جهانی عزم کرده‌اند این تفکر را کنترل کنند و برای رسیدن به این هدف خود، برنامه‌ریزی می‌کنند؟

به نظر بنده، اگر به ارجاعات تجربی نیز برای کارآمد بودن یا نبودن مدل تفکر "نظام‌سازی اسلامی" نیاز باشد، می‌توان با رجوع به تجربه بعد از انقلاب اسلامی، دغدغه‌ی جریان‌های توسعه‌گرا را رفع کرد. تجربه جهاد سازندگی در رفع محرومیت‌ها ارجاع مناسبی است. هرچند جهاد سازندگی در تله جریان توسعه‌گرا شهید شد، اما تجربه آن قابلیت بازخوانی دارد.

اگر شجاعتی را که در چند مورد برای عبور از دیدگاه توسعه‌گرا از خود نشان داده‌ایم، چراغ راه آینده خود قرار دهیم، در حوزه‌های دیگری مثل حوزه اقتصاد نیز قطعاً وضعیت بهتری خواهیم داشت. همان‌طور که عرض شد، فضای تصمیم‌سازی، فضای



کاربردی کردن و فضای تعریف روند است. چالش‌هایی که مطرح کردید، چالش‌های دست‌دوم نیروهای انقلاب است. چالش دست‌اول نیروهای انقلاب این است که داشتن نقشه‌ای جامع را - که در آن انقلاب به بخش‌های مختلف ترجمه شود - جدی نگرفته است.

با این چالش چه باید کرد؟

باید گفتمان الگوی پیشرفت اسلامی توسعه پیدا کند. در بحث الگوی پیشرفت اسلامی، تفکر تفصیلی‌یافته‌ی انقلاب به بخش‌های مختلف مطرح شده است. به همان میزانی که توسعه نقد می‌شود و گفتمان الگوی پیشرفت اسلامی توسعه یابد، این چالش نیز برطرف می‌شود. در واقع، بین نیروهای انقلاب باید اجماعی برای تحقق الگوی پیشرفت اسلامی به وجود بیاید.

از سه مرحله‌ی پژوهش، پرورش و پردازش که به آن‌ها اشاره کردید، برای رسیدن به پردازش و اجرایی‌کردن آن، چه ظرفیت‌هایی در جامعه وجود دارد؟

به نظر بنده، سؤال نسل رویش‌یافته در فضای انقلاب اسلامی این است که چگونه باید براساس تفکر اسلامی به این مسائل جهت‌ساز پاسخ داد؟ این بزرگ‌ترین ظرفیتی است که انقلاب در اختیار دارد. در مورد این نسلی که در اختیار داریم نباید ریسک کنیم. این فقط در ایران نیست، در نقاط مختلف جهان نیز این نسل حضور دارد؛ نسل جدیدی در دنیا راجع به نظم موجود دنیا جمع‌بندی دارد و با علم بر ناکارآمدی‌های این نظم، به دنبال ایجاد تغییر بنیادین در این نظم است. البته این نسل هنوز برای مدل جایگزین جمع‌بندی نکرده است.

اینکه چنین سؤالی در ذهن جمعیت کثیری به وجود آمده است، بزرگ‌ترین فرصت الگوی پیشرفت است. اگر بخواهم شفاف‌تر صحبت کنم باید بگویم: به نظر بنده دولت محترم فعلی - که توسعه‌گراترین دولت جمهوری اسلامی و باسوادترین دولت در تسلط به تفکرات غربی است - اگر اصول‌گراها باهم اختلاف نداشتند این پیروزی حداقلی را هم به دست نمی‌آورد. بعد از تجربه‌های مختلف جریان توسعه‌گرا پایگاه مردمی این‌ها به شدت ضعیف شده است. چون جریان اصول‌گرایی فعلی کشور با هم دعوا می‌کنند؛ اینها با رأی حداقلی پیروز شدند. همه‌ی پتانسیل خود را به کار گرفتند تا دستاوردهای گذشته را سیاه جلوه بدهند. با این حال نتوانستند نسبت به دوره اصلاحات تفوق بیشتری به دست بیاورند.

جریان اصول‌گرایی کشور چون فهم حداقلی از انقلاب دارد؛ با هم اختلاف می‌کنند و با اختلاف خود زمینه برای توسعه‌گرایی را فراهم‌تر می‌کنند. به نظر بنده، با اینکه دولت فعلی باسوادترین دولت در فهم توسعه غربی است، اما پایگاه اجتماعی آن نسبت به همه دولت‌های گذشته ضعیف‌تر است. انقلاب اسلامی در سال‌های حیات خود توانسته، چه در محیط ملی چه در محیط بین‌المللی، تفاهم گسترده‌ای راجع به ایده اصلی خود ایجاد کند و الگوی پیشرفت اسلامی می‌خواهد از این ایده جمع‌بندی تفصیلی ارائه دهد.

در گزارش اخیر فرانس ۲۴ آمده بود که ایران چهارمین دولت عربی را نیز فتح کرد. در فضایی که جریان توسعه‌گرا احساس می‌کرد چاره‌ای جز تعامل با نظم موجود جهانی وجود ندارد، یکی از مستعمرات نظام سلطه را ضربدر جبهه مقاومت کردیم. اختلاف بین G8 منجر شد روسیه از آن‌ها جدا و به ایران نزدیک شود. این نیز یکی از شواهد دیگری است که در نظم موجود جهانی استحکام کافی وجود ندارد.

مجموعه دلایلی که اشاره شد، علامت سؤال بزرگی را راجع به نظم موجود جهانی ایجاد کرده است. این بزرگ‌ترین ظرفیت است. به نظر بنده، با ضرب کردن فضای الگوی پیشرفت اسلامی در این ظرفیت می‌توانیم از این پیچ تاریخی به سلامت عبور کنیم. فضای الگوی پیشرفت اسلامی ضرب در این علامت سؤال بزرگ، به این معناست که سؤالاتی را که مدرنیته و توسعه نتوانسته‌اند پاسخ دهند، الگوی پیشرفت اسلامی پاسخ دهد. این رسالت بزرگ الگوی پیشرفت اسلامی است.



با توجه به اینکه فرمودید این دولت باسوادترین دولت در فهم انگاره‌های توسعه غربی است، باید مد نظر قرار داد که این دولت همان الگوی توسعه را به‌عنوان الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت به جامعه ارائه می‌کند. پیش از این نیز بسیاری از ناکامی‌ها به‌پای جمهوری اسلامی نوشته شده است، نه به پای الگوی مبتنی بر توسعه غربی. با این موضوع چه باید کرد؟

همان‌طور که در ابتدا عرض شد، یکی از خطرات اصلی تهدیدکننده‌ی جریان انقلاب اسلامی، شعاری برخورد کردن و کلی‌گویی راجع به انقلاب است. از آن خطر مهم‌تر، خطر یکسان‌انگاری توسعه غربی با پیشرفت اسلامی است. بنده امسال را سال پرچم‌های دروغین الگوی پیشرفت اسلامی می‌دانم. همان‌طور که اشاره کردید، تفکر نهادگرایی تحت نام الگوی پیشرفت اسلامی و زیر چتر الگوی پیشرفت اسلامی در کشور درحال گسترش است. این خطری جدی است. علاوه بر دولت محترم، کسان دیگری نیز دچار یکسان‌انگاری توسعه غربی با پیشرفت اسلامی شده‌اند. به نظر بنده، همان‌طور که بحث تفصیلی الگوی پیشرفت اسلامی مشکل کلی‌گویی و از دست رفتن ظرفیت‌ها را برطرف می‌کند، با دیدگاه یکسان‌انگاری توسعه غربی و پیشرفت اسلامی هم مقابله می‌کند. دیدگاه توسعه‌گرا وقتی موفق می‌شود روکش الگوی پیشرفت اسلامی را بر سر تفکرات توسعه بکشد؛ که ما نتوانیم الگوی پیشرفت اسلامی را به‌صورت تفصیل‌یافته و گسترده مطرح نماییم.

به‌طور خلاصه، الگوی پیشرفت اسلامی جریانی فکری است که می‌تواند جواب مسائل مختلف جامعه را بدهد و با این کار تفاوت‌های توسعه غربی و پیشرفت اسلامی آشکار می‌شوند. به عبارت دیگر یکسان‌انگاری توسعه غربی و پیشرفت اسلامی؛ محصول بعدی کلی‌گویی درباره‌ی الگوی پیشرفت اسلامی است.

در پایان، اشاره می‌کنم اگر دوستان انقلاب همت کنند و مقداری فضای بحث راجع به الگوی پیشرفت اسلامی را گسترش بدهند، مرحله‌ی دولت‌سازی اسلامی که اکنون در آن قرار داریم، تقریباً حدود ۲۰ سال آینده، به سرانجام خواهد رسید. از برخی دوستان که نسبت به الگوی پیشرفت اسلامی درحال قعود هستند تقاضا می‌کنم، بعد از گذشت ۸ سال، از مطرح شدن الگوی پیشرفت اسلامی توسط آیت‌الله امام‌خامنه‌ای عنه‌السلام، حداقل گفتمان‌سازی در این‌باره را بپذیرند.



۱۰. گفتگوی حجت‌الاسلام علی کشوری با روزنامه شهر آرا: مدیریت شهر اسلامی محله‌محور است / تعریف محله به محل تأمین نیازهای خانوار

دوشنبه ۸ تیر ۱۳۹۴

بسم الله الرحمن الرحيم

مصاحبه با روزنامه شهر آرا در حاشیه برگزاری همایش مقاومت در افق فقاقت در تاریخ ۱۷ بهمن ۱۳۹۳

شهر آرا: همایش را چطور دیدید ظاهراً دیروز بوده و امروز؟

بله دو روز بود و تمام شد. به لحاظ موضوع، این همایش^{۱۸} از مترقی‌ترین همایش‌هایی است که در کشور در حال برگزاری است. توضیح مطلب و اینکه من می‌گویم این همایش خیلی مهم و موضوع واجبی هست، به خاطر این است که ما: در کشور دچار دعوای محاسباتی^{۱۹} هستیم و اختلاف محاسبه بین مسئولان وجود دارد. بخشی از مسئولان نظام - که آدم‌های خوبی هستند - مبنای محاسباتشان برای اداره جامعه توسعه غربی است؛ ولی بخش دیگری از مسئولان، مفاهیم اصلی انقلاب و الگوی پیشرفت اسلامی را پایه محاسبات جامعه قرار داده‌اند. وقتی در چنین فضایی به سر می‌بریم طبیعتاً نشست‌ها و جلساتی که به شکل‌گیری محاسبات صحیح کمک کنند از مهم‌ترین نشست‌هاست.

به هر حال باید در تصمیم‌سازی فعلی کشور حضور فعال داشته باشیم و نگذاریم "محاسبات توسعه‌گرا" فضای توسعه^{۲۰} را در جامعه محقق کنند؛ به عنوان مثال در شهر مشهد - که پایتخت معنوی و پایتخت تبیین انقلاب و اسلام است - برنامه‌های توسعه‌ی شهری در حال تبدیل کردن این شهر به شهری با معماری مدرن است و ما می‌دانیم که محاسبات توسعه‌گرا در بخش معماری به شاخص‌های هویت اسلامی توجه نمی‌کند. حال اگر سکوت کنیم این معماری هویت اسلامی شهر را به چالش می‌کشد. این یکی از مصادیق اختلافات محاسباتی هست که گفتم. بنابراین هر گفتگویی که به محاسبات ملت ایران و نخبگانش کمک کند که با واقعیت متناسب‌تر شود به ما کمک کرده است.

شهر آرا: مهمانان هم در واقع کسانی بودند که نشان می‌دهد این همایش می‌خواهد کاربردی‌تر عمل کند و بنا بر این است که حرف‌های کاربردی‌تر زده شود. ما خیلی رفتیم به سمت نظریه‌پردازی. در واقع الان نقدی که می‌خواهیم با هم داشته باشیم یک نقد درون‌گفتمانی است و می‌خواهیم با هم در یک جبهه باشیم و ببینیم که اشکال کارمان کجاست چون ظاهراً چیزی که تا الان دیدیم این بوده که فقط نظریه‌پردازی شده است و فقط همایش برگزار شده با بحث الگوی پیشرفت اسلامی ظاهراً چشم‌اندازی نداریم که تا کی باید حرف بزنیم و از چه تاریخ و مرزی باید وارد عمل شویم. با توجه به اینکه مسئولانی که آدم‌های خوبی هستند ولی مبنای محاسبات برای اداره جامعه توسعه غربی بوده است و چون این توسعه پیاده نشده به اسم انقلاب تمام شده است.

همانطور که عرض کردم ما در شرایطی قرار داریم که اختلاف محاسبه بین نخبگان و مسئولان در حال تبدیل شدن به یک جنگ محاسباتی است. اجازه بدهید این مسئله را بیشتر شرح دهم: برای فهم بهتر این اختلاف محاسباتی؛ در درجه اول باید بدانیم که حکومت برآمده از انقلاب اسلامی با عرف حکومت‌های مدرن امروز سازگار نبوده و بالتبع به دلیل این استقلال

۱۸. همایش مقاومت در افق فقاقت در تاریخ ۱۶ و ۱۷ بهمن ماه ۱۳۹۳ در شهر مبارک مشهد برگزار شد.

۱۹. آنچه ما امروز در مجموعه‌ی رفتار دستگاه استکبار مشاهده می‌کنیم، همین است؛ هدف ایجاد اختلال در نظام محاسباتی و دستگاه محاسباتی من و شما است. در میدانهای دیگر، استکبار نتوانسته است، کاری از او برنیامده است.

بیانات امام خامنه‌ای علیه‌السلام در دیدار با مسئولان نظام ۱۳۹۳/۲/۱۶

۲۰. آنچه که من می‌خواهم اضافه کنم، این است که اولاً کلمه‌ی «پیشرفت» را ما با دقت انتخاب کردیم؛ تعمداً نخواستیم کلمه‌ی «توسعه» را به کار ببریم. علت این است که کلمه‌ی توسعه، یک بار ارزشی و معنایی دارد؛ التزاماتی با خودش همراه دارد که احیاناً ما با آن التزامات همراه نیستیم، موافق نیستیم. ما نمی‌خواهیم یک اصطلاح جالفتاده‌ی متعارف جهانی را که معنای خاصی را از آن می‌فهمند بیاوریم داخل مجموعه‌ی کار خودمان بکنیم.

بیانات امام خامنه‌ای علیه‌السلام در اولین نشست اندیشه‌های راهبردی در جمهوری اسلامی ۱۳۸۹/۰۹/۱۰



مشی، آن‌ها اقدامات مختلفی را برای مقابله و به چالش کشیدن این حکومت اسلامی نوپا طراحی و در دستور کار قرار داده‌اند. دشمنان مجموعه‌ای از فعالیت‌ها شامل: اقدامات نظامی، کودتا و اقدامات اقتصادی و... را در دستور کار خود قرار داده‌اند و در شرایط فعلی به دلیلی که اقداماتشان به بن‌بست رسیده بر روی تغییر محاسبات مسئولان و مردم تمرکز کرده‌اند.

به عبارت بهتر: مردم، مسئولان انقلاب و نخبگان جامعه ایران نشان دادند که وقتی محاسبه درست انجام می‌دهند، می‌توانند آن محاسبه را عملیاتی هم بکنند. دشمن هرچه تلاش کرده؛ نتوانسته جلوی این سیکل را بگیرد. در واقع دشمن ما زرنگی انجام داده و آمده کاری کرده که ما محاسبه درست نداشته باشیم! مثلاً مدتی است که به دنبال یک محاسبه صحیح؛ کشور به صحنه تولید علم و جنبش نرم‌افزاری وارد شده است و به تدریج در حال جبران عقب‌ماندگی‌های علمی کشور هستیم و همچنین به دنبال عبور از آفت ترجمه می‌باشیم. نتیجه این محاسبه این شده که ما در حوزه علم روی پای خودمان ایستادیم و مثلاً وارد باشگاه هایتک‌های اول دنیا شده‌ایم. در ده سال اخیر توانستیم این موفقیت را به دست بیاوریم.

همچنین محاسبات ما برای شکل دادن به جبهه مقاومت، باعث شده به تدریج مردم منطقه به سمت ما سوق پیدا کنند و بعد دولت‌هایی هم در منطقه به طرفداری از ما سرکار بیایند. این‌ها نمونه‌هایی از محاسبات صحیح مردم ما می‌باشد.

البته کسانی هم هستند که محاسبات غلطی دارند؛ هیچ‌وقت فراموش نخواهم کرد که وقتی مسئولان ما در دولت یازدهم تصور و محاسبه‌شان این بود که باید برویم به سمت تعامل با استکبار تا اوضاع بهبود پیدا کند! فرانس ۲۴ گزارشی داد که نظام جمهوری اسلامی ایران توانسته است چهارمین پایتخت عربی را تحت نفوذ معنوی خود قرار دهد. ما در حوزه محاسبات سیاسی رفتیم به سمت شکل‌دهی جبهه مقاومت که از جمله فوایدش می‌تواند افزایش تبادلات تجاری میان ما و این کشورها باشد.

شما فرمودید باید برویم به سمت آسیب‌شناسی فعالیت‌های نیروهای انقلاب؛ عرض بنده این است که ما اگر بتوانیم پایه محاسباتی انقلاب اسلامی را شناسایی کنیم و این پایه را به حوزه‌های بیشتری ترجمه کنیم؛ آسیب فعالیت‌های ما کمتر می‌شود. مثلاً باید بتوانیم پایه محاسباتی انقلاب را به حوزه سیاست خارجی و جبهه مقاومت بهتر ترجمه کنیم. باید بتوانیم با نگاه انقلاب، مسئله پیشگیری از جرم را تقویت کنیم. یکی از مصیبت‌های ما این است که قدرت پیشگیری از جرم نداریم. باید گفت‌مان اقتصاد مقاومتی را - که ترجمه پایه محاسباتی انقلاب در عرصه اقتصاد است - پیش ببریم. اگر بتوانیم در درون جبهه خودی ترجمه پایه محاسباتی انقلاب را به حوزه‌های مختلف تعمیم بدهیم، بعداً در این جنگ محاسباتی قوی‌تر عمل می‌کنیم. به نظر من جرأت جریان روشنفکری در نسبت‌دادن برخی ناکارآمدی‌ها به انقلاب، بیش از اینکه به قوت مباحث و استدلال آن‌ها برگردد؛ به کم‌کاری ما در ترجمه انقلاب به حوزه‌های مختلف برمی‌گردد. مسئله الگوی پیشرفت اسلامی اینجا متولد می‌شود. کلمه الگو یعنی نقشه جامع اداره کشور که از یک پایگاه مفهومی هماهنگ می‌شود. الگوی پیشرفت اسلامی در واقع تفصیل‌یافته پایه محاسباتی انقلاب اسلامی است و اگر بتوانیم این پایه مفهومی را بازخوانی و ترجمه کنیم؛ می‌توانیم جلوی دشمنی را که می‌خواهد در ما اشتباه محاسباتی به وجود بیاورد، بگیریم.

الان ما این ترجمه را به صورت تفصیلی انجام نداده‌ایم؛ ولی به این سمت در حال حرکت هستیم؛ الان چون سیاست‌های توسعه‌گرا بسط پیدا کرده‌اند مقام معظم رهبری با نرمش قهرمانانه فرصت آزمایش را به این نظریات داده‌اند؛ تا اثبات شود این نظریات غلط، قابلیت پیاده‌شدن ندارند. این آزمایش به تدریج برائت عمومی نسبت به نظریات توسعه‌گرا را افزایش می‌دهد و مردم متوجه ناکارآمد بودن این دیدگاه‌ها خواهند شد. بالاخره انقلاب مال همه ملت ایران است و اینکه اختلاف محاسباتی وجود دارد، نباید ما را به سمت اختلافات سیاسی و نزاع ببرد. فلسفه نرمش قهرمانانه هدایت نظامت ذهنی است. با اینکه در مذاکرات اختیارات زیادی به دولت داده شده است ولی به صورت جدی این سؤال در فضای بین‌الملل ایجاد شده که آیا استکبار قابل اعتماد است؟ در سطح عمومی دارد این مسئله جا می‌افتد و بالتبع تفکر مرگ بر آمریکا ادامه پیدا می‌کند.



باید در یک کلام بگوییم که ما چوب کلی‌گویی‌های برخی از خودمان را می‌خوریم و اگر از الان هم وارد بخش‌های مختلف بشویم این جنگ محاسباتی به نفع انقلاب و مردم تمام می‌شود.

شهرآرا: تقریباً هر کدام از مفاهیمی هم که حضرت آقا مطرح می‌کنند بچه‌های حزب‌اللهی با یک تأخیرهایی به آن می‌رسیم، یعنی وقتی می‌رسند که آقا با مفهوم جدیدتر مطرح می‌کنند.

نه سال هست که آقا الگوی پیشرفت اسلامی را مطرح کرده‌اند.

شهرآرا: و سؤال این است که چرا بچه حزب‌اللهی‌ها با این تأخیر حاد به این موضوع می‌رسند این آیا همان اختلاف محاسباتی است که دارد اتفاق می‌افتد که اگر این هست اصولش را باید از کجا بیآورند یا اینکه دلیل دیگری دارد که با تأخیر حاد به حضرت آقا می‌رسند.

داخل این سؤال نمی‌رویم و سر بسته می‌گوییم ما تبلییم و این ضعف به روحیات ما مربوط می‌شود. شاید شرایطی که در آن قرار داریم را نمی‌شناسیم. به هر حال اگر از فضایی که در اختیار ما هست، استفاده نکنیم؛ با چالش‌هایی بدتر از فتنه ۸۸ روبرو می‌شویم. به جای اینکه بشکافیم چرا این اتفاق افتاده، باید برویم به سمت گسترش محاسبات انقلاب در فضای تصمیم‌سازی کشور.

شهرآرا: اگر خواسته باشیم با حضرت آقا هم فاز شویم و مسائل اصلی انقلاب را مسائل اصلی خودمان بدانیم، چه اقداماتی برای بچه‌های حزب‌اللهی نیاز هست که هماهنگی داشته باشند.

الزام اولش این است که ما موضوع را -که همان جنگ تصمیم‌سازی است- درست بشناسیم؛ یعنی ما اگر هشت سال جنگ تحمیلی داشتیم الان چندین سال است که دچار جنگ تحلیلی هستیم. الان الزام اصلی ما مدیریت جنگ نرم است. البته نباید جنگ نرم را جنگی خرد معنا کرد. باید اصلی‌ترین لایه‌های این نبرد را شناسایی کنیم؛ که اصلی‌ترین لایه‌اش مدل برنامه‌ریزی کشور است. جریان توسعه‌گرا این لایه را در اختیار گرفته و جبهه پیشرفت اسلامی باید تحلیل‌های مبتنی بر الگوی پیشرفت اسلامی را در این حوزه بسط دهد. الگوی اسلامی در مقابل توسعه غربی مطرح است و مفهوم این تقابلی سنجیده‌ای که امام خامنه‌ای علیه السلام مطرح کردند؛ جلوگیری نرم از شکل‌گیری محاسبات غلط متکی به توسعه است.

همینکه شما می‌گویید کشور باید توسعه پیدا کند، اول بحث است. به نظر من اگر سعی کنیم دوگانه توسعه یا پیشرفت را در کشور ایجاد کنیم خدمت بزرگی کرده‌ایم. مثلاً اگر بتوانیم در برابر سیاست خارجی توسعه‌گرا ایده‌ای بدهیم و یا در حوزه تربیت نظریه‌ای کاربردی براساس مفاهیم انقلاب ارائه دهیم؛ دوگانه توسعه و پیشرفت بیشتر تبیین می‌شود.

به عنوان مثال در "اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی"^{۲۱} نظریه "بهبود مستمر فضای حاکم بر نهادهای متکفل تربیت"^{۲۲} مطرح شده است -متعمداً این نظریه را طوری نامگذاری کرده‌ایم تا تقابلیش با "نظریه بهبود مستمر فضای حاکم بر کسب و کار"^{۲۳} احساس شود- جریان توسعه‌گرا می‌گوید در بحث اقتصاد دولت باید تمام تلاش خود را بکند تا "فضای حاکم بر کسب و کار" را بهبود ببخشد! خوب این خودش یک نوع محاسبه است؛ که می‌گوید اگر شما اشتغال و تولید را می‌خواهید، راه آن بهبود فضای کسب و کار است. ما در تقابل با این شکل محاسبه -با زاویه دید الگوی پیشرفت اسلامی- یک سؤال مطرح کرده‌ایم: آیا تربیت اسلامی را می‌خواهیم یا نمی‌خواهیم؟ پیداست که با برنامه‌ریزی برای تربیت نمی‌شود مخالفت کرد. بنابراین در برنامه‌ریزی باید برویم و نهادهای متکفل تربیت -که مهم‌ترین آن‌ها خانواده است- را تقویت کنیم. در تقویت نهاد خانواده

۲۱. اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی در واقع پاسخی مبسوط به سفارش علمی امام خامنه‌ای علیه السلام در موضوع تولید الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت محسوب می‌شود؛ که دارای ۸۱ محور بحثی است.

۲۲. نظریه تربیتی اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی

۲۳. مهم‌ترین نظریه جریان توسعه‌گرا



هم یکسری عوامل درونی مطرح است - که به دست پدر و مادر است - ولی برخی عوامل بر نهاد خانواده تأثیرگذار هستند ولی در اختیار پدر و مادر نیستند و اثر سوء بر تربیت دارند. حال سؤال این است که آیا این عوامل را باید بهبود ببخشیم یا خیر؟ اگر دوستان توسعه‌گرا به ما بگویند که به تربیت بپردازید ولی فقط روی عوامل درونی تمرکز کنید همین توصیه را در بخش کسب و کار به آنها خواهیم کرد و این می‌شود یک بن بست برای آنها. می‌دانید که جریان توسعه‌گرا بر اساس "نظریه بهبود مستمر فضای حاکم بر کسب و کار" ۱۰۸ حکم از ۲۳۵ ماده برنامه پنجم را اشغال کرده است. این جریان نمی‌تواند بگوید در مقام برنامه‌ریزی برای بهبود فضای حاکم بر نهاد خانواده برنامه‌ریزی نکنید. با بررسی این نظریه مبتنی بر الگوی پیشرفت اسلامی تقابل توسعه و پیشرفت بیشتر تبیین می‌شود. در پیشرفت اسلامی محور تربیت است و لازم است فضای حاکم بر تربیت را تقویت کنیم. در این دیگه اقتصاد، جزئی از فضای حاکم بر تربیت است و باید در خدمت تربیت باشد ولی در نگاه توسعه‌گرا اقتصاد، محور است و باید فضای حاکم بر اقتصاد را بهبود بخشید. در این نگاه تربیت باید در خدمت اقتصاد باشد!

این خاصیت تعمیم‌دادن اصول انقلاب به بخش‌های مختلف است. یکی از پیشنهادهای ما در "اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی" این است که اگر قرار است نگاه انقلاب به فرهنگ، تربیت و .. تعمیم پیدا کند؛ این تعمیم باید بر اساس یک نظریه صورت بپذیرد. "الگوی بهبود مستمر فضای حاکم بر نهادهای متکفل تربیت"، یک نظریه است و این نظریه در واقع مبنای انقلاب را تعمیم داده است. البته در نقشه راه ما مجموعه‌ای از این نظریات وجود دارد.

شهرآرا: در این مدلی که شما می‌گویید و مدنظر ما هم هست آیا اشتراکاتی هم با مباحث توسعه دارد؟

ببینید ما این سؤال را فعلا مسکوت می‌گذاریم؛ دلیلش این است که الان درک تفصیلی از الگوی پیشرفت و انقلاب وجود ندارد و اگر با این شرایط وارد مقایسه شویم و دنبال اشتراکات و اختلافات بگردیم؛ در واقع بین دو مطلب، که یکی از آنها تفصیلی و یکی از آنها اجمالی است، مقایسه کرده‌ایم. بنابراین الان وقت این بحث نیست. الان باید به تبیین تفصیلی مسلمات الگوی پیشرفت اسلامی بپردازیم. وقتی درک مبتنی بر پیشرفت اسلامی و محاسبات انقلاب تفصیل پیدا کرد؛ آن موقع می‌شود به سؤال شما پاسخ داد. اگر الان این کار را بکنید به اسم جواب‌دادن به این سؤال و به اسم بیان اشتراکات میان توسعه و پیشرفت، به تبیین بیشتر توسعه کمک کرده‌ایم. بسیاری از دوستان رسانه‌ای به این مسئله توجه نمی‌کنند.

شهرآرا: در این اتفاقات به نظر می‌رسد هرچقدر جزئی‌تر بتوانیم صحبت کنیم برای خودمان هم بهتر است. ما در روزنامه اهتمام داریم روی بحث‌های مدیریت شهری. می‌خواهم بگویم این نظریات که شما می‌فرمایید در همین سطح خرد باید خودش را نشان بدهد و برای همین مدل مدیریت شهری برنامه بدهد یا نه شما می‌گویید فقط می‌آییم الگویی بحث می‌کنیم یا روش می‌دهید که خودتان بروید استخراج کنید. الان در حال حاضر شهر مشهد چالش‌های مختلف فرهنگی داریم. یکی از بحث‌هایی که داریم و عده‌ای از مدیران شهری با آن موافقند البته مخالفند همه ولی آن‌هایی که موافقند به ناچار موافقت کردند. مثلا بلندمرتبه‌سازی‌ها، لوکس‌سازی‌ها و تجاری‌سازی‌ها در حاشیه شهر ایراد دارد و باعث چالش هویتی در منطقه می‌شود. دوستان حرف‌های ما را قبول دارند و این دوستان شاید از همان مسئولان خوب باشند ولی مجبورند چون الگویی به آن‌ها داده نشده است یا اینکه اشکال محاسباتی را دارند انجام می‌دهند. الان در بحث‌های اقتصاد شهری، شهر ایرانی اسلامی کار شده است یا نه. یعنی شهری که با مدیریت اقتصاد ایرانی اسلامی بخواهد شکل بگیرد چطور شهری است و چطور اقتصادی باید حاکم باشد و شاخص‌های آن را بگویید.

ما در اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی ۸۱ مسئله را تحلیل کرده‌ایم و ۲۷ بسته جدید را داریم با زاویه الگوی پیشرفت اسلامی تحلیل می‌کنیم. اساسا اگر الگوی پیشرفت اسلامی به حل مسئله نرسد، نمی‌تواند مشکلی را حل کند. یک قدم بالاتر می‌روم و می‌گویم اگر کسی ادعا کرد الگوی پیشرفت اسلامی را جلو می‌برد؛ ولی در عمل به ارائه راه حل برای مسائل نرسید؛ این جریان در واقع دارد فرآیند مدرنیزاسیون در ایران را تقویت می‌کند. ما با کلی‌گویی راجع به انقلاب مشکل داریم اگر این جریان خود را اصلاح نکند؛ کشتی انقلاب بیشتر به سمت مدرنیزاسیون می‌رود. البته راه فهماندن به این دوستان



این نیست که بگوییم چرا دارید کلی گویی می‌کنید؛ بلکه راهش این است که مثلاً در مورد مسئله شهرسازی از آن‌ها راه حل مطالبه کنیم.

من سؤالی از دوستانی که تراکم می‌فروشد دارم. مثلاً در کوچه ده متری به بهانه اینکه درآمد شهری ندارید تراکم می‌فروشید. با فروش تراکم تمرکز جمعیتی ایجاد می‌شود، ولی شما فقط می‌آیید به این فکر می‌کنید که شهر درآمد داشته باشد! با این کار جمعیت کوچه افزایش پیدا می‌کند و هزینه‌های اجتماعی و مشکلات در این کوچه بالا می‌رود. البته بعداً مجبور می‌شوید بابت حل این مشکلات هزینه کنید. حالا بنشینید حساب کنید بین پولی که از فروش تراکم به دست می‌آورید و پولی که برای حل اینطور مشکلات باید هزینه و خرج کنید. ما با مبنای شما حرف می‌زنیم؛ می‌گوییم طوری درآمدزایی نکنید که مجبور شوید بعدها ده برابر آن را هزینه کنید و با این حال نتوانید مشکلات ناشی از تمرکز جمعیتی را اصلاح کنید.

حال باید چه کرد؟ اگر بخواهیم این مسئله و مسائل مشابه را حل کنیم باید به سمت تعریف اثباتی از شهر اسلامی برویم. اگر تعریفی از شهر اسلامی نداشته باشیم، در بهترین وضعیت تبدیل می‌شویم به منتقد محض. چون نظریه نداریم مجبوریم فقط انتقاد کنیم. البته انتقاد هم سطحی از کار است؛ ولی من انتقاد این است که سطح‌های دیگر کار را چکار می‌کنید؟

در اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی ارکان شهرسازی اسلامی را بحث کرده‌ایم. مدیریت شهر اسلامی از نظر ما محله‌محور است؛ یعنی شهر به نظامی از محلات تفکیک می‌شود و مدیریت متمرکز را در شهر نمی‌پذیریم. محله هم به محل ارائه خدمات به خانوار تعریف می‌شود. سید نیازهای اقتصادی، آموزشی، امنیتی، روانی، تفریحی خانوار باید در محله عرضه شود. این اساس کار در مدیریت شهری می‌باشد.

اولین فایده این مدل، کاهش سفرهای درون‌شهری است. اگر شما به سمت درست کردن محله بروید دومین فائده‌اش این است که **تَعَرُّفٌ**^{۲۴} بالا می‌رود؛ یعنی چون سعی می‌شود تمام خدمات در محله ارائه بشود، افراد نسبت به هم آشناتر می‌شوند و به همین دلیل خودکنترلی ایجاد می‌شود. با محله‌محوری **تَعَرُّفٌ** زیاد می‌شود و **تَعَرُّفٌ** امنیت و ده‌ها آثار خوب دیگر را بالا می‌برد. اگر بخواهیم این کار را اجرایی کنیم، باید در گام اول آنچه از نیازهای خانوار که امکانش هست را در محله ارائه دهیم و بعد برای بقیه نیازها زیرساخت ایجاد کنیم. الان درست است که صنایعی داریم که باید بیرون شهر باشد ولی مثلاً تحصیل فرزند را می‌شود در محله نگه داشت. با همین کارها چقدر هزینه خانوار کاهش پیدا می‌کند؟ تقویت زیرساخت‌ها و رویه‌های مرتبط با محله‌محوری پیشنهاد "اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی" می‌باشد.

در مقابل جریان توسعه‌گرا به دنبال ارائه خدمات به شکل متمرکز است. آمده‌اند و می‌خواهند متمرکز خدمات ارائه بدهند و برای تحقق این مسئله و رفع مشکلاتش به دنبال گسترش دولت الکترونیک در جامعه هستند. اولاً بعضی خدمات -مانند خدمات آموزش را- نمی‌توان و نباید به صورت مجازی ارائه داد و ثانیاً اگر دولت الکترونیک تعمیم لازم را پیدا کند برای مقابله با مشکلات امنیتی آن ناگزیر هستیم تا تدابیر خاصی را انجام دهیم. یکی از این تدابیر تعریف IP اختصاصی برای افراد است. IP در واقع کلید ورود شما به دولت الکترونیک هست و عملاً آزادی انسان را نفی و حریم خصوصی را به چالش می‌کشد. من از دوستان توسعه‌گرای مدرن‌مان تعجب می‌کنم که از یک طرف شعار اصلی مدرنیته را آزادی می‌دانند و از یک طرف آمده‌اند سیستمی را طراحی کرده‌اند که تأمین ساده‌ترین نیازها را تحت کنترل دولت قرار می‌دهد! مهم‌ترین عارضه پذیرش دولت الکترونیک این است که وقتی به تدریج احساس کنید تحت کنترل هستید ابتکار و خلاقیت‌تان زیر سؤال می‌رود.

شهرآرا: برای بحث شهر اسلامی چه پیشنهادی دارید. چون عملاً مخاطب ما مدیریت شهری است و اگر شما بخواهید پشتیبانی برای انقلاب اسلامی درست کنید همین مدیریت شهری است.

مهمترین مسئله مرتبط با مدیریت شهری، اصلاح مدل قانون‌گذاری کشور است. طبق برخی مطالعات و آمارها ما ۱۸۰ مرجع قانونی داریم و همچنین ۰۸ سال هم سابقه قانون‌گذاری در مجلس را داریم. ما حجم وسیعی قانون داریم و وقتی قانون متکثر

۲۴. شناخت طرفینی گسترده بین افراد



شد اولین عیبش این است که قابلیت آموزش ندارد و عملاً اجرایی نمی‌شود. دلیلش را می‌توانید از قضات سؤال کنید؛ در بسیاری از پرونده‌ها شخص مجرم اطلاع نداشته که فلان مسئله خلاف قانون است. ضمن اینکه حتی اگر به سمت اطلاع‌رسانی بروید مشکل دیگری ممکن است به وجود بیاید. ممکن است طرف با خبر شود ولی میلی به اجرای قانون نداشته باشد. دقت کنید؛ وقتی مردم خودشان را در تله‌هایی از قانون و مقررات ببینند از این تحکّم‌ها خسته می‌شوند. البته از دل کثرت قوانین مشکل سومی هم به وجود می‌آید؛ قوانین متعارض می‌شوند. مثال این فقره در حوزه شهرسازی زیاد است و مدیریت مقررات را در هر بخشی که به نفع مدیریت باشد اجرا می‌کنند. عرض بنده این است که ما نباید وقتی با بحران روبه‌رو می‌شویم همه‌اش به سمت اورژانسی عمل کردن برویم و زود برایش قانون وضع کنیم. مقررات‌زدائی لازمه محله‌محوری و مدیریت غیر متمرکز است.

شهرآرا: سؤال آخر در این طرح و بحث‌ها اینکه شما فرمودید اقتصاد اسلامی را ببریم در اقتصاد شهری فکر نمی‌کنم کاربردی باشد و شما می‌گویید همه چیز باید با هم پیش برود خب خیلی به ندرت پیش می‌آید که همه چیز با هم پیش برود. مثلاً فرض بفرمایید من می‌خواهم الگوی شما را بگیرم و در همه بخش‌ها اجرا کنم، آیا مقاومتی صورت نمی‌گیرد، نباید خط زمانی تعریف شود. در بخش توسعه به مدل‌هایی مثل پدیده و این‌ها ناگزیریم به سمتشان برویم در مواجهه با این، این الگو چطور می‌خواهد برخورد بکند؟

ببینید بین مقام تبیین الگوی پیشرفت اسلامی و عمل به آن تفکیک قائل بشوید تا مسئله واضح شود. بنده عرض می‌کنم تبیین شهرسازی اسلامی بر اساس این الگو وابسته به این است که از بخش‌های مختلف ورودی بگیریم. اگر از مسائل تأثیرگذار بر شهرسازی-مثل اصلاح مدل قانون‌گذاری- غفلت کنیم؛ شهرسازی اسلامی به نتیجه نمی‌رسد. مثلاً در مدل اقتصادی که حول حرم امام رضا علیه السلام است باید اصلاحاتی صورت بگیرد. تا وضعیت شهرسازی مشهد اصلاح شود و ما الان می‌توانیم راجع به این الگو بحث کنیم. صحبت کردن راجع به ابعاد مختلف مدیریت شهری به ساخت تصویر راجع به این موضوع کمک می‌کند.

شهرآرا: در بحث اقتصاد اسلامی و اقتصاد شهری خود، استفاده از سرمایه‌های خرد مردمی و اقتصاد مردمی نکاتی مطرح شده است؟

باید تجمیع سرمایه به محوریت بخش‌وقف را جدی گرفت. در وقف سرمایه‌ای هست که می‌تواند خیلی از مشکلات را حل کند. ما حرف اولمان در بخش اقتصاد تلاش برای تغییر در مدل تشکیل سرمایه است؛ که این را بعداً شرح می‌دهم. فقط یک مثال می‌زنم: طبق محاسبات، ۶۰ یا ۷۰ درصد سهم درآمدهای مردم به بخش مسکن اختصاص می‌یابد و با توجه به اینکه وقف بیشتر در املاک تحقق می‌یابد، با جهت‌دادن به آن می‌توان، با همین درآمد فعلی وقف -اگر طرح‌هایی نوشته شود- چند هزار مسکن ایجاد کرد و بار عظیمی از مشکلات مردم را حل نمود.

با تشکیل سرمایه حول وقف در بخش مسکن امید زیادی در دل مردم زنده می‌شود. جوانان با حل نسبی مشکل مسکن بیشتر به ازدواج ترغیب می‌شوند و انگیزه واقفان هم ارتقاء می‌یابد. البته این کارها علاوه بر تبیین نظریه بنگاه‌های وقف‌محور^{۲۵} به لوازمی همچون تشکیل واحدهای مشاوره‌ای وقف و طراحی مدل‌های محله‌سازی و... نیاز دارد که باید به صورت تفصیلی تبیین شود. در خاتمه عرایضم از نخبگان مشهد و جبهه فکری انقلاب اسلامی خواهش می‌کنم -بعد از ۹ سال- زمینه بسط گفتمان الگوی پیشرفت اسلامی را در جامعه فراهم آورند. تا در سایه این کار مبارک محاسبات شهری و سطح کلان دولت بهینه شود.



۱۱. گفتگوی حجت الاسلام علی کشوری با پایگاه ۵۹۸: تبیین سطوح چهارگانه پیوست الگوی پیشرفت برای برنامه ششم / تغییر

محتوای آموزشی در آموزش و پرورش به محوریت تقویت نهاد خانواده پیشنهادی برای مقاوم سازی فرهنگ

یکشنبه ۲۹ شهریور ۱۳۹۴

بسم الله الرحمن الرحيم

متن گفتگوی حجت الاسلام علی کشوری با پایگاه خبری تحلیلی ۵۹۸ درباره پیوست الگوی پیشرفت در برنامه ششم: به گزارش سرویس سیاسی پایگاه ۵۹۸، بر اساس بند نخست برنامه پنجم کشور دولت مؤظف گردیده است تا برنامه ششم را بر اساس لایحه الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت تدوین نماید. موضوعی که تاکنون با برخورد تشریفاتی دولت روبرو شده است و کارشناسان امر بر این باورند که تنها راه خروج برنامه ششم از بن بست توسعه‌گرایی، توجه نظام برنامه‌ریزی کشور به فعالیت‌های صورت گرفته حول محور الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت می باشد.

حجت‌الاسلام علی کشوری دبیر شورای راهبردی الگوی اسلامی پیشرفت که در سال‌های گذشته با تمام توان به گفتمان‌سازی و تبیین مسئله الگوی اسلامی پیشرفت در دانشگاه‌ها و محیط‌های نخبگانی کشور پرداخته است چندی پیش در پیشنهادی به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی از تدوین پیوست الگوی پیشرفت برای برنامه ششم توسعه خبر داد. در همین خصوص به منظور بررسی پیشنهادات این شورا برای برنامه ششم توسعه کشور با ایشان به گفت‌وگو نشستیم که متن آن به شرح ذیل می باشد:

پاسخ به سؤال الگوی پیشرفت اسلامی چه پیشنهادی برای برنامه ششم دارد؟ اولویت برنامه‌های گفتمانی شورای راهبردی

الگوی پیشرفت اسلامی در سال ۱۳۹۴

از ابتدای امسال سعی ما در شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی بر این بود که به صورت تفصیلی یک سؤال و پاسخ آن را در فضای کشور مطرح کنیم؛ به نظر ما پاسخ به این سؤال منجر به افزایش درک از الگوی پیشرفت اسلامی در میان نخبگان و مدیران می‌شود. اگر اجازه دهید من این سؤال و ضرورت این سؤال و بعد هم جواب آن را مطرح کنم. سؤال این است که: پیشنهاد الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم کشور چیست؟

دلایل اهمیت یافتن سؤال فوق

به ۳ دلیل عمده توجه به این سؤال به عنوان یک موضوع اصلی توجیه می‌شود: دلیل اول این است که با توجه به تاریخ ۷۰ساله برنامه‌ریزی در ایران و اینکه نیمی از این ۷۰ سال بعد از انقلاب اسلامی بوده و اینکه ادبیات برنامه‌ریزی در فضای بعد از انقلاب تفاوت چندانی با ادبیات برنامه‌ریزی در قبل از انقلاب ندارد؛ به تدریج دارد این تلقی ایجاد می‌شود که انقلاب اسلامی برای حوزه برنامه‌ریزی حرف جدیدی ندارد. یعنی با اینکه شعارهای بعد از انقلاب بسیار متفاوت با آرمان‌ها و شعارهای قبل از انقلاب است و با توجه به اینکه انقلاب اسلامی در حوزه‌های مختلفی تحول ایجاد کرده؛ ولی پذیرش ادبیات توسعه در سازمان برنامه‌ریزی کشور این تلقی را ایجاد کرده؛ که تفکر انقلاب -تأکید می‌کنم انقلاب اسلامی یک تفکر است- در حوزه برنامه‌ریزی ایده جدیدی ندارد! بعد از انقلاب و در دوران دفاع مقدس ما به برنامه‌های توسعه مبتلا نبوده‌ایم ولی بعد از این وقفه و با آغاز دوران سازندگی همان مسیر قبلی برنامه‌ریزی را با تغییراتی و بر اساس تفکر توسعه دنبال کرده‌ایم.

بنابراین اگر جریان نیروهای انقلاب اسلامی امثال این سؤالات را به صورت جدی مطرح نکنند؛ این سؤال به صورت جدی مطرح می‌شود که آیا انقلاب اسلامی برای حوزه برنامه‌ریزی نظریه‌ای دارد یا خیر؟ ۵ برنامه بعد از انقلاب نوشته شده و اکنون هم در حال تنظیم ششمین برنامه هستیم، وقتی شما این احکام و برنامه‌ها را در این ۵ برنامه بعد از انقلاب بررسی می‌کنید مشاهده می‌شود که عمده این اهداف و برنامه‌ها رویکرد توسعه به معنای غربی آن را دنبال کرده‌اند و البته برنامه‌های قبل از انقلاب هم همین حالت را دارند. بنابراین اگر این مسیر ادامه پیدا کند این گزاره جا می‌افتد که انقلاب اسلامی برای حوزه برنامه‌ریزی کشور برنامه خاصی ندارد. این دلیل اولی است که درستی سؤال فوق الذکر را توجیه می‌کند. به عبارت بهتر ما با

طرح این سؤال داریم به تدریج ویژگی‌های برنامه‌ریزی مد نظر انقلاب اسلامی را شرح می‌دهیم؛ تا به تدریج این تلقی غلط زدوده شود.

دلیل دوم - که در واقع ذیل دلیل اول معنا پیدا می‌کند - این است که اکنون ۹ سال از طرح گفتمان الگوی پیشرفت اسلامی در کشور می‌گذرد (ابتدای این ۹ سال سخنرانی آیت‌الله امام خامنه‌ای علیه‌السلام در دانشگاه سمنان با موضوع الگو است) و چون محور بحث گفتمان الگوی پیشرفت اسلامی ایجاد تحول در حوزه برنامه‌ریزی کشور است؛ به صورت طبیعی این انتظار ایجاد شده است که الگوی پیشرفت اسلامی چه طرح‌هایی برای تدبیر برنامه‌ها دارد؟ اگر ما به این انتظار پاسخ ندهیم به تدریج امیدهای ایجاد شده برای تغییر در نظام تصمیم‌سازی کشور کم‌رنگ می‌شود. به عبارت بهتر ما در حال مقابله با این گزاره هستیم که بگویند الگوی پیشرفت اسلامی حرف اثباتی برای حوزه عمل ندارد؛ و بهترین مقابله هم این است که حرف اثباتی الگوی اسلامی پیشرفت برای برنامه ششم را تشریح کنیم. با بررسی پیوست الگوی پیشرفت برای برنامه ششم تا حدی تفاوت حرف‌های اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی با حرف‌هایی که دیگران به صورت کلی راجع به الگوی پیشرفت اسلامی می‌زنند واضح می‌شود. باید غرض نیروهای اردوگاه انقلاب اسلامی این باشد که اثبات کنند؛ الگوی پیشرفت اسلامی از حالت کلی خارج شده و به فضای کاربردی و عملیاتی رسیده است. اساساً یکی از دلایلی که باعث شده جریان توسعه‌گرا - یا بعضی از دوستان - احساس کنند که شاید الگوی پیشرفت اسلامی نتواند حرف اثباتی و همه‌جانبه‌ای در حوزه برنامه‌ریزی بزند؛ همین کلی‌گویی‌های آقایان درباره الگوی پیشرفت است. ما مکرر در نوشته‌جات و در جلسات گفته‌ایم دو خطر جریان گفتمان الگوی پیشرفت اسلامی را تهدید می‌کند؛ یکی خطر یکسان‌انگاری توسعه غربی و پیشرفت اسلامی - یعنی یک عده‌ای بیایند و بگویند مسیر پیشرفت همین مسیری است که غرب رفته است - و دیگری هم خطر کلی‌گویی راجع به الگوی پیشرفت اسلامی و اظهارات غیر کاربردی در این حوزه.

بنابراین با طرح سؤال الگوی پیشرفت چه پیشنهادی برای برنامه ششم دارد؟ در واقع داریم به انتظارات نخبگان از گفتمان الگوی پیشرفت اسلامی پاسخ می‌دهیم و جلوی حرکت‌های شعاری و حرکت‌های التقاطی در این حوزه صف‌آرایی می‌کنیم. این دومین دلیلی است که درستی و اولویت سؤال فوق را اثبات می‌کند البته توجه بفرمایید که این انتظار از الگوی پیشرفت برای برنامه هفتم به صورت جدی‌تری مطرح خواهد شد و این یعنی حداقل قضیه این است که ما داریم زمینه‌سازی می‌کنیم برای اینکه این انتظار در ۴ سال آینده یک پاسخ مطمئنی پیدا کند. با این نگاه حداقلی هم می‌توانید پیشنهاد ما را ارزیابی کنید. دلیل سومی که ما را مجاب کرد امسال به طور جدی به این سؤال پاسخ بدهیم این است که: به دلیل وجود مشکلات اقتصادی و فرهنگی نگران شدیم که مسئله مقاومت‌سازی فرهنگ و اقتصاد در برنامه ششم نادیده گرفته شود. باید مراقبت کنیم امسال محورهای مرتبط با مقاومت‌سازی فرهنگی و اقتصادی در برنامه ششم حتماً گنجانده شود. این هم دلیل سومی است که ارائه پیوست الگوی پیشرفت برای برنامه ششم را توجیه می‌کند. به این ۳ دلیل اگر به این سؤال نپردازیم؛ کشور دچار زیان خواهد شد.

تبیین سطوح چهارگانه پیوست الگوی پیشرفت برای برنامه ششم

این‌ها دلایل اهمیت داشتن این سؤال است و از این قسمت به بعد سعی می‌کنم پاسخ این سؤال مهم را شرح دهم. به فضل الهی مسیر قابل هدایتی برای گنجاندن پیوست الگوی پیشرفت اسلامی در برنامه ششم وجود دارد و رسانه‌ها هم باید تلاش بیشتری داشته باشند تا این پیوست تبیین شود. همانطور که عرض کردم ما پیوستی برای برنامه ششم موسوم به پیوست الگوی پیشرفت پیشنهاد داده‌ایم؛ که این پیوست در درون خودش شامل ۴ سطح بحث است. این ۴ سطح بحث اگر مرور و مطالعه شود درک از الگوی پیشرفت اسلامی یک قدم ارتقا پیدا می‌کند و در واقع این پیوست، نوعی نمونه‌سازی با نگاه الگوی اسلامی محسوب می‌شود. به عبارت روشن‌تر ما در یک حوزه مشخص آمده‌ایم و الگوی پیشرفت اسلامی را به محصول رسانده‌ایم. البته ما بعد از اینکه نمونه اول را طراحی کردیم نمونه‌سازی دوم را در حوزه تبیین مدیریت شهری با زاویه دید الگوی پیشرفت آغاز



کرده‌ایم؛ که به فضل الهی در آینده محورهای آن را تشریح خواهیم نمود. در مجموع این نمونه‌سازی‌ها به پرورش الگوی پیشرفت مدد می‌رساند.

تبیین انتظار انقلاب اسلامی از حوزه برنامه‌ریزی کشور؛ لایه اول پیوست الگوی پیشرفت برای برنامه ششم

همانطور که عرض شد: پیشنهاد الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم دارای چهار سطح بحث است و هر کدام از این سطوح چهارگانه در قالب یک سؤال و جواب مطرح می‌شود. مرور این بسته‌های بحثی منجر به فهم بهتر فرآیند برنامه‌ریزی با نگاه الگوی پیشرفت اسلامی می‌شود.

سؤال اول این است که اساسا انتظار انقلاب اسلامی از حوزه برنامه‌ریزی چیست؟ به هر حال وقتی شما با برنامه‌ریزی مبتنی بر توسعه مخالفت می‌کنید افکار عمومی از شما انتظار دارد که به صورت کلی و در گام اول، افق برنامه‌ریزی مبتنی بر تفکر الگوی پیشرفت و انقلاب را تحلیل کنید. در اولین گام باید بگویید انقلاب اسلامی از حوزه برنامه‌ریزی چه می‌خواهد؟ برای اینکه سؤال اول جواب پیدا کند؛ ما ناگزیریم ۳ بحث را به عنوان مقدمه مطرح کنیم. به عنوان مقدمه اول باید مراحل تکامل انقلاب اسلامی را بحث کنیم. می‌دانیم که مبتنی بر گفتمان انقلاب اسلامی برای تحقق تام آرمان‌های انقلاب، پنج گام تاریخی تعریف شده است. یعنی ۵ مرحله فعالیت اجتماعی باید داشته باشیم؛ تا نتیجه‌اش بشود تحقق کامل اهداف انقلاب اسلامی.

مرحله اول: مرحله انقلاب اسلامی است. مرحله دوم: مرحله نظام اسلامی است. مرحله سوم: مرحله دولت اسلامی است. مرحله چهارم: مرحله جامعه اسلامی است و مرحله پنجم: مرحله تمدن اسلامی است. این ۵ مرحله را ما در گفتمان انقلاب اسلامی داریم و در هر مرحله باید یک ابر مسئله را در دستور کار قرار دهیم تا یک قدم به سمت تحقق شاخصه‌های هویت اسلامی نزدیک شویم.

مبتنی بر این تحلیل مراحل، اکنون ما در مرحله دولت اسلامی هستیم، یعنی ما از ابتدای انقلاب ۲ مرحله را طی کردیم و آینده ما هم مرحله جامعه اسلامی و مرحله امت اسلامی است. استدلال‌های این بحث در گفتمان انقلاب اسلامی موجود است و دوستان می‌توانند برای فهم بهتر بحث به آنجا رجوع کنند. در واقع آقا ۴ بار در سخنرانی عمومی راجع به این موضوع بحث کرده‌اند و فرموده‌اند ما برای تحقق کامل شاخصه‌های هویت اسلامی باید این حرکت تدریجی پنج مرحله‌ای را طی کنیم و در هر مرحله هم به نتایجی می‌رسیم. اینکه ما در مرحله دولت‌سازی با نگاه اسلام هستیم؛ مقدمه اول بنده برای پاسخ به سؤال اول است.

مقدمه دوم این است که مفهوم دولت اسلامی به صورت تفصیلی معنایش چیست؟ در اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی مبتنی بر ادبیات انقلاب، مرحله دولت‌سازی را به "مرحله نظام‌سازی اجتماعی همه‌جانبه با نگاه اسلام" معنا کرده‌ایم. سه قید در تعریف نقشه راه وجود دارد: قید اول این است که باید در مرحله دولت اسلامی نظام‌سازی اجتماعی داشته باشیم. نظام‌سازی اجتماعی یعنی چه؟ باید بدانیم در بخش‌های مختلف روال‌ها و نظم‌های موجود در زندگی مردم نیازمند بازتعریف و تغییر است. به طور مثال الان یک روال و نظمی برای آموزش وجود دارد، تفکر دولت‌سازی اسلامی بیان می‌کند که روال و نظم موجود در حوزه آموزش نیاز به تحول دارد. چون در روال موجود آموزش ما نمی‌توانیم افراد را با سبک زندگی اسلامی آشنا کنیم؛ پس باید این روال را متحول کنیم. شبیه همین اتفاقی که در حوزه آموزش لازم است باید در حوزه اقتصاد هم رقم بخورد؛ یعنی چون در روال و نظم موجود برای حوزه اقتصاد و معیشت مردم، معایبی مانند ایجاد فاصله طبقاتی، گسترش ربا، گسترش تفکر مصرفی و... وجود دارد؛ این روال و نظم باید تغییر کند. بنابراین زمانی که می‌گویید: در مرحله دولت‌سازی اسلامی به دنبال چه هستید؟ می‌گوییم: در مرحله دولت‌سازی اسلامی به دنبال این نیستیم که فقط خواسته‌های اسلام را استنباط و تبیین کنیم؛ بلکه به دنبال این هستیم که مبتنی بر درک تبیین‌شده خودمان از اسلام روال‌های اجتماعی را تغییر دهیم. ضرورت



بازتعریف نظامات اجتماعی، حرف اول نظریه دولت اسلامی است. نظام‌سازی اجتماعی بر اساس اسلام یعنی اینکه؛ غلط است فقط به تبلیغ و تبیین اسلام بپردازیم و باید به تحقق اسلام فکر کنیم.

در تعریف ما از مرحله دولت اسلامی قید دومی هم وجود دارد: نظام‌سازی اجتماعی همه‌جانبه. با این قید، نظام‌سازی اجتماعی را به صورت بخشی نفی می‌کنیم. نداشتن نقشه جامع برای فعالیت‌ها یک آفت بزرگ است. نگرش بخشی به تغییر نظامات اجتماعی در میان نیروهای انقلاب زیاد است. برای مثال بسیاری از نیروهای انقلاب به این نتیجه رسیده‌اند که نظام آموزشی دارای معایبی است و تلاش می‌کنند که روال اجتماعی را در حوزه آموزشی تغییر دهند ولی دوستان ما از این مسئله غفلت کرده‌اند که نظامات اجتماعی بر یکدیگر تأثیر دارند. اگر شما فقط شروع به تغییر یک بخش کنید بخش‌های دیگر آثار منفی خود را بر بخش مورد نظر نشان می‌دهد و حرکت اصلاحی بخشی ابتر می‌ماند.

البته با این قید همه‌جانبه ما می‌خواهیم بگوییم که ما در مرحله نظام اسلامی هم نیستیم. زیرا امام راحل عظیم‌الشأن وقتی از مرحله انقلاب اسلامی عبور کردند - یعنی وقتی رژیم شاه را ساقط نموده و اختیارات اجتماعی را به دست گرفتند - در ۱۰ حوزه نظام‌سازی انجام دادند. ایشان از اختیارات خودشان استفاده کرده و در ۱۰ بخش روال اجتماعی که قبلاً تعریف شده بود را تغییر دادند. فرض کنید در حوزه دفاعی امنیتی یک نظم مشخصی برای ایجاد امنیت وجود داشت که به دلیل ناکارآمد بودن؛ امام با استفاده از تفکر بسیج مردمی آن را تغییر داد. امروز حوزه دفاعی امنیتی نظم جدیدی دارد. همچنین امام در حوزه رهبری جامعه، ساختارهای حکومتی را ذیل ولایت ولی امر و ولایت ولی فقیه باز تعریف نمود. همچنین به عنوان نمونه‌ای دیگر ایشان در حوزه خدمات اجتماعی و محرومیت‌زدایی در ضمن اینکه بهزیستی و هلال احمر و... را حفظ کردند؛ جهاد سازندگی و کمیته امداد و امثال آن را راه انداختند. بنابراین چون ایشان در ابتدای کار بودند بر اساس تفکر نظام‌سازی اجتماعی در ۱۰ حوزه نظام‌سازی اجتماعی انجام دادند و روال اجتماعی را در این ۱۰ حوزه تغییر دادند. حال ما در دوره دولت‌سازی می‌خواهیم همین تفکر نظام‌سازی اجتماعی را در همه بخش‌ها پیگیری کنیم. چون مرحله نظام اسلامی، آغاز کار نظام‌سازی اجتماعی بود در بعضی از مهم‌ترین "موضوعات جهت‌ساز" امام راحل نظام جدیدی را ایجاد کردند. پس با قید همه‌جانبه، هم می‌خواهیم به تفاوت مرحله دوم و مرحله سوم انقلاب اشاره کنیم و هم می‌خواهیم به نا کارآمدی حرکت‌های بخشی در مرحله دولت‌سازی اشاره کنیم.

ما یک قید سومی هم در تعریف دولت‌سازی آورده‌ایم و آن نظام‌سازی اجتماعی همه‌جانبه براساس اسلام است. تأکید می‌کنم ما با این قید می‌خواهیم از تفکر سیستمی فاصله بگیریم، حتی به نظر من وقتی ما از کلمه نظام‌سازی اجتماعی استفاده می‌کنیم، این کلمه را از روایت امام رضا علیه السلام در تعریف مقام امامت گرفته‌ایم. امام رضا علیه السلام می‌فرمایند "الامامه نظام المسلمین...". ولی بعضی از دوستان برای تفکر دولت‌سازی از تفکر سیستمی استفاده می‌کنند. ما با قید سوم به آن دوستان متذکر می‌شویم که نظام‌سازی غیر از سیستم‌سازی است.

مقدمه سومی که می‌خواهم عرض کنم و با استفاده از آن انتظار انقلاب اسلامی از حوزه برنامه‌ریزی را تبیین کنم، تحلیل وضعیت نظریه دولت اسلامی است. اساساً این سؤال مطرح است که اکنون نظریه دولت اسلامی در چه وضعیتی قرار دارد؟ آیا نظریه دولت اسلامی الان در کتابخانه‌هاست (یعنی نظریه غیر کاربردی است؟) آیا نظریه دولت‌سازی الان با روی کار آمدن دولت یازدهم متوقف شده است و یا در مرحله اجرا قرار دارد؟ بر اساس مطالعات، نیروهای انقلاب بر اساس فکر دولت‌سازی الان مشغول ۴ بسته کاری هستند و این نظریه به دلیل ماهیت جامعه‌شناختی خویش علی‌رغم تلاش جریان توسعه‌گرا به حیات خود ادامه می‌دهد.

بسته اول فعالیت‌هایی که تحت اشراف آیت‌الله امام خامنه‌ای علیه السلام و بر اساس نظریه دولت‌سازی اسلامی انجام می‌گیرد: اثبات دائمی ناکارآمدی نظامات مدرن و تفکر توسعه‌گراست. این خط کاری که در کشور الان انجام می‌شود؛ در واقع به عنوان مقدمه



و زیرساخت نظری برای دولت‌سازی اسلامی عمل می‌کند. فعالیت‌های مرتبط با اثبات ناکارآمدی تفکرات توسعه‌گرا خودش شامل سه دسته است:

اولین کاری که آیت‌الله امام خامنه‌ای علیه السلام دائماً به کمک نیروهای جبهه‌ی انقلاب انجام می‌دهند این است که به ادبیات توسعه نقد گفتمانی می‌زنند. به عنوان مثال وقتی ایشان در نشست اندیشه‌های راهبردی از عدالت صحبت می‌کنند در واقع یک اشکال به تفکرات توسعه‌گرا وارد می‌کنند و می‌گویند توسعه قدرت تحقق عدالت را ندارد. همچنین با نامگذاری سال‌ها و دهه‌ها -مانند نامگذاری دهه چهارم انقلاب به دهه عدالت و پیشرفت- فضای گفتمانی ضد توسعه را در جامعه گسترش می‌دهند.

دسته دوم فعالیت‌هایی که برای اثبات ناکارآمدی تفکرات توسعه‌گرا و نظام‌سازی مدرن الان در حال انجام است؛ چارچوب‌گذاری برای فعالیت جریان توسعه‌گرا در قالب ابلاغ سیاست‌های کلان است. مثلاً ایشان در بخش برنامه ششم کشور اعلام کردند که من این سیاست‌ها را با نگاه مقاوم‌سازی فرهنگ ابلاغ کرده‌ام. یا در دوره‌های قبل که آقا سیاست‌ها را ابلاغ کردند بر مسئله عدالت بسیار تأکید نمودند. این سیاست‌ها ابلاغ می‌شود ولی ذیل آن‌ها احکام برنامه متناسب از سوی جریان توسعه‌گرا پیشنهاد نمی‌شود و این خودش می‌شود اثبات ناکارآمدی جریان توسعه‌گرا. وقتی این جریان بعد از چند برنامه توسعه می‌گوید اول توسعه بعد عدالت؛ یعنی اینکه من برای عدالت برنامه ندارم. اول توسعه بعد عدالت شعار است؛ چون در آمریکای توسعه‌یافته ۵۰ میلیون نفر کوپن غذا می‌گیرند و قیام وال استریت راه می‌افتد. اگر میوه توسعه عدالت بود الان در توسعه‌یافته‌ترین کشور دنیا عدالت وجود داشت.

دسته سوم فعالیت‌هایی که برای اثبات ناکارآمدی تفکرات توسعه‌گرا و نظام‌سازی مدرن در حال انجام است: میدان تست و آزمایش دادن به تفکر توسعه‌گراست. آخرین نمونه کاری از این نوع -که آیت‌الله امام خامنه‌ای علیه السلام به همراه جریان گسترده نیروهای انقلاب انجام داده‌اند- پروژه نرمش قهرمانانه در حوزه سیاست خارجی است. این پروژه در واقع نوعی محک برای کارآمدی تفکرات توسعه‌گرا و نظریه سیاست خارجه توسعه‌گرا محسوب می‌شود.

بسته دوم فعالیت‌هایی که نیروهای انقلاب به رهبری آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام جهت پیشبرد نظریه دولت اسلامی انجام می‌دهند عبارت است از تکمیل نظام‌سازی‌های اجتماعی دوره‌ی امام راحل عظیم‌الشأن. همان ۱۰ حوزه‌ای که امام راحل عظیم‌الشأن در آن نظام‌سازی انجام دادند؛ در زمان آیت‌الله امام خامنه‌ای علیه السلام به کمک نیروهای انقلاب در حال تکمیل است. فرض بفرمائید اگر بخواهیم رشد بسیج و سپاه را از حیث کارآمدی و قدرت با اول انقلاب مقایسه کنیم، رشد آن کاملاً واضح است. بنابراین کار دومی که نیروهای انقلاب الان انجام می‌دهند، تکمیل نظام‌سازی‌های دوران امام راحل است که این هم ذیل نظریه دولت اسلامی انجام می‌شود. شرح این بسته کاری نیاز به فرصتی جداگانه دارد.

بسته سوم فعالیت‌هایی که نیروهای انقلاب به رهبری آیت‌الله خامنه‌ای در راستای تحقق نظریه دولت اسلامی انجام می‌دهند عبارت است از آغاز نظام‌سازی اجتماعی در حوزه‌های جدید. بر اساس نظریه دولت‌سازی در حوزه‌ی فرهنگ، حوزه آموزش و حوزه اقتصاد، نظام‌سازی اجتماعی آغاز شده است. میوه اولیه‌اش هم تشکیل‌های خودجوش فرهنگی است، آیت‌الله امام خامنه‌ای علیه السلام راجع به این تشکیل‌های خودجوش فرهنگی به شورای عالی انقلاب فرهنگی توصیه کردند که موانع قانونی آن‌ها را تسهیل کنند. آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام ساختارهای رسمی فرهنگی را حفظ، نصیحت و چهارچوب‌گذاری می‌کنند، ولی تشکیل‌های خودجوش فرهنگی را در کنارشان ایجاد کردند. این در زمان حضرت امام تسلی نبوده است.

کار دومی که ذیل این بسته سوم آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام انجام دادند آغاز نظام‌سازی اجتماعی در حوزه اقتصاد است. شما می‌دانید تأکید ایشان بر شرکت‌های دانش‌بنیان، بر مردمی‌شدن اقتصاد و مجموعه تلاش‌هایی که ایشان انجام می‌دهند به تدریج آمادگی را برای تغییر در روال موجود اقتصاد کشور ایجاد می‌کند. البته مقاومت‌ها اینجا شدید است ولی به هر حال این کار شروع شده و آثار اولیه‌اش هم قابل مشاهده است.

در حوزه آموزش هم ایشان نظام‌سازی اجتماعی را آغاز کردند که اولین میوه آن سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش است. پس این هم بسته سوم فعالیت‌هایی است که ایشان ذیل نظریه دولت اسلامی انجام می‌دهند. چهارمین بسته‌ای که ذیل نظریه، دولت اسلامی انجام می‌شود تکثیر نظام‌سازی‌های انجام شده در ایران در محیط بین‌الملل و منطقه است که میوه‌اش همان بیداری اسلامی است. یعنی همان تجربه‌های موفق که ما در حوزه دفاعی امنیتی و حوزه‌های بخشی داشتیم؛ آقا آن را تکثیر کردند. برای مثال یکی از میوه‌های حزب‌الله لبنان شده است، یکی دیگر از میوه‌های انصارالله شده است. این میوه‌ها فقط در حوزه دفاعی امنیتی نیست. هم رهبر انصارالله و هم رهبر حزب‌الله لبنان مدل رهبری‌هایشان کاملاً برگرفته از مدل رهبری امام خمینی ره و امام خامنه‌ای ره است. این تکثیر نظام‌سازی فقط در حوزه دفاعی امنیتی نبوده است.

این ۴ بسته اقدام ذیل نظریه دولت اسلامی اکنون در جریان است. بنابراین نظریه دولت اسلامی با ۴ محوری که عرض کردم اکنون در حال اجرا است و همین الان هم اقداماتش پیش می‌رود.

با این سه مقدمه‌ای که بنده عرض کردم انتظار انقلاب اسلامی از حوزه برنامه‌ریزی واضح است. ما از حوزه برنامه‌ریزی کلان کشور انتظار داریم زیر ساخت‌های بخش دولت‌سازی اسلامی را آماده کند. تفکر دولت‌سازی اسلامی در یک محورهایی در حال گسترش است و در آن بخش‌ها نیازمند زیرساخت‌های قانونی و محاسباتی و... است؛ که بخشی از آن در برنامه ششم باید برطرف شود. تا این‌جا ما به سؤال اول جواب دادیم. شما می‌پرسید اساساً انقلاب اسلامی و الگوی پیشرفت اسلامی از حوزه برنامه‌ریزی چه انتظاری دارند؟ پاسخ این است که باید برای تفکر دولت‌سازی در برنامه ششم و دیگر برنامه‌ها زیرساخت‌گذاری شود.

تبیین روش دولت‌سازی در بخش‌های مختلف؛ لایه دوم پیوست الگوی پیشرفت برای برنامه ششم

سؤال دوم این است که دولت‌سازی اسلامی از کجا آغاز می‌شود؟ اگر دقت کنید سؤال دوم ما و جوابش در واقع زائیده‌ی سؤال و جواب اول است. شما در سؤال و جواب اول به این نتیجه رسیدید که باید دولت‌سازی اسلامی را گسترش دهید؛ حال در سؤال و جواب دوم می‌پرسید این دولت‌سازی را از کجا آغاز می‌کنیم؟

در نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی بحث شده است که اگر جریان انقلاب، کشف عدم توازن‌های فرهنگی را در دستور کار قرار دهد در واقع دولت‌سازی اسلامی را گسترش داده است. آغاز دولت‌سازی اسلامی عبارت است از شناسایی عدم توازن‌های فرهنگی. کشف عدم توازن‌های فرهنگی چه معنایی دارد؟

اگر برای فرهنگ جامعه یک سری زیرساخت قائل باشیم و یک‌سری پایه‌های اصلی برای فرهنگ تصور کنیم، چنانچه امور متعارض با این پایه‌ها را در گام اول شناسایی کردیم؛ می‌توانیم با شناسایی این امور نامتوازن به تثبیت این پایه‌های فرهنگی کمک کنیم. اساساً تثبیت زیر ساخت‌های هدایت و فرهنگ در جامعه، رسالت دولت اسلامی است. به طور مثال همه‌ی ما قبول داریم دوران شکل‌گیری شخصیت یکی از زیر ساخت‌های فرهنگی جامعه است. حال برای اینکه دوران تربیت محقق شود با چه آفت‌هایی روبرو هستیم؟ به عنوان نمونه یکی از آفت‌های دوران تربیت، اشتغال والدین در بیرون از منزل و تربیت فرزند در مهدکودک است. اشتغال بانوان یک امر ناموزون با تربیت است، وقتی همسر شما بیشتر وقت مفیدش را بیرون از خانه باشد؛ این مسئله به شکل‌گیری درست شخصیت فرزندان آسیب می‌رساند. اینکه می‌گوییم شما عدم توازن‌های فرهنگی را شناسایی و رفع کنید؛ یک نمونه‌اش این مسئله است. باید پایه‌های فرهنگی را شناسایی کرد و بعد امور نامتوازن با این پایه‌ها را شناسایی و رفع کرد، این نقطه آغاز دولت‌سازی است. وقتی شما برای رفع یک عدم توازن فرهنگی مطالعه می‌کنید؛ در واقع دارید برای تغییر روال اجتماعی در آن بخش مطالعه می‌کنید. همکاران توسعه‌گرایی ما نقطه آغاز دولت‌سازی مدرن را کشف عدم توازن‌های اقتصادی می‌دانند (یعنی زیرساخت‌های اقتصاد را اصل قرار می‌دهند و بعد می‌گویند که چه اموری با این زیرساخت‌ها در تعارض است) مثلاً می‌گویند ما در توزیع بودجه کشور دچار عدم توازن هستیم. یا مثلاً می‌گویند میزان بنگاه‌های



تولیدی که در تهران و سایر نقاط کشور است دچار عدم توازن است. همچنین می‌گویند بین تولید و محیط زیست عدم توازن وجود دارد. در واقع جریان توسعه‌گرا شناسایی و رفع عدم توازن‌های اقتصادی را اصل قرار می‌دهد و جریان الگوی پیشرفت اسلامی شناسایی و رفع عدم توازن‌های فرهنگی را موضوع قرار می‌دهد. تفاوت جریان توسعه‌گرا با الگوی پیشرفت اسلامی اینجا واضح می‌شود.

جریان الگوی پیشرفت اسلامی در اولین گام فرهنگ را پایه تعادل اجتماعی قرار می‌دهد و در گام دوم زیر ساخت‌های فرهنگ را شناسایی می‌کند و در گام سوم عدم توازن‌های ناظر بر این زیرساخت‌ها را شناسایی و رفع می‌کند. این سیر منطقی برنامه‌ریزی با استفاده از الگوی پیشرفت است. ولی مبتنی بر نگاه توسعه‌گرا گام اول کشف عدم توازن‌های اقتصادی می‌باشد. نتیجه حرکت جریان توسعه‌گرا منجر به تعدیل کلان جامعه حول اقتصاد و نتیجه فعالیت‌های الگوی پیشرفت هم منجر به تعدیل کلان جامعه حول فرهنگ می‌شود... پس سؤال دوم هم جوابش پیدا شد.

تبیین روش شناسایی عدم توازن‌های فرهنگی؛ لایه سوم پیوست الگوی پیشرفت برای برنامه ششم

سؤال سوم این است که شناسایی عدم توازن‌های فرهنگی چگونه اتفاق می‌افتد؟ سؤال و جواب سوم هم زائیده سؤال و جواب دوم است. ما در سؤال و جواب دوم نحوه دولت‌سازی اسلامی را بحث کردیم و گفتیم دولت‌سازی از "شناسایی عدم توازن‌های فرهنگی" آغاز می‌شود حالا در سؤال و جواب سوم نحوه شناسایی عدم توازن‌های فرهنگی را بحث می‌کنیم!

یک جواب این است که ما عدم توازن‌های فرهنگی را به صورت بخشی و موردی تشخیص بدهیم. مهمترین عیب این روش برای کشف عدم توازن‌های فرهنگی عدم دستیابی به یک نقشه جامع با این روش است. بنابراین بر اساس مفاهیم نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی باید از نظریات بخشی الگوی پیشرفت برای شناسایی و رفع عدم توازن‌های فرهنگی استفاده کنیم. در پیوست الگوی پیشرفت برای برنامه ششم؛ برای کشف و رفع عدم توازن‌های مرتبط با موضوع تربیت - به عنوان یکی از زیرساخت‌های فرهنگ - از "نظریه بهبود مستمر فضای حاکم بر نهادهای متکفل تربیت" استفاده شده است. برای کشف و رفع عدم توازن‌های مرتبط با موضوع پیشگیری از جرم - به عنوان یکی از زیر ساخت‌های فرهنگ - از "نظریه بانک سؤالات جهت‌ساز" استفاده شده است. برای کشف و رفع عدم توازن‌های مرتبط با موضوع مقاوم‌سازی اقتصاد - به عنوان یکی از زیر ساخت‌های فرهنگ - از "نظریه بنگاه‌های وقف‌محور" استفاده شده است.

تبیین بخشی از عدم توازن‌های فرهنگی کشور و چگونگی رفع تدریجی آن‌ها؛ لایه چهارم پیوست الگوی پیشرفت برای برنامه ششم

تبیین بخشی از مهمترین عدم توازن‌های فرهنگی کشور، لایه چهارم و در واقع مهمترین بخش پیوست الگوی پیشرفت برای برنامه ششم محسوب می‌شود. این بخش خود شامل چهار قسمت است:

بخش اول عدم توازن‌های فرهنگی؛ عدم توازن‌های مرتبط با موضوع تربیت اسلامی

قسمت اول عدم توازن‌های فرهنگی کشور شامل عدم توازن‌های مرتبط با تربیت است. همانطور که در قسمت سوم گفته شد عدم توازن‌های مرتبط با موضوع تربیت بر اساس نظریه بهبود مستمر فضای حاکم بر نهادهای متکفل تربیت شناسایی و رفع می‌شوند. بر اساس این نظریه برای تحقق تربیت باید عوامل بیرونی مؤثر بر نهادهای متکفل تربیت شناسایی و در خدمت نهادهای متکفل تربیت باز طراحی شوند. عوامل بیرونی مؤثر بر نهادهای متکفل تربیت در نقشه راه الگوی پیشرفت شامل ۸۱ بخش است؛ که پیشنهاد می‌شود با توجه به امکانات و شرایط کشور مدیریت ۴ بخش از آن‌ها در دستور کار برنامه ششم قرار گیرد.

وضعیت فعلی اشتغال بانوان، وضعیت فعلی متون آموزشی، تعریف اقتصادی و ناقص از سبب حمایت از خانوار و تخریب محیط خانواده توسط رسانه‌ها و فضای مجازی، ۴ دسته از مهمترین عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده - به عنوان مهمترین نهاد متکفل تربیت - هستند که به سرعت باید برای ترمیم و باز طراحی آن‌ها در برنامه ششم اقدام کنیم.

یکی از این عوامل بیرونی که ضرر فراوانی به نهاد خانواده زده است؛ یکسان بودن قوانین اشتغال بانوان و قوانین اشتغال آقایان است. اگر به گسترش نسبی گرایش به اشتغال در بانوان توجه کنیم و نخواهیم با این پدیده برخورد دفعی و ناکارآمد داشته باشیم و اگر از سوی دیگر به تأثیر منفی اشتغال بانوان بر سلامت روحی و جسمی بانوان و همچنین تأثیر منفی این عامل بر نهاد خانواده توجه کنیم؛ به نظر باید برنامه‌ای برای تغییر تدریجی قوانین مربوط به اشتغال بانوان داشته باشیم. تغییر قوانین اشتغال بانوان به تدریج هم پسند اجتماعی بانوان در موضوع اشتغال را تغییر می‌دهد و هم در کوتاه‌مدت زمینه حضور گسترده‌تر بانوان در خانواده را فراهم می‌آورد. از این رو ما در پیوست الگوی پیشرفت برای برنامه ششم؛ پیشنهاد داده‌ایم: دولت محترم تا پایان سال دوم برنامه ششم مطالعات مربوط به تغییر قوانین اشتغال بانوان را به اتمام رسانده و لایحه قوانین اشتغال بانوان در جمهوری اسلامی را - به عنوان جزئی از قانون مادر تربیت اسلامی - تقدیم مجلس شورای اسلامی نماید. به نظر ما اگر کیفیت و کمیت حضور بانوان را در خانواده افزایش دهیم؛ این امر باعث می‌شود تا حتی هزینه‌های مادی جامعه هم کاهش یابد. به خلاف القائاتی که بعضی در مورد هزینه‌ساز بودن تغییر قوانین اشتغال انجام می‌دهند؛ این امر در میان‌مدت به کاهش هزینه‌های مادی هم می‌انجامد. همین الان به دلیل کاهش کیفیت در موضوع تربیت اسلامی حتی هزینه‌های ما در بخش تولید هم افزایش می‌یابد. ما در این بخش با معضل وجدان کاری و اثرات آن بر بنگاه‌های تولیدی روبرو هستیم. در بخش‌های اجتماعی هم به صورت روزافزونی داریم هزینه‌های میلیاردی انجام می‌دهیم. این در حالی است که اگر فقط ما هزینه‌های مربوط به تقویت نهاد خانواده را تقبل کنیم؛ در همه بخش‌ها با کاهش هزینه روبرو خواهیم بود. البته بنده الان دارم فقط آثار اقتصادی تربیت اسلامی را بررسی می‌کنم ولی کاملاً واضح است که ارزش الهی و اجتماعی برنامه‌ریزی برای تربیت با معیار ارزش افزوده قابل محاسبه نیست.

یکی دیگر از عوامل بیرونی که امروزه باعث تضعیف نهاد خانواده - به عنوان اصلی‌ترین نهاد متکفل تربیت - می‌شود؛ سیستم فعلی نظام آموزشی است. نظام آموزشی فعلی قدرت ایجاد درک درست از سبک زندگی اسلامی و زندگی خانوادگی را در پسران و دختران ما ندارد و این باعث می‌شود تا افراد جامعه وقتی با مسائل زندگی مشترک روبرو می‌شوند؛ نتوانند این مسائل را به درستی درک و تحلیل کنند. کم‌عمقی درک افراد جامعه از خانواده به صورت پیش‌فرض نهاد خانواده را با اصطکاک روبرو می‌کند و این امر به معنای کاهش رفاه در جامعه است. برای مقابله با این آفت بزرگ پیشنهاد کرده‌ایم تا وزارت آموزش و پرورش با همکاری حوزه‌های علمیه مطالعات مربوط به راه‌اندازی واحدهای درسی مربوط به نهاد خانواده و سبک زندگی را در همه پایه‌های درسی و به محوریت مسائل گوناگون سبک زندگی و نهاد خانواده تا پایان سال دوم برنامه به اتمام رسانده و لایحه قانون آموزش‌های حیاتی را - به عنوان جزئی از قانون مادر تربیت اسلامی - تقدیم مجلس شورای اسلامی نماید.

یکی دیگر از عوامل مؤثر بر نهاد خانواده که ضروری است در برنامه ششم برای تحول در آن برنامه‌ریزی شود؛ مفهوم سبب حمایت از خانوار است. این مفهوم در واقع در بردارنده حمایت‌های کوتاه‌مدت دولت‌ها از نهاد حیاتی خانواده است؛ که متأسفانه در وضعیت فعلی مفهومی به سبب کالا تنزل یافته! از آنجا که نیازهای فعلی نهاد خانواده برای بقاء، بسیار بیشتر و متنوع‌تر از تعاریف فعلی است لذا ما پیشنهاد داده‌ایم دولت محترم تا پایان سال اول برنامه ششم مطالعات مربوط به تحول در سبب حمایت از خانواده را به اتمام رسانده و لایحه مربوط به حمایت‌های حیاتی از نهاد خانواده را - به عنوان جزئی از قانون مادر تربیت اسلامی - تقدیم مجلس شورای اسلامی نماید.

البته قانون مادر تربیت اسلامی دارای بخش‌های دیگری هم می‌باشد؛ که در آن بخش‌ها عوامل دیگری از فضای بیرونی مؤثر بر نهادهای متکفل تربیت مورد توجه قرار می‌گیرد و در طول سال‌های آینده می‌توان و باید آن را تکمیل نمود.



بخش دوم عدم توازن‌های فرهنگی؛ عدم توازن‌های مرتبط با موضوع پیشگیری از جرم

قسمت دوم عدم توازن‌های فرهنگی کشور شامل عدم توازن‌های مرتبط با موضوع حیاتی پیشگیری از جرم است. در باب اهمیت موضوع پیشگیری از جرم و فوائد امنیتی و اجتماعی آن سخنان بسیاری گفته شده است ولی از زوایه دید الگوی پیشرفت اسلامی بافت جرم در یک کشور آینه و نشان‌دهنده وضعیت فرهنگی یک کشور است و لذا از پایگاه پیشگیری از جرم می‌توان برای بهبود فرهنگ اقدام نمود.

از منظر مفاهیم الگوی پیشرفت اسلامی موضوع پیشگیری از جرم خودش زیر ساخت فرهنگ است و همانطور که در قسمت سوم اشاره شد: کشف و رفع عدم توازن‌های مرتبط با این موضوع از پایگاه نظریه پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم امکان‌پذیر است. در "نظریه پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم" تغییر نگرش‌های افراد مهمترین عامل وقوع جرم معرفی شده و بر همین مبنا مسیرهای جلوگیری از شکل‌گیری نگرش‌های غلط در جامعه تبیین گردیده است. بر اساس این نظریه مهمترین عامل تغییر نگرش در افراد، اقدامات و برنامه‌های ساختارهای حکومتی است و لذا باید در تنظیم برنامه‌ها جلوی عوامل منفی مؤثر بر نگرش‌های افراد را گرفت. به عنوان مثال همه عوامل تضعیف‌کننده نهاد خانواده و همه سیاست‌های منجر به گسترش مصرف‌گرایی و ... جزئی از عوامل مؤثر بر تغییر نگرش‌ها محسوب می‌شود. بر اساس این نظریه مؤثرترین راه مقابله با وقوع جرم؛ مقابله نرم قوه قضائیه با تغییر زیر ساخت‌های فرهنگی از پایگاه برنامه‌ریزی کلان کشور است و برای تحقق این سیاست قوه قضائیه باید بخش تصمیم‌سازی خود را فربه‌تر نماید.

بر اساس این نظریه ما در پیوست الگوی پیشرفت اسلامی پیشنهاد داده‌ایم تا کارشناسان قوه قضائیه به منظور تصمیم‌سازی‌های مرتبط با پیشگیری در همه جلسات مراکز تصمیم‌گیری نظام و از همه مهمتر جلسات کمیسیون‌ها و صحن علنی حضور فعال داشته باشند و با اتخاذ تصمیمات منجر به تخریب زیر ساخت‌های فرهنگی به نحو کارشناسی مقابله کنند. البته اقدامات مرتبط با افزایش تأثیرگذاری قوه قضائیه بر فضای تصمیم‌سازی کشور شامل موارد متعدد دیگری نیز می‌شود که ذکر و پیش‌بینی آن در برنامه ششم ضرورت ندارد.

بخش سوم عدم توازن‌های فرهنگی؛ عدم توازن‌های مرتبط با موضوع ترجمه‌زدایی از علم

در پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم عدم توازن‌های مرتبط با موضوع ترجمه‌زدایی از علم به عنوان اولویت سوم عدم توازن‌های فرهنگی معرفی شده‌اند. به دلیل جایگاه رفیع و غیر قابل انکار علم در پیشرفت یک جامعه باید مواظبت کنیم تا علم و توصیف ما از امور به صورت غیر واقعی و ناقص شکل نگیرد. به عبارت دیگر اگر ما از محصولات ترجمه‌ای دیگران در تحلیل‌های خودمان استفاده کنیم؛ این امر باعث می‌شود تا در بهترین وضعیت، نتوانیم در محصولات علمی مسائل بومی خود را تحلیل کنیم. به دلیل تفاوت بوم در ایران با کشورهای دیگر ما با تفاوت مسائل روبرو هستیم و معمولاً این مسائل خاص جامعه ایران منشاء تحلیل در تحلیل‌های وارداتی نیستند. البته ما در بحث آفت‌های ترجمه‌گرایی به حداقل آسیب‌ها یعنی آسیب عدم توجه به مسائل خاص کشورمان در پایان‌نامه‌ها و مقالات توجه نموده‌ایم و این در حالی است که در این موضوع نظریات حداکثری دیگری نیز موجود است. به هر حال با توجه به این نگاه حداقلی به آفت ترجمه‌گرایی دستگاه علمی-آموزشی کشور باید به مکانیزمی قابل تفاهم در شناسایی مسائل ملی دست یابد و اگر قرار است ما مسائل کشورمان را به صورت علمی حل کنیم باید راه حل‌های علمی ناظر به مسائل ما باشد و نه مسائل دیگران. تأکید بر استفاده از روش‌های علمی در کنار موضوع قراردادن مسائل کشور در مراکز تحقیقاتی یکی از عدم توازن‌ها در بخش علمی کشور است؛ که در برنامه ششم باید برای آن تدبیری اندیشید.

بر این اساس ما در پیوست الگوی پیشرفت برای برنامه ششم پیشنهاد داده‌ایم تا وزارت علوم، تحقیقات و فناوری سؤالات مرتبط با موضوع دولت‌سازی اسلامی را از طریق کارگاه‌های آموزشی و دیگر روش‌ها با گروه‌های علمی، دانشجویان و اساتید



تفاهم نماید و از محصولات علمی مرتبط با این جهت‌گیری حمایت خاص نماید. نحوه تفاهم و تولید این سؤالات - که در نظام مفاهیم الگوی پیشرفت به سؤالات جهت‌ساز شهرت یافته‌اند- در نظریه بانک سؤالات جهت‌ساز تشریح شده است.

بخش چهارم عدم توازن‌های فرهنگی؛ عدم توازن‌های مرتبط با موضوع مقاوم‌سازی اقتصاد

بخش چهارم عدم توازن‌های فرهنگی؛ عدم توازن‌های مرتبط با موضوع اقتصاد است. در بخش اقتصاد مهمترین عدم توازن محور دیدن اقتصاد در جامعه است و در گام اول باید سعی نمود تا این تلقی را تغییر داد و موضوع اقتصاد را به عنوان یکی از زیرساخت‌های فرهنگ باز تعریف نمود. به عبارت روشن‌تر چون انسان مختار، بر محور قوه عاقله خود حرکت می‌کند؛ اگر ما اقتصاد را اصل قرار دهیم فکر انسان بخشی و اقتصادی شکل می‌گیرد و این به معنای شکوفا نشدن ظرفیت‌های انسان است. از سوی دیگر در وضعیت فعلی چون درک خاصی از اقتصاد وجود دارد لذا ما در گام اول باید کارآمدی نگاه اقتصادی اسلام را به رخ بکشیم و در گام‌های بعد اقتصاد را به عنوان زیرساخت فرهنگ بازتعریف نماییم. در پیوست الگوی پیشرفت مسیر شکل‌گیری گام اول این فرآیند پیچیده در نظریه بنگاه‌های وقف‌محور تشریح شده است. اجازه بدهید به دلیل اهمیت موضوع آن را در وقت دیگری تشریح نمایم.



۱۲. حجت‌الاسلام علی کشوری در گفتگو با خبرگزاری دانشجو: کشور به بیماری توسعه‌گرایی مبتلاست / توسعه؛ پدیده‌ای خلاف نظام

ارزشی ما

یکشنبه ۱۷ آبان ۱۳۹۴

بسم الله الرحمن الرحيم

حجت‌الاسلام علی کشوری دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در بخش نخست سخنان خود در گفتگو با خبرگزاری دانشجو به تبیین ضرورت برنامه‌ریزی با نگاه الگوی پیشرفت اسلامی پرداختند. بخش دوم این گفتگو به بررسی جزئی‌تر و موشکافانه‌تر پیوست الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی اختصاص دارد و شامل مجموعه‌ای از کدهای عینی برای ملموس‌تر کردن مباحث الگوی پیشرفت اسلامی است. آنچه در ادامه می‌خوانید مشروح بخش دوم گفتگوی تفصیلی خبرنگاران گروه سیاسی خبرگزاری «دانشجو» با حجت‌الاسلام علی کشوری است:

کشور ما به‌عنوان یک مشکل راهبردی به بیماری توسعه‌گرایی مبتلاست

دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی با اشاره به عملکرد جریان توسعه‌گرا در کشور گفت: این جریان مشکل اصلی کشور را وجود عدم توازن در بخش‌های مختلف می‌داند. این جریان هر مصداقی را برای عدم توازن می‌شمارد در آن مصداق یک مسئله اقتصادی را فرض گرفته و بعد امور ناهماهنگ با آن مسئله اقتصادی را به عنوان عدم توازن معرفی کرد!

مثلاً جریان توسعه‌گرا می‌گوید الان کشور دچار عدم توازن در توزیع بودجه است و بودجه یک مسئله اقتصادی است یا مثلاً می‌گویند کشور دچار عدم توازن جمعیتی است - تمرکز جمعیتی در تهران چند ده برابر تراکم جمعیتی در جاهای دیگر است - یا می‌گویند بنگاه‌های تولیدی در تهران تمرکز پیدا کرده‌اند و ما باید سعی کنیم بنگاه‌های تولیدی و طرح‌های صنعتی را به همه مناطق کشور تعمیم بدهیم. این جریان در بسیاری از برنامه‌ها از رفع عدم توازن‌ها حرف می‌زند؛ ولی مرادشان برطرف کردن ناموزونی‌های مرتبط با اقتصادمحوری است و گویی اگر مسائل اقتصاد یک کشور حل شود - که البته در هیچ کشور توسعه‌یافته‌ای هم حل نشده است - همه مسائل یک کشور حل می‌شود!

وی سخنان خود را با ارائه یک پیشنهاد ادامه داد و گفت: پیشنهاد این است که چون کشور به عنوان یک مشکل راهبردی - نه یک مشکل خرد - به بیماری توسعه‌گرایی مبتلا هست؛ بیایید و به صورت ماهیانه برنامه‌های توسعه را بازخوانی کنیم. بازخوانی برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی معایب بزرگ برنامه‌ریزی توسعه‌گرا را واضح می‌کند و باعث می‌شود تا عدم توجه برنامه‌های توسعه به شاخص‌هایی مانند تحکیم نهاد خانواده و گسترش عدالت روشن شود.

آمار طلاق در کشور ۳۰ درصد است / رئیس‌جمهور ابرمعضل کشور را رکود تورمی می‌داند!

حجت‌الاسلام کشوری یکی از شاخص‌های هویت اسلامی را محوریت خانواده عنوان کرد و گفت: متأسفانه آمار طلاق در کشور حدود ۳۰ درصد است ولی جناب آقای رئیس‌جمهور همیشه به عنوان ابرمعضل کشور می‌گویند کشور دچار رکود تورمی است! من فعلاً از باب جدال احسن سخن ایشان را نقض نمی‌کنم ولی می‌گویم اهمیت فروپاشی سلول اولیه اجتماعی - در حد ۳۰ درصد - خطرش در حدی می‌باشد؛ که مقام اول اجرایی کشور راجع به آن حساس باشند. دادگاه‌های خانواده از شلوغ‌ترین دادگاه‌های جمهوری اسلامی است و اگر فکری برای حل مسئله خانواده نکنیم؛ به رفاه مردم ضربه می‌خورد.

اگر این برنامه‌های توسعه را مثل برج‌ها بلند به بند بخوانیم می‌فهمیم که میزان توجه به این شاخص‌ها به چه میزان است؟ اگر خدای ناکرده بنای برنامه‌ریزی توسعه این است که شاخص‌های هویت اسلامی را محقق نکنند باید اعتراض بکنیم. از باب گله نسبت به جریان نیروهای انقلاب و با صدای بلند در جاهای مختلف گفته‌ام؛ که اگر برج‌خوانی به غرض حفظ منافع مردم و ملت یک کار واجب است، بازخوانی برنامه‌های توسعه هم همینطور است. به نظر من ضرر این ده برنامه توسعه برای جامعه اسلامی از ضررهای برج‌ها بیشتر است؛ ولی چون این‌ها را بازخوانی نمی‌کنیم؛ این ضررها معلوم نمی‌شود. تنها جایی که می‌بینید جریان انقلاب به برنامه‌های توسعه عکس‌العمل نشان داده، در دوران برنامه چهارم بوده است و آن هم بیشتر به مبانی نظری این برنامه اعتراض کردند.



رهبری فرمودند عمداً کلمه توسعه را به کار نمی‌برم / توسعه خلاف نظام ارزشی ما است

نمونه دیگری عرض می‌کنم شما نگاه کنید الان در زمان حاضر دعوا بر سر ارتقای مرخصی زایمان از شش‌ماه به ۹ ماه است. جریان توسعه‌گرا استدلالش این است که اگر ما این مرخصی را ارتقا بدهیم و این قانون را اعمال کنیم اشتغال بانوان به خطر می‌افتد. از این طرف هم جریان نیروهای انقلاب استدلال می‌کنند که اگر قرار باشد حتی به زایمان بانوان خدمات ندهیم؛ کف قضیه این است که جمعیت کشور دچار مشکل می‌شود.

ولی علی‌رغم این استدلال منطقی شما می‌بینید که مدت‌ها برای اجرای این قانون مقاومت می‌کنند و الان هم این قانون فقط در زیرمجموعه‌های دولتی ابلاغ شده و اجرای آن را برای بخش خصوصی ابلاغ نکرده‌اند. ما بر سر چنین مسائلی که ضررش برای آینده کشور قابل فهم هست با جریان توسعه‌گرا مشکل داریم. این جریان نظام ارزشی جامعه ایران را ملاک برنامه‌ریزی قرار نمی‌دهد. وقتی تفکرات توسعه را بازخوانی می‌کنیم؛ فرمایش امام خامنه‌ای علیه‌السلام برای خیلی‌ها واضح می‌شود؛ ایشان فرمودند متممداً کلمه توسعه را به کار نمی‌برم، چون توسعه خلاف نظام ارزشی ما است.

اینکه چرا تعارض توسعه غربی با نظام ارزشی اسلام برای بعضی واضح نشده است؛ بخشی از آن به دلیل استفاده زیاد از روش‌های نظری است. ما ارسطو زده‌ایم و فقط می‌خواهیم مباحث را از لایه‌های نظری جلو ببریم. به نظرم اگر مدل‌های نقد توسعه را ترمیم کنیم کار زودتر انجام می‌شود. ما در نقشه راهمان شش نوع نقد بر ادبیات توسعه را پیشنهاد داده‌ایم.

دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی تصریح کرد: سؤال این است: اگر نظام برنامه‌ریزی کشور به بیماری توسعه‌گرایی و اقتصاد محوری و انسان را به خوراک و پوشاک و مسکن تعریف کردن مبتلا هست؛ ما چه پیشنهادی بدهیم که هم عملیاتی باشد و هم به تدریج ما را از این بیماری توسعه‌گرایی عبور دهد و نگاه الگوی پیشرفت اسلامی را در کشور تقویت کند.

هدف نهایی دشمن تبدیل کل منطقه به یک سری خرده کشور غیرتوانمند زیر بلیط اسرائیل است

پیوست الگوی پیشرفت برای برنامه ششم براساس فرهنگ‌محوری پیشنهاد شده و نه اقتصاد محوری و قابلیت عملیاتی شدن هم دارد. یکی از مسائلی که باید جز سؤالات خبرنگاران از نخبگان باشد، تقاضای راه حل برای معضلات فعلی کشور است. غفلت برخی نخبگان نسبت به اوضاع فعلی جامعه به جایی رسیده است که بعضی می‌گویند تا ۵۰ سال آینده راه حل‌هایمان را ارائه می‌کنیم. بنده از این دوستان همیشه سؤال می‌کنم که شما چه پیشنهادی برای حل معضلات فعلی دارید؟

سرعت تحولات در جامعه ما بسیار بالاست. دشمنان ما برنامه تحولشان برای کمتر از ده سال است. در اوایل رهبری امام خامنه‌ای علیه‌السلام، تحولات منجر به استحاله و براندازی نظام هر ده سال یک بار بوده ولی به دلیل پیشرفت برنامه‌ریزی دشمن، زمان برنامه‌های دشمن به برنامه‌هایی کمتر از پنج سال رسیده است. وقتی دشمن سرعت برنامه‌اش بالا رفته است؛ آیا ما می‌توانیم بگوییم ۵۰ سال بعد به میدان می‌آییم؟! به نظر من هدف برنامه‌هایی مانند فتنه ۸۸ یا امثالهم به غرض این بود که نظام جمهوری اسلامی را براندازی کنند، به نظر من قطعه بعد این پازل تجزیه ایران است. اگر برنامه‌های دشمنان را دقیقاً بررسی کنیم؛ متوجه می‌شویم که هدف نهایی‌شان این است که کل منطقه را تبدیل به یک سری خرده کشور غیرتوانمند زیر بلیط اسرائیل کنند. با توجه به این شرایط باید نخبگان ما ناظر به چالش‌های فعلی نظریه‌پردازی کنند و از کلی‌گویی پرهیز کنند.

آیا دولت و جریان توسعه‌گرا عدم توازن‌های فرهنگی را هم عدم توازن می‌داند یا خیر؟ / از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی، فرهنگ محور هر اقدامی است

پیوست الگوی پیشرفت اسلامی به نظرم حاوی این شرایط است؛ یعنی ما در نقد آسیب‌شناسی فعلی دولت از وضعیت کشور - مبنی بر اینکه کشور دچار عدم توازن است - یک سؤال را مطرح کردیم. فهم و ارائه پاسخ به این سؤال منجر می‌شود تا الگوی پیشرفت اسلامی به صورت اولیه در ذهن‌ها متولد شود!

دولت و جریان توسعه‌گرا می‌گویند کشور دچار عدم توازن است و محور عدم توازن‌ها را هم عدم توازن‌های اقتصادی می‌دانند. این آسیب‌شناسی را دولت در برنامه ششم مبنا قرار داده است. ویژه‌نامه روزنامه شرق این بحث عدم توازن‌ها را مطرح کرده و مثلاً پرسیده چگونه از ظرفیت زنان خانه‌دار در اقتصاد استفاده کنیم. جوری تحلیل می‌کنند که انگار تربیت فرزند و حفظ کانون گرم خانه کاری فرعی است و در واقع می‌خواهند القاء کنند که فرهنگ مادری، امری نامتوازن با اقتصاد است! مفروض



این تحلیل‌ها این است که خانم‌های خانه‌دار ما بی‌کارند و یا یک‌سری کارهای فرعی انجام می‌دهند و چون مسئله اقتصاد اصل است؛ ما باید کاری کنیم که بانوان در فرآیند تولید کشور ارزش افزوده ایجاد کنند!

جریان توسعه‌گرا و دولت عدم توازن اقتصادی را اصل قرار می‌دهد و برای آن مصادیق مختلفی مطرح می‌کند. ما از این نگاه یک سؤال کرده‌ایم. سؤال این است که آیا دولت و جریان توسعه‌گرا عدم توازن‌های فرهنگی را هم عدم توازن می‌داند یا نمی‌داند؟ این یک سؤال است. مراد از عدم توازن‌های فرهنگی چیست؟

از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی فرهنگ بنیاد جامعه است و این موضوع محوری است که بقیه بخش‌های جامعه را باید با این محور هماهنگ کنیم. یعنی مثلاً اگر اقدامی در بخش اقتصاد آثار سوء فرهنگی دارد آن اقدام اقتصادی باید اصلاح شود چون برای ما فرهنگ در اولویت است. حرف اول ما این است که فرهنگ را اصل می‌دانیم؛ یعنی حاضر نیستیم که یک اقدام اقتصادی ضد فرهنگ اتفاق بیفتد ولو ارزش افزوده داشته باشد. پس بنابراین فرهنگ محور هر اقدامی است و هر عملی که خلاف فرهنگ ما باشد باید اصلاح شود. این نگاه الگوی پیشرفت اسلامی است. این مقدمه اول برای فهم معنای عدم توازن‌های فرهنگی است.

مقدمه دوم این است که از نظر الگوی پیشرفت اسلامی و اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی؛ فرهنگ دارای زیرساخت است؛ یعنی یک سری موضوعات دارید که اگر به آن‌ها ضربه بخورد، نتیجه‌اش ضربه خوردن به فرهنگ است. به اصطلاح رایج می‌گوییم فرهنگ دارای زیرساخت است. مثلاً دوران شکل‌گیری شخصیت یا به اصطلاح دوران تربیت یکی از این زیرساخت‌ها است. این مقدمه دومی است که برای فهم مفهوم عدم توازن‌های فرهنگی باید به آن توجه کنیم. مراد ما از عدم توازن‌های فرهنگی امور ناموزون و نامتوازن با زیرساخت‌های فرهنگ است.

دولت محترم به سبب عدم توازن‌ها، عدم توازن‌های فرهنگی را نیز بیافزاید

حجت‌الاسلام کشوری سخنان خود را با بیان مثالی ادامه داد و گفت: ما در نقشه راهمان یک بسته بحثی تحت عنوان شاخصه‌های هویت اسلامی داریم. این شاخص‌های هویت اسلامی در مقابل شاخصه‌های WDI تنظیم می‌شود. با این شاخصه‌ها ارزیابی می‌کنیم یک جامعه پیشرفته یا پسررفته است. در مقابل، جریان توسعه‌گرا شاخص‌های WDI را اصل قرار می‌دهد و با آن‌ها می‌سنجد و می‌گوید این جامعه توسعه‌یافته است یا خیر؟

یکی از شاخص‌هایی که ما در بسته شاخصه‌های هویت اسلامی از آن بحث کرده‌ایم و فهمش کمک می‌کند تا ما پسررفته‌بودن و ضد رفاه‌بودن کشورهای توسعه‌یافته را اثبات کنیم! شاخصی به اسم "عمق محیط دریافت رفق افراد" است. ما با این شاخص ارزیابی می‌کنیم یک جامعه پیشرفته یا پسررفته است. این شاخص می‌گوید جایگاه رفق و محبت برای رفاه انسان، یا هم عرض آب و غذا است و یا بالاتر از آن‌هاست.

رفق در سه دوره زیرساخت رفاه در زندگی انسان را فراهم می‌کند. دوره اولی که رفق و محبت رفاه ایجاد می‌کند در دوران کودکی و دوران شکل‌گیری شخصیت انسان است، نمی‌توانید تصور کنید آسایش و رفاه کودکی در حد بالایی است؛ ولی محبت پدر و مادر و محیطش کم عمق است. رفاه فرد در دوران کودکی با مسئله رفق و محبت ارتباط مستقیم دارد. حتی تجربیات میدانی نشان می‌دهد در بسیاری از موارد پررنگ بودن عواطف محیط، خلاء مسائل اقتصادی را برطرف می‌کند.

دوره دوم حیات انسان که رفق در رفاه تأثیر می‌گذارد دوره استقلال انسان است. برای مرد و زنی که به سن استقلال رسیده‌اند؛ محبت حکم زره در مقابل مشکلات اجتماعی را دارد. در دوره استقلال، فرد دیگر در دوران کودکی نیست و لذا محیط اصلی دریافت رفقش پدر و مادر نیست. در دوره استقلال؛ محیط اصلی دریافت رفق، همسر انسان است.

دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی دوره سوم دریافت رفق را دوران پیری عنوان کرد و ادامه داد: مصیبتی که ما در جامعه به اسم خانه‌های سالمندان داریم؛ برگرفته از عدم دریافت رفق در این بازه زمانی است. وقتی بررسی می‌کنیم میبینیم رفق و محبت، اساس زندگی در دوران پیری است. این نکته مهمی است که باید به آن توجه شود. اگر عمق محیط دریافت رفق کم شود چه اتفاقی می‌افتد؟ اقتصاد، فرهنگ و آرامش دچار مخاطره می‌شود. به عبارت بهتر ما در مباحث الگوی پیشرفت با اصل‌بودن رفاه - که هدف ادعایی توسعه از برنامه‌ریزی است - مخالفت نکردیم؛ بلکه جایگاه رفق در رفاه و وابستگی رفاه به رفق را تبیین کرده‌ایم.



حال با توجه به جایگاه انکارناپذیر رفق و محبت اگر به اسم برنامه‌ریزی توسعه؛ سن ازدواج را بالا ببریم؛ در واقع محیط دریافت رفق افراد را کاهش داده‌ایم و این یعنی رفاه به چالش کشیده شده است. جریان توسعه‌گرا همان موقع که دارد وعده رفاه می‌دهد؛ با به چالش کشیدن رفق، به عدم تعادل شخصیتی در جامعه کمک می‌کند. اولین اثر کاهش رفق و محبت، گسترش عدم تعادل در جامعه است و این یک عدم توازن است.

حجت‌الاسلام کشوری ادامه داد: یکی از اتفاقاتی که در جلسات الگوی پیشرفت می‌افتد این است که آن‌هایی که در این جلسات شرکت می‌کنند خیلی سریع ازدواج می‌کنند؛ یعنی اینکه ازدواج به تحصیل و اشتغال و اینها مشروط شده است؛ اما در جلسات الگو حداقل به لحاظ ذهنی غلط بودنش واضح می‌شود. البته بسته شاخص‌های هویت اسلامی که ما بحث کردیم؛ شامل بسته‌های بحثی دیگری هم می‌شود که آن‌ها هم مانند رفق در رفاه جامعه تأثیر دارند. به نظر ما بسته شاخصه‌های رشد و بسته شاخصه‌های توازن هم در رفاه انسان مؤثر هستند. چون انسان‌ها دائم‌الارتباط هستند و ارتباطات انسان با دیگران تابع رشدیافتگی است.

رشدیافتگی، جزء شاخصه‌های رفاه است. البته هر انسان می‌تواند ارتباط‌های خود را به اصطکاک و تضاد که ضد رفاه است؛ تبدیل کند. به عنوان مثال اگر انسان، رشدیافته نباشد، در گفتگو غیبت می‌کند و با دیگران به اصطکاک می‌رسد. پس رشدیافتگی جزئی از رفاه است؛ که باید درباره آن بعداً بیشتر بحث کنیم. به عبارت دیگر اگر رشد انسان را اصل قرار ندهیم؛ بعداً مجبوریم بگوییم انسان گرگ انسان است و در واقع اصطکاک و عدم توازن را تئوریزه کنیم. این جایگاه رشد است؛ که در بسته شاخصه‌های هویت اسلامی درباره آن بحث کرده‌ایم.

وی یادآور شد: ما باید بسته‌های توازن فرهنگی را در کشور تشکیل بدهیم و این بسته‌های توازن فرهنگی در ابتدا امور ناموزون با زیرساخت‌های فرهنگ را شناسایی می‌کنند و در گام دوم راه حل رفع آن را ارائه می‌دهند. تا اینجا بحث، سؤال ما از دولت مبنی بر اینکه آیا شما عدم توازن‌های فرهنگی را به رسمیت می‌شناسید یا نه؟ تبیین شد. ما از دولت از طریق همین خبرگزاری دانشجو خواهش می‌کنیم به سبب عدم توازن‌هایش، عدم توازن‌های فرهنگی را نیز اضافه کند.

مبتنی بر این پیشنهاد ارائه شده؛ ابتدا باید زیرساخت‌های اساسی فرهنگ که در حال تخریب است را شناسایی کنیم و بعد برای رفع آن‌ها راه حل بدهیم. بالاخره زیرساخت‌های فرهنگی زیاد است ولی کدام برای ما مهم‌تر است؟ مهم‌ترین زیرساخت‌ها را باید در اولویت توجه برنامه ششم قرار دهیم. به نظرم از میان زیر ساخت‌های فرهنگ -یا همان موضوعات جهت‌ساز- بررسی عدم توازن‌های مرتبط با چهار زیر ساخت در اولویت است. زیرساخت شکل‌گیری شخصیت، زیرساخت پیشگیری از جرم، زیرساخت ترجمه‌زدایی از علم و زیر ساخت مقاوم‌سازی اقتصاد؛ اولویت‌های نگاه الگوی پیشرفت در شریط فعلی است.



۱۳. تبیین پیوست پیشنهادی الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم در گفتگو با هفته‌نامه نه دی / راه تشخیص عدم توازن‌های فرهنگی استفاده از نظریات بخشی الگوی پیشرفت اسلامی است.

جمعه ۲۵ دی ۱۳۹۴

بسم الله الرحمن الرحيم

متن کامل گفتگوی حجت‌الاسلام علی کشوری با موضوع تبیین پیوست الگوی پیشرفت اسلامی با ویژه‌نامه الگوی پیشرفت اسلامی هفته نامه نه دی - دی ماه ۱۳۹۴

بسم الله الرحمن الرحيم. مستحضرید که چندین سال است از مطرح‌شدن اصطلاح الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت می‌گذرد؛ لطفاً در ابتدای گفتگو مقداری راجع به تاریخچه این مسئله و البته وضعیت آن در کشور توضیح دهید.

بسم الله الرحمن الرحيم همانطور که اشاره کردید امام خامنه‌ای علیه‌السلام سال ۱۳۸۵ در دانشگاه سمنان یک اصطلاح جدید را وارد ادبیات انقلاب کردند و آن بحث الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بود. از آن تاریخ تاکنون حدود ۹ سال می‌گذرد ولی کماکان این بحث برای تحقق به فهم عمیق و برنامه‌ریزی نیاز دارد.

به همین علت ما در قم یک شورای مردمی [تحت عنوان] «شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی» تأسیس کردیم تا نسبت به این مطالبه امام خامنه‌ای علیه‌السلام، ادای دین کنیم. در نهایت پس از چند سال پژوهش در سال ۱۳۹۰ یک نقشه راه [برای تولید «الگوی پیشرفت اسلامی»] تدوین کردیم که در فضای مجازی تحت عنوان اولین «نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی» در دسترس قرار گرفت. از سال ۱۳۹۰ هم به صورت گسترده با نیروهای انقلاب ارتباط گرفتیم تا مفاد «نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی» را به تفاهم اجتماعی برسانیم تا در صورت نقص و اشکال، برطرف و تکمیل شود و اگر نقص و اشکالی در آن نبود و قابلیت تحقق داشت به پذیرش اجتماعی رسیده و مقدمه‌ای برای تحقق آن ایجاد شود.

«نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی» تقریباً ۱۰۰ بسته بحثی است که هرکدام از این بسته‌های بحثی متکفل شرح یک مسأله از «الگوی پیشرفت اسلامی» و در مجموع دستیابی به یک تصویر روشن از «الگوی پیشرفت اسلامی» است. ارزش این نقشه راه وقتی مشخص می‌شود که شما به مشکل اصلی کشور در وضعیت فعلی توجه کنید. مشکل و آسیب اصلی کشور، استفاده از الگوهای غربی برای اداره کشور است. مهم‌ترین مشکل استفاده از الگوهای غربی این است که ما را به تحقق شاخص‌های هویت اسلامی نمی‌رساند. در واقع الگوهای غربی، برنامه‌ای برای تحقق شاخصه‌های WDI هستند.

یکی از بسته‌های بحثی «نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی» که کمک می‌کند تا مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» را به صورت گسترده‌تر و جدی‌تر هضم کنیم، بسته «افق‌نمایی برای تحقق الگوی پیشرفت اسلامی» است. در بسته افق‌نمایی برای «الگوی پیشرفت اسلامی»، مراحل تحقق الگو را بحث کرده‌ایم.

در «نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی»، سه مرحله برای تحقق الگوی پیشرفت اسلامی، تعریف شده است. مرحله اول؛ مرحله پژوهش «الگوی پیشرفت اسلامی» است. مرحله دوم؛ مرحله پرورش «الگوی پیشرفت اسلامی» است و مرحله سوم؛ مرحله پردازش «الگوی پیشرفت اسلامی» است. هدف ما از مرحله پژوهش الگو: دستیابی به یک تعریف روشن از مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» بود که به فضل الهی ذیل نظریه پردازش «موضوعات جهت‌ساز» به این هدف دست یافته‌ایم. در دوران پژوهش با پرهیز از رنگ و لعاب نگاه‌های التقاطی و با اتکا به نگاه دینی، خمیرمایه و ارکان بحث الگو را از دین استنباط کرده و بعد وارد تحلیل مسائل اجتماعی شده‌ایم. همانطور که عرض کردم در سرانجام مرحله پژوهش الگو در سال ۱۳۹۰ ما به نظریه پردازش «موضوعات جهت‌ساز» دست پیدا کردیم که در واقع «نظریه مادر الگوی پیشرفت اسلامی» است. این نظریه تصویری روشن از اداره دینی جامعه را به نخبگان ارائه می‌کند و ذیل این تصویر می‌توان برای اداره جامعه تحلیل داشته و آسیب‌شناسی و پیشنهاد جدید ارائه کرد. این محصول دوران پژوهش ماست.

هدف اصلی ما در دوران پرورش، گسترش تفاهم حول مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» است. فعالیت کنونی ما در این مرحله است. اگر در جلسات تضاربی که با نخبگان داریم نقد جدی به فرآورده‌های دوران پژوهش ما نداشته باشند و از این مرحله عبور کنیم، در آینده، «نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی» وارد دوران پردازش خواهد شد. هدف اصلی دوران پردازش، به کارگیری محاسبات مبتنی بر «الگوی پیشرفت اسلامی» خواهد بود و شرایط برای نمونه‌سازی با نگاه «الگوی پیشرفت



اسلامی»، به صورت گسترده فراهم خواهد شد. با بحث افق‌نمایی می‌توان جریان‌های دیگر فعال در مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» را نیز ارزیابی کرد. طبق طبقه‌بندی که انجام داده‌ایم ۱۰ جریان در کشور فعالیت دارند. [با توجه به افق‌نمایی] حتی می‌توان مراحل فعالیت آنان را نیز طبقه‌بندی کرد. براساس همین افق‌نمایی خود -شورای «الگوی پیشرفت اسلامی»- در مرحله پرورش «الگوی پیشرفت اسلامی» قرار دارد.

اگر می‌شود به صورت تفصیلی‌تر راجع به مرحله پرورش الگوی پیشرفت بحث کنید

اهم اقداماتی که در مرحله پرورش «الگوی پیشرفت اسلامی» انجام می‌دهیم ۳ نوع فعالیت است. فعالیت اول ما طرح مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» با نخبگان است. ما در نشست‌های گفت‌وگویی با نخبگان انقلاب راجع به مسأله الگو صحبت می‌کنیم. جریان نخبگان انقلابی در صورت استماع مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» فهم بیشتری از مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» نسبت به سایر نخبگان پیدا می‌کنند. فعالیت دومی که در راستای پرورش «الگوی پیشرفت اسلامی» در دستور کار داریم، برگزاری دوره‌های تربیت کارشناس است. در این دوره‌ها سرفصل‌های ۵ گانه‌ای برای کارشناسی «الگوی پیشرفت اسلامی» مشخص شده و در صورتی که نخبه یا نیروی‌های انقلابی همت کنند و این مراحل را به خوبی بگذرانند، تصویر روشنی از مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» در ذهن آن‌ها ایجاد خواهد شد. فعالیت سومی که برای پرورش «الگوی پیشرفت اسلامی» در دستور کار داریم این است که به ساختارهای فعلی نظام اعم از ساختارهای دولتی و ساختارهای اجتماعی، چگونگی ایجاد ساختارهای متکفل «الگوی پیشرفت اسلامی» را آموزش دهیم. ساختارهای متکفل «الگوی پیشرفت اسلامی» به ساختارهای موجود ضمیمه می‌شوند و باید جدا از ساختارهای فعلی نباشند؛ چراکه نظام جمهوری اسلامی، کشتی در حال حرکت است و نمی‌توان آثار غلط ساختارهای فعلی را به صورت دفعی از بین برد و به سمت ساختارهای جدید رفت. ابتدا باید به ضمیمه ساختارهای موجود، ساختار الگو تشکیل بشود و بعد به تدریج نگاه آن ساختار در نگاه «الگوی پیشرفت اسلامی» منحل بشود. برای تسریع در فرآیند انحلال، با ساختارهای متکفل الگو به دنبال نمونه‌سازی با نگاه «الگوی پیشرفت اسلامی» هستیم. یک مورد به عنوان نمونه انجام شده است و دو مورد دیگر نیز در دست اقدام داریم. این سه اقدام، برای پرورش «الگوی پیشرفت اسلامی» در دستور کار است و هم‌اکنون نیز این فعالیت‌ها را در کشور پیگیری می‌کنیم. یعنی به موازات نشست‌های طرح مسأله و دوره‌های تربیت کارشناس، اقدام به نمونه‌سازی کرده‌ایم. در حال حاضر گزارش مختصری از یکی از نمونه‌سازی‌های که در رابطه با برنامه ششم توسعه مطرح کرده‌ایم را خدمت شما ارائه می‌دهیم.

همانطور که عرض کردم یکی از نمونه‌سازی‌ها، تنظیم پیشنهادی برای برنامه ششم توسعه کشور با نگاه الگوی پیشرفت اسلامی است. در این پیشنهاد ۳ سؤال اصلی مطرح کرده‌ایم که فهم این ۳ سؤال و بازخوانی جواب آن‌ها، کمک می‌کند تا به صورت اجمالی نحوه جدیدی از برنامه‌ریزی منطبق بر نگاه «الگوی پیشرفت اسلامی» در ذهن‌ها شکل بگیرد. سؤال اولی که مطرح کرده‌ایم این است که انتظار تفکر انقلاب اسلامی از حوزه برنامه‌ریزی چیست؟ ۳ مقدمه را پیرامون این سؤال بحث کرده‌ایم و سعی ما بر این بوده که انتظار انقلاب اسلامی از حوزه برنامه‌ریزی را با این مقدمات شرح بدهیم. مقدمه اول همان بحث معروف امام خامنه‌ای علیه السلام در تبیین فرآیند تحقق اهداف انقلاب اسلامی است که مبتنی بر آن فرآیند تحقق آرمان‌های انقلاب در پنج مرحله انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و مرحله تمدن اسلامی تعریف شده است. مبتنی بر این تحلیل فلسفه تاریخی، ما الان در حال طی کردن مرحله سوم از این مراحل پنج‌گانه -یعنی مرحله دولت اسلامی- هستیم.

مقدمه دوم شرح مفهوم دولت‌سازی به صورت تفصیلی است. در «نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی» دولت‌سازی را به مرحله نظام‌سازی اجتماعی همه‌جانبه با نگاه اسلام تعریف شده است.

مرحله دولت اسلامی را چگونه تعریف کرده‌اید؟

در تعریف ما برای مرحله دولت اسلامی ۳ قید وجود دارد؛ قید اول؛ لحاظ معنای نظام‌سازی اجتماعی است. نگاه نظام‌سازی اجتماعی در مقابل نگاه اصالت تبلیغ است؛ که جریان دینی ما بیشتر در این فضا فعالیت می‌کند. به نظر ما اداره جامعه با اکتفا به تبلیغ امکان‌پذیر نیست. در واقع تبلیغ خوب، جزئی از نظام‌سازی اجتماعی محسوب می‌شود. به عبارت ساده‌تر اگر می‌خواهیم در جامعه شاخص‌های هویت اسلامی را محقق کنیم، نیاز به تغییر روال‌های اجتماعی داریم. در حال حاضر زندگی مردم ذیل



یک نظامات و روال‌های اجتماعی تعریف شده است. مثلاً در حوزه آموزش یک روال و یک نظام اجتماعی تعریف شده است که ابعاد آن به فربه‌شدن تربیت اسلامی کمک نمی‌کند. بنابراین ما نیاز داریم به یک نظام اجتماعی که این روال آموزش را به سمت تربیت اسلامی تغییر بدهد. نکته اولی که در تعریف دولت اسلامی مبنا قرار می‌گیرد این است که انقلاب اسلامی معتقد به تغییر همه‌جانبه روال‌های اجتماعی است. تغییر روال‌های اجتماعی منحصر در حوزه آموزش، مدیریت شهری و سیاست خارجی نیست و نظامات اجتماعی باید در همه بخش‌ها تغییر کنند. چرا باید نظامات اجتماعی در همه بخش‌ها تغییر کنند؟ زیرا این نظامات اجتماعی، شاخص‌های هویت اسلامی را محقق و ضمانت نمی‌کند. پس قید اول دولت‌سازی، تغییر نظامات اجتماعی است.

قید دوم، قید همه‌جانبه‌بودن است. با قید دوم، تفاوت مرحله دولت اسلامی با مرحله نظام اسلامی را تبیین کرده‌ایم. در مرحله دوم یعنی مرحله نظام اسلامی به صورت بخشی روال‌های زندگی و نظامات اجتماعی مردم تغییر کرده است. ما تحقیقی در این موضوع انجام داده‌ایم که حضرت امام روال‌های اجتماعی را در ۱۰ حوزه کاری یا موضوع زندگی مردم تغییر داده و به اصطلاح نظامات جدیدی تأسیس فرمودند. مهم‌ترین آن‌ها نظامات متکفل امنیت است که ارتش و دوره فرماندهی ستاد به مفهوم غربی را به عنوان محور قبول نکردند و به جای آن تئوری بسیج را به عنوان محور نظم جدید در امنیت جمهوری اسلامی بوجود آوردند. این یک نظام‌سازی بود. در حوزه رهبری جامعه، اصل تفکیک قوای متسکیو حفظ شد ولی [برای اشراف بر آن] این موضوع به ولایت امر تخصیص زده شد که این باعث شده اداره جامعه و نظام حکومتی یک نظم جدید پیدا کند و در بخش‌های دیگری هم این نظام‌سازی انجام شود و... بنابراین تفکر نظام‌سازی اجتماعی در مرحله نظام اسلامی به صورت اجمالی در کشور اجرا شد ولیکن در مرحله دولت اسلامی باید این تفکر تعمیم پیدا کند. تفاوت مرحله دولت اسلامی با مرحله نظام اسلامی، تفاوت در اجمال و تفصیل است.

قید سوم در مرحله نظام‌سازی اجتماعی همه‌جانبه یا مرحله دولت اسلامی، قید اسلامی بودن آن است. نباید تصور کرد که نظام‌سازی اجتماعی، همان تفکر سیستمی است؛ زیرا ماهیت نظام‌سازی [اسلامی] متفاوت از سیستم‌سازی است. در نظام‌سازی [اسلامی]، هدایت انسان‌ها اصل است. حتی لفظ نظام در نظام‌سازی اجتماعی برگرفته از روایات معصومین علیهم‌السلام است. حضرت رضا علیه‌السلام در مورد مقام امامت می‌فرمایند: «الامامه نظام المسلمین». یعنی هم در لفظ و هم در معنا نباید مبتلا به تئوری‌های غربی شد. در اداره جامعه نباید تفکر سیستمی را تنها راه ممکن دانست! ماهیت نظام‌سازی [اسلامی] با سیستم‌سازی متفاوت است که در بحث دولت‌سازی به صورت مفصل به آن پرداخته‌ایم.

آیا نظریه دولت اسلامی عملیاتی هم شده است؟

پاسخ به این سؤال موضوع مقدمه سوم بحث ما است. مقدمه سوم، وضع‌شناسی نظریه دولت اسلامی است. نظریه دولت‌سازی اسلامی ابرنظریه امام خامنه‌ای علیه‌السلام محسوب می‌شود و علی القاعده باید مبنای عمل باشد. در این بحث ما تبیین کرده‌ایم که در حال حاضر این نظریه در مقام عمل چه وضعیتی دارد. در حال حاضر در کشور ۴ بسته کاری بر اساس نظریه دولت اسلامی در دستور کار است:

اولین بسته کاری که می‌توان ردپای تحقق آن را پیدا کرد عبارت است از اثبات دائمی ناکارآمدی نظامات مدرن. امام خامنه‌ای علیه‌السلام و بخشی از نیروهای انقلاب به عنوان یک خط کاری این موضوع را دنبال می‌کنند که با ارتقای ظرفیت فکری در افراد جامعه، ناکارآمدی تفکرات توسعه‌گرا را تبیین کنند. در بسته اول کاری اقدامات انقلاب و شخص امام خامنه‌ای علیه‌السلام مدظله‌العالی ۲ سرفصل اصلی وجود دارد: ۱. اقدامات گفتمانی ۲. اقدامات حقوقی. اقدامات گفتمانی ایشان، برگزاری جلسات موضوعات راهبردی و... نام‌گذاری سال‌ها، نام‌گذاری دهه چهارم و... است. در همه این محورها بحث‌های گفتمانی و استدلال‌های متقنی وجود دارد که بررسی این استدلال‌ها، فرد را به این نتیجه می‌رساند که نظامات مدرن ناکارآمد است. مثلاً انقلاب سؤال می‌پرسد که چرا در توسعه‌یافته‌ترین کشورها ۵۰ میلیون نفر کوپن غذا می‌گیرند؟ با طرح این سؤال، شرح سؤال و بررسی شواهد آن، ذهن‌ها به این نتیجه می‌رسد که ادبیات توسعه در ایجاد عدالت علیل است و این خودش ظرفیت‌سازی برای طرح مسأله «الگوی پیشرفت اسلامی» می‌شود. نام‌گذاری دهه چهارم انقلاب، یک اتفاق بسیار مهم است؛ چراکه ایشان پیشرفت را همراه با عدالت مطالبه می‌کنند. کاملاً برخلاف نظریات توسعه که می‌گویند باید عدالت مؤخر از توسعه اتفاق بیفتد



و البته در عمل هم اساساً توسعه منجر به عدالت نمی‌شود. بزرگترین شاهد این مسأله هم اینست که در توسعه‌یافته‌ترین کشور دنیا ۵۰ میلیون نفر کوپن غذا می‌گیرند. معنای دیگر ۵۰ میلیون کوپن این است که آنجا شغل هم ایجاد نشده است و آلا نیازی به کوپن غذا نبود. بنابراین در آنجا عدالت به چالش کشیده شده است و فاصله طبقاتی امر محرز است. بقیه اقدامات گفتمانی هم به این شکل است. بنابراین بسته اول کارهایی که معظم له و نیروهای انقلاب انجام می‌دهند عبارت است از فعالیت‌های گفتمانی برای ارتقاء ظرفیت فکری جامعه نسبت به ناکارآمدی نظامات مدرن و تفکر توسعه‌گرا.

سرفصل دوم بسته اول کاری ایشان، اقدامات حقوقی است. با چارچوب‌گذاری در قالب ابلاغ سیاست‌های کلان، حرکت جریان توسعه‌گرا در کشور را هدایت می‌کنند. مثلاً اگر ساختار سیاست‌های ابلاغ شده به برنامه ششم را ببینید، عبارت است از «مقاوم‌سازی اقتصاد»، «حوزه علم و فناوری» و «مقاوم‌سازی فرهنگ». بخش عظیمی از چارچوب سیاست‌های ابلاغی را مقاوم‌سازی فرهنگ قرار داده‌اند. قراردادن مقاوم‌سازی فرهنگ در سیاست‌های ابلاغی به معنای ریل‌گذاری برای جریان توسعه‌گرا است تا فعالیت‌های جاری کشور با نگاه تام توسعه‌گرا بسته نشود.

دومین بسته کاری که در حال حاضر در کشور، در ذیل نظریه دولت اسلامی در دستور کار است، تکمیل نظام‌سازی‌های اجتماعی دوره حضرت امام ره است. در ۱۰ موردی که اشاره شد اگر شما نظام‌سازی‌های اجتماعی دوره حضرت امام ره را با حال حاضر مقایسه کنید اذعان خواهید کرد که ذیل مدیریت عالی امام خامنه‌ای ره نظام‌سازی‌های اجتماعی به یک بلوغ و پختگی رسیده است. برای مثال اگر در حال حاضر اگر نهاد ولایت فقیه را رصد کنید خواهید دید که نهاد ولایت فقیه به یک دستگاه کارشناسی قابل اتکا تبدیل شده است. در گزارش جریان‌های ضد انقلاب مکرر مشاهده می‌کنیم که یکی از علت‌های نفوذ کلام امام خامنه‌ای ره را اقدامات کارشناسی بیت رهبری با کمترین قابلیت خدشه، معرفی می‌کنند. یعنی دستگاه ولایت فقیه از حیث کارشناسی کاملاً تکامل یافته است. مثال دیگر، نظام‌سازی حضرت امام ره در حوزه امنیت، ایجاد سپاه و بسیج بود. اما امروزه یک سپاه و بسیج پیشرفته و توانمند در سطح ملی و بین‌الملل داریم. شاهد بزرگ ما برای این توانمندی این است که تاکنون تقریباً تمام برنامه‌ریزی‌های نظام استکبار در منطقه، اعم از سوریه و عراق و ... با تدبیرها و اقدامات مستشاری سپاه، به شکست منجر شده است. [توسعه‌گراها] در قالب برنامه چهارم [توسعه] و ذیل حکم کوچک‌سازی دولت، نهاد جهاد سازندگی را که از ابداعات و نظام‌سازی‌های امام برای محرومیت‌زدایی بود منحل و در وزارت کشاورزی ادغام کردند. امام خامنه‌ای مدظله‌العالی به تدریج بسیج سازندگی و اردوهای جهادی را برای جبران این خسارت ایجاد نموده و اجازه ندادند نظام‌سازی‌های مبارک حضرت امام با استدلال‌های توسعه‌گراها از بین برود. راستی چرا به اسم کوچک‌سازی دولت، جهاد سازندگی منحل شد؟! چرا وزارتخانه ناکارآمد دیگری منحل نشد؟!

سومین بسته کاری که در حال حاضر در کشور، در ذیل نظریه دولت اسلامی در دستور کار می‌باشد عبارت است از تأسیس نظام‌سازی اجتماعی در حوزه‌های جدید. ایشان در حال تغییر روال برنامه‌ریزی در ۳ حوزه جدید هستند و به اصطلاح در حال نظام‌سازی [اسلامی] هستند. موضوع اول، حوزه فرهنگ است. همانطور که حضرت امام ساختارهای انقلابی را به بخش‌های مدرن اضافه کردند، آیت‌الله امام خامنه‌ای مدظله‌العالی نیز ضمن حفظ وزارت ارشاد و امثالهم، تشکل‌های خودجوش فرهنگی را تقویت می‌کنند. اگر ابلاغیه رهبری به شورای عالی انقلاب فرهنگی را مطالعه کنید، می‌بینید که ایشان برداشتن موانع قانونی نهادهای خودجوش فرهنگی را مطالبه فرموده‌اند. معنای این اقدام امام خامنه‌ای ره این است که مؤسسات خودجوش فرهنگی را جزیی از ساختار نظام قرار داده و در حال تغییر روال اجتماعی در این حوزه‌ها هستند. در حوزه اقتصاد هم، مردمی‌شدن اقتصاد و مقاوم‌سازی اقتصاد را مطرح فرمودند. شاید یکی از اصلی‌ترین نموده‌های آن، تشکیل شرکت‌های دانش‌بنیان باشد. البته در حوزه اقتصاد، اقدامات فراوانی وجود دارد ولی به هر حال نظام‌سازی اجتماعی در این بخش هم شروع شده است. در حوزه آموزش نیز نظام‌سازی اجتماعی به سند تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش رسیده است که البته در این مسیر راه بسیار طولانی پیشرو داریم.

چهارمین بسته کاری که در حال حاضر در کشور، در ذیل نظریه دولت اسلامی انجام می‌شود عبارت است از تکثیر نظام‌سازی‌های انجام شده ایران در منطقه و بین‌الملل است. امام خامنه‌ای مدظله‌العالی سعی دارند با نخبگان منطقه بر سر



همان اقداماتی که در داخل کشور انجام داده‌ایم و توانسته‌ایم با این اقدامات به موفقیت نسبی برسیم؛ تفاهم کنند. این تفاهم با نخبگان منطقه، آثاری در منطقه داشته است. جریان بیداری اسلامی یکی از آثار همین تکثیر نظام‌سازی‌های انجام شده است. در مجموع این ۳ مقدمه را بحث کرده‌ایم و به این نتیجه رسیده‌ایم که تفکر انقلاب اسلامی از حوزه برنامه‌ریزی انتظار دارد تا زیرساخت‌های دولت‌سازی را ایجاد کند. لذا اگر حالا بخواهید به سؤال اول «انتظار تفکر انقلاب اسلامی از حوزه برنامه‌ریزی چیست؟» پاسخ روشنی دهید و بگویید الآن باید چه کار کرد؟ باید جواب داد که افقی پیش روی شما باز شده و ما باید به سمت بسط دولت‌سازی [اسلامی] حرکت کنیم. نباید حوزه برنامه‌ریزی ما را به سمت ایجاد دولت توسعه‌گرا ببرد و همچنین نباید برای شاخص‌های WDI زیرساخت‌سازی کند، بلکه باید به سمت نظام‌سازی اجتماعی بر اساس اسلام و بسط دولت‌سازی حرکت کند. این سؤال اول و شرح آن بود و عمده بحث هم اینجا است، چراکه اگر بتوانیم یک افق جدید را پیش روی بگذاریم، سؤالات بعد (دوم و سوم) بسیار راحت‌تر هضم خواهد شد. البته ما با یک نگاه دیگر هم به این سؤال پاسخ داده‌ایم که با توجه به محدود بودن زمان از آن عبور خواهیم کرد.

سؤال دوم در نمونه‌سازی برنامه ششم این است که اگر ما به دنبال دولت‌سازی یا نظام‌سازی اجتماعی همه‌جانبه باشیم، نظام‌سازی اجتماعی با نگاه اسلام از کجا آغاز می‌شود؟ نقطه شروع مباحث ما بر سر میز برنامه‌ریزی با کارشناسان چیست؟ نتیجه چه موضوعاتی در نهایت تغییر روال‌های اجتماعی را رقم می‌زند؟ پاسخ ما به این سؤال این است که؛ اگر عدم توازن‌های فرهنگی را شناسایی و بررسی کنیم، نتیجه نهایی بحث در عدم توازن‌های فرهنگی، تغییر روال‌های اجتماعی زندگی مردم است. به عبارتی نظام‌سازی اجتماعی جدید را این گونه رقم می‌زنیم. مراد ما از کشف عدم توازن‌های فرهنگی این است که در گام اول پایه‌های اصلی فرهنگ یا همان زیرساخت‌های فرهنگ و هدایت جامعه شناسایی شود و در گام دوم، هر آنچه با پایه‌های اصلی فرهنگ و هدایت جامعه نامتوازن است، به عنوان معضل شناخته می‌شود و در مقام برنامه‌ریزی برای حل آن معضل، برنامه‌ریزی می‌شود.

برای مثال یکی از زیرساخت‌های فرهنگ و هدایت جامعه، مسأله تربیت اسلامی است. ابتدا اموری را که در فضای فعلی جامعه با گسترش تربیت اسلامی نامتوازن است را شناسایی می‌کنیم. مثلاً گسترش اشتغال بانوان یک امر نامتوازن با تربیت است. سیاست راهبردی نگاه به زنان به عنوان منابع انسانی در بخش تولید، نگاه نامتوازن با گسترش تربیت اسلامی است. چرا این نگاه نامتوازن است؟ چون تربیت اسلامی در بستر نهاد خانواده شکل می‌گیرد. اگر تربیت اسلامی را می‌خواهیم - این خواستن، خواسته پذیرفته شده جمعیت عظیمی از مردم است - در گام اول باید نامتوازن‌های مقابل این حوزه را شناسایی کنیم و در گام دوم به سمت حل آن حرکت کنیم. در مقابل توسعه‌گراها، پایه‌های اقتصادی را اصل قرار می‌دهند و امور نامتوازن را معرفی می‌کنند. اگر شما همه نامتوازن‌هایی را که جریان توسعه‌گرا معرفی می‌کنند را بررسی کنید متوجه می‌شوید این نامتوازن‌ها با دلیل تعارض با یک مسأله اقتصادی نامتوازن شمرده شده است. امروزه براساس ادبیات توسعه، چگونگی توزیع بودجه و... امور نامتوازن محسوب می‌شوند. اینکه توسعه‌گراها می‌گویند رویکرد سیاست خارجی ما با اقتصاد نامتوازن است، [به این دلیل است که] اقتصاد را اصل قرار داده‌اند و پیشنهاد می‌دهند که حوزه سیاست خارجی با اقتصاد هماهنگ شود. جریان توسعه‌گرا اقتصاد را محور قرار می‌دهند و همه بخش‌ها را خدمه حوزه اقتصاد تعریف می‌کند. نقطه مقابل نگاه توسعه‌گراها، نگاه «الگوی پیشرفت اسلامی» است؛ که فرهنگ و پایه‌های فرهنگ را اصل قرار داده و امور نامتوازن با این پایه‌ها را نامتوازن و معضل معرفی می‌کند. اگر توانستید در گام اول پایه‌های فرهنگ و زیرساخت هدایت را تشخیص دهید و بعد در گام دوم نامتوازن‌ها با این پایه‌ها را بررسی کنید، نقطه آغاز نظام‌سازی اجتماعی و دولت‌سازی است. هرچه بسته‌های نامتوازن‌های فرهنگی شما گسترده‌تر باشد، سرعت دولت‌سازی اسلامی در مقام تصمیم‌سازی بیشتر خواهد بود. به نظر می‌رسد با این مدل بحث، با جریان توسعه‌گرا سینه به سینه و رو در رو نمی‌شویم. توسعه‌گراها معتقدند باید نامتوازن‌های جامعه را حل کرد. اختلاف در تفسیر نامتوازن‌ها است و این یک بحث علمی محسوب می‌شود. اختلاف بنیادین با نگاه جریان توسعه‌گرا این است که؛ آیا فرهنگ را پایه قرار دهیم و نامتوازن‌ها را به محوریت فرهنگ شناسایی کنیم! و یا اقتصاد را پایه قرار دهیم و نامتوازن‌ها را به محوریت اقتصاد تحلیل کنیم!



بنابراین جواب سؤال دوم روشن شد. اگر سؤال این باشد که چطور دولت‌سازی اسلامی را بسط دهیم؟ جواب این است که باید راهبرد اصلی، شناسایی عدم توازن‌های فرهنگی باشد. هفته‌نامه نه دی و مجموعه کاری شما می‌تواند مطالبه بحث شناسایی عدم توازن‌های فرهنگی را در قالب گفتگوها و یادداشت‌ها، مصاحبه‌ها، مناظره‌ها، آغاز کند. در واقع با بسط این راهبرد می‌توان برای بسط دولت‌سازی اسلامی و نظام‌سازی اجتماعی همه‌جانبه، زمینه‌سازی کرد.

سؤال سوم که مطرح کرده‌ایم این است که؛ چگونه عدم توازن‌های فرهنگی را شناسایی کنیم؟ سؤال دوم ما زائیده سؤال اول و نتیجه فهم مسأله اول است و سؤال سوم هم زائیده سؤال دوم و نتیجه فهم مسأله دوم است. اگر پذیرفته‌اید که باید به دنبال کشف عدم توازن‌های فرهنگی باشید باید روش کشف عدم توازن‌های فرهنگی را هم ارائه بدهیم.

به ۳ دلیل نباید عدم توازن‌های فرهنگی را موردی بحث کرد، بلکه باید ذیل یک نظریه مبین و منسجم به سمت کشف عدم توازن‌های فرهنگی حرکت کنیم. در این مرحله می‌توانیم از نظریات بخشی نقشه راه تولید الگوی پیشرفت استفاده کنیم. به عنوان مثال برای کشف عدم توازن‌های مرتبط با تربیت، «نظریه بهبود مستمر فضای حاکم بر نهادهای متکفل تربیت» را پیشنهاد داده‌ایم. برای کشف عدم توازن‌های مرتبط با پیشگیری از جرم، «نظریه بانک سؤالات جهت‌ساز» را پیشنهاد داده‌ایم. برای کشف عدم توازن‌های مرتبط با ترجمه‌زدایی از علم، «نظریه بانک سؤالات جهت‌ساز» را پیشنهاد داده‌ایم. برای کشف عدم توازن‌های مرتبط با مقاومت‌سازی اقتصاد، «نظریه بنگاه‌های وقف‌محور» را پیشنهاد داده‌ایم. در پاسخ به سؤال سوم دقت شده است که عدم توازن‌های فرهنگی، به صورت موردی و با اتکاء به تجربه افراد تشخیص داده نشوند و حتماً ذیل یک نظریه شناسایی شوند. مجموع این ۳ سؤال و جواب، تصویری کلان و اجمالی از برنامه‌ریزی با نگاه «الگوی پیشرفت اسلامی» به وجود می‌آورد؛ که در مباحث بعدی تکمیل می‌شود. در حال حاضر فهرستی از عدم توازن‌های فرهنگی و راه‌حل رفع آن‌ها را با عنوان پیوست «الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم توسعه کشور» آماده کرده‌ایم تا به دولت و نمایندگان مجلس پیشنهاد کنیم.

این روال برای مدیریت شهری هم کاربرد دارد که این بحث را هم آغاز کرده‌ایم. این نمونه‌سازی یا پردازش آزمایشگاهی، به پرورش «الگوی پیشرفت اسلامی» کمک می‌کند. از اینکه اجازه دادید این گزارش اجمالی را از مباحث «نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی» ارائه کنم از شما تشکر می‌کنم؛ البته همانطور که گفتم در «نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی» بالغ بر ۱۰۰ بسته بحث وجود دارد که تلاش می‌کنیم برای هر کدام از این بسته‌های بحثی، با مباحثه و تضارب، گفتمان‌سازی کنیم. این گفتمان‌سازی باعث می‌شود تا ۲ گانه بودن توسعه و پیشرفت در جامعه جدی‌تر مطرح شود.

خیلی ممنون از وقتی که در اختیار ما قرار دادید.



۱۴. گفتگوی حجت‌الاسلام علی کشوری با تسنیم / تبیین ابعاد و تضاد "تراژدی تضاد" برنامه ششم با الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت

دوشنبه ۵ بهمن ۱۳۹۴

بسم الله الرحمن الرحيم

چندی است لایحه برنامه ششم توسعه کشور، برای بررسی به کمیسیون‌های تخصصی مجلس شورای اسلامی ارجاع شده است؛ وجود اشکالات مبنایی متعدد، و تضاد با اسناد بالادستی و قوانین کشور، و همچنین مغایرت با مؤلفه‌های فرهنگ بومی، سبب شد که روز گذشته، در پی ایجاد اختلاف نظر شدید میان اعضاء کمیسیون فرهنگی با نماینده دولت، تمامی احکام فرهنگی این لایحه، بدون استثناء، و با تصویب تمامی اعضاء (بدون حتی یک مخالف) مردود اعلام شود؛ و بازتعریف تمامی احکام در دستور کار قرار گیرد. حجت‌الاسلام علی کشوری، کارشناس حوزه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، در مصاحبه با خبرنگار خبرگزاری تسنیم، از ابعاد مهمی از تضاد احکام فرهنگی با قوانین و اسناد بالادستی پرده برداشت. بخش اول این گفتگوی خواندنی به نظر خوانندگان می‌رسد.

***** ضرورت توجه به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در برنامه ششم توسعه / برنامه ششم یک تراژدی است**

تسنیم: با سلام خدمت حضرتعالی و تشکر از فرصتی که در اختیار ما قرار دادید؛ لطفاً برای آغاز بحث، اهمیت و سابقه تاریخی مسأله را بفرمایید.

بنده هم متقابلاً عرض سلام دارم و بابت فرصت این گفتگو تشکر می‌کنم. سال ۱۳۹۴ سال پایانی برنامه پنجم کشور است. اگر سال ۱۳۲۷ را که سال تدوین اولین برنامه برای توسعه کشور است، تا الآن مد نظر داشته باشیم، حدود ۷۰ سال است که کشور ما برنامه‌ریزی مبتنی بر توسعه دارد، و به لحاظ کمی و کیفی هم برنامه‌های مفصلی داشته‌ایم. مثلاً همین برنامه پنجم کشور ۱۱۴۱ حکم بود، در قالب ۲۳۵ ماده. پس هم به لحاظ زمانی (یعنی قدمت سال‌های برنامه‌ریزی) و هم به لحاظ کیفی ما در کشورمان به صورت مفصل برنامه‌ریزی داشتیم. از طرف دیگر امسال، دهمین سال گفتمان‌سازی برای مسأله مهم الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت کشور است. بنابراین این زمان یک تالقی بین ده سال گفتمان‌سازی با نگاه الگوی اسلامی پیشرفت، با زمان تدوین برنامه ششم است.

تسنیم: آیا تطابق لازم بین این الگو و برنامه ششم وجود دارد؟

باید بگوییم متأسفانه برنامه ششم از این جهت یک تراژدی است؛ به این خاطر که با وجود اینکه طی این ۱۰ سال هم استدلال‌های مفصلی از طرف جریان معتقد به الگوی پیشرفت اسلامی مطرح شده؛ و هم قانون‌های مهمی برای الگوی پیشرفت ایرانی و اسلامی در نهادهای قانونی کشور تصویب شده است؛ ولی علیرغم این مسائل، به نظر بنده سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، بدترین برنامه توسعه‌ای که ممکن بود نوشته شود، را تنظیم و تقدیم مجلس کرد.

بنابراین لازم است ابعاد تعارض برنامه ششم، با نگاه الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی و آرمان‌های انقلاب، به صورت علمی مورد بررسی قرار بگیرد؛ و آثار این بررسی هم، علاوه بر فواید گفتمانی که برای نگاه الگوی پیشرفت اسلامی دارد، برای نمایندگان محترم مجلس که می‌خواهند به برنامه ششم رأی دهند، و آن را تبدیل به قانون کنند، یک ملاک و معیاری برای تصمیم‌سازی است.

تسنیم: ما اینجا یک بحث مبنایی داریم؛ و آن این است که چرا باید با نگاه به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت برنامه‌ریزی کنیم؟ بنده از بخش بازخوانی استدلال‌های جریان الگوی پیشرفت شروع می‌کنم؛ مهمترین استدلال‌هایی که جریان پیشرفت الگوی اسلامی در نقد جریان توسعه‌گرا دارد، دو دسته استدلال است:

استدلال اول این است که اساساً بسیاری از برنامه‌های توسعه ایران اجرایی نشدند؛ و این عدم اجرای برنامه‌های توسعه نشان می‌دهد که محاسبات توسعه‌گرا غلط هستند. بنده مثال می‌زنم؛ آقای کردبچه نقش مؤثری در تدوین برنامه چهارم توسعه داشتند؛ ایشان نقل می‌کنند که ۷۳ حکم را از برنامه سوم به برنامه چهارم منتقل کردیم؛ یعنی در طول سال‌های اجرای برنامه

سوم، حداقل ۷۳ حکم اجرا نشده، که منتقل شدند به برنامه چهارم؛ یا برنامه پنجم کشور ۱۴ حکم فرهنگی داشته، که بعضی از اینها قطعاً محقق نشدند؛ و از بعضی دیگر هم گزارشی در دست نیست، که ببینیم برای آن‌ها چه اتفاقی افتاده است.

***** عدم اجرای احکام متعدد برنامه‌ها، نشان از ناکارآمدی برنامه‌ریزی توسعه‌محور است**

تسنیم: ممکن است از این حکم‌هایی که اجرا نشده و معطل مانده‌اند مثالی بزنید؟

برای مثال دولت مکلف بود تا پایان سال سوم برنامه پنجم، لایحه الگوی اسلامی پیشرفت را برای تصویب به مجلس بفرستد؛ ولی تا الآن که در انتهای برنامه و در سال پنجم برنامه هستیم، هنوز چنین اتفاقی نیفتاده است و ماده اول برنامه پنجم، دولت را مکلف کرده که برنامه ششم را براساس این لایحه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تدوین کند.

یا مثال دیگر اینکه موضوع ماده دوم برنامه پنجم کشور، پیوست‌های فرهنگی بنگاه‌های مهم اقتصادی است. ما می‌دانیم که چنین پیوست‌هایی از طرف دولت به مجلس ارائه نشده و الآن بنگاه‌های مهم اقتصادی ما دارای پیوست فرهنگی نیستند.

تسنیم: فکر نمی‌کنید ممکن است برنامه‌ریزی دچار اشکال باشد؟ یعنی مبنا (که توسعه‌محوری است) درست باشد، ولی برنامه‌ریزی دچار اشکال باشد؟

جناب آقای نوبخت و دوستانشان در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، همین استدلال را مطرح می‌کنند؛ می‌گویند نوع برنامه‌ریزی توسعه در ایران از انواع منسوخ است؛ و ما باید یک مدل برنامه‌ریزی جدید ارائه کنیم؛ ولی به نظر ما علت عدم انجام برنامه‌های توسعه، عدم توجه به شرایط فرهنگی ملت ایران است.

درواقع اینجا دو تحلیل وجود دارد. عده ای می‌گویند برنامه‌های توسعه در ایران اجرایی نمی‌شوند، چون ما از مدل‌های منسوخ برنامه‌ریزی استفاده می‌کنیم؛ و عده‌ای دیگر معتقدند برنامه‌های توسعه در ایران اجرایی نمی‌شوند، چون شرایط فرهنگی ملت ایران در این برنامه‌ها نادیده گرفته شده است.

تسنیم: چرا فقط بُعد فرهنگی را می‌فرمایید؟ ابعاد دیگر اینطور نیستند؟

چون در نهایت برای ایجاد توسعه، باید مشارکت مردم گرفته شود؛ یعنی اگر مردم مشارکت نکنند، توسعه‌ای در میان نخواهد بود؛ پس لحاظ نکردن ابعاد فرهنگی به معنای این است که برای توسعه، مشارکت مردمی نخواهیم داشت. اگر به این استدلال توجه شود، وزن فرهنگ را در اجرای برنامه توسعه نسبت به مسائل دیگر بیشتر می‌کند. دوستان توسعه‌گرا هم این حرف را قبول دارند؛ پس اگر شما فرهنگ یک ملت را لحاظ نکنید، مشارکت برای ایجاد توسعه ایجاد نخواهد شد؛ ولی در حال حاضر دوستان خواسته‌اند که مدل جدیدی از برنامه‌ریزی را در دستور کار قرار دهند؛ که نتیجه اش هم شده همین لایحه جدید.

تسنیم: از برنامه ششم از این جهت که مدل جدیدی از برنامه‌ریزی است، دفاع می‌کنند؟

یکی از مواردی که دوستان مثل قبل رفتار نکردند، این بوده است که برنامه ششم، از لحاظ احکام، بسیار سبک‌تر از برنامه پنجم است. یعنی دوستان می‌گویند ما تمام آمال و آرزوهای خودمان را تبدیل به برنامه نکردیم؛ واقعیت‌ها را دیدیم؛ و همان‌ها را می‌خواهیم تبدیل به برنامه کنیم؛ ولی من الآن در زمانی که هنوز برنامه در مجلس تصویب نشده، این را می‌گویم که در تاریخ بماند؛ بعد از اینکه دوره برنامه ششم تمام شود، کارشناسان قضاوت خواهند کرد که موارد اجرا نشده این برنامه بیش از برنامه‌های دیگر خواهد بود. چراکه این برنامه بیش از سایر برنامه‌ها مسأله فرهنگ را نادیده گرفته است. پس ما به دسته اول استدلال‌ها تکیه می‌کنیم؛ و می‌گوییم برنامه‌ریزی کشور باید تغییر کند. حالا البته ما با بررسی‌هایی که کردیم، ان‌شاءالله در روزهای آینده گزارشی در نقد برنامه ششم ارائه خواهیم کرد.

***** برنامه‌ریزی برای توسعه، باید مطابق با هدف انقلاب اسلامی باشد/ هدف شاخص‌های اسلامی ایرانی است**

تسنیم: اگر موافق باشید برگردیم به دلایل انتقاد شما به برنامه ششم. مورد اول را فرمودید عدم کارآمدی برنامه‌هاست.

پس به هر حال یکی از استدلال‌هایی که جریان الگوی پیشرفت اسلامی، به آن استدلال‌ها تکیه می‌کند، و تقاضا می‌کند که سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور نوع برنامه‌ریزی را در ایران تغییر بدهد، ناکارآمدی برنامه‌های توسعه است؛ با این دلیل که برنامه‌های توسعه در کشور اجرایی نشدند.

دسته‌ی دوم استدلال‌ها، استدلال‌های اثباتی ماست. انقلاب اسلامی با هدف تحقق شاخص‌های اسلامی ایرانی بوجود آمد؛ یعنی اگر انقلاب اسلامی را با انقلاب باصطلاح کبیر فرانسه، یا انقلاب تزاری روسیه و سایر جریان‌ها مقایسه کنیم، تفاوت اصلیش در تفاوت همین هدف‌گذاری است. هدف انقلاب ما تحقق شاخص‌های هویت اسلامی ایرانی بود.

تسنیم: ممکن است بحث را کمی مصداقی‌تر پیش ببریم؟

شاخصه‌های هویت اسلامی ایرانی برای مردم هم ملموس است. مثلاً یکی از شاخصه‌های هویت اسلامی، مسأله احیای نهاد خانواده است. الآن آمار طلاق در شهر تهران ۳۸ درصد است؛ یعنی ۳۸ درصد از ازدواج‌ها در تهران منجر به طلاق می‌شود. اگر با افرادی که زندگی‌شان دچار این مشکل شده گفتگو کنید، اغلب خواهند گفت که اگر همسرشان مدارا می‌کرد، شرایط بهتری داشتند و زندگی منجر به طلاق نمی‌شد.

یا یکی دیگر از شاخص‌های هویت اسلامی، مسأله عدالت است. یعنی اگر ما بتوانیم همانطور که آقا در سیاست‌های کلان اعلام کردند، ضریب‌جینی را در طول سال‌های اجرای برنامه ششم به سی و چهار صدم برسانیم، مردم حتماً استقبال می‌کنند. برنامه‌ریزی مبتنی بر عدالت، جزء سفارشات اسلام، و جزء موارد مطلوب مردم ایران است.

یا برای مثال اگر بحث امنیت و مسأله نفی سبیل (اینکه اجازه ندهیم دشمن بر ما مسلط شود) را بررسی کنید، حتی آن‌هایی که دلخوری‌هایی از نظام دارند، به لحاظ تأمین امنیت از نظام متشکرند؛ که در فضای به هم‌ریخته همسایگان ما، مردم ما در محیط امنی زندگی می‌کنند. پس مسأله نفی سبیل، که یکی از آن شاخص‌هاست، مطلوب مردم ما و البته سفارش اکید اسلام است.

پس وقتی ما از شاخص‌های هویت اسلامی ایرانی سخن به میان می‌آوریم، شاخص‌هایی را مطرح می‌کنیم که مردم از آن‌ها درک کاملی دارند و آن‌ها را مطلوب می‌پندارند؛ به این معنا که شاخص‌های هویت اسلامی ایرانی، صرفاً شاخص‌های نظری نیستند که مردم به آن‌ها معتقد نباشند.

**** شاخص‌های هویت اسلامی ایرانی، مورد علاقه و اعتماد مردم است**

تسنیم: چرا روی این موضوع تأکید می‌کنید؟

چون بعضی‌ها می‌گویند شاخص‌های هویت اسلامی، مورد علاقه، مورد اعتماد و مورد تقاضای مردم نیست. هدف ما از انقلاب اسلامی تحقق شاخص‌های هویت اسلامی ایرانی بود؛ که نمونه‌هایش را عرض کردم. سخن اصلی جریان الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، این است که برنامه‌ریزی توسعه، منجر به تقویت این شاخص‌ها نمی‌شود.

وقتی قله تعریف شده ادبیات توسعه، با قله تعریف شده انقلاب و الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی تفاوت پیدا می‌کند، میتوان نتیجه گرفت که باید نوع برنامه‌ریزی هم تغییر کند. همانطور که عرض کردم جریان پیشرفت الگوی اسلامی ایرانی در طول ده سال گذشته، با امثال این استدلال‌هایی که عرض شد، تقاضا کرد که سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، از این نوع برنامه‌ریزی توسعه‌گرا توبه کند؛ چراکه در واقع هدف برنامه‌ریزی توسعه، تحقق شاخص‌های خاصی است؛ که مبانی اسلامی ندارد.

**** الزامات حقوقی برای گنجاندن الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در برنامه توسعه**

تسنیم: آیا برای تحقق این امر، تنها مستمسک ما، استدلال‌های علمی و نظری است؟ یا مثلاً این مطالبات، مبانی حقوقی نیز دارد؟

علاوه بر استدلال‌های علمی ما یک سری قوانین در کشورمان تصویب کردیم که آن قوانین، دولت محترم را موظف می‌کند که این نوع برنامه‌ریزی مبتنی بر توسعه را تغییر بدهد؛ و به سمت برنامه‌ریزی با نگاه به الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی برود. مهمترین این قوانین دو دسته‌اند: دسته اول قوانینی که در برنامه پنجم کشور آمده است؛ بصورت مشخص ماده یک از برنامه پنجم، دولت و سایر قوا را مکلف کرده، که برنامه ششم را براساس لایحه الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی تدوین کند.

به این ترتیب به نظر بسیاری از کارشناسان اساساً روند تصویب برنامه ششم در کشور، یک روند غیرقانونی است. یعنی ابتدا دولت لایحه الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی را به مجلس نبرده، تا اول آن تصویب شود؛ و بعد لایحه تصویب شده، مبانی برنامه ششم قرار بگیرد. ضمن اینکه حتی بند یک ماده ۶۸ برنامه پنجم هم مرکز آمار ایران را موظف کرده که شاخص‌های



الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی را ارزیابی کند. ولی این اتفاق هم نیفتاد. پس بنابراین براساس این دو ماده قانونی، دولت موظف بوده که اقدامات عملی را در راستای تحقق الگوی اسلامی پیشرفت بردارد.

تسنیم: یعنی هم قانون را تصویب کند و هم برایش شاخص تعریف کند؟

بله؛ البته با همکاری اندیشمندان و متفکرانی که در این حوزه کار می‌کنند. بخش دیگر از قوانینی که دولت را مکلف می‌کند که برنامه ششم را باید با نگاه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تدوین کند، بحث سیاست‌های ابلاغی حضرت آقا برای برنامه ششم است. آنجا آقا به صراحت این مطلب را بیان می‌کنند که اجرای سیاست‌های برنامه ششم زمینه‌ساز الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی است. ایشان می‌فرمایند که سه محور بر برنامه ششم حاکم است: مقاوم‌سازی فرهنگ، مقاوم‌سازی اقتصاد، گسترش علم و فناوری. هر کدام از این موارد سه‌گانه هم به موارد جزئی‌تر تقسیم می‌شوند. در مجموع ما ۸۰ بند سیاست‌های ابلاغی داریم، که بخش قابل توجهی از این سیاست‌های ابلاغی با نگاه به الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی است. بنابراین اگر موارد قانونی برنامه پنجم توسعه را هم نادیده بگیریم، در صورتی که دولت بخواهد در تدوین برنامه ششم خودش را با سیاست‌های ابلاغی تطبیق بدهد، باز هم باید نگاه الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی در آن مندرج باشد.

تسنیم: الان شما معتقد هستید که اینگونه نیست؟

به نظر ما لایحه‌ای که در ۳۱ ماده به مجلس آمده، از این حیث تطابق ندارد؛ یعنی در موارد بسیاری با سیاست‌های ابلاغی برای برنامه ششم در تعارض است.

تسنیم: به این ترتیب نقد شما به لایحه برنامه ششم کشور و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، هم پشتوانه علمی دارد، و هم پشتوانه حقوقی؛ درست است؟

بله ما به پشتوانه استدلال‌های علمی و حقوقی این نقد را شروع کردیم؛ و الآن هم به این روند معترضیم. ما اگر به استدلال‌های جریان الگوی پیشرفت اسلامی توجه کنیم، اگر به بندهای قانونی توجه کنیم، یک نتیجه بدست می‌آید؛ اینکه باید برنامه ششم را با نگاه به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تدوین کنیم.

تسنیم: حالا سؤال این است که دقیقاً چه تفاوتی بین نگاه پیشرفت اسلامی و نگاه توسعه غربی وجود دارد؟ یعنی اینکه ما دائماً تقاضا می‌کنیم سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، برنامه‌های کشور را با نگاه الگوی اسلامی ایرانی تدوین کند؛ حالا الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی دقیقاً چه ویژگی‌هایی دارد؟ چه تفاوت‌هایی با الگوی توسعه غربی دارد؟ باید به چه مواردی توجه کنیم که خیالمان راحت شود که با نگاه پیشرفت اسلامی ایرانی برنامه‌ریزی کرده‌ایم؟

حجت الاسلام کشوری در بخش بعدی از این گفتگو، در پاسخ به این سؤال، به بررسی ابعاد اجابایی و الزامات نگاه برنامه‌ریزان به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت می‌پردازند.



۱۵. حجت‌الاسلام کشوری در گفتگو با مهر: جریان توسعه‌گرا در گام اول در تحلیل واقعیت‌ها دچار مشکل است نه تحلیل آرمان‌ها/

ریشه سکولاریسم مدیریت شهری توسعه‌گرا است

دوشنبه ۳ خرداد ۱۳۹۵

بسم الله الرحمن الرحيم

دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی گفت: مشکل جریان توسعه‌گرا این نیست که آرمان‌ها را نمی‌تواند تحلیل کند بلکه مشکل اول آن این است که واقعیت‌ها را نمی‌تواند تحلیل کند.

به گزارش خبرنگار مهر، تاکنون تصویر ملموسی از الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در رسانه‌ها مطرح نشده است. تدوین این الگو مقدمه‌ای برای تشکیل تمدن نوین اسلامی است که به عنوان نقشه راهی در این خصوص عمل می‌کند. برای بررسی دقیق‌تر این موضوع به سراغ حجت‌الاسلام علی کشوری، دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی رفتیم تا ضمن تبیین بهتر الگوی پیشرفت اسلامی، نگاه این الگو را در خصوص برنامه ششم توسعه به عنوان نمونه‌ای در برنامه‌ریزی کلان کشور مورد ارزیابی قرار دهیم. متن زیر مشروح مصاحبه مهر با حجت‌الاسلام کشوری است:

***عنوان مقدمه برای ورود به بحث توضیح دهید که تاکنون برای تولید الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت توسط شما چه اقداماتی انجام شده است؟**

من برای ورود به بحث یک مقدمه‌ای را در مورد اولین نقشه راه تولید الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ارائه می‌کنم. اصطلاح الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت اولین بار به صورت عمومی در سال ۸۵ در دانشگاه سمنان مطرح شد ولی مباحثات مربوط به اداره جامعه با نگاه دینی از اول انقلاب اسلامی در فضای گفتگمانی مطرح بوده است. در آن مباحثات که با نگاه اداره جامعه بر اساس دین بود، بیشتر بحث‌های بخشی مطرح می‌شده است. مثلاً در همان اوایل انقلاب وقتی مسئله تعاونی‌ها به تصویب مجلس رسید، جریان‌هایی در قم اعتراض کردند که مسئله تعاونی‌ها با دین نسبتی ندارد. موضوع تعاونی‌ها پیشنهادی برای ساماندهی بخش اقتصاد کشور بود. چون اوایل انقلاب هم فضای تفکرات چپ حاکم بوده بالاخره این تصویب می‌شود. ولی این اعتراض بخشی مثلاً در مورد حوزه تعاونی هیچ‌وقت به این مسئله منجر نشد که مثلاً جریان‌هایی بیایند و کل فضای الگوهای غربی را به چالش بکشند و همیشه اعتراض‌ها به صورت بخشی بوده است.

البته بنده در حوزه کاربردی این مسئله را مثال می‌زنم و گرنه از دهه ۴۰ به این طرف جریان علامه طباطبایی و شاگردان ایشان را می‌بینید که مبانی مارکسیستی را به چالش می‌کشند و همه ابعاد نظری آن را نقد می‌کنند که مثلاً ثمره آن کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم علامه طباطبایی و شرح شهید مطهری در این خصوص است.

با اینکه مقاله ششم این کتاب مربوط به اجتماعیات و اعتبارات است ولی ما این فضای نقد نظری را به فضای کاربردی که بر اساس آن تفکر مارکسیستی تئوریزه شده بود و بعد وارد کشور شده بود، تعمیم ندادیم.

در واقع ما تا قبل از سال ۸۵ هر وقت وارد نقد حوزه‌های کاربردی غرب شدیم به صورت بخشی ورود پیدا کرده‌ایم. ولی از سال ۸۵ با طرح اصطلاح الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تقریباً فضا آماده شد تا به صورت همه‌جانبه و نظام‌مند الگوهای غربی به چالش کشیده شوند.

ما از اصطلاح الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت این مطلب را متوجه می‌شویم که انقلاب به جمع‌بندی رسیده که در همه حوزه‌ها الگوهای غربی جامعه اسلامی را به چالش کشیده است. شما در گفتگمان انقلاب با این تعریف روبرو هستید که الگوی پیشرفت یعنی نقشه جامع اداره کشور. ما وقتی داریم در خصوص الگوی پیشرفت اسلامی صحبت می‌کنیم فقط راجع به بخش اقتصاد نیست. انقلاب و فکر آن به این ظرفیت رسیده که بیاید و در همه حوزه‌ها حرف خود را مطرح کند.

مجموعه کارگروه پژوهشی ما از اواسط دهه ۷۰ شمسی درگیر نقد بخشی تئوری‌های کاربردی غرب شده است. به خاطر دارم که ما در آن مقطع بر مسئله ثروت‌های بادآورده و فسادهای اقتصادی که در دوره سازندگی اتفاق افتاد، حساس شده بودیم.

به صورت طبیعی در آغاز دوره پژوهش این سؤال برای ما مطرح شد که چرا باید انقلاب اسلامی در حوزه اقتصادی به این بله‌ها و فسادها دچار شود؟

کارهای پژوهشی ما با یک سؤال آغاز شد که انقلاب اسلامی در آینده با چه آسیب‌هایی روبرو خواهد بود؟

در همان سال‌ها جمع‌بندی پژوهشی ما به این نتیجه منتج شد که مهمترین مشکل انقلاب اسلامی نداشتن الگوهای اسلامی است و در پایان سال ۹۰ ما به یک الگوی خاصی برای اداره جامعه رسیدیم که این را ذیل نظریه پردازش موضوعات جهت‌ساز شرح دادیم.

بنابراین بنده وقتی در مورد اولین نقشه راه تولید الگوی اسلامی پیشرفت صحبت می‌کنم مراد من حدود صد بسته بحث است که چگونگی اداره جامعه با نگاه دینی را در بخش‌های مختلف توضیح می‌دهد. البته تبیین اداره جامعه با نگاه دینی شاید نیاز به هزار بسته بحث داشته باشد؛ اما به نظر من اولین نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی فعلاً تفصیلی‌ترین سندی است که در این موضوع وجود دارد.

نکته دوم اینکه بعد از سال ۹۰ ما چند مسئله را در دستور کار قرار دادیم که در واقع این کارها به پرورش الگوی پیشرفت اسلامی در کشور منجر می‌شود.

یکی این بود که در مرحله پرورش الگوی پیشرفت اسلامی یعنی بعد از آن مرحله پژوهش ۱۵ ساله، داریم با نگاه الگوی پیشرفت نمونه‌سازی می‌کنیم. نمونه‌سازی یعنی اینکه یک موضوع عینی را در جامعه بر اساس مفاهیم الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، از حوزه نظری تا حوزه کاربردی تحلیل می‌کنیم. مطالبی که برای تحلیل یک موضوع لازم است بر اساس مفاهیم نقشه راه تدوین می‌کنیم.

*** مسئله ورود شما به برنامه ششم نیز از زاویه دید نمونه‌سازی بوده است؟**

نیروهای انقلاب به یک آفت مبتلا هستند و این آفت آن است که مباحث آن‌ها به حوزه کاربرد نمی‌رسد و به نوعی کلی‌گویی مبتلا می‌شوند

بله. ما چرا به مسئله برنامه ششم ورود پیدا کرده‌ایم و پیوست الگوی پیشرفت اسلامی را برای برنامه ششم مطرح کردیم؟ برای اینکه می‌خواستیم با نگاه الگوی پیشرفت نمونه‌سازی کنیم. نیروهای انقلاب به یک آفت مبتلا هستند و این آفت این است که مباحث آن‌ها به حوزه کاربرد نمی‌رسد و به نوعی کلی‌گویی مبتلا می‌شوند. هم دوستان طلبه ما در قم به این آفت مبتلا هستند و هم برخی دیگر از نیروهای انقلاب که در کسوت دانشگاهی هستند. همه کلمه حقی را مطرح می‌کنند و می‌گویند که الگوی غربی کارآمد نیست ولی مثلاً کتاب آن‌ها را که در نقد تئوری‌های غربی مطالعه می‌کنید می‌بینید که به مدل جایگزین نمی‌رسند.

معنای این سخن آن است که اگر شما بر اساس مبانی نظری خود نمونه‌سازی نکنید، نقد نظری به تفکر طرف مقابل می‌زنید اما در عرصه عمل کماکان آن تفکر باقی می‌ماند. لذا ما برای عبور از این آفت که سال‌ها آن را با تلخی هم لمس کرده بودیم یک کار قابل توجهی را سعی می‌کنیم در حوزه نمونه‌سازی انجام دهیم.

*** در حوزه برنامه ششم دقیقاً چه کاری بر اساس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت صورت گرفته است؟ آیا در حوزه‌های دیگری نیز این نمونه‌سازی را پیگیری کرده‌اید؟**

ما از ابتدای سال ۹۴ یک سؤال را مطرح کردیم و داریم به آن یک سؤال جواب می‌دهیم که الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت چه برنامه‌ای برای برنامه ششم کشور دارد؟ در واقع داریم در این حوزه خاص نمونه‌سازی می‌کنیم. تا پایان سال ۹۴ این موضوع محوری ما بود. چون اولین نمونه‌سازی ما هم بود آن را محور فعالیت‌هایمان قرار دادیم و سعی کردیم روی آن تمرکز خاصی داشته باشیم.

ولی از ابتدای سال ۹۵ موضوع دیگری هم به عنوان نمونه‌سازی دوم به آن اضافه کردیم و آن تحلیل مدیریت شهری با نگاه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است که به نظر آن موضوع به امنیت ملی کشور ربط دارد. اگر ما به مدل جدیدی از مدیریت شهری دست پیدا نکنیم، سکولاریسم در جامعه ما نهادینه می‌شود و معنای آن این است که انگیزه‌هایی که تا به حال کشور ما را حفظ کرده‌اند به صورت حداقلی در می‌آیند. حساسیت بنده در حوزه مدیریت شهری با نگاه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت هم این است که نحوه فعلی مدیریت شهری زیرساخت‌های امنیت ملی را به چالش می‌کشد.

ما مهمترین عامل امنیت ملی را نگاه‌های همسوی مردم با انقلاب اسلامی می‌دانیم. چه چیزی این نگاه‌های همسو را به چالش می‌کشد؟ به نظر من موضوع اصلی، نحوه مدیریت شهری ماست. مدیریت شهری ما یک آفت مهمی ایجاد می‌کند و آن

این است که نحوه تامین نیازهای اصلی خانوار را به شکلی مدیریت می‌کند که اعضای خانواده برای تامین نیاز مجبورند مکرر از هم جدا بشوند. ما چهار سبد نیاز اصلی داریم که شامل نیازهای روزمره، تفریحی، شغلی و تحصیلی است.

اگر شما برای هر خانواده ایرانی این چهار نیاز اصلی را در نظر بگیرید، مدیریت شهری ما این چهار سبد نیاز را به نحوی تامین می‌کند که افراد برای رفع هر یک از این نیازها مجبور است از محیط خانه به صورت طولانی مدت دور شوند و ارتباط اعضای خانواده کم رنگ می‌شود. مثلاً گسترش پدیده هایپرمارک و مدل TOD در حوزه شهرسازی از این نمونه است. ممکن است مجتمع‌های اقتصادی قیمت تمام شده کالا را ارزان تر در اختیار خانوار قرار دهند ولی به دلیل بزرگی این مجتمع‌ها آن‌ها را معمولاً در چند منطقه تنظیم می‌کنند و معنای آن این است که برای تامین نیازهای خانوار مردم مجبورند وقت بیشتری را بگذارند.

بخش دیگر آن برای تامین نیازهای تحصیلی است. الان در مدل فعلی آموزش و پرورش، ما مدارس را در مناطق داریم تعریف می‌کنیم. با این بحث کیفیتی هم که برای مدارس مطرح شده و مدارس ما بعضاً در حوزه آموزش بی کیفیت شده‌اند، گاهی می‌بینید که محل تحصیل فرزند خانواده از محل زندگی آنها دور است. باز به بهانه تحصیل از خانواده فاصله می‌گیریم. همچنین به بهانه شغل این اتفاق می‌افتد و در نهایت هم به بهانه تفریح، وقتی خانواده‌ای برای تامین سبد نیازهای خود مجبور می‌شود چهار فرصت زمانی را هدر بدهد، فرصت زمانی خاص خانواده کجا می‌رود؟ اگر زمان ارتباط اعضای خانواده کاهش پیدا کرد مسئله تربیت به چالش کشیده می‌شود. در شهری مثل تهران بیش از پدر و مادر حوزه‌های دیگری بر نگرش‌های فرد تأثیر دارد.

پدر و مادر به دلیل کمبود وقت اصلاً فرصت تأثیرگذاری بر نگرش‌های فرزند خود را ندارند. در حوزه تأثیرگذاری بر نگرش‌ها و مسئله تربیت یک هرج و مرج اتفاق افتاده است. این است که ما عرض می‌کنیم مدیریت شهری در نهایت خودش به تغییر سبک زندگی و سکولاریسم منجر می‌شود.

*** ربط این مسئله به موضوع امنیت که به آن اشاره کردید، چیست؟**

وقتی نگرش‌ها تغییر پیدا کرد یعنی مجموعه عواملی که بر نگرش و شکل‌گیری شخصیت متعدد شدند، شما نمی‌توانید نگرش‌های پایدار و دائم و در راستای جهت‌گیری جامعه خودتان طراحی کنید. اگر مثلاً نسبت به اصل انقلاب اسلامی یک نگرش‌هایی ایجاد شد، چون داریم خانواده را با مدیریت شهری از محوریت شکل‌گیری به شخصیت خارج می‌کنیم، جریان‌های دیگری می‌آیند و مثلاً راجع به اصل انقلاب اسلامی و تغییر سبک زندگی و ده‌ها حوزه دیگر نگرش‌های جدید و خلاف اصول را جا می‌اندازند. پس بصورت بنیادین امنیت به چالش کشیده می‌شود.

من مثالی می‌زنم. مثلاً الان در شهر تهران ۳۸ درصد طلاق داریم. چرا نگاه دستگاه‌های امنیتی به مسئله طلاق امنیتی نیست؟ شما وقتی خانواده را دچار فروپاشی می‌کنید، آن وقت فردی که آرامش روحی و روانی او به چالش کشیده شده مشکل امنیتی و اجتماعی و اقتصادی و... درست می‌کند و ریشه آن فروپاشی نهاد خانواده است. به نظر من نمی‌توان بر سر منبر نشست و به مردم توصیه کرد که مثلاً با فرزند خود مهربان باشند و صرفاً توصیه‌های اخلاقی انجام داد.

وقتی اعضای خانواده فرصت ندارند در کنار یکدیگر باشند دیگر نوبت به عمل به توصیه‌های اخلاقی نمی‌رسد. چرا فرصت ندارد؟ ما ریشه این را در مدیریت شهری می‌دانیم. نمونه‌سازی دوم ما به صورت کاربردی در خصوص مدیریت شهری است که شهر را چگونه اداره کنیم که خانوار حفظ شود.

*** در نمونه‌سازی اول که مطرح کردید، الگوی پیشرفت مورد نظر شما چه پیشنهادی برای برنامه ششم کشور دارد؟**

ما در قالب پنج ساختار بحثی به این سؤال جواب دادیم؛ در واقع اگر کسی می‌خواهد فهم کند که برنامه‌ریزی کشور بر اساس الگوی پیشرفت اسلامی چگونه خواهد بود و چگونگی برنامه‌ریزی با نگاه الگوی پیشرفت اسلامی را درک کند به نظر من باید این ۵ ساختار بحثی را مرور کند. این ۵ ساختار بحثی کمک می‌کند که شما از کلی‌گویی نسبت به حوزه برنامه‌ریزی خارج شوید.

باز بنده اشاره می‌کنم به فصل تدوین برنامه چهارم کشور، که حتماً به یاد دارید که در آن ایام کتاب مبانی نظری برنامه چهارم کشور توسط آقای ستاری فر و دوستان ایشان نوشته شد. در آن کتاب در مبانی نظری، تعارض‌هایی با جهت‌گیری انقلاب دیده

می شد. مثلاً یک بند آن این بود که در آنجا تقریباً با تصریح نوشته بودند که رهبران جمهوری اسلامی صحنه جهان را غیرواقعی ارزیابی می‌کنند. این حرف هم به نوعی در مذاکرات اخیر تلویحاً اشاره شد.

حالا که برجام اجرایی شده واضح شده که نگاه واقع‌بینانه آن‌ها خیلی هم واقع‌بینانه نبود و واقعیت قضیه این است که ما بعد از برجام دو میلیارد دلار ضرر مالی کردیم. مشکل اول جریان توسعه‌گرا این نیست که آرمان‌ها را نمی‌تواند تحلیل کند، بلکه مشکل اول آن این است که واقعیت‌ها را نمی‌تواند تحلیل کند که نمونه آن برجام است. آفتاب تابان برجام در حال سوزاندن تئوری‌های غرب در اذهان نخبگان و مردم است.

سند مبانی نظری برنامه چهارم وقتی نوشته شد، همه دوستان انقلاب به آن نقد نظری کردند ولی بحث اینجاست که خود برنامه چهارم کشور هیچ تغییری نکرد. بنده به یاد دارم که در مناظرات ریاست جمهوری سال ۹۲ آقای عارف به آقای حدادعادل اشکال کرد که اگر شما با برنامه چهارم مخالف بودید چرا در آن تغییری ایجاد نکردید؟ چرا دوستان تغییری در برنامه ایجاد نکردند؟ چون دوستان انقلاب بیشتر در حوزه نظری ورود می‌کنند و مبانی غربی را نقد می‌کنند. ناظر به این آفت اگر شما این ۵ ساختار بحثی را مرور کنید، درک شما در مورد الگوی پیشرفت اسلامی اجرایی‌تر می‌شود. ما باید طوری وارد حوزه نقد شویم که بتوانیم بعداً مدل جایگزین ارائه کنیم. به نظرم در این ۵ ساختار به این هدف دست پیدا می‌کنیم.

ساختار اول: نقد نظام برنامه‌ریزی کشور ما از سال ۱۳۲۷ تا الان ۶۸ سال سابقه برنامه‌ریزی داریم. این چند دهه برنامه‌ریزی در کشور چه معایبی دارد؟ این باید مورد بحث قرار گیرد.

ساختار اولی که مرور آن را برای کسانی که می‌خواهند وارد الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بشوند، لازم می‌دانیم، نقد نظام برنامه‌ریزی کشور است. ما از سال ۱۳۲۷ تا الان ۶۸ سال سابقه برنامه‌ریزی داریم. این چند دهه برنامه‌ریزی در کشور چه معایبی دارد؟ این باید مورد بحث قرار گیرد. در همه جلسات از جناب آقای نوبخت به خاطر صداقت و صراحت ایشان در نقد نظام برنامه‌ریزی کشور تشکر کردم. آقای نوبخت یک اعتراف تاریخی کردند و گفتند ما ده برنامه توسعه در کشور نوشتیم ولی به اهداف توسعه دست پیدا نکردیم. یعنی در حقیقت به ناکارآمدی توسعه غربی در ایران اعتراف کرده‌اند.

چند دهه است که داریم با مدل‌های مختلف برنامه‌ریزی می‌کنیم اما نظام برنامه‌ریزی کشور نتوانسته حتی اهداف توسعه را محقق کند. چرایی این اتفاق باید بررسی شود. لذا این عنوان ساختار مباحث ماست که چرا نظام برنامه‌ریزی در ایران ناکارآمد است؟ یک جا بین ما و جریان توسعه‌گرا اشتراک است و آن هم این است که هر دو اجماع داریم که نظام برنامه‌ریزی در ایران ناکارآمد است.

ساختار دوم: انتظار انقلاب اسلامی از حوزه برنامه‌ریزی

در ساختار دوم مباحث آمدم انتظار انقلاب اسلامی را از حوزه برنامه‌ریزی تبیین کرده‌ایم. در ساختار قبل معایب نظام برنامه‌ریزی را گفتیم. در ساختار دوم موضوع بحث این است که انتظار انقلاب اسلامی از حوزه برنامه‌ریزی را به صورت تئوریک شرح دهیم. در این خصوص ما به دو بیان این را توضیح دادیم که مکمل هم هستند.

بیان اول این است که به نظر ما حوزه برنامه‌ریزی باید بتواند دولت‌سازی را بسط دهد. چون بر اساس فلسفه تاریخ انقلاب ما در مرحله سوم سیر تکاملی انقلاب یعنی مرحله دولت‌سازی هستیم، نظام برنامه‌ریزی کشور باید قدرت دولت‌سازی داشته باشد.

از نظر مفاهیم اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی، اداره جامعه هدایت‌بنیان است و ما اگر نتوانیم امر هدایت را فربه کنیم نمی‌توانیم جامعه را دینی اداره کنیم.

بیان دیگر برای تبیین انتظار انقلاب اسلامی از حوزه برنامه‌ریزی این است که گفتیم دولت‌سازی چیست؟ و مفهوم دولت‌سازی را بحث کردیم. به یک تعریفی رسیدیم که دولت‌سازی یعنی نظامات اجتماعی منتهی به هدایت؛ یعنی از نظر مفاهیم اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی، اداره جامعه هدایت‌بنیان است و ما اگر نتوانیم امر هدایت را فربه کنیم نمی‌توانیم جامعه را دینی اداره کنیم.



از منظر مفاهیم ما، بنیان اداره جامعه مفهوم هدایت است. هدایت یک موضوع است با سه محصول؛ محصول اول هدایت این است که سعادت اخروی فرد را تأمین بکند. ما نمی‌توانیم انتظار سعادت اخروی را داشته باشیم ولی در این دنیا اهل ضلالت باشیم. باید شاخصه‌های هدایت در ما وجود داشته باشد که نتیجه آن سعادت اخروی شود.

محصول دوم هدایت این است که آرامش فردی را تأمین می‌کند. انسان‌هایی که نگاه سالمی به دنیا دارند آرام‌تر هستند. این میوه هدایت در عصر حاضر خیلی فایده دارد. بیماری عصر مدرن، بیماری استرس است. خروجی مدرنیته این بوده که فرد را ناآرام‌تر از گذشته کرده است. ما به مسئله تأمین آرامش فرد به عنوان یکی از شاخصه‌های رفاه نیاز داریم. به نظر ما با فربه‌شدن امر هدایت این میوه هم به دست می‌آید.

محصول سوم که از هدایت‌بنیانی به دست می‌آید این است که اگر جامعه‌ای از دیگران هدایت‌یافته‌تر باشد، دیگر یکسری از مسائل برای آن جامعه مطرح نیست تا به طبع آن مدیران جامعه بخواهند آن مسائل را حل و فصل کنند. مثلاً جامعه هدایت‌یافته کمتر به مشکلات خانوادگی دچار می‌شود. پس حکومت هم مجبور نیست برای دادگاه و مسائل اجتماعی ناشی از طلاق و فروپاشی خانواده و... هزینه‌ای کند.

همین الان در برنامه ششم یک سرفصل قابل توجهی از بودجه‌ها به مشکلات حاد اجتماعی اختصاص پیدا می‌کند که ریشه همه آن‌ها هم متزلزل شدن نهاد خانواده است. هدایت در حوزه مسائل اقتصادی هم مطرح می‌شود. مثلاً یکی از آثار هدایت گسترش وصف ایثار در جامعه است. فربه شدن امر هدایت در حوزه امنیت هم تأثیر می‌گذارد. نظریه بسیجی که امام خمینی رضی الله عنه در باب امنیت مطرح کردند الان کارآمدی خود را در منطقه نشان می‌دهد. اگر جامعه ایران به این میزان هدایت‌یافته نبودند ما نمی‌توانستیم تئوری بسیج را عملیاتی بکنیم.

بحث مفصلی داریم که فربه‌شدن هدایت در جامعه آثار اجتماعی دارد، به این معنا که بافت مسائل مبتلا به مدیران را به تدریج عوض می‌کند. یعنی مدیران یک حکومت در یک جامعه ضلالت‌یافته با یک مجموعه مسائل روبرو هستند و مسئله در جامعه هدایت‌یافته متفاوت می‌شود.

در اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی ما آمدم چگونگی تحقق این هدایت را در صد بسته بحثی شرح دادیم. همانطور که عرض کردم ما دولت‌سازی را به نظامات اجتماعی منجر به هدایت معنا کردیم. چرا؟ چون به نظر ما اگر جامعه فقط بر مسئله هدایت تمرکز پیدا کند، بسیاری از مشکلات جامعه حل می‌شود.

انتظار انقلاب اسلامی از حوزه برنامه‌ریزی؟ ما در گام اول بحث داریم که انقلاب انتظار دارد دولت‌سازی اسلامی بسط پیدا کند. آنچه می‌خواهم بر آن تأکید کنم این است که دولت‌سازی اسلامی یعنی نظامات اجتماعی منجر به هدایت. بنابراین وقتی می‌گوییم نظام برنامه‌ریزی کشور باید تغییر کند مراد ما این است که برای زیرساخت‌های هدایت برنامه‌ریزی کنیم. در ساختار دوم ما به این نتیجه رسیدیم که نظام برنامه‌ریزی کشور باید قدرت دولت‌سازی اسلامی داشته باشد.

ساختار سوم: نقطه آغاز دولت‌سازی اسلامی کجاست؟

سؤال سوم این است که اگر ما بخواهیم نظام‌سازی منتهی به هدایت داشته باشیم یا اگر بخواهیم دولت‌سازی اسلامی داشته باشیم دقیقاً نقطه آغاز دولت‌سازی اسلامی کجاست؟ یا نظام‌سازی اجتماعی منجر به هدایت از کجا آغاز می‌شود؟

جریان توسعه‌گرا می‌گوید ما باید عدم توازن‌ها در کشور را برطرف کنیم ولی مراد او از عدم توازن‌ها امور ناهماهنگ با بخش اقتصاد جامعه است. یعنی جریان توسعه‌گرا اقتصاد را محور تعادل اجتماعی تعریف می‌کند و هر امر ناهماهنگ با بخش اقتصاد، امر نامتوازن خواهد بود

جواب به این سؤال ساختار سوم مباحث ماست. ما در ساختار سوم مطرح کردیم شناسایی و رفع عدم توازن‌های فرهنگی، نقطه آغاز دولت‌سازی اسلامی است. این اصطلاح در مقایسه عدم توازن‌های اقتصادی که جریان توسعه‌گرا طرح کرده مطرح شده است. جریان توسعه‌گرا می‌گوید ما باید عدم توازن‌ها در کشور را برطرف کنیم ولی مراد او از عدم توازن‌ها امور ناهماهنگ با بخش اقتصاد جامعه است. یعنی جریان توسعه‌گرا اقتصاد را محور تعادل اجتماعی تعریف می‌کند و هر امر ناهماهنگ با بخش اقتصاد، امر نامتوازن خواهد بود.

به عنوان مثال در همین مذاکرات برجام جریان توسعه‌گرا این را مطرح می‌کرد که سیاست خارجی ما ناهماهنگ با اقتصاد عمل می‌کند که اصطلاحی رسانه‌ای هم مطرح شده بود که تا الان اقتصاد ما به حوزه سیاست خارجی یارانه می‌داده است و از این به بعد باید حوزه سیاست خارجی به اقتصاد یارانه بدهد. این در واقع بیان عرفی همین عدم توازن اقتصادی است.

به عنوان مثال دیگر جریان توسعه‌گرا می‌گوید بین تولید و محیط زیست ما عدم توازن وجود دارد. غرض تولید افزایش رفاه است ولی ما به نحوی داریم تولید جامعه را اداره می‌کنیم که محیط زیست را آلوده می‌کند و آلودگی محیط زیست یعنی به چالش کشیده شدن رفاه. پس تولید غیر پاک یک امر نامتوازن در جامعه ما خواهد بود.

حرف بنده این است که هر جا جریان توسعه‌گرا اصطلاح عدم توازن را استعمال می‌کند، مراد او امور نامتوازن و ناهماهنگ با بخش اقتصاد است. نگاه اقتصادی در جریان توسعه‌گرا یک عمومیتی دارد. حتی وقتی در مورد آموزش بحث می‌کنند به صراحت این سؤال را مطرح می‌کنند که چرا نظام آموزشی ما قدرت ندارد کار آفرین تربیت کند؟ لذا در این نگاه همه بخش‌ها باید به نفع بخش اقتصاد تغییر بکنند.

تعریف ما از اصطلاح عدم توازن‌های فرهنگی، امور ناهماهنگ با هدایت بنیان اداره کردن جامعه است. در واقع ما به هر امری که برای هدایت جامعه مضر باشد، اطلاق نامتوازن می‌کنیم و او را یک امر ناهماهنگ در حوزه اداره جامعه می‌شماریم. اخیراً می‌گویند بدون لیبرالیسم نمی‌توانیم به توسعه دست پیدا کنیم و با این بیانشان می‌خواهند بگویند که نظام حکومتی فعلی نامتناسب با بخش اقتصاد است و باید تغییر پیدا کند. در دوره اصلاحات این حرف‌ها را صریح‌تر می‌زدند و می‌گفتند نهادهای انتصابی و نهادهای انتخابی و دوگانه‌ای می‌خواستند بسازند که غرض آن‌ها از این دوگانه، هماهنگ کردن سیستم حکومتی مترقی ما با بخش اقتصادی بود. جریان توسعه‌گرای حاضر نیز در روح مباحث خود به دنبال هماهنگ‌سازی بخش‌ها با اقتصاد است.

ما مقابل این اصطلاح اصطلاحی تحت عنوان عدم توازن‌های فرهنگی را مطرح کردیم. تعریف ما از اصطلاح عدم توازن‌های فرهنگی، امور ناهماهنگ با هدایت بنیان اداره کردن جامعه است. در واقع ما به هر امری که برای هدایت جامعه مضر باشد، اطلاق نامتوازن می‌کنیم و او را یک امر ناهماهنگ در حوزه اداره جامعه می‌شماریم. بنابراین نقطه آغاز دولت‌سازی اسلامی کشف عدم توازن‌های فرهنگی است.

مثلاً یکی از زیرساخت‌های هدایت، دوران تربیت است. تربیت در نهاد خانواده اتفاق می‌افتد؛ یعنی اگر ما میوه‌های اجتماعی و فردی و اخروی هدایت را می‌خواهیم باید حتماً دوران شکل‌گیری شخصیت و دوران تربیت را جدی بگیریم. اگر بخواهیم دوران تربیت را جدی بگیریم باید نهاد خانواده را جدی بگیریم. حال این سؤال مطرح می‌شود که چه اموری با جدی گرفتن نهاد خانواده در تعارض است؟

به عنوان مثال برابر بودن قوانین اشتغال بانوان با قوانین اشتغال آقایان یک امر نامتوازن محسوب می‌شود؛ یعنی اگر زن‌ها پا به پای مردها در جامعه کار بکنند، نهاد خانواده تضعیف می‌شود. پس قطعاً ما به اصلاح قوانین اشتغال بانوان در جمهوری اسلامی نیاز داریم. عدم توجه به اصلاح قوانین اشتغال در حوزه بانوان منجر به تضعیف نهاد خانواده و آسیب‌زدن به آرامش بانوان می‌شود. این یک امر نامتوازن بر اساس تعریف الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است. آن‌ها عدم توازن را با رویکرد توسعه معنا می‌کنند.

ما نیامدیم بگوییم که زیرساخت اداره جامعه فرهنگ است، بلکه ما مطرح کردیم که زیرساخت اداره جامعه توجه به فرآیند هدایت است. نتیجه توجه جدی به فرآیند هدایت در اداره جامعه، اصلاح فرهنگ خواهد بود. یعنی اصلاح فرهنگ میوه توجه به فرآیند هدایت است. البته بعضی از بزرگان ما وقتی کلمه فرهنگ را استعمال می‌کنند آن را مترادف با هدایت در نظر می‌گیرند. پس اگر ما بتوانیم عدم توازن‌های فرهنگی را کشف و رفع کنیم در واقع دولت‌سازی را بسط داده‌ایم. در واقع توانسته‌ایم امر هدایت را فربه کنیم.

*** بر اساس این ساختاری که توضیح دادید ما چگونه عدم توازن‌های فرهنگی را شناسایی و رفع می‌کنیم؟**

ساختار چهارم: چگونگی شناسایی و رفع عدم توازن‌های فرهنگی

به لحاظ جامعه‌شناسی دو دیدگاه در این خصوص مطرح است؛ یک دیدگاه با اتکا به تجربیات خود این کار را می‌کند که معمولاً در میان نمایندگان مجلس خیلی شیوع دارد؛ یعنی فردی سال‌ها مثلاً در حوزه خانواده کار کرده است و یک مسئله‌ای را در این حوزه بصورت تجربی لمس کرده و تجربه خود را تبدیل به قانون می‌کند. ما به این روال نقد داریم؛ چون اگر به این روش عمل کنیم تجربه قانون‌گذار به وسیله قانون به افراد جامعه انتقال پیدا نمی‌کند و آن قانون قابلیت تفاهم پیدا نمی‌کند و به سرنوشت عدم اجرا مبتلا می‌شود.

نباید تصور کنیم که اگر امری تبدیل به قانون شد، حتماً در جامعه اجرایی می‌شود. امری که تبدیل به قانون می‌شود، باید نظریه پشتیبان داشته باشد که بتواند از قانون دفاع تئوریک بکند. ما قانون بد را قانونی می‌دانیم که نظریه پشتیبان نداشته باشد. ما آمدیم در پیوست الگوی پیشرفت برای برنامه ششم از این بحث دفاع کردیم که شناسایی و رفع عدم توازن‌های فرهنگی باید ذیل نظریات بخشی الگوی پیشرفت اتفاق بیافتد.

اگر نخبه و مدیر ما دقیقاً بخواهد بداند که نظریات الگوی پیشرفت -چه نظریات مادر و چه نظریات بخشی- کجا ورود پیدا می‌کنند و بر اداره جامعه تأثیر می‌گذارند، باید بداند در شناسایی و رفع عدم توازن‌های فرهنگی نقش خود را نشان می‌دهد. یعنی در حوزه تصمیم‌سازی به محوریت کشف و رفع عدم توازن‌های فرهنگی، شما می‌توانید کارکرد نظریات بخشی الگوی پیشرفت را حس کنید.

چهار نظریه از نظریات بخشی الگوی پیشرفت

چون پیوست الگوی پیشرفت یک نمونه‌سازی محدود بود از نظریات مطرح در اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی چهار نظریه را از نظریات بخشی الگوی پیشرفت استفاده کردیم تا از آن‌ها برای کشف و رفع عدم توازن‌های فرهنگی استفاده کنیم. مثلاً برای کشف و رفع عدم توازن‌های فرهنگی در مورد ترجمه‌زدایی از علم، آمدیم از نظریه بانک سؤالات جهت‌ساز استفاده کردیم. این نظریه به شما توضیح می‌دهد چگونه عدم توازن‌های فرهنگی در حوزه پایان‌نامه‌ها را مدیریت کنید.

۱. نظریه بانک سؤالات جهت‌ساز

ما با یک عدم توازن فرهنگی حاد در حوزه علمی کشور مواجه هستیم که از یک طرف می‌دانیم که کشور را باید علمی اداره کنیم. از طرف دیگر اکثر پایان‌نامه‌هایی که نوشته شده‌اند برای رفع عدم توازن‌های اقتصادی راه حل ارائه داده‌اند.

ما به صورت مبنایی به دنبال عدم توازن‌ها فرهنگی و رفع آن‌ها هستیم. لذا اینکه پایان‌نامه‌های ما نمی‌توانند عدم توازن‌های فرهنگی را توضیح بدهند و در مورد رفع آن بحث کنند خود یک عدم توازن است.

برای رفع این عدم توازن دو راه حل در جامعه ما مطرح شده است؛ عده‌ای گفته‌اند از تغییر معادلات علمی باید کار را شروع کرد. لذا گفته‌اند ما به روش تحقیق جدید نیاز داریم و به فلسفه علم جدید و فلسفه‌های مضاف جدید احتیاج داریم و یک مسیر طولانی را تعریف کردند که اگر این مسیر طولانی طی بشود بعداً پایان‌نامه‌های ما هم ناظر به مسائل فرهنگی و کشف عدم توازن‌های فرهنگی نوشته خواهد شد.

این نظریه چندین اشکال دارد و مهمترین اشکال آن این است که فعلاً ما نمی‌توانیم در کوتاه‌مدت راه حلی برای رفع عدم توازن‌های فرهنگی ارائه دهیم. وقتی یک نظریه نتواند پشتیبانی علمی برای خود تأمین کند عمر آن کوتاه می‌شود. مثلاً دولت‌سازی اسلامی که به دنبال رفع عدم توازن‌های فرهنگی است، اگر پشتوانه علمی پیدا نکند متوقف می‌شود.

از یک طرف مسیری که دوستان پیشنهاد می‌کنند، یک مسیر طولانی‌مدت برای ایجاد علم دینی است و از طرف دیگر ما همین الان کشف و رفع عدم توازن‌های فرهنگی را نیاز داریم. ما آمدیم در نظریه بانک سؤالات جهت‌ساز سعی کردیم این مشکل را حل کنیم. به این شکل که آمدیم ۲۴۳ مادر سؤال را ناظر به عدم توازن‌های فرهنگی تشریح کردیم که اگر این سؤالات در دانشگاه‌های ما تشریح شود خود این تبیین سؤال باعث می‌شود که ظرفیت علمی موجود دانشگاه‌های ما برای ارائه راه حل فعال شوند.

یعنی یک اتفاق فراتر از نوشتن پایان‌نامه و کشف راه حل برای سؤالات فعلی به دست می‌آید، چون سؤال مشخص و روشن روی زمین وجود دارد، حتی می‌تواند زمینه فهم نظریه علم دینی را برای دوستان دانشگاهی ما تبیین کند. چون به اصطلاح لاکاتوش، هسته‌های سخت علمی وقتی نتوانند جواب یک سؤال را بدهند مورد ترمیم واقع می‌شوند. پس بنابراین



سؤالاتی که ما مطرح کردیم هم منجر به این می‌شود که با ظرفیت علمی موجود بسیجی برای حل این سؤالات ایجاد شود و هم باعث می‌شود زمینه برای کارهای بلندمدت آماده شود.

ما از نظریه بانک سؤالات جهت‌ساز برای کشف و رفع عدم توازن‌های فرهنگی حوزه علم استفاده کردیم. مشخصاً وقتی می‌گوییم که کشور به آفت ترجمه‌گرایی مبتلا شده، مراد این است که تئوری‌های غربی قدرت تبیین، کشف و رفع عدم توازن‌های فرهنگی را ندارند. این یک آفت برای حوزه علمی ما محسوب می‌شود که نمی‌توانند مسائل بومی مردم را تحلیل کنند.

۲. نظریه پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم

از نظریه پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم برای کشف و رفع عدم توازن‌های فرهنگی حوزه قضایی استفاده کردیم. ما سالانه ۱۵ میلیون خدمت قضایی انجام می‌دهیم. معنای آن این است که آمار جرم در جامعه ما بالاست. پس مسئله پیشگیری از جرم یک مسئله حیاتی در جامعه ماست و باید آن را رفع کنیم. برای پیشگیری از جرم و امور نامتوازن با این مسئله حیاتی، الان در کشور ما سه نظریه مطرح است.

دوستان نیروی انتظامی از نظریه پیشگیری محیطی استفاده می‌کنند که این نظریه منجر به کنترل جرم نخواهد شد بلکه منجر به تغییر بافت جرم می‌شود. نظریه پیشگیری ساختاری هم در کشور ما طرفدارانی دارد که نتیجه آن تشکیل شورای عالی پیشگیری از جرم شد. بعد از سال‌ها معطلی در مجمع تشخیص تبدیل به قانون شد و آخرین خبرها حاکی از این دارد که جناب آقای رئیس‌جمهور نامه‌ای به مقام معظم رهبری نوشتند و به این مضمون گفتند که این قانون اجرایی نمی‌شود. به هر حال این نظریه طرفدارانی دارد.

تئوری دیگر در این خصوص، نظریه پیشگیری توسعه‌ای است. یک طرفداری‌هایی هم از نظریه پیشگیری کیفری می‌شود که طرفدار جدی‌ای ندارد. ما در مقابل این چهار نظریه که در حوزه پیشگیری از جرم مطرح است نظریه پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم را مطرح کردیم که کمک می‌کند عدم توازن‌های فرهنگی مرتبط با مسائل قضایی را حل کند. در واقع مثل بقیه مسائل که در جامعه به وجود می‌آید و ریشه آن به نگرش‌های غلط برمی‌گردد، ریشه جرم هم همین است.

* چگونه باید امور منجر به نگرش‌های ایجادکننده جرم را شناسایی کنیم؟

این را در نظریه پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم شرح دادیم که در نهایت اگر قوه قضائیه بر این مبنا عمل کند بخش تصمیم‌سازی قوه قضائیه ارتقا پیدا می‌کند. ولی روح بحث این است که ما به تبع تفکر انبیاء علیهم‌السلام در این نظریه آمدیم با بنیادهای ایجاد جرم مقابله کنیم. یعنی به نوعی به دنبال تحقق تزکیه در مقیاس یک تمدن و یک جامعه هستیم. شاید تاکنون وقتی در مورد تزکیه حرف می‌زنیم در مقیاس یک فرد صحبت شده است. ما در نظریه پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم تزکیه را در مقیاس یک تمدن و جامعه تئوریزه کردیم.

۳. نظریه بهبود مستمر فضای حاکم بر نهادهای متکفل تربیت

نظریه سومی که ما در این پیوست استفاده کردیم این است که به سمتی رفتیم که امور نامتوازن با مسئله تربیت را شناسایی کنیم. لذا به نظریه بهبود مستمر فضای حاکم بر نهادهای متکفل تربیت پرداختیم. ما عمداً در نامگذاری نظریه تربیتی نقشه راه، نام نظریه را شبیه نظریه بهبود مستمر به فضای حاکم بر کسب و کار انتخاب کردیم و خواستیم در نامگذاری این مسئله را القا کنیم که از نظر الگوی پیشرفت اسلامی نهادهای متکفل تربیت سلول‌های اولیه جامعه محسوب می‌شوند. بر خلاف جریان توسعه غربی که فضای کسب و کار را سلول اولیه جامعه تعریف می‌کند. اگر ما بخواهیم نهادهای متکفل تربیت را که عمدتاً نهاد خانواده است فرجه کنیم، چگونگی این را در این نظریه شرح دادیم.

۴. نظریه بنگاه‌های وقف‌محور

نظریه آخری که ما در پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم از آن برای رفع عدم توازن‌ها استفاده کردیم، نظریه بنگاه‌های وقف‌محور است. این نظریه می‌تواند برای ناکارآمدی‌های حوزه اقتصاد بسیار مفید باشد. ما در نظریه بنگاه‌های وقف‌محور در گام اول نحوه تشکیل سرمایه در نظام سرمایه‌داری را به چالش کشیدیم. الان زیاد نقد به نظام سرمایه‌داری وارد



می‌شود و مثلاً می‌گویند در نظام سرمایه‌داری عدالت وجود ندارد یا خانواده به فروپاشی کشیده می‌شود. ولی این نحوه نقدها به نظر من به تغییر نظام سرمایه‌داری منجر نمی‌شود.

ما نقاطی را از نظام سرمایه‌داری به چالش کشیدیم که اگر آن نقاط به چالش کشیده شود در عمل هم نظام سرمایه‌داری با شکست روبرو می‌شود. یکی از آن نقاط مدل تشکیل سرمایه در نظام سرمایه‌داری است. شما می‌خواهید یک ساختمان فکری را به چالش بکشید برای این کار که از جهاتی شبیه به تخریب ساختمان است، اگر دو یا سه نقطه را به چالش بکشیم منجر به تخریب کل ساختمان می‌شود. شبیه به این مثال به نظر می‌رسد اگر سه نقطه از نظام سرمایه‌داری را به چالش بکشیم کل دستگاه نظام سرمایه‌داری به چالش کشیده خواهد شد.

یکی از این نقاط، مدل تشکیل سرمایه است. یکی دیگر از این نقاط، مفهوم تعادل حول اقتصاد است. حالا در نظریه بنگاه‌های وقف‌محور ما آمدیم با ارائه مدل تشکیل سرمایه از منظر اسلام، مدل تشکیل سرمایه در نظام سرمایه‌داری را به چالش کشیدیم. همانطوری که از عنوان نظریه ما بر می‌آید ما گفتیم که در جامعه می‌توان با محوریت بخش وقف یکسری بنگاه‌های اقتصادی را ایجاد کرد.

می‌دانیم که هزینه تمام‌شده کالاها در بخش اقتصادی از سه محور افزایش پیدا می‌کند؛ هزینه بخش تولید، هزینه بخش توزیع و تبلیغات و سوم، سود سرمایه‌دار است. سود سرمایه‌دار به هزینه تمام‌شده اضافه می‌شود. ما گفتیم که فعلاً با آن دو هزینه کاری نداریم و در گام اول نمی‌خواهیم مدل تولید و نحوه توزیع و تبلیغات را به هم بزنیم.

مرحوم صدر در مباحث خود می‌گویند که ما مالکیت را از تولیدکننده محصول مستقیماً به مصرف‌کننده انتقال دهیم و این وسط کسی نباید مالک کالا شود. مرحوم صدر مالکیت کالا را برای توزیع‌کننده یا دلال‌ها حرام کردند و از این طریق خواستند که قیمت تمام‌شده کالا را کاهش دهند. ما با مرحوم آقای صدر در اینجا اختلاف داریم. نیامدیم ابتدا از مدیریت بخش توزیع کار را شروع کنیم. ما آمدیم گفتیم سرمایه تشکیل دهنده بنگاه‌ها را به هر میزانی که بتوانیم از بخش وقف تأمین بکنیم. لذا به همان میزان قیمت کالاهای تمام‌شده کاهش پیدا می‌کند و سود سرمایه‌دار را حذف می‌کنیم.

* چرا نقطه شروع را حذف سود سرمایه‌دار می‌دانید؟

برای اینکه آثار تربیتی حوزه اقتصاد برای ما خیلی مهم است. اساساً یک رویکردی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است که وقتی می‌خواهد یک مسئله را ارزیابی کند بررسی می‌کند که مثلاً این مسئله اقتصادی آیا اثر تربیتی سوء دارد یا ندارد؟ به نظر ما اثر تربیتی یک شاخص برای ارزیابی این است که یک نظریه را برای اداره جامعه بپذیریم یا نپذیریم. اگر یک مسئله یا طرحی در حوزه اقتصاد یک اثر سوء تربیتی داشت ما می‌توانیم به ملاحظه آن اثر سوء تربیتی کل طرح را به چالش بکشیم.

* حذف سود سرمایه‌دار روی کالا چه اثر تربیتی دارد؟

وقتی می‌گویید ما مدل تشکیل سرمایه خود را به محوریت بخش وقف انجام می‌دهیم، مشخص است که بخش وقف کاملاً بر مبنای تحریک ایثار اتفاق می‌افتد. لذا شما اگر بخش وقف را زیرساخت تشکیل سرمایه قرار دهید هم کار اقتصادی کردید و هم آثار تربیتی ایثار را در جامعه گسترش داده‌اید. در واقع نظریه مترقی وقف می‌گوید که ایثار نه تنها سود فردی و اخروی دارد بلکه سود اجتماعی و اقتصادی هم دارد.

نظریه مترقی وقف می‌گوید که ایثار نه تنها سود فردی و اخروی دارد بلکه سود اجتماعی و اقتصادی هم دارد.

نظریه وقف، نظریات اقتصادی کلاسیک و نئوکلاسیک از آدام اسمیت به این طرف را به چالش می‌کشد. می‌گویند فضائل فردی و رذائل اجتماعی. هم کینز این حرف را زده و هم آدام اسمیت و همه این‌ها به نوعی گفته‌اند که اگر جامعه‌ای حریص نباشد تولید ثروت در آن اتفاق نمی‌افتد. آمدند این تحریک حرص را تبدیل به بانک‌ها کردند. بانک‌ها به شما وعده سود می‌دهند و سرمایه شما را تجمیع می‌کنند. درست است که بانک‌ها تجمیع سرمایه می‌کنند ولی دارند حرص جامعه را تحریک می‌کنند و ما در جامعه اسلامی به عنوان یک امر متقن داریم که حرص، پایه دوم کفر است.

سه چیز ریشه کفرند و اگر ما اجازه دادیم که این سه چیز محقق شود، هدایت جامعه به چالش کشده می‌شود و جامعه کافر می‌شود؛ ریشه اول کبر، ریشه دوم حرص و ریشه سوم حسد است. وقتی دائماً و در مقیاس بزرگ در ذهن مردم القا می‌شود که پول خود را به بانک‌ها بیاورند و سود بیشتری بگیرند، نتیجه آن حرص خواهد بود. تجمیع سرمایه به قیمت واردکردن ضربه



سنگین به اخلاق و تربیت جامعه خواهد بود. ناظر بر این ملاحظه ما نظریه بنگاه‌های وقف‌محور را مطرح کردیم که می‌گوید به محوریت تحریک ایثار هم می‌توان تجمیع سرمایه کرد.

* آیا می‌شود این تجمیع سرمایه را به بخش‌های دیگر تسری داد؟

به نظر ما می‌شود. مثلاً نظریه بنگاه‌های وقف‌محور می‌تواند در عرض ده سال مشکل مسکن را حل کند؛ چون مزیت وقف بیشتر در حوزه املاک است. وقتی کالای مورد نظر ما به صورت ارزان قیمت ولو در بخشی از حوزه‌ها، در اختیار مردم قرار گرفت، این امر انگیزه می‌سازد برای اینکه تعمیم پیدا کند.

آدام اسمیت و کینز که متأسفانه نظریات آن‌ها در بعضی از نهادهای جمهوری اسلامی مبنای تصمیم‌گیری است، همه یک دروغ بزرگ گفتند و آن این است که نمی‌شود با توسعه اخلاق، جامعه را اداره کرد و تولید ثروت کرد. مزیت نظریه بنگاه‌های وقف‌محور حتی نسبت به نظر مرحوم صدر این است که از بنیاد، نظام سرمایه‌داری را به چالش می‌کشد.

در مجموع این چهار نظریه کمک می‌کند به شناسایی و رفع عدم توازن‌های فرهنگی که عبارتند از نظریه بنگاه‌های وقف‌محور، نظریه بهبود مستمر فضاهای حاکم بر نهادهای متکفل تربیت، نظریه پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم و نظریه بانک سولات جهت‌ساز. به این صورت کارآمدی الگوی پیشرفت برای اداره جامعه در ساختار جامعه ملموس می‌شود؛ یعنی از آن نگاه‌های نظری از ساختار چهارم به بعد فاصله می‌گیریم.

ساختار پنجم: بحث در مورد عدم توازن‌های فرهنگی حاد کشور

در ساختار پنجم آمدم عدم توازن‌های فرهنگی حاد کشور را مورد بحث قرار دادیم. چون مبتنی بر این نظریات و مباحث دیگری که در نقشه راه مطرح است با مسائل زیادی روبرو هستید که ما اولویت‌دارها را انتخاب کردیم. در متن احکامی که به مجلس پیشنهاد دادیم در مورد هفت تا از عدم توازن اولویت دار بحث کردیم.

من اگر یکی از اینها را بخواهم توضیح دهم این است که یکی از عدم توازن‌های مرتبط با مسئله تربیت همین قانون اشتغال بانوان است که ما پیشنهاد دادیم سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تا پایان سال اول برنامه ششم لایحه قانون جدید اشتغال بانوان را به مجلس بیاورد.

این پنج ساختار بحث در واقع کمک می‌کند که نگاه الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم تبیین شود. حالا اگر بتوانیم کاری کنیم که این در مجلس شورای اسلامی به تصویب برسد، توانسته‌ایم قانون‌های مبتنی بر پیشرفت اسلامی را هم برای اولین بار بصورت تجمیع شده داشته باشیم. چون این هفت قانون ذیل یک ماده واحده‌ای تعریف می‌شود که تثبیت رویکرد الگوی پیشرفت اسلامی در نظام برنامه‌ریزی کشور است.

اگر تصویب هم نشود ما توانستیم برای اولین بار یک تصویر روشنی از نحوه برنامه‌ریزی با نگاه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را توضیح دهیم که ویژگی این پیوست این است که هم لایه مبانی نظری مفصلی دارد و هم تا لایه کاربرد دارای حکم و برنامه هم شده است.

لازم است در پایان عرض کنم من نسبت به برنامه ششم نگرانی‌های زیادی دارم ولی مهمترین نگرانی من مسئله تراریخته‌هاست که به نظر بنده خطرناک‌ترین حکم توسعه‌ای در هفتاد سال اخیر است که حتی از حکم کنترل جمعیت هم برای آینده کشور خطرناک‌تر است. حکم کنترل جمعیت جمعیت‌های آینده را به چالش کشید ولی مسئله تراریخته‌ها سلامت جمعیت فعلی را به چالش می‌کشد.



۱۶. گفتگوی حجت‌الاسلام کشوری با برنامه کوی محبت شبکه ۲ سیما؛ نوآوری اصلی امام خمینی نظام‌سازی اجتماعی مبتنی بر دین است / مؤسسه حفظ و نشر آثار و خانواده امام نسبت به این بعد از شخصیت امام کار خاصی نکرده‌اند

۱۴ خرداد ۱۳۹۵

بسم الله الرحمن الرحيم

به فضل الهی برنامه کوی محبت شبکه دو دیروز ۱۴ خرداد ۱۳۹۵ میزبان حجت‌الاسلام کشوری بود.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی نقشه راه دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در این برنامه بزرگترین نوآوری امام خمینی را نظام سازی اجتماعی مبتنی بر دین دانستند و افزودند: امام خمینی در ۸ محور نظامات اجتماعی را باز تعریف نمود و ادامه راه ایشان به معنای باز تعریف نظامات اجتماعی در همه حوزه‌ها است. متن کامل این برنامه را در ادامه بخوانید و فیلم آن را در اینجا مشاهده کنید.

مجری: بسم الله الرحمن الرحيم اللهم صلّ على فاطمة و ابيها و بعلمها و بنيتها و السرّ المستودع فيها بعدد ما احاط به علمك. عرض سلام و وقت بخیر دارم محضر شما شنوندگان عزیز، یاران صمیمی و ارجمند برنامه کوی محبت. برنامه کوی محبت امشب افتخار دارد که در جمعه‌های خود در عصر جمعه‌ای دیگر با یاد عزیزی مهمان خانه‌های شما باشد. امروز سالگرد ارتحال جانشوز بنیان‌گذار نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی رحمة الله علیه بود. این روز را خدمت شما تسلیت و تعزیت عرض می‌کنم. ما نیز بر آن شدیم تا به اندازه وسع و توان خودمان در کوی محبت ادای دین کنیم و گرامی‌داشت یاد پیر جماران امام خمینی رحمة الله علیه را داشته باشیم. هرچند فرصت ما محدود است ولی در همین فرصت محدود امیدواریم مباحثی را که قرار است در این برنامه توسط کارشناس محترم برنامه بیان کنیم مورد توجه و عنایت شما واقع شود. هدف مان این است که ان شاء الله ذره‌ای نسبت به منویات و مبانی فکری حضرت امام رحمة الله نزدیک بشویم. خدمت کارشناس محترم برنامه حجت‌الاسلام و المسلمین کشوری عرض سلام و وقت بخیر دارم، به برنامه کوی محبت خیلی خوش آمدید.

حجت‌الاسلام کشوری: و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته، در خدمت شنوندگان مؤمن شما در این روز هستیم.

مجری: زنده باشید. چون شما در حوزه رادیو معارف و رادیو گفت‌وگو فعالیت هستید بیشتر عادت شما این است که بگویند شنوندگان. اما در برنامه کوی محبت ما در خدمت بینندگان عزیز و دوست‌داشتنی هستیم.

حاج آقای کشوری عزیز! با توجه به اینکه حضرتعالی در کارگروه دبیرخانه‌ی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت در حوزه علمیه فعالیت دارید و به طور خاص و ویژه بر روی این موضوع کار می‌کنید بنده می‌خواهم در همین ابتدای برنامه راجع به این مطلب مباحثی را بیان کرده و ان شاء الله برداشته‌هایی را داشته باشیم و بتوانیم بخشی از مبانی فکری امام خمینی رحمة الله علیه را در برنامه کوی محبت تبیین کنیم. من خودم را مثال می‌زنم؛ وقتی امام رفتند من ۷ تا ۱۰ سال داشتم. اجازه دهید فضا را گسترده‌تر کنیم. جوانی که اصلاً امام را ندیده است و حالا ۲۷ سال از رحلت حضرت امام رحمة الله علیه و ۳۷ سال از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذرد الان فقط نام امام و مبانی و صحبت‌هایی را می‌شنود. اگر شما بخواهید به طور خلاصه و مختصر من جوان را با مبانی فکری امام خمینی رحمة الله علیه و نظام‌سازی‌ای که داشتند [چه می‌گویید؟] اصلاً چرا ایشان انقلاب کردند؟ این الان یک سؤال است. ما می‌خواهیم رحلت امام را بهانه‌ای قرار بدهیم؛ یعنی در واقع نبود ایشان برای ما واقعاً دردناک است ولی می‌خواهیم این بهانه‌ای باشد تا بخشی از این مبانی را احیا کنیم.

حجت‌الاسلام کشوری: بسم الله الرحمن الرحيم. همانطور که حضرتعالی به خوبی اشاره فرمودید در جامعه ما -هم میان نخبگان ما و هم در میان مدیران و هم در توده مردم به تبع نخبگان و مدیران- غفلت بزرگی راجع به امام خمینی عظیم الشان در جریان است. این غفلت بزرگ این است که چون امام خمینی دارای ابعاد مختلف شخصیتی هستند به بخش‌های فرعی شخصیت ایشان بیشتر می‌پردازیم تا به هویت اصلی‌ای که حضرت ایشان برای ما به ارمغان آوردند. بنده در جلسات مختلف از هویت اصلی ایشان و هدیه اصلی ایشان برای ملت ایران به "نقشه راه امام خمینی برای اداره جامعه ایران" تعبیر کرده‌ام. البته چون این نقشه بر اساس مفاهیم اسلامی است قابلیت سرایت به جهان بین الملل و جهان مستضعفین را دارد. بنابراین خیلی



مبارک است که ما در این ایام وقتی را صرف کنیم تا ببینیم که امام چه حرف نویی را برای اداره جامعه آورده اند. چون بالآخره امام خمینی عظیم‌الشأن فقیه بودند و آثار و مباحثی دارند که با فقهای گذشته شباهت دارد. به عنوان مثال ایشان در باب مکاسب محرّمه بحث گفته‌اند. اگر شما الآن به مؤسسه نشر آثار امام خمینی مراجعه کنید ملاحظه می‌کنید که در آنجا کتاب ایشان در باب مکاسب محرّمه یا در باب اصول فقه وجود دارد. پس برخی از بحث‌های ایشان با فقهای گذشته شباهت دارد. مجری: اصلاً مبانی، مبانی دینی بوده است و ما بر روی این بحثی نداریم.

حجت‌الاسلام کشوری: سخن در این است که نوآوری امام چه بوده است؟ آن فکری که امام برای اداره جامعه آورده‌اند چه ابعادی دارد...

مجری: خواهش می‌کنم مباحث به گونه‌ای بیان شود که برای نسل فعلی مفید و متناسب باشد؛ یعنی یک بحث علمی و قابل پذیرش باشد. یعنی من جوانی هستم ۲۷ ساله و مباحث باید به گونه‌ای مطرح شود که همه‌فهم باشد.

حجت‌الاسلام کشوری: اتفاقاً به نظر می‌آید که کلمه نقشه‌ی راه اداره جامعه، اصطلاح واضحی است. یعنی حوزه‌ای که امام در آن نسبت به فقهای گذشته نوآوری داشته‌اند این است که ایشان نقشه‌ی راهی را برای اداره جامعه پیشنهاد داده‌اند. چرا امام این کار را کردند؟ چون نظم‌های گذشته‌ای که برای اداره جامعه مطرح بودند -چه از طرف تمدن ناکارآمد مدرنیته و چه نظم طاغوتی‌ای که در برخی از کشورها هنوز وجود دارد- را ناکارآمد می‌دانستند. بنده مثال بزنم تا مسأله روشن شود. به عنوان مثال در حال حاضر در دنیا نظام آموزشی‌ای تعریف شده است. وقتی شما این نظام آموزشی را بازخوانی می‌کنید ملاحظه می‌کنید که ریاضی، فیزیک و زیست و برخی از مباحث جامعه‌شناسی و ... را آموزش می‌دهد ولی پسران و دختران ما که در این نظام آموزشی درس می‌خوانند وقتی به سن تشکیل زندگی مشترک می‌رسند درک‌شان از زندگی مشترک پایین است. این درک پایین در گام بعد به ۵۰ یا ۶۰ درصد طلاق در کشورهای اروپایی منتهی می‌شود. شما می‌دانید که یکی از معضله‌های کشورهای توسعه یافته فروپاشی نهاد خانواده است. حالا که امام حکومت تشکیل دادند آیا باید این نظم را بپذیرند یا نه؟ اگر بپذیرند افرادی که ذیل این نظم بزرگ شده، درس خوانده و رشد می‌کنند از نهاد خانواده درکی حداقلی خواهند داشت و چون نهاد خانواده متغیر اصلی در رفاه است رفاه افرادی که در این نظام آموزشی زندگی می‌کنند و بزرگ می‌شوند در آینده به چالش کشیده می‌شود.

مثال دیگر، نوع حکومت مرسوم در دنیا است. به عنوان مثال در فضای مدرنیته تفکیک قوا وجود دارد و انتخابات برگزار می‌کنند و رقابت‌های عجیب و غریبی شکل می‌گیرد. تنها کسانی که در این رقابت‌های انتخاباتی سرشان بی‌کلاه می‌ماند مردم هستند. درست است که ظاهراً در نظم سیاسی موجود مردم رأی می‌دهند ولی وقتی رأی دادند و حاکمی بر سر کار آمد دقیقاً تنها کسی که حاکم با آنها کار ندارد همین مردم هستند. او به سراغ چه کسی می‌رود؟ تصفیه حساب و ادای دین به سرمایه‌دارانی که او را لجستیک و پشتیبانی کرده‌اند. اینها دو مثال در حوزه نظم سیاسی و آموزشی بود.

مسأله نظامات اجتماعی یا روال‌های زندگی مردم ده‌ها حوزه دارد. نکته‌ای که امام خمینی عظیم‌الشأن مطرح کردند این است که اگر ملت ایران می‌خواهد به سعادت برسد و جوانان ما می‌خواهند به رفاه دست پیدا کنند ما نمی‌توانیم نظم‌های موجودی که در دنیای غرب یا دیکتاتورهای منطقه‌ی ما مطرح است را بپذیریم و باید این نظامات اجتماعی را تغییر بدهیم. اینکه بنده عرض می‌کنم امام خمینی عظیم‌الشأن نوآوری داشتند مرادم این است که ایشان در نظام‌سازی اجتماعی نوآوری کردند.

بنده اخیراً یادداشتی منتشر کردم -در رسانه‌ها موجود است- و در آن به تفصیل نوشته‌ام که امام خمینی پس از به دست آوردن نظامات اجتماعی و حاکم شدن، در هشت حوزه‌ی اجتماعی نظم جدید تعریف کردند.

مجری: نظم جدید؟

حجت‌الاسلام کشوری: بله نظامات اجتماعی جدید. بنده از شما و بینندگان عزیزتان سؤالی می‌پرسم. البته این سؤال را همه می‌پرسند منتهی بنده می‌پرسم تا مسأله روشن‌تر شود. اطراف ما جهنمی به پا هست و تمام کشورهای اطراف ما دچار ناامنی جدی هستند. همه‌ی [شورشیان] با رهبری آمریکا و انگلیس خبیث دست به دست هم داده‌اند تا درون کشور ایران را به هم بریزند ولی تمام مردم کشور ما اذعان دارند که نظم امنیتی ما به قدری مستحکم است که با این فشارها دچار چالش نمی‌شود؛



یعنی ما امن‌ترین کشور دنیا و منطقه محسوب می‌شویم. این محصول چیست؟ محصول نظام‌سازی امام در حوزه امنیتی-دفاعی است. امام وقتی نظریه مترقی و کارآمد بسیج را مطرح کردند، نظامات امنیتی و دفاعی ما به تبع این نظریه تغییر کردند.

مجری: اجازه می‌دهید این هشت نظام را با هم بشماریم. سرفصل‌ها را بگویید و به فراخور وقت وارد بحث می‌شویم.

حجت‌الاسلام کشوری: ابتدا بنده یک جمله بگویم تا این بحث تمام شود. پس یکی از نظام‌سازی‌های اجتماعی، تئوری امنیتی ایشان ذیل نظریه مترقی بسیج است. الآن مردم نیز می‌فهمند که نظام امنیتی ما استحکام زیادی دارد؛ چون امام در حوزه امنیت از تئوری‌های غربی استفاده نکردند.

بنده سرفصل این هشت نظام‌سازی را می‌گویم. به نظر من اولین و مهم‌ترین جایی که امام نظام‌سازی اجتماعی کردند در حوزه ساختار سیاسی و رهبری جامعه است. دنیا ساختار سیاسی را بر اساس تفکیک قوای مونتسکیو تنظیم می‌کند ولی امام خمینی عظیم الشان تفکیک قوا را به نظریه ولایت فقیه تخصیص زدند و نظمی شکل گرفته است که الآن قابل ارزیابی است. اگر شما ارزیابی‌های دنیا را رصد کنید متوجه می‌شوید که یکی از مشکلات آمریکایی‌ها و کسانی که ظالم هستند همین نظم حوزه‌ی سیاسی و رهبری جامعه است.

حوزه دومی که امام نظام‌سازی کرده و نظم جدیدی را ایجاد نمودند در حوزه رسیدگی به امور مستضعفین و فقرزدایی بود. نهادهایی مانند جهاد سازندگی را درست کردند. البته جریان توسعه‌گرا بعداً جهاد سازندگی را به اسم کوچک‌سازی دولت منحل نمود.

مجری: پس حوزه رهبری جامعه و ساختار سیاسی، اولین حوزه بود.

حجت‌الاسلام کشوری: حوزه‌ی مستضعف‌گرایی و فقرزدایی، دومین حوزه است و ساختارهای آنها وجود دارد. مهم‌ترین آنها جهاد سازندگی، کمیته امداد و ستاد اجرایی فرمان امام می‌باشد. همه این ساختارها کمک کردند که فقرزدایی در کشور با سرعت بالایی انجام شود و الآن نیز برنامه‌های جدیدی را در دستور کار دارند. در حوزه دفاعی-امنیتی نظریه بسیج را مطرح کردند.

امام ابتدای انقلاب در حوزه اقتصاد تشکیلات قرض‌الحسنه‌ها را راه‌اندازی کردند که البته چون توسط سیستم‌های توسعه‌گرا و بانک مرکزی درک نشده برای آن چالش به وجود آمده است. ولی الآن طبق آخرین آمار -بنده می‌خواهم این را با صراحت بگویم و نکته خیلی مهمی است- در سال ۱۰۰ هزار میلیارد تومان پول به وسیله نظمی که در حوزه قرض‌الحسنه وجود دارد تجمیع می‌شود. این یک سرمایه ارزان است که اگر ما بتوانیم مسیر آن را با تغییر برخی از قوانین تغییر بدهیم می‌توانیم مشکل مسکن را حل بکنیم. پس در حوزه اقتصادی نیز به صورت محدود نظام‌سازی شده است که البته سیستم‌های مدرن برای آن چالش ایجاد می‌کنند.

بعد از انقلاب در حوزه تربیت-زیارتی امام‌زاده‌های ما تعریف جدیدی پیدا کرده‌اند. شما می‌بینید که در سال ۲۰ میلیون زائر به حرم رضوی مشرف می‌شوند و در آنجا برنامه‌های مفصلی وجود دارد ولی قبلاً به این شکل نبوده است. امام‌زاده‌های دیگر که در سراسر کشور وجود دارند نیز اینطور. به هر حال این اتفاق در هشت حوزه رخ داده است که اینها اهم موارد هستند.

مجری: سرفصل‌هایی که حاج آقای کشوری عزیز در خصوص نظام‌سازی اجتماعی امام خمینی رحمة الله علیه در سیاست‌های و مبانی فکری ایشان بیان داشتند را به صورت فهرست وار بیان کردیم. حاج آقا اگر تأیید بفرمایید من اینها را اعلام می‌کنم: حوزه رهبری جامعه و ساختار سیاسی، قانون‌گذاری، فقرزدایی، فرهنگی، دفاعی، اقتصادی، امنیتی و تربیتی و زیارتی. مباحث شما به طور خلاصه شامل این حوزه‌ها می‌شد. امروز رهبر معظم انقلاب صحبت‌های بسیار ارزشمند و -مانند همیشه- کلیدی و راه‌گشایی را بیان نمودند. من از دوستان خواهش می‌کنم اگر امکان دارد بخشی از پیام‌ها را در اینجا نمایش بدهند. بخشی از این پیام‌ها امید به جوانان است. حضرت آقا در آخرین جملات خود فرمودند: شما بدانید که پیروز هستید. سخنان ایشان فرافراز دیگری نیز دارند. ایشان فرمودند: خطاست که خیال کنیم که انقلابی فقط کسی است که دوران انقلاب را دیده و در کنار امام بوده است. این هم خطاست که خیال کنیم اگر فلانی انقلاب است یعنی افراطی می‌باشد. این هم خطاست که اگر کسی خوب یا به طور کامل حرکت نکرد او را به غیر انقلابی بودن متهم کنیم. شما در تکمله‌ی این بحث توضیح بفرمایید که در این مبانی مباحث شما در کجای قصه قرار می‌گیرند.



حجت‌الاسلام کشوری: امروز ساختار اصلی سخنان امام خامنه‌ای راجع به انقلابی بودن بود. یعنی محور مباحثی که ایشان فرمودند این بود که برای چندمین بار مفهوم انقلابی‌گری را تعریف کردند و بعد یک جمله کلیدی داشتند که به نظر من به بحث نظام‌سازی اجتماعی - که الآن آن را مطرح می‌کنیم - ارتباط دارد. فرمودند: ما اگر راه امام را ادامه بدهیم به آن اهداف عالی می‌رسیم و همین است که مایه امید می‌باشد.

مجری: بسیار هم بر روی این مطلب تأکید دارند. یعنی در صحبت‌های خود در جاهای مختلف بر روی این تأکید دارند.

حجت‌الاسلام کشوری: اَس و اساس و روح اصلی راه امام، نظام‌سازی اجتماعی است. یعنی امام پایه‌گذار یک نظم جدید مدنی و یک زندگی و نظم جدید هستند. منتهی چون امام در ده سال اولی که اختیارات اجتماعی را در دست داشتند در آغاز کار بودند بر اساس این فکر نظامات اجتماعی را در هشت حوزه به صورت اجمالی بازتعریف کردند. پس بنابراین اگر ما امروز می‌خواهیم راه امام را ادامه بدهیم باید بر روی مفهوم نظام‌سازی اجتماعی مبتنی بر دین کار گسترده‌ی گفتمانی انجام بدهیم. بنده باید با کمال تأسف در برنامه شما به صراحت بگویم: وقتی برنامه‌ای را راجع به امام خمینی برگزار کرده و راجع به شخصیت امام صحبت می‌کنند شما می‌بینید که از ابتدا تا انتهای برنامه راجع به شخصیت خانوادگی و عاطفی و بعد مهربانی امام صحبت می‌کنند.

مجری: البته این هم در حد اعلا بوده است و شکی در آن نیست.

حجت‌الاسلام کشوری: صد البته که امام ما، امام مهربانی بودند و می‌توانستند با اطرافیان خود ارتباط بر محور رفق برقرار کنند ولی سؤال این است که اگر ما فقط به این حوزه‌ها پردازیم و نظام‌سازی مبتنی بر دین را تعریف نکنیم جامعه‌ی ما و حوزه برنامه‌ریزی ما چه سرنوشتی پیدا می‌کند؟ الآن در فصل تدوین برنامه ششم کشور هستیم و بحمدالله هیأت‌رئیس‌هی مجلس انتخاب شده و از همین فردا برنامه ششم در دستور کار است. سؤال من این است که در برنامه ششم کشور چقدر نظام‌سازی اجتماعی را فهم کرده و آن را به قانون تبدیل می‌کنیم؟ اگر راجع به بعد اصلی شخصیت امام گفت‌وگو نکردیم و این گفت‌وگوها را پررنگ ننمودیم در حوزه برنامه‌ریزی کشور با چالش روبرو می‌شویم. شما می‌دانید که ما هفتادسال سابقه برنامه‌ریزی داریم و همه -هم کارشناسان الگوی پیشرفت اسلامی در مشهد، قم و تهران و هم کارشناسان سازمان مدیریت- می‌گویند: این هفتادسال برنامه‌ریزی در حوزه اجتماعی ناکارآمد بوده است. چرا ناکارآمد است؟ چون در حوزه برنامه‌ریزی از نظریات علیل و ناکارآمد غرب استفاده می‌کنیم. آیا الآن ما نباید تفکر نظام‌سازی اجتماعی را باز کنیم تا در حوزه‌ی برنامه‌ریزی نیز نظام‌سازی جدیدی داشته باشیم، ضرورت بحث در اینجاست. چه کسی متکفل این کارهاست؟ در حال حاضر نهادهایی وجود دارند که برای این کار بودجه می‌گیرند و می‌خواهند اندیشه‌ی امام را تبیین کنند. آیا رواست که هنگام تبیین اندیشه‌ی امام بعد اصلی شخصیت ایشان را نادیده گرفته و راجع به آن بحث نکنند.

مجری: یعنی مبانی فکری باید در اولویت قرار بگیرد.

حجت‌الاسلام کشوری: من با نرمش قهرمانانه می‌گویم: حداقل قضیه این است که بخش قابل توجهی از برنامه‌ها باید -هم در مناسبت‌هایی مانند ۱۴ و ۱۵ خرداد و هم در سایر مناسبت‌ها- به تعریف نظام‌سازی اجتماعی مبتنی بر دین اختصاص پیدا کند. اصطلاحی که آیت‌الله امام خامنه‌ای از سال ۱۳۸۵ تحت عنوان الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت مطرح کردند، شرح تفصیلی چگونگی نظام‌سازی اجتماعی مبتنی بر دین است؛ یعنی در واقع اگر گفتمان الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت در کشور جدی گرفته شود تفکر امام تئوریزه و قابل تدریس برای نسل آینده می‌شود. آقای موسوی! من می‌توانم صریح‌تر نیز صحبت کنم؟

مجری: در حوزه الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت بله.

حجت‌الاسلام کشوری: در تمام برنامه‌ها -خصوصاً برنامه پنجم، البته برنامه چهارم نیز اینگونه است- احکامی داریم مربوط به گسترش اندیشه‌ی امام در جامعه. اصلاً این امر به حکم برنامه تبدیل شده است و وقتی تبدیل به حکم برنامه می‌شود یعنی بودجه و مسئول پیدا می‌کند. سال‌هاست ما این را به قانون تبدیل کرده‌ایم ولی باز هم در ۱۴ و ۱۵ خرداد برنامه‌هایی رونمایی را طراحی می‌کنند که در آنها اساساً نظم اجتماعی که امام پایه‌گذاری کردند تعریف نمی‌شود و راجع به آن گفتمان‌سازی اتفاق نمی‌افتد. بنده بحث خود را در این قسمت جمع‌بندی می‌کنم...

مجری: ما تا پایان گفت‌وگو با شما چهار دقیقه فرصت داریم.



حجت‌الاسلام کشوری: بنده یک نکته را عرض کرده و سپس تکمله‌ی نهایی را بگویم. پس بنابراین باید تمام ابعاد شخصیت امام را ببینیم. به عنوان مثال امام یک شخصیت علمی قابل توجه دارند. من برای طلبه‌ها این نکته را یادآور می‌شوم که امام در نظریات اصولی نکته‌های قابل توجهی دارند. امام در حوزه‌ی روابط خانوادگی یک شخصیت ویژه هستند و با اهالی خانواده خود یک زندگی از سر محبت و حکمت داشتند. این نیز سر جای خود محفوظ است. امام بعدها دیگری نیز دارند منتهی مهم‌ترین بعد این است که تفکر امام برای اداره جامعه چه بود؟ در تمام صحبت‌هایی که آیت‌الله امام خامنه‌ای در مورد شخصیت امام در دیدار با خبرنگار رهبری داشتند کلیدواژه اصلی ایشان است که تفاوت امام با سایر فقها در نظام‌سازی اجتماعی بود. این نظام‌سازی اجتماعی مبتنی بر دین، هنر و تفقه جدید امام بود. متأسفانه باید عرض کنم که متصدیان امر و خصوصاً خانواده محترم امام [این نکته را نمی‌دانند]. بنده با برخی از آنها به صورت حضوری صحبت کرده و از ایشان خواهش نموده‌ام که شما - که به امام عظیم‌الشأن منتسب هستید و احترام‌تان واجب است - بایی را در این مسأله باز کرده و نظام‌سازی اجتماعی را شرح و تفصیل دهید.

نکته نهایی که من می‌خواهم عرض کنم این است که ما در حدود دو دهه کار علمی-پژوهشی، مفهوم نظام‌سازی اجتماعی را با الهام از نظریه مترقی امام خمینی در بخش‌های مختلف - در حدود ۸۱ حوزه-تئوریزه کرده‌ایم-زمانی که ما دیدیم خیلی از افراد به این مسأله بی‌توجهی می‌کنند خودمان به صورت خودجوش با مجموعه‌ی دوستان فعالیت‌هایی را شروع کردیم و حالا در قالب اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی در دسترس است من خواهش می‌کنم دوستانی که می‌خواهند به مفهوم نظام‌سازی اجتماعی و نوآوری فقهی جدید امام راحت‌تر دست پیدا کنند بسته‌های بحثی‌ای که ما در اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی مطرح کرده‌ایم را ببینند. البته به نظر می‌آید باید ده‌ها کار دیگر بر اساس وصیت‌نامه امام و صحیفه‌ی نور انجام شود...

مجری: بنده همین را می‌خواستم بدانم، یعنی باید محوری برای این کار وجود داشته باشد.

حجت‌الاسلام کشوری: این مطلب درست است ولی چرا من اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی را مثال زدیم؟ قصدم این است که بگویم: صحیفه نور، وصیت‌نامه امام و صحیفه امام، گنج هستند و می‌توان از آنها استنباط کرد.

مجری: افراد نمی‌توانند ملاک باشند. اینکه من خاطره‌ای به یادم بیاید...

حجت‌الاسلام کشوری: باید کار اجتهادی صورت گیرد.

مجری: مقام معظم رهبری - که در حضرت امام ذوب بودند و مسیر ایشان را ادامه می‌دادند - در رأس این هرم قرار دارند و پس از ایشان صحیفه و وصیت‌نامه‌ی امام می‌توانند مرجع این مبانی باشند.

حجت‌الاسلام کشوری: باید بر روی اینها کار فکری انجام شود. بنده به عنوان نمونه نقشه راه را عرض کردم.

مجری: حاج آقای کشوری عزیز خیلی متشکرم. اگر جمع‌بندی کوتاهی دارید بفرمایید.

حجت‌الاسلام کشوری: بنده یک جمله عرض کنم. نظام‌سازی اجتماعی که ما بر روی آنها بحث نکرده‌ایم و به نظر ما همه ما تقصیر داریم...

مجری: بحث زیاد می‌شود ولی ما به اندازه وسع برنامه خودمان به این بحث پرداختیم...

حجت‌الاسلام کشوری: خیلی خوب بود و بنده از شما تشکر می‌کنم. فکر می‌کنم در طول برنامه‌های امروز این برنامه یا تنها برنامه یا دومین برنامه‌ای است که به نگاه نظام‌سازی اجتماعی امام می‌پردازد و از این بابت تشکر می‌کنم ولی من می‌خواستم این نکته را بگویم که ما در مورد این مبانی بحث نکرده‌ایم و تئوری‌های جدید و نهادگرایی مبنای نظام‌سازی ما شده‌اند. ما باید به چه کسی گله کنیم؟ چرا اینقدر از مبانی اندیشه امام غفلت می‌شود تا این نفوذهای فرهنگی اتفاق بیفتد؟

مجری: خیلی متشکریم حاج آقای کشوری.



۱۷. گفتگوی حجت‌الاسلام کشوری با برنامه تیترا امشب شبکه خبر؛ تبیین رابطه اخلاق جامعه و نظامات اجتماعی در برنامه تیترا امشب / نظم اجتماعی بیشترین تأثیر را بر اخلاق جامعه دارد / مدیریت شهری مبتنی بر توسعه غربی ضد اخلاق و خانواده عمل می‌کند.

۲۱ مهر ۱۳۹۵

بسم الله الرحمن الرحيم

به فضل الهی برنامه تیترا امشب شبکه خبر (۲۱-۷-۱۳۹۵) در شام غریبان حسینی به تبیین آثار نظامات اجتماعی در اخلاق و اعتقادات جامعه اختصاص داشت.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی نقشه راه حجت‌الاسلام علی کشوری در این برنامه با بررسی تطبیقی نسبت میان اخلاق جامعه و نظامات اجتماعی در موضوع مدیریت شهری؛ اظهار داشت اخلاق جامعه بیش از تبیین به نظم اجتماعی وابسته است. متن کامل این برنامه را در ادامه بخوانید و فیلم آن را از اینجا مشاهده کنید:

مجری (آقای خسروی): بسم الله الرحمن الرحيم عرض سلام و ادب و ارادت به حضور شما بینندگان عزیز و ارجمند و عرض تعزیت و تسلیت به مناسبت سالروز شهادت سرور و سالار شهیدان، حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام و یاران و صحابی باوفای آن حضرت. ان شاء الله که عزاداری‌های شما در این ایام مورد قبول ذات اقدس اله قرار گرفته باشد. خیلی خوشحال هستیم که تیترا امشب را برای تماشا انتخاب کردید.

ما در این برنامه پیرامون نظامات اجتماعی و اینکه اساساً نظامات اجتماعی چه هستند صحبت خواهیم کرد و هدفمان این است که بینیم تأثیر این نظامات اجتماعی بر اخلاق جامعه چیست. به عبارت دیگر اساساً چه رابطه‌ای میان نظامات اجتماعی و اخلاق جامعه وجود دارد؟ آیا نظامات اجتماعی می‌توانند بر اخلاق جامعه و رفتار و سلوک اجتماعی ما تأثیرگذار باشند یا خیر؟ به بیان دیگر چه مقدار از آنچه که به عنوان سلوک و رفتار اجتماعی در جامعه شاهد آن هستیم مرهون آنچیزی است که در نظامات اجتماعی تعریف شده است. در همین راستا از جناب حجت‌الاسلام و المسلمین کشوری دعوت کردیم. خدمت ایشان سلام عرض می‌کنم، خیلی خوش آمدید.

استاد کشوری: و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. بنده هم خدمت حضرتعالی و بینندگان عزیز سلام عرض می‌کنم. **مجری:** با توجه به اینکه ما از نظامات اجتماعی صحبت کردیم اولاً می‌خواهیم ببینیم تعریف جنابعالی از نظامات اجتماعی چیست و چه چیزی را به عنوان نظامات اجتماعی تعریف می‌کنید؟ و ثانیاً رابطه نظامات اجتماعی با آنچه که در جامعه به عنوان اخلاق مطرح است چیست؟ آیا اساساً نظامات اجتماعی می‌توانند اخلاق ساز باشند؟ آیا می‌توان با تغییر نظامات اجتماعی در اخلاق اجتماعی تغییر ایجاد کرد؟

استاد کشوری: بسم الله الرحمن الرحيم، اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم و اهلک عدوهم من الجن و الأئس من الأولین و الآخرین. جناب آقای خسروی! نظامات اجتماعی به صورت ساده یعنی روال‌های مرتبط با زندگی مردم در تمام بخش‌ها. مردم هر جامعه‌ای یک سری نیازهایی را در تمام بخش‌ها دارند، به عنوان مثال افراد نیاز آموزشی و تحصیلی دارند، همچنین آنها نیازهای روزمره و شغلی نیز دارند، نیازهای حوزه قضا نیز از جمله نیازهای انسان است. به هر حال افراد در تمام بخش‌ها نیازهایی را دارند و تأمین این نیازهایی از جایی شروع شده و به جایی نیز ختم می‌شود. به عنوان مثال اگر کسی بخواهد تحصیلات فرزند خود را مدیریت کند باید بداند که در کشور ما این موضوع از مهدکودک شروع می‌شود.

مجری: یعنی فرایند که از مهدکودک شروع شده و تا یک نقطه مشخص ادامه می‌یابد یک روال است و شامل نظامات آموزشی می‌شود؟

استاد کشوری: به این روال، نظم آموزشی می‌گویند و از مهدکودک شروع شده و به پایان دوره دکتری ختم می‌شود. همچنین اگر کسی بخواهد مشکل قضایی خود را حل کند باید در قوه قضائیه ثبت دعوا کند، در ادامه به او احضاریه می‌دهند و دادگاه تشکیل می‌شود و پس از آن نیز ابلاغ و اجرای حکم اتفاق می‌افتد. در بخش اقتصاد نیز اگر کسی بخواهد کسب و کار راه بیاندازد، کار خود را از ثبت شرکت شروع می‌کند و در ادامه نیز مجوزهای لازم را می‌گیرد و کار اقتصادی خود را شروع می‌کند. بنابراین نظامات اجتماعی، روال‌هایی هستند که یک حکومت و حاکمیت آنها را تعریف می‌کند تا زندگی مردم را در تمام



بخش‌ها مدیریت کند، این تعریف ساده نظامات اجتماعی است. وقتی ما از نظام‌سازی و نظم اجتماعی صحبت می‌کنیم مرادمان به صورت ساده همین تعریف است.

اما چرا تفکر انقلاب اسلامی وارد حوزه بازتعریف نظم اجتماعی شده است؟ جزء اولین کارهایی که امام خمینی عظیم الشان انجام دادند مدیریت نظم جامعه و آغاز تغییر آنها بود. یعنی در زمان حکومت طاغوت نظاماتی مطرح بود و زمانی که امام بر سر کار آمدند و اختیار جامعه را به دست گرفتند این نظم‌های را نپذیرفتند و به سمت تعریف نظم جدید رفتند.

اگر حافظه تاریخی بینندگان عزیز یاری کند در روزهایی آخری که حکومت پهلوی بر سر کار بود نخست وزیر وقت، پیامی را به امام دادند؛ ایشان به امام گفتند ما حاضریم حضور آقای خمینی را در انتخابات بپذیریم. یعنی امام در انتخابات شرکت کرده و در همان نظم حکومتی قبلی منصبی را گرفته و اصلاحات خود را جریان بدهند. اما امام از پاریس پیغام دادند که اسلام خودش حکومت دارد؛ یعنی نظم حکومتی پیشنهادی حکومت طاغوت را نپذیرفتند. روزی هم که ایشان در ایران مستقر شدند بسیاری از روشنفکران به امام پیشنهاد دادند که نوع حکومت مثلاً به جمهوری دموکراتیک اسلامی یا جمهوری سوسیالیستی اسلامی تبدیل شود. یعنی نظمی را پیشنهاد دادند که در دنیای غربی نمونه آن پیدا می‌شد. آنها می‌خواستند دموکراسی را جایگزین حکومت طاغوت کنند. امام این نظم را نیز نپذیرفته و فرمودند: جمهوری اسلامی نه یک کلمه کم و نه یک کلمه بیش. یعنی خود ایشان یک نظم جدید را برای ساختار سیاسی کشور تعریف کردند. مثالی که بنده عرض کردم مربوط به ساختار سیاسی بود.

امام وقتی اختیارات اجتماعی را در دست گرفتند در حوزه امنیت نیز نظم‌های موجود دنیا را نپذیرفتند؛ یعنی وقتی خواستند مسأله امنیت مردم - که همه حکومت‌ها و تمام مردم به آن نیازمند هستند - را مدیریت کنند، امنیت را با مدل‌های غربی تأمین نکردند بلکه بر اساس تئوری متریسیج یک نظم امنیتی را در حوزه امنیت بازتعریف کردند و حالا بعد از حدود چهار دهه آثار این نظم امنیتی آهین را مشاهده می‌کنیم؛ با اینکه مردم ایران در ناامن‌ترین منطقه دنیا زندگی می‌کنند ولی امن‌ترین کشور دنیا هم محسوب می‌شویم و این محصول نظمی است که امام ایجاد کردند.

مثالی دیگری که می‌توانیم از آن نام ببریم حوزه محرومیت‌زدایی است؛ امام برای مبارزه با فقر و استضعاف با مدل بهزیستی رفتار نکردند، بلکه چندین نهاد مرتبط با محرومیت‌زدایی را تعریف کردند که مهم‌ترین آنها نهاد جهاد سازندگی بود. هنوز خدمات جهاد سازندگی در کشور وجود دارد؛ این نهاد با یک مدیریت جهادی و طرح‌های خاص ورود پیدا کرده و به محرومیت‌زدایی و رفع استضعاف پرداخت. غرض این بود که بگوییم وقتی تفکر انقلاب اسلامی وارد عرصه شد نظم‌های قبلی را نپذیرفت.

مجری: نسبت این نظامات با اخلاق جامعه و تهذیب اخلاق چیست؟

استاد کشوری: بنده می‌خواهم همین موضوع را عرض کنم. دلیل اینکه چرا انقلاب اسلامی نظم‌های قبلی را نپذیرفت و به سمت تعریف نظم جدید و روال‌های جدید حرکت کرد که البته هنوز هم این موضوع ادامه دارد یعنی ما در ادامه‌ی نظام‌سازی هستیم ...

مجری: یعنی نظم‌هایی که مد نظر بودند تعریف نشده بودند یا اینکه الگوهای آنها الگوهایی که برای خودمان باشد نبودند؟
استاد کشوری: با تعریف نقشه‌ی راه الگوی پیشرفتی که ما نوشته‌ایم باید در یک جامعه به هشتاد و یک بخش نظم دهیم. ما از ابتدای انقلاب تا به حال یک‌دهم این نظم‌ها را بازتعریف کرده‌ایم. من می‌خواستم این نکته را تذکر دهیم که نظام‌سازی اجتماعی امری نیست که یک‌شبه اتفاق بیافتد، بلکه امری تدریجی است و ما در میانه راه آن قرار داریم.

با توجه به این مباحث، سؤال اصلی‌ای که پیش می‌آید این است که چرا انقلاب اصراً دارد مردم در نظم‌های جدیدی زندگی کنند. دلیل این موضوع به اخلاق و معنویت باز می‌گردد. ببینید؛ یک تصور ساده حتی در بین برخی از اندیشمندان جامعه وجود دارد مبنی بر اینکه مسأله اخلاق و معنویت و اعتقادات مسأله‌ای است که در گفت‌وگوهای تبلیغی و تبیینی شکل می‌گیرد؛ یعنی به عنوان مثال پدری در این ایام با عظمت با فرزند خود راجع به حادثه عاشورا بحث کرده و فهم خود از مسأله عاشورا را به فرزند خود منتقل می‌کند، یا اینکه یک فرد منبری در همین ایام، ده شب فرصت دارد و با مردم در مسجدی صحبت کرده و اعتقادات مبتنی بر فلسفه عاشورا را برای مردم جا می‌اندازد. در حال حاضر تلقی اینچنین است و عده‌ای فکر می‌کنند که اگر ما

فقط و فقط به تبیین اعتقادات و مسائل اخلاقی اکتفا کنیم مسائل اخلاقی و اعتقادی در جامعه جا می‌افتند. در طرف دیگر کسانی که معتقدند نظم اجتماعی باید بازتعریف شود - خصوصاً تفکر انقلاب اسلامی - در نقد این گزاره ورود پیدا کرده‌اند؛ این عده معتقدند بیش از اینکه مسأله‌ی اخلاق و معنویت و اعتقادات یک جامعه به تبیین وابسته باشد به نظم‌ی که مردم در آن نظم زندگی می‌کنند وابسته است.

مجری: یعنی نظم‌ی و روالی که شما تعریف می‌کنید در اخلاق جامعه‌ی شما تأثیر مستقیم دارد؟

استاد کشوری: اجازه بدهید بنده مسأله را روشن تر کنم؛ یک حدیث معروف از امیرالمؤمنین علیه السلام وجود دارد که حدیث فنی و حکمیانه‌ای می‌باشد و ناظر به همین بحثی است که بنده عرض می‌کنم. حضرت می‌فرماید: «الناس بأمرائهم اشیبه منہم بأبائهم». این حدیث را همه شنیده‌اند. مردم به حاکمان خود شبیه تر هستند تا به پدر و مادر خود. پدر و مادرها از انعقاد نطفه تا آموزش‌های اولیه و تمام فضای زندگی فرزند را تحت مدیریت دارند، یعنی این پدر و مادر است که بر روی فرزند خود تأثیر گذاشته و اعتقادات و اخلاق او را شکل می‌دهد؛ اما حدیث شریف می‌فرماید با اینکه حاکمان مستقیماً با فرزندان و افراد جامعه ارتباط ندارند ولی تأثیر آنها بر افراد جامعه بیش از پدر و مادر است. چرا امیرالمؤمنین علیه السلام در یک کلام حکمیانه این موضوع را مطرح کرده‌اند؟ ما در یک بحث فنی می‌توانیم در علت این مطلب بگوییم دلیل این است که حاکمان نظم اجتماعی را تعریف می‌کنند. اگر نظم اجتماعی بر روی اخلاق و اعتقادات مردم تأثیری نداشت، دلیلی وجود نداشت که ما بگوییم مردم به حاکمان بیش از پدر و مادر خود شبیه هستند، با وجود اینکه پدر و مادر مدیریت تمام ابعاد شخصیتی فرزند خود را به دست دارند و علی‌القاعده باید بیشترین تأثیر را داشته باشند. با این وجود چرا امیرالمؤمنین علیه السلام می‌گویند تأثیر حاکمان بر آدم‌ها بیشتر از پدر و مادرهاست؟ دلیل این مطلب تأثیر نظامات اجتماعی بر مردم است. البته اگر خدای متعال توفیق بدهد بنده همین مطلب را در قالب یک مثال توضیح می‌دهم.

مجری: می‌خواستم یک سؤال مطرح کنم؛ حاج آقای کشوری! مگر اخلاق یک امر مطلق نیست؟ اخلاق در تمام جامعه یک تعریف مشخص دارد؛ به عنوان مثال دروغ و غیبت در تمام جوامع اموری منفور هستند. اخلاق امری مطلق است نه نسبی. اگر نظامی قبلاً تجربه شده و بر روی اخلاق تأثیر مثبت داشته چرا ما باید آن را بازتعریف کنیم؟

استاد کشوری: بحثی که شما می‌فرمایید یک بحث دیگر است. در فلسفه اخلاق مبحثی تحت این عنوان وجود دارد که آیا اخلاق امری مطلق است یا نسبی؟ این افراد در مقام ثبوت و عالم واقع بحث می‌کنند ولی ما داریم در عالم تحقق و مدیریت بحث می‌کنیم. در عالم واقع و ثبوت بحثی وجود دارد مبنی بر اینکه آیا دروغ در همه‌جا مذموم است یا اینکه دروغ در برخی از مواقع امری خوب است؟ این یک بحث است و ما در این حیطه طبیعتاً نمی‌پذیریم که اخلاق در عالم واقع امری نسبی باشد، اخلاق امری مطلق است.

مجری: آیا اخلاقی که ما تعریف می‌کنیم با اخلاقی که در جامعه غربی تعریف می‌شود متفاوت است؟ به عبارت ساده‌تر آنها نظامی را تعریف کرده‌اند که منجر به اخلاق موجود در آن جوامع شده است و ما باید چیزی را تعریف کنیم که اقتضای دین و فرهنگ و جامعه ماست و به همین دلیل باید نظامات اجتماعی را بازتعریف کنیم.

استاد کشوری: ببینید در اصل ملاک در اخلاقیات تناسب آنها با فطرت است.

مجری: در نظام آموزشی ما تعریف مشخص داریم که مثلاً شما از نقطه ایکس شروع می‌کنید و به نقطه ایگرگ می‌رسد و در نهایت برای شما این اتفاق می‌افتد. این امر تجربه شده‌ای است که خروجی مناسب هم برای آن گرفته‌اند؛ حال سؤال این است که چه دلیلی دارد که ما مجدداً بخواهیم برای این روال و نظام بازتعریف مجدد داشته باشیم؟

استاد کشوری: این نظم‌ی که در تمدن مدرنیته تعریف شده - که بنده در برنامه امشب مثال آن را در حوزه مدیریت شهری عرض خواهم کرد - به سمتی تنظیم شده که مثلاً سودمحوری در جامعه مینا باشد؛ یعنی اصطلاحاً انسان را اکونومیک و اقتصادی تعریف کرده‌اند و بالتبع نظامات اجتماعی بر مبنای آن تنظیم شده است.

مجری: چون تعریف ما از انسان متفاوت است پس باید نظامات اجتماعی‌مان را بر اساس همین تعریف ترسیم کنیم.

استاد کشوری: بله، پس ببینید دو دعوا هست. بنده وارد یکی از این دعوای نمی‌خواهم بشوم؛ اینکه ما اخلاق را چه می‌دانیم، در فلسفه اخلاق یک دعوای واقعاً طولانی‌ای دارد. اخلاقیات امور متناسب با فطرت و اموری ثابت می‌باشند که شامل نسبییت و



امثالهم از مراتب توصیفی و تحقیقی نخواهند شد. این یک بحث است. یک بحث دیگر داریم که همین اخلاقیاتی است که در جامعه ما شناخته می‌شود؛ مثلاً ما معتقدیم که ایثار خوب است. حالا در این برنامه می‌پرسیم، چگونه باید مدیریت کنیم که ایثار جامعه مثلاً در ده سال آینده ارتقا پیدا کند؟ یا به عنوان مثال شما می‌گویید انفاق امر خوبی است - انفاق یعنی ایثار مالی - این را به چه شکل مدیریت کنیم که ده سال بعد مردم ایران انفاق بیشتری انجام دهند؟

مجری: یا مثلاً در شاخص طلاق که امر مذمومی است و ما در کشور الان رشد فزاینده آن را داریم چه نظاماتی تعریف کنیم که این شاخص یا متوقف شود و یا حتی کاهش پیدا کند...

استاد کشوری: مسأله طلاق که می‌فرمایید در واقع فروپاشی یک خانواده یا پابرجا بودن یک خانواده برمی‌گردد به یک وصفی به اسم مدارا. بنابراین سؤال این است که ما چگونه به سمتی برویم به این سمت که مدارا را در جامعه افزایش دهیم که از جمله میوه‌هایش این بشود که خانواده‌های ما پایدارتر بمانند. امثال این گزاره‌های اخلاقی را ما می‌توانیم یکسره مثال بزنیم اما همان طور که عرض شد دو راه حل وجود دارد: یکی فهم سنتی از اسلام که به نظر بنده فهم بسیار ناقصی هست که می‌گوید ما اگر اخلاقیات و اعتقادات را تنها تبیین کنیم، کار تمام است. اما خلاصه‌ی حرف تفکر انقلاب اسلامی این است که اکتفا کردن به تبیین منجر به تغییر اخلاقیات جامعه نمی‌شود و ما حتماً باید نظامات اجتماعی را هم در راستای آن اخلاقیات بازتعریف کنیم تا اخلاق اسلامی محقق گردد. جناب آقای خسروی بنده روی یک چالش جدی در جامعه‌مان دست گذاشتم. یکی از کارشناسان باسواد و مطلع کشور یک جمله‌ای گفته‌اند؛ ایشان فرمودند از دو دیوار جمهوری اسلامی احکام می‌بارد، معارف می‌بارد یعنی همه شبکه‌های ما معارف اسلامی را تبیین می‌کنند، تبلیغ می‌کنند. به برکت جمهوری اسلامی این اتفاق افتاده است. ولی ما همین الان مثلاً مشاهده می‌کنیم که چهل و دو درصد طلاق در شهر تهران رخ داده است. دلیل این رخداد چیست؟ بنده در حال پاسخگویی به این شبهه هستم و می‌خواهم این مسأله را بازشکافی کنم، به نظرم این مسأله در جمهوری اسلامی حیاتی است. از یک طرف ما متوجه هستیم که راه نجات بشریت راه انبیاء است؛ یعنی معارف دینی واقعاً راه‌گشا هستند. اینکه شما در تمدن مدرنیته می‌بینید مثلاً هشتاد و پنج درصد ازدواج‌ها منجر به طلاق می‌شود، نشان‌دهنده این است که این تمدن با یک چالش جدی روبرو شده است. بنده یک گزارش در مورد وضعیت ازدواج در آمریکا می‌خواندم؛ در آن گزارش آمده بود که تا سال ۲۰۳۰ یعنی پانزده سال آینده، مفهوم ازدواج رسمی برای بسیاری از مردم آمریکا دیگر درک نمی‌شود، حتی دیگر ازدواج به معنای مصطلحی که ما فعلاً می‌فهمیم را نیز درک نمی‌کنند. یعنی در توسعه‌یافته‌ترین کشور دنیا یک زندگی بدوی در حال شکل‌گیری هست. پس در آنجا روابط انسانی و اخلاقی به بن‌بست رسیده‌اند. از آن طرف ما راه نجات بشریت را همین معارف دینی می‌دانیم، ولی چه اتفاقی می‌افتد که ما هرچه سطح تبیین و تبلیغ را بالاتر می‌بریم، [این کار همچنان] کم‌اثر هست؟! بنده قطعاً معتقدم به اینکه تبیین و تبلیغ اثر دارد؛ اما با صراحت اعتقاد خودم را عرض می‌کنم که این تبیین و تبلیغ‌ها کفایت نمی‌کند. یعنی اکتفا کردن به تبلیغ بدون توجه به نظم اجتماعی اخلاق جامعه ما را بهتر نمی‌کند. حالا برای اینکه بحث شکل گرفته و کاملاً واضح شود که چه عرض می‌کنم، بنده از شما اجازه می‌خواهم یکی از این نظامات اجتماعی را که الان مردم ایران دارند درون آن زندگی می‌کنند را بشکافم. البته همین‌جا عرض بکنم نظامات اجتماعی حوزه‌های مختلفی دارد؛ همان طور که عرض کردم ما در نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی گفته‌ایم باید هشتاد و یک جا بازتعریف شوند. ولی بنده در این جلسه مختصر یکی از آن نظامات اجتماعی را بحث می‌کنم تا تأثیرش روی اخلاق ملموس گردد. یکی از حوزه‌های مرتبط با زندگی مردم مدیریت یک شهر است؛ یعنی نظمی که در اداره یک شهر حاکم است. به فضل الهی در این برنامه نشان خواهم داد که این نظم چه تأثیرات سوئی بر روی اخلاق مردم دارد و اگر ما این نظم را اصلاح نکنیم؛ یعنی به سمت بازتعریف این نظم‌ها نرویم، به بیان ساده راه امام را ادامه ندهیم چه اتفاقی می‌افتد؟ هرچه سطح تبیین و تبلیغ را بالاتر ببریم آن نظم اثر سوء اخلاقی خودش را می‌گذارد و مثلاً اگر ما این نظم را مدیریت نکنیم ده سال آینده مثلاً سطح طلاق در شهر تهران پنجاه یا شصت درصد خواهد شد. همه حرف بنده این است که ما حتماً باید در کنار تبیین و تبلیغ حکیمانه و فقیهانه نظم‌های مرتبط با زندگی مردم را بازتعریف کنیم. پس الان یک حوزه‌اش را بنده مثال می‌زنم: ببینید مقدماً عرض کنم که اگر ما می‌خواهیم اخلاق را در جامعه‌ای ارتقا دهیم باید نهاد خانواده را تقویت کنیم. یعنی ارتقای اخلاق محصول یک خانواده خوب است. خروجی یک خانواده‌ای که از حیث روابط و عواطف فربه بوده و بر آن کیفیت حاکم است، مسأله اخلاق خواهد شد. پس نباید با نگاه



برخی روشنفکران، اخلاق را بریده‌ی از نهاد خانواده تعریف کنیم. این نکته اولی است که من می‌خواهم توجه دهم. علت اینکه پیامبر با عظمت اسلام فرمودند ازدواج نیمی از دین است. یعنی مسأله خانواده به تنهایی نصف همه‌ی آن چیزی است که ما نام آن را دین می‌گذاریم. یعنی چنین سطح تأثیر بالایی دارد. علت این مقوله همین است که نهاد خانواده اخلاق‌ساز و اعتقادساز محسوب می‌شود. یعنی هرچه شما از جامعه انتظار دارید باید در خانواده پایه‌گذاری‌اش کنید. تأکید می‌کنم الان جریان‌هایی در جامعه وجود دارند که مثلاً در یک دعوی انتخاباتی وقتی یکی از کاندیداها در مقابل دیگری یک حرف مثبت‌تری نسبت به آن دیگری می‌زند بلافاصله یک جریان تبلیغاتی راه می‌اندازند که مثلاً فلانی مرد اخلاق است. یعنی اخلاق را به یک سری از مسائل سطحی تنزل می‌دهند. این کار برای خود بلیه‌ای است، به اصطلاح، ما با اخلاق سکولار هم روبرو هستیم. پس نکته اول اینکه اخلاق میوه نهاد خانواده است، اگر نهاد خانواده از حیث روابط و عواطف فربه شد، نتیجه‌اش این می‌شود که اخلاق یک جامعه ارتقا پیدا می‌کند. مثل اینکه شما می‌گویید برای هر چیزی یک کارخانه وجود دارد، - بنده به بیان ساده عرض می‌کنم - کارخانه تولید اخلاق نهاد خانواده است. این جزء مسلمات معارف ما است. کسی نباید دنبال راه‌های دیگری بگردد. در مورد این نهاد خانواده بحث زیاد است اما در اینجا بحثی وجود دارد که اگر هر خانواده‌ای بخواهد سرپا بماند به چهار نوع نیاز مبتلا است و به آنها احتیاج دارد؛ نیازهای تفریحی، نیازهای شغلی، نیازهای تحصیلی و نیازهای روزمره. شما همه خانواده‌هایی را که می‌شناسید، همه به صورت روزمره درگیر این چهارنوع نیاز هستند. اگر مدیریت یک شهر این چهارنوع نیاز را به صورت متمرکز تأمین کرد، این کار یک تأثیر دارد روی اخلاق جامعه و اگر این چهارنوع را در محل زندگی خانواده‌ها تأمین کرد (یعنی به اصطلاح در محله‌ای که خانواده‌ها زندگی می‌کنند) یک اثر دیگری روی اخلاق دارد. اجازه دهید بنده مسأله را بشکافم: ببینید! الان در شهری مثل تهران برای تأمین نیازهای شغلی، پدر خانواده و در بعضی موارد مادر خانواده وقتی می‌خواهند نیاز شغلی خود را تأمین کنند، باید صبح علی الطلوع از خانه خارج شوند، یعنی دقیقاً وقتی که فرزندشان خواب است. زمانی هم به خانه برمی‌گردند که فرزندشان دوباره در خواب است. یعنی نحوه تأمین نیازهای شغلی به شکلی هست که فرصت حضور پدر و مادر در کنار فرزندان را به یک فرصت محدود تبدیل می‌کند. از یک طرف خانواده‌ها به تأمین شغل نیاز دارند (که امر مسلمی است) ولی به گونه‌ای شغل تأمین می‌گردد که دیگر فرصت در کنار یکدیگر بودن خانواده به حداقل می‌رسد. این راجع به نیازهای شغلی؛ الان در شهر تهران این یک واقعیت است. یک وقتی بنده در سال‌های قبل به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی رفته بودم، یکی از معاونان ارشد این سازمان به بنده می‌گفت: من یک دختر بچه‌ای دارم که خود من سرویس مدرسه این دختر شده‌ام. خودم او را به مدرسه برده و خودم هم او را برمی‌گردانم. بعد ایشان استدلال می‌کردند که اگر این کار را نکنم دیگر هیچ فرصت ارتباطی من با فرزندم ندارم. یعنی وضعیت شغلی‌ام به شکلی است که نمی‌توانم رابطه گسترده‌ای با فرزندم داشته باشم و مشکلات فکری و عاطفی او را مدیریت کنم. این سخن را یک مقام در سازمان مدیریت به بنده می‌گفتند. یعنی آنهایی که تدوین‌کننده و تنظیم‌کننده همین نظم مبتنی بر توسعه هستند. این عریضم مثالی برای نظم شغلی بود. خانواده‌های برای نیازهای تحصیلی هم مجبور می‌شوند یکبار دیگر از هم جدا بشوند. در حال حاضر با این بحث کیفیت مدارس که مطرح شده است - به نظر بنده یک جنجال تبلیغاتی هم است - که بیان می‌شود مدارس غیرانتفاعی کیفیت بالاتری نسبت به مدارس دولتی دارند، یک اتفاقی افتاده است. خانواده‌های ما ترغیب شده‌اند که فرزندان خود را به یک مدارس یا کیفیت تری بگذارند. در بسیاری از موارد، محل آن مدرسه با کیفیت خارج از محله است. یعنی برای رفع نیازهای تحصیلی هم اعضای خانواده مجبور می‌شوند از هم جدا شوند. برای رفع نیازهای تفریحی هم اعضای خانواده از هم جدا می‌شوند؛ حال چه تفریح را به معنای سرگرمی و همین بازی‌های کامپیوتری و امثالهم بدانیم که این فضای مجازی باعث شده سطح ارتباط اعضای خانواده به شدت کاهش پیدا کند و چه تفریح را به معنای رفتن به یک محل تفریحی بدانیم. در حال حاضر در محلات، بحثی به عنوان وجود یک جایگاه مناسب برای تفریح نداریم، خانه‌ها هم که دیگر اصلاً به نحوی نیستند که فرح‌زا باشند. خانواده به تفریح نیاز دارد اما به دلیل اینکه محیط مناسبی برای تفریح وجود ندارد، افراد مجبور می‌شوند به بهانه تفریح هم از همدیگر جدا شوند. یعنی از محل زندگی خود خارج شود. در حال حاضر بحث پارک‌های بزرگ که مطرح شده است، در واقع یکی از عواملی است که محله‌ها را تضعیف می‌کند، محل زندگی خانواده‌ها را تضعیف می‌کند. ما توصیه کرده‌ایم که اولاً تفریح



را از معنای سرگرمی به همه اعمال رافع کسالت ارتقا دهیم، دوماً اگر می‌خواهید به همین معنا هم اکتفا کنید، سعی کنید تفریح را در محله تعریف کنید که به بهانه تفریح فرصت‌ها دچار چالش نشود.

اخیراً با بحث هایپرمارکت‌ها هم افراد خانواده به بهانه تأمین نیازهای خانواده از همدیگر جدا شده و از محل زندگی خود خارج می‌شوند. گزارش یکی از هایپرمارکت‌های تهران را می‌خواندم؛ در آن گزارش آمده بود که آن هایپرمارکتِ خاص، قرار است پانصد هزار نفر را روزانه تأمین نیاز کند. پانصد هزار نفر یعنی چیزی در حدود پنجاه الی شصت محله، هر روز برای تأمین نیازهای خود از محله خارج می‌شوند. ببینید، مدیریت شهری فعلی نیازهای یک خانواده را طوری تأمین می‌کند که افراد یک خانواده برای تأمین نیاز مجبور می‌شوند از همدیگر جدا شوند. برگردیم به آن حرف قبلی که بنده عرض کردم؛ خانواده مرکز تولید اخلاق است. خب، اولین شرطِ خانواده‌ای که مرکز تولید اخلاق است این است که اعضای خانواده در کنار یکدیگر باشند. **مجری:** شما چه بازتعریفی می‌کند تا آن چالش‌ها جواب داده شوند؟

استاد کشوری: بازتعریف آن را نیاز خواهم گفت. [اجازه دهید] بنده اصل مسأله را پخته‌تر کنم. ببینید خانواده‌ای که مرکز تولید اخلاق است، اعضای آن دیگر با یکدیگر ارتباط ندارند و همگی به دنبال تأمین نیازهای خود رفته‌اند. پدر به دنبال نیاز شغلی خود رفته است، یا مثلاً فرزند به بهانه اینکه در فلان منطقه یک مدرسه با کیفیت‌تر است، رفته است، مسائل تفریحی و مسائل روزمره هم به همین شکل است. ببینید، چهار نوع نیاز است اما این چهار نوع نیاز به دلیل اینکه متمرکز و خارج از محله تأمین می‌شود باعث تضعیف خانواده می‌شود. وقتی هم که خانواده تضعیف شد، اخلاق تضعیف خواهد شد.

ما در نگاه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت یک حرف روشن زده‌ایم؛ بیان کردیم نحوه نیازهای خانواده می‌تواند به شکلی باشد که به مسأله خانواده ضربه‌ای نزنند. به چه شکل؟ به این شکل که ما بیاوریم محله‌ها را - مثلاً در طول ده پانزده سال آینده - به محل نیازهای خوار تبدیل کنیم. یعنی تا جایی که ممکن است ما به سمتی برویم که شغل را به محلات ببریم، تا جایی که ممکن است تحصیل را به محلات ببریم.

مجری: این کار، راهکار عملیاتی دارد و یا فقط به عنوان یک ایده مطرح می‌شود؟

استاد کشوری: در ادامه بحث خود عرض خواهم کرد که چقدر عملیاتی خواهد شد. بحث در این است که ما باید نظم اجتماعی را بازتعریف کنیم. حال نظم اجتماعی مناسب با نهاد خانواده این است که خانواده برای تأمین نیازهای خودش، مجبور نباشد از محل زندگی خود خارج شود. ما حتماً باید سعی کنیم در محل زندگی خانواده نیازها را تأمین کنیم، اگر محله را به محل نیازهای خانوار تبدیل کردیم، به اصطلاح اگر مدیریت شهری محله‌محور شد، دو اتفاق خواهد افتاد؛ یک، محل زندگی خانواده محل جذابی خواهد شد، زیرا همه نیازها در آن تأمین خواهد شد و اعضای خانواده مجبور نیستند به بهانه اینکه نیازهای آنها تأمین شود مرتبط از همدیگر جدا شوند.

مجری: البته خیلی‌ها به شکل خانوادگی به سراغ تأمین نیازها می‌روند.

استاد کشوری: در مسأله شغلی که به این شکل نیست...

مجری: در مسأله شغلی خیر اما در تأمین نیاز خانواده و مایحتاج زندگی اصلاً شاید یک تفریحی باشد که با یکدیگر به خرید بروند.

استاد کشوری: بله ممکن است در برخی از موارد به این شکل باشد اما همیشه به این شکل نیست. یعنی شما نمی‌توانید بگویید که مثلاً هر روز خانواده‌ها یک تور [سیاحتی] به هایپرمارکت‌ها می‌روند! بله ممکن است گاهی اوقات با همدیگر به آنجا بروند. مجری: معمولاً به این صورت است که به آنجا رفته و نیازهای چند هفته خود را یکجا تأمین می‌کنند، خیلی از افراد ممکن است خانوادگی این اتفاق را رقم بزنند.

استاد کشوری: ببینید، همین چیزی که بنده عرض می‌کنم، است، یعنی در اندکی از موارد به این شکل است. اما واقعاً به این شکل است که در وقت خرید، یک وقتی را از برخی از اعضای خانواده می‌گیرد. یعنی به این شکل نیست که واقعاً - این حرف به نظر بنده یک حرف فنی‌ای نیست - همه اعضای خانواده همیشه با هم به خرید به یک هایپرمارکتی بروند! این چیزی که بنده عرض کردم یک فایده [محله‌محوری است] یعنی نباید خانواده را برای تأمین نیازهای خود به زحمت انداخت. فایده دوم این است که اگر ما در محله‌ها نیازهای خانواده را تأمین کردیم، اصطلاحاً تعرف در محله ارتقا پیدا کرد. تعرف یعنی شناخت

طرفینی گسترده. یعنی دو طرف همدیگر را در حداکثر وضعیت متصور بشناسند. وقتی مراودات اعضای یک محله برای نیازهای شغلی، نیازهای روزمره، نیازهای تفریحی و نیازهای تحصیلی ارتقا پیدا کرد، نتیجه آن شناخت طرفینی و یا به اصطلاح روایی تعرف بالا خواهد رفت. وقتی هم که تعرف ارتقا پیدا کرد، از میوه‌های آن امنیت است. زیرا وقتی اعضای جامعه بیشتر همدیگر را شناختن، این کار یک نوع خودکنترلی ایجاد خواهد کرد. مثلاً فرض بفرمایید در این صورت دیگر مشکلاتی که ما در حال حاضر در حوزه ازدواج داریم پیش نخواهد آمد. امروزه مشاهده می‌کنیم که متأسفانه مانند قارچ سایت‌های همسرگزینی در حال رشد هستند. چرا این سایت‌ها در حال رشد هستند؟ علت اصلی این است که کسانی که می‌خواهند ازدواج کنند، به دلیل همان از بین رفتن تعرف، می‌خواهند آن شناخت را از طریق فضای مجازی تأمین کنند. کاملاً هم مشخص است که شناخت برای یک زندگی مشترک کاملاً باید حداکثری باشد و این هم از طریق فضای مجازی تأمین نمی‌شود. بنابراین اگر ما محله را به محل تأمین نیازهای خانوار تعریف کردیم، یعنی مثلاً از امروز معاونت فرهنگی اجتماعی شناسنامه نیازهای چهارگانه خانواده را به تفکیک محلات تعریف کرد و بعد هم به تدریج به سمت تحقق آن رفت، هم تعرف و هم تقویت خانواده به عنوان دو میوه این کار بدست خواهد که نتیجه هر دوی آن تولید اخلاق خواهد شد. ببینید بنده یک مثال زدم اما می‌توانم این مثال را در هشتاد حوزه دیگر هم تکرار کنم - بنا به تعریفی که در نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی داریم - که به شکلی نظم اجتماعی در تولید اخلاق تأثیرگذار است. این یک مثالی بود که بنده عرض کردم.

حال حضرت‌تعالی یک سؤال فنی‌ای پرسیدید؛ آن سوال هم این بود که حالا این ایده مدیریت شهری با نگاه محله‌ای اصلاً قابل تحقق است؟ بنده عرض می‌کنم بیشتر از اینکه شما فکر کنید قابل تحقق است در حال حاضر حتی در این شهر تهران در بعضی از محلاتی که وجود دارند، سطح قابل قبولی از این نیازهای چهارگانه در حال تأمین است. یعنی گاهی اوقات شما بیان می‌کنید که این حرف قابل تحقق است یا خیر، بنده بیان می‌کنم که ما بررسی کرده ایم - البته تعداد کمی هستند - بعضی از این محلات در حال حاضر واقعاً به این شکل هستند، یعنی واقعاً ماهیت محله‌ای در آنها وجود دارد. یک تعداد قابل قبولی از اعضای آن محله در همان محیط محله مشغول بکار هستند. تحصیل و تفریح و نیازهای روزمره هم به یک نسبت قابل قبولی تأمین می‌شود. این نکته اولی است که باید به آن توجه کنیم، یعنی بالاتری از اینکه شما بیان می‌کنید قابل تحقق است بنده بیان می‌کنم که در حال حاضر محقق شده است. در آن زمان اگر ما رفتیم و همین موارد موفق را مطالعه کردیم و بعد سعی کردیم برای آن زیرساخت طراحی کنیم که آن را به سایر مناطق تعمیم دهیم، به نظر من در آن زمان نظم اجتماعی در این حوزه یک تعریف جدیدی پیدا خواهد کرد. این فضای اصلی بحث است. بنابراین به نظر بنده اگر خدا کمک کرده باشد بحث شکل گرفته است که در یک مثال به چه شکلی نظم اجتماعی بر روی اخلاق تأثیر می‌گذارد. یکی دو نکته آخر را نیز بنده عرض کنم؛ در حال حاضر در شهر تهران بنا بر گزارشی که شهرداری محترم تهران ارائه می‌کند و در بسیاری از کلان شهرهای دیگر - بنده در اینجا فقط شهر تهران را مثال می‌زنم - شصت و پنج درصد بودجه شهرداری تهران به صورت مستقیم یا غیر مستقیم صرف هزینه حمل و نقل می‌شود. علت اصلی این است که به این مقدار حمل و نقل و سفرهای درون شهری در تهران زیاد است، به نظر بنده یک نکته است؛ این است که مردم دائماً برای تأمین نیازهای چهارگانه خانواده از محل زندگی خود خارج می‌شوند. یعنی اگر این پیشنهاد مدیریت محله‌ای اتفاق بیافتد، حتی هزینه‌های شهر هم کاهش پیدا خواهد کرد. مجری: حالا چقدر محله‌ها واقعاً می‌توانند همه این نیازها را در خود پاسخ دهند؟ مخصوصاً برای یک شهر کلانی که به نظر نمی‌رسد شما بتوانید همه نیازها را در محل تأمین کنید.

استاد کشوری: ببینید، بنده به صورت مکرر از کلمه "تا جایی که امکان دارد" استفاده کردم. یعنی مثلاً شما بیان می‌کنید که در همین شرایط فعلی مثلاً پنج یا ده درصد امکان دارد. در این صورت ما ده درصد سفرهای درون شهری را کاهش داده ایم و ده درصد به این سمت رفته‌ایم که شرایط زیست خانواده‌ها را محله‌ها تقویت کنیم.

مجری: یا همین موضوع توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات اینترنتی و خریدهای الکترونیک نیز ذیل همین مجموعه تعریف می‌کنید یا خیر و اصلاً این بحث جدایی است؟

استاد کشوری: خیر، ببینید همین دولت الکترونیک و اسمارت‌سیتی‌ها و مواردی که جریان توسعه‌گرا بیان می‌کند..

مجری: از این نگاه که منجر به کاهش حمل و نقل می‌شود را بیان می‌کنم.



استاد کشوری: خیر ببینید...

مجری: یا اصلاً بحث آن [با چیزی که شما فرمایش می‌کنید] متفاوت است.

استاد کشوری: بله ببینید، باید بحث را یک مقداری انسانی‌تر دید. یعنی اگر شما محل زندگی انسان‌ها را جذاب نکنید، بهانه‌های خروج از محله کماکان باقی خواهد ماند. - بعداً باید بحث اسمارت‌سیتی‌ها را بشکافم و اشکالات جدی این بحث را مطرح کنم - اما بحث بر سر این است که اگر شما بخواهید مدیریت محله‌ای را ارتقا دهید، می‌توانید کار را از دو نقطه شروع کنید؛ یکی اینکه به این سمت بروید که اولاً زیرساخت‌های این نوع از مدیریت را برای محله‌هایی که به جای محل زندگی بودن به محل خواب تبدیل شده‌اند را [ایجاد کنید]. یعنی برخی از محله‌ها در حال حاضر فقط محل اسکان و خواب شبانه است. باید زیرساخت‌هایی طراحی کنیم که اینها را به ماهیت محله‌ای نزدیک کنیم. [در گام دوم] محله‌هایی را هم که در حال حاضر به نسبت محل زندگی خانواده‌ها هستند با امثال طرح‌های هایپرمارکت‌ها و کشیده شدن اتوبان‌ها به وسط آنها و ده‌ها طرح دیگر به چالش نکشیم. در واقع به صورت خیلی ساده این بیان فلسفه‌ای بود که ما را وامی‌دارد که برای ارتقای اخلاق به سمت بازتعریف نظم اجتماعی برویم. حال این نوع نگاه را می‌توان در برنامه ششم توسعه کشور منعکس کرد. یعنی به نظر بنده بحث مدیریت شهری با نگاه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت - که بنده در همین ماه مبارک رمضان نزدیک به بیست ساعت این موضوع را در حوزه علمیه مروی تهران شرح دادم - در حال حاضر این کارآمدی را دارد که در برنامه ششم کشور تبدیل به حکم شود و بتواند یک قدم مسائل اینچنینی کشور ما را مدیریت کند. جمله آخر عرض بنده این است که اگر ما می‌خواهیم اخلاق، معنویان و اعتقادات جامعه را ارتقا دهیم، در کنار تبلیغ و تبیین معارف باید به سمت نظام‌سازی اسلامی برویم. این خلاصه حرف الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت است.

مجری: تشکر می‌کنم، به عنوان جلسه‌ای که موضوع را باز و طرح کرده باشیم، جلسه خیلی خوبی بود، منتهی نیازمند این است که برنامه‌های دیگری را نیز در این حوزه ترتیب دهیم که در شاخصه‌های مختلف ببینیم که چه اتفاقاتی می‌افتد، چه راهکارهایی ارائه می‌شود و به چه مقدار جنبه عملیاتی دارد و به چه مقدار می‌توانیم از آن خروجی بگیریم برای تأثیرگذاری بر اخلاق اجتماعی که جنابعالی فرمایش کردید.

استاد کشوری: بله به همین شکل است، حتماً بحث در این جلسه در حد طرح مسأله بود، اما به نظر من نسبت موضوع جلسه واضح شد.

مجری: متشکرم آقای کشوری از حضورتان در این برنامه و از همه بینندگان که برنامه تیتراژ امشب را نگاه کردید. ممنونم از شما.



۱۸. متن کامل سخنان حجت‌الاسلام علی کشوری در نشست خبری تبیین پیشنهادات الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم / تحقق پیشنهادات هفت‌گانه الگو برای برنامه ششم؛ نقطه آغاز تغییر در نظام برنامه‌ریزی فعلی است

دوشنبه ۲۲ شهریور ۱۳۹۵

بسم الله الرحمن الرحيم

با توجه به انحرافات جدی برنامه ششم توسعه از مفاهیم الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی پیوستی را تحت عنوان "پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم" تدارک دیده است تا از این انحرافات جلوگیری نموده و نگاه الگوی پیشرفت را در برنامه ششم وارد کند.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی نقشه راه این پیوست دارای پنج ساختار بحثی است که ساختار پنجم آن به تبیین مأموریت‌های هفت‌گانه‌ی الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم اختصاص دارد.

دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی روز ۲۱ شهریورماه ۱۳۹۵ با حضور در نشست خبری تبیین پیشنهادات الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم در خبرگزاری تسنیم به شرح اجمالی این پیشنهادهای هفت‌گانه پرداختند. متن کامل این نشست خبری را در ادامه مطالعه بفرمایید:

حجت‌الاسلام علی کشوری: بسم الله الرحمن الرحيم اللهم صلّ علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم و اهلك عدوهم من الجنّ و الأئس من الأولین و الآخیرین.

همانطور که اعلام شده است ان شاءالله امروز شرحی اجمالی راجع به پیشنهادهای هفت‌گانه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت برای برنامه ششم را خدمت شما ارائه خواهیم داد. مقدمتاً نکته‌ای را عرض کنم؛ فصل تدوین برنامه ششم کشور از جهات مختلفی با سایر فصول برنامه‌ریزی متفاوت است. یکی از تفاوت‌ها این است که فصل تدوین برنامه ششم طولانی‌تر از سایر فصول برنامه‌ریزی است؛ با توجه به اینکه برنامه ششم یک بدعت در حوزه برنامه‌ریزی کشور محسوب می‌شد، مجلس محترم حاضر نشد برنامه ششم را در سال گذشته تصویب کند و به تمدید برنامه پنجم کشور راضی شد. البته قبل از این ما یکبار در زمان برنامه چهارم یک‌سال این برنامه را تمدید کرده بودیم ولی علت این بود که دولت وقت برنامه [پنجم] را تدوین نکرده بود، برخلاف دوره فعلی که برنامه‌ای از طرف دولت تدوین و ارائه شده بود؛ اما مورد موافقت مجلس قرار نگرفت. این اتفاق در هفتادسال اخیر برنامه‌ریزی در ایران بی‌نظیر است و لذا یکی از تفاوت‌های جدی فصل تدوین برنامه ششم با سایر فصول محسوب می‌شود.

یکی دیگر از تفاوت‌های فصل تدوین برنامه ششم با سایر فصول برنامه‌ریزی این است که تدوین برنامه ششم با سال دهم و یازدهم گفتمان‌سازی برای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تالاقی پیدا کرد؛ یعنی ما در واقع با یک رقیب جدی برای توسعه غربی و یک رقیب متولدشده در حوزه برنامه‌ریزی مواجه بودیم و بنابراین برنامه‌ریزان توسعه کشور نمی‌توانستند به راحتی گزاره‌های ناکارآمد غربی را تحت عنوان پیشرفت به مجلس محترم یا نخبگان بقبولانند. لذا به تعبیر بنده در زمان تدوین برنامه ششم کشور یک قیام نخبگانی علیه برنامه ششم اتفاق افتاد که بخش عمده آن ناشی از عدم توجه برنامه ششم به مفاهیم الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بود. به هر حال این دو تفاوت میان فصل تدوین برنامه ششم و سایر فصول برنامه‌ریزی در کشور ما وجود دارد.

در این اواخر که بحث الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مطرح شد، اظهار نظرهای مسئولین محترم سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی سابق با اظهار نظرهای اخیر خودشان تفاوت جدی پیدا کرد؛ یعنی در ابتدای امر ادعا می‌کردند که برنامه ششم مبتنی بر نگاه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نوشته خواهد شد. اگر شما مصاحبه‌های مسئولین محترم در اوائل فصل تدوین برنامه ششم را مرور کنید، می‌بینید آن‌ها -خصوصاً جناب آقای نوبخت، رئیس سازمان برنامه و بودجه- تصریح دارند که ما برنامه ششم را با نگاه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت خواهیم نوشت. این اظهارنظرهای اولیه بود ولی در هفته‌های اخیر مسئولین به این سمت متمایل شده‌اند که بگویند اصلاً الگوی اسلامی ایرانی پیشرفتی وجود ندارد تا ما برنامه ششم را با آن نگاه تدوین کنیم. البته غیر از این دو اظهار نظر کاملاً متناقض، آقای نوبخت در یک یا دو مورد نیز اظهار نظر کردند که کتاب



"امنیت ملی و نظام اقتصادی ایران" - که تدوین آن را جناب آقای روحانی در سال‌های قبل انجام داده‌اند - خود الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است و ما برنامه ششم را بر اساس این کتاب تنظیم می‌کنیم.

لذا عرض بنده این است که در مواجهه با گفتمان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت طیفی از اظهار نظرها از سوی مسئولین دولتی مطرح شد. بنده حدس می‌زنم دلیل این طیف از اظهار نظرها این باشد که مسئولین محترم علی‌رغم ادعاهایی که می‌فرمایند به بحث الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت آشنا نیستند. لذا ما برای اینکه سطح آشنایی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و سایر کارشناسان جریان توسعه‌گرا با الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ارتقا پیدا کند، پیوستی را برای برنامه ششم کشور منتشر کردیم.

این پیوست که ما آن را تحت عنوان پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم کشور مطرح کردیم پنج ساختار بحثی دارد، یعنی در پنج سرفصل تنظیم شده است. چهار مورد از این سرفصل‌ها بحث‌های نظری هستند که بنده در جلسات مختلف و در جلسات همین خبرگزاری این سرفصل‌ها را توضیح داده‌ام. ان‌شاءالله امروز بنده می‌خواهم سرفصل پنجم از پیوست الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت برای برنامه ششم را مقداری تشریح کنم.

سرفصل پنجم هفت مأموریت پیشنهادی ما به دستگاه‌های مختلف نظام است که تمام این هفت مأموریت بر اساس نظریات و مفاهیمی تنظیم شده‌اند و در نقشه راه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت راجع به این مفاهیم بحث شده است. این بحث، موضوع جلسه امروز است. البته بنده مجدداً از باب تأکید عرض می‌کنم گزارشی که بنده می‌خواهم راجع به پیشنهادهای هفت‌گانه الگوی پیشرفت برای برنامه ششم محضر شما عرض کنم یک‌پنجم بحثی است که ما برای برنامه ششم آماده کرده‌ایم. در واقع آن چهار سرفصل اول در حوزه مبانی نظری هستند و اگر کسی این چهار سرفصل را مطالعه کند درک او از مفهوم برنامه‌ریزی با نگاه اسلامی ارتقا پیدا می‌کند. بنابراین در واقع این چهار سرفصل اصل کار هستند و بخشی که بنده امروز تحت عنوان پیشنهادهای هفت‌گانه شرح می‌دهم میوهی بحث‌های نظری ما هستند؛ یعنی نباید تلقی شود که ما مأموریت‌هایی را از باب تجربه یا از باب محاسبات عادی پیشنهاد داده‌ایم، خیر؛ پشتوانه هفت مأموریتی که به فضل خدا امروز تشریح می‌کنم بحثی‌های نظری سنگینی است که ما در پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم مطرح کرده‌ایم.

مأموریت‌هایی که ما با نگاه الگوی پیشرفت برای الحاق به برنامه ششم پیشنهاد داده‌ایم، در چهار بخش قابل تعریف بوده و به چهار دسته از موضوعاتی که ما در کشور با آن‌ها روبرو هستیم مربوط می‌شوند. ما سه مأموریت برای بهبود فضای حاکم بر نهاد خانواده پیشنهاد داده‌ایم و به نظر بنده این سه مأموریت کمترین کاری است که می‌توان در برنامه ششم برای نهاد خانواده انجام داد، بیش از این نیز متصور می‌باشد منتهی ما در برنامه ششم بسیار واقع‌بینانه ورود پیدا کرده‌ایم و علت اینکه پیشنهادات خود برای مسأله خانواده را دست بالا نگرفته‌ایم این است که متأسفانه جریان توسعه‌گرا در کشور ما ذهنیتی کاربردی برای بهبود فضای خانواده ندارد. لذا عملاً فرصت بحث‌های حداکثری در حوزه برنامه‌ریزی الآن تقریباً منتفی است، مگر اینکه بخواهیم بحث‌های کلی را مطرح کنیم. البته این موضوع نافی این مطلب نمی‌باشد که ذیل سیاست‌های شانزده‌گان‌های که رهبر معظم انقلاب برای مسأله خانواده ابلاغ فرمودند قوانینی را به تدریج اصلاح کنیم، این یک پروژه میان‌مدت است؛ ولی ما در کوتاه‌مدت و در ۳۰ یا ۴۰ روز باقی‌مانده به تصویب برنامه ششم به دنبال تصویب این سه مأموریت برای بهبود فضای حاکم بر نهاد خانواده هستیم.

ما دو پیشنهاد نیز برای حوزه پیشگیری از جرم ارائه داده‌ایم؛ استحضار دارید که مسأله پیشگیری از جرم یکی از مسائلی است که ما باید در کشور خود حتماً برای آن برنامه‌ریزی کنیم. یک مأموریت نیز برای مسأله ترجمه‌زدایی از پایان‌نامه‌ها پیشنهاد داده‌ایم که به نظر بنده این موضوع در پنج سال آینده یکی از واجبات کشور است. در حال حاضر پایان‌نامه‌های ما ناظر به مسائل ما نوشته نمی‌شوند و تقریباً مسئولین کشور راجع به این موضوع به لحاظ کمی و کیفی بسیار صحبت کرده‌اند، حالا ما یک پیشنهاد عملیاتی برای این موضوع ارائه کرده‌ایم و این پیشنهاد، مشخص می‌کند که چطور در طول سال‌های اجرای برنامه ششم ۱۰ درصد از پایان‌نامه‌ها را به صورت قاعده‌مند به سمت نگاه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و به سمت نگاه بومی هدایت کنیم. یک پیشنهاد نیز برای مردمی‌شدن اقتصاد ارائه کرده‌ایم که آن را شرح خواهیم داد. بنابراین ما در چهار حوزه با نگاه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت احکامی را به نمایندگان محترم مجلس پیشنهاد داده‌ایم.



بازهم تأکید می‌کنم که ان‌شاءالله اگر فضای گفتمان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در آینده تعمیق شود و مسئولین و نخبگان ما موضوع را جدی‌تر بگیرند ما در شورای راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت آمادگی این را داریم که از صدر تا ذیل یک برنامه پیشرفت را با نگاه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت طراحی کنیم. اینکه عرض می‌کنم از صدر تا ذیل یک برنامه، دو بخش را در بر می‌گیرد؛ یک بخش مربوط به حوزه مبانی نظری تا حوزه احکام برنامه است و این آمادگی در مجموعه ما وجود دارد که این موضوع را مطرح کند. بخش دیگر نیز از بحث‌های کیفی شروع شده و تا بحث‌های اقتصادسنجی و محاسبات آماری ادامه می‌یابد؛ یعنی در این بخش نیز الان امکان این موضوع وجود دارد که ما حتی به زبان محاسبه ورود پیدا کرده و وضعیت کشور را با نگاه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تشریح کنیم.

بنده باید این مسأله را بگویم که مقاومت عجیب سازمان برنامه و بودجه حتی در مقابل گفتگوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در سازمان مدیریت مانع اصلی کار است، یعنی متأسفانه اشکالاتی که ما به برنامه ششم و به صورت عام‌تر در مورد نظام برنامه‌ریزی کشور به صورت رسانه‌ای مطرح می‌کنیم توسط آقای نوبخت و همکارانشان جواب داده می‌شود. بنده قبلاً نیز خدمت آقای نوبخت عرض کردم که جلسات گفت‌وگو باید در سازمان مدیریت و با حضور کارشناسان این سازمان برگزار شود. همچنین نیز از طریق این نشست از دوستان خواهش می‌کنم که اجازه دهند گفت‌وگوهای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت وارد حیطه خلوت سازمان برنامه و بودجه شود. به نظر بنده اگر ما رودررو با دوستان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور وارد گفتگو شویم، این گفت‌وگوها بسیار کیفی‌تر، غنی‌تر و پرمثمر خواهد بود. به هر حال وضعیت فعلی ما اینگونه است و ان‌شاءالله بنده پیشنهادهای خود را مطرح می‌کنم. این نکته اخیر را به این خاطر عرض کردم که بهتر بود این جلسه در سازمان مدیریت برگزار می‌شد؛ یعنی در کمیته‌های تدوین برنامه ششم، کمیته‌ای با نگاه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تشکیل می‌شد. درست مانند کاری که ما در مجلس انجام دادیم؛ یعنی به راحتی پیشنهادهای خود را در برخی از کمیسیون‌ها با نمایندگان مجلس مطرح کردیم. به دلیل اینکه نمایندگان به لحاظ آرمان‌های انقلاب از کارشناسان سازمان مدیریت توجه‌تر هستند این شرایط را برای ما فراهم کردند که در کمیسیون‌ها راجع به این پیشنهادات بحث کنیم.

بنده وارد شرح پیشنهادها می‌شوم؛ همانطور که عرض کردم سه مورد از این پیشنهادات راجع به مسأله خانواده است. اولین پیشنهاد ما برای بهبود فضای حاکم بر نهاد خانواده این است که آموزش‌ها و مهارت‌های مربوط به نهاد خانواده در تمام پایه‌ها تدریس شود. استحضار دارید که در شهر تهران حدود ۴۲ درصد از ازدواج‌ها به طلاق ختم می‌شود، سن ازدواج جمعیت زیادی نیز به تأخیر افتاده است و کسانی که زندگی مشترک تشکیل داده‌اند به لحاظ درک از نهاد خانواده دچار فقر هستند. لذا بعضی از زندگی‌ها به دلیل درک حداقلی از نهاد خانواده دچار فروپاشی شده و بسیاری از زندگی‌ها در وقت مقرر خود تشکیل نمی‌شود. بنده تأکید می‌کنم علی‌رغم تبلیغاتی که درصدد است تا ریشه اصلی فروپاشی نهاد خانواده در ایران را مسائل اقتصادی معرفی کند، علت اصلی ضربات وارد به نهاد خانواده عدم درک تفصیلی زوجین از زندگی مشترک است. اگر ما این ریشه‌یابی را بپذیریم -که شواهد و قرائن فراوانی نیز برای آن وجود دارد؛ از جمله اینکه در بسیاری از طلاق‌های ثبت شده در تهران طرفین مشکل مالی ندارند و ریشه مسأله به این باز می‌گردد که اختلاف مشرب و ملاک در زندگی مشترک دارند یا قادر به تحمل اخلاقی یکدیگر نیستند- باید بدانیم چاره‌ی کار این است که آموزش‌های مرتبط با نهاد خانواده را گسترش دهیم و آموزش‌های نهاد خانواده، نیز آموزش‌های گسترده‌ای است و باید مدت‌ها راجع به مفهوم نهاد خانواده کار شود.

اگر ان‌شاءالله این قانون تثبیت شد ما در شورای راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بیست محور اصلی آموزش‌های مرتبط با نهاد خانواده را نیز آماده کرده‌ایم که می‌تواند در فرآیندی به کتاب درسی و محتوای آموزش‌های مربوط به نهاد خانواده تبدیل شود. به عنوان مثال اگر ما بخواهیم "خانواده ۱" را پیگیری کنیم رابطه بزرگ‌ترها و کوچک‌ترها و اصطلاحاً ادب در خانواده را بحث خواهیم کرد، خود این موضوع نظامی از مفاهیم را دارد که با سنین اولیه آموزش مربوط به نهاد خانواده متناسب است. سرفصل بیستم و اصطلاحاً "خانواده ۲۰" به آموزش‌های مسائل جنسی و آموزش‌های مربوط به تربیت فرزند و دوران حمل مربوط می‌شود که بسیاری از مسائل روحی و روانی مربوط به فقدان همین آموزش‌هاست؛ یعنی به دلیل اینکه ما مسائل مربوط به نهاد خانواده را جدی نمی‌گیریم، در دوران حمل به دلیل درک پایین پدر و مادر از شرایط ویژه این دوران آسیب‌هایی به فرزندان وارد می‌شود که باید به صورت بنیادین علاج شوند. خلاصه ۲۰ سرفصل وجود دارد و بعداً می‌توانیم



آن‌ها را توضیح دهیم ولی اصل مطلب این است که فعلاً نظام آموزش بپذیرید به جای ریاضی ۱، فیزیک ۱ و زیست ۱، مهارت‌های اجتماعی و خانوادگی را اصل قرار دهد؛ یعنی ما بین این دو گزاره بحث می‌کنیم که آیا نظام آموزشی مطلوب باید به این سمت حرکت کند که آموزش‌های بخش خدمات و تولید را به عنوان محور آموزش گسترش دهد یا اینکه به سمت محوریت مهارت‌های اجتماعی و خانوادگی در آموزش حرکت کند. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مهارت‌های اجتماعی و خانوادگی را اصل در آموزش می‌داند. اگر نظام آموزش و پرورش این موضوع را قبول کند، اولین گام تغییر بنیادین در آموزش و پرورش محسوب می‌شود.

مأموریت دومی که ما برای بهبود فضای حاکم بر نهاد خانواده پیشنهاد داده‌ایم این است که تا پایان سال دوم برنامه، سازمان امور استخدامی کشور با همکاری سایر وزارت‌خانه‌ها لایحه‌ای اختصاصی را برای اشتغال بانوان پیشنهاد کند. خلاصه سخن ما این است که در جمهوری اسلامی قوانین اشتغال بانوان نباید با قوانین اشتغال آقایان برابر باشد. بانوان ما دو نقش مهم یعنی نقش تربیتی و تمدنی و نقش سرپانگه‌دارنده‌ی نهاد خانواده را دارند و اگر ما بخواهیم قوانین خود را به گونه‌ای تنظیم کنیم که مثلاً ساعات کار بانوان با ساعات کار آقایان یکسان باشد عملاً نقش تربیتی و تمدنی بانوان تضعیف می‌شود.

یکی دیگر از بندهایی که ما پیگیر آن هستیم این است که بافت مسائل بانوان تعریف شود؛ واقعاً بخشی از مشاغل که در حال حاضر به بانوان خودمان واگذار می‌کنیم با شخصیت و روحیات و ویژگی‌های زن تناسب ندارد. لذا در یک جمله باید بگوییم لایحه‌ای که ما پیگیر تصویب آن در نظام قوانین کشور هستیم بر مبنای تناسب جنسیتی تنظیم می‌شود؛ یعنی بهتر است ما به جای اینکه شعار جریان فمینیست یعنی عدالت جنسیتی را قانونی کرده و مبنای قانون‌گذاری قرار دهیم به اصول فطری اسلام رجوع نموده و تفاوت‌های زن و مرد را در بازتعریف زندگی اجتماعی آن‌ها اصل قرار دهیم. لذا به نظر بنده مبنای لایحه‌ای که انشاءالله تدوین خواهد شد و بحث‌های آن باید به صورت تفصیلی در جلسات آینده مطرح شود تناسب جنسیتی است و این موضوع باعث می‌شود که بانوان ما زندگی آسان‌تری در جامعه داشته باشند.

با وجود اینکه توان بانوان ما به لحاظ جسمی ضعیف‌تر از آقایان است ولی دو کار به آن‌ها تحمیل می‌شود، هم کار در بیرون و هم کارهای مربوط به حوزه تربیت و نهاد مقدس خانواده. این یک ظلم است که تحت یک عنوان زیبا به نام عدالت جنسیتی مطرح شده است. بنده در جلسات گذشته گفته‌ام که گزارش‌های سازمان ملل و گزارش‌های مراکز رصد و بررسی خودمان نشان می‌دهد که از نظر جریان توسعه‌گرا زن نیروی کار ارزان قیمت محسوب می‌شود. پس بنابراین درست است که فعالیت خود را با یک شعار خوب و تحت عنوان عدالت جنسیتی شروع کرده و می‌گویند مسأله حضور اکونومیک بانوان جزء حقوق لاینفک آن‌هاست ولی در نهایت وقتی جلو می‌رود زن به نیروی کار ارزان قیمت تبدیل شده و در واقع هزینه‌های تولید سرمایه‌دار را کاهش می‌دهد. کسانی که سابقه بحث فمینیست را مطالعه کرده‌اند می‌دانند که اصلاً تولید فمینیست برای طراحی چنین زمینه‌های بوده تا نظام سرمایه‌داری سود بیشتری ببرد و هزینه‌های تولید برای سرمایه‌دار کاهش پیدا کند.

به هر حال با وجود این شواهد و واقعیت‌هایی که بنده به آن‌ها اشاره کردم متأسفانه معاونت "امور زنان و خانواده"ی ریاست جمهوری به دنبال قانونی کردن فمینیست در ایران است و این موضوع را در برنامه ششم ذیل یک ماده بیان کرده است. لذا ما در عوض اینکه این حرف‌های امتحان‌شده‌ی در دنیا را در ایران عملیاتی کنیم باید با نگاه بومی خودمان مسأله را تحلیل کنیم؛ در فرهنگ اسلامی ایرانی زن و مادر مقدس‌ترین واژه است و نظام قوانین باید این نهاد مقدس را لجستیک و پشتیبانی کند. ان‌شاءالله ما در این لایحه به این سمت حرکت می‌کنیم.

پیشنهاد سومی که ما برای بهبود فضای حاکم بر نهاد خانواده پیشنهاد داده‌ایم این است که تأکید می‌کنیم شهرداری‌ها با کمک وزارت مسکن و برخی دیگر از وزارت‌خانه‌ها به سمت تقویت ماهیت محلات حرکت کنند. استحضار دارید که محله، محل زندگی خانوار است و اگر جذاب نباشد، ناامن باشد، هویت نداشته باشد و به یک خوابگاه صرف تبدیل شود، نهاد خانواده تضعیف می‌گردد. یکی از علت‌های مشخص اینکه شما می‌بینید در فرصت‌های تعطیل جمعیت زیادی به مراکز تفریحی خارج از تهران -حالا یا شمال یا جاهای دیگر- می‌روند این است که محله‌های آن‌ها، محلی جذاب نبود و برای زندگی مناسب نیست و عملاً یک خوابگاه محسوب می‌شود، خوابگاهی که هیچ نوع فرحی در آن نیست.



لذا ما در دوره بحث‌های مدیریت شهری مفصل بحث کرده‌ایم که اولین ویژگی محله این است که در آن فرح وجود دارد. ما برای محله چهار ویژگی را بیان کرده‌ایم؛ به عبارت بهتر در یک محله خوب امکان تفریح و امکان تحصیل وجود دارد و نیازهای روزمره در محله تأمین می‌شود و در یک محله خوب برای انسان‌ها حتی‌الامکان شغل وجود دارد. اگر ما بتوانیم حتی‌الامکان شناسنامه مشاغل محلات را تهیه کنیم و سپس حمایت کنیم که این مشاغل به تدریج در محله گسترش پیدا کنند توانسته‌ایم ماهیت محله‌ای محله را تقویت کنیم. اگر خانواده‌ای بتواند نیازهای روزمره، تحصیلی، تفریحی و شغلی خود را - حتی‌الامکان - در محل زندگی خود برطرف کند، زندگی راحت‌تری خواهد داشت. ما ریشه بسیاری از سفرهای درون‌شهری که موجب مشکلات روحی یا آلودگی هوا هست را در این می‌بینیم که سبب چهارگانه نیازهای خانوار در خارج از محله تأمین می‌شود. لذا اگر به این سمت حرکت کنیم که به تدریج و مثلاً در مدت یک دهه یا بیشتر محله‌ها را تقویت کرده و به یک محیط جذاب برای زندگی تبدیل کنیم، هم هزینه‌های خانوار را کاهش داده‌ایم و هم سفرهای درون‌شهری را کاهش داده‌ایم و در نتیجه به طرح‌هایی مانند اسمارت‌سیتی‌ها و دولت‌های الکترونیک - که برخی از افراد مطرح می‌کنند - خیلی احساس نیاز پیدا نمی‌شود. اگر ما ماهیت محلات را تقویت کنیم این اتفاقات رخ می‌دهد و مهم‌ترین نتیجه این است که محل زیست خانواده بهبود پیدا می‌کند و بنابراین شرایط درونی آن نیز بهبود پیدا می‌کند. در روایت آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله توصیه فرمودند وقتی می‌خواهید خانه بخرید ابتدا همسایه خود را بررسی کنید؛ لذا محله، محیط همسایگی است و اگر همسایه‌ای بد بود، این بد بودن همسایه و محله به تمام شئون زندگی فرد و خانواده سرایت می‌کند. کسانی که زندگی مشترک تشکیل داده‌اند این موضوع را درک می‌کنند؛ یعنی گاهی وقت‌ها در برخی از محلات تهران در یک شرایط خاص خانواده‌ها حتی برای تأمین نیازهای روزمره خانوار مانند میوه و سبزیجات و نان مجبور می‌شوند از محله خارج شوند، این شرایط خیلی بدی است. گاهی وقت‌ها به بهانه تأسیس یک هایپرمارکت یا کشیده شدن یک اتوبان، ماهیت یک محله دچار مشکل می‌شود؛ یعنی گاهی وقت‌ها یک هایپرمارکت تشکیل می‌شود و صد شغل تحت‌الشعاع قرار گرفته و به تدریج از بین می‌رود. البته کسانی که هایپرمارکت می‌سازند ادعا می‌کنند که ما می‌خواهیم خدمات ارزان ارائه کنیم و لذا باعث می‌شوند که مشاغل خرد محله به چالش کشیده شود. ما داریم ضرر می‌کنیم اگرچه که در تبلیغات می‌گویند هزینه‌های خانواده باید کاهش پیدا کند. البته به نظر ما این یک نوع دامپینگ است و بعد از اینکه مشاغل خرد دچار فروپاشی شدند همین هایپرمارکت‌ها قیمت‌ها را افزایش می‌دهند، فعلاً چون شروع کار است در مقام رقابت محصول را ارزان‌تر می‌دهند. به هر حال عرض بنده این است که نباید به بهانه کشیدن اتوبان یا تأسیس هایپرمارکت ماهیت محله‌ها را به چالش بکشیم. حال اینکه چگونه باید این کار را انجام دهیم نیازمند بحث تفصیلی است ولی روح بحث - همانطور که عرض کردم - این است که ما محله را به محل تأمین نیازهای چهارگانه‌ی خانوار تعریف کنیم.

همینجا بنده به کسانی که بیان می‌کنند مسجد باید محور محله‌ها باشد و اخیراً نیز برنامه‌هایی را برای بازتعریف ماهیت محلات به محوریت مساجد شروع کرده‌اند تذکری را بدهم؛ اگر در محله‌ای نیازهای چهارگانه انسان‌ها تأمین نگردد مجبور می‌شوند از محله خارج شوند و وقتی از محله خارج شدند مسجد نمی‌تواند افرادی که به بهانه تأمین نیاز به صورت مکرر از محله خارج می‌شوند را مدیریت کند. لذا حتماً این جریان‌ها باید توجه کنند که ما در آغاز امر باید محله را به محل تأمین نیازهای خانواده تبدیل کنیم. در اینصورت و در چنین محله‌ای که در روابط مدیریتی آن چنین تعریفی حاکم است به صورت طبیعی مسجد محور خواهد بود. این هم نکته‌ای بود که عرض کردیم.

ما در مجموع این سه پیشنهاد یعنی ۱. تغییر محتوای آموزشی نظام آموزشی به محوریت نهاد خانواده ۲. تغییر قوانین اشتغال بانوان در جمهوری اسلامی و ۳. تقویت و تثبیت ماهیت محله‌ها در مدیریت شهری را برای بهبود فضای حاکم بر نهاد خانواده پیشنهاد داده‌ایم.

در بخش مربوط به پیشگیری از جرم دو پیشنهاد مطرح کرده‌ایم که این دو پیشنهاد کمک می‌کند تا ریشه‌های وقوع جرم در جامعه شناخته‌تر شوند. ما در جامعه خودمان با یک مشکلی روبرو هستیم مبنی بر اینکه مسئولین و نخبگان ما حتی در سطح خانواده‌ها نیز با ریشه‌های وقوع جرم آشنایی ندارند. لذا عملاً بعد از گذشت مدتی به دلیل عدم درک از ریشه‌های وقوع جرم پدر و مادر با فرزندی روبرو می‌شوند که به جرمی مبتلا شده است، یا اینکه نظام مدیریت کشور متوجه می‌شود که در جامعه جرم



عجیبی اتفاق افتاده است. اگر ما سعی کنیم در جامعه ریشه‌های وقوع جرم را بحث کنیم، این موضوع کمک می‌کند تا تدابیر و تصمیمات ما بر مبنای پیشگیری از جرم شکل بگیرد، این روح دو پیشنهاد ماست.

بنده بسیار روشن‌تر عرض می‌کنم؛ ریشه برخی از جرم‌هایی که در جامعه ما اتفاق می‌افتد و جرم‌های بدی نیز می‌باشند قوانین و مقررات بد هستند ولی چون در جامعه گفت‌وگویی راجع به قانون بد و چگونگی زمینه‌سازی آن برای انجام جرم وجود ندارد معمولاً قوانین بد به صورت مکرر در مجلس ما تصویب می‌شوند. بنده مثال بزنم تا واضح شود؛ به عنوان مثال همین جرم بزرگ برداشتهای غیر قانونی از بیت‌المال و همین داستانی که به فیش‌های نجومی مربوط می‌شود، سوء استفاده از یک بند قانونی در برنامه پنجم کشور است، یعنی برنامه توسعه علت به وقوع آمدن این جرم می‌باشد. در یکی از بندهای برنامه پنجم بانک‌ها، بیمه‌ها و برخی از شرکت‌ها از خدمات پرداخت عمومی مستثنی شدند و مقرر گردید که خدمات آن‌ها بر اساس قوانین و ضوابط داخلی خودشان ارائه شود. ببینید؛ یک برنامه توسعه و یک قانون بد تصویب می‌گردد و بعد از گذشت چند سال منجر به این پدیده آزاردهنده - که به درستی تعبیر فرمودند که این موضوع هجوم به تمام ارزش‌ها و امید مردم است و اعتماد مردم به نظام را به چالش کشیده است - می‌شود. این یک مثال برای قانون بد بود.

به عنوان مثال دیگری برای قانون بد باید بگویم حکم کنترل جمعیت یک حکم برنامه‌ای در برنامه‌های توسعه اول بوده است و حالا ما بعد از دو دهه متوجه شده‌ایم که امنیت ملی ما، هویت ما، اقتصاد ما و ... به چالش کشیده می‌شود؛ چون جمعیت جزء موضوعات فرابخشی است و اگر دچار افت کمی یا کیفی یا هر دو شود همه بخش‌ها تحت تأثیر قرار می‌گیرند. چه کسی چنین تصمیمی را گرفته است؟ یک قانون و یک برنامه‌ریزی بد.

لذا عرض بنده این است که ما در حوزه پیشگیری از جرم - خواهش می‌کنم به این بخش توجه ویژه کنید - نیازمند این هستیم که در جامعه راجع به ریشه‌های وقوع جرم گفت‌وگو کنیم. اگر گفت‌وگو راجع به ریشه‌های وقوع جرم در جامعه فریه شود به صورت مستقیم و غیر مستقیم تأثیر خود را بر روی تدابیر و تصمیمات خواهد گذاشت و ما می‌توانیم امیدوار شویم که در دو دهه آینده دیگر در جامعه ما قانون، برنامه و ساختار زمینه‌ساز جرم تدوین و تصویب نمی‌شود. این نکته مهمی است؛ یعنی ما در عوض اینکه بخواهیم همه چیز را با نگاه آمریت و بخش‌نامه‌ای حل کنیم باید به سمت حل هدایت‌بنیان این موضوع حرکت کنیم و گفت‌وگوهای انتقادی جدی‌ای بر مبنای همین نگاه از پیشگیری از جرم شکل بگیرد و ریشه‌های وقوع جرم بحث شود. البته بنده در جلساتی به مسئولین ارشد قوه قضائیه نیز عرض کرده‌ام که خود قوه قضائیه باید پیش قدم شود و بخش رسانه‌ای و گفتمان‌سازی خود را تقویت کند و اجازه ندهد قوانین، ساختارها و برنامه‌های زمینه‌ساز جرم به راحتی تصویب شوند.

حالا ما پیشنهاد داده‌ایم در برنامه ششم دو کار در این راستا انجام شود؛ اولین پیشنهاد این است که قوه قضائیه به صورت فصلی گزارش‌هایی را به محوریت بازشناسی مصداقی ریشه‌های جرم در فصلی که گذشته است - نه به صورت کلی - منتشر کند. تیم رصد قوه قضائیه باید تمام قوانین و برنامه‌ها را رصد کرده و به محوریت بازخوانی زمینه‌سازی این برنامه‌ها برای جرم وارد گفت‌وگو شده و گزارش رسمی منتشر کند، گزارشی که به مسئولین مختلف ارائه شود و بتوان در نظام قانونی کشور به آن توجه کرد. اگر این کار انجام شود - بازخوانی مصداقی برنامه‌ها، قوانین و ساختارها به محوریت اینکه آیا این قوانین، ساختارها و برنامه‌ها منجر به جرم می‌شوند یا نه - به بازشناسی ریشه‌های جرم در جمهوری اسلامی کمک شده است. اگر ما در این موضوع هزینه کنیم قوه قضائیه مجبور نخواهد بود سالانه ۱۵ میلیون خدمت قضایی ارائه دهد. پیشنهاد ما موجب می‌شود ریشه‌های وقوع جرم به تدریج کنترل شود.

کار دومی که باید انجام گیرد این است که مجلس خود را مکلف کند در کمیسیون‌ها و صحن علنی مجلس قبل از تصویب قانون، نظر نماینده قوه قضائیه را در مورد قانون و برنامه‌ای که می‌خواهد تصویب شود استماع کند و پس از آن رأی دهد؛ یعنی حقی که در حال حاضر برای نماینده دولت وجود دارد - مبنی بر اینکه قبل از تصویب چیزی توسط نمایندگان مجلس نماینده دولت نظر خود را ابلاغ می‌کند - باید به قوه قضائیه نیز داده شود و نمایندگان و کارشناسان قوه قضائیه در کمیسیون‌ها و صحن علنی قبل از تصویب قانون راجع به قانون مورد نظر از حیث پیشگیری اعلام نظر کند.

ما این دو کار را نقطه شروع تغییر در مدیریت مسأله پیشگیری از جرم می‌دانیم. ما به جای اینکه برنامه تلویزیونی بسازیم یا اینکه مستقیماً در مورد مسائل اجتماعی با خانواده‌ها صحبت کرده یا فیلم سینمایی بسازیم - بنده با کمال احترام از قوه قضائیه



یک انتقاد بکنم؛ آن‌ها با برخی از ورزشکارها که شخصیت‌های محبوبی هستند صحبت می‌کنند که آن‌ها یک صحبت عمومی کنند تا بر کنترل جرم اثر داشته باشد- فضای گفتگویی را در بازخوانی ریشه‌های ساختاری، قانونی و برنامه‌ای جرم گسترش می‌دهیم. به نظر بنده در صورت انجام این کار کمک جدی‌تر به پیشگیری از جرم خواهد شد. البته همانطور که عرض کردم راجع به حوزه پیشگیری مبتنی بر نظریه پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم نظریات فربه‌تر و مفصل‌تری نیز داریم ولی این دو مأموریت نقطه شروع محسوب می‌شود.

پیشنهاد ششم ما برای مبارزه با ترجمه‌گرایی در علم است؛ در حوزه ترجمه‌زدایی از علم ما پیشنهاد تشکیل بانک سؤالات مرحله دولت اسلامی و به عبارت حقوقی‌تر پیشنهاد تشکیل مرکز شناسایی، تبیین و حمایت از مسائل مرحله دولت‌سازی اسلامی در وزارت علوم را داده‌ایم. این مرکز ابتدا باید مسائل مرحله دولت‌سازی اسلامی - یعنی مرحله‌ای که ملت ایران در حال حاضر در آن قرار دارند- را شناسایی کرده و سپس این مسائل را با دپارتمان‌ها و اساتید دانشگاه‌ها، رئیس گروه‌ها و دانشجویان تفاهم و تبیین کند و سپس از گروه پاسخ‌دهنده به این مسائل حمایت کند. بنابراین این مرکز باید سه کار شناسایی، تبیین و حمایت را انجام دهد. ما در حال حاضر چنین مرکزی را در جمهوری اسلامی نداریم.

اگر این مرکز به لحاظ قانونی ایجاد شود و بخواهد این سه کار را با نگاه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت انجام دهد ما با منطق استخراج سؤالی که در مبانی نظری الگوی پیشرفت داریم - یا همان الگوی استخراج سؤال - نرم افزار این بحث را نیز در اختیار آن‌ها قرار می‌دهیم. قواعد شناسایی مسائل مرحله دولت‌سازی اسلامی توسط این نرم‌افزار تبیین شده است. لذا پیشنهادی که ما داده‌ایم در مقابل پیشنهاد فعلی است؛ پیشنهاد فعلی این است که نشست‌ها و گفتگوهای را برگزار کرده و اصل فضای علوم انسانی را به چالش بکشیم. به نظر ما این پیشنهاد دیربازده است؛ یعنی شما باید مدت‌های زیادی نشست و همایش برگزار کنید و در ضمن جمعیت کمی نیز با این نشست‌ها و جلسات ارتباط برقرار می‌کنند. این موضوع برخلاف زمانی که شما نظامی از مسائل را با دانشگاه‌های خود تفاهم می‌کنید و این مسائل به اصطلاح ما جزوه شرح سؤال یا شرح مسأله دارند؛ یعنی به صورت تفصیلی توضیح داده شده است مسأله‌ای که ما می‌خواهیم جواب آن را پیدا کنیم چیست. اگر این مرکز این کارها را انجام دهد بعدها می‌تواند به محوریت این مسائل پایان‌نامه‌ها را مدیریت کند. ما نیز در نسخه اولیه این مرکز - که البته ما کارهای نرم‌افزاری این مرکز را انجام داده‌ایم و قابل هدیه‌دادن به وزارت علوم نیز می‌باشد- این کار را راجع به ۲۴۳ مادر سؤال انجام داده‌ایم. به نظر ما این ۲۴۳ مسأله‌ای که احصا کرده‌ایم، مسأله‌هایی هستند که به دولت‌سازی اسلامی وابستگی تام دارند. اگر این مرکز بخواهد تشکیل شود باید به این شیوه تشکیل شود، نباید دو مرتبه به سمت برگزاری همایش حرکت کند. ببینید؛ میان همایش گذاشتن و تبیین نظری اینکه ما به علوم دینی و اسلامی نیاز داریم و میان اینکه ما مسأله را توسط یک نهاد مرکزی برای گروه‌ها تشریح کنیم تفاوت زیادی وجود دارد. ما کار دوم را پیشنهاد داده‌ایم و عرض کردم چون نسخه اولیه آن را آماده کرده‌ایم کاملاً قابل ارائه است.

ما در همه پیشنهادهایی هفت‌گانه - که شش مورد از آن‌ها را توضیح دادم و مورد آخر را نیز توضیح خواهیم داد- یک محصول آماده داریم و اینطور نیست که بعد از تصویب این هفت پیشنهاد تازه بخواهیم تحقیقات آن را انجام دهیم. ممکن است شما بگویید باید حول این موضوع تفاهم صورت گیرد، اشکالی ندارد ولی کار تحقیقاتی آن انجام شده است. علت این موضوع آن است که تدوین نقشه راه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تا به حال ۲۰ سال کشیده است، یعنی دو دهه کار مطالعاتی پشت این نقشه بوده است که ما اینطور با دست پر وارد میدان شده و تفاهم می‌کنیم. پس بنابراین این مرکز باید تشکیل شود و به نظر من وقتی شما یک مسأله را با یک دانشجو، استاد و یک گروه علمی تفاهم می‌کنید سطح تفاهم بسیار بالاتر از زمانی است که شما به صورت کلی آکسیوم‌های حاکم بر علوم انسانی را نقد می‌کنید، در روش اول ذهن‌ها بیشتر درگیر می‌شود. باز هم عرض می‌کنم که این روش باید به صورت تفصیلی‌تر تبیین شود و ما این موضوع را در نظریه بانک سؤالات جهت‌ساز بحث کرده‌ایم. پیشنهاد هفتمی که ما برای اصلاح برنامه ششم پیشنهاد داده‌ایم این است که محله‌های وقفی حداقل به استعداد هزار خانوار در طول سال‌های اجرای برنامه ششم در ایران ساخته شود؛ یعنی ممکن است دو محله ساخته شود. هزینه‌های این محله‌های وقفی مبتنی بر وقف است و هویت آن‌ها نیز مبتنی بر ماهیت محله‌ای است. نسل دوم مسکن مهری که ما طراحی کرده‌ایم



تکامل یافته‌ی نگاه خودمان می‌باشد. اگر محله‌های وقفی تشکیل شود از هزینه‌ها تا هویت و طراحی مسأله با نگاه خاصی صورت گرفته است.

تشکیل محله‌های وقفی دو خاصیت دارد؛ اول اینکه ما به صورت عملی نشان داده‌ایم اخلاق و ایثار می‌تواند مشکلات اقتصادی جامعه را حل کند، برخلاف گزاره‌های آدام اسمیتی که ده‌ها سال است ترویج می‌شود و عنوان می‌دارد که اگر شما بخواهید اقتصاد یک جامعه را فربه کنید باید به سمت تحریک حرص و منافع شخصی آن جامعه حرکت کنید. ما به صورت علنی نشان می‌دهیم که اگر به مسائل اخلاقی و توصیه‌های دینی عمل شود مسائل اقتصادی نیز حل می‌شود. تا قبل از اصلاحات ارضی - که در دوره منحوس پهلوی اتفاق افتاد و ظاهر مسأله این بود که اصلاحات ارضی می‌باشد و قرار است رابطه ارباب و رعیت مدیریت شود ولی به نظر بنده باطن مسأله این است که تحت عنوان اصلاحات ارضی اختیارات وقف را از دست علما خارج کردند- نصف کشور ایران وقف بوده است؛ یعنی مسأله وقف در سال‌های نه‌چندان دور منشأ حل بسیاری از مشکلات اقتصادی مردم ایران بوده است ولی این طرح با طرح‌های آمریکایی‌ای که در دوره پهلوی اجرا گردید با چالش جدی مواجه شد به نحوی که حالا بعد از گذشت چهاردهه از انقلاب نتوانسته‌ایم حتی یک‌سوم یا یک‌چهارم آن موقوفات را احیا کنیم. بنده بسیار اصرار دارم که نشان دهم احکام اسلامی می‌توانند سرمنشأ حل مشکلات اقتصادی مردم باشد. یکی از این احکام اسلامی، مسأله وقف است. در یک از سال‌های نزدیک به ما - به نظرم سال ۹۲ یا ۹۳ است، می‌توان به آمار بانک مرکزی رجوع کرد- از طریق حساب‌های قرض‌الحسنه ۱۰۰ هزار میلیارد تومان تجمیع سرمایه شده است. ۱۰۰ هزار میلیارد تومان دو برابر پولی است که ما برای مسکن مهر هزینه کرده‌ایم. انگیزه کسی که حساب قرض‌الحسنه تأسیس می‌کند این است که از ربا و جنگ با خدا فرار کند، یعنی انگیزه دینی دارد و بر مبنای ایثار و عبادت حرکت می‌کند ولی ۱۰۰ هزار میلیارد تومان! نیز پول تجمیع شده است. اگر جامعه ایمانی و رسانه‌های ما بر روی این موضوع حساسیت نشان می‌دادند - ۱۰۰ هزار میلیارد تومان قرض‌الحسنه، پول ارزان قیمت است- و این مبالغ را به سمت حل مسائل خانواده مدیریت می‌کردند الآن ما در مورد مسأله ازدواج به این میزان چالش نداشتیم. حالا ما بحث اقتصاد را بعدها در بنگاه‌های وقف‌محور به صورت مفصل مطرح خواهیم کرد ولی الآن عرض بنده این است که ما پیشنهاد داده‌ایم این محله‌های وقفی تشکیل شود. هزینه‌های این محله نیز از مجرای وقف تأمین می‌شود و هویت نیز در آن اصل است، یعنی عیب نسل اول مسکن مهر را ندارد. در اینجا ویژگی‌های هویت اصل قرار گرفته است؛ مسکن مهر کار بسیار خوبی بود و لذا باید نسل دوم آن در قالب بازطراحی ادامه پیدا کند.

این مسکن مهر که ان شاء الله نمونه‌های آن در قالب محله‌های وقفی تأسیس می‌شود یک کارکرد نیز برای خانواده‌ها دارد؛ ما پیشنهاد داده‌ایم محله‌های وقفی در اختیار کسانی که شرایط متوسط دارند تا پنج سال اول زندگی و برای کسانی که شرایط سخت‌تر داشته و طبقات پایین‌تر هستند تا ده سال اول زندگی و برای کسانی که مشکلات جدی دارند تا زمانی که حیات دارند قرار گیرد. به نظر من اگر دو یا سه مورد از این محله‌ها تأسیس شود مردم با کارکردهای احکام اسلامی بیشتر آشنا می‌شوند. سطح و انگیزه وقف در اسلام به گونه‌ای است که ما در ظرف پنج یا ده سال می‌توانیم مشکل مسکن ایران را حل کنیم منتهی ابتدا باید نسخه اولیه آن طراحی شود. البته می‌توان برای تبیین ابعاد نسل دوم مسکن مهر نیز جلساتی را برگزار کرد.

بنابراین ما در مجموع این هفت پیشنهاد را برای اصلاح برنامه ششم کشور پیشنهاد داده‌ایم. بازهم تأکید می‌کنم که این هفت پیشنهاد مبتنی بر نظریات بخشی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت هستند و جناب آقای نوبخت دوباره نباید بگویند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت کجاست. البته همینجا اعلام کنم که ما دهم یا یازدهم مهر در حوزه علمیه مروی از ۱۷ دوره از مباحث الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت رونمایی می‌کنیم. بخش قابل توجهی از مباحث و نظریات الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تدوین شده است، اگرچه راه ادامه دارد و باب انتقاد به مفاهیمی که در الگو تولید شده باز است. به هر حال این هفت پیشنهادی که ما ارائه داده‌ایم مبتنی بر چهار نظریه‌ی بخشی است؛ سه حکم مربوط به نهاد خانواده مبتنی بر نظریه بهبود مستمر فضای حاکم بر نهادهای متکفل تربیت است. دو حکم مربوط به پیشگیری از جرم مبتنی بر نظریه پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم است. پیشنهاد ما برای حوزه ترجمه‌زدایی از پایان‌نامه‌ها بر اساس نظریه بانک سوالات جهت‌ساز می‌باشد. پیشنهاد ما برای محله‌های وقفی نیز مبتنی بر نظریه بنگاه‌های وقف‌محور است؛ یعنی سطوح نظری فربه‌ی وجود دارد که به این پیشنهادات هفت‌گانه منتهی شود. برای اجرا کردن این پیشنهادها نیز مباحثی را آماده کرده‌ایم، یعنی خودمان را در مرحله تفاهم این مباحث و ارائه



گزارش آن‌ها به نخبگان برای نقد و تکمیل می‌دانیم. ما در مورد این هفت پیشنهاد آماده‌ایم که کمک کنیم و به دولت مشاوره بدهیم تا کار را با نگاه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به پیش ببرد. در مجموع این هفت پیشنهاد، گام اول تغییر در نظام برنامه‌ریزی کشور محسوب می‌شود. ان شاءالله به فضل خدای متعال کار جلو برود. اگر بحثی باشد در خدمت‌تان هستیم.

خبرنگار تسنیم (آقای رضا احسانی): حاج آقا اگر اجازه دهید دو یا سه سؤال بپرسم. سؤال اول اینکه در موضوع محله‌های وقفی بحث برای ما مقداری گنگ است؛ آیا معنای محله‌های وقفی این است که دیگران این محله‌ها را وقف می‌کنند یا معنای محله‌های وقفی این است که خدمات اجتماعی از طریق وقف انجام شود؟

حجت‌الاسلام علی کشوری: طرح نهایی پیشنهاد ما برای تشکیل محله‌های وقفی با ظرفیت هزار خانوار این است که از همین زمین‌های وقفی با کمک سایر وجوه وقف مانند وقف مشارکتی با همان نگاه محله‌ای چند محله وقفی را ایجاد کرده و مثلاً در قالب قرعه‌کشی این محله‌ها را در اختیار زوج‌های جوان قرار می‌دهیم تا زمانی که بتوانند سر پای خود بایستند؛ یعنی در عوض اینکه مستأجر شوند در محله‌های وقفی ساکن می‌شوند. ممکن است این موضوع در ابتدا در چند محله از ایران تشکیل شود که ما پیش‌بینی کرده‌ایم کدام نقاط آماده‌تر هستند؛ ولی وقتی طرح معرفی شود محله‌های وقفی می‌توانند ذیل امام‌زاده‌ها و خصوصاً ذیل مدیریت حرم رضوی به نام امام رضا علیه السلام در همه مناطق ایران و شهرها تشکیل شوند؛ یعنی در واقع موقوفات به نیت حضرت ابوالحسن علی بن موسی الرضا باشد و درست مانند شهرک‌هایی که شما در مسکن مهر می‌بینید محله‌های وقفی نیز در سراسر ایران به وجود بیاید. به نظر بنده تفاوت این محله با محلات دیگر روشن است؛ وقف و حرم امام رضا علیه السلام برای تشکیل به‌هنگام نهاد خانواده خدمات ارائه می‌دهد. طبق آمار بانک مرکزی در شهری مانند تهران ۶۰ تا ۷۰ درصد هزینه‌های خانوار مربوط به مسکن است، یعنی با پیشنهاد ما هزینه تشکیل خانواده نصف می‌شود. حال اگر این پیشنهاد را با سایر پیشنهاداتی که ما ارائه داده‌ایم - یعنی آموزش‌های نهاد خانواده گسترش پیدا کند و قوانین اشتغال بانوان نیز به نفع شغل مقدس مادر و شغل تمدنی و تربیتی مادر بازتعریف شود - ضمیمه کنیم همه این موارد قطعاً از پازل تقویت نهاد خانواده خواهند بود.

خبرنگار تسنیم (آقای رضا احسانی): ممنونم، سؤال بعدی این است که پیشنهادات شما، پیشنهادات خوبی بود ولی به نظر می‌رسد آسیب ما این است که ممکن است مجموعه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و یا مجموعه دولت یا بالاتر از آن‌ها مجموعه جریان توسعه‌گرا این پیشنهادات را نپذیرد و اگر به زور بپذیرد به معنای سنجاق کردن یک وصله ناچسب به برنامه‌های توسعه‌گرا - که فضای آن‌ها فضای دیگری می‌باشد - است، یعنی ممکن است آسیب بیشتری بزند. آیا در مورد این موضوع نیز فکری کرده‌اید؟

حجت‌الاسلام علی کشوری: سؤال فنی‌ای پرسیدید. ما دو تدبیر اندیشیده‌ایم. با توجه به اینکه ما در ایران قانون را بد تصویب می‌کنیم و به صورت صریح‌تر فرایند تصویب قانون فرایند بدی است و به قانون بد منجر می‌شود اتفاقی که رخ می‌دهد این است که قانون‌ها معمولاً اجرا نشده یا خوب اجرا نمی‌گردند، در مورد برنامه‌های توسعه که گفته می‌شود حدود ۳۰ یا ۴۰ درصد این برنامه‌ها اجرا می‌شود. ما برای رفع این مشکل دو تدبیر کرده‌ایم؛ تدبیر اول این است که قوانین پیشنهادی خودمان را به محوریت نظریه تنظیم کرده‌ایم، یعنی در پیشنهادات ما تجربه و سلیقه بنده محور نبوده است، بلکه قانون توسط نظامی از نظریات پشتیبانی می‌شود و لذا قدرت تفاهم پیدا می‌کند. وقتی بنده می‌گویم در حال حاضر قوانین بد است یکی از مصادیق بد بودن این است که قانون ارائه شده ذیل یک نظریه قابل تفاهم نبوده و حاصل سلیقه چند قانون‌گذار است. بنده خواهش می‌کنم نمایندگان محترم مجلس دقت کنند که درست است اختیارات قانون‌گذاری با آن‌ها می‌باشد ولی وقتی در قانون‌گذاری ذیل یک نظریه عمل نمی‌کنند نمی‌توانند بحث خود را تفاهم کنند و لذا قانون اجرا نشود. بنده مثال بزنم؛ جریان توسعه‌گرا ذیل نظریه بهبود فضای حاکم بر کسب و کار در برنامه پنجم کشور حدود ۱۰۸ ماده پیشنهاد داده است؛ یعنی چون نظریه وجود داشته - البته ما این نظریه را نظریه‌ی فاسدی می‌دانیم - ۱۰۸ ماده را ارائه داده است. لذا اتفاقاً تنها بخشی که در طول سال‌های اجرای برنامه پنجم به صورت جدی پیگیری و اجرا شد بهبود فضای کسب و کار است؛ یعنی اگر شاخص‌های فضای کسب و کار را در دولت قبلی و دولت فعلی ببینیم به نظر بنده شاخص‌ها بهبود پیدا کرده است. ما نیز مجموعه قوانین خودمان را ذیل نظریه ارائه کرده‌ایم؛ لذا فقط نگفته‌ایم که شهرداری باید اینکار را انجام دهد، بلکه واقعاً نظام استدلالی پشت این موضوع وجود دارد.



تدبیر دیگر این است که ما این هفت ماده و حکم را ذیل ماده واحده تثبیت نگاه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت برای برنامه ششم پیشنهاد داده‌ایم، یعنی در واقع این هفت پیشنهاد ذیل یک ماده واحده هستند. چرا این پیشنهاد را ارائه داده‌ایم و مواد را پخش نکرده‌ایم؟ برای اینکه در طول اجرای برنامه مرتب مطالبه‌گری و پیگیری کنیم. نباید تلقی کنید که با طرح پیشنهاد راجع به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مسأله حل می‌شود. ما این دو تدبیر را انجام داده‌ایم؛ یعنی این هفت پیشنهاد را در یکجا جمع کرده‌ایم تا فرصت مطالبه‌ی آن به صورت جدی فراهم شود و نظریاتی نیز وجود دارد که می‌توانیم بر اساس این نظریات این پیشنهادات را شرح دهیم. به نظر بنده اگر این دو تدبیر را جدی بگیریم این قوانین حتی در صورت تصویب به سرنوشت سایر قوانین مبتلا می‌شوند. برای تغییر نظام برنامه‌ریزی کشور یک پروژه چند لایه باید توسط نیروهای انقلاب اجرایی شود، یکی از این پروژه‌ها این است که ما بتوانیم حرف‌های انقلاب و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را به قانون تبدیل کنیم.

خبرنگار تسنیم (آقای رضا احسانی): یک سؤال دیگر اینکه بنده دیده‌ام شما ذیل برنامه ششم چند مرتبه از بحث محصولات دستکاری ژنتیکی شده یا همان تراریخته‌ها به عنوان خطرناک‌ترین حکم برنامه ششم و نه برنامه ششم بلکه در طی هفتادسال اخیر نام برده‌اید که به عنوان مثال یکی از این موارد در مشهد بوده است. آیا امکان دارد توضیح دهید چرا چنین نظری دارید؟

حجت‌الاسلام کشوری: بحث راجع به تراریخته، یک بحث طولانی است منتهی بنده به صورت بسیار مختصر باید بگویم کسانی که راجع به تراریخته در کشور صحبت می‌کنند در مجموع سه سناریو و دو گانه را پیش می‌برند؛ عده‌ای می‌گویند در عوض واردات تراریخته‌ها باید به کشت تراریخته‌ها روی بیاوریم. این دسته می‌گویند اگر ما کشت تراریخته‌ها را در درون جدی بگیریم مخاطرات امنیتی - زیست‌محیطی و سلامت آن کمتر خواهد بود؛ چون بالآخره تحت نظر خود ما می‌باشد. بنابراین عده‌ای سناریو را بین کشت یا واردات مدیریت می‌کنند، این حرف اول است.

سناریوی دومی که جمعیت‌های دیگری آن را پیگیری می‌کنند این است که ما باید در عوض کشت و واردات تراریخته‌ها به سمت تولید محصولات ارگانیک حرکت کنیم. لذا دو گانه‌ی این افراد، دو گانه‌ی تراریخته‌ها یا ارگانیک است و بحث را در این فضا مطرح می‌کنند. عمده‌ی استدلال جریان دوم این است که مسأله سلامت در محصولات تراریخته احراز نشده است، یعنی ما نمی‌توانیم به صورت قاطع بگوییم محصولات تراریخته ضرری برای حوزه سلامت ندارند. باید دقت کنید که گاهی وقت‌ها این استدلال در حوزه رسانه برعکس می‌شود؛ یعنی طرفداران تراریخته‌ها می‌گویند هنوز اثبات نشده است که تراریخته‌ها ضرر دارند در حالی که طرفداران محصولات ارگانیک می‌گویند سلامت تراریخته‌ها احراز نشده است و همینکه در حوزه سلامت، سالم‌بودن یک محصول احراز نشود کفایت می‌کند که ما آن را منع کنیم.

لذا اگر سناریوی دوم - یعنی عدم احراز سلامت محصولات تراریخته - به درستی بازخوانی شود فهم نگاه سناریوی دوم به مسأله تراریخته‌ها نیز واضح‌تر می‌شود. به نظر من مسأله خیلی روشن است؛ ما هیچ دلیلی نداریم برای اینکه یقین کنیم محصولات تراریخته، محصولات سالمی هستند. درست است که شواهدی بر سالم‌نبودن تراریخته‌ها وجود دارد ولی ممکن است این شواهد توسط طرفداران تراریخته به چالش کشیده شود؛ منتهی نکته مهم این است که ما همیشه به مردم خوبمان عرض می‌کنیم محصولات تراریخته از حیث سلامت مشکوک هستند و همه پدر و مادرها و خانواده‌ها همینکه حس کنند غذایی مشکوک است به سمت منع آن حرکت می‌کنند. لذا در بین طرفداران تراریخته‌ها صداقت وجود ندارد؛ برخی از اوقات وقتی بنده مناظره‌ها و گفت‌وگوها را می‌بینم ملاحظه می‌کنم که حرف‌هایی را به طرفداران کشت ارگانیک نسبت می‌دهند که آن‌ها اصلاً این حرف را نمی‌زنند. حرف اصلی دوستانی که طرفدار کشت ارگانیک هستند این است که سلامت محصولات تراریخته احراز نشده است، این سناریوی دوم است.

ما در کنار این دو سناریو، سناریوی سوم را مطرح کرده‌ایم که به نظر بنده به فهم مسأله کمک می‌کند؛ ما می‌گوییم اساساً محصولات تراریخته به قصد غذا و تغذیه تولید می‌شوند یا به قصد ترور بیولوژیک ملت‌ها؟ ببینید؛ نکته جدیدی که ما در بحث تراریخته‌ها مطرح کرده‌ایم این است که علاوه بر ابعاد علمی - که عرض کردم در بُعد علمی هنوز احراز نشده است که مسأله تراریخته‌ها سلامت را تهدید نمی‌کنند - بُعد امنیتی و مدیریتی را نیز در تحلیل مسأله تراریخته‌ها لحاظ کرده‌ایم. بنده همیشه یک جمله را عرض کرده‌ام و اینجا نیز آن را تکرار می‌کنم؛ در تحلیل مسأله تراریخته‌ها، تقلیل موضوع تراریخته به یک مسأله



علمی خیانت به کشور است، یعنی مسأله تراریخته‌ها را باید از ابعاد مختلف بحث کرد؛ یکی از این ابعاد، بُعد علمی است که عرض کردم در بعد علمی اثبات نشده است که این محصولات سالم هستند. اما ابعاد دیگری مانند بعد مدیریتی و امنیتی نیز وجود دارد.

شواهدی وجود دارد که تأیید می‌کند مسأله تراریخته‌ها باید به صورت چند بعدی بررسی شوند و به نظر بنده توجه به شواهدی که الآن عرض می‌کنم مخاطبِ منصف را به این نتیجه می‌رساند که به صورت جدی از تراریخته ذیل بیوتورویسم استفاده می‌شود. اولین شواهدی که ما همیشه عرض کردیم این است که متصدیان مسأله تراریخته‌ها و کشاوری سبز در دنیا صهیونیست‌های آرم‌دار و مارک‌دار دنیا هستند و ما چون در ذهن خودمان از این قوم بدکردار و بدنام سوابق زیادی داریم به این نتیجه می‌رسیم که ممکن است ورود آن‌ها به مسأله تراریخته نیز از باب غرض خاصی باشد. شرکت مونسانتو و راکفلرها به لحاظ شخصیتی و هویتی مشکوک هستند. همانطور که معروف است شرکت مونسانتو مربوط به یک خانواده آمریکایی است که در سال‌های قبل سلاح شیمیایی تولید کرده و در کشتار مردم دست داشته است. حالا به صورت طبیعی یک انسان با بصیرت باید این سؤال را مطرح کند که چرا مونسانتو تغییر رویه داده و از تولید سلاح شیمیایی به کشاورزی سبز ورود پیدا کرده است؟ این خانواده‌ی بدنام چرا این کار کرده است؟ در مورد راکفلرها نیز همین سؤال مطرح است؛ راکفلرها هزینه‌های تحقیقاتی بخشی از محصولات تراریخته را تأمین می‌کنند، چه شده است که هزینه این تحقیقات را می‌پردازند؟ آیا واقعاً انگیزه‌های بشردوستانه در کار است؟ راکفلرهایی که در دنیا ثروتمندتر از آن‌ها وجود ندارد حالا به یک‌باره خیرخواه شده و به این قضیه ورود پیدا کرده‌اند؟! این شاهد اول بنده است که به نظرم می‌توان آن را بررسی کرد و خوب است که مستندسازهای ما بیوگرافی بنیاد راکفلرها و مونسانتو و کارهایی که در حال حاضر ضد بشریت انجام می‌دهند را برای مردم تبیین کنند. در اینصورت معلوم می‌شود که ممکن است خدعه‌ای در ورود این نهادها به حوزه کشاورزی سبز و محصولات تراریخته وجود داشته باشد.

به شاهد اول بنده شاهد دوم را نیز اضافه کنید؛ بعد از جنگ ویتنام به دلیل شکست آمریکا در این جنگ هژمونی آمریکا در دنیا با چالش روبرو شد و لذا آمریکا نحوه کنترل دنیا را بازتعریف کرد؛ جمله معروفی از کیسنیجر نقل شده است که ایشان بعد از جنگ ویتنام در این جمله معروف گفته‌اند ما از این به بعد دولت‌ها را از طریق کنترل انرژی و ملت‌ها را از طریق محصولات غذایی کنترل خواهیم کرد. شواهد و اسنادی وجود دارد که استراتژی آمریکا برای تسلط بر دنیا بعد از جنگ ویتنام تغییر کرده و خلاصه‌ی آن این است که قرار است از طریق کنترل غذا به سمت حفظ تسلط خود بر دنیا حرکت کنند.

ما وقتی این شاهد دوم را در کنار شاهد اول می‌گذاریم این احتمال در ذهن ما تقویت می‌شود که احتمالاً مجری سیاست جدید آمریکا برای بسط هژمونی آمریکا در دنیا همین شرکت مونسانتو و بنیاد راکفر است. بنده در اینجا مجدداً این موضوع را مطرح می‌کنم که یک نخبه و مدیر باهوش و انقلابی باید این سؤال را از خود بپرسد که حرف جدید آمریکا برای تغییر استراتژی خود در مدیریت دنیا در حال حاضر چه وضعیتی دارد؟ بنده این موضوع را به عنوان یک سؤال مطرح می‌کنم و می‌توان از نخبگان سیاسی و امنیتی جامعه پرسید که آمریکا حدود سه یا چهار دهه قبل گفته است روش‌های مدیریت من برای دنیا تغییر می‌کند -البته روش‌ها تکمیل‌تر نیز شده است- و حالا سؤال این است که در حال حاضر این روش جدید چه وضعیتی دارد؟ ما وقتی بررسی می‌کنیم احتمال جدی می‌دهیم که مجری سیاست جدید آمریکا برای کنترل ملت‌ها همین شرکت مونسانتو و بنیاد راکفر است، این شاهد دوم بنده است.

شاهد سومی که این مسأله را تقویت می‌کند و باید به آن توجه کرد این است که اخیراً در زمان دولت فعلی رفت و آمدهای مشکوکی به وزارت کشاورزی اتفاق افتاده است؛ کسانی که به شرکت مونسانتو و راکفلرها وابسته هستند به ایران آمده، برنامه‌هایی را تدارک دیده و تفاهم‌هایی را انجام داده‌اند. این شاهد سوم -اینکه آن‌ها در ایران شروع به تفاهم کرده و طرفداران داخلی‌ای نیز پیدا کرده‌اند که یکی از اقدامات این طرفدارها آن است که می‌خواهند در برنامه ششم حدود یکمیلیون از اراضی ایران را زیر کشت پنبه و برنج تراریخته قرار دهند- انسان را مشکوک می‌کند. از جمله مواردی که در شاهد سوم بسیار مشکوک می‌باشد این است که حدود ۱۰ سال است تراریخته‌ها بدون برچسب در بازار ایران وجود دارند و حالا این موضوع به یک‌باره می‌خواهد قانونی شود و سطح زیر کشت محصولات تراریخته ارتقا پیدا کند. به نظر ما اینکه به یک‌باره تصمیم گرفته شده تراریخته از حالت مخفی به حالت قانونی و آشکار تبدیل شود به رفت‌وآمدهای مشکوکی که در چند سال اخیر انجام شده



مرتبط است. بنده پرونده این موضوع را باز می‌گذارم و می‌خواهم مسئولین وقت توضیح دهند که چرا آقای مک‌کوئین در ایران رفت و آمد کرده است؟ چرا ایشان به ایران آمده است؟ در جلساتی که آقای مک‌کوئین در وزارت کشاورزی ایران حضور داشته‌اند چه موضوعاتی رد و بدل شده است؟ خوب است خبرنگاران از این موضوع سؤال کنند. آقای مک‌کوئین - که الان رئیس جایزه جهانی غذاست - انسان بسیار مشکوکی است.

این موضوعات انسان را مشکوک می‌کند و به نظر ما تراریخته‌ها جزء پروژه نفوذ است؛ یعنی نفوذی که رهبر معظم انقلاب دائماً راجع به آن صحبت می‌کنند فقط در حوزه‌های سیاسی و فرهنگی نیست، به نظر بنده یکی از مهم‌ترین موارد نفوذ، نفوذ در حوزه کشاورزی است که اگر بخواهیم مطمئن شویم چنین نفوذی اتفاق نیفتاده راهکار این موضوع پاسخگویی مسئولین وزارت کشاورزی ماست؛ باید شفاف کنند که این رفت‌وآمدها برای چه اتفاق افتاده است.

بنده در هفته دولت وزیر محترم بهداشت را دیدم و به ایشان عرض کردم ما شواهدی داریم که نشان می‌دهد یک حمله بیولوژیک گسترده علیه ملت ایران در حال طراحی شدن است. از ایشان تقاضا کردم که جلسه تشکیل دهند و ایشان نیز وعده دادند که جلسه تشکیل شود تا ما شواهد و بحث‌های خودمان - که قدری گسترده‌تر از این بحث‌هاست - را ارائه کنیم. البته به ایشان عرض کردم که مراجع قم و علمای محترم بر روی این قضیه حساس هستند و آن‌ها با همین نگاهی که بنده عرض می‌کنم به ماجرا نگاه می‌کنند؛ یعنی بخشی از آقایان به شدت به سلامت تراریخته مشکوک هستند و احتمالاً در آینده نزدیک اعلام موضع رسمی نیز خواهند کرد و بخشی دیگر نیز فضای بیوتوروریسم و شواهد آن را دنبال می‌کنند.

در مجموع و با توجه به سناریوی سوم بنده عرض کردم که قانونی شدن تراریخته‌ها در برنامه ششم، خطرناک‌ترین حکم توسعه‌ای در هفتاد سال گذشته است. چرا؟ چون به نظر بنده و با این شواهدی که عرض کردم تراریخته‌ها ذیل طراحی یک حمله بیولوژیک گسترده قابل تعریف است. البته خود آقای ظریف نیز در آن همایش معروفی که در سازمان ملل مذاکره‌کننده ما بودند نامه‌ای به دولت وقت نوشته و همین معنایی که بنده عرض کردم را بحث می‌کنند. یکی از شواهد فرعی ما نامه جناب آقای ظریف است که بیان می‌دارد احتمال استفاده از محصولات تراریخته در عقیم‌سازی ملت ایران و گسترش سرطان وجود دارد و این محصولات سلاح کشتار جمعی محسوب می‌شوند.

یک وقتی بنده این بحث‌ها را مطرح کرده بودم و معاون محترم وزیر بهداشت واکنش تندی نشان داده و گفتند حوزه سلامت به هیچ کس ارتباط نداشته و به ما مرتبط است. بنده به ایشان دو پاسخ دادم و البته از ایشان نزد وزیر بهداشت نیز گله کردم و ایشان گفتند آقای معاون اشتباه کرده‌اند که اینگونه جواب داده‌اند. من به ایشان عرض کردم اولاً حوزه سلامت جزء حوزه‌های پرروایت و پرآیه‌ی ماست و شما نباید از ما بخواهید که آیات و روایات مربوط به حوزه سلامت را نادیده بگیریم، خیر؛ طلبه‌ها و روحانیت به صورت ذاتی وظیفه دارند که توصیه‌های مربوط به سلامت را در جامعه بحث کنند. این گزاره‌ای بود که ایشان مطرح کرده بود. ثانیاً اگر فرض کنیم حوزه سلامت در اختیار شماست ما شواهدی را مطرح کردیم و شما در عوض اینکه پاسخگو باشید حمله می‌کنید و این موضوع انسان را مشکوک‌تر می‌کند؛ یعنی بنده بعد از حمله تند معاون محترم وزیر بهداشت مشکوک‌تر شدم که نکند داستانی وجود دارد و چون آقایان جوابی ندارند نمی‌خواهند پاسخ دهند. علت اینکه تراریخته‌ها خطرناک‌ترین حکم برنامه می‌باشد مسائلی است که عرض کردم.

خبرنگار تسنیم (آقای رضا احسانی): بسیار متشکرم.



۱۹. گفتگوی حجت‌الاسلام کشوری با خبرگزاری تسنیم؛ ابعاد امنیتی تجاری‌سازی تراریخته‌ها در نمایشگاه مطبوعات بررسی شد / چرا رئیس تحقیقات و فناوری سازمان مدیریت از مناظره هراس دارد؟!

چهارشنبه ۱۹ آبان ۱۳۹۵

دیروز (چهارشنبه ۱۹ آبان ۱۳۹۵) غرفه خبرگزاری تسنیم در نمایشگاه مطبوعات میزبان سخنرانی حجت‌الاسلام علی کشوری با موضوع بررسی ابعاد امنیتی، علمی و ... مختلف تراریخته بود.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی نقشه راه دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در این نشست ضمن اشاره به نکات پنج‌گانه نامه خود درباره تراریخته‌ها؛ به شرح نکته اول این مهم پرداختند. متن کامل این سخنرانی را در ادامه مطالعه کنید.

شایان ذکر است برنامه دیروز برای مناظره حجت‌الاسلام علی کشوری و دکتر بهزاد قره یاضی، رئیس تحقیقات و فناوری سازمان برنامه و بودجه تنظیم شده بود؛ که با استنکاف دکتر بهزاد قره یاضی برای حضور در محل مناظره؛ حجت‌الاسلام علی کشوری به تبیین برخی از اشکالات پروژه خطرناک تجاری‌سازی تراریخته‌ها پرداختند.

مجری: بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين انه خير ناصر و معين. با عرض سلام و خير مقدم خدمت شما حضار محترم و همچنين حضرت حجت الاسلام والمسلمين كشوري، دبیر محترم شورای راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در مناظره با موضوع بررسی ابعاد محصولات دستکاری شده ژنتیک یا تراریخته. طبق برنامه‌ریزی‌ای که انجام شده است، برنامه را به طور رسمی آغاز می‌کنیم تا ان شاء الله دکتر قره‌یاضی هم تشریف بیاورند. چون مناظره است در مرحله اول به صورت دو زمان ۱۵ دقیقه‌ای در خدمت دوستان هستیم تا توضیحاتی را خدمت حضار بدهند و سپس مجدداً در خدمت دوستان خواهیم بود؛ فقط خواهش می‌کنم طبق برنامه‌ریزی و زمانی که به دوستان اختصاص دارد، ان شاء الله توضیحات ارائه شود. در خدمت حضار محترم نیز خواهیم بود. صلواتی عنایت فرمایید. حاج آقا، در خدمت شما هستیم.

حجت‌الاسلام کشوری: بسم الله الرحمن الرحيم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم. قبل از اینکه بنده، پنج نکته، استدلال و شاهد مهم را در مورد مسأله بسیار خطرناک تراریخته‌ها - که بنده در گفتگوی ماه‌های گذشته عرض کردم که تجاری‌سازی تراریخته‌ها، خطرناک‌ترین حکم توسعه در ۷۰ سال گذشته است - خدمت برادران و خواهران عزیز در جلسه عرض کنم، لازم می‌دانم مقدمه‌ای را مطرح کنم.

انگیزه ورود ما به بحث تراریخته‌ها، مسأله برنامه ششم کشور بود. مطلعین استحضار دارند که محصولات تراریخته - بدون برچسب و با حالت بسیار مشکوکی بدون آنکه در این قضیه، دانستن حق مردم باشد - حدود ۱۰ سال است که در بازار ایران وجود دارد. متأسفانه تاجرانی نیز در این موضوع ورود پیدا کرده‌اند و سلامت مردم را با واردات مسأله تراریخته به بازی گرفته‌اند. ما این فرآیند را به صورت غیر علنی و غیر آشکار، تحت نظر و رصد داشتیم. منتهی داستانی پیش آمد و به ناگاه تصمیم گرفته شد که تجاری‌سازی مسأله تراریخته‌ها با تأکید بر کشت برنج و پنبه در حدود یک میلیون هکتار از اراضی ایران در دستور کار قرار بگیرد. این مسأله از نظر مجموعه شورای راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، یکی از ۱۰ ماده خطرناک مندرج در برنامه ششم بود. بنابراین اگر دوستان می‌خواهند فلسفه ورود ما به این مسأله را بدانند، بنده در اینجا تصریح می‌کنم که ما تصمیم گرفته بودیم نظام برنامه‌ریزی مبتنی بر توسعه غربی را به چالش بکشیم. این تصمیم در حوزه علمیه قم و توسط برخی از فضلاء اتخاذ شد.

می‌دانید ۷۰ سال است که نظام برنامه‌ریزی مبتنی بر توسعه غربی را در کشور تجربه نمودیم، اما متأسفانه حتی به اهداف تعریف شده در برنامه‌های توسعه نیز دست پیدا نکردیم. حتماً شما اظهارات عجیب و جالب جناب آقای نوبخت - رئیس محترم سازمان برنامه و بودجه کشور - را به طور مکرر شنیده‌اید. ایشان چندین بار در فصل تدوین برنامه ششم گفتند که نظام برنامه‌ریزی کشور آنقدر ناکارآمد است که حتی نمی‌تواند برنامه تدوین شده توسط خودش را اجرایی کند. آنگاه که ما این ناکارآمدی عجیب و طولانی‌مدت را در نظام برنامه‌ریزی کشور مشاهده کردیم تصمیم گرفتیم به این دور باطل خاتمه دهیم. به فضل الهی با یک سازماندهی خاص که نام آن را سازماندهی هدایت‌بنیان گذاشتیم - این نوع سازماندهی نسبت به سازماندهی‌های مرسوم کاملاً متفاوت است - به روند تدوین برنامه ششم وارد شدیم و در حال حاضر که در محضر شما



صحبت می‌کنیم، اختیار برنامه ششم کشور به عنوان یک برنامه توسعه برای اولین بار از دست سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور خارج شد؛ یعنی در اولین مصاف میان جبهه فکری فرهنگی انقلاب و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با جریان توسعه‌گرا بر سر موضوع برنامه‌ریزی، کار به جایی رسید که در مجلس پیشین، برای اولین بار در ۷۰ سال گذشته، یک برنامه توسعه به دلیل معایب پنج‌گانه‌ای که در خود داشت به صورت کامل رد شد و در مجلس فعلی نیز نمایندگان، مشروط به انجام تغییرات گسترده، کلیات این برنامه را تأیید کردند. پیشبینی‌ها نیز حاکی از این است که برنامه ششم مصوب، بیش از ۱۰۰ حکم برنامه داشته باشد؛ در حالی که برنامه دولت توسعه‌گرای یازدهم، ۳۵ ماده را در درون خودش جای داده بود. اخبار موثق حاکی از آن است که در تنظیم برنامه نیز میان جناب آقای نوبخت و کمیسیون تلفیق اختلافات کارشناسی جدی‌ای اتفاق افتاد. معنای این حرف آن است که دولت توسعه‌گرای یازدهم و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی حتی بر سر ضرورت این نوع جدید از برنامه‌ریزی نتوانسته است با نماینده‌های مجلس تفاهم کند.

همان‌گونه که استحضار دارید، ما ۱۸ سؤال را در ابتدای مواجهه با برنامه ششم مطرح کردیم؛ تقریباً هیچ یک از این ۱۸ سؤال در برابر سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی با پاسخ روبرو نشد. یکی از این ۱۰ ماده خطرناک، همین موضوع تراریخته‌ها بود. بنده به جناب آقای دکتر قره‌یاضی نامه‌ای را تنظیم کردم و پنج اشکال مسأله تجاری‌سازی تراریخته‌ها را مطرح کردم. در واقع این پنج اشکال در درون یکی از ۱۸ سؤالی است که عرض کردم. کاری که ما در حوزه علمیه قم به کمک برادران انقلابی خودمان در سراسر کشور در دستور کار قرار دادیم شامل ۱۸ سؤال است که هر یک از آنها، از نظامی از سؤالات درونی تشکیل شده است. وقتی که بنده در یک مصاحبه مطبوعاتی شروع به تشریح برخی از اشکالات تراریخته‌ها - که جزئی از همان نظام سؤالات بود - پرداختم، متأسفانه - واقعاً بنده برای جریان توسعه‌گرا متأسفم، متأسفم و متأسفم - این جریان، به جای پاسخ به این سؤالات به صورت راهبردی، تحقیر و اهانت به طرف مقابل را در دستور کار قرار داد. بنده فراموش نمی‌کنم [چند ماه پیش از این] بعد از نماز مغرب و عشاء، دوستان به بنده اطلاع دادند که فردی در گروه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، خود را آقای دکتر بهزاد قره‌یاضی معرفی نموده و اعلام می‌کند: من آمادگی مناظره در هر زمان و هر مکانی را برای پاسخ به شبهات پیرامون تراریخته‌ها دارم؛ ایشان بنده را با یک بسته از اهانت‌های مختلف دعوت به مناظره کرد. نمی‌دانم علت چیست که هرگاه جریان توسعه‌گرا در مقابل سؤال قرار می‌گیرد، یا دستور به راهپیمایی خیابانی و شورش اجتماعی می‌دهد و یا طرف مقابل را تحقیر می‌کند و حرف‌های خودش را فراموش می‌کند. جناب آقای قره‌یاضی! شما فرمودید هر جا، این مکان، مصداق هرجایی است. البته مکان‌های دیگری مانند بسیج دانشجویی امیرکبیر و ... نیز اعلام آمادگی کردند. امیدوارم ایشان خودشان را به این مناظره برسانند؛ اگر هم به این مناظره نرسیدند، بنده در همین‌جا اعلام می‌کنم انتظار دارم ایشان پاسخ مناسبی به این سؤالات پنج‌گانه که در فضای کاملاً کارشناسی طرح شده است، بدهند. از دولت مدعی تدبیر و امید انتظار دارم که پاسخ سؤالات یک طلبه کوچک را بدهند. از چه چیزی هراس دارند؟ اینها سؤال است، ما پرسشی مطرح کردیم. آیا کشور ما به این صورت پیشرفت می‌کند؟ مشکلات و موانع پیش‌روی کشور با این وضعیت حل می‌شود؟ بنده مشاهده کردم، معاون آقای هاشمی، وزیر محترم بهداشت، در مصاحبه بسیار تندی گفتند دخالت در مسأله تغذیه و سلامت مردم به هیچ کس ارتباطی ندارد.

بنده در حال تدوین برنامه‌های الگو بودم که بلافاصله در یک برنامه رادیویی - که دوستان دعوت کردند - دو سؤال پرسیدم. گفتم: جناب آقای معاون وزیر! اولاً در روایاتی که از اهل بیت عصمت و طهارت - که عاقل‌ترین مردمان روی زمین هستند - به ما رسیده است، مجموعه‌ای از مباحث در مورد تغذیه وجود دارد. چرا انتظار دارید که یک طلبه به وظیفه خود در ارتباط با دعوت به عقل و معارف عمل نکند؟ بنده و دوستان هم‌لباس من احساس تکلیف کردیم و به وظیفه طلبگی خود عمل کرده‌ایم که مدل سلامت کشور را بازتعریف کنیم و این کار را با قوت نیز ادامه خواهیم داد؛ شما با چه استدلالی چنین مصاحبه‌ای می‌کنید؟ شما با روایات فنی اهل بیت در حوزه سلامت مخالفید، اما تئوری‌های حوزه کشاورزی سبز و طراحی مراکز صهیونیستی را در کشور رواج می‌دهید.

نکته دوم آن است که اگر حرف غلط معاون وزیر بهداشت را صحیح فرض کنیم و بگوییم طلبه‌ها نباید به مردم بگویند تراریخته‌ها خطرناک هستند و در مورد سلامت و حوزه تغذیه با مردم صحبت نکنند، با پذیرش این فرض جناب آقای پروفیسور و آقای معاون وزیر!! ما پنج سؤال مطرح کردیم. باید یاد بگیرید که پاسخ سؤال را به صورت علمی بدهید!

این مشکل جدی کشور ماست. آنگاه که این جریان در زمان انتخابات رأی نمی‌آورد، به خیابان‌ها می‌ریزد و آنگاه که با سؤال روبرو می‌شود، طرف مقابل را تحقیر می‌کند. بنده با افتخار اعلام می‌کنم که طلبه حوزه علمیه قم هستم و روایات اهل بیت عصمت و طهارت را بیش از دو دهه مطالعه کرده‌ام و بر اساس همین فهم فقهی سؤال پرسیده‌ام. اگر می‌توانید به این سؤالات پاسخ بدهید و اگر نمی‌توانید، همین مردم به میدان خواهند آمد و این نظامات غربی ناکارآمد پُرمدعا را از کشور حذف می‌کنند. در مشهد هم جلسه‌ای را با آقای وزیر بهداشت داشتم و به ایشان عرض کردم که معاون شما حرف نادرستی زد و ایشان گفت که اشتباه کرده است. البته پس از این دیدار، خود ایشان نیز این اشتباه را تکرار کرد.

مجری: وقت اول شما به اتمام رسید و از آنجایی که دکتر قره‌یاضی هم تشریف نیاوردند، وارد بخش دوم می‌شویم. با رعایت زمان مطالب را بفرمایید تا وارد پرسش و پاسخ شویم.

حجت الاسلام کشوری: بله! البته کمی از وقت آقای قره‌یاضی را به من بدهید تا بتوانم مطالب را به صورت کامل بیان کنم. چون ایشان اهل گفتگو است!!! امیدوارم که بار دیگر، جای دیگری تعیین شود تا ایشان بیایند و پاسخ این سؤالات را بدهند. بنده تا جایی که زمان اجازه دهد، سؤالاتم را می‌پرسم. هر چند این مسأله روال نیست اما بنای بنده و دوستانمان آن است که یک گفتگوی علمی راجع به اداره جامعه در کشور راه بیافتد تا از این مشکلات و بن‌بست‌ها و محاسبات غلط خارج شویم. به همین جهت بنده سؤالاتم را در قالب یک نامه به ایشان دادم تا ایشان فرصت مطالعه داشته باشند و پاسخ نامه بنده را بدهند. با توجه به زمان جلسه و اقتدار رئیس جلسه! نمی‌دانم وقت تشریح بند چهارم نامه را دارم یا نه؟ اگر در این مکان این فرصت پیش نیامد، حتماً در یک دوره ده - بیست روزه، این بند را تشریح خواهیم کرد. به نظر بنده، بند چهارم این نامه، یک راه حل جدید در مقابل بیوتکنولوژی است. کارکرد اصلی بیوتکنولوژی، ارتقای ظرفیت اولیه موجودات است. بنده در بند چهارم، راه حل جدیدی برای ارتقا ظرفیت‌های اولیه موجودات پیشنهاد دادم که ان‌شاءالله در فرصت مناسبی آن را تشریح می‌کنم.

بنده بحث خود را از سؤال اول شروع کنم؛ مسأله قبلی بند چهارم نامه بود و بنده به دلیل اینکه ترسیدم زمان بگذرد و نتوانم آن مسأله را مطرح کنم، اشاره‌ای به آن کردم. بنده همین الآن از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور دعوت می‌کنم که بانی شود و با استاد تمام‌های بیوتکنولوژی کشور جلسه‌ای ترتیب بدهد. بنده هم طلبه هستم و مبتنی بر فهم خود از روایات نگاه خود برای ارتقاء ظرفیت اولیه موجودات را مطرح می‌کنم که به نظرم این نظریه عدل بیوتکنولوژی است. می‌توان از این نظریه استفاده‌های جدی کرد. بنده از همین مکان دعوت می‌کنم که این جلسات برگزار شوند.

بنده سؤال نخست خود را مطرح کنم؛ سؤال نخست بنده در حوزه بیوتکنولوژی یک سؤال در حوزه روش تحقیق است. ما بر اساس مفاهیم اولین نقشه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت - که دو دهه مطالعات مرتبط با این نقشه برای ما طول کشیده است - این را غلط می‌دانیم که تحلیل و بررسی یک مسأله از یک بُعد اتفاق بیافتد. به عنوان مثال در حوزه مسأله تراریخته‌ها بگوییم که سؤال اصلی این است که تراریخته‌ها سالم هستند یا خیر؟ و تمام بحث را به این حوزه منحصر کنیم. ما بر اساس الگوی اسلامی تخصیص تکنولوژی - که این الگو در کمبریج، ماساچوست و دانشگاه ام‌آی‌تی تدوین نشده است بلکه در حوزه علمیه قم تدوین شده است - نسبت یک موضوع را با تمام موضوعات جهت‌ساز می‌سنجیم و بعد می‌گوییم که آیا آن موضوع می‌تواند به رفاه، سلامت و حل مشکلات جامعه کمک کند یا خیر؟ اشکال اول بنده، اشکال روش تحقیقی است. از من نخواهید از روش پوسیده پوزیتیویستی استفاده کنم. از من نخواهید منطق اکتشاف علمی پوپر را مبنا قرار دهم و با نگاه ابطال‌گرایی گزاره‌ها را بررسی کنم، البته کشور ما کشور آزادی است؛ استادی می‌تواند به شاگرد خود بگوید که ما با این روش تحقیق ورود پیدا می‌کنیم و در ادامه هم بر اساس روش تحقیق خود و در داده‌هایی که بر اثر آن روش تحقیق تحلیل می‌شود ارزیابی ارائه دهد. لذا بنده به آقای قره‌یاضی نوشتم - نامه هم در فضای مجازی در دسترس است - ما باید نسبت یک موضوع -مانند تراریخته‌ها - را با تمام موضوعات جهت‌ساز بسنجیم. موضوعات جهت‌ساز، زیرساخت‌های هدایت هستند. باید بنده دوره‌ای برای کارشناسان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور بگذارم و مفهوم زیرساخت‌های هدایت - که از نگاه فکر اسلامی



زیرساخت‌های هدایت، زیرساخت‌های برنامه‌ریزی هستند - را تشریح کنم. بنده در زمانی از دوستان خواهش کردم و دوباره از دوستان خواهش می‌کنم که اجازه دهند باب این گفت‌وگوها باز شود. اگر شما خودتان را نهایت علم و تدبیر می‌دانید حداقل جواب سؤالات ما را بدهید. بنابراین ما برای ورود به بحث یک روش داریم؛ آن روش می‌گوید بررسی ابعاد امنیتی یک موضوع، جزء تحلیل علمی آن موضوع است. در اسلام قاعده‌ای وجود دارد به نام قاعده نفی سبیل؛ قاعده نفی سبیل می‌گوید نباید اجازه داد از هیچ راهی بر جامعه ایمانی تسلط ایجاد شود. خیلی خوب! بنده می‌خواهم به کتاب علمی قرآن عمل کنم؛ نمی‌خواهم به سیلابس‌های مطرح در دانشگاه راکفلر استناد کنم، آیا این جرم است؟ حال این ابتدای امر است. ما در آینده این سؤالات را از مراکز علمی بین‌المللی می‌پرسیم. چیزی که در قرآن و روایات ما وجود دارد صدها برابر از روش‌های پوزیتیویستی و تجربی و حس‌ای که شما آن را به عنوان علم ترجمه می‌کنید و ثمره آن کشورهای عقب افتاده توسعه‌یافته است بهتر هستند. این کشورها حتی قادر نیستند روابط انسانی خود را تنظیم کنند. ما نمی‌خواهیم از این روش‌ها استفاده کنیم و قصد داریم از روش خود استفاده کنیم. بنده سؤال می‌کنم؛ آیا مسأله تراریخته‌ها می‌تواند برای ما مشکل امنیتی ایجاد کند یا خیر؟ بنده همین سؤال را راجع به مسائل دیگر هم می‌پرسم. البته امنیت به معنای نرم و عمیق - به معنای نفی سبیل - را بحث می‌کنم. بنده قصد دارم در دانشگاه شریف - امروز جلسه پانزدهم می‌باشد - این معنا را به مدت هشت هفته توضیح دهم. این مسأله بحث فنی پیچیده‌ای است.

حال سؤال این است که آیا امنیت به این معنای پیچیده با تراریخته‌ها به چالش کشیده می‌شوند یا خیر؟ بنده شواهدی را خدمت شما گزارش می‌دهم و خودتان قضاوت کنید؛ ولو اینکه وقت بنده تمام شود، اجازه دهید بنده این سؤال نخست را بشکافم؛ سؤالات دو و سه و چهار و پنج بنده هم تا زمانی که آقای قره‌یاضی جرأت کنند و به مناظره تشریف آوردند باقی می‌ماند. این مناظره در هر مکان دیگری هم که باشد بنده خواهم آمد. جلسه‌ای باشد تا مناظره کنیم. بنده [به منظور واضح شدن سؤال اول] سه مقدمه را عرض می‌کنم تا شما متوجه شوید چه خطر امنیتی‌ای مردم ایران را تهدید می‌کند؛ بنده خواهش می‌کنم راجع به این مسأله فکر کنید. ده درصد احتمال بدهید که شاید این خطر جدی باشد. بنده راجع به امنیت غذایی مردم سخن می‌گویم. نمی‌توان راجع به این مسأله ساده بحث کرد. نمی‌توان به یک مقاله ثبت شده - که آن را یک مرجع بین‌المللی زده و ما می‌دانیم مراجع بین‌المللی تحت تسلط نهادهای صهیونیستی هستند - رفرنس داد. در دنیا تحقیقات، جهت‌دار هستند. ما نمی‌توانیم مسائل را تنها با رفرنس‌های بین‌المللی بررسی کنیم، بلکه باید حتماً نظام ملی ارزیابی و تحقیقات بومی داشته باشیم.

مقدمه اول این است که استراتژیست‌های آمریکا بعد از شکست مفتضح آمریکا در جنگ ویتنام، مدل گسترش هژمونی آمریکا را در دنیا تغییر دادند. آمریکا قبلاً با سلاح نظامی سخت محض وارد می‌شد. امروزه هم از آن استفاده می‌کند، اما در گذشته فقط از سلاح نظامی استفاده می‌کرد. بعد از جنگ ویتنام اسناد متقنی وجود دارد - این اسناد قابل دسترسی است - که آمریکا به سمت هوشمندسازی تسلط خود بر دنیا حرکت کرده است. این هوشمندسازی ابعادی دارد؛ از جمله اینکه می‌گویند برای تسلط بر دنیا می‌توانیم از غذا و دارو هم استفاده کنیم. این یک حقیقت است، حقیقتی است که همین الان شما می‌توانید به اسناد آن با یک جست‌وجوی ساده در فضای مجازی دست پیدا کنید. در کشور ما کتاب‌های خوبی راجع به این موضوع منتشر شده است. یا به عنوان مثال استراتژیست‌های آمریکا اعلام کرده‌اند که از طریق تسلط بر انرژی ما بر دنیا مسلط می‌شویم. یکی از علت‌های اساسی اینکه اسرائیل برای رؤسای جمهور آمریکا بسیار مهم است این است که اسرائیل باید منطقه اصلی انرژی کل دنیا را مدیریت کند. بنابراین ما با یک دشمنی روبرو هستیم که تغییر استراتژی داده و ورود پیدا کرده تا از مسأله غذا، دارو و انرژی برای بسط هژمونی ظالمانه خود استفاده کند. این مقدمه اول بود.

مقدمه دوم این است که بعد از طرح این قضیه، هولدینگی از شرکت‌های بین‌المللی با مدیریت شرکت‌های آمریکایی در دنیا شکل گرفته‌اند و مهندسی‌ها و طراحی‌هایی نیز انجام داده‌اند. سابقه این‌ها مطرح است. به عنوان مثال بنیاد راکفلر از یک دوره‌ای ورود پیدا کرده و در حوزه کشاورزی سبز تحقیقات و نظریه‌پردازی و برنامه‌ریزی را شروع کرده است. مونسانتو هم جزء همین شرکت‌ها است؛ مونسانتو خیانتکار و جنایتکار که در کشورهای دنیا علیه آن راهپیمایی می‌شود. بنده اظهار تأسف می‌کنم که این اخبار را سانسور می‌کنند. به دلیل اینکه یک علف‌کش خطرناک (نوعی سم) را ترویج داده و به سلامت عده‌ای



در فلان کشور ضربه زده، مردم همان کشور تظاهرات می‌کنند. بالاخره جنبش آنتی G.M.O ها در دنیا یک واقعیت است. نمی‌توانید به آن‌ها بگویید بی‌سواد و کم‌تجربه. در دنیا موجی علیه محصولات تراریخته وجود دارد که خوشبختانه رسانه‌های انقلابی و صداوسیما ما - که بنده از همین‌جا از آن‌ها تشکر می‌کنم - این اخبار را به تدریج باز نشر می‌دهند. ما با یک طراحی جهانی روبرو هستیم. از جمله این طراحی‌ها، تأسیس بنیاد جایزه جهانی غذاست. شما می‌توانید مرانامه این بنیاد را مطالعه کنید. بنده پیشنهاد می‌کنم این موضوع در گفت‌وگوها مورد بررسی قرار بگیرد. این بنیاد جهانی غذا مؤسسی به نام آقای بورلاگ داشته است. ایشان در حال حاضر در قید حیات نیستند. طبق اسناد متقن که برخی از آن‌ها همین الان در دستم است پول این بنیاد را بنیاد راکفلر می‌دهد؛ یعنی بنیاد صهیونیستی راکفلر برای اینکه این جایزه جهانی غذا و طرح‌های آن در دنیا گسترش پیدا کند، هزینه می‌کند. این مقدمه دوم بنده بود.

به عنوان مثال شما می‌توانید مرکز بذر قیامت را در این حوزه بررسی کنید. حتی بنده می‌بینم گاهی اوقات از شبکه چهار و شبکه‌های دیگر مستندهایی پخش می‌شود که گزارش می‌دهد. به عنوان مثال بنیاد راکفلرها مرکزی برای پروسه ویرایش بذر در دنیا طراحی کرده‌اند. حُب این داستانی دارد. این مسائل، وجود خارجی دارند و در فیلپین و مالزی هم شعبه دارند. البته بنده نمی‌خواهم بگویم شعبه آن‌ها در ایران کجاست. بنده این نتیجه‌گیری را نمی‌کنم. بالاخره این یک تشکیلات جهانی است؛ شما می‌توانید اطلس آن را مشاهده کنید. چرا نمی‌گذارید مردم این قضیه را متوجه شوند؟ این مقدمه دوم بود. بنده مقدمه سوم را هم بگویم.

مجری: تشکر می‌کنم از حاج آقا!

حجت‌الاسلام کشوری: اجازه دهید بحث شکل بگیرد.

مجری: طبق برنامه‌ای که نوشته شده زمان یک ربع، ده دقیقه و پنج دقیقه شما به اتمام رسید. به دلیل اینکه دکتر قره‌یاضی تشریف نیاوردند ما ده دقیقه دیگر به شما زمان می‌دهیم تا شما موضوع را جمع کنید و وارد پرسش و پاسخ شویم.

حجت‌الاسلام کشوری: خدا به شما و آقای دکتر خیر دهد. مقدمه سوم هم این است که در دوران این دولت، پرزیدنت جایزه جهانی غذا در ایران جلسه گذاشته است. آقای کنت مک کوئین (Dr. Kenneth M. Quinn) به ایران تشریف آورده و در وزارت کشاورزی جلسه برگزار کرده‌اند. این آقای کنت مک کوئین، یک مقام امنیتی است. اجازه دهید بنده برخی از تصاویر را به شما نشان دهم؛ شما می‌توانید تصویر این دکتر را مقابل خانم هیلاری کلینتون (Hillary Rodham Clinton) مشاهده کنید. این آقای دکتر، پرزیدنت جایزه جهانی غذا هستند. ایشان به ایران آمده و به وزارت کشاورزی تشریف آورده‌اند، با جناب آقای حجتی (وزیر کشاورزی) جلسه گذاشته‌اند. در این عکس مشخص است که مورد تقدیر قرار گرفته‌اند. شما در تصویر دوم آقای بهزاد قره‌یاضی، کنت مک کوئین و آقای حجتی وزیر محترم کشاورزی را مشاهده می‌کنید. اجازه دهید بنده تصویر دیگری را به شما نشان دهم؛ در این عکس آقای قره‌یاضی و مک کوئین با خنده و خوشرویی -مانند مذاکرات هسته‌ای که با خنده انجام شد و در تأسیسات هسته‌ای ایران بتن ریخته شد- در کنار هم قرار گرفته‌اند. ببینید! رئیس تشکیلات راکفلرها که یک مقام امنیتی است به ایران آمده است؛ این مقدمه سوم بنده بود. بنده با توجه به این سه مقدمه یک سؤال می‌پرسم؛ آیا ساده‌اندیشی نیست که ما فکر کنیم مسأله تراریخته‌ها یک مسأله علمی محض است؟

این اسناد، نفوذ در حوزه کشاورزی را نشان نمی‌دهد؟ آن اسنادی که در اختیار مجموعه ما موجود است، آن مقداری که رسانه‌ای شده و بیرون منتشر شده، شاید یک پنجاهم همه اسناد در دست ما باشد. ولی همین مقدار هم کفایت می‌کند. یک آقای، پرزیدنت (president) جایزه جهانی غذا به ایران آمده است. من یک سؤال می‌پرسم: مردم ایران، نمایندگان محترم مجلس حق ندارند، بدانند در مذاکرات آقای کنت مک کوئین (Kent McQueen) در وزارت کشاورزی چه گذشته است؟ این سومین بار است که این سؤال را می‌پرسم. جناب آقای حجتی لطفاً به سبک عالمان حوزوی، نه با تحقیر و نه با اهانت؛ جناب آقای بهزاد قره‌یاضی! به سبک طلاب در حوزه، بیایید پاسخ دهید که شما با این آقا، چه سر و سرّی دارید؟ چه گفتگوهایی داشته‌اید؟ همینجا یک پیشنهاد به نمایندگان مجلس می‌دهم: می‌دانید که نمایندگان مجلس آنقدر بصیر هستند، جلوی تجاری‌سازی تراریخته‌ها را گرفته‌اند. رئیس پدافند غیرعامل کشور گفتند: «احتمال یک حمله گسترده بیولوژیک علیه ملت ایران وجود دارد.»



مسئولین رسمی اظهار نظر کرده‌اند. پیشنهاد می‌کنم: یک طرح تحقیق و تفحص آغاز شود، راجع به سفر کنت مک‌کوین (Kent McQueen) به ایران!

بنده حدس می‌زنم حاج آقا وقت بنده را محدود کردند، وگرنه بیش از این شواهد می‌گفتم - با این شواهد که گفتم، یک ترور بیولوژیک گسترده‌ای علیه ملت ایران در راه باشد. به نظر شما ما نباید این مسأله را بررسی کنیم؟ خود شما قضاوت کنید! بنده حرفم این است. من نگران سلامت مردم عزیزمان هستم. ما با تحریم‌ها به چالش کشیده شدیم! این تحریم‌های ظالمانه آمریکایی که تئوری توسعه‌ای برجام نتوانست آن را حل کند، زندگی مردم ما را اذیت کرده است. چرا باید از یک سوراخ دوبار گزیده شویم؟ یکبار این را بررسی کنیم: این سؤال اول من بوده، چندین بار هم پرسیده‌ام؛ از آقای وزیر بهداشت پرسیده‌ام، از آقای وزیر محترم کشاورزی پرسیده‌ام؛ همینجا عرض کنم: واقعاً - بعداً - ممکن است اظهار نظرهای صریح‌تری را مجبور شوم، مطرح کنم. ولی الان هیچ‌کس را به هیچ چیز متهم نمی‌کنم - سؤال می‌پرسم و این را بدانید، اگر پاسخ این سؤال داده نشود، ابزارهای بیشتری دست ماست. شما می‌دانید: روحانیت هروقت تصمیم گرفته، یک چالش را از سر راه زندگی مردم ایران بردارد، این کار را انجام داده است. بنده پیشنهاد می‌کنم، دوستان توسعه‌گرا وارد این مصاف نشوند. اجازه دهند، بحث به صورت علمی باقی بماند. بنده این مطالب را قبلاً به آقای نوبخت گفته بودم؛ گفته بودم: آقای نوبخت بنده حاضر هستم، تحقیقات خودمان را در حوزه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در اختیار شما قرار دهم، کاری نکنید در برنامه ششم، ما به مصاف بیاییم. دیدید در برنامه ششم به مصاف آمدیم و الان برنامه ششم در اختیار شما نیست. این مسیر را ما ادامه می‌دهیم. طرح‌های بزرگی در حوزه‌های علمی قم در حال طراحی است. زندگی مردم را فکر توسعه‌ای به چالش کشیده است. امروز در شهر تهران ۴۲ درصد طلاق وجود دارد. من سؤال می‌پرسم: همه دوستان توسعه‌گرا، همه کسانی که شعار رفاه مردم را می‌دهند، فروپاشی نهاد خانواده در حد ۴۲ درصد عامل ضد رفاه نیست؟ چرا نظام برنامه‌ریزی توسعه‌گرا نمی‌خواهد خود را اصلاح کند؟ حال این سوال را پرسیدم، چون وقت بنده تمام است.

چهار سؤال دیگر در نامه‌ام به ایشان نوشته‌ام؛ بنده دوباره عرض می‌کنم: من می‌خواهم راجع به این مسائل گفتگو کنم، خصوصاً بند چهارم نامه! خصوصاً بند چهارم نامه! که به معنای ارائه یک نظریه کاربردی مقابل بیوتکنولوژی است. بیائید گفتگو را بپذیریم و بحث کنیم. اگر توانستید پاسخ سؤالات را بدهید، نخبگان قضاوت می‌کنند. رسانه‌ها هم قضاوت می‌کنند. چه هراسی از بحث‌های علمی است؟ حال این سؤال اول بود. یک جمله آخر عرض کنم، در خدمت سؤالات دوستان باشم: جمله آخر بنده این است که به دلیل اینکه نظام ملی ارزیابی تراریخته‌ها در ایران وجود ندارد و کسانی که تراریخته‌ها را ترویج می‌کنند، خودشان ارزیابی می‌کنند؛ به دلیل اینکه ما با یک دشمن بسیار خطرناک که طراحی‌های هوشمند بر علیه ما طراحی می‌کند روبرو هستیم بنده حدس می‌زنم، لایه پنجم تهاجم علیه ملت ایران، لایه حملات بیولوژیک باشد. خدایا شاهد باش! در این جلسه، برخی از اسناد را با طرح یک سؤال پرسیدم! نشود روزی برسد که بشود دوران پسابرجام که دائماً می‌گفتیم با این مسأله مبادلات دلاری، حل نخواهد شد. این هم سندش. دوستان می‌گفتند: تمام تحریم‌ها حل می‌شود. حال الان چه کار کنیم؟! حال آن برجام بود. به قول آن دوستان که می‌گفت: آنکه در راکتور اراک بتن بریزد فناوری هراس است. یک شعری دوستان ساخته‌اند: «آنکه بتون بریز است / فناوری هراس است» بنابراین، آنقدر که راکتور ما را به چالش کشیدند، مسأله غذا راکتور نیست! این مسأله مهمی است. حالا ان شاء الله بتوانند جواب سؤال اول را بدهند. بنده برای بار چندم عرض می‌کنم: هرجا مناظره باشد، بنده حاضر هستم. بیایند پاسخ سؤالات را بدهند. البته بنده در مناظرات سؤال دارم! مثل این سؤالی که مطرح کردم. در خدمتتان هستم!

مجری: با تشکر از حجت‌الاسلام و المسلمین کشوری، دبیر محترم شورای راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از اینکه وقت را تنظیم کردند و وقت شما عزیزان و حضار را احترام گذاشتند و طبق تایم و به موقع به پایان رساندند، تشکر می‌کنم. ما با توجه به اینکه نشست دیگری بعد از این نشست داریم، حدود پنج دقیقه در خدمت حضار محترم هستیم؛ سؤالی اگر مدنظر هست، طرح شود و بعد از آن در خدمت حاج آقا هستیم برای اینکه به سؤالات پاسخ دهند.

سوال حضار: اگر این اسنادی که شما می‌فرمایید که در این سطح بالا نفوذ اتفاق افتاده، چرا این اسناد را به وزارت اطلاعات و یا اطلاعات سپاه و یا نهادهای دیگر ارجاع نمی‌دهید که مسأله حل و فصل شود؟



پاسخ: ابتدا نکته‌ای عرض کنم، ما در شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی، عضو کوچکی از جبهه گسترده مخالفان تراریخته در کشور هستیم، بخش قابل توجهی از این اطلاعات هم‌اکنون در اختیار دوستان قرار گرفته است. یعنی بنده برای این کار، رفتم شخص آقای وزیر بهداشت را در مشهد زیارت کردم -ایشان بسیار انسان خوش‌مشربی هم هستند- خدمت ایشان رسیدم، جلسه بسیار کوتاه بود، در حضور آقای علم‌الهدی بود؛ بنده به ایشان عرض کردم: این اسناد موجود است و می‌توانیم در اختیار شما قرار دهیم که ایشان گفتند: برخی از این اسناد را بررسی کردم. قرار بود جلسه‌ای تنظیم کنند. بسیاری از این بحث‌ها و گفتگوها در اختیار مراجع محترم هم قرار گرفته است. همین دیروز که در جلسه‌ای در حوزه علمیه قم راجع به موضوع الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت برمی‌گشتم، دوستان خبر دادند: خارج فقه تراریخته‌ها هم در حدود ده جلسه در مدرسه آیت‌الله گلپایگانی برگزار می‌شود. آن اندازه که وقت داشتیم و فرصت داشتیم در اختیار دوستان قرار دادیم. یک هدف داشتیم که مسأله تجاری‌سازی تراریخته‌ها متوقف شود تا این سؤالات بحث و بررسی شود. به فضل الهی محقق شد. برنامه ششم را هدف داشتیم که به چالش بکشیم، بیش از انتظار به چالش کشیده شد. برنامه ششمی که دولت پیشنهاد داده، دیگر وجود خارجی ندارد. اگر باز هم مسئولین محترم لازم بدانند ما در خدمت آنان هستیم. به هر حال این، سؤالات است، اگر لازم بدانند می‌توانیم این سؤالات و اسناد آن را در اختیارشان قرار دهیم.

خبرنگار تسنیم: ما دو روز پیش در اینجا خدمت آقای تولایی بودیم. ایشان اصرار داشتند که با تجاری‌سازی تراریخته به سمت استقلال پیش می‌رویم. ایشان به شدت مصر بودند که اگر به سمت تجاری‌سازی حرکت کنیم، می‌توانیم جلوی واردات را بگیریم. در حالی که وقتی سر خط‌ها را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم سفر اشخاصی مثل مک‌کوئین به ایران کاملاً در راستای این است که می‌خواهند با ایران بر سر قضیه تجاری‌سازی همکاری کنند. اگر بخواهید این مطلب را باز کنید در جواب آقای تولایی چه توضیحی می‌دهید؟ این نکته هم قابل ذکر است که ایشان در انتهای بحث‌شان تجاری‌سازی را به مسأله اقتصاد مقاومتی گره زدند.

حجت‌الاسلام کشوری: بله! آقای تولایی را بنده همین‌جا به مناظره دعوت می‌کنم. ایشان بیایند گفتگو کنیم و سؤال‌ها را جواب بدهیم. بنده هم عرض می‌کنم یک طلبه کوچک هستم از حوزه علمیه قم؛ پنج سؤال در مورد تراریخته‌ها دارم. این جواب بنیادین شما بود، منتهی راجع به بحثی که شما فرمودید یک نکته کوچکی را اینجا عرض کنم: ببینید! مشکل اصلی دوستان روش تحقیق‌شان است. اینها فکر می‌کنند در یک دنیای گل و بلبل زندگی می‌کنند -متأسفانه این آفتی است که در جامعه علمی ما رواج دارد- و هیچ سلطه و تسلطی نیست. تاریخ نخوانده‌اند دیگر؛ چرا که اگر تاریخ آمریکا را خوانده بودند دقیق‌تر بررسی می‌کردند، در واقع باید بگوییم آدم‌های خوبی هستند. اگر مطالعات اندکی در باب طراحی‌های امنیتی، سیاسی -که بنده از آنها به طراحی‌های هوشمند در عصر جدید تعبیر می‌کنم- داشته باشند، حتماً احتمال می‌دهند که حرف‌های بنده، حرف‌های درستی است. بله! می‌توانیم به اسم استقلال و اقتصاد مقاومتی هر حرفی بزنیم. یک خاطره عرض بکنم که ختم سخن باشد برای سؤال خوب شما: یاد می‌آید که ابتدای فصل تدوین برنامه ششم یک نشستی در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور برگزار شد راجع به لایحه پیشنهادی دولت برای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. استحضار دارید که این لایحه پنج صفحه است. دولت پنج صفحه آورد و گفت این الگو است. آقای نوبخت در آن جلسه‌ای که می‌خواست این لایحه را معرفی کند -من تشکر می‌کنم بابت این صداقت‌شان- گفتند ما در مجمع تشخیص مصلحت نظام داشتیم تحقیقات حول مدل‌های جدید توسعه را جلو می‌بردیم، وقتی آقا بحث الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را مطرح کردند اسمش را الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت گذاشتیم. حالا می‌گویم این برادران هم دوستان آقای نوبخت‌اند؛ اسم حرف‌های خودشان را نام‌های خوب می‌گذارند. نقل است در زمان شاه یک نفر که انسان بدکاره‌ای بود -کارهای بد می‌کرد- انقلاب که شد همان کارها را انجام می‌داد ولی اسمش را عوض می‌کرد. بله! وقتی آقای نوبخت نام تئوری‌های توسعه غربی را الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت می‌گذارد، آقای تولایی و دوستان‌شان هم اجازه دارند -وقتی بزرگان‌شان چنین کارهایی می‌کنند- اسم مسأله تراریخته‌ها را اقتصاد مقاومتی بگذارند. با اسم که چیزی تغییر نمی‌کند. اگر آقای قره‌یاضی هم نیامد بنده حاضرم با آقای تولایی مناظره و مباحثه کنم.

مجری: متشکرم. با توجه به اینکه وقت‌مان رو به اتمام است فقط یک نفر دیگر سؤال بفرمایند تا بعد جلسه را تمام کنیم.



یکی از حاضرین: خسته نباشید. ما در کشور در مورد تراریخته‌ها با دو دیدگاه صفر و صدی روبرو هستیم. یک عده‌ای هستند که می‌گویند: می‌تواند ما را به عرش اعلاء برساند، یک عده‌ای هم مثل شما و امثال شما می‌گویند اگر تحقیقات با هدفمندی خاصی اجرا نشود می‌تواند به عقیم‌سازی یک نسل ختم گردد. از طرفی هم رهبری در مورد اهمیت بیوتکنولوژی و شرکت‌های نوبنیاد حمایت می‌کنند. چرا شما گزارش بحث‌های خود و خطرات تراریخته‌ها را به ایشان نمی‌دهید؟

حجت‌الاسلام کشوری: ببینید! بنده در بندهای دیگر نامه توضیح داده‌ام که از تکنولوژی عقب‌افتاده‌ی تراریخته در چه جاهایی استفاده کنیم، اینها را توضیح داده‌ام. نامه بنده پنج بند دارد، فعلاً آن بحثی که ما با آن مخالفیم تجاری‌سازی تراریخته‌هاست، یعنی فعلاً سر سفره مردم نیاید. غیر از این دو تا بحث دارم: یکی اینکه برای تصرف در ظرفیت اولیه موجودات تئوری جایگزین دارم، یعنی اینکه چطور بشود در ساختار مولکولی موجودات تصرف کرد ما بحثی را مطرح کرده‌ایم که باید زیرش نوشت **no refrence**. یک بحث نو و جدید است که پیشنهاد می‌کنم بررسی گردد. یک بحث دیگری هم داریم که بنده در بند آخر نامه آن را گفته‌ام: چون از بیوتکنولوژی علیه ملت ایران استفاده می‌شود، آقایان قید تجاری‌سازی‌اش را بزنند و بیایند تخصیص‌اش را عوض کنند. ما دوستان متخصص حوزه بیوتکنولوژی را به عنوان یک گردان پدافندی به رسمیت می‌شناسیم، بله! ما یک عده‌ای می‌خواهیم که طرح‌های شیطان را مسلط باشند، بنده می‌توانم از آقای بهزاد قره‌یاضی در این حد دفاع کنم. نه اینکه ایشان برنج تراریخته طراحی کند بعد هم بخواهد تجاری‌سازی‌اش بکند آنهم بدون نظام ملی ارزیابی. ببینید! اگر گفت‌وگو باشد همه چیز حل می‌شود، دوستان نمی‌خواهند وارد بحث بشوند و نمی‌خواهند گفت‌وگو کنند، نمی‌خواهند سؤالات را پاسخ بدهند بعد برای‌شان حل نمی‌شود. با وجود دوستان متخصص در عرصه بیوتکنولوژی ما الان سرمایه‌ای داریم؛ از نظر من اینها برای جمهوری اسلامی یک سنگر دفاعی‌اند، کسانی که راکفلرها، مونسانتو، بورلاگ‌ها و کنت‌مک‌کوئین‌ها را خوب می‌شناسند بیایند تغییر رویه بدهند. ببینید! گفت‌وگو که می‌کنند، طرف مقابل را به چالش هم می‌کشند و نمی‌گذارند بحث جلو برود. بنابراین نگاه ما صفر و صد نیست. عرض کردم هدف این بود که تجاری‌سازی تراریخته‌ها به چالش کشیده شود که از موقع تصمیم‌گرفتن تا موقع اجرایی‌شدنش چندماه بیشتر طول نکشید. حالا سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور یا همین روند را ادامه می‌دهد که من به شما قول می‌دهم همین طراحی‌ها را انجام خواهیم داد و اجازه نمی‌دهیم طرح‌های مبتنی بر توسعه پیش برود. چون هفتاد سال است تجربه شده است؛ آموزه را آزمودن خطاست. ما نیاز داریم به یک گفت‌وگوی ملی پیرامون الگوی اداره جامعه، این راهی است که پیش‌روی سازمان مدیریت قرار گرفته است.

مجری: تشکر می‌کنم از حضار محترم و حضرت حجت‌الاسلام و المسلمین کشوری. این جلسه و مناظره به اتمام می‌رسد با ذکر یک صلوات بر محمد و آل محمد.



۲۰. متن کامل گفتگوی حجت الاسلام و المسلمین کشوری با خبرنگار آستان (رسانه اینترنتی حرم مطهر امام خمینی) در تاریخ ۲۲ آذرماه ۱۳۹۵

بسم الله الرحمن الرحيم

بنده مدت‌ها بود که به زیارت مرقد مطهر امام خمینی نیامده بودم، یعنی دقیقاً بعد از اینکه این نوسازی عجیب و غریب در حرم امام خمینی اتفاق افتاد، یک مقدار برای بنده سخت شد که برای زیارت به اینجا بیایم. قبلاً بنده به صورت مرتب به اینجا می‌آمدم؛ به دلیل اینکه سادگی مرقد امام، شبیه سادگی زندگی خود ایشان بود، ولی متأسفانه یا به صورت غافلانه و یا عمدانه - که ظاهراً غافلانه است - برنامه‌هایی ریخته شده است و بنده اسم این برنامه‌ها را هویت‌زدایی از امام خمینی می‌گذارم. بنده همیشه این سؤال را از خودم پرسیده‌ایم که کسانی که سادگی پیامبرگونه‌ی امام خمینی عظیم‌الشأن را قبلاً دیده بودند وقتی به اینجا می‌آیند چه ذهنیتی پیدا می‌کنند و چه سؤالی در ذهن آنها ایجاد می‌شود؟ بنده دقیقاً به این نتیجه می‌رسم که ادامه‌دهندگان راه امام و تولیت محترم آستان مقدس امام خمینی ظاهراً دارند از معرفی امام غفلت می‌کنند و این موضوع به صلاح نیست.

این نکته اولی است که بنده خواستم عرض کنم؛ آن مرقد ساده‌ی قبلی خیلی بهتر بود و تناسب بیشتری با مشی و مرام امام خمینی در دوران زندگی‌شان داشت.

نکته دوم بنده از نکته اول مهم‌تر است و آن نکته این است که تفاوت امام خمینی عظیم‌الشأن با سایر فقها این بود که امام بر اساس فقه شیعه نظام‌سازی کردند؛ در واقع نظام‌سازی اجتماعی مبتنی بر فقه، نوآوری امام بود. لذا اگر بخواهیم راه امام خمینی ادامه پیدا کند، باید نظام‌سازی اجتماعی را مبتنی بر فقه شیعه ادامه دهیم. این معنا نیز در مؤسسه‌ی نشر آثار امام خمینی بسیار کم‌رنگ می‌باشد و بهتر است بگوییم که نادیده گرفته شده است؛ یعنی ابعاد نظام‌سازی اجتماعی مبتنی بر فقه شیعه برای مردم تبیین نمی‌شود.

پس اتفاق تلخ اول این است که امام را به نسل جوان به گونه‌ای معرفی می‌کنیم که امام آن‌طور نبودند؛ امام ما ساده بود ولی مرقد امام بسیار مجلل شده است. در حوزه فکر امام نیز بر روی مسأله نظام‌سازی اجتماعی تمرکز نمی‌کنیم و لذا چهل سال بعد از انقلاب اسلامی سیستم‌های مدرن و تفکرات مبتنی بر توسعه غربی هر روز در حال جولان دادن هستند. این نیز خسارت دوم است.

امیدوارم عرایض بنده به گوش حضرت حجت الاسلام و المسلمین سید حسن خمینی برسد. ان شاء الله اگر فرصتی شد بنده حضوراً نیز خدمت ایشان رسیده و این مسائل را مطرح می‌کنم.



۲۱. گفتگو با ۵۹۸: در نظام برنامه‌ریزی به سیاست‌های رهبری در خصوص بهبود معیشت اقشار ضعیف توجهی نمی‌شود/ ما تصمیم گرفتیم برای برنامه هفتم برنامه‌ای مبتنی بر الگوی پیشرفت اسلامی بنویسیم

بسم الله الرحمن الرحيم

حجت الاسلام علی کشوری، دبیر شورای راهبردی الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت با حضور در چهارمین نمایشگاه رسانه‌های دیجیتال انقلاب اسلامی، از غرفه پایگاه ۵۹۸ بازدید نمود.

ایشان در خصوص دلایل مخالفت مجمع تشخیص با برنامه ششم اظهار داشت: موضوع نامه‌ای که توسط مجمع تشخیص به آیت‌الله جنتی نوشته شد تبیین مغایرت‌های برنامه ششم با اسناد بالادستی نظام بود و اعلام شد که ۱۶ مورد مغایرت اساسی وجود دارد که برای مثال می‌توان وابستگی بیش از حد بودجه به نفت و یا سیاست‌های حوزه سلامت را به عنوان برخی از آنان برشمرد.

وی ادامه داد: معنای این عبارت این است که اولاً تعداد مغایرت‌ها بیش از اینهاست و این ۱۶ مورد اهم آنهاست. ثانیاً بنای مجمع تشخیص این نبوده است که تطابق برنامه ششم با اسناد بالادستی را بررسی کند.

کشوری تصریح کرد: برای مثال یکی از اسناد بالا دستی نظام سیاست‌های ۸۰ گانه ابلاغی رهبری برای برنامه ششم است و این ۸۰ مورد سیاست باید احکام اجرایی پیدا کنند ولی لایحه ۳۵ ماده‌ای که دولت به مجلس داده و حتی ۱۱۰ ماده‌ای که مجلس به آن اضافه کرد، احکام اجرایی ذیل سیاست‌های ابلاغی رهبر انقلاب تعریف نمی‌شود.

دبیر شورای راهبردی الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت گفت: متأسفانه در نظام برنامه‌ریزی کشور به اسناد بالادستی نظام توجه نمی‌شود. برای مثال در همین سیاست‌های ۸۰ گانه رهبری برای برنامه ششم بحث مهمی در حوزه تربیت در سنین کودکی و نوجوانی وجود دارد، اما اگر نگاهی به برنامه ششم بیندازید مشاهده می‌کنید که برنامه ششم از این موضوع خالی می‌باشد و هیچ حکم برنامه‌ای مشخصی برای این موضوع وجود ندارد و صرفاً یکسری کلیات بیان شده است.

کشوری ادامه داد: نمونه‌های زیادی از این بی‌توجهی‌ها به سیاست‌های ۸۰ گانه رهبری برای برنامه ششم مشاهده می‌شود و مجمع ۱۶ بند آن را مغایرت قطعی می‌داند و خیلی از مغایرت‌ها را بحث نکرده است.

وی تصریح کرد: اما چیزی که باید در نظام برنامه‌ریزی اصل قرار گیرد این است که برنامه‌ریزی با اسناد بالادستی تطابق داشته باشد و اینکه ما موارد مغایر را احراز کنیم راه درستی نیست. در نتیجه بسیاری از سیاست‌های اعلامی رهبری به نتیجه نمی‌رسد و دقیقاً سیاست‌هایی چنین وضعیتی را دارند که ناظر بر بهبود معیشت قشر ضعیف جامعه است.

کشوری گفت: اینکه چرا سازمان برنامه و بودجه به اسناد بالادستی نظام بی‌تفاوت است به این برمی‌گردد سازمان برنامه و بودجه براساس توسعه غربی برنامه‌ریزی می‌کند و اسناد بالادستی براساس نگاه انقلاب و الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت ابلاغ می‌شود.

وی خاطر نشان کرد: ما زمانی که اشکالات برنامه ششم را بررسی می‌کردیم همیشه دو اشکال را وارد می‌کردیم. اشکال اول عدم توجه به اسناد بالادستی که با ابلاغ اخیر مجمع تشخیص در این خصوص، ادعای ما اثبات شد. اشکال دوم در عدم فهم مفاهیم الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت توسط نظام برنامه‌ریزی کشور بود.

کشوری گفت: جابجا شدن مدیران هم این مشکل را حل نمی‌کند و این بن‌بستی است که نظام برنامه‌ریزی در آن گرفتار شده است و تنها راه علاج آن هم گسترش الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت است.

ایشان افزودند: ما تصمیم گرفتیم چنانچه نظام برنامه‌ریزی فعلی پابرجا بود برای برنامه هفتم برنامه‌ای مستقل از نگاه توسعه‌گرای غربی مبتنی بر الگوی پیشرفت ایرانی اسلامی بنویسیم. این برنامه سه قسمت دارد که قسمت اول شامل مبانی نظری برنامه با نگاه پیشرفت اسلامی، قسمت دوم ساختار و محورهای مهم برنامه‌ریزی از نگاه الگوی پیشرفت و قسمت سوم اعداد کمی برای برنامه است.

وی ادامه داد: پیشنهاد بنده به جبهه فکری و فرهنگی انقلاب این است که از حالت انتقاد به توسعه غربی خارج شوند؛ چراکه این جریان با شکست هفتادساله برنامه‌های خود در ایران به سمت مرگ کاربردی میل پیدا کرده است همانطور که پیشنهاد این جریان برای رفع تحریم‌ها و حوزه سیاست خارجی شکست خورد و برجام میوه نظری سیاست خارجی توسعه‌گرای غربی است و

به نوعی می‌توان مهمترین دستاورد دوران پسابرجام را شکست نظریات توسعه‌گرای غربی به گونه‌ای که تمام مردم متوجه آن شدند دانست و چنین شکستی برای این جریان در ۲۰۰ سال اخیر بی‌نظیر است پس جبهه فکری و فرهنگی انقلاب باید به سمت نظام‌سازی اسلامی اجتماعی حرکت کند.



۲۲. مصاحبه حجت الاسلام کشوری با شماره ۱۷۰ خردنامه (بهمن ۱۳۹۵) / جریان توسعه گرا در موضع دفاع است؛ نه ما! / پایه نرم افزار دولت اسلامی، فهم دقیق مفهوم هدایت است

بسم الله الرحمن الرحيم

اشاره:

برنامه‌های توسعه‌ی قبل از انقلاب متناسب با اهداف دولت‌سازی مدرن تحمیلی در ایران عصر پهلوی توسط آمریکایی‌ها تدوین شد. انقلاب اسلامی در اوج اجرای برنامه‌های توسعه در ایران به پیروزی رسید و نوید حرکت در مسیر حیات طیبه را داد. ساخت دولت اسلامی نیازمند الگویی متناسب با آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی است و از این حیث شاید بتوان بازگشت به برنامه‌های توسعه در آغاز عصر سازندگی را نقض غرض انقلاب اسلامی دانست. در سالیان اخیر و با گسترش گفتمان پیشرفت، فضای مساعدتری برای بحث در مورد الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت به وجود آمده است.

برای تشریح این الگو ساعت ۶:۳۰ صبح یکی از روزهای سرد دی‌ماه در دفتر مجله با حجت‌الاسلام کشوری به گفتگو نشستیم که در ادامه متن مشروح آن از منظران خواهد گذشت.

تعریف شما از دولت‌سازی اسلامی چیست؟

برای پاسخ به این سؤال باید به فکر اصلی انقلاب به عنوان پایه بحث توجه کرد. به واقع اندیشه اصلی انقلاب برای اداره جامعه چیست و آیا وقتی امام حرکت انقلاب را آغاز کردند و آن را به سرانجام رساندند در ذهنشان برای اداره جامعه ایده‌ای وجود داشته است یا خیر؟ اگر این نقطه آغاز بحث باشد، باید گفت فکر اصلی انقلاب اسلامی تغییر نظم اجتماعی یا نظام‌سازی اجتماعی-اسلامی است. به این معنا که چون رابطه مستحکمی بین نظم اجتماعی و سبک زندگی وجود دارد، اگر به دنبال اصلاح سبک زندگی هستیم و می‌خواهیم سبک زندگی اسلامی در جامعه محقق شود باید حتماً نظامات اجتماعی را بازتعریف کنیم. پس نظام‌سازی اجتماعی فکر پایه انقلاب اسلامی است.

نظامات اجتماعی روال‌هایی است که مردم در آن‌ها زندگی می‌کنند. به عنوان مثال الان در سال ۱۳۹۵ شروع نظم آموزشی ایران از مهدکودک و بعد دوره‌ی ابتدایی، متوسطه و در نهایت تکمیلی است و تقریباً در همه این دوران تحصیلی روح مدل آموزشی ما درس خواندن برای امتحان و ارزیابی براساس نمره است. پس نظمی در این نظام آموزشی وجود دارد که همه آن را پذیرفته‌اند و خود را با آن هماهنگ می‌کنند. این نظم در حوزه اقتصاد هم متصور است. به این معنا که مثلاً اگر کسی بخواهد کار اقتصادی انجام دهد از ثبت شرکت شروع می‌کند و به تبلیغات در صدا و سیما، بازاریابی و حضور در بازار مصرف ختم می‌شود. هر حوزه‌ای که تصور کنیم روال خاص خود را دارد. این‌ها نظامات اجتماعی است و چون تاثیر زیادی بر سبک زندگی دارد، حرف اصلی انقلاب اسلامی این بود که این نظامات اجتماعی باید تغییر کند. ما بدون فهم این نظام‌سازی اجتماعی نمی‌توانیم گزاره دیگری را در انقلاب اسلامی تحلیل کنیم و تحلیلیمان ناقص خواهد بود. به طور مثال اگر تاریخ انقلاب اسلامی را مطالعه کرده باشید، وقتی بختیار بر سر کار آمد و انقلاب اسلامی در اوج خود بود، بختیار پیشنهاد داد که امام ع در انتخابات شرکت کند و اگر رای آورد اصلاحات مورد نظرش را اعمال کند؛ اما امام پاسخ دادند که اسلام خودش حکومت دارد. یعنی امام نظم سیاسی رژیم شاه را نپذیرفتند و حرفشان این بود که اسلام می‌تواند خودش نظم سیاسی دیگری بر جامعه حاکم کند. در عمل هم امام بر مبنای این نظام‌سازی حرکت کردند.

یا مثلاً وقتی که امام به قدرت رسیدند و اختیارات جامعه را به دست گرفتند برای حوزه‌ی امنیت کشور نظریه‌ی کارآمد و دینی بسیج را مطرح کردند و نظم حوزه‌ی امنیتی جامعه را براساس این نظریه بازتعریف کردند. با این‌که در حوزه‌ی امنیت تعاریف خاصی در دنیا وجود دارد، ایشان تعریف منحصر به فرد خود را ارائه دادند. ثمره‌اش هم در حال حاضر واضح است؛ ایرانی که در ناامن‌ترین منطقه جهان قرار گرفته، امن‌ترین منطقه جهان است. هیچ کشوری مانند ایران نیست که این همه طراحی‌های امنیتی علیه آن اتفاق افتاده باشد. با وجود همه طراحی‌های امنیتی علیه ایران بازهم امنیت برقرار است. این، نشان از استحکام و قوت نظم امنیتی دارد. این‌ها نمونه‌هایی از ایده‌های امام ع برای نظام‌سازی بود که منجر به تغییر نظم در حوزه‌های مختلف شد. امام در هشت حوزه، نظامات اجتماعی و نظم اجتماعی را تغییر دادند. با توجه به نکاتی که عرض کردم، دولت‌سازی اسلامی به معنای عملیاتی کردن ایده‌ی نظام‌سازی اجتماعی در همه حوزه‌هاست.

بنابراین وقتی درباره دولت‌سازی اسلامی صحبت می‌کنیم از یک نظام اسلامی همه‌جانبه بحث می‌کنیم. به طور مثال الان در حوزه اقتصاد نظم توسعه غربی حاکم است و باید به سمتی برویم که این نظم را عوض کنیم. در حوزه آموزش نیز تلاش بر این است که نظم آموزشی تغییر کند. با توجه به این که چهار دهه از انقلاب اسلامی می‌گذرد هنوز هم نظم اجتماعی را مبتنی بر دین بازتعریف نکرده‌ایم. پس وقتی درباره دولت‌سازی صحبت می‌کنیم باید بدانیم که غرض از آن بازتعریف نظامات اجتماعی با نگاه اسلامی است.

از بازخوانی ویژگی‌هایی که در نظام‌سازی اجتماعی-اسلامی از اول انقلاب تا الان بوده است، می‌توان قواعدی را استنباط کرد که برای ادامه نظام‌سازی اجتماعی نیاز است و از دل آن‌ها سوالات شما پاسخ می‌یابد. به طور مثال وقتی که امام مسئله ولایت فقیه را به عنوان محور نظم اجتماعی مطرح کردند در واقع ولایت فقیه پایه مدیریت خود را براساس هدایت جامعه قرار داد و اصطلاحاً قواعد دموکراسی غربی و دیکتاتوری را نقض کرد و ولی فقیه هم به امام اجتماع و امت تبدیل شد. در نگاه اسلامی واسطه بین امام و امت مسئله هدایت است و امت شکل نمی‌گیرد مگر اینکه یک فکر مشترک پشتیبان آن باشد. امام کسی است که بتواند آن فکر مشترک را در میان یک عده از افراد ایجاد کند. فرایند ایجاد این ایده و فکر مشترک را اصطلاحاً به هدایت تعبیر می‌کنند. اگر مدیریت ولی فقیه را هدایت‌بنیان فرض کنیم - که بحث‌های نظری طولانی دارد و در این مقال نمی‌گنجد - کارکرد کارگزار، ساختارها و نقش مردم به تدریج شفاف می‌شود.

این کارکرد اصلی ولایت فقیه و هدایت‌بنیان بودن اداره جامعه توسط او به چه معناست؟

با دو مثال پاسخ سوال شما روشن خواهد شد. طی شش تا هفت سال اخیر دو پروژه بزرگ توسط ولی فقیه فعلی مدیریت شد و آن‌قدر ابعاد این دو پروژه بزرگ بود که در همه جای جهان، در خارج و داخل و در رسانه‌ها، دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها و اندیشکده‌های مهم دنیا درباره آن صحبت شد. پروژه اول مدیریت فتنه ۸۸ و پروژه دوم هم مدیریت بروجام بود. اگر این دو پروژه را با نگاه دقیق بررسی کنیم، درمی‌یابیم غرض اصلی هر دو پروژه و محور اصلی مدیریت ولی فقیه در آن‌ها، بصیرت‌افزایی و تلاش برای افزایش تجربه ملت ایران بوده است. در واقع محور کار هر دو این بود که رهبر انقلاب درک مردم را نسبت به هر دو موضوع افزایش دهد.

دو موضوع مطرح بود که یکی از آن‌ها چالش سیاسی در حوزه داخلی بود و دیگری چالش سیاسی در حوزه بین‌المللی. با این که این دو موضوع متفاوت بودند، اما در هر دو شکل کار بر پایه افزایش تجربه و افزایش درک و ارتقای مسئله هدایت بوده است. به این معنا که تلاش اصلی رهبر انقلاب در فتنه ۸۸ بر این بود که درک غلطی را که نسبت به انتخابات ایجاد شده بود، اصلاح کند. زیرا بخشی از مردم می‌پنداشتند که داستان واقعا داستان تقلب است. نهایتاً این مسئله در روز نه دی اصلاح شد و مردم فهمیدند که انتخابات بهانه است و اصل نظام و اصل دین نشانه است.

در قضیه دوم که داستان بروجام بود، دروغ دیگری شکل گرفت و آن این بود که رابطه با آمریکا می‌تواند مشکلات مردم را حل کند. در حال حاضر تقریباً بخش قابل توجهی از ملت ایران به غلط‌بودن این گزاره پی برده‌اند و متوجه شده‌اند که این گزاره غیرواقعی بوده است. هم گزاره تقلب در انتخابات و هم گزاره حلال مشکلات بودن آمریکا، غیرواقعی بودنش اثبات شد. با این دو مثال واضح شد که وقتی می‌گوییم نظم سیاسی مد نظر رهبر انقلاب و اداره جامعه هدایت‌بنیان است، یعنی چه. در نظم امنیتی هم کار به شکلی جلو رفت که مسئله اصلاح نگرش‌ها اصالت پیدا کرد. به طور مثال در نظریه بسیج، محور اصلی این است که نگاه به مرگ و زندگی اخروی و هزینه‌هایی که انسان برای ارزش‌ها می‌دهد اصل به حساب می‌آید؛ چه رزمندگانی که در دوره دفاع مقدس بودند و چه افرادی که اکنون در لباس مدافعان حرم از جمهوری اسلامی و تفکر اسلامی دفاع می‌کنند، نگاهشان نسبت به مرگ متفاوت است. آن‌ها مفهوم شهادت را درک کرده‌اند و دارای ارزش می‌دانند. نگاهشان به زندگی دنیا و مرگ در راه اهداف با نگاه دیگران متفاوت است. حال عرض بنده این است که مثل بحثی که در نظم اجتماعی-سیاسی داشتیم، در نظریه بسیج و حوزه امنیت هم باز متغیر اصلی تغییر نگاه است. اگر معارف دینی را اصل قرار ندهیم بسیج کارکرد خود را از دست می‌دهد و چیزی شبیه ارتش آمریکا می‌شود. پس نظام‌سازی مبتنی بر رویکرد «تغییر نگاه» و «هدایت» هم متفاوت خواهد بود.



بحث را گم نکنیم. ما در حال بازخوانی روش نظام‌سازی امام بودیم. در هر دو مثالی که عرض کردم یعنی در بحث نظریه ولایت فقیه و نظریه امنیتی ایشان، متغیر اصلی هدایت جامعه و تغییر نگاه جامعه است. اگر کسی که در حال مدیریت بخش امنیت است و کسی که بخش کلان و سیاسی جامعه را مدیریت می‌کند نتواند نگاه متفاوتی ایجاد کند، نمی‌تواند از این نظریه در حوزه‌های عملی مدیریت خود استفاده کند. در قضایای حضور مستشاری ایران در سوریه، این بحث نمود خوبی دارد. گفته می‌شد که میان بعضی از مستشاران و آقای قاسم سلیمانی اختلافاتی رخ داده است و بعضی مستشاران به این قواعدی که عرض می‌کنم توجه نمی‌کردند و می‌خواستند که حضور در سوریه را با استانداردهای دافوس تعریف کنند. در حالی که حرف اصلی ما برای حضور در سوریه نظریه بسیج بود که روح اصلی این نظریه هم این است که فرمانده بتواند نگاه خود را به زبردست خود منتقل کند. در واقع ضعف اصلی دافوس این است که بیشتر محاسباتش برای حوزه امنیت و دفاع حول امکانات و تکنولوژی و محاسبات دیگر شکل می‌گیرد، در حالی که محاسبات در بسیج حول قواعد تغییر نگاه است. غرض اینکه در هر دو حوزه‌ای که بحث شد موضوع اصلی بحث هدایت است.

در بحث دولت اسلامی سه عنصر ساختار، کارگزار و نرم‌افزار اهمیت اساسی دارد. با توجه به مطالبی که بیان فرمودید، در دولت اسلامی نسبت بحث هدایت با هر کدام از این عناصر و همین‌طور نسبت این سه عنصر در ارتباط با هم چگونه قابل تعریف است؟ در فرایند دولت‌سازی اسلامی که به معنای نظام‌سازی اجتماعی همه‌جانبه است، نقش کارگزار، ساختار و مردم، همه از نقش محوری هدایت تبعیت می‌کنند و اگر شما قدرت القای ایده و فربه کردن امر هدایت را در ذهن طرف مقابل نداشته باشید، همه چیز به چالش کشیده می‌شود. لذا در جایی که رهبر انقلاب می‌فرمایند روش و منش کارگزار باید اسلامی شود ناظر به این نکته است. اگر جایگاه هدایت در اداره یک جامعه جایگاه محوری است، کارگزاری که قدرت ایجاد هدایت دارد، جایگاهش جایگاهی محوری خواهد بود.

حوزه ساختارها هم از قواعد نظام‌سازی اسلامی ذیل هدایت تبعیت می‌کند. به طور مثال در همین حوزه امنیت وقتی توانستیم نگاه را در ذهن مدافعان بازتعریف کنیم و مدافعان به مسئله دفاع به عنوان منبعی برای درآمد نگاه نکنند بلکه با سود اخروی و براساس یک نگاه پیچیده دینی آن را تحلیل کنند، نتیجه‌اش این می‌شود که صدها هزار پایگاه مقاومت بسیج در سراسر ایران شکل می‌گیرد. پس نتیجه اصلاح نگاه، تمرکززدایی از ساختارهاست. اساساً ما زمانی به تمرکز ساختاری و ساختارهای متمرکز نیاز پیدا می‌کنیم که قدرت تفاهم ایده‌مان را نداشته باشیم. وقتی ایده‌مان به پذیرش نرسد هیچ عامل هماهنگ‌کننده دیگری متصور نیست. در نتیجه باید به سمت تعریف ساختاری متمرکز برویم که از بالا به پایین، با آیین‌نامه و قانون و دستورالعمل نظم دهد. در حالی که وقتی به سمتی می‌رویم که امر هدایت را فربه کنیم، نگاه مشترکی که از مسئله هدایت در ذهن افراد ایجاد می‌شود خود عامل هماهنگ‌کننده است و استفاده از ابلاغیه و آیین‌نامه و دستورالعمل به مسئله‌ای حداقلی در ساختار اداره یک جامعه تبدیل می‌شود، نه روح ساختار. یعنی میزان رسمیت سازمان در ساختارهای دینی کاهش می‌یابد. پس در ساختار دولت اسلامی چون امر هدایت نقش هماهنگ‌سازی را ایفا می‌کند، به سمت تشکیل ساختارهای غیرمتمرکز حرکت می‌کنیم. این مسئله در همه حوزه‌ها صدق می‌کند. به طور مثال با هدایت‌های رهبر انقلاب در حال حاضر بیش از ۴۰ هزار مؤسسه‌ی فرهنگی خودجوش در کشور ایجاد شده است. همه این‌ها در راستای انقلاب اسلامی کار می‌کنند. آیا وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یک ساختار بروکراتیک برای هماهنگی این‌هاست؟ چه چیزی باعث می‌شود که بیش از ۴۰ هزار مؤسسه فرهنگی در یک جهت خاص حرکت کنند؟ این همان ایده، نگاه و درک مشترکی است که کارگزار در ساختار ایجاد می‌کند. پس اگر سؤال شما این است که ساختار دولت اسلامی چگونه است، باید گفت که ساختار در دولت اسلامی غیرمتمرکز است و به سمت عدم تمرکز میل دارد و این هم به دلیل نقش هماهنگ‌کننده‌ای است که کارگزار دارد؛ کارگزاری که قدرت ایجاد هدایت دارد. از دل این توضیحات نقش مردم نیز واضح می‌شود و مردم خود سطح قابل توجهی از کارگزاری پیدا می‌کنند. این‌طور نیست که مردم عامل حکومت محسوب شوند. از آنجایی که آن ایده مشترک در ذهنشان شکل گرفته، در سطح قابل توجهی خودشان تصمیم می‌گیرند و در نتیجه نقششان در حکومت افزایش می‌یابد.

اگر فرایند دولت اسلامی تکمیل شود، حضور مردم و نقش مردم در حکومت اسلامی به حضور در راهپیمایی‌ها و انتخابات محدود نخواهد شد. در شرایط فعلی این‌ها مظاهر اصلی حضور مردم به حساب می‌آیند اما در دولت اسلامی این حضور



پیچیده‌تر، عمیق‌تر و فنی‌تر خواهد بود و چیزی شبیه به حضور مردم در هیئت و مساجد - اما به شکلی تخصصی‌تر - خواهد شد؛ یعنی مثل الان که تشکل‌های خودجوش مردمی شکل گرفته‌اند، بعدها هم بنگاه‌های تولید خانگی شکل می‌گیرند. به هر حال گمان می‌کنم توضیح مختصری به سؤال شما دادم گرچه باید به صورت تفسیری این بحث بررسی شود؛ یعنی در مورد رابطه بین کارگزار، ساختار و مردم در حکومت و دولت اسلامی با توجه به روح اصلی نظام‌سازی اسلامی که مسئله هدایت است، می‌توان این سه نقش را تفسیر کرد.

ضرورت بحث الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت و نرم‌افزار اداره‌ای که باید واسطه و روح میان کارگزار، مردم و ساختار در جامعه اسلامی باشد، در بحث هدایت چیست و چه جایگاهی دارد؟

اگر روح و رکن اصلی اداره‌ی دینی جامعه را مسئله هدایت بدانیم، اثر ساختاری آن تمرکززدایی خواهد بود. بنده در پژوهش‌هایی در مورد سه سؤال چرایی، چیستی و چگونه‌ی هدایت بحث کردم و این سه سؤال را ناظر به اداره جامعه مورد بحث قرار دادم؛ یعنی چرا هدایت باید محور اداره جامعه باشد؟ ابعاد هدایتی که از آن به عنوان روح اصلی در اداره جامعه صحبت می‌کنیم، چیست؟

فهم ما از مسئله هدایت بسیار ناقص است. هدایت جزء ابواب و کلمات فقهی‌ای است که کمتر در مورد آن بحث شده در حالی که جزء محورهای اصلی مدیریت پیامبران برای اداره جامعه بوده است. در آیه‌ی ۲۸ سوره‌ی مبارکه فتح خداوند عظیم می‌فرماید: «هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله» در این آیه اولین ویژگی‌ای که برای پیامبر در نظر گرفته شده، حرکت به سوی هدایت است. حال باید دقیقاً بحث شود که ابعاد «بالهدی» چیست؟ این بحثی فنی است که باید به آن پرداخت. در سؤال سوم هم بیان می‌شود که حالا هدایت را چگونه محقق کنیم. الگوی اسلامی پیشرفت به دلیل جایگاه محوری هدایت در اداره جامعه، در مورد چگونگی فربه کردن امر هدایت بحث می‌کند. الگوی پیشرفت اسلامی نسبت بین هدایت و همه‌ی بخش‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد. به طور مثال نسبت بین اقتصاد و هدایت یعنی اثر هدایت بر اقتصاد و متقابلاً تاثیر اقتصاد بر هدایت را تحلیل می‌کند. در یکی از سال‌های اخیر، طبق گزارش بانک مرکزی ۱۰۰ هزار میلیارد تومان از محل حساب‌های قرض‌الحسنه تجمیع شده است. این مبلغ دو برابر بودجه‌ای است که برای ساخت مسکن مهر صرف شده است. برای ساخت مسکن مهر حدود ۵۰ هزار میلیارد تومان هزینه شد. کسانی که به دنبال سود مادی هستند، حتماً حساب‌های قرض‌الحسنه را انتخاب نمی‌کنند. اصلاً انتخاب حساب‌های قرض‌الحسنه به خاطر نگاه دینی و سطح هدایت فرد است. فرد به این نتیجه رسیده که به جای آن که سود مادی ببرد سود اخروی ببرد. درست است که ماهیت قرض‌الحسنه دعوت به آخرت است، اما از محل همین حساب‌ها ۱۰۰ هزار میلیارد تومان تجمیع سرمایه شده که صرف حل مشکلات مردم شده است. این نکته واضح است که هدایت بر اقتصاد اثر داشته و باعث شده که پول ارزان‌قیمت تجمیع شود و هر جا که این پول هزینه شود سود سپرده‌گذار از مجموع هزینه‌های آن سرمایه‌گذاری کسر می‌شود، زیرا پول ارزان‌قیمت محسوب می‌شود. مثال دیگر در این زمینه معجزه صندوق‌های قرض‌الحسنه‌ی خانگی است که در همه‌ی کشور به صورت غیرمتمرکز وجود دارد و از مبالغ کمی چون ۵۰۰ هزار تومان تا مبالغی در حدود پنج میلیون تومان و بیشتر تجمیع می‌شود. بسیاری از مشکلات خرد مالی مردم از محل همین حساب‌ها تأمین می‌شود. حال اگر قرار بود این خدمات را بانک‌ها ارائه دهند و قواعدی که بر ضوابط بانکی حاکم است در این موارد هم حاکم بود، آن وقت می‌توان گفت که حتی یک‌هزارم این خدمات هم ارائه نمی‌شد. حال چرا این صندوق‌ها دچار شکست نمی‌شوند و کار خود را ادامه می‌دهند؟ زیرا در بستر خانوادگی و همسایگی و فامیلی شکل گرفته و اداره می‌شوند. خانواده که یک نهاد دینی است برای یک حرکت اقتصادی گسترده بسترسازی شده است و به جای آیین‌نامه‌ها روابط خانوادگی و همسایگی را اداره می‌کند.

از طرفی پرسش دیگری که در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت مد نظر قرار می‌گیرد این است که اثر متقابل اقتصاد بر هدایت چیست؟ الان که شبهه ربوی بودن بعضی از حساب‌های بانکی مطرح است، این گسترش ربا چه می‌کند؟ اولین اثر ربا گسترش بی‌رحمی در جامعه است. ربا باعث می‌شود که جامعه از «رفق» جدا شود و رأفت از بین برود. اثر ربا گسست روابط انسانی است. پس اگر اقتصاد هم غلط شد، بر هدایت جامعه اثر می‌گذارد. در جامعه‌ای که روابط انسانی گسسته شود نمی‌توان به سمت طرح



مسائل پیشرفته‌تر دینی حرکت کرد و همه این‌ها روی روابط انسانی سوار است. دین رفیق بنیان است. ربا رفیق را از بین می‌برد. از بین رفتن رفیق حاصلخیزی برای پذیرش گزاره‌های دینی را از بین می‌برد.

وقتی درباره الگوی پیشرفت اسلامی صحبت می‌کنیم، اثر هدایت بر امور مختلف، مثل اقتصاد، قانون و ... و اثر این امور را بر هدایت، بررسی می‌کنیم. این بُعد به گستردگی همه موضوعات و مسائل اجتماعی قابلیت طرح بحث در الگو را دارد.

بنابراین کارگزار یعنی هدایت‌کننده‌ی ساختار، حتما غیرمتمرکز است و مردم هم تصمیم‌گیرنده هستند. باید بحث الگو را کامل کنیم که اصلا الگوی اسلامی پیشرفت چیست؟ الگوی اسلامی پیشرفت، جایگاه هدایت در اراده جامعه و چگونگی ایجاد آن را بحث می‌کند؛ اینکه اصلا هدایت، چه اثری در هدایت جامعه دارد. معروف است که در ماه‌های رمضان و محرم میزان جرم در کشور ما کاهش می‌یابد. این‌ها نمونه‌ی کارکردهایی است که می‌توان تئوریزه کرد.

در مورد چستی هدایت نیز باید توجه کنیم که علاوه بر کارکرد آخرتی و کارکرد روان‌شناسانه، کارکرد اجتماعی هم دارد و کسی که هدایت یافت سعادت اخروی و آرامش روانی هم دارد. در فیلم‌های آقای فرهادی مانند «جدایی نادر از سیمین» خلاف واقعیت بیان شده است. می‌بینیم که مردی با محاسن و زنی چادری، همیشه مشکلات و دعوا دارند و این را القا می‌کند که جامعه‌ی متدین پر از چالش روانی و روحی است، در حالی که فهم دین آرامش را افزایش می‌دهد و کارکرد روانشناسانه هم دارد. طبق بعضی از گزارش‌ها نصف ایران وقف است و وقف هم یعنی حبس مال برای حل مشکلات مردم. این نشانه اثر اجتماعی هدایت است. پس فهمیدیم که هدایت اثرات اخروی و روانی و اجتماعی دارد.

در قسمت سوم باید پرسید که حالا هدایت را چگونه ایجاد کنیم. الگوی اسلامی پیشرفت روش فربه‌شدن هدایت را بحث می‌کند که محور نظم اجتماعی است. هرچه هدایت گسترش یابد، جامعه خودبسندتر هماهنگ می‌شود و نیاز به مکانیزم‌های کنترلی ندارد.

بعد اجابایی و اثباتی الگوی اسلامی پیشرفت در قیاس با الگوی توسعه‌ای که در حال حاضر رواج دارد چیست؟

در همه بخش‌های اداری، سیاسی، اقتصادی و قانونی می‌توان مواردی را مد نظر قرار داد که خارج از روال تعریف‌شده در دولت مدرن کارآمدی دارد؛ مثلا در مسئله امنیت، کارآمدی هدایت مشخص است. یا اگر در حوزه سیاسی کارآمدی حکومت فقیه را با دموکراسی بسنجیم درمی‌یابیم که محور اصلی کار فقیه افزایش درک مردم است و می‌توان آن را با حکومت اردوغان یا حکومت آمریکا مقایسه کرد. در بقیه حوزه‌ها هم می‌توان این مقایسه‌ها را انجام داد.

در قدم اول به جای تئوریزه کردن بحث در دولت‌سازی باید نمونه‌هایی را مد نظر قرار دهیم و از جریان توسعه‌گرا بخواهیم که آن را تحلیل کند. به طور مثال بنده از جریان توسعه‌گرا این سؤال را پرسیدم که اگر اقتصاد به محوریت اصل آهنین منافع شخصی شکل می‌گیرد، و اگر به پیروی از آدام اسمیت گفته می‌شود که اگر منافع شخصی را تحریک کنیم، اقتصاد جلو می‌رود، پس موضوع وقف و قرض‌الحسنه را چگونه باید تحلیل کرد؟ مثلا در موضوع وقف که اصل سوددهی بانکی مطرح نیست، چگونه باید مسئله را تحلیل کرد؟

ما در موضع دفاع نیستیم، جریان توسعه‌گرا در موقعیت دفاع از خود قرار دارد. در حال حاضر که در پسابرجام هم هستیم می‌توان از این جریان توسعه‌گرا پرسید که چرا سیاست خارجی توسعه‌گرا ناکارآمد بود و نتوانست تحریم‌ها را مدیریت کند؟ استخراج نظام سوالاتی که جریان توسعه‌گرا باید به آن‌ها پاسخ بدهد باید در دستور کار کوتاه‌مدت نیروهای انقلاب قرار بگیرد؛ مثلا چرا نظریه بسیج علاوه بر این که کارآمدی خود را در ایران اثبات کرد در منطقه هم در حال تسری است؟ این‌ها باید موضوع گفت‌وگوی ما و جریان توسعه‌گرا قرار بگیرد.

در مرحله دوم باید کارکردها را مدیریت و تجربه‌ها را با نگاه فکر اسلامی تئوریزه کرد. وقتی که تئوریزه کنیم، قواعد و اصولی به دست می‌آید که قابلیت تعمیم دارد.

در مرحله‌ی سوم هم باید نسبت ناکارآمدی‌های نظام با فکر توسعه بحث شود. این هم باید در دستور کار قرار بگیرد؛ مثلا اگر الان با موضوعاتی مانند گورخوابی و کارتن‌خوابی یا کودکان خیابانی و ... مواجهیم باید بپرسیم که علتش چیست و نسبتش را با تحقق شاخص‌های توسعه در ایران بیابیم. چرا وضع طلاق تهران به این صورت است؟ چرا نظام خانواده به این حالت درآمده است؟ چرا فاصله‌ی طبقاتی در حال افزایش است؟ همه‌ی این‌ها را باید بحث کرد. این موضوع برای جریان توسعه‌گرا ایجاد



چالش می‌کند. در جاهایی که کارآمدی وجود دارد مبنای توسعه غربی غایب بوده و در جاهایی که ناکارآمدی وجود دارد توسعه غربی حاضر بوده است. یعنی ناکارآمدی‌ها بر مبنای توسعه غربی بوده است. به طور مثال مسئله کارتن‌خوابی و گورخوابی را در شهر توسعه‌یافته تهران می‌بینیم و در آمریکا و اروپا هم داریم. یا موضوع طلاق که در تهران حدود ۴۲ درصد است و در بعضی ایالات آمریکا تا ۶۲ و در برخی تا ۸۵ درصد هم می‌رسد.

در قانون اساسی چه ظرفیت‌هایی برای بسط الگوی اسلامی مبتنی بر هدایت وجود دارد؟

بخش‌هایی از قانون اساسی که متأثر از تفکر غربی مانند تفکر مونتسکیو است حتماً باید در آینده تغییر کند. از نظر او - که فردی جنایتکار و منفور در زمان خود بود - تفکیک قوا مبنای دولت‌های مدرن و دولت‌های متمرکز است. در پذیرش تفکیک قوا باید قبلاً تمرکز قوا و ساختار را پذیرفته باشیم. اگر به سمت تشکیل ساختار غیرمتمرکز برویم تفکیک قوا بلاموضوع می‌شود ولی اصول مقدمه‌ای قانون اساسی باقی می‌ماند.

بعضی اصول قانون اساسی متأثر از تفکرات غربی است و بعداً باید تغییر کند. البته این موضوع تغییر قانون اساسی فرع موضوع فهم الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت است و فعلاً باید به آینده موکول شود. در شرایط فعلی بنده این را مفید نمی‌دانم اما رهبر انقلاب نیز در سفر کرمانشاه فرمود که انقلاب اسلامی این ظرفیت را دارد که منعطف عمل کند و حتی از حیث ساختاری نیز تغییر کند تا روش‌های کارآمدتری برای اجرای احکام اسلام به دست آید.

آیا این ساختار غیرمتمرکز مد نظر شما به سمت آنارشیسم میل نخواهد کرد؟ به طور مثال فرمودید که ۴۰ هزار مؤسسه فرهنگی فعالیت می‌کنند. شاید تعداد زیادی از آن‌ها موازی‌کاری می‌کنند و همین تکثر در کارآمدی خلل ایجاد می‌کند. از طرف دیگر این بحث با چیزی که از سوی نئولیبرال‌ها در مورد کوچک‌سازی دولت مطرح می‌شود چه نسبتی دارد؟

آنارشیسم در مقابل نظم غیرمتمرکز قرار دارد. در مثال صندوق‌های قرض الحسنه خانگی نوعی بی‌نظمی حاکم است اما هر روز از لحاظ کارکرد و کمیت و کیفیت در حال پیشرفت است و محور نظم آن آئین‌نامه و ابلاغیه و دستورالعمل نیست بلکه محور نظم، ایده مشترک کارآمدی است که در آن وجود دارد. پس چون نظم وجود دارد نمی‌توانیم بگوییم که به آنارشی ختم می‌شود. در بحث جامعه مدنی هم که خود مکمل کوچک‌سازی دولت است، فضای تمرکز جامع حفظ می‌شود. به این صورت که در جامعه صنعتی، شرکت‌های تجاری بزرگ و کارتل‌ها برای اداره‌ی جامعه تصمیم می‌گیرند و دولت کار را به آن‌ها واگذار کرده است و خودش طراح زیرساخت برای چنین نظم می‌شود. لذا یک دولت کوچک هم می‌تواند این کار را انجام دهد و در واقع دولت خدمه بخش سرمایه‌داری است و بخش سرمایه‌داری متمرکز است و از طرف دیگر کنترل عوارض اجتماعی مترتب بر مدیریت متمرکز سرمایه‌داری را بر عهده NGO ها گذاشته است. کل ساختار متمرکز است و نقش مدیریت عوارض به نهادهای مدنی واگذار می‌شود و برای آن نظم متمرکز نقش مکمل دارند و دولت هم طراح زیرساخت است.

توجه به یک مفهوم، تفاوت این نظم غیرمتمرکز را با نظم متمرکز گفته شده مشخص می‌کند. واحد اصلی نظم غیرمتمرکز محله است. در مدیریت شهری با نگاه محله، این موضوع را به تفصیل توضیح دادیم. پس وقتی درباره نظم غیرمتمرکز صحبت می‌شود، منظور غیرمتمرکز با مصداق اسلامی است؛ یعنی «محله». اقتصاد غیرمتمرکز یعنی اقتصاد محله، قانون غیرمتمرکز یعنی قانون محله و فرهنگ غیرمتمرکز یعنی فرهنگ محله.

پس ما با محوریت واحدی به نام محله مواجهیم. در نظام‌سازی اجتماعی-اسلامی نظم به محوریت هدایت وجود دارد. در مورد این که عدم تمرکز با نگاه اسلامی چه تفاوتی با نهادهای مدنی و NGO ها دارد، باید گفت تفاوت این است که عدم تمرکز با نگاه اسلامی شامل همه چیز می‌شود در حالی که نهاد مدنی یک سازماندهی غیرمتمرکز در همه بخش‌ها با محوریت سرمایه‌داری درست می‌کند ولی در بخش سیاسی و اجتماعی به سمت عدم تمرکز می‌رود. برای این که بدانیم عدم تمرکز در نگاه اسلامی دقیقاً چه معنایی دارد باید جایگاه محله را در تمدن اسلامی بدانیم.

وقتی در مورد الگوی اسلامی پیشرفت و نظام‌سازی اجتماعی در سطح کلان بحث می‌کنیم، آیا این موضوع با تئوری محله، هیئت و مؤسسات خودجوش که مسائل خرد محسوب می‌شوند تناقضی ندارد؟ بین این ابعاد کلان و این موارد خرد پارادوکسی نیست؟



خیر، زیرا الگوی انتزاعی ندارد و از تحلیل همین مسائل خرد می‌توان دریچه‌ای به سوی مسائل کلان باز کرد و نقطه شروع هم همین مسائل خرد است.

از نظر شما ساختارهای جمهوری اسلامی بعد از حدود ۴۰ سال چقدر توانسته بار امانت آرمان‌های انقلاب را به دوش بکشد؟ به طور مثال در بحث فرهنگ حرکت‌های خودجوش زیادی در حال شکل‌گیری است و مقام معظم رهبری هم بر آن‌ها تاکید دارند. در همه‌ی حوزه‌ها و حتی ادبیات هم حرکت‌هایی در جهت تولید محتوا شکل گرفته یا در حوزه‌ی سینما جشنواره‌ی عمار را داریم. بنده به یکی از مدیران یکی از این مؤسسات مطرح حوزه‌ی ادبیات انقلاب عرض کردم نوع نگاه شما به این ساختار و تشکیلاتی که دارید چگونه است؟ ایشان پاسخ جالبی دادند و گفتند که ما در حال تمرین هستیم. آیا به وجود آمدن این مؤسسات و تشکیلاتی خودجوش و حتی بعضاً موازی نهادها و ساختارهای رسمی کشور به این معناست که این ساختارها نمی‌توانند بار امانت انقلاب را به دوش بکشند و باید به سمت ایجاد ساختارهای جدید حرکت کنیم؟ یا اینکه این‌ها صرفاً مجالی برای تمرین و تربیت کارگزارانی است که بعدها وقتی وارد نهادها و ساختارهای متمرکز شدند توان تغییر ساختار را داشته باشند؟

راه تحلیل، توجه به مبنای انقلاب است. انقلاب اسلامی به دنبال تغییر نظم اجتماعی است و بخشی از ساختارهای فعلی نتوانسته نظم مطلوب انقلاب اسلامی را تأمین کند لذا ساختارهایی برای نظم مطلوب انقلاب به وجود آمد. حالا اگر حرف اصلی، نظام‌سازی اجتماعی-اسلامی است و ما حداقل بخشی از نظم و نظامات موجود را ناکارآمد می‌دانیم، تکلیف اصلی برای مدعیان نظم جدید این است که تصویر روشنی از نظام‌سازی اجتماعی-اسلامی ارائه کنند و گرنه خود این‌ها هم بخشی از این ساختارهای فعلی خواهند شد. تنها بحثی که می‌تواند نظم جدید را تبیین کند الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت است. تشکلات خودجوش به مثابه‌ی «کزرع اخرج شطئه...» هستند که جوانه‌ای زده شده و حال آنچه می‌تواند این‌ها را شکوفا کند بحث الگوست. کارکرد الگو همین بهینه کردن محاسبات مدیریتی است که نشان می‌دهد نظم موجود چه اشکالی دارد و نظم مطلوب باید به چه شکلی باشد و چطور باید از این وضع موجود به وضع مطلوب حرکت کرد.

به عنوان جمع‌بندی پایانی اگر صحبتی دارید بفرمایید.

ما چون به دنبال سبک زندگی اسلامی هستیم نمی‌توانیم نظم موجود را امضا کنیم و از این نظامات اجتماعی سبک زندگی اسلامی خارج نخواهد شد. پایه نظم اجتماعی-اسلامی، مسئله‌ی هدایت است. اگر هدایت را فربه نکنیم به اجبار باید از مکانیزم‌های کنترلی استفاده کنیم. در نتیجه عامل هماهنگی، آیین‌نامه و ابلاغیه می‌شود و همین مکانیزم‌های کنترلی منشأ پیدایش تمرکز می‌شود. اگر از من بپرسید الان با توجه به نگاه الگو باید چه کاری انجام داد؟ خواهیم گفت باید به جای آن‌که در مقابل جریان توسعه‌گرا در حالت انفعالی قرار بگیریم، از آن‌ها بخواهیم تا کارآمدی‌های فعلی انقلاب را تحلیل کنند. آیا این‌ها نتیجه مدل توسعه است؟ اساساً آیا مواردی از قبیل نظام‌سازی امنیتی انقلاب در موضوع بسیج، با این نگاه قابل تحلیل است؟ سپس نسبت ناکارآمدی‌ها و توسعه غربی را بررسی و در مورد آن روشنگری کنیم و در نهایت تجربه‌های بکر انقلاب را با نگاه اسلامی تئوریزه و اصول و قواعد قابل تعمیم برای تکمیل الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت را احصا کنیم و به کار بندیم.

بخش دوم



مناظرات دبیر شورای راهبردی
الگوی پیشرفت اسلامی



مناظره اول؛ مناظره حجت الاسلام کشوری - دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی - و مهندس چیت چیان - مسئول نظارت فرآیندی اندیشکده‌های مرکز الگوی پیشرفت اسلامی - در برنامه دو نیم ساعت شبکه خبر

۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۲

قسمت اول گفتگو:

حجت الاسلام کشوری: ... غیر از تشکیلات رسمی که آیت الله امام خامنه‌ای علیه السلام در دفتر خودشان برای مسئله الگوی پیشرفت ایجاد کرده‌اند، در همان سخنرانی به تبع سفارش ایشان ده‌ها حلقه و گروه مطالعاتی راجع به مسئله الگوی پیشرفت اسلامی در کشور شکل گرفت که بنابر ارزیابی و مطالعات ما و با یک شاخص مشخص حدوداً ده جریان وجود دارد. اگر بخواهم شاخص این تقسیم‌بندی را مشخص نمایم باید بگویم اسناد علمی ارائه شده در مقالات، کتاب‌ها و سایت‌ها و همایش از سوی شخصیت‌های مختلف بسیار زیاد می‌باشد. اما اگر مسئله تبیین صحیح ضرورت‌های الگوی پیشرفت بعلاوه تبیین خود مسئله الگوی پیشرفت اسلامی و همچنین تبیین چگونگی تولید الگوی پیشرفت اسلامی را ملاک طبقه‌بندی و شاخص دسته‌بندی جریان‌ها در کشور قرار دهیم می‌توان همه گروه‌های فعال در این زمینه را به ده جریان در این مسئله تقسیم کرد.

عمده مقالاتی که نوشته شده و خارج از این ده جریان می‌باشند، فقط به بحث ضرورت‌های تولید الگو پرداخته‌اند، بسیاری از ایشان نتوانسته‌اند تصویری هر چند اجمالی از چیستی مسئله الگوی پیشرفت ارائه دهند، بسیاری دیگر از ایشان راجع به بحث چگونگی تولید الگوی پیشرفت اسلامی سکوت کرده و جریان‌ها انگشت‌شماری به این مسئله ورود پیدا کرده‌اند. اگر شاخص ارزیابی و مطالعه جریان‌ها فعال در این مسئله را این سه محور قرار دهیم، به ده جریان فعال در این عرصه خواهیم رسید. به عقیده ما افق نزدیک روبروی ما این است که گفتگوی درونی میان این ده جریان راجع به مسئله الگوی پیشرفت اتفاق بیافتد تا تجمیع ظرفیت اتفاق بیافتد. زیرا همگی معتقد هستیم برای تحقق این الگو نیازمند عزم ملی و توان جمعی هستیم.

حالا اگر فرض این مسئله را بگذاریم که ده جریان موجود در اصول و مبانی اساسی برای تولید الگوی پیشرفت اسلامی همگرا حرکت نکنند، ممکن است که برهم‌افزایی گفتمان الگوی پیشرفت اسلامی با مشکل روبرو شود. بنابراین از نظر ما آینده نزدیک پیش‌رو برای تبیین مسئله الگوی پیشرفت اسلامی یک همگرایی بین جریان‌ها فعال در این عرصه بوجود بیاید. البته همانطور که گفتیم، مرکز الگوی پیشرفت اسلامی که زیر نظر دفتر مقام معظم رهبری تشکیل شده جریان اصلی بوده و بقیه جریان‌ها باید به تبع به این مسئله کمک نمایند. اگر فضای گفتگوی راجع به این مسئله برای ایجاد همگرایی آماده شود، به نظر می‌رسد که توانسته‌ایم افق صحیح برای آینده نزدیک این مسئله ترسیم نماییم و گام‌های بعدی درباره مسئله الگوی پیشرفت اسلامی قطعاً پس از تحقق این گفتگو و این فضا میسر خواهد بود.

مجری: جناب آقای کشوری به سه مرحله ضرورت، مرحله چیستی و مرحله چگونگی اشاره کردند، اما در مسئله تدوین الگوی پیشرفت اسلامی، نکته بسیار مهمی که روی آن تأکید هم شده است، همکاری و تعامل حوزه و دانشگاه می‌باشد، چه بستری برای این موضوع فراهم شده و چه تمهیداتی اندیشیده شده است.

مهندس چیت چیان: بله تشکر می‌کنم، موضوع مهمی رو سرکار مورد اشاره و مطرح فرمودید. از همان ابتدا که ایده طراحی و تدوین الگوی پیشرفت اسلامی مطرح شد، رهبر معظم انقلاب روی این مسئله تأکید فرمودند که برای تدوین این الگو از تمام ظرفیت فکری و نخبگانی جامعه باید استفاده شود و از همان زمانی که این مرکز ایجاد شد، این مسئله مورد تأکید قرار گرفت که فقط این مرکز مسئول تدوین و طراحی این الگو نیست، بلکه این مرکز در واقع یک ستادی می‌باشد که هدایت و راهبری همه مؤسسات، دانشگاه‌ها و سازمان‌ها و نهادهای فعال در طراحی الگوی پیشرفت اسلامی را به عهده گرفته است. به همین منظور در طول دو سال که این مرکز ایجاد شده است، یکی از اصلی‌ترین اقداماتی که صورت گرفته است، ایجاد سازماندهی شبکه‌ای برای استفاده از تمام نیروی فکری جامعه در این مسئله می‌باشد.



طراحی فوق به این ترتیب که خواهیم گفت می‌باشد؛ اولین حلقه‌های فکری که برای این کار شکل گرفته‌اند، اندیشکده‌ها می‌باشند، گفته شد که ۲۸ اندیشکده برای این منظور سازماندهی شده است، اعضای این اندیشکده‌ها هیچ کدام پرسنل یا کارمندان مرکز الگوی پیشرفت اسلامی نیستند، بلکه این افراد از این چهار گروه می‌باشند که خدمت‌تان عرض می‌کنم؛ اساتید برجسته دانشگاه، اساتید برجسته حوزه، مسئولین و مدیرانی که در سطوح راهبردی فعالیت کرده‌اند و تجربه دارند و جوانان برجسته و صاحب فکری که می‌توانند در این کار مشارکت داشته باشند.

بنابراین اولین حلقه‌های قانونی که در این مرکز ایجاد شد، از این چهار طیف و گروه می‌باشند که به عنوان یک بستر مقدماتی و پایه کار برای طراحی الگوی می‌باشد. حلقه دوم شبکه صاحب‌نظران می‌باشد، هر کدام از این اندیشکده‌ها که پیش‌بینی شده باید بین ۲۰ تا ۲۵ نفر عضو داشته باشند باید یک شبکه از صاحب‌نظران داشته باشد.

این شبکه صاحب‌نظران بسته به موردش ممکن است بین ۵۰ تا ۲۰۰ نفر از افراد صاحب نظر و اساتید مراکز پژوهشی و حوزوی و دانشگاهی و دستگاه‌های اجرایی و کارشناسان را شامل شود. ارتباط این افراد با اندیشکده‌ها از طریق فضای مجازی بوده و ارتباط خواهند داشت و تمام فعالیت‌هایی که در اندیشکده‌ها صورت می‌گیرد از طریق فضای مجازی در اختیار شبکه صاحب‌نظران قرار گرفته و آنها نظراتشان را راجع به این فعالیت‌ها بیان می‌کنند که این نظرات در اندیشکده‌ها مورد تحلیل، نقد و بررسی و استنتاج قرار خواهد گرفت.

علاوه بر دو حلقه مذکور، یک حلقه سوم نیز طراحی شده است، حلقه سوم را شبکه دوستداران نامیده‌ایم. شبکه دوستداران در واقع یک نوع شبکه اجتماعی است که تمام علاقه‌مندان به موضوع طراحی و تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت هستند و مایل به مشارکت در این زمینه هستند را شامل می‌شود. در این حلقه تمام اقشار از هر صنف و گروهی می‌توانند مشارکت داشته باشند و راجع به فعالیت اندیشکده‌ها می‌توانند به صورت مجازی نظرات خودشان را ارائه نمایند که شامل انتقاد راجع به سندهای اندیشکده‌ها و پیشنهادات ابتدایی که ممکن است داشته باشند می‌شود.

علاوه بر این سه حلقه، حلقه‌های علمی دیگری در دانشگاه‌ها و مراکز علمی و اجرایی مختلف ایجاد خواهد شد. تمام تلاش ما در این مرکز این بوده است که یک سازماندهی شبکه‌ای ایجاد کنیم تا از حداکثر توان فکری جامعه در طراحی الگو استفاده شده باشد، این مسیری بوده است که ما برای استفاده از اساتید حوزه و دانشگاه و افراد صاحب‌نظر دیگر طراحی و اجرا کرده‌ایم.

مجری: این نکته بسیار مهمی است که برای جاری شدن یک الگو و موفقیت آن و تحقق اهداف این الگو این است که از نظرات تک‌تک افراد در یک جامعه اسلامی بهره‌مند شویم. جناب آقای کشوری از دید حوزه به این موضوع نگاه کنیم و ببینیم که صاحب‌نظران، فعالان و اساتید که فعال در تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در حوزه هستند، برای ایجاد یک ارتباط و تعامل سازنده بین حوزه و دانشگاه چه بستری را فراهم کرده‌اند و چه گفتمان خاصی برای تبیین موضوع الگوی پیشرفت اسلامی مورد توجه شماست.

حجت الاسلام کشوری: در فرمایشات جناب آقای دکتر چیت‌چیان یک نقطه بسیار مثبت می‌باشد. به نظر من در این فرآیند تولید الگو دور وجود دارد. ایشان و سایر مسئولین مرکز الگوی پیشرفت اسلامی به درستی به این مسئله بسیار مهم تأکید کردند که فرآیند تولید الگو باید با ذهنیت نخبگان جامعه درگیر شود. البته چنین لزومی هم در مورد مسئله الگو و هم مسائل مختلف و بی‌شمار دیگر نیز صدق می‌کند، به صورت فردی بسیاری از کارها قابل تحقق و اجرا نیست بلکه مسائل باید مورد دقت نخبگان قرار بگیرد تا یک مطلب و مسئله پخته برای اجرا روی میز جمهوری اسلامی قرار بگیرد.

این نکته، نکته بسیار دقیقی است که مورد اشاره و تبیین ایشان هم قرار گرفت، آیت الله امام خامنه‌ای علیه السلام هم در همین نشست اخیر با مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به این مطلب که مسئله الگوی پیشرفت اسلامی با بخش نامه و دستور و امثالهم جلو خواهد رفت را مورد تأکید قرار دادند و فرمودند که باید برای این مسئله گفتمان‌سازی اتفاق بیافتد.

اجازه می‌خواهم که ذیل این نکته صحیحی که جناب مهندس فرمودند، یک نکته‌ای را اضافه کنم؛ اگر قرار است که این گفتمان‌سازی اتفاق بیافتد، باید با نیاز جامعه درگیر شود. ما در مجموعه پژوهشی و مطالعاتی خودمان روی این مسئله متمرکز شده‌ایم و هر زمانی که نخبگان برای ارائه بحث فرصتی در اختیار ما قرار دهند روی این نکته تمرکز خاص داریم.



آن نکته این است که بدون درگیری فکری خود با نیاز جامعه، فرآیند گفت‌وگو سازی و درگیری نخبگان با مسئله تولید الگوی پیشرفت اسلامی اتفاق نخواهد افتاد. پس در موضوع نیاز تولید الگو به گفت‌وگو سازی اشکالی وجود ندارد و صحیح می‌باشد، اما مسئله بعدی این می‌باشد که با روش‌های موجود گفت‌وگو سازی ذهنیت نخبگان با مسئله درگیر خواهد شد یا خیر؟ ما فارغ از اینکه راجع شیوه گفت‌وگو سازی مرکز الگوی پیشرفت ایرانی اسلامی پیشرفت قضواتی داشته باشیم، به نظرمان رسیده است که اگر نیاز بخش‌های مختلف و گروه‌های مختلف در نظر گرفته و سپس نسبت نیاز آن بخش یا گروه با مسئله الگوی دیده شود، انگیزه مضاعفی در میان اقشار و اصناف مختلف جامعه نسبت به مسئله الگوی پیشرفت اسلامی ایجاد خواهد شد. در قالب مثال این بخش را تبیین و تشریح خواهیم کرد که منظور ما از ارتباط بین نیاز جامعه با مسئله الگوی پیشرفت اسلامی چیست.

در یکی از پیشنهاداتمان، در نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی ایده‌ای به نام پیشگیری بنیادین اسلامی از وقوع جرم در جامعه را طرح کرده‌ایم. یکی از مشکلات دستگاه قضا امروز این است که ورودی پرونده‌های این دستگاه به نسبتی در حال ازدیاد می‌باشد، البته عدد و آمار نداریم که بخواهیم به صورت آماری بیان کنیم، اما ریاست محترم قوه قضائیه و مسئولین این دستگاه نسبت به ازدیاد پرونده‌های ورودی اظهار نگرانی کرده و معتقدند که مسئله پیشگیری از جرم باید در کشور جدی گرفته شود.

اینک اگر در راه حلی که برای پیشگیری از جرم ارائه می‌دهیم، نسبت ریشه‌های مسئله جرم را با نحوه اداره فعلی جامعه یعنی برنامه‌ریزی براساس شاخصه‌های توسعه می‌باشد، ببینیم، یعنی پس از مطالعه و بررسی به این نتیجه رسیدیم که برنامه‌ریزی‌های مبتنی بر توسعه، ریشه پیدایش جرم در جامعه می‌باشند. به طور مثال اگرچه طرح تحول در آموزش و پرورش امید زاست، اما در آموزش و پرورش فعلی این مسئله را که به پسران بگوییم شما در آینده پدر و همسر یک خانواده خواهید شد و به دختران بگوییم که شما در آینده قرار است مادر و همسر یک خانواده شوید را جدی نمی‌گیریم، به همین دلیل پس از تشکیل خانواده هیچ گونه آگاهی نسبت به مسائل و اطلاعات لازم برای تشکیل خانواده را در سیستم آموزش و پرورش کسب نکرده‌اند یا نهایتاً این است که به اندازه‌ای بسیار کم چنین اطلاعاتی را کسب کرده‌اند. در نتیجه این خانواده تازه تشکیل شده دچار مشکلات فراوانی می‌شود از جمله این مشکلات این است که شخصیت فرزندان که در این خانواده شکل می‌گیرند دچار آسیب می‌گردد و همه اذعان دارند یکی از ثمرات و نتایج آسیب‌های شخصیتی در افراد، در هم شکستن مرزهای اجتماعی و ارتکاب جرم می‌باشد.

حال اگر در تحلیل خودمان راجع به مسئله پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم گفتیم که آموزش و پرورش فعلی محصول به کارگیری الگوی توسعه می‌باشد، الگوی توسعه نیازهای نیروی انسانی بخش خدمات و تولید جامعه را به عهده آموزش و پرورش گذاشته است و از آنجا که آموزش و پرورش فعلی جامعه با الگوی فعلی جامعه دارای نسبت می‌باشد لذا الگوی توسعه علت تضعیف خانواده، تضعیف خانواده مساوی با تربیت غیر اسلامی و نادرست می‌باشد و به صورت خلاصه تربیت غیر اسلامی و نادرست منجر به جرم خواهد شد.

بنابراین اگر ما ارتباط مسئله اصلی قوه قضائیه که پیشگیری از جرم می‌باشد را با مسئله الگوی پیشرفت اسلامی تشریح و تجزیه کردیم و به همگان نشان دادیم که ما در قالب پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم این مسئله را در نقشه راه خودمان به همگان نشان داده‌ایم و گفته‌ایم که الگوی تولید و الگوی آموزش جامعه در حال ضربه زدن به نهاد خانواده می‌باشد به گونه‌ای که در حال حرکت به سمت تشکیل خانواده‌های هسته‌ای هستیم یعنی خانواده‌هایی که زن و شوهر هر دو مشغول به کار در خارج از منزل هستند و فرزند ایشان نیز در مهدکودک‌ها در حال تربیت می‌باشد.

پس خانواده‌هایی در حال شکل‌گیری است که خروجی آنها عدم تربیت اسلامی فرزندان به صورت صحیح و کامل می‌باشد که یکی از ثمرات تربیت نادرست نیز افزایش جرم در جامعه می‌باشد.

ما در نقشه راه خودمان در ۸۱ مسئله ارتباط بین نیازهای ۸۱ بخش جامعه با مسئله الگوی پیشرفت اسلامی را تشریح و تجزیه کرده‌ایم که اگر این ۸۱ مسئله به تفاهم با این بخش‌های جامعه گذاشته شود، نتیجه‌اش این می‌شود که این بخش‌های جامعه



حتی برای حل مسئله اصلی خودشان که همین الان موظف به حل آن نیز هستند، امکانات و ظرفیت‌های این بخش‌ها برای گفتمان‌سازی مسئله الگوی پیشرفت اسلامی به کارگیری خواهند کرد.

به صورت خلاصه اگر مسئله نیاز را فرض بگیریم، پیشنهاد ما برای گفتمان‌سازی مسئله الگوی پیشرفت اسلامی این است که مجموعه گروه‌ها و تشکیلاتی که در کشور مشغول پیگیری مسئله الگوی پیشرفت اسلامی هستند ارتباط بین نیازهای بخش‌های مختلف جامعه با مسئله الگوی پیشرفت اسلامی را تبیین و تشریح کنند. اگر در بخش بعدی فرصتی بود به صورت مفصل‌تر راجع به آن صحبت خواهیم کرد.

مجری: آقای کشوری من در مورد پیشنهاد شما و موضوعی که به آن اشاره کردید که در واقع ریشه یابی و نیازسنجی بخش‌های مختلف در جامعه برای تدوین الگوی پیشرفت اسلامی از حضورتان سؤال دارم، اما نیمه نخست دو نیم ساعت امشب به پایان رسیده است، لذا پیشنهاد می‌کنم در ارتباط با مسئله الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و ابعاد و زوایای این الگوی همچنان در نیمه دوم با ما همراه باشید.

قسمت دوم گفتگو:

مجری: شب شما هموطنان به خیر با موضوع الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با شما هستیم، نیمه نخست به موضوعات مختلفی اشاره شد، جناب آقای کشوری صحبت‌هایشان را با یک پیشنهاد در نیمه اول به پایان رساندند. اما در ارتباط با این موضوع گفتمان‌های مختلف و متعددی در کشور انجام می‌گیرد، این گفتمان‌ها تا چه حد منجر به تحقق و تدوین صحیح از الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت می‌شود، ریشه‌ها و کلید واژه‌های موضوع و پیشنهادی که شما ارائه دادید چیست؟

حجت الاسلام کشوری: همانطور که در قسمت قبلی عرض کردم، پیشنهاد ما دارای سه رکن می‌باشد؛ رکن اول این است که ما قصد ایجاد عزم ملی درباره مسئله الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را داریم، این اولین رکن و مسئله ماست، تا به اینجا با بسیاری از گفتمان‌هایی که فرمودید مشترک می‌باشیم، یعنی با خیلی از مجموعه‌ها و گروه‌هایی که مشغول به این مسئله هستند در این رکن مشترک هستیم. رکن دوم پیشنهاد ما این است که مسئله الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با کار فردی به سرانجام نخواهد رسید حتی با کار جمعی به معنای کارگروهی هم به سرانجام نخواهد رسید، بلکه ایجاد عزم ملی راه کار تولید و به سرانجام رسیدن این مسئله می‌باشد، یعنی به نوعی همه ظرفیت‌های جامعه البته متناسب با هر بخش وارد مسئله تولید الگو شوند.

فکر می‌کنم که در این مسئله هم اختلافی وجود نداشته باشد، ایشان توضیح دادند که یک نظام شبکه‌ای طراحی شده است تا نخبگان با این مسئله درگیر شوند. در مورد مسئله آخر هم به نظر ما اگر تئوری که در ستاد مرکزی ارائه می‌دهیم نسبت بین نیاز و مسئله اصلی افراد، نهادها و اصناف جامعه و مسئله الگوی ملاحظه شود که در مثال قوه قضائیه تشریح شد، در نتیجه آن فرد یا نهاد یا صنف با شوق و ذوق مضاعفی به صورت طبیعی در تولید الگوی پیشرفت اسلامی مشارکت خواهد کرد.

ما در نقشه راه پیشنهادی خودمان روی این مسئله درگیر شده‌ایم، پس از چهار، پنج سال مطالعه دقیق روی این مسئله به این جمع بندی رسیده‌ایم. البته مسائل و موضوعاتی که مسئولین و نهادهای نظام باید به فکر حل و فصل آنها باشند در نظام زیاد می‌باشند ولی پس از مطالعات دقیق تا به امروز ۸۱ مسئله را شناسایی کرده‌ایم که حل ریشه‌ای این ۸۱ مسئله در گرو تولید الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت می‌باشد، به عبارت دیگر ما مسئله پیشگیری از جرم را نمی‌توانیم حل کنیم، الا اینکه بتوانیم ارتباط بین ایجاد جرم و نحوه اداره جامعه که در بسیاری از جاها متأثر از development (توسعه غربی) می‌باشد را نشان بدهیم. قطعاً توسعه غربی ریشه اصلی ایجاد جرم در جامعه می‌باشد.

البته در این برنامه قصد معرفی طرح پیشگیری بنیادین از جرم را نداریم و اگر قرار باشد این طرح معرفی شود نیازمند یک وقت مجزا و مکفی می‌باشد، ولی در اینجا فرض ما بر این است که اگر بین نیاز بخش‌های مختلف جامعه و مسئله الگو ارتباط برقرار شود، شبکه تحلیلی تولید الگوی پیشرفت اسلامی در همه وزارتخانه‌ها، اصناف، حوزه علمیه تشکیل خواهد شد. زیرا این بخش‌هایی که نام آنها برده شد، دارای مشکلاتی هستند که به دنبال حل آنها می‌باشند و کاری که ما برای اینها انجام می‌دهیم این است که به آنها تنبه و آگاهی می‌دهیم که حل مشکل شما در گرو تولید الگوی پیشرفت اسلامی است.



به همین دلیل هم دهه چهارم انقلاب از طرف مقام معظم رهبری به نام دهه پیشرفت و عدالت نامیده شد، که حاکی از دید و تحلیل عمیق ایشان از مسئله می‌باشد. یعنی خیلی از مسائل ما به دلیل استفاده از الگوهای توسعه غربی بوجود می‌آید، بنابراین تنها نکته جدیدی که خدمت استاد خود آقای دکتر چیت‌چیان به عنوان پاورقی اضافه می‌کنم این است که گفتمان‌سازی با درگیر کردن آن مسئله با نیازهای بخش‌های مختلف دارای یک سرعت زیاد می‌باشد و گفتمان‌سازی به صورت نظری که بحث در کنفرانس‌ها و همایش‌ها و مجلات طرح شود، سرعت و ضریب نفوذ کمتری خواهد داشت.

مجری: درست است، آقای چیت‌چیان در ارتباط با موضوعی که جناب آقای کشوری مطرح کردند و نظراتی را ارائه نمودند، صحبت‌های شما را دریافت کنیم، ضمن اینکه به موضوع الگوهای توسعه غربی اشاره کردند، ممکن است برای خیلی‌ها این سؤال بوجود بیاید که چرا الگوهای توسعه غربی نمی‌تواند برای موضوعات کشور ما راهگشا باشند.

مهندس چیت‌چیان: عنایت بفرمایید قبل از ورود به بحث لازم می‌دانم که دو سه نکته را تذکر بدهم. ما در جامعه مشکلاتی داریم، به عنوان مثال در اقتصاد جامعه به آن پیشرفتی که لازم است دست نیافته‌ایم، در ارتباط با مسائل فرهنگی به اهدافی که مد نظر انقلاب بوده است نرسیده‌ایم. اینکه چرا در عرصه‌های مختلف دچار مشکل هستیم باید مورد تحلیل و آسیب‌شناسی قرار بگیرد، یکی از مقدمات اصلی و مهم طراحی الگو می‌باشد و در این جهت با جناب آقای کشوری هم عقیده هستیم. اما اینکه بیابیم و ریشه تمام مشکلات کشور را منحصر در اتخاذ شیوه‌های توسعه غربی کنیم، زیاد موافق نیستیم. معنای این حرف این نیست که من با توسعه غربی موافق هستم، اما اینکه تمام مشکلات موجود در جامعه را به پای توسعه غربی بنویسیم به عقیده من نوعی ساده‌اندیشی است.

بلکه باید ریشه مشکلات را به صورت عمیق‌تر باید دید، برای تبیین این مسئله اجازه می‌خواهم که این مثال را بیان کنم، جناب آقای کشوری به تصور شما تمام کشورهایی که الگوی توسعه غربی را اتخاذ کرده‌اند، جرم و جنایت یا تشکیل پرونده‌های قضایی در آنها بیشتر از کشور ماست، پاسخ این سؤال منفی است، در بعضی از این کشورها تعداد جرائم اتفاق افتاد یا تشکیل پرونده‌های قضایی بیشتر از کشور ماست و در برخی دیگر از این کشورها نیز نسبت وقوع جرم و جنایت ممکن است که کمتر باشد.

پس بلافاصله ما نمی‌توانیم ریشه مشکلات را به پای الگوی توسعه غربی بنویسیم. از طرف دیگر الگوی توسعه غربی هم بالکل نامطلوب و بد نیست، به عنوان مثال ما امروز در یک رسانه‌ای به نام تلویزیون در حال گفتگو با مردم هستیم، خود این رسانه یکی از دستاوردهای الگوی تمدن غربی می‌باشد، اما اینکه ما از محصول و دستاورد چگونه استفاده کنیم مهم است، اگر از آن در راستای تحقق اهداف خودمان استفاده کنیم که بسیار خوب است.

اما صرف اینکه این ابزار برآمده از صنعت، فن آوری و تمدن غرب می‌باشد نمی‌توانیم این ابزار را کنار بگذاریم، بنابراین به عقیده من نکته مهم این است که بتوانیم با بصیرت در تمدن غرب و الگوهای توسعه غربی به گزینش بپردازیم. بسیاری از آن چیزهایی که الان در تمدن غرب وجود دارد ریشه‌های آن از تمدن اسلامی وام گرفته شده است.

به عنوان مثال توسعه علوم در غرب به عنوان یک واقعیت غیر قابل انکار می‌باشد، کسانی که مطالعه کرده‌اند اتفاق نظر دارند که بسیاری از ریشه‌های روی آوری به علم در غرب نشأت گرفته از الهامی است که آنها از تمدن ایران و اسلام داشته‌اند، کتاب‌هایی که علمای برجسته ما در گذشته نوشته‌اند سال‌های سال مورد استفاده و رجوع دانشمندان غربی بوده است تا به این پایه از علوم رسیده‌اند.

پس اینکه ما به یکباره آنچه به عنوان الگوی توسعه غربی یا مظاهر تمدن غرب نامبرده می‌شود را مورد انکار و نفی قرار دهیم، علاج کار نیست. بلکه ما باید با بصیرت و تکیه بر مبانی اسلامی، از الگوهای توسعه غربی که با مبانی اسلام توافق دارد گزینش کنیم، همانطور که امروز در جامعه پزشکی از دستاوردهای علمی غرب استفاده می‌کنیم، در صنعت و دیگر علوم در حال استفاده از این دستاوردهای علمی غرب هستیم، لذا کنار گذاشتن یکباره این‌ها غیر ممکن است و ناپیوستگی ما دچار چنین توهمی بشویم که هر آنچه مشکلی که در کشور وجود دارد، یکباره به پای تمدن غرب و توسعه غربی بنویسیم، زیرا در این صورت ما نخواهیم توانست که مسائل و مشکلات خودمان را حل و فصل کنیم.



بنابراین با این مطلب حضرتعالی که باید ریشه مشکلات کشور درست ریشه‌یابی شود کاملاً موافقم و مشکلات بنیادین جامعه نباید از نظرها دور بماند و در تدوین الگوی باید به اینها توجه شود، اما از سوی دیگر آن چیزهایی که از الگوی توسعه غربی با مبانی ما سازگاری دارد را می‌توانیم مورد استفاده قرار دهیم، ولی آنچه را که گرفتاری اصلی غرب می‌دانیم عدم توجه به ابعاد معنوی انسان است، زمانی که ما این بعد از انسان را در کنار سایر ابعاد و عرصه‌های وجودی انسان مورد توجه قرار دادیم، در واقع توانسته‌ایم که الگوی توسعه غربی را پشت سر بگذاریم و به یک تراز جدیدی از تمدن که آن را تمدن اسلامی می‌نامیم خواهیم رسید.

نکته دیگری که وجود دارد این است که نباید تصور کنیم که علاج همه مسائل جاری جامعه را به تولید الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت موکول کنیم، به عقیده من این یک مقدار راه گم‌کردن است، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت برای این است که ما اهداف بلندمدت خودمان را درست طراحی و تنظیم کنیم و راه‌ها و راهبردهای اساسی برای رسیدن به آن اهداف را درست تشخیص و ترسیم کنیم تا جاده‌ای باشد که جامعه در آن مسیر حرکت کند، اما مشکلاتی که در رابطه با اقتصاد و ابعاد مختلف اجتماعی وجود دارد، هر کدام راهکارهای عقلانی درستی وجود دارد که با اتخاذ آنها باید این مشکلات را مرتفع کنیم. لذا موکول کردن همه مشکلات جامعه به حل مسئله الگوی پیشرفت به عقیده من اشتباه و غلط است و ما نباید در چنین گردابی که ما را به مسیر غلطی خواهد برد گرفتار شویم.

مجری: آقای چیت‌چیان در میان صحبت‌هایتان فرمودید که گزینش هدفمند از الگوهای توسعه غربی در جهت تحقق اهداف الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به عنوان یک راهکار است. برای این منظور از سوی شما چه بستری فراهم شده است؟
دکتر چیت‌چیان: سؤال بسیار خوبی است، اولین اقدامی که ما برای تدوین الگو فراهم کرده‌ایم این بوده است که ما یک اندیشکده‌ایی را تحت عنوان اندیشکده مبانی تشکیل داده‌ایم، در کنار این اندیشکده، اندیشکده‌ای را تحت عنوان سنت‌های الهی راه‌اندازی کرده‌ایم. در این دو اندیشکده اساتید برجسته حوزه و دانشگاه حضور دارند، فعالین در این دو اندیشکده مسئول هستند که منابع و حیانی را دقیقاً مورد تحقیق و پژوهش قرار دهند و از میان آنها مبانی اسلامی برای تدوین الگو را استخراج نمایند و سپس با یک تعامل فکری با سایر اندیشکده‌ها این مبانی اسلامی در اختیار اندیشکده‌ها قرار خواهد گرفت و پایه‌های و مبانی تدوین الگو در بخش‌های مختلف این مبانی قرار خواهد گرفت.

به عبارت دیگر وقتی که مبانی اسلامی روشن و مشخص شد به عنوان مثال ممکن است سی عنوان به عنوان مبنا مشخص شود که عبارتند از هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و ... می‌باشد وقتی این مبانی مشخص شد، آنگاه همه اندیشکده‌ها خواهند توانست با بصیرت و روشن‌بینی کامل نسبت به انتخاب و گزینش هدفمند الگوها اقدام نمایند و این ابزاری کارآمد خواهد بود که این کار را به سرانجام برسانیم.

از چیزهایی که الگوی توسعه غربی به سمت آن رفته و علت انحطاط جوامع غربی شده است و شاهد عارضه‌های بسیار بسیار وخیمی در این جوامع هستیم پرهیز خواهیم کرد و مسیرمان را به سمت آن اهدافی که اسلام بیان کرده است نزدیک کنیم.

مجری: بسیار سپاسگذارم جناب آقای چیت‌چیان، جناب آقای کشوری مطمئناً در مسیر تحقق اهداف الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ما شاهد موانعی خواهیم بود و ممکن است مشکلاتی در این بین بوجود بیاید، مانند جنگ نرم دشمنان انقلاب اسلامی و یا موضوعاتی مانند عدم فهم صحیح از الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. برای حل این مشکلات و معضلات و برای برطرف شدن این موانع، چه راه‌حلهایی از سوی صاحب‌نظران پیشنهاد می‌شود؟

حجت‌الاسلام کشوری: محضر مبارکتان عرض کنم که به نظر بنده بزرگترین مانع بر سر راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی، یکسان‌انگاری توسعه غربی و پیشرفت اسلامی است. اینکه ما یک تغییرات جزئی را فرض کنیم و سپس عمده مسائل الگوی پیشرفت اسلامی و توسعه غربی را مشترک و مشابه بدانیم.

یکسان‌انگاشتن توسعه غربی و پیشرفت اسلامی ثمره‌اش، کشورهای G8 خواهد شد، من سؤال می‌کنم که البته هم پاسخ به سؤال شماست و هم ناظر به فرمایشات برادر عزیزمان می‌باشد. کشورهای توسعه‌یافته‌ای که خیلی راجع به آنها با آب و تاب صحبت می‌شود (که اصلی‌ترین این کشورها کشورهای G8 می‌باشند) همه کشورهای G8 با بحران خانواده روبرو هستند یعنی



نهاد خانواده در این کشورها دچار فروپاشی شده و به سمت یافتن جایگزین‌های دیگر برای نهاد خانواده رفته‌اند که از گفتن آنها شرم داشته و به خاطر رعایت حیا از ذکر این موارد جایگزین در کشورهای غربی خودداری می‌کنم.

یا در مورد مسئله عدالت وقتی در آمار رسمی گفته می‌شود توسعه‌یافته‌ترین کشور دنیا یعنی ایالات متحده آمریکا، پنجاه میلیون نفر کوپن غذا برای امرار معاش دریافت می‌کنند و این حجم از بی‌عدالتی در این کشور ثمره عملکرد این کشور بر اساس توسعه غربی می‌باشد. حالا در بحث الگوی پیشرفت اسلامی می‌خواهیم بنا به گفته برادرمان یک‌سری جنبه‌ها را اضافه کنیم، مسئله نهاد خانواده و مسئله عدالت که قطعاً جزء این بخش‌ها و جنبه‌های مورد تأکید اسلامی می‌باشد.

هشتاد و یک نقطه را ما مشخص کرده‌ایم که جزء مسائل و مشکلات بخش‌های مختلف جامعه ماست. قطعاً باید ما مسائل خودمان را بشناسیم، اگر الگوی توسعه غربی پاسخ مسائل ما را داد که خوب استفاده کنیم ولی اگر نداد چطور؟ الان از بینندگان عزیز سؤال می‌کنم آیا می‌شود کشور را بدون عدالت اداره کرد، به طور قطع پاسخ همه بینندگان منفی خواهد بود، ما کشوری در مسیر عدالت می‌خواهیم، اگر الگوی توسعه غربی توانسته است جواب عدالت را بدهد، الگوی خوبی است و از آن استفاده خواهیم کرد، اما اگر در مهد تولید این الگو قیام ضد وال استریت اتفاق می‌افتد، در این کشورها نهاد خانواده متلاشی شده است، حرمت‌ها از بین رفته است، در این صورت، اگر این الگوها را مورد استفاده قرار دهیم هم نتوانسته‌ایم به مسائل و مشکلاتمان پاسخ دهیم، زیرا مسائل ما مشخص و واضح است.

من فرمایش جناب آقای چیت‌چیان را تصحیح می‌کنم، بنده عرض نکردم که توسعه غربی کاملاً نادرست و بد است یا پیشرفت اسلامی همه مشکلات را حل خواهد کرد، بلکه عرض ما این بود که باید ما مسائل خودمان را بشناسیم، الان به طور مثال مردم در بخش اقتصاد در فشار هستند و دوست دارند که زندگی‌شان بهتر شود، فاصله طبقاتی از ابتدای انقلاب به خاطر اجرای برنامه‌های انقلابی دائماً کم شده است ولی مردم دوست دارند کمتر از اینها باشد، خوب آیا الگوی توسعه غربی می‌تواند به این خواسته مردم پاسخ دهد، می‌تواند موجب تحکیم خانواده بشود؟

یقیناً در هر کجا که این الگوی توسعه غربی نتواند مسائل و مشکلات ما را حل کند با تردید روبرو خواهد شد؛ زیرا مسائل ما در نزد ما مشخص و معلوم است. حالا به این نکته توجه بفرمایید، بر فرض اثبات این هشتاد و یک مسئله که البته ایشان به مسئله پیشگیری از جرم خدشه کردند و فرمودند که برخی از کشورهای توسعه‌یافته وجود دارد که آمار جرمشان کشور ما پایین‌تر است یعنی با اینکه توسعه‌یافته‌تر هستند و از الگوهای توسعه بیشتر از ما استفاده کرده‌اند اما آمار جرمشان از کشور ما پایین‌تر است.

در پاسخ به این خدشه باید بگوییم بله، اگر تعریف از جرم را عوض کنیم و آن را محدود به جرائم راهنمایی و رانندگی و جرائم فضای مجازی کنیم و ماهیتاً تعریف جرم را تغییر دهیم در اینصورت این کشورها آمار جرائم پایین‌تری را ثبت خواهند کرد، اما در کشور ما یک سری اعمال را از هر کسی حتی مردم عادی کوچک و بازار هم پرسیده شود، متوجه هستند که جرم است و باید با آن برخورد شود.

پس اگر بخواهیم به صورت دقیق این مسئله را پیگیری نماییم باید ماهیت جرم در یک کشور غیر اسلامی با ماهیت جرم در یک کشور اسلامی را مورد دقت قرار دهیم تا متوجه شویم که اسم مشترک در این دو کشور جرم می‌باشد. در کشورهای غیر اسلامی یک سری اعمال که در عالم واقع، انسانی و معنویت جرم محسوب می‌شود را جرم نمی‌دانند و لذا برای چنین اعمالی پرونده تشکیل نمی‌شود و لذا آمار تشکیل پرونده در این کشورها کم‌تر خواهد شد، ولی یک سری افعال و اعمال هست که حتی از مردم عادی هم که پرسیده می‌شود وجدانا آن را جرم می‌دانند. البته ممکن است که شما پاسخی برای این مطلب داشته باشید که در این صورت بحث مفصلی شکل خواهد گرفت که ماهیت جرم در جمهوری اسلامی و نزد مردم ایران با کشورهای غربی و جوامع آنها چه تفاوت‌هایی دارد و نهایتاً به یک نتیجه‌ای برسیم، فارغ از این بحث صغروی مطلب ما این است که ما ۸۱ مسئله به عنوان مسائل خودمان شناسایی کرده‌ایم.

البته هزاران مسئله را جمهوری اسلامی از ابتدا تاکنون حل کرده است، الان در موازنه جهانی، آمریکا و متحدانش یک طرف این موازنه هستند و جمهوری اسلامی یک طرف قضیه است، پس مسئله عزت مردم ایران را انقلاب اسلامی حل کرده است،



البته مشکلات خاص خودمان را داریم که اتفاقاً در مسئله الگوی پیشرفت اسلامی آمده‌ایم و دست روی مشکلاتمان گذاشته‌ایم و می‌گوییم به دلیل اینکه می‌خواهیم این مشکلات حل شود، نیازمند مسئله الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت هستیم. پس هشتاد و یک مسئله مربوط به جامعه ایران را روی میز گذاشته‌ایم که هر کدام از این مسائل هم در واقع نیاز یک قشر خاص از جامعه می‌باشد اگر ارتباط این مسائل با مسئله الگوی پیشرفت اسلامی مشخص شود، ضریب حضور آن اقشار و گروه‌ها در مسئله الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بسیار قوی‌تر از وضعیت فعلی خواهد شد. این خلاصه بحث بود که خدمتان ارائه شد.

مجری: جناب آقای مهندس چیت‌چیان اگر مطلبی در ارتباط با این موضوع دارید بفرمایید.

مهندس چیت‌چیان: من با فرمایش جناب آقای کشوری در این جهت موافق هستم که اگر مردم احساس کنند آن چیزی که در الگو بیان می‌شود دربرگیرنده یک تحول تکاملی واقعی برای زندگی آنهاست، حتماً آنها به این الگو علاقه مند خواهند شد. همین چند روز پیش رهبر معظم انقلاب فرمایش قریب به این مضمون داشتند که وقتی ما چشم‌انداز را برای مردم روشن کنیم که با پیگیری این الگو به کجا می‌توانیم برسیم، آینده روشن و پیشرفت ملموسی را که مردم احساس خواهند کرد موجب علاقه‌مندی همه اقشار و اصناف به مسئله الگوی پیشرفت اسلامی خواهد شد و تلاش آنها در مسیر دستیابی به این الگو را نتیجه خواهد داد.

به گونه‌ای که همه آن چشم‌انداز را در زندگی‌شان به عنوان هدف اصلی قرار دهند و برای رسیدن به آن تلاش کنند، این یعنی گفتمان‌سازی، بخشی از این گفتمان‌سازی ناظر بر این است که در دوره تدوین الگو ما واقعاً از نظرات جامعه استفاده کنیم و آنها را در جریان کارها و مباحث قرار دهیم، بخش دیگر از گفتمان‌سازی ناظر بر این است که آن چیزی که به عنوان اهداف الگو بیان می‌شود، مبین این باشد و مردم احساس کنند که زندگی آنها و حیات و ملمات مادی و معنوی آنها در چهار چوب این الگو می‌تواند یک تحول و تکامل پیدا کند.

همه این‌ها می‌تواند در ایجاد گفتمان‌سازی راجع به مسئله الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مؤثر باشد و همه خودشان را در این مسئله شریک بدانند. علی‌الخصوص می‌خواهم روی این مسئله تأکید کنم که مسلماً این الگویی که قرار است تدوین بکنیم نیازمند مبانی صحیح و درست می‌باشد، یکی از مبانی تولید الگو آسیب‌شناسی دقیق روند پیشرفت ایران می‌باشد، این یعنی همان مسئله‌یابی که جناب عالی فرمودید که ممکن است در بررسی‌هایی که ما انجام خواهیم داد ۸۱ مسئله باشد و یا کمتر یا بیشتر از ۸۱ مسئله بشود.

مسلماً در سایه انقلاب اسلامی ما پیشرفت‌ها و موفقیت‌های چشمگیری داشته‌ایم که واقعیتی غیرقابل انکار می‌باشد، البته مشکلاتی هم در جامعه باقی مانده است، نقاط قوت و ضعف باید مورد تحلیل و آسیب‌شناسی دقیق قرار بگیرد که توانسته‌ایم به آن پیشرفت‌های چشمگیر دست پیدا کنیم و چه مشکلاتی و ضعف‌هایی داشته‌ایم که در آن چیزی که مقام معظم رهبری تأکید داشته‌اند که در سبک زندگی ما دچار مشکلاتی شده‌ایم.

علاوه بر این ما باید تجربه‌های جهانی را هم مورد تحلیل و نقد و آسیب‌شناسی قرار دهیم، ببینیم که اگر این کشورها توانسته‌اند در برخی از ابعاد پیشرفت کنند علت پیشرفت آنها چه بوده است و اگر در بعضی از ابعاد ناموفق بوده‌اند چه علتی می‌توانسته داشته باشد.

به عنوان نمونه همانطور که جنابعالی فرمودید در بسیار از کشورهای توسعه‌یافته مشکلات بسیار جدی و عمیقی وجود دارد که آینده تمدن غرب را با خطر نابودی روبرو کرده است، لذا باید ببینیم که چه رفتارها و الگوهای موجب این مشکلات و خطرات شده است. به عبارت دیگر مطالعه تجربیات سایر کشورهای دنیا چه در جهات موفقیت‌شان و چه در جهات عدم موفقیت یکی از مبانی کار ما می‌تواند باشد.

همچنین تدوین مبانی که عرض شد در حال انجام می‌باشد، روش‌شناسی طراحی الگو، مطالعه اینکه در بیانات امام راحل در بیانات رهبری و در قانون اساسی آن چیزی که به عنوان چشم‌انداز یک جامعه مطلوب ترسیم شده است چیست؟ آرمان‌های امت اسلامی ایران واقعاً تبلور یافته در کلام رهبری و امام راحل و قانون اساسی که میثاق میان حاکمیت و مردم می‌باشد را باید استخراج کنیم به تجربه‌های دنیا نگاه تحلیل‌گونه و آسیب‌شناسانه داشته باشیم و آسیب‌های داخل کشور را مورد شناسایی



و تحلیل قرار دهیم و مبانی اسلامی خود را شناسایی کنیم و در مجموع از جمع بین اینها بتوانیم راجع به تدوین الگو خودمان را تجهیز کنیم.

مجری: جناب آقای دکتر چیت‌چیان تا به امروز چقدر از مبانی که فرمودید را در مسئله الگو جمع‌بندی و آماده کرده‌اید؟
مهندس چیت‌چیان: اولین کاری که ما انجام داده‌ایم راجع به چیستی الگو می‌باشد، این قسمت با نظرسنجی وسیعی که از صاحب‌نظران جامعه و کنفرانس و مصاحبه با اساتید برجسته حوزه و دانشگاه انجام داده‌ایم تدوین شده است. دومین کاری که انجام شده است این است که نقشه راه تدوین الگو نیز تدوین شده است، سومین کار و البته مهمترین کاری که انجام شده، فعالیت راجع به مبانی الگو بوده است که همانطور که گفتم هم اندیشکده این مبانی را مورد مطالعه قرار داده است و هم کنفرانسی طی دو روز گذشته در کتابخانه ملی برگزار شد و تعداد کثیری از اساتید حوزه و دانشگاه و صاحب‌نظران جامعه در این کنفرانس حضور داشتند و راجع به مبانی تدوین الگو با هم همفکری کردند و با جمع‌بندی این کنفرانس خواهیم این مبانی را به عنوان یک سند تدوین خواهیم کرد.

البته هر سندی که در این زمینه تدوین می‌شود به معنای این نیست که کلام آخر در این رابطه می‌باشد، بلکه به این معناست که این یافته‌های مرحله اول برای تدوین الگو می‌باشد ولی مطالعه در مبانی الگو همچنان ادامه پیدا خواهد کرد و دستاوردهای جدید این مطالعه و بررسی مجدداً در تدوین الگو و بازنگری الگو مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

(این سه کار) بعلاوه تشکیل اندیشکده‌ها و حلقه‌های و شبکه‌های نخبگانی چهار کار اصلی می‌باشد که تا به حال انجام شده است و امیدواریم که خداوند توفیق بدهد تا بتوانیم در ادامه راه و با تکیه بر مبانی اسلامی و با شجاعتی که این کار واقعاً نیاز دارد، این وظیفه را پیش ببریم و با همفکری همه جامعه و جوانانمان و به ویژه نخبگان بتوانیم این کار به سرانجام برسانیم.

مجری: جناب آقای کشوری، آقای چیت‌چیان به موضوع سبک زندگی اشاره کردند، حتماً در ارتباط با موضوع سبک زندگی اسلامی و ارتباط آن با موضوع الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از حضورتان سؤال خواهیم پرسید، اما سؤالی که از حضورتان دارم با توجه به اینکه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت یک الگوی جامع و کامل می‌باشد این است که باید چه شرایطی فراهم شود که ما بتوانیم در بلندمدت مسلمانان و سایر کشورهای اسلامی را با این الگو که یک الگوی جامع و کامل می‌باشد، همراه و همقدم کنیم.

مهندس چیت‌چیان: به نظر من این مسئله باید در دو محور مورد توجه قرار بگیرد، اولاً مبانی اسلامی این الگو باید با شفافیت و وضوح بیان شود، این خود نکته‌ای می‌باشد که مسلمین سراسر جهان را متوجه این الگو خواهد کرد، زمانی که آنها مشاهده کنند که مبانی که ما در تدوین این الگو به کار گرفته‌ایم، همان چیزهایی می‌باشد که در آرمان‌های اسلامی آنها نیز نهفته است، جاذب سایر ملت‌های مسلمان به سمت این الگو خواهد بود.

مطلب دوم عبارت از این است که اگر ما در پیاده‌سازی این الگو موفقیت داشته باشیم و نظام خودمان را به عنوان یک نظام کارآمد بتوانیم در دنیا معرفی کنیم، موفقیت‌های نظام ما بزرگترین عامل جذب‌کننده قلوب سایر ملت‌ها به الگوی ما خواهد بود. به عقیده من تمام مسئله در این دو نکته محوری نهفته است.

مجری: آقای چیت‌چیان در بین صحبت‌هایشان به موضوع سبک زندگی اسلامی اشاره کردند و با توجه به تأکیدات مقام معظم رهبری به موضوع مهم سبک زندگی و تأثیراتش بر روی جامعه اسلامی ایران، یکی از راه‌های پیشبرد الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تحول بسیار مهمی می‌باشد که باید در عرصه و موضوع سبک زندگی حاصل شود، جناب آقای کشوری به نظر شما چه اقداماتی باید در این زمینه صورت بگیرد؟

حجت‌الاسلام کشوری: راجع به مسئله سبک زندگی، قبل از اینکه جایگاه آن در الگوی پیشرفت اسلامی مورد بحث قرار دهیم، بهتر می‌دانم که یک نکته مقدماتی را عرض کنم. اینکه آدم‌ها در جامعه چگونه زندگی می‌کنند، حتماً ارتباط وثیق به نحوه اداره جامعه‌شان دارد. در واقع می‌خواهم روی این نکته تأکید کنم که ما نمی‌توانیم، از یک طرف بگوییم مردم ما با سبک زندگی اسلامی، زندگی کنند ولی از سوی دیگر ساختارهای اداره جامعه فرصت زندگی به سبک اسلامی را به افراد ندهند.

به عنوان مثال تا مادامی که دیدگاه‌های نظام سرمایه‌داری در کشور ما وجود دارد که عدالت را از جامعه ما دور می‌کند یا حداقل اینکه دیدگاه‌هایی که کارشناسان توسعه ارائه می‌دهند و الان بعضی از این دیدگاه‌ها مبنای عمل هم می‌باشد یا اصلاً به سمت

عدالت نیست و یا دور از عدالت می‌باشد، فرض بگیرید که خانواده‌ای در مسئله تأمین معاش خانواده دچار مشکل باشد، این خانواده اگر بتواند پدر و مادر این خانواده مشغول به کار بیرون از منزل می‌شوند، خوب وقتی که آقا و خانم هر دو سر کار رفتند مجبور خواهند شد که فرزند خود را به مهدکودک بسپارند، اینجاست که اولین اشکال به سبک زندگی اسلامی وارد خواهد شد، در سبک زندگی اسلامی فرزند باید با محبت مادر تربیت شده و رشد پیدا کند و از طرف دیگر ساختارهای اداره جامعه زمینه فراهم شدن این تربیت صحیح را فراهم نکرده است.

پس یکی دیگر از مشکلاتی که ما در کشورمان با الگوهای توسعه غربی داریم و اگر این الگوها توانایی پاسخگویی به این مسئله را دارند باید پاسخ بدهند این است که مفروض ما این است که زندگی به سبک اسلامی، زندگی راحتی خواهد بود، زندگی می‌باشد که هم به درد دنیا و هم آخرت انسان می‌خورد، زندگی که انسان فرصت در کنار خانواده بودن را ندارد، احتمالاً برای همه مردم دنیا، زندگی ناگواری خواهد بود.

اگر الگوی توسعه غربی قدرت پاسخگویی و ارائه پیشنهاد برای حرکت بیشتر به سمت عدالت را دارد، خوب این الگو می‌تواند برای تحقق سبک زندگی اسلامی کمک‌کار باشد، اما اگر چنین توانایی را ندارد، در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت هدف ما اینست که شرایطی را برای اداره جامعه و یک نحوه اداره جامعه‌ای را پیشنهاد کنیم که نتیجه چنین شیوه اداره جامعه‌ای، ایجاد و تحقق سبک زندگی اسلامی شود.

اما اگر شما سبک زندگی اسلامی را برای مردم تشریح کنید ولی مردم نتوانند به دلیل شیوه مدیریت جامعه بر اساس الگوهای توسعه غربی به این سبک زندگی روی بیاورند، قطعاً این سبک زندگی محقق نخواهد شد. اینجا لازم می‌دانم که تذکر دهم این سئوالات ما فقط از کارشناسان داخلی نیست، بلکه منظور ما از کارشناسان توسعه در سراسر جهان است، هرکجا هرکسی براساس کارشناسی توسعه غربی قدرت پاسخگویی دارند پاسخ دهند.

یک کارشناس محترم در یکی از برنامه‌های صدا و سیما شرکت کرده بودند، از کارشناس پرسیده شد که شما راجع به الگوی توسعه غربی چه می‌گویید؟ ایشان وارد بحث شده و الگوی توسعه غربی را برای اداره کشور پیشنهاد دادند، در این زمان یکی دیگر از میهمانان این برنامه از این کارشناس پرسید که اسلامیت در این الگوی پیشنهادی شما کجاست؟ بلافاصله این کارشناس گفتند که ما قصدمان حل مسئله اشتغال می‌باشد، اگر بتوانیم مسئله اشتغال را حل کنیم، خانواده‌های بیکار بچه‌هایشان را سر کار خواهند فرستاد و زندگی‌شان بهتر خواهد شد و اسلام که با خوب شدن زندگی انسان‌ها مخالف نیست. به نظر من باید از آن کارشناس محترم پرسیده می‌شد که در کشورهای غربی مسئله اشتغال را حل کرده‌اید؟ اگر در پاسخ بگوید که حل کرده است، که با این آمار بیکاری در کشورهای غربی چه می‌کنند که علت اصلی قیام‌ها در این کشورها همین بیکاری می‌باشد، اگر تسامحاً از ایشان بپذیریم که مسئله اشتغال را حل کرده‌اند به آنها خواهیم گفت اگرچه فرض بگیریم اشتغال را حل کرده‌اید ولی در عوض خانواده را دچار فروپاشی کرده‌اید.

بنابراین باید گفت همانطور که حضرت‌عالی هم فرمودید نگاه توسعه غربی به انسان، یک نگاه تک بُعدی می‌باشد و نمی‌شود به چنین نگاهی، سبک زندگی اسلامی را محقق کرد، حداکثر چیزی که این نگاه به آن پایبند است این است که می‌گوید قصد ایجاد اشتغال داریم که افراد درآمد مکفی داشته باشند که البته این حرف در حد یک نظریه می‌باشد که آمارهای جهانی ناقض این نظریه هستند که خواهیم گفت ولو اینکه این نظریه بر روی کاغذ هم درست باشد، مسئله اشتغال یک بخش از زندگی انسان است، یعنی اگر کسی شغل داشته باشد ولی خانواده او به سبک اروپایی دچار فروپاشی بود باز هم آسایش نخواهد داشت.

پس الگوی توسعه غربی قطعاً منجر به سبک زندگی اسلامی نخواهد شد، در مورد سبک زندگی اسلامی هم می‌توان به طور قطع و یقین گفت بدون توجه به تغییر ساز و کارهای اداره جامعه، که ما معتقد هستیم که اداره جامعه باید مبتنی بر الگوی پیشرفت اسلامی باشد، امکان زندگی با سبک اسلامی به صورت فراگیر وجود ندارد.

البته ممکن است افرادی در جامعه پیدا شوند که خلاف موج عمومی جامعه حرکت کنند و زندگی خودشان را با آیات و روایات تطبیق دهند ولی عامه مردم گرفتار این ساختارها خواهند بود، به طور مثال زمانی که آموزش و پرورش به دانش آموزان ما آموزش ندهد که در زندگی مشترکشان چه مسائل و مشکلاتی پیش خواهد آمد، پس از تحصیلات وقتی به زندگی مشترک وارد



می‌شوند وقتی که دچار اختلاف می‌شوند، نخواهند توانست با سبک زندگی این مشکلات را حل کنند، لذا حتماً باید تحول بنیادین اتفاق بیافتد تا سبک زندگی اسلامی شود.

تحول بنیادین فقط هم در آموزش و پرورش نیست، بلکه در مسئله اقتصاد، جهت‌گیری‌های سیاسی که از دیدگاه ما هشتاد و یک مسئله آن نقداً موجود می‌باشد که اگر فرصتی پیش بیاید باید به آن پرداخته شود.

مجری: جناب آقای کشوری و آقای چیت‌چیان تا پایان برنامه فرصت کوتاهی باقی مانده است، سئوالی که از حضورتان دارم این است که در کشور ما نسبت الگوی پیشرفت اسلامی نسبت به سند چشم‌انداز چیست؟

مهندس چیت‌چیان: سند چشم‌انداز با بررسی‌های طولانی در مجامع رسمی کشور ما تدوین شده است و مورد تأیید و تأکید مقام رهبری بوده است، سند چشم‌انداز یک افق طولانی‌تری را مدنظر دارد و راهبردهایی برای دستیابی به آن اهداف ارائه خواهد داد، اما به نظر من سند چشم‌انداز بخشی از الگوی پیشرفت اسلامی را تشکیل خواهد داد.

به عبارت دیگر می‌توان گفت که بخشی از اهداف مرحله‌ای الگو خواهد بود و نه الگوی در افق بلندمدت خویش، به همین منظور این دو سند با هم مابینتی ندارند و حتماً سند چشم‌انداز در قالب این الگو قرار خواهد گرفت، منتها ممکن است در برخی از جهات این سند نیاز به بازنگری وجود داشته باشد، مادامی که این بازنگری صورت نگرفته باشد، سند چشم‌انداز یک سند رسمی و معتبر و یک سند بسیار بسیار پر اهمیت برای حرکت اجتماعی ما می‌باشد ولی اگر در افق بلندمدتی که الگو به آن نگاه می‌کند به این مطلب رسیدیم که یکی از عناصر سند چشم‌انداز بایستی مورد تجدید نظر واقع شود، همان مراجع رسمی این اقدام را انجام خواهند داد.

مجری: سپاسگذارم آقای چیت‌چیان، سئوال پایانی از حضور جناب آقای کشوری این است که بپردازیم به گفتمان‌سازی و اجرایی کردن الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و ظرفیت‌هایی که در کشور برای این دو موضوع وجود دارد.

حجت الاسلام کشوری: در خلال گفتگو بحث‌هایی که عرض شد در واقع دیدگاه مختار در این زمینه را طرح کردیم، به نظر ما گفتمان‌سازی به شیوه نظری یعنی اینکه ما یک سری مباحث را در مبانی و یا اهداف اصل قرار دهیم و بعد اینها را در جامعه (از طریق کنفرانس و همایش و کتاب) طرح کنیم، منجر به گفتمان‌سازی نخواهد شد.

پس یک شیوه نظری راجع به گفتمان‌سازی درباره الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت داریم که بزرگترین آسیب شیوه نظری این است که با این شیوه، جامعه به مسئله الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت احساس نیاز نخواهد کرد. در شیوه دوم ناظر به این آسیب موجود (در شیوه نظری گفتمان‌سازی) راه حل گفتمان‌سازی برای مسئله الگوی پیشرفت اسلامی را پردازش موضوعات جهت‌ساز معرفی کرده‌ایم و منظورمان از موضوعات جهت‌ساز در واقع همان هشتاد و یک مسئله‌ای است که خدمتان عرض کردم که به لحاظ فنی در نزد ما موسوم به موضوعات جهت‌ساز می‌باشند، یعنی زمانی که به این مسائل می‌پردازیم، سه اتفاق می‌افتد ۱. به دلیل اینکه با نیاز فعلی جامعه دارای نسبت می‌باشد، عزم ملی از هشتاد و یک جا برای تولید الگوی ایجاد خواهد شد، زیرا این هشتاد و یک جا به مسئله الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نیاز دارند. ۲. دومین اتفاقی که می‌افتد این است که این گفتمان‌سازی از ابتدا با رد توسعه غربی شروع نشده است، بلکه با روش دوم گفتمان‌سازی ما الگوی توسعه غربی را مفروض گرفته‌ایم و ابتداءً اگرچه به عنوان منتقد توسعه غربی اینجا نشستیم ولی ابتداءً از توسعه غربی سئوال می‌پرسیم که می‌تواند به نیازها و مسائل ما پاسخ بدهد و مسائل ما را حل و فصل نماید یا خیر. بنابراین روش گفتمان‌سازی به شیوه پردازش موضوعات جهت‌ساز هم نیاز جامعه را درگیر می‌کند و هم به صورت منطقی کارآمدی‌های توسعه غربی را روی میز و به قضاوت خواهد گذاشت، اگر پاسخگوی مسائل جمهوری اسلامی بود جامعه قضاوت خواهد کرد که از توسعه غربی استفاده کند ولی اگر پاسخگو نبود ما به سمت مسئله الگوهای اسلامی خواهیم رفت.

مجری: بسیار عالی، جناب آقای چیت‌چیان و جناب آقای کشوری، مطمئناً بحث در ارتباط با مسئله الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بسیار زیاد است در ارتباط با دیگر ابعاد و سوزده‌های این موضوع حتماً در شب‌های آینده صحبت خواهیم کرد، سپاسگذارم از حضور شما در استودیو دو نیم ساعت و ممنون از همراهی شما بینندگان عزیز، شب بخیر و خدانگهدار.



مناظره دوم؛ مناظره حجت‌الاسلام علی کشوری دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی با دکتر امیر باقری رئیس امور اقتصاد کلان سازمان مدیریت و برنامه

دوشنبه ۲۱ دی ۱۳۹۴

بسم الله الرحمن الرحيم

برنامه تیتراژ امشب شبکه خبر مورخ ۲۰-۱۰-۱۳۹۴ با حضور دکتر امیر باقری رئیس امور اقتصاد کلان سازمان مدیریت و برنامه و حجت‌الاسلام علی کشوری دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی به بررسی و نقد برنامه ششم کشور اختصاص داشت.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی نقشه راه محور اصلی این گفتگو بررسی علل و عوامل عدم توجه دولت یازدهم به بند اول برنامه پنجم کشور در فرآیند تصویب برنامه ششم بود. بند اول برنامه پنجم کشور دولت یازدهم و سایر قوا را مکلف می‌کند تا برنامه ششم را بر اساس لایحه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تدوین نماید. متن کامل این گفتگوی چالشی را در ادامه بخوانید.

مجری: وقت شما بینندگان گرامی بخیر. با برنامه تیتراژ امشب در خدمت شما هستیم. برنامه ششم توسعه احتمالاً پس فردا و یا در چند روز آینده تقدیم مجلس شورای اسلامی می‌شود. این برنامه سند توسعه کشور در ابعاد مختلف و حوزه‌های گوناگون در پنج سال آینده است. نظر به اهمیت این برنامه و تأثیر آن بر ابعاد و حوزه‌های گوناگون در کشور محورهای مختلف آن را در برنامه امشب بررسی می‌کنیم. جناب آقای امیر باقری رئیس امور اقتصاد کلان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و همچنین جناب آقای کشوری کارشناس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در این برنامه ما را همراهی می‌کنند. آقای باقری! سلام بر شما خوش آمدید.

باقری: خیلی ممنونم. بسم الله الرحمن الرحيم. بنده هم خدمت شما، آقای کشوری و بینندگان محترم عرض سلام دارم. امیدوارم شب خوبی داشته باشند.

مجری: سپاسگذارم. آقای کشوری! خوش آمدید به شبکه خبر.

حجت‌الاسلام کشوری: سلام علیکم و رحمه الله و برکاته. ان شاء الله جلسه امشب با برکت باشد.

مجری: سپاسگذارم. آقای باقری! زمان دقیق تقدیم برنامه ششم توسعه به مجلس شورای اسلامی دقیقاً مشخص شده است؟

باقری: استحضار دارید که برنامه ششم یک روند طولانی داشت. بعد از اینکه سیاست‌های کلی برنامه ششم توسط مقام معظم رهبری ابلاغ شد کارگروه‌های مختلفی تشکیل شده و مجموعه سند برنامه تهیه گردید. متن لایحه تقریباً بیست روزی هست - یا بیشتر- که در اختیار دولت قرار گرفته و دولت به صورت مداوم دارد بررسی خود را انجام می‌دهد. به نظرم این بررسی به نقطه‌های میانی رسیده است. یک گمانه بود که در این هفته بتوان این بحث را تمام و جمع‌بندی کرد. بستگی به این دارد که احکام باقیمانده که در دولت دارد بررسی می‌شود چقدر وقت بگیرد. برآورد اولیه روز سه شنبه بود منتهی بستگی دارد طی این یکی دو روز آینده بحث‌های باقیمانده چقدر طول بکشد و بحث‌های مختلفش انجام شود. به نظرم طبق همین فرمایش شما- در همین چند روز آینده تقدیم خواهد شد.

مجری: آقای باقری! برویم سراغ ماده اول برنامه پنجم توسعه که دولت را موظف می‌کند با همکاری سایر قوا الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را تا پایان سال سوم تدوین کرده و به مجلس شورای اسلامی تقدیم کند و به تصویب برساند. بعد از تصویب مجلس شورای اسلامی مبنای تهیه برنامه ششم و برنامه‌های آتی و آینده قرار بگیرد. این بند از قانون چقدر اجرا شد؟

باقری: خب ماده یک با همین مضمونی که شما فرمودید مصوبه مجلس شورای اسلامی شد. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور [هم] در هماهنگی با مرکز الگوی اسلامی ایرانی بحث‌های مختلفی انجام داد و نهایتاً متن لایحه‌ای متناسب با این‌ها طراحی کردند. خب بحث‌های خیلی زیادی بود. همانطور که دوستان اطلاع دارند نظرات خیلی متفاوتی در این حوزه [الگوی پیشرفت] هست. نهایتاً متن لایحه توسط سازمان مدیریت طراحی شد و تقدیم دولت گردید. این متن [لایحه الگوی پیشرفت] وقتی بخواهد در دولت بررسی بشود ابتدا باید در خود دولت در کمیسیون‌های مختلف بررسی شود، مخصوصاً متن لایحه در کمیسیون فرهنگی بررسی شد. نهایت قضیه پس از بررسی‌های مختلف این است که آن متن هنوز به جمع‌بندی نرسیده که به



عنوان جمع‌بندی کمیسیون فرهنگی دولت در اختیار دولت قرار بگیرد و نهایتاً به مجلس تقدیم شود. بنابراین این حکم برنامه‌سندش طراحی شده اما هنوز به تصویب دولت و نهایتاً مجلس نرسیده است.

مجری: آیا نباید به تصویب می‌رسید و با نگاهی به این موضوع برنامه ششم و محورهای مختلفش تهیه و جمع‌بندی می‌شد؟
باقری: از این زاویه نکته‌ای را عرض می‌کنم: ما [در برنامه ششم] به این نکته توجه داشته‌ایم. اگر شما تم برنامه ششم را ملاحظه بفرمائید عبارت توجه به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در تم برنامه ششم هست؛ یعنی در واقع آن شعار اصلی برنامه ششم با اتکا به الگوی اسلامی ایرانی هست. بنابراین یافته‌های دولت از متن آن لایحه‌ای که پیش‌نویس تهیه شده در خود برنامه ششم مورد استفاده قرار داده است. برداشت ما این است که سیاست‌های کلی برنامه ششم که ابلاغیه مقام معظم رهبری هست به اضافه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نکات مهم مربوط به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را درون خود دارند. بنابراین ما این سه نکته را در برنامه ششم مورد توجه قرار می‌دهیم: ۱. خود یافته‌هایی که از الگوی اسلامی ایرانی داشته‌ایم. ۲. سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری در برنامه ششم و ۳. سیاست‌های کلی ابلاغی اقتصاد مقاومتی. برداشت ما این است که ترکیب این سه با همدیگر می‌تواند آن خلأ را پوشش دهد تا ما در یک مسیر مشخص برای برنامه ششم قرار بگیریم.
مجری: آقای کشوری! [ایشان می‌گویند لایحه الگو] باید به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسیده [اما حالا] نرسیده [ولی به هر حال] با نگاهی به محورها و مواردش جزء شعار برنامه ششم قرار گرفته. نظر شما چیست؟

حجت‌الاسلام کشوری: بسم الله الرحمن الرحيم. اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجه. همانطوری که حضرتعالی فرمودید قانون به این شکل است که ابتدا باید لایحه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به تصویب مجلس برسد و بعد بر اساس ارکان این لایحه برنامه ششم تدوین بشود. من به آن بخش از بیانات جناب دکتر می‌رسم که فرمودند: در تم برنامه ششم مسأله الگوی پیشرفت را دیده‌اند. [باید بگویم] به هر حال ظاهر قانون این است که ابتدا باید لایحه بیاید مجلس رأی بدهد نظرش را اعلام کند بعد دولت برنامه ششم را اعمال کند. یک شاهدهی که بر درستی عرایض بنده هست غیر از اینکه ظاهر قانون به صراحت بر این مطلب تأکید می‌کند- تذکر مکرر چندین نماینده مجلس ناظر بر این موضوع است. یعنی به نظر می‌رسد دولت در اینجا بند قانونی را رعایت نکرده است. البته برخی از کارشناسان گفته‌اند ظاهراً پیشنهاد دولت محترم این است که تقاضای دو سوم رأی برای ملغی‌شدن مهم‌ترین بند برنامه پنجم کشور را بکند. چون به لحاظ قانونی دولت باید ابتدا لایحه را می‌آورد و حالا به هر دلیلی نیاورده اگر بخواهیم راه قانونی را بحث کنیم باید ابتدا دو سوم نمایندگان مجلس به لغو حکم برنامه رأی بدهند و بعد برنامه ششم در دستور کار قرار بگیرد. ظاهراً اگر غیر از این روال پیشنهاد شده باشد خلاف صریح بند اول برنامه پنجم اتفاق افتاده است.

مجری: آقای کشوری! اجازه دهید این نکته را از آقای باقری سؤال کنیم. آقای باقری! همینطور هست؟

باقری: برداشت من این نیست. تجربه‌ای که من به لحاظ ارتباط با مجلس در بقیه بحث‌هایی که تا به حال انجام شده دارم [باید بگویم] اینجوری نیست. اما در مورد اینکه چرا دولت این لایحه را به مجلس تقدیم نکرده است؛ واقعیتش این است که رسیدن به یک الگوی متناسب با مفهوم اسلامی ایرانی برای ایران با توجه به تعدد تفکری که [در این عرصه] وجود دارد یک کار ساده نیست، کاری است مشکل. همانطور که دوستان اطلاع دارند مقام معظم رهبری یک مجموعه‌ای را [تحت عنوان مرکز الگو] برای این امر [تشکیل داده و] تصویب کرده‌اند؛ وقتی با آنها هم مواجه می‌شویم همین مطلب را می‌گویند که نمی‌شود ظرف یکسال الگو ترسیم کرد. من در این زمینه با دوستان صحبت کرده‌ام. بحث [طراحی الگوی پیشرفت] بحث بلندمدتی است و اینکه فکر کنیم یک الگوی متناسب با اسلام و ایران را ظرف یکسال یا دو سال یا سه سال می‌توانیم طراحی و برای بلندمدت ایران پیاده کنیم به نظرم با آن چیزهایی که از دوستان مختلف شنیده‌ام شاید سطح خروجی [آن الگوی طراحی شده] مناسب نباشد. بنابراین ما فکر کردیم که بایستی بیشتر روی آن بحث بشود. شاید هم دولت به این نتیجه رسید که آن چیزی که [تحت عنوان لایحه الگو] تهیه شده هنوز کفایت مطلب را ندارد. اما در مورد مطلبی که حاج‌آقا فرمودند که اول باید دو سوم رأی بیاورد تا آن بند ملغی شود، برداشت من این نیست. به طور مثال عرض می‌کنم در برنامه چهارم توسعه -اگر ملاحظه فرمایید- نوشته شده که برنامه پنجم توسعه باید بر اساس آمایش سرزمینی طراحی شود. این حکم قانونی برنامه چهارم است. اما با این حال در برنامه پنجم چنین مقوله‌ای را نداریم. یعنی روندی که حاج‌آقا توضیح دادند چنین روندی در برنامه پنجم اجرا



نشد [به این معنا که] بگویند اول باید آن حکم با دو سوم رأی ملغی شود سپس اجازه می‌دهیم برنامه پنجم در صحن قرائت بشود. به نظرم اینجوری نیست.

مجری: آقای باقری! آقای کشوری نکته‌ای را مطرح کردند گفتند دولت این بند قانونی را در تدوین برنامه ششم در نظر نگرفته...

باقری: اصلاً به این ترتیب نیست. عرض کردم دولت از تمامی ظرفیت‌های موجود استفاده کرده است. یافته‌هایی که ما در مورد الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی داشته‌ایم - که در پیش‌نویس لایحه هم تهیه کرده‌ایم - به اضافه مجموعه رایزنی‌هایی که انجام داده‌ایم. شما می‌دانید در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور اساساً یک مرکزی به نام مرکز الگوی اسلامی ایرانی طراحی شد؛ یک مجموعه‌ای طراحی شد که کارش همین بود که در مورد طراحی الگو رایزنی کند، جمع‌بندی کند تا بتواند یک پیش‌نویس را طراحی کند. این مرکز کار شبانه‌روزی خود را انجام داد و نهایتاً خروجی آن در خدمت برنامه ششم قرار گرفت. جالب است که عرض کنم قبل از اینکه سیاست‌های کلی برنامه ششم توسط مقام معظم رهبری ابلاغ شود ما در سازمان مدیریت با هم فکری دستگاه‌های دولتی یک پیش‌نویسی برای سیاست‌های کلی برنامه ششم به عنوان پیشنهاد دولت تهیه کردیم. محور اصلی تهیه‌کنندگی آن پیش‌نویس همین مرکز طراحی الگوی سازمان مدیریت بود. چرا این بنا را گذاشتیم؟ فقط به خاطر همین نکته که چون آن مرکز مسئولیت تدوین الگوی اسلامی ایرانی را در سازمان مدیریت داشت بهتر از هر کسی می‌توانست متن یا بستر تهیه سیاست‌های کلی را متناسب با آن الگو تهیه کند. بنابراین ملاحظه بفرمائید که دولت اولاً تلاش خود را در ضمن تدوین پیش‌نویس لایحه در مجموعه بدنه خودش انجام داده و ثانیاً مسئولیت تدوین مهم‌ترین رکن برنامه ششم که پیش‌نویس پیشنهادی سیاست‌های کلی برنامه ششم هست را به عهده مرکزی گذاشته که این مسئولیت را داشته؛ برای اینکه از دانشی که [در مرکز الگو] انباشته شده در جهت این کار استفاده کند. بنابراین برداشت من - با وجود اینکه از نزدیک در جریان امور بودم - این است که دولت تمام تلاشش را انجام داده تا حدی هم جلو رفت که در شعار و تم برنامه اصالتاً این جمله آمده است. همانطور که توجه به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در آن نوشته شده توجه به الگوی اسلامی ایرانی هم در آن درج شده است. برداشت ما این است که آنچه که ما در اختیار داشتیم و یا در اختیار جاهای مختلف بود - حتی دوستانی که در مباحث اقتصادی در حوزه علمیه قم بودند به سازمان مدیریت تشریف می‌آوردند و - ما واقعاً استفاده می‌کردیم، این تلاش شد که این اتفاق بیافتد.

مجری: آقای کشوری! آقای باقری اشاره می‌کنند که آن چیزی که باعث شد در مجلس شورای اسلامی به تصویب نرسد این است که در ارائه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تعدد تفکرات وجود دارد و این روند کار را پیچیده می‌کند و به زمان بیشتری نیاز داشت. آیا آن چیزی که در موضوع الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در محورهای مختلف برنامه ششم توسعه - بر اساس آن شعارها و تم‌هایی که اشاره کردند - تدوین شده درست است؟

حجت‌الاسلام کشوری: بگذارید صریح‌تر صحبت کنیم آقای دکتر؛ چون ما داریم در مورد برنامه‌ای که حداقل بر سرنوشت پنج‌ساله کشور تأثیر می‌گذارد صحبت می‌کنیم. نکته اولی که عرض کردم آئین‌نامه مجلس بود. آئین‌نامه مجلس می‌گوید هر بندی از برنامه‌های میان‌مدت اگر قرار باشد نادیده گرفته شود به دو سوم رأی نیاز دارد. این آئین‌نامه مجلس است. پیشنهاد می‌کنم از معاونت حقوقی دولت پرسیده شود ...

باقری: این قانون در زمان برنامه‌هاست و نه بعد از برنامه.

حجت‌الاسلام کشوری: الان در زمان برنامه‌ایم. برنامه پنجم تا پایان سال ۹۴ موضوعیت دارد. پس بنابراین در زمان برنامه هستیم. از این رد می‌شوم. نمی‌خواهم در این مورد زیاد کنکاش کنم. گرچه ظهور قضیه این است که دولت خلاف مصرح قانون عمل کرده که البته من با این بخش خیلی کار ندارم. مسأله دومی که باید به آن توجه کنیم آن است که ما در سال دهم گفتمان‌سازی راجع به مسأله الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت هستیم. اینکه حضرتعالی می‌فرمایید در یک یا دو سال نمی‌شود مسأله را بست اگر مرادتان از یک سال دو سال، [زمان] طرح مسأله الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است که این مسأله از سال ۸۵ مطرح شده اگر مراد حضرتعالی آن تشکیلاتی است که تحت عنوان امور تدوین الگو - که آخرین مسئولش جناب آقای معصومی‌راد هستند - در سازمان مدیریت تشکیل شده، آن تشکیلات هم که سال اول حکم برنامه‌ی پنجم تشکیل شده؛



بنابراین ما یک مرکزی در سازمان مدیریت داشتیم که حدود پنج سال کار کرده است. پس دعوا سر یک سال و دو سال نیست از خود طرح بحث الگو نیز ده سال می‌گذرد. از طرفی دیگر [پیرامون الگوی پیشرفت اسلامی] در کشور یک کارهایی شده یک فضاهایی ایجاد شده حالا اگر دولت می‌آمد به قانون عمل می‌کرد و لایحه پیشنهادی خودش را به صحن می‌آورد این گفت‌وگوها راجع به الگو در کشور گُل می‌کرد، یعنی بحث عمیق می‌شد اشکالات گرفته می‌شد اتفاقاً به مرادی که حضرتعالی می‌فرمایید نزدیک می‌شد. اینکه مثلاً دوستان شما نشستند گرچه بنده خبر دارم که مثلاً جلساتی هم در سازمان مدیریت بود عزیزی از قم هم می‌آمدند ولی خوبه است که این را کارشناسان عزیز بدانند این دوستانی که می‌آمدند، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی به این‌ها می‌گفتند آقا شما دو ساعت راجع به الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت صحبت بکنیدو خود بنده دوبار دعوت شدم. بنده به دوستانی که من را دعوت کردند در آن جلسات گفتم که شما در دو ساعت می‌خواهید کدام بُعد از الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت را بحث کنید؟ ببینید حتی در امور تدوین الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت که در سازمان مدیریت بود فرصت بحث کافی به کارشناسان داده نمی‌شد، در حد اینکه یک کسی دو ساعت بیاید. مثلاً شما خودتان بعداً این نقشه راه ما را که در قم بعد از ۱۵ سال مطالعه ما راجع به الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت و اداره‌ی دینی جامعه نوشتیم ببینید. اگر ما می‌خواستیم این را منتقل کنیم [چگونه ممکن بود؟] من همیشه تقاضا می‌کردم که سازمان مدیریت گارد بسته‌اش را باز بکند اجازه بدهد این بحث‌ها داخل سازمان مدیریت بیاید مطرح شود. اگر می‌خواستیم این را مطرح کنیم حداقل نصف روز باید گزارشش را می‌دادیم که الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت این مفاهیم است این ابعادش است. شما حتی در سازمان مدیریت اجازه‌ی این گفت‌وگوها را هم ندادید. لذا این لایحه‌ای که بیرون آمده که نسخه‌اش دست بنده هست -یعنی دوستان سازمان مدیریت زحمت کشیدند در رسانه‌ها گذاشتند- این مورد چالش جدی بسیاری از کارشناسان است.

مجری: در چه ابعادی؟

حجت‌الاسلام کشوری: ببینید من سؤال می‌کنم و خواهش می‌کنم نخبگان و مردم خودشان قضاوت بکنند. آیت‌الله امام خامنه‌ای علیه‌السلام در مباحثشان می‌گویند الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت نقشه جامع اداره‌ی کشور است یعنی قرار است این الگو در همه حوزه‌ها بحث کند، در همه حوزه‌ها ورود پیدا کند. لایحه‌ای که دولت نوشته حداکثر پنج یا شش صفحه‌ی A4 می‌باشد. یک لایحه‌ی مختصری است یکسری کلیات -به اصطلاح- ابوالبقاء در آن مطرح شده حالا اسمش را گذاشته‌ایم الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت. چون باب مسائل اعظم انقلاب اسلامی و مسائل مشکلات کشور ما هست. بالاخره این دوستانی که در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور بودند الآن این ششمین برنامه‌ای است که دارند می‌نویسند. ما پنج تا برنامه توسعه نوشته‌ایم چرا مشکلات اقتصادی حل نمی‌شود؟ چرا دوستان در سازمان مدیریت نمی‌توانند مسأله عدالت اجتماعی را حل کنند؟ چون مسائل ما این مسائل است اجازه بدهید بحث الگو مطرح شود. واقعاً آن لایحه‌ای که شما می‌فرمایید برای برنامه ششم تم گرفته‌اید واقعاً آن الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت است؟ ما یکجایی بعد از اینکه رونمایی شد گفت‌وگو کردیم، بنده عرض کردم این چیزی که دوستان تهیه کردند این به هیچ عنوان الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت نیست. البته من یک تشویق و بارک الله به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور دارم که بعد از ۷۰ سال که همیشه تئوری‌های توسعه غربی در کشور اجرا شده چه در برنامه‌های قبل از انقلاب و چه در برنامه‌های بعد از انقلاب به انحای مختلفش یا نهادگرایی بوده یا نئوکینزی بوده یا امثال آن که اجرا شده و آمده جلو بعد از ۷۰ سال دوستان در لفظ و در اصطلاح کلمه الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت را حفظ می‌کنند. ولی اینکه این برنامه ششم -من بر فرض جناب دکتر صحبت می‌کنم نمی‌خواهم الآن چیزی از خودم اضافه کنم- آقای دکتر می‌فرمایند تم برنامه ششم را لایحه دولت قرار دادند. برادر عزیز این لایحه‌ای که شما نوشته‌اید اینکه الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت نیست، مجلس که تصویب نکرده کارشناسان هم که به آن انتقاد دارند. جناب آقای دکتر با اجازه شما من می‌توانم نتیجه گیری کنم که هرچند بالای برنامه ششم کشور الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت نوشته شده، ولی دارد همان مسیری که برنامه پنجم و چهارم بر آن بود را ادامه می‌دهد.

باقری: حتماً نظر خودتان را دارید می‌گویید. ما طبق بررسی‌های خودمان می‌گوییم نظر خودتان برای خودتان محترم است و ادامه بفرمایید. اما من فکر می‌کردم ما می‌خواهیم بحث‌های عمیق برنامه ششم را صحبت کنیم

مجری: محورهای دیگری از این برنامه در دستور کار بررسی ما است.



باقری: بله چون الان سراغ بحث الگوی اسلامی-ایرانی رفته‌ایم. چون برای خود من یک ذهنیتی وجود دارد...
حجت‌الاسلام کشوری: ببینید جسارتاً آقای دکتر می‌گویند ما می‌خواهیم بحث‌های عمیق را بررسی کنیم. آقای دکتر مگر ما بحثی عمیق‌تر از الگو هم داریم؟

باقری: همان را می‌خواهم بگویم، می‌گویم مضامینش را صحبت کنیم. چون من یادم می‌آید که حداقل در این مکتوبات هست که فرمایش مقام معظم رهبری این است که برنامه ششم باید در راستای اقتصاد مقاومتی نوشته شود. این جمله صریح ایشان است حالا اینکه می‌گویم وارد مضامین شویم بیشتر از این زاویه بود. حالا به این بحث شما برگردم. عرض می‌کنم شما ممکن است نظر خودتان را داشته باشید... من دقیقاً چون با افراد دیگری صحبت کردم نظر دیگری داشتند، برای همین می‌گویم یک اجماعی روی این مسأله نیست. دقیقاً شما اینجا دارید به من می‌گویید که این الگو خوب نیست با یک فرد دیگری صحبت می‌کنم می‌گوید این اتفاقاً بد هم نیست خوب هم هست. برای همین می‌گویم اجماعی روی آن وجود ندارد. گیر قضیه در همین است. شما با آقای واعظزاده صحبت بفرمایید مسئول تشکیلات مربوط به الگوی اسلامی-ایرانی. ما وقتی با ایشان صحبت کردیم گفتند کاملاً مشخص است که ما الآن چنین الگویی نداریم و طراحی آن خیلی کار سخت و زمان‌بری است و به این سادگی نمی‌توان این کار را انجام داد. اما با این حال ما در این شرایط بر اساس مطالعاتی که انجام دادیم یک متنی را تهیه کردیم. زعم حاج آقا این است که این متن مفهوم الگوی اسلامی-ایرانی ندارد. از نظر ما دارد. چرا؟ چون برای خودمان یکسری اهداف طراحی کردیم. در آن جا بر اساس آن یک راهبردهایی داشتیم بعد شروع کردیم به طراحی کردن. این چیزی است که به ذهن خود ما رسیده. این را عرضه هم کرده‌ایم دوستان نظرات مختلف دادند حالا در واقع باید جمع‌بندی کنیم و این را طراحی کنیم و جلو برویم. اما در این موقعیت آنچه که از دست ما برمی‌آید این بود که بر اساس آنچه که طراحی کردیم و نقطه نظرانی که گرفته‌ایم از مجموع کسانی که در مورد این فکر می‌کنند بیاییم شروع کنیم به نوشتن برنامه ششم. اینکه با صراحت اینجا اعلام کنیم حتماً این الگوی طراحی شده توسط مرکز الگوی سازمان مدیریت [چیز خوبی نیست] این حرف درستی نیست. [من می‌گویم باید در یک بحث کارشناسی دوستانی که در این زمینه کار کرده‌اند در موردش بیایند صحبت کنند کسانی که طراحی‌اش کرده‌اند و مسئول این کار بوده‌اند بایستی بیایند صحبت کنند و از آن دفاع کنند. اما آنچه که من به عنوان دفتر کلان شاهدش بودم این بود که دوستانی بودند که با همان مرکز الگوی در سازمان مدیریت این یافته‌ها را جمع‌آوری کردند. حالا حاج آقا فرمودند که وقت ارائه‌ی مطلب نبود حالا من نمی‌دانم در آن زمان دو ساعت بوده یا نبوده ولی تا آنجایی که من می‌دانم از کلیه مطالب استفاده شده تا به آن متن برسند. به هر حال اینکه طراحی الگو باید انجام شود، حتماً باید انجام شود. کار کاملاً منطقی و درستی است. ولی عرض من این نکته بود که دولت تلاش خودش را برای طراحی پیش‌نویس انجام داد و آن پیش‌نویس بعد از آن که فیدبک‌ها و یا بازخوردهای جامعه را دریافت کرده در برنامه ششم مورد استفاده قرار گرفته و حالا ممکن است کسی مثل آقای کشوری بگوید به درد نمی‌خورد، یک کسی دیگر مثل آقای ایکس یا ایگرگ بگوید: نه اتفاقاً خوب هم هست. این دیگر تفاوت آراء هست. برای همین عرض کردم ما نتوانستیم به یک جمع‌بندی مشخص با یکدیگر در این زمینه برسیم. حالا من حقیقتش نخواستم وارد مضامین بشم چون من با دوستان حوزه علمیه قم در این قضیه بحث داشتیم. بعضی از مسائلی که واقعاً مطرح می‌کنیم واقعاً متفاوت است. جمع‌بندی واحدی روی آن نظرات نیست، برای همین عرض می‌کنم. حالا اگر فرصت شد برداشت‌مان را عرض می‌کنم خدمت شما. ما به دلیل همین مسأله نتوانستیم به یک جمع‌بندی در دولت برسیم که به عنوان یک لایحه تقدیم مجلس کنیم، ولی سعی کردیم از مفهومی استفاده کنیم. اینطوری هم نیست که بگوییم یک جمله بالا نوشتیم بقیه‌اش نیست. من دعوت می‌کنم دوستان از خود متن لایحه ملاحظه بفرمایند بحث‌های مختلفی که برداشت ما بود نسبت به مسائل اسلامی-ایرانی در متن آورده شده در کنار بقیه‌ی بحث‌های دیگه خصوصیت مربوط به حوزه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... است.

مجری: آقای باقری! الآن اشاره می‌کنید که بحث‌هایی هست. موادش و مواردش در این حوزه با توجه به مفهومی که اشاره کردید پیشنهاد الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت در برنامه ششم توسعه چه چیزی است؟

باقری: در واقع اگر اینجوری حساب کنیم عرض کردم ما یک لایحه داریم. در واقع راهبردها نگاه و هدف‌هایمان را آنجا طراحی کرده‌ایم. متناسب با آن به حوزه‌های مختلف توجه دادیم. مثلاً فرض کنید در حوزه فرهنگی حوزه مربوط به خانوار و چیزهای



مختلفی که هست در واقع از همان نگاه استفاده شده در اینجا آورده شده؛ ولی من اول صحبتیم یک نکته دیگری عرض کردم و آن اینکه آیا بحث‌های اقتصاد مقاومتی و سیاست‌های کلی مختص برنامه ششم - که توسط مقام معظم رهبری ابلاغ می‌شود - آیا نمی‌توان گفت برای دوره برنامه ششم آن الگو را تا حدودی پوشش می‌دهد؟ برداشت من این است؛ یعنی اینکه یک جایی مثل مجمع تشخیص مصلحت نظام و بعد دفتر رهبری و بعد خود ایشان مجموعه یافته‌هایشان تحت عنوان سیاست‌های کلی برنامه ششم ابلاغ می‌کنند. من می‌گویم برنامه ششم این سیاست‌ها بالای دستش است در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و بعد سراغ آن سیاست‌ها می‌رویم و از آن‌ها برداشت می‌کنیم و شروع به نوشتن آن لایحه و اسناد می‌کنیم. در کنار آن تأکید می‌شود که شما باید به اقتصاد مقاومتی توجه کنید، آن را سند بالادستی اعلام می‌کنند. به عنوان یک کارشناس عرض می‌کنم که وقتی اینجور در مورد برنامه ششم صحبت می‌شود و این اسناد را بالادستش می‌گذارند یک نگاه این است که تجلی آن الگو در قالب این سیاست‌های ابلاغی چه برنامه ششم و چه اقتصاد مقاومتی به مجموعه دولت ابلاغ شده است. در کنار همه‌ی این دو مطلبی که عرض کردم ما ره‌یافته‌های خودمان از لحاظ الگو را در اینجا مورد استفاده قرار داده‌ایم.

مجری: آقای باقری! شما اعتقاد دارید که احکام برنامه ششم با سیاست‌های ابلاغی مطابقت دارد؟ یعنی روند و اهداف کار را تحقق می‌بخشد؟

باقری: روند طراحی برنامه به این ترتیب است؛ دولت بررسی‌هایی انجام می‌دهد، مطالعات فاز صفر انجام می‌دهد، کارهای مختلفی انجام می‌دهد. اگر فرصت شد من درباره‌اش صحبت می‌کنم، چون در برنامه ششم، خیلی کارهای زیادی انجام شده است که من مایل بودم اینجا در مورد آن صحبت کنم تا بینندگان عزیز ملاحظه بفرمایند که چه حجم کاری انجام شده و چه پشتیبان‌های برای برنامه [ششم] هست. ان شاء الله به آنجا می‌رسیم و در موردش صحبت می‌کنیم. اما عرض من این است که بالاخره نقطه شروع برنامه ششم، سیاست‌های ابلاغی برنامه ششم و ابلاغیه‌ای که مقام معظم رهبری می‌فرمایند بوده است. ما از آنها استفاده می‌کنیم. حتی کارگروه‌ها یا شوراهایی که ما برای برنامه ششم چیدمان کرده‌ایم - که ۳۰ کارگروه و شورا است، عناوین آنها مختلف است و از حوصله خارج است - متناسب با بندهای سیاست‌های کلی ابلاغی است. به طور مثال اگر یک بند [از سیاست‌های کلی] در مورد حوزه بازار کار و رشد صحبت کند، ما یک شورا برای آن خلق کرده و به آن شورا می‌گوییم؛ شما وظیفه دارید متناسب با این بند سیاست کلی و با توجه به شناختی که از مسائل اجتماعی - اقتصادی ایران دارید و با توجه به دورنمایی که از آینده ایران دارید؛ در این حوزه سند برنامه طراحی بفرمایید. بنابراین نقطه شروع، سیاست‌های ابلاغی است و ملزم هستیم در چارچوب آن پیش برویم. بعدها که ما لایحه و اسناد را تقدیم مجلس می‌کنیم؛ مجلس دقیقاً این تطبیق را انجام می‌دهد. برای اینکه بینندگان محترم مطلع شوند، [باید بگویم] ما همیشه وقتی برنامه را طراحی می‌کنیم تطبیق بندهای سیاست‌های ابلاغی را با چیزی که پیشنهاد کرده‌ایم، انجام می‌دهیم و به جامعه ارائه می‌کنیم. می‌گوییم برای این بند سیاست کلی این برنامه اجرا شد، برای آن بند دیگر این برنامه. سعی ما این است که تمامی بحث‌هایی که در برنامه ششم جمع می‌شود، به صورت هرم و هدف‌دار به یک نقطه اصلی برسد که آن نیز همان جمله اول سیاست‌های ابلاغی یعنی رشد پایدار و شتابان است که هدف‌گذاری ۸٪، متناسب برنامه ششم می‌باشد.

مجری: آقای باقری شما چه اعتقادی راجع به این تطابق دارید؟

حجت‌الاسلام کشوری: اجازه بدهید من بحث قبلی را تکمیل کنم. اینکه آقای دکتر می‌فرمایند؛ بقیه کارشناسان توافقی روی لایحه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت کرده‌اند، خوب است ما ببینیم کدام یک از کارشناسان، این بحث‌ها را مطرح کرده‌اند. بالاخره تیم رصد ما حداقل در این سه - چهار سال گذشته مجموعه اخبار مربوط به الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت - که ۱۰ جریان فعال در حوزه الگو بحث می‌کنند - را رصد کرده است. حتماً از کم‌اطلاعی بنده است که به خاطر نمی‌آورم کارشناسی لایحه دولت را بحث کرده باشد. آقای دکتر! شما یک سؤالی را به بنده جواب دهید تا بنده سیاست‌های کلی برنامه ششم را نیز بحث کنم. در [این سیاست‌ها] نیز محورهایی وجود دارد که مسأله الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در آنها اصل قرار گرفته و باید مشخص شود که آیا این محورها تبدیل به حکم برنامه می‌شوند یا نه، آیا این محورها حالت زینتی دارند و احکام برنامه، فضای دیگری دارد یا خدای نکرده دارد به سمت فضای علیل توسعه غربی حرکت می‌کند؟ الان ما در تعریف الگوی اسلامی -

ایرانی پیشرفت یک وفاقی داریم که الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت یعنی نقشه جامع اداره کشور. بنده از حضرتعالی سؤال می‌پرسم - حضرتعالی را آدم منصفی نیز می‌دانم، همین که حضرتعالی ورود پیدا کرده‌اید و برخلاف برخی از دوستان توسعه‌گرا می‌گویید که ما به الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت نیاز داریم، من از شما تشکر می‌کنم. خود این حرف خیلی بزرگی است ولی با این حال - آیا به نظر شما نقشه جامع اداره کشور در ۷-۸ صفحه کاغذ A4 جا می‌شود؟ یا ما باید تعریف به پذیرش رسیده الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت - که در ادبیات گفتمان انقلاب هست - را کنار بگذاریم یا اینکه باید بگوییم سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور با یک تعریف خاصی از الگو، جلو آمده است. برای اینکه بحث روشن‌تر بشود مطلبی بگویم. جناب آقای نوبخت، رئیس محترم سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور با شماره ۷ فصلنامه الگو یک مصاحبه‌ای انجام داده‌اند. ایشان می‌فرمایند: نباید الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت را اینقدر فربه گرفت (من نقل به مضمون می‌کنم) نباید اینقدر جامع گرفت که جا برای توسعه تنگ شود. یکی دیگر از مسئولین محترم بیان دیگری دارند، می‌فرمایند: ما در تحقیقات خودمان در مرکز تحقیقات مجمع تشخیص، روی آخرین نظریات توسعه غربی کار می‌کردیم، وقتی مسأله الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت مطرح شد، اسم آن تحقیقات را عوض کرده و الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت گذاشتیم. ببینید؛ آقایان - غیر از حضرتعالی که به این صراحت می‌گویید ما به الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت نیاز داریم - [نظر دیگری دارند]. شما نفرمایید که این نظر بنده است؛ دو تا از مسئولین سازمان مدیریت می‌گویند. اولاً آنها اصلاً تعریف نقشه جامع در الگو را نپذیرفته‌اند و می‌خواهند الگو را به عنوان یک چارچوب گذاری کلی [معرفی کرده] و مباحث توسعه را مطرح نمایند. احتمالاً [توسعه] در برنامه ششم با نگاه نهادگرایی جلو برود. آن برادر دیگر نیز می‌گویند که ما اسم قضیه را عوض کردیم، تحقیقات، تحقیقات توسعه غربی بوده است. خود آن برادر [این مطلب را] تلفنی به من می‌گفت. ما داشتیم راجع به شاخص‌های توسعه انسانی صحبت می‌کردیم. بالاخره اهل فن می‌دانند که شاخصه‌های توسعه انسانی، یکی از آخرین ورژن‌های شاخص‌های ارزیابی توسعه است که در کنار WDI مورد استفاده قرار می‌گیرد. خود آقایان می‌گویند ما تغییر اسم دادیم. من چرا اینقدر اصرار دارم که این بحث در ابتدا مطرح شود تا سپس وارد قسمت دوم شویم؟ برای اینکه دوستان سازمان مدیریت - [با توجه به اینکه] شبکه خبر آمادگی دارد و در جاهای دیگر نیز می‌توان اینکار را انجام داد - اگر لایحه خود را به مجلس نمی‌برند، در مجامع نخبگانی به بحث بگذارند. اگر ما اشتباه کردیم، بنده حاضریم در همین شبکه خبر بگویم اشتباه کردم، اشکالی ندارد. ولی واقعاً اسنادی که ما خوانده‌ایم ربطی به الگو ندارند. این، مسأله اول است که باید حل شود. پس ان شاء الله آقای دکتر به ما وعده بدهید که این جلسه برگزار شود و ما استفاده کنیم، ما حاضریم شاگردی بکنیم، خدمت شما و دوستانتان بیاییم و بحث الگو را یاد بگیریم.

مجری: آقای کشوری مدیریت زمان هم بفرمایید. ۱۰ دقیقه زمان تا پایان برنامه مانده است

حجت‌الاسلام کشوری: بند دیگری که حضرتعالی می‌فرمایید این است که اسناد بالادستی باید اصل باشند و یکی از اسناد بالادستی نیز سیاست‌های برنامه ششم است. بنده از رو می‌خوانم؛ این، عبارات ابلاغیه رهبری معظم است. ایشان می‌فرمایند: ساختار اصلی این بسته‌ی سیاستی، شامل سه محور اقتصاد مقاومتی، پیشتازی در عرصه علم و فناوری، و تعالی و مقاوم‌سازی فرهنگی است. بعد ایشان ادامه می‌دهند و می‌فرمایند: تحقق اهداف برنامه ششم به ارائه الگویی برآمده از تفکر اسلامی در زمینه پیشرفت - که به کلی مستقل از نظام سرمایه‌داری جهانی است - کمک می‌کند. پس جناب آقای دکتر اگر سیاست‌های ابلاغی را نیز مبنا قرار دهیم، سؤال بنده این است که مثلاً برای حوزه مقاوم‌سازی فرهنگ - حضرتعالی می‌فرمایید مضامینی وجود دارد - چه محورهایی در برنامه ششم دیده شده است؟

مجری: بفرمایید.

باقری: قرائتی که کردند در واقع در نامه‌ای است که سیاست‌های کلی به رئیس جمهور محترم ابلاغ شد. منتهی پیوست این [نامه]، بندهای مختلفی ابلاغ شد که در واقع دولت ضمن اینکه باید این نامه را رعایت کند، بندهای آن الآن یادم نیست چند بند است.

حجت‌الاسلام کشوری: ۸۰ بند است.

باقری: هشتاد و خرده‌ای بند.

حجت‌الاسلام کشوری: دقیقاً ۸۰ بند.



باقری: در واقع باید ۸۰ بند را نیز رعایت کند. ما در مجموع به همه این بندها به اضافه آن نامه توجه کرده‌ایم. اما در مورد سؤالی که حاج آقای کشوری فرمودند که این قسمت [از نامه] چگونه در حوزه فرهنگی ملاحظه شده است؛ من دعوت می‌کنم به خود سند حوزه فرهنگی - نمی‌دانم در اختیار شما قرار گرفته شده یا نه. احتمالاً در اختیار شما قرار نگرفته چون هنوز تصویب دولت را ندارد - رجوع کنید. من یک توضیحی عرض کنم؛ برنامه ششم یک تفاوتی با برنامه‌های دیگر دارد و آن این است که برنامه ششم مجموعه احکام نیست؛ بلکه مجموعه احکام به اضافه اسناد است. یعنی اگر شما برنامه پنجم را ملاحظه کنید، یک کتاب بیشتر نمی‌باشد، یعنی شما فقط مجموعه احکام را دارید که برای تصویب به مجلس برده می‌شود. اما ساختار برنامه ششم اصلاً متفاوت است. یک کتابی از مجموعه احکام می‌باشد که باید اجازات مجلس را داشته باشد؛ اما ۱۵۰۰ صفحه سند دارد که در واقع پیوست برنامه است. به طور مثال بحث بازار کار یک سند دارد که آن به عنوان حکم به مجلس نمی‌رود، بلکه یک سند است که می‌گوید چه کار می‌خواهیم انجام دهیم. حوزه فرهنگی نیز به همین ترتیب است. آنچه که به عنوان حکم هست در کتاب و لایحه می‌آید و آنچه که سند است، به عنوان سند برنامه فرهنگی می‌آید. تفاوت این دو در چیست؟ جمع‌بندی دولت به این ترتیب است که از مجموعه بررسی‌های انجام شده مثلاً در حوزه فرهنگی، آن قسمتی که نیاز به اجازه مجلس دارد، صرفاً آن قسمتی که نیاز به اجازه مجلس دارد، در متن لایحه تقدیم مجلس می‌شود؛ اما آن قسمتی که نیاز به اجازه مجلس ندارد اما برنامه کشور را مشخص می‌کند، به عنوان سند پیوست می‌باشد. بنابراین برای هر حوزه مثلاً بخش فرهنگی، بخش آموزش عالی، بحث سرمایه‌گذاری، بازار کار، ما کار را دو قسمت کرده‌ایم: ۱. مجموعه احکامی که تقدیم مجلس می‌شود و باید اجازه مجلس را داشته باشد تا [این احکام] انجام شود. دوم، آنچه که کشور و دولت می‌خواهد در طول ۵ سال آینده انجام بدهد که اصلاً نیازی به مجوز مجلس ندارد؛ بلکه برنامه است؛ اعم از هدف‌گذاری‌ها، سیاست‌ها راهبردها و بقیه چیزهایی که در آن وجود دارد. ما چنین چیزی را در برنامه ششم خلق کرده‌ایم. بنابراین ما یک کتابی داریم مانند همین کتاب سبز که لایحه است و خیلی هم محدود است و نیاز به اجازه مجلس دارد. اسنادی نیز داریم - ۳۰ سند مربوط به حوزه‌های مختلف است - که برنامه دولت و برنامه کشور را مشخص می‌کند. اگر بخواهیم فقط به این احکام اشاره کنیم و بگوییم: ما در این احکام جست‌وجو کردیم و چیزی از این مضمونی که الآن اشاره شد در آن ندیدم، پس برنامه ششم فاقد این [مضامین] است؛ حتماً اشتباه کرده‌ایم. چرا؟ چون اصل قضیه آن سند است که برنامه کشور را مشخص می‌کند. چون حوزه من اقتصاد کلان است چند مثال در این زمینه عرض کنم. چون چند بار بازار کار را ذکر کردم به بازار کار اشاره می‌کنم. اگر تمام این سند و لایحه را نگاه کنید بازار کار تنها دو بند دارد. [این بندها] اجازه می‌دهد که برای دانش‌آموختگان بازار کار، یک سبک خاصی که قانون کار قدری راحت‌تر با آنها برخورد کند. چون به اجازه مجلس نیاز دارد. اما یک سند دیگری داریم که می‌گوید در ۵ سال آینده چه اتفاقاتی باید در بازار کار ایجاد شود. به طور مثال من چند تا مثال عرض کنم. چون اینها نکات خیلی مهمی در برنامه ششم است، من فکر می‌کنم بینندگان باید آنها را بدانند فقط می‌خواهم گریز بزنم بعد به بحث حاج آقا بازمی‌گردم. ما در برنامه ششم با یک مشکلی مواجه خواهیم شد که الآن آن را لمس نمی‌کنیم. شاید خانواده‌ها آن را لمس می‌کنند ولی در برنامه ششم به شکل حد است.

مجری: چه مشکلی؟

باقری: مسأله خروجی جوان‌ها از دانشگاه‌ها. در برنامه ششم تقریباً سالانه ۸۴۰ هزار نفر خروجی تحصیل‌کرده آموزش عالی خواهیم داشت. [این روند] سال به سال است. سؤال جدی این است که با این جوان‌ها چه کار می‌خواهیم بکنیم؟ این مطلب در آن سند نوشته شده است. با توجه به اینکه تمام این جوان‌ها وارد بازار کار نمی‌شوند؛ باید برای این جوان‌ها - که جنس کار آنها آموزش عالی بوده و آدم‌های دانشگاهی هستند - برنامه داشته باشیم. محاسبات ما نشان می‌دهد؛ برای اینکه بتوانیم برای آنها شغل ایجاد کنیم و نرخ بیکاری به حد معقولی برسد؛ سالانه باید در این کشور ۹۵۵ هزار شغل ایجاد شود. اینکه "این اتفاق باید چگونه ایجاد شود، چقدر منبع مالی می‌خواهد، این پول‌ها را باید از کجا فراهم کنیم، چه کسانی باید اینکار را انجام دهند" در سند نوشته شده است؛ اما نیاز نیست که اجازه آن را از مجلس بگیریم.

مجری: پس برنامه ششم توسعه مجموعه‌ای از احکام و اسناد است. آقای باقری! سؤال آقای کشوری را پاسخ دهید چون دو دقیقه تا پایان برنامه زمان داریم.



باقری: من می‌خواهم دعوت کنم که الگوی اسلامی - با آن فرمایشی که قرائت کردند - را در مجموعه اسناد جست‌وجو کنند. این کار ماست، باید آنها را در اختیار قرار بدهیم. چرا هنوز اسناد در اختیار دوستان قرار نگرفته؟ چون هنوز مصوب دولت نشده است، الآن دولت مشغول همین کار است. بنای ما این است که هم‌زمان که لایحه توسط دولت جمع‌بندی شده و تقدیم مجلس می‌شود، این اسناد نیز جمع‌بندی شوند و در دولت تصویب شده و در اختیار عموم و در اختیار مجلس قرار گیرد.

مجری: یک دقیقه زمان در اختیار شما جناب آقای کشوری.

حجت‌الاسلام کشوری: ان شاء الله ما منتظر می‌شویم که اسناد را ببینیم. البته آقای دکتر ما باید حتماً سند حمایت از خانوار را داشته باشیم. شما می‌دانید که در بعضی از شهرهایمان حدود ۳۰٪ طلاق داریم. باید سند شبکه ملی اطلاعات را نیز داشته باشیم. اینها بحث‌هایی است که باید داشته باشیم.

باقری: این نکات که فرمودید واقعاً در اسناد هست.

حجت‌الاسلام کشوری: ولی به هر حال اصل مسأله که لایحه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت هنوز به تفاهم نرسیده و به تصویب نرسیده، شما تعریف خاص خودتان را دارید، قبول بفرمایید جمع‌بندی‌های خاص خودتان را...

باقری: بله، جمع‌بندی‌های خودمان است.

حجت‌الاسلام کشوری: یعنی بدون اینکه آن را به تفاهم نخبگان رسانده و به تضارب بگذارید، آن را تبدیل به برنامه می‌کنید و می‌گویید: قرار است [الگوی پیشرفت] را در اسنادی که قرار نیست تصویب شود ملاحظه می‌کنیم. آقای دکتر! عرض من این است که سؤال جدی نخبگان جریان گسترده کارشناسان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت این است که؛ با توجه به اینکه دولت لایحه را برای تصویب به مجلس نمی‌آورد و اسناد را نیز عرضه نمی‌کند؛ چطور مطمئن شوند که برنامه ششم با نگاه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت [تدوین شده است؟] شما یا پس فردا یا نهایتاً هفته بعد آن را به مجلس می‌برید و به تعبیر خودتان [این اسناد] هنوز رونمایی نشده است، پس ما بر چه مبنایی قضاوت بکنیم. حق بدهید که جریان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نمی‌تواند ناظر به اسنادی که هنوز ندیده در مباحث علمی بگوید که چون دولت محترم رفته، مذاکرات هسته‌ای نیست که بگوییم چون تیم مذاکره‌کننده‌ی ما هست اعتماد بکنیم. من خواهش می‌کنم زودتر بحث‌ها را بیاورید تا اگر واقعاً مسأله الگو هست آن را بررسی کنیم.

مجری: ۳۰ ثانیه زمان تا پایان برنامه باقی مانده است.

باقری: تا چیزی تصویب نشده نمی‌توان آن را منتشر کرد. ما در شوراها از حضور نخبگان استفاده کرده و به جمع‌بندی رسیده‌ایم اما از ما بپذیرد تا زمانی که چیزی در دولت تصویب نشده نمی‌توان آن را به عنوان کار دولت منتشر کرد. حتماً باید از این مسیر عبور کند. به محض اینکه به مرجع تصویب رسید حتماً در اختیار دوستان قرار می‌گیرد.



مناظره سوم: مناظره حجت‌الاسلام علی کشوری و دکتر معصومی راد در برنامه تیترا امشب شبکه خبر

پنجشنبه ۲۷ اسفند ۱۳۹۴

بسم الله الرحمن الرحيم

برنامه تیترا امشب شبکه خبر مورخ ۲۳-۱۲-۱۳۹۴ به بررسی جایگاه الگوی پیشرفت اسلامی در برنامه ششم پرداخت. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی نقشه راه در این برنامه دکتر رضا معصومی‌راد رئیس امور فرهنگی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و حجت‌الاسلام علی کشوری دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی به گفتگو پرداختند.

مجری: وقت شما بخیر هم‌وطنان گرامی. برنامه دیگری از تیترا امشب را مشاهده می‌کنید. چندی پیش لایحه برنامه ششم توسعه از سوی دولت به مجلس شورای اسلامی ارائه شد و نمایندگان خانه ملت نیز این لایحه را دوباره به دولت برگرداند، چراکه نسبت به آن نظراتی داشتند و این برنامه و لایحه، فقط احکامی بود که برای اجرای برنامه [توسعه] لازم بود.

به نظر می‌رسد که حالا دولت مشغول تدوین برنامه ششم توسعه است، اینکه دولت باید بر اساس چه الگویی این برنامه را تدوین کند و نظرات نمایندگان ملت را در آن لحاظ نماید، تا ابعاد و زمینه‌ساز توسعه همه‌جانبه‌ی کشور در حوزه‌ها و موضوعات گوناگون باشد؛ موضوع تیترا امشب را به خودش اختصاص داده است. جناب آقای دکتر رضا معصومی‌راد، رئیس امور فرهنگ، گردشگری و ورزش سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و همچنین جناب حجت‌الاسلام و المسلمین علی کشوری کارشناس الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت در استودیو با ما هستند. آقای دکتر معصومی‌راد سلام بر شما، خوش آمدید، بفرمایید.

دکتر معصومی‌راد: بسم الله الرحمن الرحيم با عرض سلام و ادب خدمت شما و همکاران زحمت‌کش صدا و سیما و بینندگان محترم برنامه تیترا امشب، در خدمت شما هستیم، ان شاء الله عزاداری‌های مردم شریفمان در این ایام مقبول درگاه باری تعالی باشد.

مجری: سپاسگزارم، آقای کشوری! به شبکه خبر خوش آمدید.

حجت‌الاسلام کشوری: و علیکم السلام و رحمت الله و برکاته، ان شاء الله که امشب ذخیره عالم قبر و قیامت همه ما محسوب شود.

مجری: سپاسگزارم. آقای دکتر معصومی‌راد! بر اساس برنامه پنجم توسعه، دولت موظف بود که الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت را تهیه و به مجلس شورای اسلامی ارائه کند تا این الگو، مبنای برنامه ششم توسعه قرار گیرد. آیا این کار انجام شد؟

دکتر معصومی‌راد: من مجدداً از برنامه بسیار خوبی که در خصوص برنامه ششم توسعه به ویژه صدا و سیما تهیه می‌کند، تشکر می‌کنم. در مورد سؤال شما، خدمتتان عرض کنم که؛ بر اساس ماده ۱ قانون برنامه پنجم، دولت موظف بود که ظرف سه سال اول برنامه پنجم، لایحه الگوی اسلامی-ایرانی را بر اساس سیاست‌های کلی - که مقام معظم رهبری حفظه الله برای برنامه پنجم ابلاغ فرموده بودند- تهیه و به مجلس محترم تقدیم کند. زمانی که دولت تدبیر و امید و دولت یازدهم بر سرکار آمد، در سازمان مدیریت برنامه‌ریزی - البته آن زمان معاونت برنامه‌ریزی و معاونت نظارت و برنامه‌ریزی کشور بود- تأکید شد که این لایحه در ظرف مدت مقرر تهیه شود. خُب یکی از محورهای اصلی و تأکیدات دولت یازدهم و به ویژه رئیس‌جمهور محترم، تأکید بر این بود که ما الگوی مطلوب توسعه اسلامی-ایرانی را [تولید کنیم]. در واقع این مسأله در دستور کار ما هست و بر اساس همین تأکید، مقدمات کار را انجام داده و ظرف مدت مقرر این کار را خدمت دولت ارائه نمودیم. از نظر مبانی و اقداماتی که در آنجا صورت گرفته باید گفت: در واقع آنچه که بایستی برای الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت تهیه و تدارک می‌دیدم را تهیه کردیم تا بتوانیم براساس آن، مبانی را فراهم و در برنامه‌های توسعه این دقت نظر را اعمال کنیم. تمام سازمان درگیر این کار شدند، همه همکاران من در آنجا کمک کردند و بحث‌های بسیار خوبی را دنبال کردیم و [این الگو] در ظرف این مدت، تهیه شده است.

مجری: به مجلس نیز ارائه کرده‌اید؟

دکتر معصومی‌راد: خدمت شما عرض کنم که در اینجا رویکردهایی وجود دارد و آن رویکردها مبنی بر این هستند که ما برای تدوین برنامه‌های توسعه بایستی به یک مبانی فرادستی اتکاء و ابتناء کنیم. مبانی فرادستی، سیاست‌های کلی برنامه هستند که



همواره برای هر دوره از طرف مقام معظم رهبری حفظه الله ابلاغ می‌شوند و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی - که مبانی کار را فراهم می‌کند - بر اساس این سیاست‌ها کار تدوین برنامه را انجام می‌دهد. اما در مورد اینکه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت چه هست و بر اساس چه دغدغه‌هایی مطرح شده و این مبانی چه هستند؛ در سازمان مدیریت تأمل کافی، تمهیدات و فکر کافی صورت گرفته، خود دولت، رئیس‌جمهور محترم، خود آقای دکتر نوبخت در این زمینه کاملاً کار، تحقیق و مطالعه کرده‌اند و از نظر چهارچوب‌های تئوریک و نظری، مبانی‌ای را گردآوری کرده‌اند که [این مبانی]، مقوم تدوین برنامه‌ای هستند که می‌تواند بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی و الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت باشد. اما در مورد اینکه این تحقیقات و مبانی به صورت لایحه به مجلس ارائه شود، یک استدلال و بررسی صورت گرفته است. با توجه به اینکه به دستور آقا مرکز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت تشکیل شد و تمام شورای آنجا نیز منصوب مقام معظم رهبری هستند و یک کار بلندمدتی را آغاز کرده‌اند؛ ما در دولت هنگام تدوین برنامه این مبانی را مورد توجه قرار دادیم ولی آن را به صورت لایحه به مجلس ارائه نکردیم؛ زیرا آقا بعداً در فرمایشات خود می‌فرمایند: الگو چیزی نیست که دولت و مجلس آن را به صورت سریع و در زمان کوتاهی تدوین کنند، بلکه یک امر طولانی‌مدت است و نیاز به کار، تحقیق و مطالعه دارد و تمام نخبگان باید جمع شوند و مرکزی تشکیل شود تا چتری برای حمایت از نخبگان باشد. این مرکز، [تدوین الگو] را پیگیری می‌کند و ما فعلاً در تدوین برنامه ششم، سیاست‌های کلی برنامه ششم را به صورت سند فرادستی الزام‌آور مورد ابتناء قرار داده‌ایم. ولی مبانی‌ای که گفتیم، در سیاست‌های کلی تسری دارد. اگر بخواهید در ادامه برنامه این مسأله را توضیح خواهیم داد. خود این سیاست‌های کلی محورهایی دارند که عبارتند از: اقتصاد مقاومتی، علم و فناوری و تعالی فرهنگی. اگر مسأله اقتصاد مقاومتی را مطالعه کنیم، خواهیم دید که مقام معظم رهبری حفظه الله فرمودند: این مسأله، قسمت اقتصادی الگوی اسلامی است. وقتی این سیاست‌ها مبنای کار ما قرار می‌گیرند و آن مبانی و چهارچوب‌ها وجود دارند؛ در زمان کنونی تضمین کافی برای ما فراهم می‌شود که ما برنامه ششم را با در نظر داشتن این مبانی تهیه و تقدیم کرده‌ایم.

مجری: آقای کشوری! با توجه به اینکه کارهای مطالعاتی لایحه‌ای که جناب آقای معصومی‌راد گفتند، انجام شده ولی به مجلس شورای اسلامی تقدیم نشده است؛ مبنای بررسی نمایندگان چطور خواهد بود؟

حجت‌الاسلام کشوری: بسم الله الرحمن الرحيم صلّ علی فاطمة و آبیها و بعلها و سیر المّستودع فیها بعدد ما احاط به علمک. لایحه‌ای که برادر عزیزم جناب آقای معصومی‌راد می‌فرمایند، کلاً پنج صفحه است؛ و ما در تعریف الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت از حضرت آقا این جمله را داریم که الگو، یعنی نقشه جامع اداره کشور. در اینجا سؤالی به وجود می‌آید مبنی بر اینکه چطور نقشه جامع اداره کشور در پنج صفحه تجمیع می‌شود؟! آیا اساساً به پنج یا شش صفحه می‌توان نقشه جامع گفت؟! پس معلوم می‌شود؛ چیزی که دوستان در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور نوشته‌اند، در واقع کلیاتی است که در بالای آن نوشته‌اند: لایحه الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت. من می‌خواهم این نکته را در اینجا به صورت صریح بگویم که سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور اساساً اعتقادی به الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت ندارد. بنده این جمله از جناب آقای نوبخت را خدمت بینندگان عزیز می‌خوانم؛ ایشان در مصاحبه‌ای با شماره هفتم دوماه‌نامه الگو فرمودند: «انتظار نباید داشت که الگوی پیشرفت بسیار مفصل و همه‌جانبه باشد، در این صورت دیگر جایی برای برنامه‌های توسعه نخواهد بود، همچنین برای عمل و تصمیم‌گیری و کارگزاران فراهم نخواهد بود. الگو یک سرمشق، چگونگی در حد بیان ارزش‌ها و مختصات اساسی است.» ایشان به صراحت در این جمله می‌گویند: اگر الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت را به صورت جامع و تفصیلی ببینیم، اصلاً عرصه برنامه‌های توسعه تنگ می‌شود. ببینید! خودشان به این صراحت گفته‌اند. حال آقایان می‌فرمایند که ما یک لایحه‌ای برای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت نوشته‌ایم. اما تعریف الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت به نقشه جامع و این عبارات صریح جناب آقای نوبخت، ما را به این نتیجه می‌رساند که سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور با کلمات بازی می‌کند و اساساً به الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت اعتقادی ندارد. بنده قبلاً، هم با آقای معصومی‌راد و هم با سایر دوستان صحبت کرده‌ام. این تحقیقاتی که دوستان می‌گویند ما آنها را انجام داده‌ایم، دارای چند سرفصل است. اگر جناب آقای معصومی گزارش ما را غلط می‌دانند، آن را اصلاح کنند. بخشی از تحقیقات دوستان، راجع به شاخصه‌های توسعه انسانی است که این شاخصه‌ها، آخرین ورژن توسعه غربی می‌باشند. این درست نیست که ما راجع به توسعه غربی و آخرین تغییرات آن در جهان مطالعه کنیم و بعد در



بالای آن بنویسیم: "الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت". همچنین دوستان سرفصلی تحت عنوان مفهوم حکمروایی و حکم‌رانی خوب را مورد مطالعه قرار داده‌اند. وقتی آقای معصومی‌راد و جناب آقای نوبخت در مجمع تشخیص حضور داشتند، همایش‌هایی را برگزار کردند و حالا همان تحقیقاتی که راجع به مفهوم حکم‌روایی و حکم‌رانی خوب می‌باشد را به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی آورده‌اند. اگر غیر از اینها، مباحثی وجود دارد، بگویند. مثلاً بگویند: ما راجع به شاخصه‌های هویت اسلامی این تحقیقات را انجام داده‌ایم و این نیز کتاب‌هایش است. دوستان راجع به توسعه انسانی تحقیق کرده‌اند. یکی از مقامات مسئول، جمله خوبی دارد که در برنامه گذشته نیز به آن اشاره کردم؛ ایشان به صراحت می‌گویند: ما در مرکز تحقیقات مجمع تشخیص مصلحت، پیرامون آخرین نظریات توسعه غربی مطالعاتی را انجام می‌دادیم، وقتی اصطلاح الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت مطرح شد، نام این تحقیقات را عوض کردیم. ببینید خانم امامی! این یک مسأله بسیار مهم است. همین‌جا من از جناب آقای نوبخت به خاطر صداقتشان تشکر می‌کنم؛ ایشان در یک سخنرانی فرمودند: ما ۱۰ برنامه توسعه در ایران نوشته‌ایم و این ده برنامه توسعه، ناکارآمد بوده‌اند. یعنی در طول ۶۷ سال -از سال ۱۳۲۷- عمده برنامه‌های توسعه‌ای که در ایران نوشته‌ایم، اجرا نشده و ناکارآمد بوده‌اند. پس بنابراین اگر الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت را دقیق بحث نکنیم و دوستان معلوم نکنند که کجای تحقیقاتشان الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت و کجای تحقیقاتشان توسعه غربی می‌باشد؛ ممکن است پنج سال بعد رئیس سازمان مدیریت برنامه کشور بگویند: ۷۵ سال است که بر اساس توسعه غربی برنامه‌ریزی می‌کنیم و توسعه در کشور ایران موفق نبوده است.

لذا در یک جمله باید گفت: به نظر می‌آید دوستان ما در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به طلسم یکسان‌انگاری توسعه غربی و پیشرفت اسلامی مبتلا شده‌اند و هنوز در سازمان مدیریت، فرق بین توسعه غربی و پیشرفت اسلامی واضح نیست، اگر هست، سندش را به ما بدهند تا بخوانیم.

مجری: من توضیحات جناب آقای معصومی‌راد را دریافت می‌کنم، آقای کشوری! حالا که این لایحه و موضوع به دست نمایندگان نرسیده، مبنای بررسی نمایندگان چه خواهد بود و از روی چه چیزی و با توجه به چه موضوعاتی می‌باشد؟
حجت‌الاسلام کشوری: یادداشت‌های بنده در فضای مجازی منتشر است. بنده در یک یادداشت -که مستند به اظهارات جناب آقای نوبخت می‌باشد- سؤالی پرسیده‌ام؛ آیا برنامه ششم بر اساس کتاب نظام اقتصادی ایران -که جناب آقای دکتر روحانی، رئیس جمهور محترم نوشته‌اند- تنظیم می‌شود یا بر اساس سیاست‌های ابلاغی برنامه ششم؟ به نظر بنده این کتاب، مبنای تدوین برنامه ششم می‌باشد و این برنامه در بعضی اوقات متأثر از مکتب نئوکینزی و در بعضی از احکام نیز متأثر از مکتب نهادگرایی بوده است. به صراحت عرض می‌کنم که به هیچ عنوان ردپایی از مفهوم الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت در برنامه ششم نیست و هیچ سندی در سازمان مدیریت مبنی بر این مطلب وجود ندارد، اگر هست دوستان بفرمایند.
مجری: بگذارید پاسخ آقای دکتر را دریافت کنیم.

دکتر معصومی‌راد: به محضرتان عرض کنم که؛ ما بر این باور هستیم که اساساً پیروزی انقلاب اسلامی مبتنی بر گفتمان توسعه بومی بوده است. این مسأله، باور اساسی ماست. زمانی که در غرب، متفکران و فلاسفه غربی به تازگی دریافته بودند که الگوی یکسان غربی و غرب‌محور باید در همه‌جا جاری شود؛ برخی از متفکران و فلاسفه دریافته بودند که بر اساس آسیب‌شناسی‌ای که مبتنی بر اقدامات گذشته صورت گرفته، این نظر، نظر درستی نیست. در آنجا فلاسفه و متفکران به این نظریه‌ها پرداختند. اما در ایران یک جنبش اجتماعی فراگیر به رهبری امام به راه افتاد و انقلاب اسلامی پیروز شد. عنصر اساسی انقلاب اسلامی، گفتمان تشکیل و ایجاد و بنای جامعه مطلوب نوین بر مبنای اهداف، آرمان‌ها و مبانی فرهنگی و بومی خودمان است. این، عنصر اساسی انقلاب اسلامی است. من فکر می‌کنم که تمام تلاش و مساعی شما [آقای کشوری] در سازمان بر این است که یک بحث نظری و فکری بین نخبگان شکل بگیرد و من خواهش می‌کنم که این مسأله را با اساتید فن ادامه دهید. ما در صدد دفاع یا نقد کسی [نیستیم]، این یک بحث فکری و عمیق است و حتماً باید در یک فضای فکری به صورت کامل و با مشارکت نخبگان دنبال شود.

مجری: آقای دکتر معصومی‌راد! آقای کشوری اشاره می‌کنند که این برنامه، یک برنامه کلی است و الگو در آن رعایت نشده است. آیا این درست است؟



دکتر معصومی‌راد: خدمت شما عرض کنم که: انقلاب در بنیان خود مبتنی بر گفتمان بومی توسعه است. اساساً در نظام جمهوری اسلامی، قانون اساسی میثاقی است که نظام سیاسی بر اساس آن میان ملت و دولت شکل گرفته و ارکانی ایجاد شده است تا همه آنها - رهبری، شورای نگهبان، مجلس شورای اسلامی، دولت - متکی بر این قانون اساسی، منشور و گفتمان، ایجاد جامعه مطلوب نوین و جامعه‌ای که بر اساس مبانی بومی خودمان می‌باشد را آغاز کنند. پس این عنصر اساسی در آنجا وجود دارد. آسیب‌شناسی‌هایی که بعداً انجام گرفته بر این اساس بوده که ما چقدر در برنامه‌هایمان این مبانی گفتمانی را مورد توجه قرار داده‌ایم. وقتی مقام معظم رهبری تکلیف کردند که ما باید به این مبانی فکری و فرهنگی توجه داشته باشیم، می‌توانیم این بررسی را همواره ادامه دهیم؛ زیرا حضرت آقا فرمودند: این، یک کار مستمر، دائمی و طولانی‌مدت می‌باشد و اینطور نیست که شما بگویید: من ۱۰ صفحه نوشته‌ام، آقای کشوری نیز بگوید: من ۵۰ صفحه نوشته‌ام و الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت فراهم آمد و تمام شد. چنین چیزی نیست؛ بلکه این کار، یک امر مستمر در طول زمان است؛ ما همواره به آن گفتمان اساسی مراجعه می‌کنیم و می‌فهمیم که باید چه چیزی را اصلاح نماییم. همانطور که وقتی سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ ابلاغ شد؛ افقی را برای ۱۴۰۴ ترسیم کرد و برای تحقق این افق، سیاست‌های کلی دوره چشم‌انداز ابلاغ گردید، همه‌ی این سیاست‌ها می‌گویند که باید به آن چشم‌انداز برسیم و این چشم‌انداز نیز برای تحقق ظرفیت انقلاب برای بازه ۲۰ ساله است؛ اما پس از آن نیز دوباره باید برای ۲۰ سال بعد [افقی را ترسیم کنیم]. همچنین در دوره‌های پنج‌ساله‌ی میان‌مدت نیز همواره باید به ظرفیت‌های اساسی گفتمان انقلاب اسلامی توجه داشته باشیم و آنها را شکوفا کنیم. پس اساساً از اول انقلاب ما به دنبال تحقق و تبلور الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت - یعنی تأسیس جامعه مطلوب بر اساس مبانی فرهنگی خودمان - هستیم و همیشه بوده‌ایم. همه دولت‌ها نیز به این مبانی وقوف داشته و سعی کرده‌اند که همان را تبلور و تحقق ببخشند. اینگونه نیست که عمل نشده باشد و یک دولت، بر خلاف گفتمان عمل کرده باشد؛ زیرا ما دارای مجلس، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت، مردم، نهادها، مطبوعات و مقام معظم رهبری هستیم و همه آنها کنترل و بررسی می‌کنند. همین برنامه ششم - که در حال حاضر محل مناقشه است - برای تحقق و تبلور همان مبانی گفتمانی می‌باشد. پس بنابراین همه دولت‌ها در چهارچوب تبلور و تحقق تأسیس جامعه مطلوبی که بر اساس مبانی فکری و فرهنگی ما می‌باشد - یعنی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت - حرکت کرده‌اند. ما در برنامه ششم این مبانی - اینکه آرمان جامعه مطلوب ما چیست؟ ارزش‌های جامعه مطلوب ما چیست؟ اهداف و جهت‌گیری‌های آن چیست؟ - را یک دور مورد توجه قرار داده‌ایم، الگو باید بتواند این چهارچوب را فراهم کند. ما این چهارچوب را کشف نکردیم؛ بلکه این چهارچوب در مبانی گفتمانی، در قانون اساسی و در نظام ما وجود دارد و ما تنها مطالعه کرده، آنها را استخراج و احصا نموده و تدقیق و تصریح کرده‌ایم. بنابراین این مبانی همیشه وجود داشته‌اند و همه افراد نیز متکی و پایبند به آن هستند و سعی می‌کنند که بر اساس آنها عمل نمایند. ما این مبانی را تصحیح و تدقیق کرده و فراهم آورده‌ایم؛ ولی به عنوان یک سند الزام‌آور بالادستی، متکی به سیاست‌های کلی برنامه ششم هستیم که یک سند الزام‌آور برای ما می‌باشد. اگر ما به آن عمل کنیم، گویا توانسته‌ایم در چهارچوب همان مبانی گفتمانی و همان مبانی‌ای که برای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت وجود دارد عمل کنیم. این نکته، راجع به لایحه بود که ایشان فرمودند: مختصر هست. من فکر کردم شما لایحه را می‌فرمایید که کاملاً مختصر و ۵ صفحه هست. [در مورد] مصاحبه‌ای که ایشان به صحبت‌های دکتر [نوبخت] رفرنس دادند، [باید بگوییم:] این الگو در حد همین مبانی و چهارچوب است. ما الگو را به عنوان سرمشق تعریف می‌کنیم و همواره در صدد تحقق و تبلور و حرکت در مسیر این سرمشق هستیم. این، یک سرمشق است؛ ما مختصری از این مبانی گفتمانی را استخراج کرده‌ایم تا بتوانیم همواره خود را با آن تنظیم نماییم. الگو به معنای تعیین همه چیز نیست و یک لحظه‌ای نازل نمی‌شود؛ بلکه امری تدریجی است و ما در طول زمان علم پیدا می‌کنیم که مثلاً در اینجا باید چه کاری را اصلاح کنیم. ما مبانی گفتمانی و چهارچوب اولیه را شناسایی کرده‌ایم و در جهت آن عمل می‌نماییم. همه سیاست‌ها و اقدامات ما باید در جهت تحقق و تبلور این چهارچوب باشد.

مجری: آقای دکتر! آیا مجلس باید بر اساس آن چیزی که شما انجام داده‌اید - این کار مطالعاتی و روندی که مورد بررسی قرار داده‌اید - به بررسی برنامه ششم توسعه بپردازد؟



دکتر معصومی‌راد: در مورد برنامه ششم توسعه نظراتی میان مجلس، برخی از صاحب‌نظران و دولت وجود دارد. ما یک آسیب‌شناسی از برنامه‌های توسعه انجام داده‌ایم؛ یکی از آسیب‌های برنامه‌های قبل این است که برنامه‌های توسعه شامل بیان گزاره‌های کلی خوب و منطقی و قابل قبول در حوزه‌های مختلف بوده‌اند. ولی ما در برنامه ششم توسعه از این مسأله اجتناب کرده و به موضوعات خاص توجه نموده‌ایم. همچنین در بسیاری از زمینه‌ها دستگاه‌ها و نهادهای کشور دارای قوانین دائمی‌ای هستند که نیازی به تکرار آنها برای بازه زمانی ۵ ساله وجود ندارد. وقتی یک قانون دائمی برای دستگاهی وجود دارد که جزء اساس‌نامه‌ی این دستگاه است و بر اساس آن بودجه گرفته، سازمان تشکیل داده و پاسخگوست؛ چرا ما باید دوباره بندهایی از اساس‌نامه‌ی [این نهاد] را در یک برنامه ۵ ساله مانند برنامه ششم تکرار کنیم، ما از این بی‌نیاز هستیم. پس ما در برنامه ششم به مجوزهایی محدود شده‌ایم که لازمه اقدامات اساسی به منظور تبلور همان سیاست‌ها و تحقق همان مبانی هستند. برای انجام این اقدامات به مجوز مجلس محترم نیاز داریم و به همین دلیل به مجوزها محدود شده‌ایم. اما در واقع این فهرست اقدامات و مجوزهای مورد نیاز، متکی به یک برنامه تفصیلی هستند که در دولت و دستگاه‌ها وجود دارد و همه می‌دانند که برای پنج سال آتی باید چه اهدافی را دنبال کنند. هم اهداف کلی، هم اهداف کمی و هم شاخص‌ها مشخص شده‌اند و آسیب‌شناسی صورت گرفته است، چالش‌ها بررسی شده‌اند، راهبردها، سیاست‌ها، اقدامات و شاخص‌های نظارتی مشخص و تدوین شده‌اند و دقیقاً مشخص است که باید از چه منابعی استفاده کنند. همه اینها در داخل دستگاه‌ها مشخص است و آنها برنامه‌ها را به ما ارائه کرده‌اند و ما نیز بررسی و تصویب کرده‌ایم؛ اما برای انجام این برنامه در بعضی زمینه‌ها نیاز به اخذ مجوزهایی داریم. البته در بسیاری از زمینه‌ها قوانین موجود کفایت می‌کنند و نیازی به تکرار آنها در برنامه وجود ندارد. به همین دلیل ما از یک برنامه جامع و همه‌جانبه با ذکر بیانات کلی - که همه با آن موافق هستند و کسی آن را رد نمی‌کند - به سمت بیان گزاره‌هایی رفته‌ایم که مشخص و عملیاتی هستند و واقعاً مشخص است که ما باید اقدامات خاصی را انجام دهیم. همچنین آنها راهگشا، کارآمد و اثربخش هستند.

مجری: آقای کشوری! نظر شما چیست؟ آیا مجلس با همین روندی که آقای دکتر می‌فرمایند می‌تواند برنامه ششم توسعه را بررسی کند؟

حجت‌الاسلام کشوری: اگر اجازه بفرمایید من فرمایش قبلی آقای دکتر را بررسی کنم، سپس به سؤال شما پاسخ دهم. ببینید آقای دکتر! برای من مقداری عجیب است که حضرتعالی و سایر دوستان در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی وقتی بحث از چیستی الگوی پیشرفت ایرانی-اسلامی می‌شود، می‌گویند: «ما در برنامه ششم به سیاست‌های ابلاغی رهبری عمل می‌کنیم.» اگر قرار است به سیاست‌های رهبری ارجاع دهید، خوب در تعریف الگو نیز تعریف رهبری از الگو را بپذیرید یا اینکه حداقل بگویید: ما تعریف رهبری را قبول نداریم. بالآخره مملکت ما، مملکت آزادی است، به ویژه در حال حاضر این مسأله در قضایای برجام معلوم است؛ یعنی انقلاب در سیاست خارجی راهی را پیشنهاد می‌کند اما دولت محترم - با نرمش قهرمانانه رهبری - در مسیر دیگری حرکت می‌کند. پس در اینجا هم بگویید: تعریف رهبری از الگو را قبول نداریم. اما اینکه حضرتعالی بیابید الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت را به چهارچوب‌های کلی تعریف کنید، ما چنین چیزی را در گفتمان الگو نداریم. ببینید الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت یعنی نقشه جامع اداره کشور. من اشاره کردم که برنامه‌ریزی توسعه در ایران یک تراژدی است؛ از سال ۱۳۲۷ تا ۱۰ برنامه داشته‌ایم، ۵ برنامه قبل از انقلاب در زمان پهلوی و ۵ برنامه نیز بعد از انقلاب در همین سازمان مدیریت نوشته‌ایم. اما به دلیل اینکه در سازمان مدیریت، انقلاب فکری رخ نداده است، با همین مدل‌های موجود حرکت کرده‌اند [و تا به حال ۵] برنامه را تدوین نموده‌اند. الآن نیز آقای نوبخت می‌فرمایند این برنامه‌ها عملیاتی نشده است. خُب آیا وقتی برنامه‌های توسعه ده‌بار در ایران نوشته شده‌اند ولی عملیاتی نشده‌اند، ما نباید به فکر فرو برویم؟! آیا باید دوباره [اشتباه کرده و] برنامه ششم را با همان مدل‌های ده‌گانه قبلی بنویسیم؟ آیا منطقی است که ما ۵ برنامه بعد از انقلاب بنویسیم و سپس برنامه ششم را با همان مدل بنویسیم؟ یا مثلاً دوستان می‌فرمایند: «برنامه پنجم مشکل شکلی داشته و کتاب آرزوها بوده است؛ اما برنامه ششم مسأله‌محور است.» شما فکر نمی‌کنید که ماهیت برنامه‌ریزی توسعه در ایران محل بحث بوده و اشکال دارد؟ برنامه‌های توسعه با تغییر شکل در ایران عملیاتی نخواهند شد. آقای نوبخت، یک در میان مصاحبه می‌کنند و می‌گویند: برنامه پنجم هزار و صد و چهل و یک حکم است. و بعد اذعان می‌کنند که چون ۱۱۶۱ حکم داشته‌ایم، نتوانسته‌ایم



آنها را عملیاتی کنیم. حُب برنامه اول که ۱۱۴۱ حکم نیست؛ برنامه اول، برنامه مختصری است. ولی چرا برنامه اول عملیاتی نشده است؟ لذا من از دوستان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی خواهش می‌کنم که این بحث را مورد توجه قرار دهند. کارشناسان الگوی پیشرفت می‌گویند: علت اجرایی‌نشدن برنامه‌های توسعه در ایران، ماهیت توسعه غربی است نه اینکه اگر ما شکل برنامه‌ریزی توسعه را عوض کردیم، آن برنامه‌ها اجرایی خواهند شد. حالا البته شب دراز است و قلندر بیدار، ما تا پایان برنامه ششم صبر می‌کنیم. البته ما تمام تلاشمان را به کار می‌گیریم تا مردم ایران از ماهیت برنامه‌های توسعه خبردار شوند و در رایزنی‌هایمان با نماینده‌های مجلس تمام تلاشمان را انجام خواهیم داد تا این بار برنامه‌های توسعه غربی در ایران تصویب نشوند و برنامه‌ها با نگاه الگوی اسلامی-ایرانی باشند. اما اگر اتفاقاتی افتاد و مثلاً برنامه‌های توسعه همانند برجام در ۲۰ دقیقه‌ای تصویب شد، ۵ سال بعد می‌نشینیم و با هم بحث می‌کنیم. برادر عزیز! ۷۰ سال است که برنامه‌های توسعه در ایران شکست خورده‌اند. سازمان مدیریت به جای اینکه آغوش خودش را باز کند و کارشناسان را از قم فراخواند-فراخوان واقعی نه به صورت صوری- و بگوید که ما در کشورمان نیاز به تدبیر و برنامه‌ریزی داریم، از طرفی نیز ۷۰ سال تدبیر مبتنی بر تئوری‌های غربی- از جمله مدل تری‌گیس، مکتب نهادگرایی و نئوکینزی و غیره- را تجربه کرده‌ایم و در نتیجه شکست خورده‌ایم؛ حالا بیاییم الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت را به بحث بگذاریم و تدوین کنیم؛ [آغوش خود را بسته است]. لذا نفرمایید که الگو یعنی چهارچوب کلی است، الگو، جایگزین توسعه غربی می‌باشد؛ مثلاً اگر شما معادله نشر اسکناس می‌دهید، سیاست‌های پولی-مالی را بحث می‌کنید، مدل تشکیل سرمایه را به بحث می‌گذارید، تراز تجاری را گفت‌وگو می‌کنید و هر عنوان دیگری را در توسعه غربی بحث می‌کنید؛ الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت باید بتواند آن عناوین را یا منتفی کرده و عناوین جدیدی را ارائه دهد و یا تحلیل‌های کارآمدتر عرضه کند. الگو، چهارچوب کلی نیست؛ این تعریف جناب آقای نوبخت، به هیچ‌کدام از موارد ادبیات انقلاب مستند نیست، استدلالی هم برایش وجود ندارد.

دکتر معصومی‌راد: خدمت شما عرض کنم که الگو، مثل اسناد بالادستی است ...

حجت‌الاسلام کشوری: آقای دکتر استدلالش را بفرمایید؛ چرا می‌گویید الگو مثل اسناد بالادستی است؟ به کدام استدلال؟ به کدام مطالعات؟

دکتر معصومی‌راد: سیاست‌های کلی یا اسناد بالادستی دیگری که وجود دارند یا حتی برنامه‌های توسعه، برنامه هستند؛ یعنی ما در آنها می‌گوییم: در سنوات آتی باید برای تحقق این اهداف و آرمان‌ها و اقدامات برنامه‌ریزی کنیم، همه منابع و امکاناتمان را به سمت تحقق آنها سوق می‌دهیم. اما اینکه ما برنامه داشته باشیم و مراقبت کنیم که این برنامه اجرا گردد، امر دیگری است. ما باید در دولت، نظام سیاسی و نظام اداری برنامه داشته باشیم که اتفاقاً برای تحقق آرمان‌های نظام و انقلاب و الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت دقیقاً برنامه داریم. این دولت اتفاقاً یکی از دولت‌هایی است که به طور جدی و مشخص به الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت اندیشیده است؛ رئیس‌جمهور محترم در برنامه‌ها و مناظره‌ها این الگو را نشان دادند. یعنی تعمق و تأمل کافی در این مسأله صورت گرفته که جامعه مطلوب گفتمان انقلاب اسلامی چیست تا در جهت آن حرکت کنیم. اینکه حکروایی خوب و توسعه انسانی را مورد مطالعه قرار داده‌ایم، برای این است که بایستی همه تجارب و نظریات توسعه را مرور می‌کردیم تا ببینیم که آنها چه گفته‌اند، چه چیزی ارائه کرده‌اند، چه جامعه مطلوب و باغ بهشتی را نشان داده‌اند. ما باید بدانیم که آیا مردم، انقلاب و گفتمان ما به همان باغ بهشت تصویر شده توسط آنها اکتفا می‌کنند یا حرف متفاوتی برای خود دارند؟ به دلیل اینکه تفاوت‌ها، امتیازها و مزیت‌ها را مشخص کنیم، بایستی تمام آنها را می‌آوردیم و احصا می‌کردیم و مختصات آنها را در چهارچوب خود آنالیز کرده و بین مبانی خود و آنها مقایسه می‌کردیم. مبانی خودمان را هم از قانون اساسی، سیاست‌های کلی، بیانات رهبری و اندیشه‌های امام استخراج کردیم و با سخن مکاتب دیگر مقایسه نمودیم. در اینجا متوجه شدیم که کاستی‌های آنها چیست و ما افزون بر آنها به چه چیزهای تصریح و تأکید داریم. تمام این چهارچوب‌ها و مبانی در دولت مطالعه شده است؛ اما همواره توجه داشته باشید که الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت اینگونه نیست که ما الآن هزار صفحه سند تهیه کنیم و بگوییم: در این هزار صفحه از تولید لیوان و استکان تا خوردن آب و لباس پوشیدن تا رانندگی کردن و اداره رفتن تا مسواک زدن و تا همه جوانب و زوایای کشور برای همه چیز الگو قرار داده‌ایم و شما باید مطابق با این الگو قدم بردارید. در واقع ما یک مبانی‌ای داریم که آنها را از قانون اساسی و گفتمان انقلاب اسلامی استخراج کرده‌ایم و این الگو همواره باید سرمشق ما



باشد و ما باید مطابق با آنها حرکت کرده و خودمان را بر اساس آن مورد ارزیابی قرار دهیم. [نکته مهم این است که] در طول زمان مسائل مختلفی پیش می‌آید. در حال حاضر مقام معظم رهبری - با توجه به تمام فتنه‌هایی که در بیرون از مرزها بر علیه ما وجود دارد و با توجه به فشارهایی که به سبب تحریم اقتصادی بر ما وارد شده است - [تأکید کرده‌اند که؛] باید بسیج بشویم و بر روی اقتصاد مقاومتی، در کنار آن بر روی توسعه علم و فناوری و در کنار آن بر روی مصون‌سازی فرهنگی تمرکز کنیم. اگر ما در برنامه ششم به این سه محور توجه کنیم، در واقع در این برهه زمانی تا حدود زیادی بر مسائلی که برای مبنای گفتمانی ما پیش می‌آید فائق شده‌ایم. ما بایستی از مبنای گفتمانی خود صیانت بکنیم. اگر توانستیم از مبنای گفتمان انقلاب اسلامی صیانت بکنیم، در چهارچوب الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت حرکت کرده‌ایم. پس الگو، نقشه جامعی است که آقا [درباره آن] فرمودند: ما را به این مسأله هدایت می‌کند که باید به کدام سو و کدام هدف حرکت کنیم. پس [الگو]، یک خط راهنما و یک نقشه است که در دستان ما می‌باشد و ما بر طبق آن می‌توانیم بفهمیم که باید در کجا حرکت کنیم. یعنی جهت‌ها، اهداف و مقاصد را به ما نشان می‌دهد. ما در این لایحه این مبنای را فراهم کرده، آرمان و ارزش‌های جامعه مطلوب خودمان را بر اساس اهداف کلی مشخص نموده و در ادامه جهت‌گیری‌ها را ابعاد مختلف -اقتصاد، اجتماع، سیاست، فرهنگ، علم، سیاست خارجه، دفاعی و امنیتی و ...- تعیین کرده و گفته‌ایم که اگر این مسائل، جهت‌گیری‌ها ما باشند؛ ما را به اهدافی هدایت می‌کنند که این اهداف، پیامدها و نتایجی را به دنبال خواهد داشت که ان‌شاءالله این نتایج به تدریج ما را به سمت آرمان‌مان سوق خواهد داد. اما دستیابی به این اهداف و آرمان‌ها صرفاً متکی به ما نیست؛ بلکه عوامل و متغیرهای بی‌شماری دخیل هستند، دشمن نیز بی‌کار ننشسته و کار خود را می‌کند. متغیرهای دیگری نیز وجود دارد؛ ولی ما می‌دانیم که هدف، آرمان و جهت‌گیری ما چیست و بر اساس آنها، [فعالیت‌های خود] را تنظیم نموده و حرکت می‌کنیم.

مجری: حدود ۶ الی ۷ دقیقه زمان در اختیار داریم. هر دو بزرگوار مدیریت زمانی بفرمایید. آقای کشوری! با توجه به اینکه ما بر روی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت تأکید داریم -ضمن اینکه می‌دانم می‌خواهید راجع به صحبت‌های جناب آقای دکتر اظهار نظر کنید- بفرمایید که از منظر الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت باید در تدوین برنامه‌های توسعه -از جمله برنامه ششم- چه شاخص‌ها و مؤلفه‌هایی مورد نظر قرار بگیرند؟

حجت‌الاسلام کشوری: به هر حال همان طور که جناب آقای معصومی‌راد فرمودند؛ این دوستان بخشی از قانون اساسی را به همراه بخشی از بیانات رهبری معظم و امام راحل عظیم‌الشأن در چهار صفحه تدوین کرده و نام آن را الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت گذاشته‌اند. جناب آقای معصومی‌راد و دوستان عزیزتان در دستگاه برنامه‌ریزی کشور! در درجه اول باید دانست که الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت یک **دستگاه فکری** است؛ یعنی می‌تواند مسائل و مشکلات کشور را تحلیل کند.

ما در پیوست الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت - که برای برنامه ششم پیشنهاد داده و آن را به نمایندگان مجلس نیز ارائه کرده‌ایم - با توجه به این نظام مفاهیم، ۴ موضوع را در اولویت قرار داده‌ایم. وقتی دستگاه‌های فکری شرایط اجتماعی را تحلیل می‌کنند، تابع نظام مفاهیم خود به نظام مسائل متفاوتی می‌رسند. پس بنابراین ما باید ابتداءً نظام مفاهیم الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت را بحث کنیم. اما در این برنامه تلویزیونی زمان کافی وجود ندارد تا این مفاهیم را توضیح دهیم؛ به عنوان مثال از نظریه الگوی بهبود مستمر فضای حاکم بر نهادهای متکفل تربیت، نظریه بنگاه‌های وقف‌محور و تعریف قانون بر مبنای هدایت نام برده و آنها را توضیح دهیم یا اینکه اداره جامعه را به محوریت هدایت بازخوانی کنیم یا سایر مفاهیم مطرح در اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی را مورد بحث قرار دهیم. وقتی ما این نظام مفاهیم را به کار می‌گیریم، بسیار متفاوت از نظام مفاهیم مکتب نهادگرایی است که شما آن را به کار گرفته‌اید. حضرتعالی با یکی از سایت‌ها مصاحبه‌ای کرده و از مکتب نهادگرایی دفاع نموده‌اید. وقتی با نگاه مکتب نهادگرایی به پیش می‌رویم، مسائل مشخصی را مدنظر قرار می‌دهیم و زمانی که با الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت به پیش می‌رویم مسائل دیگری را در اولویت قرار می‌دهیم.

از نظر الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت در حال حاضر ۴ مسأله اهمیت دارد. [مسأله اول]، مسأله **تربیت اسلامی** است. شما می‌دانید که ما در شهر تهران ۳۸٪ طلاق داریم. یعنی اگر بنا بود که [در برنامه ششم] فقط بحران‌ها دیده بشود -مثلاً شما در برنامه ششم بحران صندوق‌های بازنشستگی و آب و هوا را مدنظر قرار داده‌اید- باید ۳۸٪ طلاق را بحران اعلام می‌کردید، اما چنین نگاهی نداشته و برای این مسأله برنامه‌ریزی نکرده‌اید. مسأله دوم، مسأله **مقاوم‌سازی اقتصاد** است. مسأله سوم،



مسأله پیشگیری از جرم و مسأله چهارم، مسأله ترجمه زدایی از پایان نامه‌هاست. هر کدام از اینها شرح مفصلی دارند. ولی به هر حال من از صداقت آقای معصومی‌راد تشکر می‌کنم؛ همان‌طور که خودشان فرمودند: بخشی از قانون اساسی را در لایحه الگو آورده‌اند، مطالعات توسعه انسانی مانند نظریات آمارتیاسن و حکمروایی خوب را مورد بحث قرار داده‌اند، اما دریغ از یک رفرنس مطالعاتی راجع به الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت. اگر شما می‌پذیرفتید که سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور در طول سال‌های گذشته نتوانسته درک روشنی از الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت پیدا نکند، فضا شفاف‌تر می‌شد. من از دوستان خواهش می‌کنم همان‌طور که در کتاب‌های خود نوشته‌اند که ما به مکتب نهادگرایی و نئوکینزی معتقدیم، در اسناد رسمی خود [برای برنامه ششم] نیز بنویسند که این مطالب برای مکتب نهادگرایی می‌باشد نه الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت.

دکتر معصومی‌راد: من تشکر می‌کنم. البته تلاش‌ها در زمینه بحث‌های فکری باید ادامه پیدا کند. احتمالاً در این مجال مباحث نظری عمیق مطرح نمی‌شود. ولی اجمالاً خدمت شما عرض کنم که ما در برنامه ششم توسعه به موضوعات خاص و محوری پرداخته و بر این باور هستیم که در این برهه، موضوعات خاصی را مورد توجه قرار داده‌ایم که می‌توانند بخش عمده‌ای از معضلات و آسیب‌های اجتماعی را حل کرده و آلامی که در اقشار مختلف جامعه وجود دارد را تسکین داده و ترمیم کنند. ما این موضوعات را احصا نموده و برنامه‌ریزی کرده‌ایم تا آنها را به میزانی که امکانات و منابع اجازه می‌دهند [حل کنیم]. ما همچنین می‌توانیم از مشارکت اجتماعی و سرمایه اجتماعی بهره بگیریم. برنامه‌های توسعه فقط تخصیص و تجهیز منابع نیست؛ بلکه باید به وفاق میان نخبگان متکی باشد که این مسأله بسیار مهم است. ما در این برنامه سعی کرده‌ایم که اجماع کافی برای اینکه در ۵ سال آینده باید چه کار کنیم را تحصیل نماییم. در کنار این مسأله، مشارکت اجتماعی را نیز [مورد دقت قرار داده‌ایم]؛ جامعه باید چیزی که دولت می‌خواهد پیدا کند را بخواهد و به آن توجه کند تا تمام توان خود را بسیج نماید؛ خلاصه برنامه توسعه باید در جامعه تهییج کافی به وجود آورد و مشارکت اجتماعی را در پی داشته باشد تا ما بتوانیم به تدریج به سمت آرمان‌های جامعه مطلوب خود گام برداریم. خدمت شما عرض کنم که در سازمان در میان همکاران ما اهتمام جدی برای این وجود دارد که با توجه به پشتوانه کارشناسی عمیق سازمان مدیریت و دولت و اهتمام دولت یازدهم، با تجهیز تمام منابع به نحو بهینه به سمت تحقق آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی، تعالی فرهنگی، شکوفایی اقتصادی و رونق و نشاط فرهنگی گام برداریم.

مجری: آقای کشوری! یک دقیقه زمان داریم. خیلی کوتاه یکی از مواردی که باید در برنامه ششم مورد دقت قرار می‌گرفت ولی نگرفته است را بیان کنید.

حجت‌الاسلام کشوری: بنده مثال زدم، مسأله تربیت اسلامی باید جدی گرفته می‌شد، اما ما در برنامه ششم راجع به مسأله تربیت اسلامی ساکت هستیم. راجع به مسأله پیوسته‌های فرهنگی باید کارهایی صورت می‌گرفت ولی کاری انجام نشده است. من خواهش می‌کنم ...

دکتر معصومی‌راد: اگر اجازه بفرمایید ...

حجت‌الاسلام کشوری: بنده فقط از دوستان خواهش می‌کنم که سلام بنده را به جناب آقای نوبخت رسانده و به ایشان بگویند: تمام پژوهش‌هایی که ما در قم راجع به الگوی پیشرفت انجام داده‌ایم در اختیار سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور است تا ان‌شاءالله شاید برای اولین بار برنامه ششم کشور را با نگاه الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت تدوین کنیم تا به آفت ۱۰ برنامه گذشته مبتلا نشویم.

مجری: آقای دکتر! از پخش ۳۰ ثانیه زمان گرفته‌ایم.

دکتر معصومی‌راد: نهادهای تربیتی و فرهنگی ما بر اساس برنامه‌هایی که به ما ارائه کرده‌اند حتماً در جهت تربیت اسلامی، سبک زندگی اسلامی، ترویج اخلاق و معنویت و تقوی، فرهنگ کار، اخلاق کار، سخت‌کوشی، نظم و صرفه‌جویی و کاهش تجمل و تعهد به قواعد اجتماعی و حقوق شهروندی و احترام به دیگران حرکت می‌کنند. اینها جزء مواردی هستند که باید در جامعه تقویت بشوند و نهادهای فرهنگی ما نیز برنامه‌های خود را برای این کار ارائه کرده‌اند. در مورد پیوسته‌های فرهنگی نیز باید بگوییم که جزء قانون دائمی است و حتماً در آینده دنبال خواهد شد.

مجری: از حضور هر دو بزرگوار و همراهی شما هموطنان گرامی سپاسگزارم.



مناظره چهارم؛ مناظره حجت‌الاسلام علی کشوری دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی با دکتر تاجگردون نماینده مجلس

شورای اسلامی

یکشنبه ۲۳ خرداد ۱۳۹۵

بسم الله الرحمن الرحيم

برنامه تیتراژ امشب شبکه خبر دیشب (۲۲-۳-۱۳۹۵) با موضوع آسیب‌شناسی نظام برنامه‌ریزی در ایران از ساعت ۲۲:۱۵ با حضور دکتر غلامرضا تاجگردون نماینده مجلس شورای اسلامی و حجت‌الاسلام علی کشوری دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی به روی آنتن رفت.

مجری: بسم الله الرحمن الرحيم با سلام خدمت شما بینندگان عزیز و قبولی طاعات شما. تیتراژ امشب را از شبکه خبر ملاحظه می‌کنید. با توجه به آغاز به کار رسمی مجلس دهم و اهمیت بررسی برنامه ششم توسعه به عنوان مهم‌ترین سند توسعه کشور، موضوع امشب تیتراژ امشب بررسی این برنامه از دو منظر «الگوی پیشرفت اسلامی-ایرانی» و الزامات اقتصادی برنامه با حضور دو بزرگوار آقایان تاجگردون نماینده مجلس شورای اسلامی. آقای تاجگردون سلام و خیر مقدم.

دکتر تاجگردون: من هم سلام عرض می‌کنم خدمت شما و بینندگان و مهمان عزیز.

مجری: و حاج آقای کشوری دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی-ایرانی می‌باشد. حاج آقای سلام و خیر مقدم.

حجت‌الاسلام کشوری: سلام علیکم و رحمه الله و برکاته در خدمتان هستیم.

مجری: خواهش می‌کنم. آقای تاجگردون! رهبری اخیراً در دیدار با نمایندگان مجلس شورای اسلامی - که خود شما هم حضور داشتید - توصیه کردند کوتاهی، اغماض و کم گذاشتن در برنامه ششم به هیچ عنوان جایز نیست. فکر می‌کنید که چرا این چنین توصیه کردند؟

دکتر تاجگردون: بسم الله الرحمن الرحيم. بله همانطور که فرمودید، مقام معظم رهبری در فرمایشاتشان این جمله را دو بار تکرار کردند و گفتند: مهم است خیلی هم مهم است. بعد هم این فرازی که حضرتعالی فرمودید [را بیان نمودند]. بالاخره کشور ما از منظر مباحث اقتصادی و راهبردی که پیش رو داریم و به خصوص بوسیله اسناد بالادستی که در این چند سال گذشته تصویب شد. [در شرایط مهم و حساسی است]. یک وقتی ما در سطح برنامه سوم و چهارم بودیم که اسناد بالادستی زیاد نداشتیم یا به عبارت دیگر استراتژی و راهبردهای اصلی ما مشخص نبود، اما الآن تقریباً این‌ها مشخص است یعنی اسناد بالادستی که مقام معظم رهبری ابلاغ کردند - که شاید مهم‌ترین آن، بحث اقتصاد مقاومتی بود که ابلاغ کردند - تقریباً اهمیت این کار را نشان می‌دهد که اگر ما در برنامه‌های اجرایی خود که یکی از آن‌ها برنامه‌های ۵ ساله و بعد هم بودجه‌های سنواری می‌شود - این موارد را نتوانیم کنار هم خوب بگذاریم روشن است که به انحراف می‌رویم، مثل این است که ما اسناد بالادستی تصویب نکرده‌ایم.

مجری: حالا همین که اشاره کردید به هر حال دو مرتبه مقام معظم رهبری تأکید کردند دلیل خاصی داشته و واقعاً اتفاق خاصی افتاده است؟

دکتر تاجگردون: دلیلش از نظر فنی مشهود است، یعنی اینکه برنامه‌های گذشته ما با آن چیزی که تصویب کردیم انحراف جدی داشته است که این انحراف جدی چند دلیل می‌تواند داشته باشد؛ یک دلیل آن این بود که در واقع اسناد بالا دستی ما زیاد متن و به هم پیوسته نبودند. دوم این که وقتی ما برنامه را تصویب می‌کردیم، کتاب برنامه‌ریزی کتاب آمال و آرزوها می‌شد؛ یعنی امکان تطبیق هر چیزی که ما از کتاب برنامه می‌نوشتیم با اسناد بالادستی وجود نداشت.

انتهای برنامه را که نگاه می‌کردیم نمی‌توانستیم از برنامه یک ارزیابی جدید داشته باشیم. این اواخر هم عادی شده بود که گزارش عملکرد برنامه داده نشود. خب وقتی شما نتوانید برنامه را با اسناد بالادستی خوب تنظیم کنید قطعاً نمی‌توانید بودجه‌های سنواری هم تنظیم کنید. یک از هم گسیختگی آشکاری در اجرای برنامه‌ها هست که می‌تواند دلایل متعددی داشته باشد؛ یکی نظام ساختار اجرایی است، یکی نحوه اجرای برنامه هست یکی هم نحوه نظارت است حالا مباحثش زیاد است.

هر انسان فنی که به برنامه نگاه کند این از هم گسیختگی را متوجه می‌شود که در برنامه‌های گذشته این انحراف تقریباً خیلی جدی شد. همگی هم تنها به دنبال این بودند که فقط یک برنامه‌ای تصویب شود. اوج این مورد را در همین مبحث برنامه ششم



داشتیم که من خودم یکی از آن افرادی بودم که در مجلس نهم می‌گفتم صبر کنیم و با عجله تصویب نکنیم. زیرا با عجله تصویب نمودن آن به ضرر بود ولو این که ایراد هم می‌توانست داشته باشد. چون می‌توانستیم این‌ها را با یک تعمق بیشتری - حالا مبحث را حاج آقا می‌فرمایند - یعنی این‌ها چیزهایی هستند که باید کنار هم گذاشته شود. رهبری هم به عنوان کسی که بر تمامی این‌ها نظارت می‌کند و گزارش مستمر در مورد اسناد، اقتصاد مقاومتی و مسائلی از این قبیل دریافت می‌کنند، متوجه شده‌اند که این انحراف خیلی جدی است و باید حتماً به فکرش باشیم. ان‌شاءالله برنامه ششم که در ادامه به آن می‌پردازیم امیدواریم بتوانیم موضوع را ادامه دهیم.

مجری: حاج آقا! شما بفرمایید. به هر حال چه اتفاقی افتاده و در واقع این که حضرت آقا دو مرتبه تأکید کردند - همانگونه که آقای تاجگردون می‌گویند - دلیل خاصش چه چیزی هست؟

حجت‌الاسلام کشوری: بسم الله الرحمن الرحيم. آقای تاج گردون مسأله را خیلی ساده تحلیل کردند. بنده در یک مورد بسیار با ایشان موافق هستم و آن این که انحراف جدی در نظام برنامه‌ریزی کشور ایجاد شده است. اما علت آن چه چیزی است؟ قطعاً به این علت نیست که ساختار برنامه‌ریزی کشور ما دچار مشکل هست، بلکه علت آن در یک جمله استفاده از مفاهیم توسعه غربی در نظام برنامه‌ریزی کشور است. یعنی اگر شما حدود ۷۰ سال نظم برنامه‌ریزی را از برنامه اول تا برنامه پنجم و هم‌اکنون که برنامه ششم نوشته شده است را بازخوانی کنید، به وضوح می‌بینید که از مکاتب مختلف توسعه‌ی غربی در نظام برنامه‌ریزی کشور استفاده شده است. مکاتب توسعه غربی یک عیب مشخص دارند، آن عیب هم این است که فرهنگ ملت ایران را لحاظ نمی‌کنند. حضرت آقای تاجگردون استحضار دارند و می‌دانند که مردم باید توسعه را محقق کنند، توسعه در یک کشور بدون مشارکت مردم به ثمر نمی‌رسد حال اگر ما از مکاتب غربی برای برنامه‌ریزی در کشور استفاده کردیم، نتیجه این می‌شود که چون آن مکاتب ناظر به فرهنگ‌های دیگری تدوین و تئوریزه شده‌اند ما نمی‌توانیم مردم خود را در آن مشارکت دهیم.

سخنانی در نظام برنامه‌ریزی گفته می‌شود [درحالی که] مردم مشکلات دیگری دارند بنده مثال می‌زنم تا روشن شود توجه کنید! حاد بودن نظام برنامه‌ریزی اینجا است. مشکل و سرطان نظام برنامه‌ریزی در اینجا است که یک چیزهایی را به عنوان **آمال و آرزو معرفی می‌کند [اما] مردم یک دردهای دیگری را احساس می‌کنند. لذا بین برنامه و خودشان هماهنگی نمی‌بینند و** لذا همراهی هم اتفاق نمی‌افتد. به طور مثال بخشی در برنامه ششم کشور هست که به بحران‌های کشور پرداخته است. [برنامه‌های کشور را در چند بخش] طبقه‌بندی می‌کنیم که یک بخش آن بحران‌های کشور است. به طور مثال در برنامه ششم گفته شده که صندوق‌های بازنشستگی یک بحران است و ما باید در طول برنامه ششم این مسئله را مدنظر قرار دهیم. اما به طور مثال از حدود ۳۸ درصد طلاق در شهر تهران به عنوان یک بحران یاد نکرده است. یعنی اینکه خانواده‌های ایرانی ذیل قوانین مبتنی بر توسعه در حال به چالش کشیده شده‌اند که یکی از ثمرات آن که کاهش جمعیت هست به عنوان یک بحران دیده نشده است. چالش مردم نهاد خانواده هست، نمی‌توانند ازدواج کنند و یا وقتی ازدواج می‌کنند مجبورند دو شیفت کار کنند. حتی وقتی اشتغال برای آنها ایجاد می‌شود، درآمدی که حاصل شده کفایت زندگی آن‌ها را نمی‌دهد. لذا مجبورند دو برابر کار کنند. تازه آن‌هایی هم که ازدواج می‌کنند زندگی سردی خواهند داشت [که نتایج آن] مثلاً ۳۸ درصد طلاق می‌شود. اما مشاهده می‌کنیم که در برنامه ششم این مطلب به عنوان چالش دیده نشده است.

البته این یک مثال بود که می‌خواستیم عرض کنم لذا در یک جمله بخواهم بگویم که چرا آیت‌الله امام خامنه‌ای عج فرمودند مسأله برنامه ششم فوق‌العاده حساس است؟ به این خاطر که برنامه ششم اگر قرار باشد به روال گذشته برنامه‌ریزی کند یک سری چیزهایی را بر روی کاغذ آرمان معرفی کند، اما این مسائلی که آرمان برنامه هست آرمان مردم نباشد، ما ۵ سال برنامه ششم را تلف خواهیم کرد. برنامه ششم مثل برنامه پنجم و برنامه چهارم و سوم و هر ده برنامه گذشته اجرایی نخواهد شد.

مجری: آقای تاجگردون! با این عبارت موافق هستید که یک ضعف کلیدی برنامه ششم استفاده از مفاهیم و مکاتب غربی است که بین آرمان‌های برنامه و درد مردم فاصله هست، نظرتان چیست؟

دکتر تاجگردون: ببینید حاج آقا بحث را شروع کردند [و من ادامه آن را] می‌گویم. همیشه همگی بر یکسری مبانی اتفاق نظر داریم، اما وقتی پایین‌تر می‌رویم و می‌خواهیم کار را شروع کنیم اختلاف - نمی‌گویم نظری - اختلاف عملیاتی از اینجاها شروع خواهد شد. این که ما بیاییم مکاتب توسعه غرب را یا مکاتبی که دیگر کشورها به عنوان الگو یا تکنیک از آن استفاده کرده‌اند،



به یکباره کنار بگذاریم قطعاً درست نیست. اما یک وقتی الگوی غرب [به عنوان] نسخه هست که بله، دادن یک نسخه‌ی غربی کامل این مشکلاتی که حاج آقا فرمودند را به وجود خواهد آورد. مثلاً ما یک الگوی غربی بدون رعایت نکات فرهنگی و پیرامونی خود و ارتباطات منطقه‌ایمان و حتی ظرفیت‌های داخلی و این چیزها را نبیند. اگر این الگو داده شود، نسخه قطعاً غلط است و به همین خاطر به این سمت رفته‌ایم که یک الگوی خاص برای خودمان آماده کنیم. اما یک وقتی به منظر پایین‌تر می‌رویم و به بحث تکنیک می‌خورید. در بحث تکنیک اینکه ما بیاییم از روش‌های تدوین شده‌ی دانشمندی‌های غربی یا دانشمندان بیرون از منطقه خود بخواهیم استفاده کنیم، به نظر من هیچ ایرادی ندارد. مثال را به مثالی که حاج آقا فرمودند بر می‌گردانم؛ در بحث آسیب‌های اجتماعی - البته مباحث آسیب‌های اجتماعی خیلی زیاد است - یکی از آن‌ها را حاج آقا فرمودند، اما این که ما چگونه می‌توانیم به این آسیب حمله کنیم؟ یعنی این آسیب را چگونه رفع کنیم؟ اینکه یک آسیب فرهنگی یا یک آسیب اجتماعی است، بنیان خانواده را برهم زده، این‌ها همه چیزهایی هستند که اتفاق افتاده حال ما می‌خواهیم این مسائل را حل کنیم. اگر بخواهیم با روش غربی به آن حمله کنیم قطعاً غلط است، اما اگر بخواهیم پایه‌های اقتصادی را تقویت کنیم یعنی به عبارتی تکنیک را استفاده کنیم که مثلاً من در امر طلاق می‌گویم ۳۸ درصد از ازدواج‌های ما به طلاق می‌انجامد، اگر بر روی این ۳۸ درصد بررسی کنیم مثلاً ۶۰ درصد آن ناشی از بحران‌های اقتصادی مملکت است، ناشی از بحران‌های اقتصادی خانوار است، ناشی از بیکاری است، ناشی از ناامیدی به آینده و مسائلی از این قبیل است. لذا باید به دنبال تکنیک‌های اقتصادی و مباحث اقتصادی برویم. اتفاقاً در همین مباحثی که مقام رهبری در دیدار اخیر اشاره فرمودند یکی از نکاتی که خیلی بر روی آن تأکید می‌کردند - ضمن اینکه آن جمله‌ی خاص در ارتباط با مباحث فرهنگی را (ولنگاری فرهنگی) را مطرح فرمودند - یک نکته‌ای که خیلی بر آن تأکید می‌کردند، فرمودند «دلیل این که بنده این سال‌ها در مورد اقتصاد صحبت می‌کنم اهمیت بحث اقتصاد است، اقتصاد خیلی مهم است.» من نمی‌خواهم بگویم اقتصاد مهم‌تر از فرهنگ است، اما می‌خواهم بگویم خیلی اهمیت دارد هم‌اکنون مسأله‌ی ما است. وقتی ما می‌خواهیم مسأله اشتغال را به عنوان اهم مشکلات کشور حل کنیم بالاخره نوع تجهیز منابع و تکنیک‌هایی که ما برای تدوین برنامه به کار می‌برند خیلی بپایه از الگوی مثلاً غربی نیست، زیرا یک کشور غربی هم وقتی می‌خواهد مسأله‌ی اشتغال خود را حل کند دنبال یک روش‌های خاص می‌گردد، مثلاً به SME یا به روش‌های رفع بیکاری توجه می‌کند. در این جا دیگر نباید ما خیلی اختلاف نظر داشته باشیم. می‌خواهم بگویم در حمله کردن برای رفع مشکلات خاص اجتماعی برای برنامه توسعه واقعاً نگاه کنیم و در این صورت اگر مثلاً من آمدم گفتم در نظریه‌ی X - اسم نمی‌خواهم بیاورم - نگویم یک نفر غربی این سخن را گفته است، اینجا دیگر این سخن را نگویم. اما اگر پیاده‌سازی این روش موجب شود آن راهبرد اصلی ما که به سمت مقاوم‌سازی، اسلامی بودن و فرهنگ خانوادگی جامعه ما هست توجه نشود، درست است و این ایراد را دارد. اما می‌خواهم بگویم که به آن قسمت هم بی‌توجه نباشیم. ماحصل کلام در ارتباط با اینکه الگوی خود را در این ۳۸ سال نتوانستیم خوب پیدا کنیم، سخن حاج آقا را تأیید می‌کنم اما این که در تکنیک مباحث برای رفع بعضی از این مشکلات [مدل‌های غربی‌ها استفاده نکنیم خیر]. به طور مثال همین صندوق‌های بازنشستگی که باید بپذیریم صندوق‌های بازنشستگی معضل خیلی جدی هست که همه‌ی بنیان‌های کاری اقتصادی و معیشتی خیلی‌ها را تحت الشعاع قرار می‌دهد، یک بمب است بمب ساعتی که چه عرض کنم دیگر بمب لحظه‌ای شده برای اقتصاد کشور ما که اگر این منفجر شود دیگر چیزی نمی‌ماند که حالا من بخواهم به ازدواج و طلاق و این قبیل موارد (همراه با خنده) بپردازم و اصلاً همه‌چیز را باید بدهیم تا این مشکلات حل شود. به همین خاطر می‌خواهم بگویم در تکنیک‌ها خیلی ما نگران این نباشیم که اگر ما از یک روش‌های

مجری: حالا اشاره‌ی شما در واقع به روش اجرائی و متد و متدولوژی قضیه هست

دکتر تاجگردون: بله بر روی تکنیک‌ها

مجری: نکته‌ای که حاج آقا اشاره کردند بحث نوع نگاه، رویکرد و راهبرد در برنامه هست که با واقعیت جامعه و دغدغه اختلاف دارد. حالا آقای تاجگردون اشاره کردند به این که در متد و در روش گاهی اوقات مشابهت وجود دارد، حالا پاسخ شما چیست؟ تکمیل بفرمایید و همچنین بفرمایید که اساساً اشکال کار کجاست؟



حجت‌الاسلام کشوری: بنده از انصاف آقای تاجگردون تشکر می‌کنم، ایشان ۵۰ درصد قضیه را قبول کرد، آن ۵۰ درصد چیست. - در ادامه اشکال ۵۰ درصد دوم را نیز عرض خواهم کرد - ۵۰ درصد درست قضیه این است که ما نمی‌توانیم از مکاتب غربی برای حوزه برنامه‌ریزی کشور استفاده کنیم، یعنی مثلاً نمی‌توانیم از مکتب نهادگرایی استفاده کنیم - شما باید از این مکاتب اسم به میان می‌آوردید؛ زیرا در حال حاضر در برخی از برنامه‌ها از آنها استفاده می‌شود - از کینزی‌های جدید نمی‌توانیم استفاده کنیم و همچنین از بقیه مکاتب ناکارآمدی که در کشور ما امتحان خود را پس داده‌اند هم به همین شکل. بنده تشکر می‌کنم...

دکتر تاجگردون: چطور می‌خواهید نهادگراها را از ریشه بزنید و بگویید نمی‌شود از آنها استفاده کرد؟ نباید بگوییم نمی‌شود استفاده کرد...

حجت‌الاسلام کشوری: آقای تاجگردون تکلیف خود را مشخص کنید. بنده مشکلی ندارم، در هر دو موضوع حاضر به مباحثه هستم؛ حاضر به مباحثه جدی هم هستم، یعنی اگر حضرت‌عالی بر این نظر هستید که ما از مکاتبی مثل مکاتب نهادگرایی می‌توانیم استفاده کنیم، خوب این نظر یک فضایی را درست می‌کند و بحث به یک سمت می‌رود، اما اگر نه، شما می‌فرمایید که نمی‌توانیم از مکاتب توسعه غربی استفاده کنیم، باید مکتب جایگزین خود را معرفی کنید. فرض بفرمایید ما این نظریه «پردازش موضوعات جهت‌ساز» که در اولین نقشه راه تولید الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت پیشنهاد داده‌ایم به مثابه یک مکتب است، یعنی می‌تواند سؤالاتی که از یک مکتب پرسیده می‌شود را جواب دهد. ببینید باید فضای مباحثه معلوم شود، این یک طرف بحث است. آقای فلاح [مجری برنامه] شما هم تصمیم بگیرید که ما کدام طرف را حل و فصل کنیم تا شنوندگان فرهیخته و مؤمن هم استفاده کنند. یک طرف قضیه می‌گوید مکاتب محل بحث هستند، اما ما در حال حاضر باید به این سمت برویم که تکنیک‌ها عوض شود. در این صورت هم بنده حاضرم بر روی تکنیک‌ها گفت‌وگو کنم. مثلاً در حوزه تأثیر بر نهاد محیط خانواده. **بالاخره آمریکا که توسعه‌یافته‌ترین کشور دنیا است از این تکنیک‌های اشتغال استفاده کرده، اما آمار طلاق این کشور بالای ۶۰ درصد است. پس پیداست که اگر ما آمدم توسعه ایجاد کنیم و از این تکنیک‌های رفع اشتغال استفاده کردیم، مسأله خانواده حل نخواهد شد.**

دکتر تاجگردون: من وقتی در تلویزیون می‌آیم سعی می‌کنم ساده صحبت کنم، الان شما فرض بگیرید می‌خواهیم برنامه ششم را بنویسم و من در مجلس نشسته و شما هم به عنوان دبیر آن بخش. بعد از شما می‌پرسم برای مسأله طلاق چه مدل و چه تکنیکی را پیشنهاد می‌دهید، تا بنده هم طلاق را به عنوان یک مسأله جدی جامعه در وسط گذاشته و ۵ خط در زیر آن بنویسم؟ دولت هم مکلف است آن را اجرا کند. برنامه باید متقن باشد، یعنی بگوییم: من می‌خواهم مسأله طلاق را حل کنم پس باید این ۵ کار را انجام دهید. بنده تضمین این بحث را می‌دهم که بروم و در مجلس این طرح را جا بیاندازم. بگویم طلاق معضل جدی ماست و برای رفع آن معضل ۵ تکنیک معرفی کنیم.

حجت‌الاسلام کشوری: ببینید ما در مسائل الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت ذیل نظریات بخشی مسائل را حل می‌کنیم. ما یک نظریه‌ای راجع به مسأله خانواده داریم، اسم آن هم این است - بنده اسم علمی آن را می‌گویم بعد به صورت ساده هم توضیح خواهم داد که باید چه کارهایی انجام شود، اما بالاخره جناب آقای تاجگردون بعد از اینکه جلسه تمام شد، در یک فرصت دیگری تکلیف آن دعوا را مشخص کنید - مشکل ما با دوستان توسعه‌گرا همین است که نمی‌دانیم کجا باید بیاستیم و مباحثه کنیم. مثلاً شما اول مباحثه می‌فرمایید که ما مشکلی نداریم مکاتب عوض شوند، اما وقتی بنده وارد نقد مکتب نهادگرایی می‌شوم بلافاصله به ما [ایراد می‌گیرید].

دکتر تاجگردون: به دلیل اینکه بنده می‌گویم باید یک چیزی جای آن بگذاریم.

حجت‌الاسلام کشوری: بله، حتماً هم به همین شکل باید باشد.

دکتر تاجگردون: برای مثال می‌گویم، بنده که نهادگرا نیستم. من می‌گویم که نهادگرایی یک نظریه است که این نظریه در برخی از کشورها در یک دوره‌ای خوب یا بد عمل شد. ببینید هرکدام از الگوهای توسعه غربی متعلق به یک دوره‌ای است. شما به این کلمه دوره توجه کنید. بنده برای همین حرف شما را تأیید می‌کنم و می‌گویم نمی‌شود همه آنها را اجرا کرد. زیرا هم مربوط به یک دوره خاص و هم مربوط به یک جامعه خاص هستند. حرف شما در این قسمت قبول است؛ الگوهای غربی را به



دلیل اینکه هر کدام از آنها مربوط به یک دوره و یک مکان خاص هست نمی‌توان در یک جای دیگر پیاده کرد. این حرف شما کاملاً تأیید شده است برای همین من همان اول می‌گویم که حرف شما درست است.

حجت‌الاسلام کشوری: نهادگرایی هم شامل این اظهار نظر شما می‌شود؟

دکتر تاجگردون: بله نهادگرایی هم می‌شود. اما من می‌گویم اگر می‌خواهیم نهادگرایی - که برخی از موضوعات آن قابل تأیید است - را کنار بگذاریم، باید حتماً یک چیز دیگری به جای آن بگذاریم. مثلاً وقتی نهادگرایی برای رفع برخی از مشکلات زمان خود چند انستیتو و نهادهای خاص تعریف کرده و متناسب با آنها مشکلات کشورهای خود را برطرف می‌کنند، من می‌گویم خُب باشد [و حرف شما درست] ما در آن زمان و مکان و آن کشور نیستیم، اما فرض بگیریم من می‌خواهم از منابع نفتی خود به یک روش بهتری استفاده کنم - شما مدل نهادگرایی را قبول ندارید و مدل الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت را قبول دارید - بگویید که من چه کار انجام دهم؟ در دنیای اقتصادی امروز چطور می‌توانم از آن استفاده کنم؟ اما نباید یک‌دفعه آنها را کنار بگذارید، از ظرفیت‌های هر کدام از نظریات اقتصادی - مانند استفاده ما از همه نظریات فلسفی، منطقی که همه آنها در حال تکوین هستند - استفاده کرده و ما هم این موضوعات را تکوین کنیم. یعنی باید برای خودمان آن را بهتر کنیم. شما برای مسأله مورد نظر بگویید که مثلاً فلان موضوع را انجام دهید تا ما هم برویم آن موضوع را پیاده کنیم. اما باید مطمئن باشیم که با بقیه بخش‌های اقتصادی ما سازگاری دارد.

حجت‌الاسلام کشوری: ببینید آقای تاجگردون، بنده آن جایی اصلاح را لازم می‌دانم که بنیان یک مسأله‌ای دچار مشکل نباشد. شما اساساً محور تعادل اجتماعی را اقتصاد قرار می‌دهید و سعی می‌کنید همه امور را با اقتصاد هماهنگ کنید، حال محور بودن اقتصاد را به نحو نهادگرایی تئوریزه می‌کنید و یا به نحو سیاست‌های پولی که کینز و غیره بیان کرده‌اند. دعوا بر سر این است که اگر اقتصاد را محور تعادل اجتماعی قرار دادیم، آن جامعه متعادل خواهد شد یا خیر؟ من توضیح بیشتر می‌دهم؛ فرض بفرمایید راجع به همین مثال خانواده که شما می‌فرمایید، اگر ما از نظریه بهبود مستمر فضای حاکم بر نهادهای متکفل تربیت استفاده کردیم - که ما در ترمینولوژی خود این نظریه را عمداً شبیه نظریه بهبود مستمر فضای حاکم بر کسب و کار تعریف کردیم تا در نامگذاری این موضوع القا شود که سلول اولیه جامعه اسلامی کسب و کار آن نیست، بلکه نهاد خانواده آن است - اگر ما آمدیم و از این نظریه استفاده کردیم، پس توصیه می‌شود که در برنامه ششم حداقل برای چهار یا پنج مورد از عوامل مؤثر بیرونی بر نهاد خانواده برنامه بهبود تعریف کنید. بنده به بحث اصلی بر می‌گردم. مثلاً اگر می‌خواهیم خانواده داشته باشیم...

دکتر تاجگردون: اتفاقاً خوب است، به این شکل یک مثال عملی داریم.

حجت‌الاسلام کشوری: البته باید از آن نتیجه‌گیری نظری هم داشته باشیم. مثلاً اگر می‌خواهیم نهاد خانواده را تقویت کنیم، نباید قوانین اشتغال مردان و زنان در جامعه یکسان باشد. وقتی شما زن را کارگر تعریف می‌کند - که این اشتباه بزرگ جریان توسعه‌گرا است؛ زیرا زن را جز کارگران ارزان قیمت تعریف می‌کنند - بعد به این زن می‌گویید که در خانواده هم نقش تمدنی و تربیتی ایفا کن. خُب زن که توان محدودی دارد و به لحاظ جسمی هم توانش از مرد محدودتر است، در این صورت شما از او دوبار استفاده برنامه‌ای می‌کنید؛ یکبار به این سمت می‌روید که در بخش اقتصاد از او استفاده کنید و بعد هم به او توصیه می‌کنید که برود مادر خوبی باشد. بنابراین باید در این مثالی که بیان شد تعیین تکلیف کنیم. الان در این مسأله‌ای که بنده گفتم حضرت عالی به عنوان یک متخصص با نگاه توسعه باید بگویید که بالآخره بخش اقتصاد محور است یا بخش خانواده؟ اگر بخش خانواده محور است پس حتماً باید در برنامه ششم بنویسید. باید سازمان مدیریت را مکلف کنید تا قوانین اشتغال بانوان را با همه ابعادش تسهیل کند.

دکتر تاجگردون: اتفاقاً شما بحث خوبی را ارائه کردید، یعنی یک چیز عملیاتی را نشان دادید. فرض می‌کنیم من اقتصاد خوانده‌ام و هیچ چیزی هم از مبانی اجتماعی و فرهنگی نمی‌دانم. من با یک معضل بیکاری و رکود مواجه هستم و برای رفع این معضلات هم یک مدل‌هایی را بکار می‌گیریم، مثلاً روش پولی فلانی را بکار می‌گیرم و سعی می‌کنم آن نظریه را بومی کرده و عمل کنم. بعد به نظریات رشد می‌رسم به نظریات دیگری نگاه می‌کنم. اتفاقاً بنده دیروز داشتم یک مقاله را نگاه می‌کردم، در آن آمده بود که در خیلی از کشورهایی که از نظریه رشد، بالنده بودند و یک مقدار جلوتر هستند، حدود یک سوم از



رشد اقتصاد یعنی ارزش افزوده‌ای که منجر به رشد آنها شده، ناشی از فعالیت زنان در بُعد خانوار آن کشور بوده است. خب من می‌گویم که این ظرفیت نیروی کار در کشور من هست، اگر بخواهم رشد هشت درصدی بدست بیاورم، باید از این ظرفیت یک سوم رشد جامعه زنان که تحصیل کرده بوده و توانایی کار دارند هم استفاده کنم. بعد این را در مدل خود می‌آوردم و می‌گویم که اگر یک سوم را بکار بگیریم - این بهره‌وری را بکار بگیریم - می‌توانم به رشد هشت درصدی اقتصاد برسیم. شما به عنوان یک نظریه پرداز بخش اجتماعی و مسائل خانوادگی و مسائل دینی، می‌گویید شما که در حال نوشتن این برنامه هستید، این طرح با کشور ما سازگاری ندارد؛ زیرا بنیان خانواده را بهم می‌ریزد، دلیل آن هم همین الگوی غرب است. در همین آمریکا نرخ طلاق شصت درصد است، زیرا آنها هم با همین مدل‌ها جلو رفته‌اند. بعد من هم می‌گویم که بله، بنده به عنوان یک انسان مسلمان این حرف را قبول دارم پس باید به آن کمک کنم. شما باید به من -یا هرکس دیگری که در حال نوشتن برنامه هست- بگویید که اشکال ندارد، شما دو درصد از رشد را حذف کنید، یا قید آن را بزنید و یا الزامی ندارد که ما به رشد هشت درصد برسیم، بلکه شش درصد کافی است و در مقابل باید استفاده از زنان را در اشتغال به این مقدار کاهش دهیم. در قسمت باید بحث کنیم که از کدام یک از آنها بگذریم؟ ۱. می‌توانیم بگذریم؟ ۲. آیا جامعه از ما می‌پذیرد که بر فرض با این روش نقش زنان در فعالیت اقتصادی کمتر شود؟ چیزهای بعدی. حاج آقا، در این قسمت به من این نکته را بگویید.

بنده می‌خواهم این حرف را بگویم، شما قبل از جلسه این مطلب را به من گفتید که اگر بر روی نظریه توافق کنیم، بر روی تکنیک‌ها بهتر می‌توانیم کار کنیم. ما که حرف شما را در کل قبول داریم، اما می‌گویم برای من که می‌خواهم برنامه بنوسیم، حکم بدهم، الزام بدهم و در نهایت یک جدول بدهم، همه این موارد را باید بدانم. یعنی باید به من بگویید تا بتوانم آن را تطبیق دهم. دلیل ناسازگاری برنامه‌های قبلی همین چیزها بود، لذا اگر بخواهم به این موارد نگاه نکنم، برنامه ششم و هفتم هم از این بدتر شده و فاجعه‌آمیز خواهد شد. [در این صورت] نه می‌توانیم رشد را پیاده کنیم و نه بنیان خانواده را [احیا کنیم]. نکته بعد هم اینکه چیزی که به نظر من مهم است که در برنامه ششم به آن نگاه کنیم - که شما بر روی آن خیلی مطالعه کردید که این کاری خوبی است - به قول حضرت عالی یک گام آن را تدوین کنیم تا برنامه رو به جلو برود و یا دو بخش را انتخاب کنید و آن را تطبیق دهید. بنده حرف شما را قبول دارد، اما می‌خواهم این را بگویم که شما باید بگویید که در این نقطه باید چکار کنیم.

حجت‌الاسلام کشوری: ببینید آقای تاجگردون! تکلیف ما با برنامه ششم معلوم است؛ ما پیشنهاد دادیم ماده واحده تثبیت نگاه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در نگاه برنامه‌ریزی کشور به برنامه ششم الحاق شود. این ماده واحده دارای هفت حکم بیشتر نیست. این هفت حکم یک قدم به سمت برنامه ششم محسوب می‌شود که تا جدول‌های اقتصادسنجی آن نیز قابل گزارش است. من گزارش همین بخش را بدهم؛ آقایان استدلال می‌کنند که ما اگر قوانین اشتغال بانوان را تسهیل کنیم، رشد اقتصادی به چالش کشیده می‌شود. ما جواب این اشکال را داده‌ایم؛ یکبار هزینه کرده و قوانین اشتغال بانوان را تسهیل کنید، حتی اگر لازم شد یارانه هم بدهید، [در این صورت] سر جمع چهار بار هزینه‌های کشور که این چهار مورد هزینه‌های فروپاشی نهاد خانواده است از هزینه‌های کشور کسر می‌شود. این کار دارای نفع بوده و به ضرر هم نخواهد بود. یکبار هزینه کرده و خانواده را احیا کنید بعد هزینه فروپاشی اجتماعی را نخواهید داد. مثلاً در حال حاضر همین طرفین ۳۸ طلاق اختلاف خود را به کجا می‌برند؟ اختلاف خود را به دادگاه‌های خانواده می‌برند. چقدر هزینه این دادگاه‌های خانواده می‌شود؟ بالآخره این موارد هزینه‌بر هست، این موارد در محاسبات تولید ناخالص ملی می‌آید؟ بالآخره این موارد هزینه‌های کشور است. هزینه‌های نامنی هم ناشی از این مشکل هست. وقتی افراد دچار عدم سکینه شدند - به دلیل اینکه خانواده خوب آرامش آور است - بعد این عدم سکینه نامنی روانی ایجاد می‌کند و هزینه آن به بخش سلامت تحمیل می‌شود. بنده در اسناد برنامه‌ای دیده‌ام که نوشته شده «ما نیاز داریم که مثلاً رشته روانشناسی را در جامعه گسترش دهیم.» چرا؟ به دلیل همین مشکلاتی که در اثر فروپاشی خانواده ایجاد شده است. زیرا این موارد پرهزینه است. چقدر باید خرج کنید تا دیپارتمان‌های روانشناسی را تقویت کنید، نیرو تربیت کنید که آنها مطب زده و بعد به مردم توصیه کنند که مثلاً این کارها را کنید تا عدم آرامش شما برطرف شود. این کار هزینه‌های سلامت را بدنبال دارد، هزینه‌های نامنی اجتماعی را بدنبال دارد، بنده عرض می‌کنم حتی هزینه‌های سیاسی دارد. انسان‌هایی که مجرد زندگی می‌کنند منتی در آنها فریه می‌شود. چون طبیعت زندگی خانوادگی این است که انسان باید گذشت کند و به همین دلیل در



او تزکیه اتفاق می‌افتد. در نتیجه‌ی [رشد منبیت،] انسان‌ها به نظام سیاسی لیبرالی میل پیدا می‌کنند، یعنی حتی تقاضا می‌کنند که نظام سیاسی نیز تغییر کند. چرا؟ چون خواسته‌های شخصی خودشان اصل است. پس بنابراین بنده حتی رشد و ارزش افزوده را ملاک قرار می‌دهم و می‌گویم: اگر ما یک‌بار برای کاهش قوانین اشتغال بانوان در جامعه هزینه کنیم، چهار مرتبه سود می‌کنیم که من سه مرتبه از این سودها را عرض کردم. البته پیشنهادی که بنده برای تغییر قوانین اشتغال بانوان در جمهوری اسلامی دادم یک افق بلندمدت نیز در نظر دارد و آن افق این است که ما مثلاً مانند کشور آلمان نمی‌شویم. مگر کشور آلمان یک کشور توسعه‌یافته نیست؟ ولی چون بر روی خانواده سرمایه‌گذاری نکرده در حال حاضر نیروی کار خود را وارد می‌کند. یعنی اگر شما سود اجتماعی را اصل قرار ندهید و همواره صحبت از سود اقتصادی باشد، در دو دهه‌ی آینده حتی اقتصاد کشور نیز نابود خواهد شد؛ چون ما در دو دهه آینده نیروی کار جوان هم نخواهیم داشت. بنابراین بنده علی‌المبنای خودتان محاسبه کردم. ولی یک نکته را فراموش نکنید که فضای حاکم بر نهاد خانواده، در قوانین اشتغال بانوان و آقایان - که ما می‌گوییم باید دو نوع قانون باشد - منحصر نیست.

یکی دیگر از فضاهای حاکم، آموزش‌های مربوط به نهاد خانواده در نظام آموزشی است. یکی دیگر از این نهادها حفظ مدیریت محله‌ای و حفظ حریم محلات است؛ چون در نگاه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت محله سپر خانواده محسوب می‌شود. موارد دیگری نیز وجود دارد که به نظر بنده تمام اینها را می‌توان با ملاک جناب آقای [تاجگردون محاسبه کرد؛] یعنی ما دقیقاً جیب مملکت را حفظ کرده‌ایم. یعنی دو دو تا چهارتا کرده و می‌گوییم این چه عقلی است؟! چرا وقتی مسأله مرخصی زایمان مطرح می‌شود جریان توسعه‌گرا فریاد می‌زند که ما با این کار ضرر اقتصادی می‌کنیم؟ چرا نوک دماغ خود را می‌بینند؟ - محضر دوستان جسارت می‌کنم - چرا دو دهه‌ی آینده را نمی‌بینند که اگر ما نهاد خانواده نداشته باشیم جمعیت نیز نخواهیم داشت؟ حالا کشور آلمان از ترورسیم استفاده کرده و نیروی کار خود را تأمین می‌کند ولی ما باید چه کار کنیم؟ لذا علی‌المبنای سود اقتصادی نیز مسأله قابل دفاع است.

مجری: در مورد همین نکته که حاج آقا اشاره کردند - یعنی در باب محتوا و ماهیت - حضرت آقا در دیدار با نمایندگان مجلس شورای اسلامی تأکید کردند که یک برنامه باید به معنای واقعی کلمه کامل باشد. برخی‌ها معتقدند که این حرف نوعی انتقاد به ماهیت برنامه ششم است. ضمن اینکه شما می‌خواهید پاسخ صحبت‌های حاج آقا را بدهید راجع به این انتقاد نیز اظهار نظر کنید. به هر حال برخی محافل این توصیه حضرت آقا را نوعی انتقاد به ماهیت برنامه ششم تلقی کرده‌اند.

دکتر تاجگردون: به نظر بنده فرمایش حضرت آقا کاملاً سوار بر این حرفی است [که بنده می‌گویم]. البته بنده برداشت خود را می‌گویم و احتمالاً دیدگاه حضرت آقا چیز خاص دیگری نیز باشد یا اینکه قطعاً عام‌تر از چیزی است که بنده می‌گویم. ما وقتی برنامه‌ای را تدوین می‌کنیم [مراقب هستیم که احکام برنامه با سیاست‌های بالادستی تعارض نداشته باشند]. بنده به یاد دارم که هنگام تدوین برنامه چهارم وقتی سیاست‌های کلی ابلاغ شد ما احکامی را تدوین نموده و در مورد این بحث می‌کردیم که کدام‌یک از این احکام با سیاست‌های کلی تعارض ندارد؛ یعنی می‌خواستیم حکمی را تصویب کنیم که با سیاست‌های ابلاغی تعارض نداشته باشد. اما موضوعی که الآن باید حاکم باشد - و فکر می‌کنم مراد مقام معظم رهبری نیز همین است - این است که احکام برنامه ششم، احکامی باشد که سیاست‌ها را اجرا کند نه اینکه فقط با آنها تعارض نداشته باشد. ما گاهی حکمی را صادر می‌کنیم و شورای محترم نگرهبان می‌گوید این حکم با سیاست‌های کلی تعارض دارد. یا اینکه بنده هنگام تصویب حکم می‌گویم: این حکم با سیاست‌های کلی تعارض دارد و به همین دلیل قابل طرح نیست. اما در حال حاضر مفهومی که باید به آن دقت کنیم این است که برنامه‌ی ما سیاست‌های کلی را اجرا کند. من راحت بگویم: ما تا به حال همواره به دنبال این نبوده‌ایم که برنامه‌ی ما سیاست‌های کلی را اجرا کند. ما وقتی می‌خواهیم احکامی را تصویب کنیم فقط آنها را کنار هم می‌چینیم ولی به این دقت نمی‌کنیم که این حکم خاص از سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری برای اجرا نیازمند چه احکامی است. اما اگر بر این منوال حرکت کنیم شاید بسیاری از معضلاتی که حاج آقا می‌فرمایند حل شود. یعنی من باید حکمی را تصویب کنم تا سیاست‌های کلی را اجرا کند. بنده خاطره‌ای را عرض کنم. در یک دوره‌ای که دولت برنامه را تدوین می‌کرد و فرض کنید در انتهای کتاب برنامه ۵۰ یا ۶۰ ماده ذکر می‌گردید. یکی از وزرای محترم ناراحت شد که در این برنامه هیچ حکمی در مورد وزارت خانه او وجود ندارد. در صورتی که لزومی ندارد حتماً وجود داشته باشد، شاید ما در این وزارت‌خانه نیازمند حکمی نباشیم.



ایشان حالت قهر داشتند و ما رفتیم با او صحبت کردیم و گفتیم چه شده است؟ ایشان گفتند: این دو حکم را نیز در برنامه قرار دهید تا احکام وزارتخانه‌ی بنده نیز در برنامه باشد. ما دو حکم از ایشان را در برنامه گذاشتیم در حالی که این دو حکم هیچ ربطی به برنامه و اسناد بالادستی نداشتند. برنامه زمانی برنامه است که هیچ چیز اضافه‌ای در آن قرار ندهیم. بنابراین ایرادی که مقام معظم رهبری فرمودند این است که من نماینده مجلس، حکمی را در برنامه قرار دهم ولی نتوانم آن را با سیاست‌های کلی مرتبط کنم.

مجری: آقای کشوری نظر شما چیست؟ آقای تاجگردون در مورد نکته‌ای که بنده اشاره کردم فرمودند شاید مراد مستقیم مقام معظم رهبری انتقادی که برخی از محافل به ماهیت برنامه ششم دارند نباشد.

دکتر تاجگردون: دلیل حرف بنده این است که چون اصلاً برنامه ششمی نداریم.

مجری: بالاخره در مورد همین لایحه‌ای که وجود دارد و تقدیم شده است. به هر حال حتماً شما [حجت‌الاسلام کشوری] - یکی از محافلی هستید که به ماهیت برنامه ششم اعتراض دارید. شما نظر خودتان را راجع به نظر آقای تاجگردون بفرمایید.

حجت‌الاسلام کشوری: بنده فقط در تکمیل بحث قبل خود یک نکته را بگویم و پس از آن به سؤال حضرتعالی که مهم است پاسخ دهم. آقای تاجگردون! راجع به اینکه چه چیزی را در جای مکتب نهادگرایی بگذارید باید بگویم «اولین نقشه راه تولید الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت» - که در قم تدوین شده است - «نظریه پردازش موضوعات جهت‌ساز» را پیشنهاد می‌دهد. ان شاء الله بنده این مسأله را در جلسه دیگری عرض می‌کنم. مخلص کلام - به شرحی که در آن نظریه آمده - این است که ما باید هدایت را محور اداره جامعه قرار دهیم.

اما راجع به اینکه چرا آقا این هشدارها را راجع به برنامه ششم دادند، باید گفت دولت، احکام اجرای برنامه را داده است؛ یعنی حدود ۳۰ یا ۴۰ صفحه ...

دکتر تاجگردون: احکام مورد نیاز اجرای برنامه ...

حجت‌الاسلام کشوری: بله؛ احکام مورد نیاز اجرای برنامه ششم را در ۳۰-۴۰ صفحه به مجلس تقدیم کرده است تا مجلس آنها را تصویب کند. معنای این سخن آن است که اصل برنامه در خود سازمان مدیریت است، هم اسناد پشتیبان و هم این لایحه را دیده‌ام. در مجموع پنج نوع اشکال به برنامه ششم وارد است که این پنج نوع اشکال باعث شده است که برنامه ششم به این وضعیت فعلی مبتلا شود؛ بنده برای اولین بار دیده‌ایم که - اگر آقای تاجگردون مورد دیگری سراغ دارند بگویند - در طول تاریخ هفتادساله‌ی برنامه‌ریزی ایران برنامه‌ای مانند این برنامه با چالش مواجه شده باشد. ما برنامه چهارم را نیز یکبار تمدید کردیم ولی دلیل مطلب آن بود که دولت وقت برنامه پنجم را نوشته بود. اما در این دوره با اینکه دولت وقت برنامه را نوشته بود مجلس برنامه را قبول نکرد و مسائلی هم پیش آمد که بعداً باید آنها را بگوییم. لذا پنج نوع اشکال به این برنامه وارد می‌باشد و یکی از اشکال‌های همین بحثی است که عرض کردم. اصلاً برنامه ششم، برنامه نیست. دولت می‌خواهد مانند زمان مصدق که برای اداره کشور اختیارات ویژه می‌خواست، در حوزه برنامه‌ریزی از مجلس تقاضای اختیارات ویژه کند. از لایحه‌های صحبت‌های آقای نوبخت و سایر مسئولین محترم سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی این مطلب جلوه می‌کند که آنها می‌خواهند با این روش - که ویژگی آن افزایش اختیارات سازمان مدیریت است - کاری کنند تا برنامه ششم به بلای ناکارآمدی برنامه‌های سابق مبتلا نشود. ولی به نظر من دوستان راه را خطا رفته‌اند. چون مشکل عدم اجرای برنامه‌های توسعه در ایران، شکل برنامه‌ریزی نیست بلکه ماهیت توسعه با فرهنگ مردم ایران در تعارض است. حتی اگر مجلس این کار را انجام دهد - حالا بنده به میزانی که با نماینده‌ها صحبت کردم متوجه شدم که آنها حاضر نیستند چنین اختیاراتی را بدهند - مشکل حل نخواهد شد.

مجری: حاج آقای کشوری اشاره کردند که این لایحه برنامه نیست و آقای پزشکیان نیز در دیدار اخیر خود با آقای نوبخت در مورد تصمیم‌گیری‌هایی که در روزهای آینده اتخاذ خواهد شد گفتند: لایحه برنامه ششم برنامه نیست، یعنی ایشان نیز این نقد را داشتند. آقای نوبخت اعلام کرد که ما تمام اهداف و استراتژی‌های برنامه را مشخص کرده‌ایم و آنچه که مجلس نیاز دارد را در اختیارش قرار می‌دهیم. بالاخره این لایحه، برنامه هست یا نه؟



دکتر تاجگردون: سازمان برنامه و دولت همین نظری که حاج آقا فرمودند را دارد. خود بنده همان موقع همین را گفتم و اتفاقاً فراز نامه‌ای که بنده به دکتر لاریجانی نوشتم و خواستم که برنامه را در مجلس نهم تصویب نکنیم در مورد همین مطلب بود. این مسأله یک موضوع حقوقی عمیق در نظام اجرایی کشور است. بنده حتی در یکی از صحبت‌ها گفتم: دولت آقای خاتمی سال‌های آخر به این نتیجه رسید، دولت آقای احمدی‌نژاد در دور دوم به این نتیجه رسید ولی آقای روحانی در همین چهارسال اول به این نتیجه رسیدند، یعنی این برداشت در حال تکوین است. به نظر بنده این موضوع، نه در سطح مباحث ما و نه در سطح مکاتباتی است که بنده، آقای نوبخت یا حاج آقا بحث کنیم که این مدل‌ها را دیده‌ایم یا نه. مسأله، یک اختلاف جدی در برداشتن یک اصل از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. بنده به نظرم می‌رسد باید در سطح عالی مجمع تشخیص مصلحت - که می‌تواند از مقام معظم رهبری نظر بگیرد - دولت و مجلس این موضوع را حل کنیم که حدود اصل ۱۳۴ قانون اساسی تا کجاست. خود بنده به عنوان یک کارشناس که در سازمان مدیریت بوده‌ام و حالا در مجلس حضور دارم - معتقدم که برنامه را باید کامل در اختیار مجلس قرار بدهیم و مجلس برنامه را به صورت کامل تصویب کند. ولی این مطلب محل چالش است و شاید خیلی‌ها این نظر را نداشته باشند. شما مشاهده کردید که در انتهای مجلس نهم نیز برخی از دوستان نظری تندتر از نظر بنده داشتند ولی بسیار سریع ۵۰ ماده را سر هم کرده و به صحن آوردند.

مجری: آیا دولت قصد دارد لایحه جدید بدهد؟

دکتر تاجگردون: ان‌شاءالله وقتی کمیسیون‌های تخصصی مجلس راه بیفتند ما به عنوان یک مطالبه‌گر جدی به دولت خواهیم گفت که دولت برنامه را بدهد نه احکام اجرای برنامه را. دولت که برنامه را دارد، ادعای دولت این است که اینها را دارد و به عنوان یک پیوست در اختیار ما قرار می‌دهد. ولی ما می‌گوییم این مطالب را به صورت برنامه به ما بدهند.

مجری: به هر حال با توجه به اینکه مجلس تازه تشکیل شده است و ماه‌ها طول می‌کشد تا نمایندگان جا بیفتند، کمیسیون‌ها و شعب تشکیل شوند ...

دکتر تاجگردون: دولت مجموعه اطلاعات و مبنای‌ای که تدوین کرده است را در قالب یک برنامه ارائه دهد ...

مجری: یک دقیقه زمان داریم. حاج آقا اگر شما نکته خاصی دارید بفرمایید.

حجت‌الاسلام کشوری: جناب آقای تاجگردون! بنده از حضرتعالی و دوستانتان خواهش می‌کنم بند اول برنامه پنجم را در تدوین برنامه ششم اصل قرار دهید؛ قانون صراحت دارد که برنامه ششم باید با نگاه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت تدوین شود.

دکتر تاجگردون: یعنی دوباره برنامه را بنویسیم. نه، نه؛ ببینید حاج آقا ما اینجا اختلاف نظر داریم.

حجت‌الاسلام کشوری: مبنای تدوین قرار دادن غیر از دوباره‌نویسی است. یعنی مثلاً همین احکامی که به شما پیشنهاد دادم را الحاق کنید.

دکتر تاجگردون: اگر مراد از مبنای تدوین این است که این مطلب را در ماده یک برنامه بنویسند بنده اصلاً می‌گویم که ننویسند. مبنای تدوین این است که وقتی بنده برنامه را تدوین می‌کنم، الگوی مطرح در ماده‌ی یک برنامه مد نظر بنده باشد.

حجت‌الاسلام کشوری: بله مراد من همین است. یعنی اگر کسی بعد از تدوین برنامه ششم این برنامه را خواند بگوید: مثلاً این ده حکم [با نگاه الگو است].

دکتر تاجگردون: بوی الگو از آن بیاید. مراد این نیست که بنده مسأله الگو را در اول برنامه بنویسم تا دل چند نفر خوش شود.

حجت‌الاسلام کشوری: مراد این است که شما نگاه الگوی پیشرفت را به صورت واقعی ببینید.

مجری: بسیار خُب؛ از هر دوی شما و شنوندگان عزیز که ما را یاری کردند سپاس‌گذاریم.

**مناظره پنجم؛ مناظره حجت‌الاسلام کشوری دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی و دکتر تابش نماینده مردم اردکان در****شبکه خبر برنامه تیترا امشب**

چهارشنبه ۹ تیر ۱۳۹۵

بسم الله الرحمن الرحيم

برنامه تیترا امشب شبکه خبر شب گذشته (۷-۴-۱۳۹۵) به بررسی نسبت میان برنامه ششم و الگوی پیشرفت اسلامی پرداخت. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی نقشه راه در ابتدای این برنامه حجت‌الاسلام علی کشوری به تبیین دلایل ناکارآمدی برنامه‌های توسعه در ایران پرداخت و عنوان داشت که به دو دلیل ۱. عدم اجرای برنامه‌های توسعه در ایران و ۲. عدم تطابق برنامه‌های توسعه با اسناد بالادستی؛ نیازمند تحول اساسی در نظام برنامه‌ریزی بر اساس مفاهیم الگوی پیشرفت اسلامی هستیم.

همچنین در این برنامه دکتر محمد رضا تابش با این استدلال که نمی‌توانیم از تجربه‌های بشری استفاده نکنیم؛ پیشنهاد داد: برنامه‌های توسعه را کماکان بر پایه نظریات غربی بنویسیم و البته در کنار آن از نظریات اسلامی هم استفاده نماییم. وی ادامه داد که ما با اجرای برنامه‌های توسعه به رفاه دست خواهیم یافت. متن کامل این مناظره خواندنی را در ادامه بخوانید:

مجری: بسم الله الرحمن الرحيم. سلام عرض می‌کنم حضور شما بینندگان عزیز و ارجمند. بسیار خرسندیم که برنامه تیترا امشب را برای تماشا انتخاب کردید. معمولاً کشورها برای تدوین برنامه‌های توسعه‌ی خود از الگوهای مختلف توسعه‌ای تبعیت می‌کنند و بر مبنای آن، برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت و بلندمدت خودشان را تبیین می‌کنند. در تدوین برنامه توسعه در کشور ما - جمهوری اسلامی ایران - برنامه‌های مختلفی که تنظیم شده است، آن هم معمولاً از الگوهای مختلف توسعه‌ای تبعیت کرده اما در تدوین برنامه ششم همواره تأکید بر تبعیت این برنامه از الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت به عنوان یک الگویی که باید مبنای تدوین برنامه ششم قرار گیرد، صحبت شده است. ما در برنامه امشب راجع به این الگو و بحث الگوهای توسعه در جهان صحبت می‌کنیم و اینکه چه میزان برنامه‌های توسعه در کشور ما ابتنائشان به الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت که مقتضای فرهنگ و دین و اجتماع ما بوده از این الگو تبعیت کرده صحبت خواهیم کرد. آقای دکتر تابش نماینده محترم مجلس در خدمتشان هستیم. خدمت شما سلام عرض می‌کنم، خیلی زحمت کشیدید تشریف آورده‌اید.

محمدرضا تابش: سلام دارم خدمت جناب عالی و همکارانتان و ملت شریف ایران و عرض تسلیت ایام شهادت حضرت مولی‌الموحدين امام علی علیه السلام را دارم؛ امشب شب قدر است، این شاء الله اگر ثوابی بر اعمال و افعال ما مترتب است این برنامه هم مستوجب این ثواب بشود و از خداوند می‌خواهم که توفیق ره‌پویی حضرت امام علی علیه السلام را که به خاطر پافشاری برای اجرای عدالت در محراب عبادت شهید شد به همه ما عطاء کند.

مجری: این شاء الله. و همینطور در خدمت جناب حجت‌الاسلام و المسلمین کشوری هستیم، دبیر محترم شورای راهبردی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت. از شما خیلی متشکرم، سلام عرض می‌کنم و خیلی خوش آمدید.

حجت‌الاسلام کشوری: و علیکم السلام و رحمت الله و برکاته، این شاء الله خدای متعال تقدیر عالی را امشب برای ملت ایران و همه مسلمانان جهان تقدیر بفرماید.

مجری: این شاء الله. من می‌خواهم از جلسه اخیر که نمایندگان محترم مجلس با رهبر معظم انقلاب داشتند، یک بخشی از فرمایشات ایشان در رابطه با برنامه ششم بود و به نوعی شاید بتوان گفت یک گله‌مندی را مطرح کردند یا حداقل یک هشدار را مطرح کردند و گفتند که در برنامه ششم کوتاهی و اغماض و کم‌گذاشتن اصلاً و ابداً جایز نیست، می‌خواهم از جناب عالی شروع کنم که دلیل اینکه ایشان به این مسأله هشدار دادند چه هست؟ آیا واقعاً کوتاهی اتفاق افتاده؟ این کوتاهی به چه دلیل است؟ به کدام بخش باز می‌گردد؟ آیا این به ماهیت خود برنامه باز می‌گردد؟ به عدم انطباقش با الگوهای پیشرفت که مطرح شده است باز می‌گردد یا به مسأله‌ی دیگری باز می‌گردد؟

حجت‌الاسلام کشوری: بسم الله الرحمن الرحيم، اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم و اهلك عدوهم من الجن و الانس من الاولين و الآخريين. ببینید جناب آقای خسروی! دو تا دلیل مهم وجود دارد که همه را راجع به نظام برنامه‌ریزی



کشور نگران کرده است؛ دلیل اول این است که ما تقریباً هفتادسال سابقه‌ی برنامه‌ریزی مبتنی بر تفکر توسعه غربی را در ایران داریم. پنج برنامه قبل از انقلاب مبتنی بر تفکر توسعه غربی نوشته شده و پنج برنامه هم بعد از انقلاب اسلامی. این ده برنامه بر اساس تفکرات توسعه‌ی غربی در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور نوشته شده‌اند، کمیسیون تلفیق هم در مجلس و کمیسیون‌های اختصاصی این‌ها را تأیید کردند و برنامه شده است. اخیراً جناب آقای نوبخت اعتراف فرموده‌اند: که هفتاد سال برنامه‌ریزی در کشور، ما را حتی به اهداف توسعه هم نرسانده است. می‌دانید اهداف توسعه در حد خوراک و پوشاک و مسکن و اهداف اولیه است؛ یعنی اگر نیازهای انسان را در نظر بگیریم سطح اول نیازهای زندگی همین اهدافی است که در توسعه غربی تعریف شده است. خوب ما هفتاد سال راه رفته‌ایم، هفتاد سال اسم برنامه‌های ما، برنامه‌های تدبیر و محاسبات اقتصادسنجی و الگوهای غربی بوده، حالا ایشان گفته‌اند که این برنامه‌ها ما را حتی به آن اهداف هم نرسانده است. اهداف متری مثل عدالت پیش‌کش، اهداف توسعه هم محقق نشده است. این یک دلیل است، یک دلیل بسیار مهمی است که همه را نگران کرده است. دلیل دیگری که بر آن اجماع وجود دارد، این است که برنامه‌هایی که نوشته می‌شود، علاوه بر اینکه ما را به اهداف توسعه نرسانده با اسناد بالادستی نظام هم تطابق ندارد، اگر بینندگان محترم برنامه شما گفتگوهای قبلی را به یاد داشته باشند، دوستان جمع‌بندی‌شان این بود، تقریباً همه کارشناسان حوزه‌ی برنامه‌ریزی جمع‌بندی‌شان این است که ما یک سری چیزها را در اسناد بالادستی می‌نویسیم؛ همانند آنکه هم‌اکنون مسأله‌ی مهم جمعیت جزء اسناد بالادستی می‌باشد ولی در برنامه‌ها اسناد بالادستی رعایت نمی‌شود و برنامه راه خودش را می‌رود، این دو دلیل در رأس نگرانی‌ها است. لذا به نظر بنده -که این را خیلی شفاف عرض می‌کنم- ما باید برنامه ششم را حتماً با نگاه الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت ببندیم و دائماً نگوییم که می‌خواهیم از تجربیات بشری استفاده کنیم. هفتاد سال است که استفاده‌ی تجربه‌های بشری را روی میز نظام و روی میز مردم ایران داریم. یک دوره‌ای قبل از انقلاب بوده که تجربه کرده‌ایم و پنج برنامه هم بعد از انقلاب بوده که تجربه کرده‌ایم، من سؤال این است که آیا دوستان، حضرت آقای تابش که زحمت کشیدند و در این شب قدر آمدند تا راجع به این مسأله‌ی مهم بحث کنند، [آیا] می‌خواهند در مجلس شورای اسلامی در برنامه ششم این تحول را اعمال کنند یا نه؟ اگر نمی‌خواهند این تحول را اعمال کنند پس آن دو آفت را بحث کنند؛ مثلاً اثبات و استدلال کنند و بگویند که آنها برنامه‌های موفق بوده‌اند. در غیر این صورت اگر اجماع داریم که برنامه‌ها ناکارآمد است جلسه را این سمت بریم [که پیشنهادات جایگزین را بحث کنیم] و هم در این برنامه و هم در جاهای دیگر بنده در خدمت همه‌ی دوستان هستم، من امروز دست پر آمده‌ام. نمی‌خواهم الآن بحث نظری و کلی‌گویی کنم، پیشنهادات ما برای برنامه ششم کشور مشخص و آماده است؛ یعنی همان تحولی که عرض می‌کنم باید اتفاق بیافتد، ما در حدود دو یا سه هزار صفحه این را نوشته‌ایم که خلاصه‌ی آن را بنده در قالب هجده سؤال آورده‌ام، پس این مطلب راجع به سؤال حضرت عالی که می‌فرمایید چه مشکلی در نظام برنامه‌ریزی کشور وجود دارد.

مجری: بسیار خوب، آقای تابش نظر جناب عالی چیست؟ آیا شما [هم] معتقد هستید؟

دکتر تابش: من معتقدم که ما نمی‌توانیم خود را جدای از دنیا ببینیم و فرض و تصور کنیم. این برنامه اسمش برنامه توسعه است؛ برنامه‌هایی که دولت داده است. اصل پنجاه قانون اساسی مفهوم توسعه پایدار را بیان می‌کند؛ "در جمهوری اسلامی حفاظت محیط زیست که نسل امروز و آینده که باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشد وظیفه عمومی تلقی می‌گردد." ما در **کنفرانس ریو** در سال ۱۹۹۲ اجلاس زمین را داشتیم. در آنجا تعریف توسعه پایدار می‌گوید: "توسعه‌ای که نیاز نسل امروز را برآورده کند اما نیاز نسل‌های آینده را به مخاطره نیندازد." دستور کار ۲۱ تدوین شد، بر مبنای آن برنامه‌هایی در عرصه اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی تدوین شد؛ برابری جنسی، کاهش فقر و افزایش درآمدها، کاهش مرگ و میر کودکان، آب آشامیدنی سالم. بعد در اجلاس ریو ۲۰۱۲ -که به ریو بیست به علاوه دو معروف است- گفته است اهداف توسعه هزاره‌ی پایدار باید به اهداف توسعه پایدار تبدیل شود؛ یعنی MDG تبدیل به SDG شد و یکی از راه‌های رسیدن به توسعه‌ی پایدار هم **اقتصاد سبز** تلقی شد، از سال ۲۰۱۲ تا سال ۲۰۱۵ هفده هدف کلان تعیین کرده‌اند، صد و شصت و نه هدف خرد و دو بیست و سی شاخص که مهر ماه به تصویب رسید. اهداف کلانش مثل پایان دادن فقر است، کاهش تغییرات اقلیم است - من یکی دو مورد را مثال گفتم- اهداف خردش هر کدام ده تا هدف را در بر می‌گیرد؛ مثلاً افزایش نسبت دختران برای ادامه تحصیل است، از شاخص‌ها هم شاخص محیط زیست و افزایش مناطق تحت مدیریت است که تمامی این اهداف همه [به



صورت] کمی شده است؛ یعنی دیگر این شعار نیست که ما بیابیم بیان کنیم که ما قرار است ده درصد از عرصه‌های طبیعی کشورمان تحت مناطق حفاظت شده باشد، این اهداف کمی شده است؛ یعنی جلوی این‌ها عدد گذاشته شده است. مهرماه سال ۹۴ آقای رئیس جمهور در نیویورک این سند را امضا کرد؛ یعنی ما موظف شده‌ایم تا ۲۰۳۰ این شاخص‌هایی که جهان به آن پیوسته را در عرصه‌های مختلف محقق کنیم. متناسب با آن **یونپ** یا به اصطلاح برنامه محیط زیست ملل متحد ارتقاء پیدا کرد و امروز توسعه پایدار که ما برنامه‌هایمان را بر آن اساس تدوین می‌کنیم، مشابهت‌های زیادی با آنچه که در دین و فرهنگ ما هست، دارد بیان می‌کند. توسعه پایدار یعنی شما باید رشد اقتصادی داشته باشید، یعنی در جامعه نباید تبعیض و فقر وجود داشته باشد، باید در عرصه اجتماعی عدالت باشد، اگر توسعه‌ای داشته باشیم، یازده درصد هم رشد اقتصادی داشته باشیم ولی جامعه طبقاتی شود [مطلوب نیست]. همانند الان که متأسفانه، [این فاصله] در جامعه ما هست؛ یک عده پورشه‌سوار هستند و ماشین‌های چند میلیاردی دارند و یک عده هم در وام یک یا دو میلیونی در اداره زندگیشان مانده‌اند. پس مؤلفه دوم عدالت اجتماعی است و رفع شدن تبعیض‌ها است و مؤلفه سوم، محیط زیست است، حفظ محیط زیست و جلوگیری از تخریب آن به عنوان یک سرمایه بین نسلی.

خمیرمایه همه‌ی این‌ها فرهنگ است، یعنی باید مبنا در این فعل و انفعالات، توسعه فرهنگی باشد. این اهدافی که اخیراً تبیین شده و از سال ۲۰۱۵ در دنیا ملاک عمل قرار می‌گیرد، به نظر من اهدافی است که ...

مجری: یعنی شما معتقد هستید آنچه که به عنوان الگوهای جهانی یا در کنفرانس‌های بین‌المللی مطرح می‌شود به عنوان الگوهای توسعه شاخص‌های کمی تعریف می‌شود با آنچه که با عنوان الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت در داخل تعریف می‌کنند خیلی با یکدیگر تفاوتی ندارند.

دکتر تابش: من می‌خواهم بگویم الان می‌توانیم آن‌ها را بیس و پایه قرار دهیم ولی سنن و اعتقادات و مذهب ما، ما نمی‌توانیم عین الگویی که در غرب پیاده می‌شود را پیاده بکنیم، مردم به یک آداب و عاداتی و عقایدی و سننی معتقد هستند، آموزه‌های دینی و اسلامی دارند، پوششان و حجابشان به اصطلاح برقراری قسط و عدالت در جامعه، ولی من می‌خواهم بگویم بیس و پایه می‌توانیم همان تعریف توسعه پایدار، آنچه که در غرب جاری است و منجر به این شده که -در هر صورت- در خیلی از جوامع دموکراسی هست. حکمرانی خوب با یک شاخص‌هایی تعریف می‌شود، دیکتاتوری و استبداد نیست، بهره‌مندی مردم از مواهب طبیعی هست. ممکن است که حالا ما به جاهایی از آن‌ایراد و اشکال داشته باشیم و توفیق به باصلاح سنت‌ها و باورهای دینی و اسلامی را بیشتر و بهتر بدانیم ولی بیس و پایه آن چیزی است که رئیس جمهور ما در مهر ماه ۹۴ امضاء کرده‌اند و ما تا سال ۲۰۳۰ متعهد شده‌ایم که به این ارزش‌هایی که در آن برنامه در تعریف توسعه پایدار تدوین شده برسیم، من می‌خواهم بگویم خیلی مشابهت‌های زیادی دارد، ما آن برنامه‌ها را بیس و پایه می‌گذاریم و باورها و سنت‌های خودمان را هم پیاده می‌کنیم.

مجری: آقای کشوری اگر به این شکل باشد مشکلی است؟ یعنی ما آن را پایه قرار داده و بعد با شرایط خودمان ایرانیزه یا اسلامیزه کنیم؟ و اصل و پایه به قول آقای تابش بر مبنای همان چیزی باشد که رئیس جمهور در آنجا امضا کرده است تا این اتفاق بیافتد.

حجت‌الاسلام کشوری: جناب آقای تابش بسیار کار را برای بنده ساده کردند. بنده می‌خواستم استدلال کنم که دوستان اسناد بالادستی نظام و مفاهیم الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و برخی اصول قانون اساسی را مبنای کار قرار نمی‌دهند. ایشان خیلی راحت فرمایش کردند که سند بالادستی آنها برای برنامه ششم کنفرانس ریو است. یعنی در بیرون از مرزهای ما -دقت بفرمایید چقدر حرف غیر فنی‌ای می‌زنند- و ناظر به یک بوم و شرایط خاصی یک نظریه‌پردازی شده است حال آقایان می‌خواهند مصوبات آن کنفرانس را مبنای برنامه‌ریزی در درون قرار دهند. این حرف یعنی چه؟ یعنی اسناد بالادستی دوستان در نظام برنامه‌ریزی و در جریان اصلاحات، اسناد بین‌المللی است!

مجری: این کار چقدر منافات دارد...

حجت‌الاسلام کشوری: بنده منافات آن را نیز عرض خواهم کرد. آقای تابش می‌فرمایند بند پنجاه قانون اساسی راجع به محیط زیست صحبت کرده است. خب حضرت آقای تابش بند ده قانون اساسی هم راجع به نهاد خانواده است و در آن بیان شده که



قوانین کشور باید مسأله ازدواج را تسهیل کند، بیان کرده قوانین کشور باید در راستای تقویت نهاد خانواده باشد. حال سؤال بنده این است؛ الان ما در شهر تهران با حدود ۳۸ درصد طلاق روبرو هستیم، در کشور ما طلاق در حال گسترش است. چه راه‌حلی برای این نیاز مهم که هم حکم قانون بوده و هم نیاز مردم است [ارائه شده است؟] الان بینندگان عزیز که این مباحثه جدی بنده را با جناب آقای تابش مشاهده می‌کنند که در زندگی خانوادگی مشکل ایجاد شده است. همه در اطرافیان خود چند نفر را می‌بینند که زندگی آنها دچار فروپاشی شده است. حال حضرتعالی می‌فرمایید چه مشکلی وجود دارد، بنده عرض می‌کنم که در کنفرانس ریو، در یونسکو و در امثالهم از این سازمان‌های بیمار بین‌المللی که دوستان به آنها استناد می‌کنند، چه راه‌حلی برای مسأله طلاق ارائه داده‌اند؟

مجری: آقای تابش هم می‌فرمایند که مبنا و اصل را بر پایه آن برنامه‌ها بگذاریم منتهی در قسمت فرهنگی ...

حجت‌الاسلام کشوری: بنده هم همین سؤال را دارم، بگویند در کدام کنفرانس بین‌المللی راجع به نهاد خانواده به شکلی که ما اعتقاد داریم، به شکل اسلامی برای مبارزه با طلاق راه‌حل وجود دارد؟ در بخش محیط زیست هم...

دکتر تابش: حاج آقا نتیجه برنامه باید چه باشد؟

حجت‌الاسلام کشوری: نتیجه برنامه باید رفاه مردم باشد و متغیر اصلی رفاه، نهاد خانواده است.

دکتر تابش: چند سال است که حکومت در دست شما است؟ من همیشه در مجلس به دوستان می‌گویم که اگر ما حزب‌اللهی و داعیه‌دار تبعیت از ولایت فقیه هستیم و اگر دلمان برای ارزش‌ها می‌سوزد، باید کاری کنیم در جمهوری اسلامی مردم از رفاه برخوردار باشند.

حجت‌الاسلام کشوری: از کلیات بحث نکنید. داشتیم بحث علمی می‌کردیم. الان بنده ...

دکتر تابش: من مسائل خود شما را به شما باز گرداندم. شما گفتید برنامه کشور باید منجر به رفاه شود و الان می‌گویید طلاق، در تهران از هر سه ازدواج یکی منجر به طلاق می‌شود. در کل کشور ۵۰۰۰ طلاق داریم.

حجت‌الاسلام کشوری: شما نمی‌خواهید جواب سؤال من را بدهید؟

دکتر تابش: حاج آقا یک روز ابراز می‌کردند اگر یک سال صدا و سیما در دست ما باشد، عالم را کن فیکون می‌کنیم. ۳۸ سال است که صدا و سیما در اختیار جمهوری اسلامی است. من این حرف را از روی دل‌سوزی می‌زنم. آیا باید نتیجه آن ۱۵ میلیون حاشیه‌نشین و ۳۸ درصد طلاق باشد؟ بودجه فرهنگی کشور به دست کیست؟ اتفاقاً من احتمال دادم که در این مورد بحث شود و آمار آن را با خود آوردم. ۵۳۰۲ میلیارد تومان بودجه فرهنگی داریم؛ ۷۵ درصد این بودجه در دست غیر دولتی‌ها است. ۲۵ درصد آن در دست وزارت ارشاد است که همین نیز وزارت ارشاد به اشخاص حقوقی و مؤسسات فرهنگی کمک می‌کند. ۵۰۰ میلیارد پول [در دست حوزه‌های علمیه است]. من از روی آمار می‌خوانم؛ صدا و سیما ۱۲۰۰ میلیارد تومان، شورای سیاست‌گذاری حوزه‌های علمیه خواهران ۱۶۶ میلیارد تومان، حوزه‌های علمیه ۳۰۵ میلیارد تومان، نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه ۹۱ میلیارد تومان و دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم ۹۱ میلیارد تومان [دریافت می‌کنند]. ۷۵ درصد بودجه‌های فرهنگی در دست غیر دولت و ۲۵ درصد آن در دست دولت است. اگر سستی است شما آن را متوجه برنامه می‌کنید؟! من می‌گویم بیس و پایه را باید بر چیزهایی که در دنیا قابل کمی‌شدن هستند بگذاریم. صدها شاخص تعیین شده است؛ یعنی اگر شما قصد دارید فقر را کم کنید، باید این اقدامات را انجام دهید. فرمایشات رهبری معظم انقلاب بر روی چشم ما؛ ولی ما کارگزاران نظام هستیم. ما باید امروز در قبال نا بسامانی‌های اجتماعی و آنچه که از فقر و تبعیض و بی‌عدالتی جامعه را آزار می‌دهد مسئول باشیم. بنده عرض کردم که امام علی علیه السلام به دلیل پافشاری بر شدت عدالت، در محراب عبادت به شهادت رسیدند. حال اگر لازم شد من سیر...

مجری: [حرف حاج آقا این است که] چون به این الگوها رفتار کردیم امروزه دچار این مشکل شدیم.

دکتر تابش: در حوزه فرهنگ مثال زدیم که ۷۵ درصد بودجه در اختیار آقایان است و اگر وضعیت اینگونه است باید پاسخگو باشند. من به عنوان یک استاد دانشگاه که توسعه پایدار را تدریس می‌کنم، می‌گویم که هر چیز باید کمی شود و شعاری باقی نماند. اگر در ادامه به من زمان دهید به شما می‌گویم که با چه روشی باید آموزه‌های دینی و سنت‌های فرهنگی را پیاده کنیم.



حجت‌الاسلام کشوری: ببینید آقای تابش! من یک سؤال از شما پرسیدم و شما به آن پاسخی ندادید. این یک نوع از مغالطات است. بنده سؤال خود را تکرار می‌کنم. وقت بنده محفوظ است. شما در نوبت بعدی خودتان ابتدا سؤال اول من را پاسخ دهید. اگر بناست در برنامه‌ریزی توسعه هدف ما ایجاد رفاه برای مردم باشد، از نظر فرهنگ مردم ایران متغیر اصلی رفاه نهاد خانواده است. شما هیچ مرد و زن ایرانی را نمی‌توانید تصور کنید که این‌ها بگویند ما زندگی خوبی داریم ولی طلاق گرفتیم. کسانی که انسانیت را درک کردند همه اینگونه هستند و مردم ایران به طریق اولی اینگونه هستند. بنابراین زندگی خانوادگی خوب، جزء رفاه است. حال توسعه رفاه را چه معنا می‌کند؟ به عنوان مثال شاخص توسعه انسانی که امروزه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به آن استناد می‌کند، سه چیز را برای توسعه شعارهایی که دوستان می‌گویند [اصل می‌دانند]. ما دو گونه شعار داریم؛ شعارهای کمی با عدد و شعارهای کیفی. دوستان به هر دو نوع از شعار مبتلا هستند. این افراد با عدد و آمار هم شعار می‌دهند. به عنوان مثال می‌گویند ما اینقدر اشتغال ایجاد کردیم؛ بعد که اسناد توسعه‌ای -همین سازمان مدیریت فعلی- را نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شویم تعریف آن‌ها از شغل، [فعالیت] یک ساعت در هفته است. این حرف شعار است. [به جای این حرف، شما] بگویید من یک میلیون شغلی که یک ساعت در هفته است ایجاد کردم. شما عدد گفتید ولی همه مردم می‌دانند با یک ساعت در هفته کارکردن انسان درآمد کافی پیدا نمی‌کند. بنده در حال گفتن تعاریف بین‌المللی [از شغل] هستم. آن‌ها می‌گویند ما کسی را که یک روز در هفته یا یک ساعت در هفته -عددهای مختلفی برای جوامع مختلف ارائه می‌دهند- [کار می‌کند را شغل می‌دانیم].

سؤال بنده این است که اگر قصد داریم رفاه را ایجاد کنیم، یکی از متغیرهای رفاه نهاد خانواده است. ایشان یک راه حل بین‌المللی برای حل مسأله خانواده به ما بدهند. [در کشورهای توسعه] به عنوان مثال در کشور آمریکا بالای ۶۰ درصد خانواده‌ها دچار چالش شده‌اند. بالاخره کل اگر طبیب بودی راه‌حلی برای خود می‌دادی. آقایان اگر راه‌حلی داشتند نهاد خانواده در کشور خودشان دچار فروپاشی نمی‌شد. ببینید حرف ایشان ناظر به مسائل ما نیست. ما نمی‌توانیم راجع به مسائل خودمان از غرب راه حل بیابیم. اصلاً [در غرب] راه حلی وجود ندارد. باید به این مسائل مهم [توجه شود] که آقای تابش حرف از امام علی علیه السلام می‌زند؛ آقای تابش! امام امیرالمؤمنین علیه السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: نهاد خانواده نصف دین است. یعنی محقق شدن هر امری در دین، وابسته به نهاد خانواده است. این نهاد خانواده در آمریکا و ایران دچار فروپاشی شده است. ما باید حتماً این را علاج کرده و برای آن راه‌حل ارائه دهیم و گرنه دچار فروپاشی اجتماعی می‌شویم. برای این قضیه راه‌حل بین‌المللی وجود ندارد. آقای تابش باید به این سؤال من جواب دهند، من بر سر سؤال خود هستم. ایشان باید بگویند کدام کنفرانس راه‌حل برای مسأله نهاد خانواده داده است. ایشان حرف‌هایی مانند مصوبات ریو را می‌زنند در حالی که ما این مصوبات را نقد کرده‌ایم. آقایان حاضر نیستند بحث و گفتگو را بپذیرند و فکر می‌کنند هر چه در آن جا تصویب شده وحی منزل است. جناب آقای رئیس‌جمهور اشتباه کرده است. مثلاً در زمینه محیط زیست؛ مگر ۸۰ درصد محیط زیست خود کشور آمریکا تخریب نشده است؟ مانند نهاد خانواده که در آن جا تخریب شده، محیط زیست نیز تخریب شده است. حال شما برای حل مسأله محیط زیست در کشور، راه‌حل آن‌ها را پیشنهاد می‌دهید؟! این مانند داستان برجام شده است. آقایان فرمودند اگر ما برجام را امضاء کنیم و مسأله برد - برد را در دستور کار خود قرار دهیم، آب و هوا و اقتصاد و رکود و غیره همه چیز حل می‌شود.

مجری: اجازه دهید بحث آقای تابش را نیز بشنویم.

حجت‌الاسلام کشوری: [اجازه دهید] من بحث خود را جمع‌بندی کنم. نکته این است که برجام [را امضاء کردیم و] ۵ ماه هم از آن گذشت اما نه تنها تحریم‌ها رفع نشده، بلکه بیشتر شده است. [آقای تابش] در مناظره خیلی به ما کمک کردند. ما تا به حال در ۳۰ سال گذشته در نظام برنامه‌ریزی خود از تئوری‌های غربی استفاده کردیم. آقای تابش اگر حرف بنده را به دلیل اینکه کارشناس الگوی پیشرفت اسلامی هستم قبول نمی‌کنید، اینکه اعتراف آقای نوبخت است. شما از چه چیزی دفاع می‌کنید؟ آیا بین خود شما هم اختلاف وجود دارد؟ آقای تابش! آیا شما معتقد هستید که تا به حال نظام برنامه‌ریزی کشور موفق بوده است؟ بنابراین به دو بحث من پاسخ دهید. ابتدا چون حرف از امیرالمؤمنین علیه السلام زدید به این سؤال من پاسخ دهید؛ یکی از مشخصات اصلی امام علی علیه السلام توصیه به نهاد خانواده است. بنابراین باید نهاد خانواده را حفظ کنیم. ابتدا بگویید قرار است چه راه‌حل بین‌المللی به نهاد خانواده کمک کند؟ این سؤال اول. سؤال دوم بنده راجع به کنفرانس ریو و مصوبات محیط زیستی که در آن



وجود دارد می‌باشد؛ اگر ما از این مصوبات استفاده کردیم، چه ضمانتی وجود دارد که مسأله محیط زیست ما بهتر شود؟ زیرا از این راه‌حل‌ها در کشور آمریکا استفاده شده است. به عنوان مثال راجع به گازهای گلخانه‌ای قرارداد بین‌المللی می‌نویسند و آن امضاء می‌شود و ایران نیز آن را اجرا می‌کند، اما خود کشور آمریکا زیر آن زده و آن را عملیاتی نمی‌کند. ببینید اصلاً ضمانتی [برای اجرای آن] وجود ندارد. مخصوصاً راجع به نقاطی که جریان توسعه‌گرا در آن زمینه حرف زدند. مانند همین کشاورزی سبز؛ مراد ایشان از کشاورزی سبز، محصولات تراریخته است. کارشناسان در حال حاضر راجع به محصولات تراریخته بحث می‌کنند. آیا ما باید از استراتژی کشاورزی سبز برای حفظ محیط خودمان استفاده کنیم؟ با این کار سونامی سرطان ایجاد می‌شود.

مجری: اجازه بدهید به دلیل اینکه از بحث دور نشویم آقای تابش ادامه دهند.

دکتر تابش: خدمت شما عرض کنم که علم و تخصص و تجربه بشریت، زمان و مکان و دین و آیین نمی‌شناسد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: **خُذِ الْحِكْمَةَ وَ لَوْ فِي أَهْلِ الضَّلَالِ**. یعنی شما علم را ولو از گمراهان فرا بگیرید. یا می‌فرمایند **اطلبوا العلم ولو بالسین**. این حدیث معروف است. بنده قصد دارم بگویم اینکه ما از تجارب جهانی استفاده کنیم عین علم و منطق و حکمت و عین توصیه بزرگان دین است. علم که فقط در کتاب و سنت نیست. در قرآن چه مقدار به تعقل و تدبیر توصیه شده است؟ در قرآن ۴۹ بار کلمه عقل آمده است. من قصد دارم بگویم ما باید از تجارب بشری استفاده کنیم و کتاب و سنت و آیین‌های فرهنگی خود را مدنظر قرار دهیم. بنده درس اسلام و محیط زیست را نیز تدریس می‌کنم. زیباترین جمله‌ای که می‌توانم راجع به توسعه پایدار و جلوگیری از تخریب منابع طبیعی به کار ببرم این حدیث است که: **كلوا والشربوا ولا تسرفوا**. سه کلمه است؛ بخورید، بیاشامید ولی اسراف نکنید. من نمی‌گویم که از آموزه‌های دینی استفاده نکنیم، بلکه می‌گویم شاخصه‌هایی را که دنیا انتخاب کرده و آن‌ها را کمی کرده است [قبول کنیم]. هرچند ما به آن‌ها بسیار نقد داریم؛ اما ما باید از آموزه‌های دینی خود بر اساس عقل و خردورزی استفاده کنیم. مطلبی را عرض کنم زیباست. در سال ۱۳۵۵ ژیسکار دیستن رئیس جمهور وقت فرانسه به ایران سفر می‌کند. شاه نیز در اوج این بوده که به دروازه‌های تمدن دست پیدا کند و به استقبال او می‌رود. با هم در یک ماشین می‌نشینند. در آن زمان هم سومین کتاب شاه یعنی کتاب به سوی دروازه‌های تمدن از چاپ خارج شده بود. در ماشین، شاه در مورد کتاب صحبت می‌کند و توضیح می‌دهد که ما پل و جاده ساختیم و به دروازه‌های تمدن داریم می‌رسیم. خلاصه در رابطه با آرزو و آمال‌های خود صحبت می‌کند. در جایی در نزدیکی میدان انقلاب فعلی، گلکاری شده بود که دور این گل‌کاری حصار کشیده بودند. ژیسکار دیستن دست شاه را می‌گیرد و می‌گوید شما قدری تأمل کنید. در کشوری که مثلاً برای ۲۰ هزار تومان گل‌کاری، ۲۰۰ هزار تومان حصار می‌کشید که مردم گل‌ها را لگدکوب نکنند، حرف از توسعه پایدار و توسعه‌زدن، حرف بی‌جایی است. شما باید پول گل‌کاری و زرده‌کاری را روی منابع و سرمایه‌های انسانی صرف کنید. در کشور شما انسان‌ها باید توسعه‌یافته شوند. باید تفکری پیدا شود که خود آن تفکر مانع و حریمی باشد که محیط زیست از بین نرود.

مجری: اگر الگوی توسعه‌ای در جامعه مطرح می‌شود که برای معطل خانواده توصیه‌ای ندارد و سکوت کرده و کاری ارائه نمی‌دهد، در آن موقع باید چه کرد؟

دکتر تابش: بر اساس آموزه‌های دینی و فرهنگی خودمان. ما فرهنگ بسیار غنی‌ای داریم. برای این امر به کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران مراجعه کنید. ما خیلی از مطالب را از اسلام گرفتیم ولی اسلام بر بال تفکر اندیشمندانی چون ابوعلی سینا، زکریای رازی و عمر خیام بالنده و جهان‌گیر شد. ما منابع زیادی داریم. رهبری معظم انقلاب به خوبی اشاره کردند و گفتند. ولی من قصد دارم بگویم نباید علم و تجربیات جهانی را کنار بگذاریم. ما باید از تجربیات جهانی استفاده کنیم. اگر ما به پیمان کیوتو پیوستیم متعهد هستیم گازهای گلخانه‌ای خود را کم کنیم. حتی مقدار آن هم کمی شده و مشخص می‌باشد. اگر این اقدامات را انجام ندهیم با جرائم سنگینی روبرو خواهیم شد. ما نمی‌توانیم بگوییم جزیره جدایی در دنیا هستیم ولی آن الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت را باید حتماً [تدوین کنیم]. آن هم با چه کسانی؟ نخبگان را بیاوریم نخبگان، دانشمندان، علما آن‌ها می‌توانند خط بدهند و خطوط توسعه را ترسیم کنند. نمی‌توانیم برنامه را با یک عده افراد درجه سوم و چهارم بنویسیم بعد بگوییم حالا مردم را در فرآیند اجرای برنامه مشارکت بدهیم. نحل‌های فکری، علما، روحانیون، دانشمندان، نخبگان،



دانشگاهیان این‌ها باید بیایند برنامه بنویسند. خود ما هم بر برنامه‌ریزی نقدهایی داریم، اما من می‌خواهم بگویم آن روندی که رهبری ترسیم کرده بودند -حالا اگر فرصت شد توضیح می‌دهم- آن مورد توجه و اهتمام قرار گرفته است.

اینکه نهاد خانواده در خارج ضعیف است؛ من هم قبول دارم. من نمی‌گویم از آن الگوها تقلید کنیم، بلکه می‌گویم ما نمی‌توانیم خودمان را -به اصطلاح- جزیره‌ای مستقل فرض کنیم و دور خود را حصار بکشیم. فکر توسعه همان است که آقای ژیسکار دیستن به شاه گفت؛ شما باید در اندرون مردمت تفکری را ایجاد کنید که آن تفکر نرده باشد. ما چطور در آموزه‌ها اسلامی... من اگر مسلمان نبودم به خاطر جذابیت‌های بسیار زیادی که دین اسلام دارد به اسلام گرایش پیدا می‌کردم. صله‌ی رحمش چقدر قشنگ است، انفاقش، صدقه‌اش، خمس و سهم امام و وجوهاتش چقدر زیبا است. شما ۲۵ درصد اموال خود را بدون اینکه ممیزی باشد بدون اینکه مسئول دارایی چی باشد، خودت در راهی که باید صرف شود بدهی.

مجری: یعنی باید خیلی صفر و یک به قضیه نگاه نکنیم یا فقط الگوهایی که در دنیا هست یا فقط آن چه که در آموزه‌های دینی هست [بلکه] می‌تواند تلفیقی از این دو باشد آیا با یکدیگر منافاتی دارد؟

حجت‌الاسلام کشوری: ببینید جناب آقای تابش اصلاح فرمودند من مسأله جدیدی مطرح می‌کنم ایشان فرمودند ... **تابش:** نه من همیشه همین را می‌گویم برداشت شما ناقص است.

حجت‌الاسلام کشوری: حالا اشکال ندارد.

دکتر تابش: من این‌ها را در دانشگاه درس می‌دهم.

حجت‌الاسلام کشوری: اشکال ندارد. اینکه بنده بر روی مسأله طلاق ایستادگی کردم و ایشان به هر حال یا توضیح بیشتری دادند یا اصلاح فرمودند، بنده متوجه شدم. ما در حال حاضر مثلاً مسأله طلاق را به عنوان یک بحران داریم.

دکتر تابش: ولی حاج آقا شما به عنوان یک مبلغ دینی شما باید پاسخ‌گو باشید که چرا در جامعه‌ای که شما مبلغ هستید و مردم از وقتی که به دنیا می‌آیند شما اذان در گوششان می‌گویید -که ما خیلی مخلص و ارادتمند روحانیت هستیم- تا زمانی که در قبر بگذارند و تلقین شان را می‌خوانید چرا در این جامعه‌ای که شما مبلغ هستی در تهران از هر ۳ ازدواج یکی منجر به طلاق می‌شود و در کل کشور از هر پنج ازدواج [یکی منجر به طلاق می‌شود]. در آمار هم گفتم که ۷۵ درصد بودجه فرهنگی کشور در دست نهادهای غیر دولتی است.

حجت‌الاسلام کشوری: حضرتعالی درست می‌فرمایید حوزه‌های علمیه کم کاری کردند؛ باید از ابتدای انقلاب اجازه نمی‌دادند سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تئوری‌های ناکارآمد غربی را به عنوان راه‌حل معرفی کند. اتفاقاً بنده جزء طلبه‌هایی هستم که توبه کردم. قبلاً به دست شما واگذار می‌کردیم نتیجه آن شده ۳۸ درصد طلاق. حالا آمده‌ایم تا جلوی این تئوری‌ها را بگیریم و به فضل الهی خواهیم گرفت. بنده قبول دارم حوزه‌های علمیه کم کاری کردند، اما دوران آن کم‌کاری دیگر گذشت. شما باید نسبت به تئوری‌های غربی پاسخ‌گو باشید. اینکه یک اندیشمندی از غرب می‌آید و یک توصیه‌ای به شاه می‌کند بعد این را مبنای نظام برنامه‌ریزی قرار می‌دهید بعد کلمات امیرالمؤمنین علیه السلام را در حوزه‌ی برنامه‌ریزی را فراموش می‌کنید و فقط به هنگام شب قدر به مردم تسلیت می‌گویید. ما دیگر اجازه نمی‌دهیم این کارها تکرار شود. حالا من این را به کنار می‌گذارم یک مسأله‌ی جدید را مطرح می‌کنم.

دکتر تابش: البته شما یک دورانی در دولت قبل داشتید که الآن طی شده، حالا اگر دوباره آن دولت قبل بر روی کار آمد و شما تئوریسین آن شدید، آنگاه اجازه ندهید.

حجت‌الاسلام کشوری: حالا مردم ایران در انتخابات آینده راجع به کارآمدی نظریات شما قضاوت می‌کنند.

مجری: حالا موضوع برنامه فراموش نشود.

حجت‌الاسلام کشوری: دوستان اهل پروپاگاندا هستند، باید جوابشان را داد. من می‌خواهم یک سؤال جدیدی را مطرح کنم و یک مغالطه جدیدی را از جریان توسعه‌گرا و اصلاحات بازشکافی کنم. توجه کنید! دوستان تا هر سخنی زده می‌شود می‌گویند که ما نمی‌خواهیم ارتباطمان را با جهان قطع کنیم. بنده عرض می‌کنم از اول انقلاب تاکنون امام راحل علیه السلام و بعد آیت‌الله امام خامنه‌ای علیه السلام و نیروهای انقلاب ارتباط بسیار فعالی با همه‌ی نقاط جهان داشتند. ثمره این ارتباطات این است که جمع زیادی از مردم منطقه هم‌اکنون ملت ایران را قبول دارند. یکی از دلایلی که آمریکا و اسرائیل جرأت نمی‌کنند علیه ملت



ایران جنگ را آغاز کنند این است که می‌دانند مردم منطقه طرفدار مردم ایران هستند. ارتباط با جهان امری مفروض در انقلاب است. دوستان یک جوری بحث می‌کنند انگار کشف ازشمیدس کرده‌اند. ارتباط با دنیا که حرف انقلاب بوده است! انقلاب امام خمینی عظیم الشان در همه جای دنیا شناخته شده است. دعوا در این است که ما به اسم ارتباط نیایم تئوری‌های منسوخ غربی را در کشور استفاده کنیم. توجه کنید بنده یک حرفی می‌زنم می‌گویم حضرت آقای تابش! آقای نوبخت فرموده - آقای نوبخت در تئوری‌های غربی مرد ملایی هست - ایشان فرمودند نظام برنامه‌ریزی کشور به بن‌بست خورده است. پس ایشان اتفاقاً می‌گویند ما ۷۰ سال از این تجربه‌های غربی استفاده کردیم. چه کسی گفته است استفاده نکنید؟ من می‌گویم چرا می‌روید تئوری‌های منسوخ را می‌آورید؟ چرا سندی مانند برجام را امضا می‌کنید که مثلاً قرار است مشکلات ملت ایران را حل کند، اما بعد می‌بینیم که تبدیل به خسارت محض شد.

دکتر تابش: حاج آقا! عقده برجام هم زیاد دارید.

حجت‌الاسلام کشوری: این هم ادب دوستان اصلاح‌طلب است که به بنده لطف می‌فرمایند. بنده در حال نقد هستم؛ می‌گویم بالاخره قرار شد این برجام مشکلات اقتصادی مردم را حل کند. من خطاب می‌کنم به این کارگرهایی که در بنگاه‌های تولیدی داخل کشور مشغول هستند؛ مگر شما به آنها وعده ندادید بعد از برجام مشکل‌شان را حل می‌کنید؟

مجری: در بحث برجام نمی‌خواهیم برویم.

حجت‌الاسلام کشوری: حالا به هر بهانه‌ای من می‌خواهم بگویم شما وعده دادید مشکل مردم را صد روزه حل کنید، الان شد هزار روز حل نشد. آقا نمی‌خواهند جواب بدهند.

مجری: نه بحث در این بود که آن چه که تلفیقی ...

حجت‌الاسلام کشوری: بله اگر ایشان بحث‌ها را برهم نزنند، بحث‌های من فنی است. اگر بخواهند پروپاگاندا بکنند بنده هم سؤالات زیادی دارم.

مجری: ما دو سه دقیقه بیشتر وقت نداریم.

کشوری: پس ببینید سؤال مشخص بنده این است که اتفاقاً ۷۰ سال است ما از تئوری‌های غربی استفاده کردیم و دیدیم جواب نمی‌دهد. از آقایان خواهش می‌کنیم اجازه‌ی نوآوری بدهند، اجازه‌ی نوآوری در نظام برنامه‌ریزی را بدهند. خلاقیت و نوآوری امری فطری است. وقتی یک عاقل ده بار از یک برنامه و مدلی استفاده کرد و به چالش کشیده شد، باید طرح نویی بیاورد و مسائل را حل کند. به نظر ما آن طرح نو، مسأله الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت است. پس دعوا بر سر این نیست که ما ارتباط داشته باشیم یا نداشته باشیم. جناب آقای تابش من خواهش می‌کنم این بحث نخ‌نما را دیگر انجام ندهید، انقلاب مدعی ارتباط عاقلانه با دنیا است. شما هر زمان با مدل‌های غلط ارتباط برقرار کردید مردم ایران ضرر دیدند. می‌روید تئوری نهادگرایی را از کشور آمریکا به داخل ایران آورده و اجرائی می‌کنید که ثمره آن ۳۸ درصد طلاق می‌شود. این هم مغالطه دوم دوستان بود. ما به دنبال ارتباط هستیم، بنده هر جای دنیا که یک تئوری باشد که به طور مثال مسأله خانواده یا اشتغال را حل کند از آن استقبال می‌کنم. دوستان بلد نیستند بروند بازار خرید کنند، می‌روند یک سری تئوری‌های منسوخ را می‌آورند مردم ایران را به چالش می‌کشند بعد طرف مقابل را متهم می‌کنند که نمی‌خواهید با دنیا ارتباط داشته باشید.

دکتر تابش: من اگر صحبت‌هایم را جمع‌بندی کنم ضمن احترامی که با حاج آقا می‌گذارم. توجه کنید ما باید از شعارزدگی و شعاردهی پرهیز کنیم. مردم شعار زده شدند، مردم باید اثر مدیریت و تدبیر ما را در عقلانیت و خردورزی ببینند. من به تاریخ اسلام ارجاع می‌دهم؛ ما در قرن سوم و چهارم که به عقلانیت و عقل و خردورزی اهمیت دادیم دوره بالندگی تمدن اسلامی شد. همان زمان است که ابوعلی سینا، فارابی و خواجه نصیر بیرون می‌آیند. در قرن پنجم که حرکت ضد عقلانی آغاز گردید افول تمدن اسلامی را مشاهده می‌کنیم. همان‌گونه که حاج آقا گفتند نتیجه‌ی برنامه‌های توسعه باید رفاه و رضایت باشد مردم از زندگی خوبی بهرمنند بوده و رضایت هم داشته باشند. حالا الآن رصد کنید در جامعه رضایت مردم حاصل است؟ یعنی ما ۱۴ الی ۱۵ میلیون جمعیت حاشیه‌نشین داشته باشیم راضی هستند؟ چند میلیون جمعیت معتاد ثبت نام شده و ثبت نام نشده داشته باشیم؟ یسطح و تراز جامعه اسلامی که این همه رهبری معظم انقلاب نسبت به بسط عدالت، اخلاق و فضیلت‌هایی که منبعث از دین مبین اسلام است دارند یا فشاری می‌کنند این است؟ ما رصد کنیم، اگر رضایت مردم جلب شود این توسعه موفق



است، اگر برای مردم رفاه حاصل شود این توسعه موفق است. این رفاه و به اصطلاح رضایت‌مندی در سایه‌ی عقلانیت، خردگرایی و به کار بستن آموزه‌های دینی و فرهنگی بسیار بسیار غنی است. من عرض کردم که درس اسلام و محیط زیست یعنی مبانی قرآنی را در کلاس‌های فوق لیسانس تدریس می‌کنم، حالا نمی‌خواستم به آن مبحث بپردازم. راجع به برنامه هم این مسیر طی شده است؛ یعنی آمده‌اند در قانون برنامه‌ی پنجم دولت مکلف شده بود که یک لایحه‌ای بدهد که آن لایحه برای تهیه برنامه ششم محور قرار گیرد، بعد در یک فرآیندی که سیاست‌های کلی از طرف رهبری معظم انقلاب اعلام شد، از رهبری کسب نظر کردند که بر مبنای سیاست‌های کلی که آن هم سه تا سیاست مشخص را عنوان کردند، بر آن مبنا ما برنامه را تنظیم می‌کنیم ایشان هم اجازه دادند برنامه بر آن مبنا تدوین شده است. برنامه چه چیزی هست؟ یعنی الگو. الگو چیست؟ ما قانون اساسی داریم، سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی و کلان داریم. قانون اساسی آن بالا هست، بعد سند چشم‌انداز است سند چشم‌انداز چهار صفحه است پس الگو که ذیل قانون اساسی و سند چشم‌انداز قرار می‌گیرد باید دو صفحه باشد. حاج آقا فکر می‌کنند که حالا الگو باید هزار صفحه باشد.

مجری: در حد یک جمله وقت هست.

حجت‌الاسلام کشوری: ببینید عقل و تدبیر این را می‌گوید که از الگوهای ناکارآمدی که ۷۰ سال از آن‌ها استفاده کردیم دوباره استفاده نکنیم و به سمت نوآوری برویم. بنده هم‌اکنون مدل الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت را برای برنامه ششم در اختیار دارم.

مجری: متشکرم از شما آقای کشوری

دکتر تاپش: شما به تجربه دانشگاهیان هم اهمیت بدهید.

مصاحبه‌ها و مناظرات



بخش پنجم مناظره

۷۰ سال است ما از تئوری‌های غربی استفاده کردیم و دیدیم جواب نمی‌دهد. از آقایان خواهش می‌کنیم اجازه‌ی نوآوری بدهند، اجازه‌ی نوآوری در نظام برنامه‌ریزی را بدهند. خلاقیت و نوآوری امری فطری است. وقتی یک عاقل ده بار از یک برنامه و مدلی استفاده کرد و به چالش کشیده شد، باید طرح نویی بیاورد و مسائل را حل کند. به نظر ما آن طرح نو، مسأله الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت است.

بخشی از مناظره حجت‌الاسلام علی کشوری با دکتر محمدرضا تابش (نماینده مجلس دهم شورای اسلامی)